

جلد ہفتم

تفسیر جامع

از علامہ

کتابخانہ صدر

تہران: ناصر خسرو پارسا و مجید

تقریباً ۲۹۷۶۹۶

جلد هفتم

تفسیر جامع

جمع آوری شده از تفاسیر ائمه و کتب اخبار معتبره

بقلم دانشمند معظم استاد علامه

مرکز تحقیقات اسلامی

آقای حاج سید ابراهیم بروجردی

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف است

از انتشارات کتابخانه صدر

تهران - خیابان ناصر خسرو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش پروردگاری را سزا است که جهان هستی را از کتم عدم بعرصه وجود درآورد و راه و رسم سعادت را به بندگان پیام وخت و برای نجات و کامیابی بشر کتاب و راهنمایی فرستاد تا مانع انحرافات و مظالم آنان شده و آنها را بر اساس دستورات مقدسه به پیرو صلاح دعوت کند و درود بی پایان بر سر سلسله رسل و عقل کل هادی سبیل خاتم پیغمبران محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و بر آل اطهار و اوصیاء ابرارش که والیان امر و حجج پروردگار و اعناء رحمن و کنوز اسرار وحی و مترجم قرآن و مدائن علم و مدارج دانش و عرفانند و لعنت دائمی و عذاب سرمدی بر معاندین و مخالفین ایشان باد که جرثومه ظلم و جور و اهل بدعت و کفر و طغیانند.

و بعد نخست نکته‌ای که لازم است تذکر داد آنستکه تفسیر قرآن فقط مخصوص و ویژه اهل بیت است که معدن وحی و تنزیل و تالی تلوه قرآن هستند و تألیف تفسیر و تدوین حدیث از خامه شروع شد و شیعیان اول کسانی بودند که اهتمام بکتابت تفسیر و تدوین حدیث نموده و مبتکر این اساس شده و یاد دیگران دادند و قدر و ارزش آنان را مقدسه اسلام و مآثر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را شیعیان نیکوتر دانسته و بهتر از هر فرقه و بیش از هر کس بآن اهتمام نمودند عامه و اهل تسنن در آغاز اسلام اعتناء و عنایتی به تفسیر قرآن و تدوین حدیث نداشتند چه

گمان میکردند تدوین حدیث و تفسیر قرآن جایز نیست از این جهت عقب ماندند چنانکه طبری نقل نموده که عمر همیشه میگفت قرآن را تجرید و آنرا تفسیر نکنید و از پیغمبر صلی الله علیه و آله حدیث نقل نکنید که من شریک شمایم و اکیداً فداغن کرد کسی حدیث و تفسیر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بازگو نکند و نیز روایت کرده که ابی هریره دوسی گفت حدیث و نقل گفتار از پیغمبر صلی الله علیه و آله را واگذار و گرنه تورا بسرزمین دوسی روانه خواهم کرد.

و این کثیر در تاریخ خود نقل نموده که عمر بکعبه احبار گفت حدیث از پیغمبر خدا را واگذار و گرنه تورا بسرزمین قرده و هوزینگان روانه خواهم کرد. و حاکم که یکی از علماء عامه است در مستدرک خود روایت کرده که عمر به ابن مسعود و ابودرداء و اباذر گفت تفسیر قرآن و نقل نمودن حدیث از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چیست و چه معنا دارد؟ و آن سه نفر را در مدینه حبس نمود بخاطر آنکه تفسیر قرآن و نقل حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله می نمودند و در حبس بودند تا عمر کشته شد و این مطالب را علماء دیگر از علماء نیز بیان نموده اند و همین معامله را با ابوموسی اشعری انجام داد با آنکه او نیز عمر مقرب و عادل بود.

و این کثیر از ابی هریره روایت کرده گفت ما توانائی نداشتیم حدیثی از رسول خدا نقل نمائیم و بگوئیم پیغمبر چنین فرموده تا عمر جان داد و میگفت اگر شما اصحاب تفسیر قرآن یا حدیث از رسول خدا نقل کنید همانا تفسیر و احادیث مخلوط و بامشبه بقرآن خواهد شد و من نخواهم گذاشت بکتاب خدا چیزی مخلوط و یا مشبه شود.

و از آثار ناپسند این روش آن شد که گفتار و تفسیر و حدیث رسول خدا در میان مسلمانان مشرک و فراموش شد و این سیره عمر ضریب مهلکی بر امت اسلام و بر تعالیم و شرف و تقدم و تعالی مسلمین بود و این سیره تاروا بیش از یکصد سال عامه مسلمین را از تدوین حدیث و تفسیر قرآن عقب انداخت تا عمر بن عبدالعزیز در عصر خلافت خود فرمانی متعده المال در این باره صادر کرد ولی بعد از صد سال

خاموشی دیگر سخنان پیغمبر خدا از یادشان رفته بود - بسکه خاموش نشستم سخن از یادم رفت - سپس اول کسی که از عامه تفسیر قرآن را بصورت کتاب در آورده باشد بود (در سال ۱۰۴ هجری) پس از آن وافدی متوفی در سال (۲۰۷ هجری) و طبری متوفی در سال (۳۱۰ هجری) اینها چون اعتقادی بامام خود ولایت خاندان نبوت نداشتند تا از روی گفتار و فرموده های ائمه که سرچشمه فیض و معدن وحی و تنزیل هستند تفسیر قرآن را فرا گیرند پس مطابق احکامات و فطرت عادی خود خواستند چیزی از آیات قرآن و رازهای آفرینش را بدانند ناچار شدند از یهود و نصرائیهایی که در میان عربها بودند سؤال نمایند و آنها بیشتر از طوایف حمیر مقیم یمن بودند و پس از ظهور اسلام گرچه مسلمان شدند و با احکام اسلام عمل مینمودند ولی افکار و اخباری را که کتبی و شفاهی از یهود فرا گرفته بودند همچنان نگاه میداشتند و هر گاه عربها از آنان چیزی سؤال میکردند بدون تحقیق از روی مندرجات کتاب تورا و عهد عتیق پاسخ آنها را میدادند و باین ترتیب کتب تفسیر عامه از همان منقولات یهود انباشته شد و گذشته از معشرین یهود از میان تازه مسلمانان مسیحیان و صائبیان و زردشتیان نیز همدای مفسر برخاستند که بعضی از ایشان در نظر عامه مسلمین مقام بلندی پیدا کردند و آنچه را که مسلمانان از آنها سؤال مینمودند مطابق اطلاعات و معلومات خود پاسخ میدادند معروفترین آنها وهب بن منبه است که اصلش ایرانی است و مذهب زردشتی بوده با هیئتی از طرف پادشاه ایران بجهة همراهی و معاونت فرمانروای یمن بر ضد پادشاه حبشه به یمن آمدند این عده از ایرانیان در یمن اقامت کردند و توالد و تناسل نمودند و عربها آنها را ابناء (فرزندان) فارس مینخواندند طوایف کیسان که یکی از تابعین مشهور است از همان طایفه میباشد پندان وهب بن منبه زردشتی بودند همینکه به یمن آمدند با یهود یمن خلط و آمیزش کردند و از عادات و رسوم یهود مطالبی فرا گرفتند سپس با حبشیان مسیحی معاشرت نمودند و از آنها چیزهایی فرا گرفتند وهب بن منبه علاوه بر این معلومات زبان یونانی هم میدانست و طبعاً از آداب و رسوم یونانیها نیز مطلع بود

در نتیجه اطلاعات وسیعی از اوضاع دنیا و تاریخ انبیاء و سلاطین و غیره بدست آورده بود چنانکه خود او مدعی بود که هفتاد و دو کتاب آسمانی را مطالعه کرده است بدیهی است که عامه مردم بچنین کسی اعتماد بسیار داشتند و هر چه میخواستند از او میپرسیدند و او هم بواسطه معلومات وسیع خود جوابهای مناسبی بآنان میداد از اینجهت تفاسیر عامه مطالب نادرست بسیار دارد و آنچه را میان یهود و نصاری و مجوس و سایر ادیان در جزیره العرب شایع بوده جزء تفاسیر عامه درآمده است همانطوری که بسیاری از عادات و رسوم بتپرستی جزو مسیحیت در آمد خلاصه همینکه کتب فلسفه و منطق بزبان عربی انتقال یافت و عامه مردم و مسلمانان باستدلال و قیاس و اجتهاد آشنا شدند در مندرجات تفاسیر متقدمین تجدید نظر کردند و باعتقاد خودشان آنچه را که مخالف عقل و منطق بود حذف نمودند چنانکه ابن عطیه و قرطبی و جلاله زمخشری صاحب تفسیر کشاف مطالب مخالف منطق و عقل را از تفاسیر اولیه حذف نمودند و اینان نیز چون در سند فهم معانی قرآن برآمدند طبعاً بگفتههای رسول خدا احتیاج پیدا کردند تا با فهم احادیث نبوی معانی قرآن را درك کنند و چون منکر ولایت و امامت بودند بخاندان نبوت و احادیث وارده از آن بزرگواران رجوع ننمودند احادیث و گفتار رسول خدا را از طریق صحابه گرفتند و بدیهی است میان صحابه اشخاص منافق و جاهطلب بسیار بود و بسیاری هم از ایشان طالب ریاست و خلافت بودند و هر دسته ای بطرفداری سر دسته خود دنبال دلیل تراشی رفته بود و دلائل خود را با احادیث معموله تحکیم می نمود و در نتیجه جعل حدیث میان عامه معمول شد و هرج و مرج را می یافت و شکفت نیست که طمع کاران برای جلب منافع خصوصی از خود حدیث بسازند چنانکه عایشه حدیثی جعل کرده و گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میفرمود از ما جماعت پیغمبران هدم و دینار ارث برده نمیشود و این را مستمسك قرار دادند و حق رفتن حضرت زهرا (ع) را غصب نموده و از دستش گرفتند و مانند این حدیث بسیار است و مطابق گفته و نوشتههای اهل تحقیق مشهورترین کسانی که در حدیث سازی

افراط کردند چهار نفر بودند ۱ - ابن یحیی در مدینه ۲ - وافدی در بغداد ۳ - مقاتل ابن سلیمان در خراسان ۴ - محمد بن سعید در شام گاهی از اوقات حدیث سازان بگناه خویش اعتراف میکردند چنانکه در سال ۱۵۳ هجری چون محمد بن سلیمان والی کوفه فرمان قتل ابن ابوالعوجا را که حدیث ساز بود صادر کرد وی گفت حال که مرا بقتل میرسانید بدانید که چهار هزار حدیث ساخته و پرداخته ام و بدانوسیله حرام شما را حلال و حلال شما را حرام کردم و با آن احادیث دوزخ خود را گشودید و بی حجه روزه گرفتید دیگر حدیث سازان مشهور احمد جویباری - و ابن عکاشه کرمانی - و ابن تمیم قرطبی است بطوریکه ابن سهل سری میگوید اینان ده هزار حدیث از پیش خود جعل کردند .

در کافی باب اختلاف حدیث از سلیم بن قیس هلالی روایت کرده گفت حضور امیر المؤمنین علیه السلام عرض کردم فدایت کردم از سلمان و مقداد و ابی ذر چیزهایی از تفسیر قرآن و احادیث رسول خدا می شنوم که مغایرت دارد با آنچه که در دست مردم است و از شما تصدیق گفتار سلمان و مقداد و ابی ذر را می شنوم پس از آن بسیاری از تفسیر قرآن و احادیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را از مردم می شنوم و تمام آنها مخالف فرموده های شما است آیا آن تفاسیر و احادیث باطل است و آیا آن مردم افتری می بندند بر رسول خدا و قرآن را به و او را رأی خود تفسیر میکنند و به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عدا دروغ نسبت میدهند آنحضرت فرمود ای سلیم بن قیس سئوالی نمودی جواب آنرا نیکو بفهم بدانکه احادیث و تفاسیری که در دست مردم است مخلوط است از حق و باطل، راست و دروغ، ناسخ و منسوخ، عام و خاص محکم و متشابه، حقیقت و گمان همانا در حیوة رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرتش دروغهایی نسبت دادند بطوری که روزی بالای منبر تشریف برد پس از قرائت خطبه فرمود ای مردم چه شده است که این اندازه بمن نسبت دروغ میدهید و از قول من دروغهایی جعل میکنید بدانید هر کس عدا بمن دروغ به بندد جایگاه او در آتش جهنم خواهد بود ، و پس از رحلتش نیز دروغهای بسیاری به حضرتش

نسبت دارند ای سلیم بن قیس حدیثی که میشنوید و بدست شما میرسد از چهار بخش بیرون نیست و پنجمی ندارد - ۱ - حدیثی که شنیده هر دو دست منافق در ظاهر مؤمن است و اظهار قدس و مسلمانی میکند و عموماً بر رسول خدا دروغ می بنده ! اگر مردم بدانند آن شخص منافق و دروغگو است هرگز سخن و حدیث او را قبول نمیکنند و نمی پذیرند ولی بخاطر آنکه پیغمبر اکرم را دیده و فرمایش حضرتش را شنیده حدیث او را قبول میکنند بدون آنکه خودش را بشناسند و آگاه شوند از تفاقی پروره گار توصیف میفرمایند منافقین را و بیان میکنند شرح حال آنها را در قرآن سوره منافقین آیه ۱ میفرماید ای رسول ما تو چون اجسام و اشکال صوری منافقین را مشاهده کنی آراستگی ظاهری ایشان تو را بشگفت آورده چنانچه سخن گویند بسخنهاي آنها گوش فرا خواهی داد ولی در باطن گویا مانند چوب خشك هستند بر دیوار هر صدائی بشنوند به زیان خویش پندارند ای رسول ما دشمنان حقیقی دین و ایمان اینان هستند بر حذر باش از ایشان خدا آنها را بکشد بمکر و حیله از حق بکجا باز میگردد آن صحابه منافقین پس از رحلت رسول خدا بواسطه کذب و دروغ و بهتان نزد پیشوایان باطل و گمراه مقرب شدند ، آن پیشوایان منافقین را عمال خود قرار داده و بر گردن مردم سوار کردند و وسیله ایشان بمال و حطام دنیا رسیدند و مردم تابع پادشاهان و اموال دنیا هستند مگر کسانی که خداوند ایشان را با لطف و عنایت خود نگاه میدارد و حفظ میفرماید - ۲ - حدیثی که شنیده کسی است که چیزی از پیغمبر خدا شنیده است ولی آنطور که باید و شاید فرمایش حضرتش را درک نکرده و نفهمیده و عمداً نسبت دروغ به پیغمبر نمیدهد اگر مردم بدانند این شخص فرمایش رسول خدا را نفهمیده از او قبول نمیکنند و چنانچه خود او هم بداند اشتباه کرده حدیث نمیکنند - ۳ - مردی است که از رسول خدا شنید که امر فرمود بچیزی پس از آن نهی کرد از آن چیز این شخص نهی حضرتش را ندانست حفظ نموده حکم منسوخ را ورها کرد ناسخ آن را اگر میدانست این امر منسوخ شده هر

گز آن را نقل نمی نمود و چنانچه مسلمانان میدانستند حدیثیکه او نقل کرده منسوخ شده و نباید بآن عمل کرد آن حدیث را رها میکردند و گوش بسخنان آن شخص نمیدادند ۴ - مردی حدیث میکند از رسول خدا و هرگز نسبت دروغ به حضرتش نمیدهد و از خدا و رسولش میترسد و دروغ و کذب نزد او مبغوض است و سخنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیکو فهمیده و حفظ نموده آنطوریکه سزاوار است بداند و حفظ نماید و چیزی بر فرمایشاتش افزوده و کم نکرده ناسخ و منسوخ را میداند عمل بناسخ میکند و منسوخ را رها کرده چنین مردی سزاوار است حدیث او را قبول نمود چه فرمودهای پیغمبر صلی الله علیه و آله مانند قرآن ناسخ و منسوخ و عام و محکم و متشابه دارد پروردگار فرمود آنچه را رسول خدا امر فرمود عمل کنید و هر چه را نهی کرده رها نمائید پس کلام خدا و رسولش بر مردم مشتبه میشود نمیدانند چه اراده فرمودند باین کلام و چنین نیست تمام اصحاب هر چه از آن حضرت سؤال نمودند بدانند و بفهمند پاسخ سؤال خود را بعضی از اصحاب چیزی را پرسش میکردند و نمی فهمیدند و دوست داشتند عرب بیابانی بیاید حضور رسول خدا و چیزی سؤال کند تا آنها بشنوند من هر روز و هر شب وارد میشدم بر رسول خدا خلوت میکرد مجلس را و اسرار را بمن میفرمود تمام اصحاب میدانند رسول خدا بجز من با کسی خلوت نمیکرد و بجز من اسرار را به کسی نمیگفت بسیاری از اوقاتیکه بمنزل من تشریف میآورد آنچه را جبرئیل آورده بود برای من بیان میفرمود حسنین و فاطمه هم حضور داشتند و هنگامیکه بر حضرتش وارد میشدم امر میفرمود زنهای از حضورش بیرون روند هر چه سؤال میکردم جواب میداد و چون ساکت میشدم حضرت ابتدا میفرمود بسخن گفتن نازل نشد بر رسول خدا آیه ای مگر آنکه پیغمبر اکرم آن را بر من تلاوت می نمود و تفسیر و املاء میفرمود و من آن را بخط خود مینویشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و عام و خاص قرآن را بمن تعلیم نموده و دعا فرمود خداوند فهم تمام آنها را بمن عطا فرماید و ترك فرمود حضرتش آنچه را که خداوند تعلیم او نموده از

حلال و حرام و امر و نهی و حوادث گذشته و آینده از اطاعت و نافرمانی مردم و
عمیان آنها مگر آنکه تمام را بمن تعلیم فرمود و هرگز فراموش نکردم هرگز و
کلمه ای از آنها را و فراموش نخواهم کرد حتی آن چیزهایی را که فراموش
فرمود من هرگز نمیرسم بر تو فراموشی را علاوه دست مبارک را بسته من نهاد
و از خداوند درخواست که مملو سازد قلبم را از دانش و فهم و حکمت و تدبیر

و این حدیث عیناً همان خطبای است که در نهج البلاغه فرموده حد پاسخ
آن کسی که سؤال نمود از حضرتش راجع باحادیث بدع و اختلاف خبر

و از تمام این بیانات دانسته شد که نمیشود به تفاسیر و احادیث عامه اعتقاد
نمود و بسیاری از آنها کذب و جعل است و اگر گفته شود این ملاک عیناً در احادیث
شیعه نیز موجود است چه در عصر هر امامی چند نفر حدیث ساز وجود داشته اند
چنانکه حضرت صادق علیه السلام بحرین فرمود همیشه در میان اهل کوفه دروغگویان
و حدیث سازانی بوده اند مغیره بن سعید به پدرم دروغ می بست و احادیثی می ساخت
و آنها را به پدرم نسبت میداد و ابو الخطاب احادیث دروغی بمن نسبت میداد و
میگوید من اصحاب را امر کردم که نماز مغرب را بجا نیاورند تا ستارگان ظاهر
شوند دروغ میگوید آن ملعون و در حدیث دیگر فرمود اصحاب مغیره بطور ناشناس
وارد میشدند میان اصحاب پدرم و کتب آنها را می گرفتند به من می دادند آن
ملعون احادیثی از کفر و زندقه جعل مینمود و مخلوط میکرد به احادیث پدرم و
نسبت میداد آنها را به حضرتش و باصحاب خود میگفت این احادیث مجعوله را
انتشار دهید میان شیعیان پس هر حدیث که در کفر و زندقه مشاهده کردید
در کتب اصحاب بدانید آن از ساخته گیهای مغیره و همانند او است

جواب گوئیم احادیث شیعه بطور مسلم با احادیث عامه فرق بسیاری دارد
زیرا علماء عظام عمری شب زنده داری کردند و بدنهای خود را فرسودند و مشقت
و زحمتهای کشیدند در تصحیح احادیث شیعه تا متقح نمودند آنها را و جدا کردند
حق را از باطل ، و مجعول و صاف آن را از هر شیعه و کجی و ناسافی و تمیز دادند

ساخته گی ها را از غیر آن و روشن نمودند آن احادیث را مانند روشن شدن صبح از تاریکی و ظلمت شب و عادت قدماء و اصحاب معاصرین ائمه تا زمان مؤلفین کتب اربعه که بیش از سیصد سال است آن بود که ضبط مینمودند احادیث را و مدون میکردند آنها را در حضور ائمه معصومین و بدون توقف و تأمل آنچه را از امام میشنیدند مینوشتند از ترس سهو و فراموشی سپس آن نوشته ها را عرضه میداشتند بر امام و بصورت کتاب در میآوردند و آن را اصل مینامیدند ، چنانکه سلیم بن قیس هلالی در عسر امیر المؤمنین علیه السلام مبتکر این موضوع شد و اصل سلیم معروف و مشهور است و در زمان هر يك از ائمه جمعی مشغول بنوشتن و جمع آوری احادیث شدند و کتاب اصلی فراهم نمودند تا نوبت باصحاب حضرت صادق علیه السلام رسید چهارصد نفر از آنها چهارصد کتاب نوشتند و معروف و مشهور شد باصول اربعه ماهیه و حلال نمیدانستند نوشتن حدیثی را که قطع بصحت آن نداشتند چنانکه کتاب عبيدالله بن علی حلبی را به حضرت صادق علیه السلام عرضه داشتند تصدیق فرموده آن را و کتاب یونس بن عبدالرحمن و اصل فضل بن شاذان را به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام عرضه داشتند تصدیق نموده و تمجید فرموده مؤلفین آنها را و ادب و عادت ائمه معصومین آن بود آگاه میکردند شیعیان را بر احوال دروغگویان و امر میفرمودند که اجتناب و دوری بجویند از آنها و عرضه بدادند احادیث ایشان را بر قرآن و سنت نبویه و روا کنند آنچه را که مخالف با قرآن و سنت است . کشی در کتاب رجال از محمد بن عیسی بن عبيد بن قتل نموده گفت نزد یونس بن عبدالرحمن بودم بعضی از اصحاب از او سؤال کردند ای ابا محمد چرا این قدر سخت گیری میکنی در احادیث و انکار مینمائی بعضی از احادیث را که اصحاب ما امامیه روایت کرده اند جواب داد از هشام بن حکم شنیدم که حضرت صادق علیه السلام فرموده قبول نکنید حدیثی را مگر آنکه موافق قرآن و سنت باشد و یا شاعدی و یا یبیدیر آن از احادیث متقدمه ما چه غیره بن سعید تصرف کرده در کتب اصحاب پندم و احادیثی جعل نموده و داخل آنها کرده شما اصحاب قبول نکنید حدیثی را که مخالف فرموده پروردگار و رسولش میباشد پس

از آن یونس گفت من بفراق مسافرت کردم در آنجا جمعی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام را دیدم احادیثی از ایشان شنیدم و ازدوی کتبشان استنساخ کردم و آنها را به حضرت رضا علیه السلام عرضه داشتم آنحضرت بسیاری از آن احادیث را رد نمود و فرمود اینها را آن بزرگوار نمروده اند، ابا الخطاب ملعون این احادیث را بآن حضرت نسبت داده تا امروز تا بعین آن ملعون احادیثی جعل میکنند و مخلوط مینمایند بکتب اصحاب ما، قبول نکنید حدیثی را که مخالف با قرآن و سنت است همیشه احادیث ما مطابق با قرآن و موافق با سنت میباشد زیرا ما ائمه از خدا و رسولش حدیث میگوئیم و هرگز نمیگوئیم فلان و فلان چنین گفته اند تا کلمات ما ائمه با هم تناقض داشته باشد بدانید کلام آخر ما مانند کلام اول ما میباشد و گفتار اول ما مصداق گفتار آخر ما است هر حدیثی بخلاف این بشما اصحاب رسید آنرا بصاحبش برگردانید که او اولی است باین حدیث و بدانید از برای گفتار ما حقیقت و نورست و کلامی که حقیقت و نور از برای آن نیست آن کلام گفتار شیطان است. تمام قنما و اصحاب مانند یونس احتیاط نمیکردند در احادیث چه ائمه بخاطر اطمینان امر فرموده بودند باصحاب عرضه بدارند احادیث را بقرآن و سنت تا مجعول و کاذب معلوم گردد آیا با این کوشش و جدیت ائمه مطابق عقل سلیم و طبع مستقیم جایز است چنین مردان بزرگه و تقه و امین حلال بدانند نقل حدیثی که اطمینان بصدق و صحت آن ندارند و اعتمادی بر حقیقتش نیست بطور مسلم عادت آنها این بود که در مصنفات و کتب خودشان ذکر نمیکردند مگر آن حدیثی را که یقین و قطع داشتند در صحت آن و صحتش مانند آفتاب روشن بود و دأب و عادت ائمه هم چنین بوده در هدایت شیعیان و آگاه نمودن آنها را بر تمام آنچه در شریعت از تغییر و تحریف واقع شده و خواهد شد زیرا آن بزرگواران حامل و حافظ و ضابط شریعت هستند و برای ایشان اصحاب خاص و نوایی از ثقات بود که اسرار احکام را بآنها یاد دادند و آگاه کردند. آنان را بر مشکلات و تمام حلال و حرام خداوند خلاصه یا نظر کردن در کتب رجال و مصنفات قنما

یقین حاصل میشود برای شخص متدین که تمام احادیث مضبوطه در کتب معتبره صحیح و خالص شده از هر غل و غشی و مانند احادیث عامه نیست و مقتضای حکمت پروردگار و شفقت ائمه معصومین بر شیعیان خود مانع است از آنکه آنان را در حال ضلالت و گمراهی بگذارند و طریق روشنی بیان تفرمایند تا صدق از کذب تمیز داده شود آن بزرگواران هدایت کردند شیعیان را برآه راست و ترسانیدند آنها را از مداخله دادن کسانی که در دین بدعتی گذاشتند و معرفی کردند حدیث سازان و بدعت گذاران را بعینه و مشخص فرمودند از آنها دوری بجوئید و مجالست نکنید با ایشان چنانکه در باره فارس بن حاتم قزوینی و حسن بن محمد بن بابا و محمد بن نصر نمیری و ابی طاهر بن محمد بن علی بن بلال و احمد بن هلال و حسین بن منصور حلاج و ابن ابی عزا فروایی دلف و بسیاری دیگر از کسانی که خود را شیعه میدانستند و سخنانی چند در غلو و اباحه و تناسخ و گفتار شنیع از آنها ظاهر شد از ناحیه مقدس امام زمان روحی و ارواح العالمین له الفداء توقیعاتی بر لعن و کفر و بیزارى جستن از ایشان صادر شد و تمام آنها را شیخ در کتاب غیبت و کشی در رجال بیان نمودند

و اصحاب ائمه نهایت اهتنام را مینمودند و بمجرد تهمت از اشخاص اجتناب میکردند چنانکه احمد بن محمد بن عیسی بنخاطر طعنیکه قمیون با احمد بن خالد برقی زهد امر کرد او را از قم اخراج کردند و چون آشکار شد مبرا بودن او از آن تهمت بر گردانید احمد را بقم و هنگام وفاتش با پای پیاده از جنازه او تشییع نمود تا مردم بدانند منزله بوده از تهمتیکه باور دهند همین معامله را با سهل بن زیاد آمی بجا آورد و منع کرد مردم را از آنکه حدیثی از سهل بشنوند و روایت کنند و مثل آنکه محمد بن حسن ولید منع کرد مردم را از جمله ای روایت که حدیث از ایشان بشنوند و روایت کنند و از آنها بود محمد بن یحیی اشعری که جمعی از روایت را در سلك ضعیفان شمردند و نسبت کذب و افترا بایشان دادند و آگاه نمودند مردم را بحال آنان مانند محمد بن علی صیرفی ابن سمیه و محمد بن سنان

و یونس بن ظبیان و یزید صایغ و غیر اینها که در کتب رجال شرح ایشان را داده‌اند .

و دیگر آنکه ائمه معصومین علیهم‌السلام و تأکید فرمودند اصحاب و شیعیان را بر کتابت احادیث و هدایت کردند آنها را در امور و احکام دین بر او بیان احادیث و کتب ایشان و اگر در میان کتب و احادیث شیعه حدیثی مجعول باشد کتب عامه یافت می‌شد همانا رجوع دادن بکتب اصحاب و روایت موردی نداشته چه سبب گمراهی شیعیان می‌شد و هرگز ائمه شیعیان خود را برای ضلالت و گمراهی سوق ندهند

شیخ طوسی از حذیفه بن منصور روایت کرده گفت حضرت صادق علیه‌السلام فرمود بشناسید رتبه و منزلت شیعیان ما را بمقدار روایاتی که از ما نقل میکنند ، و در حدیث دیگر باحمد بن حماد مروزی محمودی فرمود بشناسید مراتب شیعیان ما را باندازه نیکوئی و نقل نمودن حدیث از ما اهل بیت همانا ما کسی را در زمره فقهاء محسوب نمیداریم مگر آنکه محدث باشد عرض کردند حضورش آیا مؤمن محدث میباشد فرمود مؤمن مفهم است و مفهم همان محدث میباشد و از علی بن حنظله روایت کرده گفت حضرت صادق علیه‌السلام فرمود قد و منزلت مردم را بشناسید باندازه اینکه از ما حدیث نقل مینمایند

و در محاسن از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود سو کند بخدا حدیثی که از شخص صادق در حلال و حرام بتو برسد بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب میکند ، در کافی از ابی بصیر روایت کرده گفت حضرت بمن فرمود احادیث ما را که میشنوید بنویسید چه شما نمیتوانید آنها را حفظ نمائید مگر بنوشتی . بمقتضی

و بفضل بن عمر فرمود احادیث ما را بنویس و نشر کن آنها را میان شیعیان و اگر وفات نمودی ارث بگذار کتب احادیث ما را برای فرزندان چه بعد از این زمان حرجی خواهد بود مردم در آن زمان انس نمیگیرند مگر با کتابهای

خود شان .

و از عبيد بن زراره روايت کرده گفت حضرت صادق عليه السلام بمن فرمود کتب احاديث خود را حفظ نماييد چه شما جماعت شيعيان بعد از اين محتاج نا بها خواهيد شد .

و از حسين بن احمسي روايت کرده گفت حضرت صادق عليه السلام ميفرمود قلب خاطر جمع ميشود بر نوشتن احاديث

شيخ بهائي روايت کرده که مردی از انصار حضور رسول خدا عرض کرد من حديث را ميشنوم ولی نمیتوانم آن را حفظ کنم فرمود باو بنويس آن را بدست راست خود و اعانت بجو بسبب نوشتن از برای حفظ کردن

و در سرائر از پيغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روايت کرده که باصحاب موفرمود مقيد کنيد علم خود را بنوشتن

و خلاصه ائمه اطهار فروگذار نکردند درباره آنچه شوميان بدان محتاجند و بطور واضح و آشکار بيان فرمودند تکليف مردم را در زمان غيبت امام عصر عليه السلام جعل الله تعالى فرجه چنانکه طبرسي در احتجاج و ابن بابويه در اکمال الدين و کليني در کافی از اسحق بن عقیوب روايت کرده اند گفت نامه ای بتوسط شهاب بن عثمان العمري حضور مولای خود صاحب الامر عليه السلام فرستادم و مائلی چند پرش کردم در جواب نامه توقيعی بخط صاحب الزمان عليه السلام بمن رسيد در آن توقيع فرموده بودند در حوادثی که پيش آيد برای شما شيعيان بايد بر او بان احاديث ما رجوع نماييد ايشان حجتهاي من هستند بر شما و من حجت خداوند مي باشم ، و در دست خط ديگری که رسيد فرموده بود عذري نيست برای کسی از دوستان ما که شك کند در آنچه ثقات شيعيان از ما روايت ميکنند

بعضه

در کافی از عمر بن حنظله روايت کرده گفت حضور حضرت صادق عليه السلام عرض کردند دو نفر از اصحاب مادردين يا ميراث نزاعی دارند تکليف چيست فرمود بايد برای محاکمه و قتل خصومت نزد کسی برويد که حديث ما را روايت

میکنند و بحلال و حرام ما نظر مینمایند و احکام ما را میداند پس راضی شوید به حکومت او من چنین کسی را احکام بر شما قرار دادم اگر او بحکم ما حکم کند وزیر بار حکم او نروید و قبول حکم او نکنید استخفاف بحکم خداوند کرده اید و حکم ما را رد نموده اید و رد نمودن حکم خداوند است و آن در ردیف شرک بعدا است

در کافی از ابی خدیجه روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود هر گاه میان دو نفر از شیعیان در حقوق نزاعی هست مبادا نزد قاضیان جور بروید بلکه بروید نزد مردی که دانا است با حکم ما و راوی حدیث است من او را بر شما قاضی قرار دادم

کشی در کتاب رجال از سلیم بن ابی حیه روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم میخواهم از حضورتان مرخص شوم توشه ای بمن مرحمت بفرمائید فرمود برو نزد ابان بن تغلب احادیث بسیاری از من شنیده آنها را ابان برای تو روایت میکند از طرف من روایت کن آن را و حضرت باقر علیه السلام با ابان فرمود برو در مسجد مدینه بنشین فتوی بده و حدیث بگو برای مردم من بسیار دوست دارم مشاهده کنم میان شیعیان اشخاصی که مانند تو هستند

و حضرت صادق علیه السلام به فیض مختار فرمود هر وقت خواستی حدیثی از احادیث ما را بشنوی برو نزد زرارۀ بن امین و فرمود اگر زرارۀ و امثال او بی بود احادیث ما از بین میرفت و در حدیث دیگر فرمود زنده نکره ذکر احادیث ما را مگر زرارۀ و ابو بصیر لیث مرادی و محمد بن مسلم و یزید بن معاویه عجلای ایشان حفاظ دین خدا و امین پدر من هستند بر حلال و حرام خدا - و در حدیث دیگر فرمود جماعتی را پدرم امین بر حلال و حرام خدا قرار داد و آنها محل اسرار علم و دانش هستند خداوند بخاطر ایشان هر بدی را از مردم برطرف کند آنان در میان شیعیان مانند ستارگان هستند در حال حیات و ممات بواسطه ایشان هر بدعتی که در این دین گذارند بر طرف کرده و شبهه هر باطل غالی از بین برود راوی

میکوید حضورش عرض کردم چه اشخاصی هستند آنان فرمود برید عجلی و زدراره و ابو بصیر و محمد بن مسلم میباشند

در کافی از عبدالله بن ابی یغفور روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم همیشه نمیتوانم شما را زیارت کنم اصحاب نزد من میایند مسائلی سؤال میکنند جواب آنها را حاضر ندارم چه کنم فرمود از عهده مسلم سؤال کن او احادیث بسیاری از پدرم شنیده و نزد او شخص و چیزی بود و جواب سؤال عترة ائمه (که گفت مسائل دین را آنچه میدانم از که پرسش کنم) فرمود از ابو بصیر - و در حدیث دیگر فرمود بشارت بدهود مغبتین را به بهشت و آنها برید بن معویه عجلی و ابو بصیر و محمد بن مسلم و زدراره هستند امین خدا میباشند بر حرام و حلالش اگر ایشان نبودند آثار نبوت کهنه و مندرس میبود و ازین میرفت - و نظایر این احادیث بسیار است و اگر بخواهیم تمام آنها را ذکر کنیم چند مجلد میشود و از مجموع این احادیث بطور تواتر معنوی ظاهر میشود که بنای دین عین و احکام مسلمین در زمان غیبت ولی عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء منوط و مربوط است بر احادیث اهل بیت و مراجعه نمودن بر ائمه و آنها در فتوی و استفتاء و حکم و قضاء و بهمین سبب امر میفرمودند اصحاب با بنوشتن احادیث و کتب برای زمان آینده و بطوریکه سابقاً بیان نمودیم اول کسیکه احادیث را نوشت و بسورت کتاب در آورده سلیم بن قیس هلالی از اصحاب امیر المؤمنین (ع) بود و در عصر هر امامی جمعی مشغول بودند بنوشتن و جمع آوری احادیث تا نوبت بهر حضرت صادق (ع) رسید کاتبین زیاد شدند و معروفین اصحاب آن پسر گوار چهار صد کتاب در حضورش نوشتند که مشهور شد با اصول اربعه مائه و آله معصومین صحت آن اصول را تصدیق نمودند و شیعیان امر و تأکید میفرمودند که در احکام و حوادث بآن کتب و اصول مراجعه نمایند و نهی کردند شیعیان را از عمل کردن بقیاس و گمان و اجماع و اصول مبتدعه عالمه و بعد از آن جمعی از علماء امامیه شکر الله تعالی پیدا شدند آن احادیث و کتب را مرتب و عیوب کردند برای سهولت مسلمین مانند صاحبان

کتاب اریعه : شیخ کلینی صاحب کتاب کافی که در مدت بیست سال از روی کتب
اصول اصحاب ائمه در زمان غیبت صغری حضور چهار نفر نایب خاص حضرت ولی
عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع و تدوین نمود و بنظر مبارک آن حضرت
رسید که تقریظ آن کتاب فرمودند :

(الکافی کف لشیعتنا) کتاب کافی از برای شیعیان ما کافی است - ۲ - و
صاحب کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق این بایوبه همان کسی که بدعی امام
زمان متولد شد و جلالت قدس مشهور و معروف است در اطراف جهان ۳ - و شیخ
طوسی صاحب کتاب تهذیب و استبصار و غیر اینها از صاحبان کثیر کتب معتبره
که تمام آنها از اصول اصحاب ائمه جمع آوری شده است مثل کتاب معانی
احمد برقی متوفی سال ۲۸۰ هجری و بصائر الدرجات سعد بن عبدالله قمی
متوفی سال ۳۰۶ هجری و بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار و نظایر اینها
و از جهة صحت و اعتبار آن کتب وجود مقدس امام زمان در حدیث سابق الذکر
فرمودند : « وادعوا لاهله رجوع نمایند بر آیت کنندگان احادیث ما و ایشان را حجة
خود قرار داده و فرمودند کردن سخنان و گفتار و احادیث آنها در نمون سخنان
و گفتار ما ائمه است و هر کسی سخنان و گفتار ما ائمه را رد کند مشرک است با این
وصف جمعی از دانشمندان نمایان حدیثی که مخالف ذوق و سلیقه آنان باشد و یا بمقتضای
خودشان به حیثیت و استفاده آنها نزد عوام مردم زیان برساند خدشه و تکذیب کرده
و گاهی از اوقات نمود بانه بساحت قدس امام و یا راوی آن احادیث جسارتها کرده
و مردم عوام را بر علیه آن عالم و نقل کننده حدیث و میدارند و توهین از آن
شخص میکنند خداوند عموم مسلمانان را از شر این طایفه شرور که بسیارند در
زمان ما محفوظ بدارد و از فتنه و وسوسه شیطان انسی و جنی حفظ فرماید بحرمت
محمد (ص) و اهل بیت گرامش .

بسته دیگر آنست که برای هر يك از آیات قرآن مجید و هر جمله ای از
کتاب پروردگار حمید ظاهر است و باطنی تفسیر است و تاویل بلکه طبق اخبار

متواتره و احادیث مستفیضه هفتاد بطون و تاویلات میباشد و چنانکه ظواهر آیات قرآن در دعوت بتوحید و نبوت و رسالت خاتم النبیین وارد شده اکثر تاویلات و تنزیلات آن در فضل و شأن و جلالت و قدر و منزلت ائمه معصومین فرود آمده ولی متأسفانه مفسرین از ذکر و بیان تاویلات و تنزیلات چشم پوشیده و متعرض آنها نشده اند و در حقیقت آنچه واجب و لازم و مهم و جلیل بوده از بیان و توضیح آن خود داری کرده اند و از ذکرش مسامحه و غفلت ورزیده اند جز اندکی و شاید علل عدم تعرض و ذکر آنها یکی از جهات ذیل بوده : یا ترسیده اند از مخالفین و از جهة تقیه بیان نمودند و یا از کثرت محارست با کتب و تفاسیر عامه و الوقت پیدا کردن با آنها غافل بودند و اکتفا کرده اند در تفسیر بقول و گفتار مخالفین و یا توجه داشتند بآن ولی بخاطر رضا و دوستی با عامه و خوشنودی ایشان از خود متعرض تاویلات و تنزیلات که در فضائل و مناقب مرتب رسول و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین نازل شده که بمنزله قطب از رحا است در قرآن ذکر و بیان نکرده اند و یا بضاعت و سرمایه علمیه ایشان اندک بوده و سخت و دشوار بود بر آنها بدست آوردن احادیث واده در بیان تاویلات و تنزیلات قرآن و جمع کردن آن در تفاسیر چه احادیث معتبره در کتب اصحاب و آثار و صحف علماء ابرار متفرق و پراکنده است و جمع نمودن و بدست آوردن آنها از کتب متفرقه بسی مشکل و دشوار است و بخواست پروردگار توفیق شامل حال ما شد باز حمت طاقت فرسا آن اخبار و آثار را از کتب معتبره یا پراکنده گئی و متفرق بودن آنها جمع آوری نموده و ذیل هر آیه و بمناسبت هر جمله از آیات قرآن که متضمن يك سلسله حقایق و معارف است بزبان ساده و پارسی روان و اسلوب نوین بیان نمودیم و این ابتکار را در میان جامعه تشیع و دانشمندان از خود بیاد کار گذاشتیم و تکالیفی که در شریعت مقدسه اسلامیه بر عموم مکلفین مقرر شده ذیل آیات احکام طبق احادیث معتبره و فرموده ائمه معصومین شرح و بسط داده و معظم عبارات و فروع دین مبین را از روی فرموده های آن بزرگواران بیان نمودیم تا ناظرین و خواستندگان این تفسیر شریف احتیاج

بسیار کتب و رساله‌عملیه نداشته باشند و با خاطری آسوده و خیالی راحت و اطمینان کامل طبق آن عمل نموده و رفتار کنند و بطور یقین تکالیف دینی خود را انجام داده و بری‌الذمه شوند چه مدارک آن احکام نص صریح و فرموده اهل بیت عصمت و طهارت است که اطاعت و فرمانبرداری از ایشان بنص آیات قرآن بر تمام مسلمین فرض و لازم شده از طرف پروردگار

در خاتمه تذکر می‌دهم که اخیراً جمعی از دوستان و مؤمنین و خوانندگان گرامی این تفسیر شریف از طهران و شهرستانها و خارج کشور اصرار و تقاضا و خواهش نموده‌اند که احکام و عباداتی که در این تفسیر بیان نمودیم مجدداً و جداگانه بنحویه احکام غیر عبادات و آنچه را از عبادات که بطور خلاصه بیان شده بصورت رساله‌عملیه شرح و بسط دهیم و برای عمل در دسترس آنها و سایر مؤمنین بگذاریم چون فرصت کافی ندارم لذا از انجام این تقاضا فعلاً معذرت می‌خواهم از پروردگار عزت بخواهانم که این خدمت ناقابل را قبول فرماید و منظور توجه و نظر اعلی حضرت ولی عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء واقع گردد و ذخیره‌ای بشود برای آخرت این بنده ضعیف و ما را جزو شیعیان خاص و خالص اهل بیت عصمت و طهارت محسوب بدارد و شفاعت آن بزرگواران را در حق ما پذیرفته و قبول فرماید و از لذت‌شهای گفتار و کردار محفوظمان بدارد آمین یا رب العالمین .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴) الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶) وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷) أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸) وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹) وَالْأَرْضَ وَحَمِهَا لِسُلَّامٍ (۱۰) فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱) وَالْعَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴)

سورة الرحمن

سورة الرحمن درمکه نازل شده هفتاد و هشت آیه و سیصد و پنجاه و یک کلمه و هزار و شصت و سی و شش حرف است .

مخواس و ثواب تلاوت آن : طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره الرحمن را در روز جمعه قرائت کند و چون آیه فبای آلاء ربکما تکذبان را تلاوت نمود بگوید لا یشی من آلاء رب اکذب اگر در آن روز بمیرد شهید مرده است و فرمود برای هر چیزی عروسی است و عروس قرآن سوره الرحمن است و فرمود ترک نکنید خواندن این سوره را زیرا قرار نمی گیرد در دلهای منافق سوره الرحمن - روز قیامت این سوره سورت آدمی نیکو منظر و خوش بو وارد محشر شود و در جوار پروردگار توقف نماید باو گفته شود هر کس قیام بتو نموده و در دنیا بقرائت تو مداومت کرده از او شفاعت کن، گوید پروردگارا فلان و فلان مرا قرائت نموده اند - پس سورت های ایشان سفید گردد و داخل

ترجمه سوره الرحمن

بنام خداوند بخشنده مهربان

خدای مهربان (۱) بر سواش عز و جلال قرآن آموخت (۲) و انسان را آفرید (۳) نطق و بیان با و تعلیم نمود (۴) خورشید و ماه با حساب معین در گردشند (۵) گیاه و درختان او را سجده میکنند (۶) بر افراشت آسمان را و ترازوی عدل را در عالم نهد (۷) تا تجاوز و نافرمانی نکنید در میزان عدل (۸) و هر چیزی را بترازوی عدل و انصاف بسنجید و در میزان کم نکنید (۹) و زمین را برای زندگی خلق مقرر فرمود (۱۰) و در آن میوه های گوناگون و درخت خرما را با پوشش و غلاف است (۱۱) و دانست که دارای برگ و ریاحین است (۱۲) ای انسان و جن بکدام يك از نعمتهای پروردگار انکار میکنید؟ (۱۳) انسان را خداوند از گلی مانند گل کوزه گران آفرید (۱۴)

بهشت شوند - و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس تلاوت کند این سوره را خداوند باضعاف مضاعف او را رحمت کند چه او اداشکر نعمت خدا را بجا آورده و هر که بنویسد آنرا و همراه خود نگاه بدارد کارهای سخت بر او آسان گردد و اگر مرضی دارد بخود به بند شفا یابد و اگر پردیوار خانه بنویسد گزند گان از آن خانه باند خدا دور شوند - خلاصه مطالب سوره الرحمن عبارت است از احسان و انعام پرورده کار پر بند گان خود و دلایل توحید و خداشناسی و اعاده خلایق پس از فتنای آنها و وعده و وعید و اوصاف بهشت و حورالعین .

قوله تعالى: الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البيان :

چون این سوره مشتمل است بر تعدد نعمتهای دنیا و آخرت لذا افتتاح فرمود آنرا باسم الرحمن چه رحمت کسی است که رحمت او وسعت دارد برای هر موجود و مخلوقی خواه آن مخلوق کافر باشد یا مؤمن و از این جهت توصیف نمیکند کسی را باین اسم جز خداوند تعالی و مقدم داشت تعلیم قرآن را زیر آن اجل و اشرف نعمتها است و قرآن اساس دین و منشأ شرع و اعظم وحی و اعز کتب آسمانی است چنانکه فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شریفترین استمن حاملین قرآن می باشند و در

وَخَاقَ الْجَبَانِ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶)
 رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸)
 مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) يَنْتُحِيَانِ (۲۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱) يَخْرُجُ مِنْهَا الْكُوفُورُ وَالْمُرْجَانُ (۲۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳) وَلَهُ الْغَوَاوِرُ الْمُنَشَاتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)
 فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵) كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶) وَيَسْئَلُ رَجُوهَ رَبِّكَ
 ذُوالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

حدید: دیگر فرمود یاد بگیرید قرآن را و یاد بدهید آنرا به مردم چه در قرآن تمام حقایق کتب آسمانی مندرج است و گویا این آیه جواب گفتار قریش است هنگامیکه نازل شد آیه (وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ) گفتند ما رحمانی نمی شناسیم جز صاحب یمامه که اسم او رحمن است این آیه جواب آنها و کسانی است که گفتند قرآن را بعضی از افراد بشر به محمد ﷺ تعلیم و یاد دادند پروردگار فرمود رحمن همان کسی است که قرآن را بر سولش محمد آموخت و انسان را از عدم بوجود آورده و باو نطق و بیان آموخت - طبری از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بیان اسم اعظم خداوند است که باو دانسته می شود هر چیزی و از حسین بن خالد روایت کرده گفت معنای آیات فوق را از حضرت رضا علیه السلام سؤال نمودم فرمود خداوند قرآن را بر سولش محمد تعلیم فرمود و مقصود از انسان در اینجا وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام است پروردگار آموخت با حضرت بیان هر چیزی بیکه مردم بآن محتاجند از احکام دین و دنیا و معاش و معاد و اخبار گذشته و حوادث آتی.

(الشمس والقمر بحسبان) خورشید و ماه بحساب معین در گردشند - خورشید

سیر و قطع میکند برجها را در مدت ۳۶۵ روز و چند ساعت و ماه در مدت ۲۸ روز

و جنیان را از شعله آتش متحرک خلاق کرد (۱۵) ای انسان و جن کدام يك از نعمت پروردگار تان را انکار میکنید؟ (۱۶) آن خدائی که آفریننده دوشمال و دوشمال است (۱۷) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۱۸) او است که دودریا را بهم درآمیخت (۱۹) میان آن دودریا فاصله ایست که تجاوز به حدود یکدیگر نمیکند (۲۰) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۲۱) از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون آورد (۲۲) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۲۳) و از برای او است کشتیهای بزرگ مانند کوه که بدریا در گردشند (۲۴) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۲۵) هر چه در روی زمین است دستخوش مرگ و فنا است (۲۶) و باقی وزنده همیشگی ذات با جلال و عظمت خداوند است (۲۷) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۲۸)

و کسری تخصیص ذر این دو برای زیادی منافع آنهاست از برای مردم مانند روشنائی و نور و شناختن روز و شب و سال و ماه و منفعتهای دیگر. **عنه** یعنی عباس ذیل آیه فوق از داود علیه السلام روایت کرده که تاویل آید از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم فرمود خورشید و ماه دو آیت از آیات الهی هستند که بامر پروردگار بحساب همین در گردشند خداوند آنها را مثل آورده برای دشمنان ما ائمه همانکسانیکه هتک حرمت ما را کرده و بر ما ظلم و ستم نموده و حقوق ما را غصب کرده اند و فرموده آن دورا عذاب میکنم عرض کردم عذاب آنها چگونه است فرموده سؤال نمودی از چیزی دقت کن تا جواب آنها بخوبی بفهمی بدان ای داود نور خورشید و ماه از نور عرش خدا است و جرم آنها از جهنم است روز قیامت نورشان برمی گردد بسوی عرش و حره شان بسوی جهنم - چه در قیامت خورشید و ماهی وجود ندارد خداوند مثل آورده ماه و خورشید را از جهة عذاب بیاولی و دومی آیا نشنیده ای که پیغمبر اکرم فرمود: خورشید و ماه دو نور آتشند - آیا نشنیده ای که مردم می گویند اولی و دومی دو نور و خورشید این امت هستند راوی عرض کرد بلی فرمود: پس آندو نفر در آتش جهنم هستند سو گند بعدا که قصد نکرده از خورشید و ماه غیر آند و نفر را (والنجم

يَسْتَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۹) قَبَائِلُ
 الْآلَاءِ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ (۳۰) سَفَرُكُمْ لَكُمْ آيَةُ الْفُتُلَانِ (۳۱) قَبَائِلُ الْآلَاءِ
 رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ (۳۲) يَا مَعْشَرَ الْبَشَرِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ
 أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)
 قَبَائِلُ الْآلَاءِ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ (۳۴) يُخْتَلُّ عَلَيْكُمْ شَوَاطِلُ مِنْ نَارٍ وَنُعَاسٍ
 فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵) قَبَائِلُ الْآلَاءِ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ (۳۶) فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ
 فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷) قَبَائِلُ الْآلَاءِ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ (۳۸)

والشجر يسجدان والسماء رفعها ووضع الميزان الا تطفوا في الميزان (پروردگار
 در این آیه مقابل دو نعمت آسمانی خورشید و ماه دو نعمت زمینی گیاه و درختان را ذکر
 کرد و آنها اصل و ماه از ذاق حیوانات میباشند گیاه و درختان هم پسجده اوسر به عا
 اطاعت نهاده اند و آسمان را کاخی رفیع گردانید و میزان عدل و نظم را در عالم وضع فرمود
 و حکم کرد که ای بندگان هرگز در میزان عدل و احکام شرع من تعدی و نافرمانی
 نکنید محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود نجم رسول خدا است
 پروردگار در چند موضع از قرآن آنحضرت را نجم نامیده یکجا فرمود و النجم اذا
 هوى در جای دیگر فرمود و علامات و بالنجم هم به تدوین و شجر وجود مقدس
 امیرالمؤمنین است و ائمه طاهرین که بمقدار چشم بهم زمین خدا را معصیت نکردند
 و مراد از آسمان پیغمبر اکرم است خداوند او را بلند گردانید و میزان امیرالمؤمنین
 است منصوب نمود او را پروردگار برای خلائق بعد از رسول اکرم الا تطفوا في الميزان
 یعنی معصیت و طغیان و نافرمانی نکنید درباره امام (واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا
 الميزان) یعنی از راه عدل و انصاف معطیع و فرمانبردار امام باشید و از او پیروی کنید
 و هرگز در حق امیرالمؤمنین و فرزندان او تعدی و ستم ننمائید (والارض وضعها للانام

هر که در آسمان و زمین است همه از او حوائج خود را میطلبند و در هر روز بشارت و کاری پردازد (۲۹) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۰) ای طایفه جن و انس بزرودی بحساب کار شما خواهم پرداخت (۳۱) ای جن و انس کدام يك از نعمت های پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۲) ای طایفه جن و انس اگر میتوانید در اطراف زمین و آسمانها بروید و از قبضه قدرت خداوند بیرون روید (محال است) هرگز از ملك و سلطنت خدا نتوانید خارج شد (۳۳) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۴) خدا بر سر شما شرابه های آتش و مس گذاشته فرودآرد تا هیچ نصرت و نجاتی نیابید (۳۵) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۶) هنگامیکه آسمان شکافته شود مانند گل سرخ کون و چون روغن روان گرده (۳۷) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۸)

فیها فاكهة والنخل ذات الاكمام والحب ذوالعصف والريحان) و زمین را با هزاران منفعت برای زندگانی خلق مقرر فرمود و در آن میوه های گوناگون گرمای پاپوشش و برگ و شکوفه و علات و حبوبات متنوع که دارای برگ و ریاحین است برای ادزاق خلق برورانیید (لبای آلا، ربکما تکذبان) این آیه در ظاهر خطاب بجن و انس است یعنی کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید و در باطن خطاب بابو بکر و عمر است - در کافی از ابی بصیر روایت کرده گفت معنای آیه فوق را از حضرت صادق (علیه السلام) - سؤال نمود فرمود خداوند خطاب می کند بآن دو نفر بکدام يك از نعمت من بمعتمد ^{بما یستعملون} یا بعلی که به بندگان عطا نمودم تکذیب و انکار و کفران میکنید (خلق الانسان من صلصال کالفخار و خلق الجن من نار) انسان را خدا از گلی خشک و چسبنده مانند گل کوزه گران بدین حسن و زیبایی آفرید و جنیان را از زبانه آتش مختلف زرد و قرمز و سبز که در آن دودی نبوه خلق کرد چه مرج مخلوط شدن چیزیست بچیز دیگر و جان را ابو الجن گویند چنانکه آدم را ابو البشر نامند ابی بصیر از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال نمود خبر دهید مرا از خلقت اجنه فرمود جان را خلق کرد از آتش سموم و آن آتشی است که نه حرارت دارد و نه دود و او را عارج

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ (۳۹) قَبَائِلُ آلَاءِ رَبِّكَ
 تُكَذِّبَانِ (۴۰) يُخْرِفُ الْجَبْرُمُونَ بِسَمِيعِهِمْ قَبِيضٌ خَذُّ الْوَامِي وَالْأَقْدَامِ (۴۱)
 قَبَائِلُ آلَاءِ رَبِّكَ تُكَذِّبَانِ (۴۲) هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْجَبْرُمُونَ (۴۳)
 يَطُوفُونَ فِيهَا وَبَيْنَ حَبِيمٍ أَنْ (۴۴) قَبَائِلُ آلَاءِ رَبِّكَ تُكَذِّبَانِ (۴۵)
 وَلَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (۴۶) قَبَائِلُ آلَاءِ رَبِّكَ تُكَذِّبَانِ (۴۷)
 ذَوَاتَا أَفْئَانٍ (۴۸) قَبَائِلُ آلَاءِ رَبِّكَ تُكَذِّبَانِ (۴۹) فِيهَا قَيْنَانِ
 تُجْرِيَانِ (۵۰) قَبَائِلُ آلَاءِ رَبِّكَ تُكَذِّبَانِ (۵۱) فِيهَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ
 زَوْجَانِ (۵۲) قَبَائِلُ آلَاءِ رَبِّكَ تُكَذِّبَانِ (۵۳)

نامید و جفتش را از همان آتش آفرید و موسوم کرد او را به مارچه باهم همبستر شدند
 فرزندی از آنها متولد شد بنام جن و از این فرزند قبایل و طوایف بسیاری بوجود
 آمد که یکی از آنها شیطان ملعون است و از برای جان و جن فرزندان پسر و دختر
 توأم این متولد می شد تعداد آنها رسید بعدد منگریزه های بیابان (رب المشرقین
 و رب المغربین قَبَائِلُ آلَاءِ رَبِّكَ تُكَذِّبَانِ) پرورده گاز دو مشرق و دو مغرب است ای
 جن و انس کدام يك از نعمتهای خدای خود را انکار می کنید ؟ مفسرین برای تکرار
 آیه قَبَائِلُ آلَاءِ رَبِّكَ تُكَذِّبَانِ چند وجه ذکر کرده اند ولی تکرار برای اختلاف
 فوائد است چون نعمتهای مختلف را بیان کرد نزد هر نعمتی آیه را بجهت تنبیه و
 تذکر و توبیخ بیان و تکرار فرمود و این معنا شایع و متعارف است بین مردم و
 در اشعار عرب نظیرش بسیار است چنانکه یکی ازما بدیگری می گوید الم احسن
 اليك بان اعطيك الم احسن اليك بان خلعتك الم احسن اليك بان رفعتك الم احسن
 اليك بان خلعتك: و در معنی که با عطا کرده جمله الم احسن اليك را تکرار کرده
 مهلهل بن ربیعہ مرثیه ای در قوت برادر خود باین مضمون سروده :

در آن روز هیچ از گناه انس و جن نپرسند (۳۹) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۰) آنروز بدکاران از سیمایشان شناخته شوند پس آنها را به وی پیشانی با پایانشان بگیرند (۴۱) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۲) در آنروز گویند این همان دوزخست که بدکاران تکذیب آن میکردند (۴۳) اینك کافران میان آن دوزخ و دد آتش سوزان آن میگردند (۴۴) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۵) هر کسی از مقام قهر پروردگارش بترسد برای او دو باغ بهشت خواهد بود (۴۶) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۷) در آن دو باغ انواع گوناگون میوهها و نعمتها است (۴۸) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۹) در آن دو بهشت دو چشمه آب تسنیم و سلسبیل روانست (۵۰) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۵۱) در آن دو بهشت از هر میوه ای دو نوع موجود است (۵۲) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۵۳)

علی ان لیس عدلا من کلّی	اذا طرد اللّیثم من الجزور
علی ان لیس عدلا من کلّی	اذا عرجت معیابة العذور
علی ان لیس عدلا من کلّی	اذا ما خاف جار المستجير

ولیلی اخیله در مرثیه توبه حمیری می گوید:

لنعم الفتی یا ترب کنت اذا لتقت	صدور الا عالی و استمال الا سائل
و نعم العتی یا توب کنت ولم تکن	لتسبق يوماً کنت منه تغاذل
و نعم الفتی یا توب کنت بخائف	اناک لکی تحمی و نعم المجاهل
و نعم الفتی یا توب جار او صاحب	و نعم الفتی یا توب حین تفاضل

در این ابیات جملات تکرار شده برای اختلاف احوال و معانی و وجه دیگر برای تاکید است . ابی بسیر ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مشرقین رسول خدا و امیر المؤمنین و مغربین امام حسن و امام حسین است (مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا یبغیان) دریای آب شور و گوارا را بهم در آمیختن تا مخلوط شدند و میان آن حائلی مقرر فرمود که با

مُتَكِبِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَاشُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَتَجَا الْجَنَّتَيْنِ دَابَّ (۵۴)
 قَبَائِ الْأَءِ رَبُّكُمَا تُكَذَّبَانِ (۵۵) فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ
 قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ (۵۶) قَبَائِ الْأَءِ رَبُّكُمَا تُكَذَّبَانِ (۵۷) كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ
 وَالْمَرْجَانُ (۵۸) قَبَائِ الْأَءِ رَبُّكُمَا تُكَذَّبَانِ (۵۹) هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا
 الْإِحْسَانُ (۶۰) قَبَائِ الْأَءِ رَبُّكُمَا تُكَذَّبَانِ (۶۱) وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)
 قَبَائِ الْأَءِ رَبُّكُمَا تُكَذَّبَانِ (۶۳) مُدْهَمَّامَتَانِ (۶۴) قَبَائِ الْأَءِ رَبُّكُمَا
 تُكَذَّبَانِ (۶۵) فِيهِمَا عَيْنَاتٌ نَضَاجَاتٌ (۶۶)

یکدیگر آمیخته نشوند چنانکه شیرینی آنند یا بواسطه شوری دریای دیگر تها
 و فاسد نگردد و لؤلؤ و مرجان از دریای شور بیرون آورند وقتی باران میبارد
 صدف سر از دریا بیرون میآورد و دهن باز میکند هر قطره باران که در دهن آن
 بیافتد مروارید میشود - طهرسی از ابن عباس روایت کرده گفت شنیدم پیغمبر اکرم
 ﷺ حضرت فاطمه (ع) میفرمود اید دختر عزیزم بشوهرت علی دل خوش دار بخدا
 قسم علی سید و بزرگ مرد دنیا و آخرت است در این اثنا آیه فوق نازل شد فرمود
 ما دریای علم علی بن ابیطالب را با دریای حلم و صمت فاطمه زهرا بهم در آمیخته
 و مخلوط نمودیم و از آنها لؤلؤ و مرجان یعنی حسن و حسین را بیرون آوردیم
 و جهة آسمان آن دو بزرگوار را بدین تشبیه فرمود بخاطر توسعه فضل و بسیاری خیر
 و صفات حمیده آنها است چنانکه اسی برای پیغمبر اکرم ﷺ هدیه آوردند
 فرمود این اسب را دریائی یافتیم چه آن دارای اوصاف ستوده ای بود حضرت صادق
 ﷺ فرمود علی و فاطمه دو دریای عمیقی هستند که هیچکدام از آنها بدیگری
 ظلم و ستم نمودند و بیرون آمد از ایشان حسن و حسین دو لؤلؤ و مرجان .
 نقلی که از علماء عامه است قبل آیه فوق از سعید بن جبیر روایت کرده گفتم

در آنها بهشتیان بر بسترهایی که از حریر و استبرق است تکیه کرده و میوه‌های درختانش در همان تکیه گاه در دسترس آنها است (۵۴) ای جن و انس کدام يك از نعمت‌های پروردگار را انکار میکنید؟ (۵۵) در آن بهشتها زنان زیبای با حیاتیست که دست هیچك از انس و جن (پیش از شوهران) بآنها نرسیده است (۵۶) ای جن و انس کدام يك از نعمت‌های پروردگار را انکار میکنید؟ (۵۷) آن حوریان گویا در لطافت و صفا مانند یاقوت و مرجانند (۵۸) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید (۵۹) آیا پاداش نیکویی و احسان جز نیکویی و احسان است؟ (۶۰) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۶۱) مادون آن دو بهشت دو بهشت دیگر است (۶۲) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۶۳) درختان آن دو بهشت درمنتهای سبزی و خرمی است (۶۴) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۶۵) در آن بهشت دیگر هر دو چشمه آب می‌جوشد و زیر درختانش جاریست (۶۶)

پیغمبر فرمود علی وفاطمه دو دریای علم و حلم و نبوت هستند که خداوند از ایشان لؤلؤ و مرجان حسن و حسین را بیرون آورده و واسطه میان آنها من هستم . لطیفه اهل اشاره گفته اند این دو مدیا یکی معرفت و دیگری معصیت نفس است و بین آنها رحمت و عصمت است تا معصیت نفس ستم و ظلم بر معرفت دل نکند خلاصه آنکه آیه کریمه یکی از معجزات باهره قرآن کریم در ۱۴ قرن پیش است که امروز در پرتو علم ثابت گردیده که در دریاها دو آب درجه مخالف یکدیگر حرکت مینمایند و خداوند کریم بواسطه حاجز و حائل آنها را از خلط و مزج ممنوع فرموده است و در اصطلاح علماء کلف لستريم نامیده شده است (وله الجوار المنشآت فی البحر کالاعلام) و اوراسی کشتیهای بزرگ مانند کوه که در دریاها در گردشند ، ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذوالجلال و الاکرام) هر که در روی زمین است دستخوش مرگ و فنا است ، این عباس گفت چون آیه فوق نازل شد قرشتگان گفتند اهل زمین هلاک شدند پروردگار آیه و یبقی وجه ربك ذوالجلال و الاکرام را

قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۷) فَبِمَا فَاكِسَہٗ وَنَحْلًا وَرَمَانَ (۶۸)
 قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۹) فَبِمَنْ خَلَقَاتِ حَبَابَ (۷۰)
 قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۱) مُحَوَّرَاتٍ فِی الْغِیَامِ (۷۲)
 قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۳) لَمْ یَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۷۴)
 قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۵) مُتَكَبِّرَیْنِ عَلٰی زُفْرَیْ خَضِرٍ وَصَبْرَیْ
 حَسَنِ (۷۶) قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۷) تَبَارَكَ اِسْمُ رَبِّكَ
 ذِی الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ (۷۸)

نازل نموه یعنی زنده ابدی ذات خدای منعم باجلال و عظمت است فرشتگان دانستند
 یهودیان هم خلاق خواهند شد این بابویه ذیل آیه فوق از عبدالسلام هروی روایت
 کرده گفت حضور حضرت رضا علیه السلام عرض کردم چیستی مفسر روایتی که گفته اند
 ثواب گفتن کلمه لا اله الا الله نظر کردن بوجه الله است فرمود ای اباصات هر کس
 وصف کند خدا را بوجه هائند و جوه مردم لا کافر است وجه خدای پیغمبران و ججهتهای
 او میباشد که بوسیله ایشان مردم بخدا و دین و معرفت او توجه پیدا می نماید
 و حضرت امام زین العابدین فرمود ما ائمه وجه خدا هستیم مردم بوسیله ما باید
 متوجه پروردگار شوند

(یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ كُلُّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ) پروردگار در این
 آیه بی نیازی از مخلوقات را بیان نموده و میفرماید هر موجودی که در آسمانها و
 زمین است از فرشته و آدمی و جن و سایر موجودات دیگر همه حوائج خود را از
 او میطلبند و او هر روز در شأن و کاری است این بابویه ذیل آیه فوق از حضرت
 رضا روایت کرده فرمود از کار پروردگار آنست که روز زنده میکند و میمیراند
 و روزی میدهد و لَا کم و زیاد میگرداند و درجات بندگان را و رفیع و یا خوار و

ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۶۷)
 در آن بهشت نیز هر گونه میوه و خرما و انار بسیار است (۶۸) ای جن و انس کدام
 يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید (۶۹) و آن گهستان زنان نیکو و با
 حسن و جمال بسیارند (۷۰) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار
 میکنید؟ (۷۱) حوریانی که در سرایردهای خود پوشیده اند (۷۲)
 ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۷۳)
 پیش از شوهران دست هیچ کس بدان زنان نرسیده است (۷۴) ای جن و انس کدام
 يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۷۵) بهشتیان با حورالعین بر تخت
 و بساط زیبا تکیه زده اند (۷۶) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را
 انکار میکنید؟ (۷۷) بزرگوار و مبارک نام پروردگار تست که خداوند جلال
 و عزت و احسان و کرامت است (۷۸) - پایان ترجمه سوره الرحمن

پست میکند (سفرغ لکم آیه الثقلان) ایطایفه جن و انس بزودی بحساب کار
 شما خواهیم پرداخت - همین عباس ذیل آیه فوق از زاده روایت کرده گفتمنای
 آیه را از حضرت باقر علیه السلام سوال نمود فرمود تغلبین ما ائمه اهل بیت هستیم و
 کتب خدا شاهد بر این فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود انی نأمرک
 فیکم التقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی - من میان شما مردم دو چیز پر بها
 بامامت میگذارم یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت من است
 (یا اهل الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض فانفذوا لاتعمنون
 الا بسلطان) ایطایفه جن و انس اگر میتوانید در اطراف زمین و آسمانها بروید و
 اربعه قدرت خداوند بیرون روید و البته هر گز نمیتوانید بیرون بروید مگر با حجت
 علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود
 روز قیامت آسمان دنیا بر زمین احاطه نماید و آسمان دوم با آسمان دنیا و همچنین
 تا آسمان هفتم با آسمان ششم پس از آن مادی از طرف پروردگار خدا کند ای جن
 و انس اگر میتوانید بگریزید از اطراف آسمانها بیرون روید ولی هر گز نمیتوانید
 بیرون بروید مگر با حجت - راوی میگوید پس از این فرمایشات حضرت باقر علیه السلام

گریه کرده عرض کردم قنایت کردم. ایفرزند رسول خدا در آن وقت پیغمبر و امیر المؤمنین کجا هستند؟ فرمود آن یزرگواران بر منبری از نور نشسته اند تمام مردم خائف و ترسناک و معزوز هستند جز پیغمبر و حضرت او آنگاه تلاوت نمود آیه من جاء بالحسنة فله عشر مثوا و هم من فزع يومئذ آمنون و فرمود ولایت امیر المؤمنین حسنه است. طبرسی از بعضی مفسرین نقل نموده که آنها گفته اند معنای آیه آنست اگر بخواهید قدرت و توانائی پیدا کنید بر آنچه در آسمان و زمین است نمیتوانید مگر با حجت و بیان و از این آیه استفاده میشود چنانکه علم و دانش مخصوصی باشد میتواند به عالم بالا و آسمان و کرات دیگر برود (با اسباب و نیروی علم و دانش) (یرسل علیکما خواظ من نار و نحاس فلا تنصران) قرستاده شود بر سر شما شراره های آتش و مس گداخته و هیچ نصرت و نجاتی نخواهید یافت (فاذا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان) و چون آسمان شکافته شود گلگون و مانند روغن آب شده روان گردد. یکروز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عبور فرمود بجوانی افتاد که مشغول نماز بوه گریه میکرد و آیه فوق را در نماز تلاوت مینمود و میگفت وای بز من از آنروز که آسمان شکافته شود رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود ای جوان به آنخدائیکه جان من بدست قدرت او است که فرشتگان از گریه تو بگریستند (فیومئذ لا یستدل من ذنبه اناس ولا جان) این بابویه ذیل آیه فوق از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس دارای ولایت امیر المؤمنین علیه السلام باشد و از دشمنان ما ائمه یزاری بجوید و حلال بداند حلال خدا را و حرام بداند حرام او را و گناهی مرتکب شود که در دنیا توبه نکند پروردگار او را در عالم برزخ بکفر آن گناه عذاب مینماید روز قیامت وقتی از قبر بیرون آید گناهی بر او نباشد تا مورد پرسش و مجازات واقع کرده این حدیث را طبرسی نیز روایت کرده (يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي و الاقدام) شیخ مفید در اختصاص ذیل آیه فوق از حمویه بن عمار روایت کرده گفت حضرت صادق فرمود ای حمویه مردم این آیه را چگونه تفسیر میکنند؟ عرض کردم میگویند خداوند می شناسد روز قیامت مردم را از سیمایشان فرمود دروغ میگویند آیا خداوندی که مخلوقات را آفریده

محتاج است بر اینکه آنها را از سیمایشان بشناسد عرض کردم ای فرزند رسول خدا پس
 معنای آیه چیست؟ فرمود زمانیکه قائم عالم محمد عجل الله تعالی فرجه قیام کرد خداوند
 سیمای دشمنان ما را بایشان می شناساند پس امر میکند با آنحضرت که آنها را گرفته
 با شمشیر سرشان را از تن جدا کنند و این حدیث را نعمانی در کتاب غیبت و صفار
 در بصائر الدجیات روایت کرده اند (هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون يطوفون
 بينها وبين حميم آن) روز قیامت به بدکاران گفته میشود این همان دوزخیست
 که تکذیب آن میکردید اینک کافران میان آن دوزخ و در حمیم سوزان آن
 بگردند ابن بابویه ذیل آیه فوق از عبدالسلام مروی روایت کرده گفت از حضرت
 رضا علیه السلام پرسیدم آیا بهشت و دوزخ خلق شده اند و موجود هستند فرمود بلی
 شبیکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمعراج تشریف برد داخل بهشت شد و جهنم را از بالا
 مشاهده کرد گفتیم جمعی از مردم میگویند هنوز بهشت و دوزخ آفریده نشده
 فرمود آنها از ما نیستند و ما هم از ایشان نیستیم هر کس خلفی بهشت و دوزخ
 را منکر شود خدا و رسول او را تکذیب کرده و از ولایت ما ائمه
 خارج شده است و مخلد در دوزخ باشد زیرا خداوند فرموده هذه جهنم التي يكذب
 بها المجرمون. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شبیکه بمعراج رفتم جبرئیل دست مرا
 گرفته داخل بهشت نمود و از میوه آن بمن داد تناول کردم از آن میوه نطفه دخترم
 فاطمه منعقد شده وقتی بر زمین فرود آمدم و با خدیجه هم بستر شدم فاطمه حامله
 شد و فاطمه حوراء اسیه است هر وقت مشتاق بوی بهشت میشوم آن بورا از دخترم
 فاطمه استشمام میکنم - در اختصاص از عبدالحمید روایت کرده که گفت در مسجد
 الحرام حضور حضرت صادق شریف شدم قرآنی بمن مرحمت کردند دیدم در آن
 قرآن آیه فوق بطریق ذیل نوشته شده: (هذه جهنم التي كنتم بها تكذبون فاصليا
 فيها لائموتان ولا تحييان) فرمود آیه خطاب با ولی و دومی است (و لمن خاف مقام
 ربه جنتان) و هر که از مقام قهر و کبريائي جدا بترسد برای او دویاخ مردمشت
 خواهد بود. در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود
 هر کس بداند که خداوند کردار و گفتار او را می بیند و می شنود و با اعمال خیر و
 شر او دانا است و در نتیجه اعمال قبیح خود را برای خاطر رضای خداوند ترك کند

آنکس از مقام پرورده گار خود خائف است. ابن بابویه از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که فرمود ام سلمه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سوآل نمود رنی بعد از شوهر اول خود که وفات نموده شوهر دیگری اختیار کرده پس از مرگ چون داخل بهشت میشوند آن زن بکدامیک از این دو شوهر تعلق دارد فرمود اختیار بدست آن زن میباشد و فرمود اختیار بکند هر کدام از آنها را که خلقش نیکوتر است ای ام سلمه حسن خلق مایه خیر دنیا و آخرت است (ذواتا افتان) در آن دو بهشت و انواع میوهها و نعمتهاست در آن بهشت دو چشمه آب تسنیم و سلسبیل روانست و از هر میوه ای دو نوع که یکی را در دنیا دیده و دیگری را ندیده موجود است (متکئین علی فرش بطائنها من استبرق و جنا الجنّین دان) بهشتیان بر بسترهایی که آستر آنها حریر و استبرق است در کمال عروت تکیه زده اند و میوه درختانش در همان تکیه گاه در دسترس آنها است و در آن بهشتها زنان زیبای با حیائیت که بچشم پرناز و غمزه جز شوهر خود ننگرند و دست هیچیک از انس و جن پیش از آنها بآن زنان نرسیده است آن زنان حوریه در صفا و لطافت گویا یاقوت و مرجانتند (هل جزاء الاّ احسان الاّ احسان) ابن بابویه فیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود جزای کسیکه به نعمت توحید متعمم است غیر از بهشت چیزی نیست (ومن دونها جنتان) پائین آن دو بهشت، خدا ترسان را دو بهشت دیگر است حدیث باقر علیه السلام فرمود چهار بهشت است دو بهشت برای خدا ترسان و آن اختصاص دارد بمؤمنین سابقین و دو بهشت دیگر که فضیلتش کمتر است که در قرب مخصوص اصحاب یمین می باشد و آن بهشت نعیم و بهشت مأوی است و در این چهار بهشت میوه های بسیار است بعدد درختان و ستارگان و بر اطراف آنها دیواری است که بمسافت پانصد سال راه از طلا و نقره و یاقوت کشیده شده و ملاط آن مشک و زعفران است و نوری از آن می تابد که انسان صورت خود را در آن مشاهده مینماید و هشت در دارد (عدھا مئتان) درختان آن بهشت در متهای سزی و خرمی در آن است دو چشمه آب گوارا میجوشد و زیر درختانش جاریست و در آن از هر گونه میوه خوشگوار و خرما و انار بسیار است (فیهن خیرات حسان) در آن بهشت زنان نیکو و با حسن و جمال بسیارند از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایت کرده‌اند که فرمود زنان بهشت دست بر دست یکدیگر می‌زنند و باوازی که مثل آن شنیده نشده می‌گویند ما هرگز چشم نکنیم و از این مکان بیرون نرویم ما آراسته بنصال و جمال هستیم برای شوهران کریم خود (حور مقصودات فی العیام) در آن بهشت حورانی است که در سراپرده‌های خود از چشم بیگانگان پنهانند و پیش از شوهران دست هیچکس از جن و انس بآن زنان نرسیده است پیغمبر اکرم ﷺ فرمود شبیه که به معراج رفته مشاهده کردم در بهشت کنار نهرها خیمه‌هایی زده‌اند از مرجان از آنجا صداهائی بلند شد السلام علیک یا رسول الله گفتیم ای جبرئیل اینان چه اشخاصی هستند گفت حورالعین میباشند از خدا اجازه خواستند تا بر شما سلام کنند و می‌گفتند ما همیشه زنده‌ایم و هرگز نمیمیریم و گرفتار عسرت نشویم و همبستران مردان کریم هستیم (متکین علی رفرف خضر و عبقری حسان) بهشتیان با حورالعین بر رفرف سبز و بساط زیبائی تکیه‌زده‌اند ای طایفه جن و انس کدامیک از نعمتهای خدایتان را انکار و تکذیب می‌کنید؟ (تبارک اسم ربك ذي الجلال والاكرام) بزرگوار و مبارک نام پروردگار تواسه ای انسان که صاحب جلال و عزت و احسان و کرامت است

در بصائر الدرجات فیهل آیه فوق از حضرت باقر ع روایت کرده فرمود که ما جلال خدا و کرامت او هستیم که پروره گلر به پندگان خود در اثر فرمانبرداری و اطاعت از ما بآنها کرامت و عطا فرموده‌است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَّتِ الْوَاقِعَةُ (۱) لَيْسَ لَوْقَتِهَا كَاذِبَةٌ (۲) خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ (۳)
 إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا (۴) وَبُسَّتِ الْعِبَالُ بُسًا (۵) فَكَانَتْ هَبَاءً
 مُنْبَثًا (۶) وَكُنُتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (۷) فَأَصْحَابُ الْيَمْنَةِ مَأْصَحَابُ الْيَمْنَةِ (۸)
 وَأَصْحَابُ الْمَشْنَةِ مَأْصَحَابُ الْمَشْنَةِ (۹) وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰)
 أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱۱) فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (۱۲) ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

سورة واقعه

سوره واقعه در مکه نازل شده بود شش آیه بود سیصد و هفتاد و هشت کلمه ، هشتاد و هفت دو سحر فاست .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره واقعه را در هر شب جمعه تلاوت کند خداوند او را دوست بدارد و محبوب مردم شود و در دنیا باو بدی نرسد و احتیاجی نداشته باشد و هیچ آفتی از آفات دنیا را نبیند و از رفقای امیرالمؤمنین علیه السلام محسوب میشود و این سوره مخصوص آنحضرت است و کسی که آن شریک نیست و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را تلاوت کند از غافلین محسوب نشود و اگر آن را بنویسد و در منزل خود نهد خیر زیادی مشاهده کنند و هر که بر قرائت آن مداومت بکند فقر از او بر طرف شود و توسعه مال

ترجمه سوره واقعه

بنام خداوند بخشنده مهربان

چون واقعه بزرگ قیامت بپا گردد (۱) و در وقوعش هیچ دروغ و شک نیست (۲) آنروز قومی را خوار و ذلیل کند و قوم دیگر را عزیز و بلند گرداند (۳) آنکه که زمین بلرزه در آید (۴) و کوهها متلاشی و زیر و زبر شود (۵) و مانند فراط گردد هوا پراکنده گردد (۶) در آنروز شامسه طایفه باشد: (۷) اصحاب دست راست ~~چند~~ چقدر حالشان نیکو است (۸) و اصحاب دست چپ چقدر روزگارشان بد است (۹) و کسانی که در ایمان بر همه پیشی گرفتند ^(۱۰) آنها مقربان در گاهند (۱۱) در بهشت های پر نعمت پیوسته متعینند (۱۲) جمع بسیاری از امت های پیشین (۱۳)

و زیادی حافظه نصیب او گردد این بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود: هر کس قرائت کند سوره واقعه را در هر شب پیش از خواب در حفظ خداوند باشد و ملاقات کند خدا را در حالتیکه صورت او مانند ماه شب چهارده است و فرمود در تلاوت سوره واقعه منفعتهائی است که قابل شمار نیست از آن جمله اگر بالین شخص معترض قرائت کنند روح آن به سهولت خارج شود و چنانکه بر میت بخوانند خداوند او را بپارزد

خلاصه مطالب سوره واقعه عبارت است از آنکه قیامت البته واقع میشود و دروغ نیست و مردم سه طایفه هستند اصحاب راست و اصحاب چپ و سابقون و بیان احوال آنها و دلایل بعثت و نشود و حالات خلائق هنگام هر که و خارج شدن از دنیا (قوله تعالی اذا وقعت الواقعة لیس لواقعها کاذبة) هنگامیکه قیامت واقع گردد و در وقوعش هیچ ریب و کذب نیست آن روز قومی را بد و ذبح فرو برد و خوار و ذلیل کند و طایفه ای را بدرجات بهشت سر بلند و رفیع گرداند. این بابویه قبل آیه فوق از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس پندنگرد و به وعظهای خداوند خارج

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۱۴) عَلَى سُرُرٍ مَوْضُوعَةٍ (۱۵) مُتَكِبِينَ عَلَيْهَا
 مُتَقَابِلِينَ (۱۶) يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ (۱۷) بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ
 وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (۱۸) لَا يُصَدِّقُونَ هَتَا وَلَا يُنَزِّفُونَ (۱۹) وَفَارَکَهَ
 مِمَّا يَخْتَارُونَ (۲۰) وَلَسَمَ طَيْرٌ مِمَّا يَشْتَارُونَ (۲۱) وَهُمْ فِيهَا
 كَأْسٌ مِمَّا يَشْتَارُونَ (۲۲) كَأْسٌ مِنْ لَبَنٍ أَلْوَنٍ لَا يَتَغَيَّرُ
 فِيهَا لَبَنٌ وَلَا نَارٌ وَلَا سَمٌ وَلَا حُمَاقٌ (۲۳) جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴) لَا يَسْمَعُونَ
 فِيهَا لَقْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (۲۵) إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (۲۶) وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ
 مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۲۷) فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ (۲۸) وَطَلْحٍ مَبْثُودٍ (۲۹)

شود از دنیا با حسرت و پشیمانی سو گند بخدا نیست دنیا و آخرت مگر مانند دو
 کفه ترازو هر کدام که سنگین شود آن یکی سبک گردد پس این آیات تلاوت فرمود
 (اذارجت الارض رجاء و بست الجبال بسافت کانت بها و منبتا) آنگاه که زمین سخت بحرکت
 و لرزه در آید و کوهها از هم متلاشی شود و مانند ذرات گرد هوا پراکنده گردد (و کنتم
 ازواجاً ثلثة فاصحاب الیمین و اصحاب المشرقة و اصحاب المشرقة ما اصحاب المشرقة
 و السابقون السابقون اولئک المقربون) در آن روز شما خلائق به طایفه مختلف شوید
 اصحاب دست راست و اصحاب دست چپ که مردمی شوم و اهل شقاوتند و کارشان درد و زخ
 سخت است و طایفه سوم آنهایی هستند که در ایمان بر همه پیشی گرفتند آنان
 بحقیقت مقربان در گاهند و در بهشت پر نعمت جاودانی متعینند . علی بن
 ابراهیم از حذیفه یمانی روایت کرده گفت در روز سیزدهم شهر صفر پیغمبر اکرم
 ﷺ امر فرمود به بلال قبل از رسیدن وقت نماز مردم را ندا کند چون صدای
 بلال بلند شد اهل مدینه ضجه و فریاد شدیدی نمودند ؛ گفتند هنوز رسول اکرم
 ﷺ وفات نکرده و از میان ما غایب نشده این چه وقت نماز است رسول خدا تشریف

و اندکی از مردم آخر زمان (۱۴) آنها در بهشت با عزت بر سریرهای
 دریافت مرصع تکیه زنند (۱۵) و با یاران روی یکدیگر بر آن تخت‌های نشینند (۱۶)
 و پسران زیبا که حسن و جویبارشان همیشگی است در خدمت آنها دور میزنند (۱۷)
 با کوزه‌ها و مشرب‌ها و جام‌های پر از شراب ناب (۱۸) هر چه بپوشند دره سری
 یابند و نه مستی عقل و رنج خوار گشتند (۱۹) و میوه‌ها از آنچه برگزینند (۲۰)
 و گوشت مرغ از آنچه بخواهند (۲۱) و زنان سیه چشم زیبا که در لطافت چون
 مروارید پوشیده شده برای آنها مهیا است (۲۲) این پاداش احمالی است که بهشتیان
 بجا آوردند (۲۳) در آن بهشت هیچ سخن لغوی نمیشنوند و یکدیگر گاهی
 نه‌بندند (۲۴) جز سلام و تحیت هیچ چیز نشنوند و نگویند (۲۵) و اصحاب راست چه
 خوش روزگاری دارند (۲۶) در سایه درختان سدر بی‌حد (۲۷) و درختان پر برگ
 و سایه دار (۲۸)

آورد بدبسمه مسجد حلقه در را گرفتم و فرمود: ای مردم آیامه‌شنوید عرض کردند
 بلی ای رسول خدا مطیع فرمان بردار هستیم و ضمانت میکنیم فرمود خبر میدهم بشما که
 خداوند مردم را دو صنف آفرید اصحاب راست و اصحاب چپ مرا از اصحاب راست
 قرار داد و اصحاب راست را سه طایفه نمود اصحاب مینه و مشمه و سابقون من
 از سابقون و بهترین آنها میباشم و آنها را قبیل‌های متعددی قرار داد چنانکه فرمود
 و جعلناکم شعوبا و قبائل و قبیل من بهترین قبیل‌ها است و قبیل را پشته‌ای
 قرار داد و مرا از بهترین (خانواده) برگزید و فرمود: انما یرید الله لیتنب
 عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا من بزرگترین فرزندان آدم و
 گرامی‌ترین شما هستم نزه خدایتعالی و فخری نیست برای من آگاه باشید مرا
 خداوند از میان سه نفر اهل بیت خود انتخاب نمود من و علی و جعفر دو فرزند
 ابیطالب و حمزه بن عبدالمطلب خواسته بودیم از زمین ابطح و هر یک پیراهن
 خود را بصورت خود کشیده بودیم علی طرف راست من و جعفر طرف چپ و حمزه
 یائین یا قرار گرفته بودند بیدار شدم از خواب جبرئیل را با سه فرشته دیگر مشاهده

وِظَلِّ مَمْدُودٍ (۳۰) وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ (۳۱) وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (۳۲) لَا
 مَنطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳) وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ (۳۴) إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً (۳۵)
 فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (۳۶) مُرَبَّيَاتٍ آتَابًا (۳۷) لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۸) ثَلَاثَةٌ مِنْ
 الْأَوَّلِينَ (۳۹) وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۴۰) وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ
 الشِّمَالِ (۴۱) فِي سُجُومٍ وَحَبِيرٍ (۴۲) وَظَلٍّ مِنْ يَنْتُومٍ (۴۳) لَا بَارِدٍ
 وَلَا كَرِيمٍ (۴۴) إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ (۴۵) وَكَانُوا
 يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ (۴۶)

نمودم فرشتگان بجبرئیل گفتند بسوی کدام يك از اینها فرستاده شده ای گفتم
 بسوی محمد و او بزرگ پیغمبران و علی بزرگ اوصیاء و جعفر از برای او دوابال
 سبز است که پرواز میکند در بهشت و حمزه سیدشهادت است
 (ثلاثة من الاولین وقلیل من الاخرین)

(علی سرر موضوئه متککین علیها متقابلین) جمع بسیاری از امم پیشین و
 اندکی از متأخرین در بهشت بعزت بر سریرهای زربافت مرصع تکیه زنند همه
 شادان با یاران و دوستان خود و بروی یکدیگر بر آن سریرها می نشینند - عهدین عباس
 ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده مراد باولین ؛ فرزند آدم
 است که برادرش او را بقتل رسانید و مؤمن آل فرعون و صاحب یس و مقصود از
 آخرین امیر المؤمنین علیه السلام است (یطوف علیهم و لدان مغلدون با کواب
 و اباریق و کاس من معین لا یصدعون عنها و لا ینزفون و فاکهه مما یتخیرون و
 و لحم طیر مما یشتهون) و پسران زیبا که هرگز حسن و جوانی آنها از بین نرود
 گرده آنها بخدمت میگردند با کوزههای بلورین و مشربیههای نرین و جامهای پر
 از شراب ناب نه هرگز از نوشیدن آن درد سری یابند و نه مستی عقل و رنج خمار

در سایه بلند درختان (۳۰) و در طرف آبهای زلال (۳۱) و میوه‌های بسیار (۳۲) که هیچوقت قطع نشود و کسی از آنها منع نکند (۳۳) و زنان زیبا (۳۴) که آنها را ما بیا فریدیم (۳۵) آنان را برای همیشه با کره گردانیدیم (۳۶) شیفتگان شوهران جوان و همسال (۳۷) این نعمتهای بهشتی ویژه اصحاب راست است (۳۸) که جمعی از پیشینیان (۳۹) و جمعی از مردم آخر زمان هستند (۴۰) و اصحاب چپ چه قدر در شغل بودند (۴۱) آنها در عذاب باد سموم و آب گرم باشند (۴۲) و سایبان‌شان دود و آتش جهنم است (۴۳) هرگز بر آنها سرد نشود و نسیمی نوزد (۴۴) این کیفر برای آنست که در دنیا مهرور بودند (۴۵) و بر گناه اصرار میکردند (۴۶)

کشند و میوه خوش هر چه بر گزینند و گوشت مرغان و هر غذائی که مایل باشند. طبری ذیل آیه فوق از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از ولدان اطفال اهل دنیا هستند که نه آنها حسباتی دارند تا ثواب داده شوند و نه سیئاتی تا عقاب کنند ایشان را و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود اطفال که از خادمین اهل بهشت میباشد در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بهترین خورشید در دنیا و آخرت گوشت است پروره گاو میفرماید و لحم طیر مما یشتهون و حور عین کامثال اللؤلؤ اللؤلؤ (المکنون جزاء بما کانوا یعملون) و زنان سیه چشم که در زیبایی و لطافت چون مروارید و لؤلؤی پوشیده‌اند که هوا در آن اثر نکرده تا صفای لون و ضیاء آن را از بین ببرد برای آنها مهیا است این نعمتها پاداش عبادات و اعمالی است که در دنیا بجا آورده‌اند (لا یسمعون فیما لغوا و لا تأتیما الا فیلا سلا ما سلا ما) در آن بهشت هیچ سخن لغو و بیهوده نشود و نه بیکدیگر گناهی بر بندند و جز سلام و تحیت و احترام نگویند و نشنوند (و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین فی سدر منضوه و طالح منضود و ظل ممدود و ماء مسکوب و فا کبة کثیرة لا مقطوعة و لا ممنوعة و فرش مرفوعة) و اصحاب راست و یمین چه خوش روزگاری دارند در سایه درختان سدر پر میوه و بی خار و درختان پر برگ و سایه دار و در سایه بلند درختان و در اطراف نهرهای زلال و میوه‌های بسیار که هیچوقت

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ؕ إِنَّا لَنَجْئُوكَ «۴۷»
 أَوْ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۴۸) قُلْ إِنِّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (۴۹) لَنَجْئُوكَ
 إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۵۰) ثُمَّ إِنِّي أُنَبِّئُكُم بِمَا لَئِكُمُ الْعَذَابُ الْكَثِيرُ (۵۱)
 لَا تَكُونُ مِنَ الْغَافِلِينَ (۵۲) فَأَلْقَوْا مِنْهَا الْبُطُونَ (۵۳) فَشَارِبُونَ
 عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (۵۴) فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ (۵۵) هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ
 الدِّينِ (۵۶) نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (۵۷) أَفَرَأَيْتُمْ
 مَا تُمْنُونَ (۵۸) أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (۵۹)

منقطع نشود و هیچکس بهشتیان را از آن میوهها منع نکند و بسترهای پر بها گسترده شده و فراش (در این آیه کنایه از زنان است چه عربزنان و افراش خوانند) و مرفوعه کمال حسن و زیبایی آنها است (انا انشاء فاهن انشاء فاجعلناهن ابکارا عربا اترابا) مایا فریدیم آن زنان را نیکو خصال و آنها را برای همیشه دوشیزه و بکر گرهانیدیم و شوهر دوست و باغنج و ناز و جوان و همسالان هم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: اهل بهشت چون وارد بهشت شوند جوان و سفید روی و جمده موی گردند (لاصحاب الیمین ثلثة من الاولین و ثلثة من الاخرین) این نعمتهای بهشتی مخصوص اصحاب یمین است. جمعی از پیشینیان و طایفه‌ای از این امت در مجالس از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرموده اگر یکی از زنان اهل بهشت در شب تاریک ظاهر شود نور او روشن‌تر از نور ماه شب چهارده است و عطر او تمام دنیا را فرا گیرد و اگر لباسی از لباسهای اهل بهشت را در دنیا حضور مردم باز کنند بیپوش میشوند چون بآن لباس نظر کنند دیدمهای آنها خیره شود و فرموده سوگند بآنخدائی که قرآن را بمن نازل نمود اهل بهشت روزی جوانی آنها تازه‌تر گردد و حسن و جمالشان زیاده‌تر میشود بر عکس مردم دنیا که روزی روزییرتر و فرتوت و شکسته

و می‌گفتند آیا ما چون مردیم و استخوانمان خاک شد باز هم زنده می‌شویم (۴۷)
یا پدران گذشته ما زنده خواهند شد (۴۸) ای رسول ما بگو البته تمام خلق اولین
و آخرین زنده میشوند (۴۹) و همه در وعده گاه روز معین جمع می‌گردند (۵۰)
آنگاه شما ای گمراهان منکر قیامت (۵۱) از درخت زقوم دوزخ البته خواهید
خوره (۵۲) و شکم‌ها را از آن پرمی‌سازید (۵۳) و از آب گرم جهنم می‌آشامید (۵۴)
بطریقی که شتران تشنه آب می‌آشامند (۵۵) این طعام و شراب ویژه کافرانست در
روز جزا (۵۶) ما خود شمارا آفریدیم پس چرا آفریننده خود را تصدیق نمی‌کنید (۵۷)
آیا ندیدید که از اول شما نطفه‌ای بودید (۵۸) آیا خود شما آن نطفه را بصورت انسان
آفریدید یا ما آفریده‌ایم؟ (۵۹)

تر میشوند و فرمود هر کس صلوات بر من بفرستد و بگوید صلی الله علی محمد و آل
محمد خداوند بر او رحمت بفرستد و اگر بگوید صلی الله علی محمد و بر آل من
صلوات بفرستد بوی بهشت بمشام او ترسد و حال آنکه بوی بهشت از مسافت پانصد
سال راه استشمام میشود (و اصحاب الشمال ما اصحاب الشمال فی سموم و حمیم و نمل
من یعموم لایارد ولا کریم انهم کانوا قبل ذلک مترفین و کانوا یصرون علی
الحنی العظیم) و اصحاب شمال در عذاب آتش سموم و آب گرم باشند و
سایه‌ای از دود آتش دوزخ که هرگز سرد نشود و نه خوش نسیم گردد، این عذاب
برای آنست که پیش از این در دنیا بنار و نعمت پرداختند و از خدا غافل شدند و
بر گناه بزرگ خورده که شرک است، لجاجت و اصرار داشتند و می‌گفتند آیا چون
ما بمیریم و استخوان ما خاک شود باز هم دو باره ما زنده می‌شویم یا آنکه پدران
گذشته ما زنده خواهند شد؟ (قل ان الاولین و الاخرین لمجموعون الی میقات یوم
معلوم) خداوند به پیغمبر اکرم ﷺ خطاب نموده و می‌فرماید ای رسول ما در جواب
این کفار که سوگند یاد کردند حشر و نشری نیست بگو البته تمام خلق اولین و
و آخرین پس از مرگ زنده شده و همه در وعده گاه روز قیامت جمع خواهند شد
آنگاه شما ای گمراهان تکذیب کننده قیامت از درخت زقوم تلخ دوزخ خواهید

فَعَن قَدَرْنَا يَتَنَكُمُ الْمَوْتُ وَمَا تَعْنُ بِمَبْثُوبِينَ (۶۰) عَلَى أَنْ يُبَدَّلَ
 أَمْثَالِكُمْ وَتُنشِئَكُمْ فِي مَالٍ تَقْلُوبُ (۶۱) وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى
 فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۶۲) أَفَرَأَيْتُمْ مَا لَكُمْ مَعْرُوفُونَ (۶۳) أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ
 أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (۶۴) لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (۶۵)
 إِنَّا لَنَكْمُرُونَ (۶۶) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۶۷) أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي
 تَشْرَبُونَ (۶۸) أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ (۶۹)
 لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَا أَجَابًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۷۰)

خورد و شکم را از آن پر خواهید ساخت و از آب گرم مودخ میآشامید چنانکه شتران تشنه آب مینوشند. حد کافی ذیل آیه/ فشار بون شرب الهم از عثمان بن عیسی روایت کرده گفت مردی از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال نمود بیک نفس آب آشامیدن چه صورت دارد؛ فرمود لذتی است و باکی نیست لکن بهتر آنست که سه نفس بپاشامند عرض کرد مردم میگویند اینگونه آشامیدن شرب هم است فرمود دروغ میگویند شرب هم آنستکه هنگام آشامیدن نام خدا را بزبان جاری نکنند. (هذا تزلهم يوم الدين) این طعام و شراب کنار است در روز جزا و قیامت پس از آن آگاه میکند مردم را و میفرماید: (نحن خلقناکم فلولا تصدقون افرايتم ما تمنون ما نتم تخلقونه ام نحن الخالقون) ما شما را بدین خلقت زیبا آفریده ایم پس چرا آفریننده خود را تصدیق نمیکنید. لطیفه بدانکه پروردگار هر گاه خبر دهد از نفس خود بلفظ جمع اشاره است بذات و صفات و اسماء خویش چنانکه میفرماید انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون و اگر خبر بدهد بلفظ مفرد مانند آنکه میفرماید انا ان الله رب العالمین اشاره است بذات مطلقا ولی اگر بنده خطاب کند به پروردگار خود باید خطاب به خویش بلفظ مفرد باشد مثل انت

مائیم که مرگ را بر همه خلق مقدساختیم و کسی بر قدرت ما پیشی نمیگیرد (۶۰) اگر بخواهیم شما را نابود کرده و مخلوقات دیگری مانند شما بیافرینیم و شما را بصورتیکه اکنون از آن بی خبرید برانگیزیم (۶۱) شما از ایجاد و پیدایش اولی خود آگاه شدید پس چرا پند نمیگیرید (۶۲) آیا آن تخمی را که در زمین میکارید دیده اید (۶۳) آن تخم را شما میرویانید یا ما میرویانیم (۶۴) اگر بخواهیم کشته شما را خشک و نابود سازیم آنگاه با حسرت و تمجب (۶۵) گوئید ما سخت در زبان و ضرر افتادیم (۶۶) بلکه از روزی خود بکلی محروم شدیم (۶۷) آیا آبی را که می نوشید متوجه اید (۶۸) آیا شما آن آب را از ابر فرو می ریزید یا ما فرو می آوریم (۶۹) اگر میخواستیم آن آب را تلخ می گردانیدیم پس چرا میاس گذاری نمی کنید (۷۰)

یا رب نه انتم چه لفظ جمع موعم شرك و منافی توحید است ولذا گفته میشود اشهد ان لا اله الا الله تا بخصوص حضرتش گواهی بدهد آیا نمی بینید این آب منی را که شما در رحم های این زنان میریزید آیا شما خود آن نطفه بیجان را بصورت فرزند انسان می آفرینید یا ما آری یا فرستیم ؟ ما مرگ را بر همه خلق مقدساخته ایم و هیچکس نمیتواند بر قدرت ما پیشی بگیرد اگر بخواهیم شما را دفناً نابود کرده و مخلوق دیگری مانند شما خلق می کنیم با صورت و خلقتی که شما ندانید و اکنون از آن بی خبرید (و لقد علمتم النشأة الاولى و فلولا تذکرون افرایتم ما تهرثون انتم تزرعونهم ام نحن الزارعون) شما از نشئه اول خود آگاه شدید و دانستید که ما شما را از عدم بوجود آورده ایم پس چرا اندیشه نمیکنید و متذکر نمیشوید آیا نمی بینید تغمی را که در زمین می افشاید آیا شما آنرا می رویانید یا اینکه ما آنرا از زمین خارج کرده سرسبز می نمائیم . اگر ما بخواهیم کشت و زرع شما را خشک و تباه میسازیم تا آنگاه با حسرت و ندامت بسختن بیوه و محیره مازید و میگوئید ما سخت در زبان و غرامت افتادیم بلکه از روزی خود بکلی محروم شدیم - در کافی ذیل آیه و لقد علمتم . . . از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که فرمود عجب دارم از بعض مردم که منکر مرگ هستند و حال آنکه در هر شب و روز می بینند مردم

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱) أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ
 الْمُنشِئُونَ (۷۲) نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِلْمُقَرَّبِينَ (۷۳) فَسَبِّحْ
 بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۷۴) فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵) وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ
 لَوْ تَغْمُوثُ الْعُظْمُ (۷۶) إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (۷۷) فِي كِتَابٍ
 مَكْنُونٍ (۷۸) لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹) تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ (۸۰) أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُذْهِبُونَ (۸۱) وَتَجْلُونَ رِزْقَكُمْ
 أَنْتُمْ تُكَذِّبُونَ (۸۲) فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ (۸۳)

میپسند و عجب است از کسانی که بشأء آخرت را انکار می نمایند در حالی که نشأء
 اول را مشاهده نمودند و از حضرت صادق علیه السلام ذیل آیه «انتم تزرعونها» روایت
 شده که فرمود هر وقت خواستید رزق کنید و تعم بیافشاند یکمشت از تنعم
 را بدست گرفته و سه مرتبه این آیه را بخوانید و در هر مرتبه بگوئید: خداوند
 زارع است پروردگار این دانه ها را بنام مقدس می افشانیم یا نهایت کت مرحمت فرما
 و ما را از محصولش بهره مند ساز. آنگاه تخم ها را بر زمین بیفشانید

انس بن مالک گفت روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بزمین های انصار عبور
 می کرد فرمود چرا زمینها را کشت و زرع ننموده اید عرض کردند خشکسال
 است و مدتی باران نباریده فرمود چه شده است شما را که تعقل نمی کنید پروردگار
 میفرماید زارع من هستم اگر بخواهم با آب زراعت میکنم با بدون آب و اگر بخواهم
 با باد بنر افشانی می نمایم سپس آیه را تلاوت نمود و فرمود باران در تمام سال
 به يك مقدار می بارد ولی چون قومی معصیت کنند خداوند باران آنها را بر زمین
 دیگر فرود آورد و اگر تمام مردم عصیان کنند باران یکوه و دشت و دریاها ببرد
 و آن قوم از فیض رحمت باران محروم گردند.

آیا آتشی را که روشن میکنید مینگرید (۷۱) آیا شما درخت آنرا آفریدید یا ما آفریدیم (۷۲) ما آن آتش را مایه پند مسافران کوه و بیابان گردانیدیم تا بکار برند (۷۳) پس ای رسول ما بنام بزرگ خدای خود تسبیح گو (۷۴) سوگند یاد نمیکنم باوقات نزول ستارگان (۷۵) و این سوگند اگر بدانید بسیار سوگندبررگی است (۷۶) این قرآن بسیار بزرگوار است (۷۷) در لوح محفوظ سترحق (۷۸) که جز پاکان دست کسی بدان نرسد (۷۹) این قرآن فرود آمده از نرد پروردگار عالم (۸۰) ای کافران آیا با این سخن باز انکار میکنید (۸۱) و قرارداد روزی شمارا و شما بهره خود را نکذیب میکنید (۸۲) پس چگونه خواهد بود هنگامی که چنانشان بگلو رسد (۸۳)

(اقرایتم الماء الذي تشربون انتم انزلتموه من المزن ان نحن المنزلون لو نشاء جعلناه اجاجا فلولا تشكرون) هیچ توجه کرده اید بآبی که هر روز میاشامید آیا شما آنرا از ابر فرو فرستادید یا ما نازل کننده آن هستیم اگر میخواستیم آن آب را بجای آنکه خوشگوار کرده ایم شور و تلخ میگردانیدیم چرا شکر این نعمت بزرگ را نمیکنید.

(اقرایتم النار التي توروون انتم انشاءتم شجرتها ان نحن المنشئون نحن جعلناها تذكرة و مناها للمقوين) آیا با آتش که برای حوائج خود روشن میکنید توجه کرده اید آیا شما درخت آن را بوجود آورده اید یا ما ایجاد کننده آن میباشیم - ما آن آتش را مایه عبرت مسافران کوه و بیابان عالم ساختیم تا برای نجات از سرما و روشنی و پختن غذا از آن استفاده کند (فسبح باسم ربك العظيم) - پس ای رسول ما خود را منت بنام خدای پررگ تسبیح گوی اگر مردم غافلند تو متذکر نعمتهای حق باش (فلا اقسم بمواقع النجوم وانه لقسم لو تعلمون عظیم انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون تنزیل من رب العالمین) سوگند بآیات کریمه قرآن که بر رسول اگر پدر مواقع گوناگون فروه آمده اگر بفهمید این سوگندی است بسیار بزرگ این قرآن بسیار عزیز و گرامی و سودمند است در لوح محفوظ

وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ (۸۴) وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ (۸۵) فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينٍ (۸۶) تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۸۷) فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸) فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَجِيمٌ (۸۹) وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۰) فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۱) وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (۹۲) فَنُزُلٌ مِنْ حَبِيرٍ (۹۳) وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ (۹۴) إِنْ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵) فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۹۶)

که جز دست پاکان و پا کدلان باز نرسد و این کتاب بزرگ از پیشگاه پروردگار جهانیان فرستاده شده ای کافران آیا باین وصف بازقرآن را انکاری نمائید و راه نفاق می گیرید (و تجعلون رزقکم انکم تکذبون) آیا بجای استفاده از حقایق قرآن تنها بهره خود را تکذیب قرار میدهید؟ و در عوض آنکه از این کتاب مبارک پند و عبرت بگیرید آنرا تکذیب مینمائید علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از عبدالرحمن سلمی روایت کرده که شنیدم ابیر المؤمنین علیه السلام آیه را بطریق زیر تلاوت می نمود: و تجعلون شکر کم انکم تکذبون و بعد فرمود میدانم که مردم میگویند چرا باین طریق فرائت کردید رسول خدا باین نحو تلاوت فرمود و بمن نیز دستور داده باین روش بخوانم (فلولا اذا بلغت الحلقوم و انتم حينئذ تنظرون و نحن اقرب اليه منكم ولكن لا تبصرون چگونه است حال این کافران که قرآن را تکذیب میکنند وقتی که چنانشان بگلو رسد و شما وقت مرگ باین محضر حاضرید و مینگرید و ما باو از شما نزدیکتریم لکن شما معرفت و بصیرت ندارید - این قسمت متعلق بآیه قبل است سبب نزول آیه آن بود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بسفری تشریف برده بود جمعی حضورش رسیدند و عرض کردند ای رسول خدا تشنگی نیر ما علیه نسوزد و بکمال شدت رسیده است دعا کنید باران

و شما هنگام مرگ بر بالین آن محضر حاضرید و می‌نگرید (۸۴) و ما باو از شما نزدیک‌تریم و لکن نمی‌بینید (۸۵) اگر چنانست که شما می‌گوئید خدا آفریننده نیست (۸۶) پس روح را دوباره بدن مرده باز گردانید اگر راست می‌گوئید (۸۷) اگر مرده از مقربان مدگاه خدا است (۸۸) مد آسایش و نعمت بهشت جاودانی است (۸۹) و اگر از اصحاب دسی راست است (۹۰) او را بشارت بدهید که تو را سلامتی است از یاران دسی راست (۹۱) و اما اگر از تکذیب کنندگان و گمراهانست (۹۲) نصیحت آب‌حوش جهنم (۹۳) و جایگاهش آتش دوزخ است (۹۴) این وعده‌ها البته یقین و حق است (۹۵) ای رسول ما تو بنام بزرگ‌خدای خود تسبیح بگو و همیشه بیاد خدا باش (۹۶)

پیازد فرمودا گر من دعا کنم و خدای تعالی باران فرستد نمی‌گوئید که طلوع فلان ستاره یا سقوط ستاره موجب نزول باران شد عرض کردند ای رسول خدا این زمان موقع آن نیست که این سخنان را بگوئیم پیغمبر دعا کرده باران شدیدی بارید آنحضرت عبور کرده دید مردی ظرف خور را از آب باران پر کرده و می‌گوید این باران از اثر طلوع فلان ستاره است پیغمبر فرمود من میدانستم که بعضی از شما این سخنان را خواهید گفت آیه فوق نازل شد و فرموده شما حفظ و نصیب خود را تکذیب کردید و نگفتید این باران را خدا بر رحمت خود نازل کرده بلکه گفتید فلان ستاره سبب نزول باران شده است - و شرف الدین از اهل بیت عصمت و طهارت روایت کرده که فرمودند تاویل آیه آنست ای مردم نعمت ولایت آل محمد علیهم‌السلام را که خداوند به شما عطا نموده تکذیب کردید پس چگونه خواهید بود هنگامیکه جان بگلویشان برسد و چشم شما به جمال مقدس امیر المؤمنین علیه‌السلام بیفتد و ببیند که بدوستان خود بشارت بهشت و بدشمنانش وعده دوزخ میدهد پروردگار نزدیکتر است با آنحضرت از شما مردم ولی شما در حق امیر المؤمنین معرفت ندارید به مقام و منزلت ایشان بصیر و آگاه نیستید و چنانکه شایسته است آن بزرگوار را نمی‌شناسید در کافی ذیل آیه ولولا اذا بلغت الحلقوم از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود و وقتی که جان محضر بگلو می‌رسد مکان خودش را در بهشت یا دوزخ مشاهده میکند و می‌گوید

مرا بسوی دنیا برگردانید تا با اهل و عیال عمر جایگاه خود را بدهم میگویند
 هیئات ممکن نیست (فلولا ان کنتم غیر مدینین ترجعونها ان کنتم سادقین) اگر
 کار بدست شما و طبیعت است و خالق و کافر دهنده ای نیست پس روح را دو باره
 ببدن مرده باز گردانید اگر راست میگوئید (فاما ان کان من المقربین فروح و
 ریحان و جنت النعیم) اهل قیامت نابیه طبقه تقسیم نموده و میفرماید اگر آنکه بمیره
 از مقربان در گاه خدا است آنجا در آسایش و نعمت و بهشت ابدی است و اگر
 از اصحاب یمین است پس او را بشارت دهد با بن معنی و سلامت گویند در امالی ذیل آیه
 فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله با امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود تو آنکسی هستی که خداوند در اینده آفرینش و عالم قدس بر مخلوقاتش
 حجت آورد و فرمود با آنها (الست بریکم) آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند بلی
 آنها شد رسول من نیست؟ عرض کردند بلی فرمود آیا علی امیر المؤمنین نیست؟ آنها
 تکبیر کردند مطیعان و نمودند از ولایت تو مکرانند گوی که اقرار کردند و آنها اصحاب
 یمین هستند این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود این دو آیه در
 حق اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و دوستان آنها نازل شده و آیه بعد در باره دشمنان ما
 آمده فرود آمده روح و ریحان در قبر است و جنت نعیم در آخرت میباشد (و اما
 ان کان من المکذبین الضالین فنزل من حمیم) حمیم در قبر دشمنان است و تصلیه
 حمیم در عالم آخرت آنها باشد یعنی اگر آنکه مرده از منکران امیر المؤمنین
علیه السلام و دشمنان اهل بیت و کفر لعن است نصیبش در قبر آتش و جایگاهش در آخرت
 دوزخ است و این وعده ها البته یقین و حق و حقیقت است (سبح باسم ربك العظيم)
 احد رسول بنام پروردگار است که او عظیم و بزرگوار است تسبیح بگو و چون این
 آیه نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد آن را ذکر رکوع قرار دهند یعنی در
 رکوع بگویند سبحان ربی العظیم و بحمده و آیه سبح اسم ربك الاعلی که نازل شد
 امر فرمود آن را ذکر سجود قرار دهند و بگویند سبحان ربی الاعلی و بحمده

پس از این سوره هائی است که اول آنها تسبیح است

پایان سوره واقعه

سورة حديد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَسْبِحُ فِي مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱) لَهُ مُلْكُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخَيِّبُ وَيُبْسِتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲) هُوَ
الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳) هُوَ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُسَلِّمُ مَا
يَلِيجُ فِي الْأَرْضِ وَيَخْرِجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا وَهُوَ
مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴)

(سورة حدید)

سورة حدید در مدینه نازل شده ، بیست و نه آیه ، پانصد و چهل و چهار کلمه
و هزار و چهار صد و هفتاد و شش حرف است . خواص و ثواب تلاوت آن : این بابویه
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر کس سورة حدید را مجاهدانه رادر
نمازهای خود قرائت نماید خداوند او را هرگز عذاب نمیکند تا بمیرد و هیچ بدی
در نفس و مال و اهل بیت او نرسد . طبرسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که
فرمود هر کس هر شب تمام سوره های سبوح سوره الفاتحه را پیش از خواب قرائت کند از
دنیا نمرود منکر آنکه درک کند حضور حضرت قائم علیه السلام را و اگر بمیرد در جوار
پیغمبر خدا باشد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود
هر کس این سوره را تلاوت کند بر خدا لایم است که او را از عذاب خود ایمن
داشته و در بهشت متنعم گرداند و اگر شخص مجبوس بر قرائت این سوره مداومت
کند خداوند او را خلاص گرداند و اگر کسی این سوره را نوشته و همراه خود در
جنگ نگاه دارد تیر و شمشیر بار اسابت نکند و در کارزار قوی دل باشد و اگر به

ترجمه سورة حدید

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خداوند مشغولند و او است پروردگار مقتدر و قاهر (۱) آنخدائی که آسمانها و زمین ملک او است و خلق را زنده می کند و می میراند و بر هر چیز قادر است (۲) اول هر چیز و آخر هر چیز و او است ظاهر و باطن پندهان او است و همه امور عالم داناست (۳) آنخدائی است که آسمانها و زمین را درش روز بیافرید پس از آن بتدبیر عرش پرداخت هر چه در زمین فرو رود و آنچه بر آید و هر چیزی که از آن فرود آید و بالا رود همراه می داند و هر کجا باشد او با شما است و با آنچه کنید خدا آگاه است (۴)

بدنش فرورفته بر آن بخواند بدون دره بیرون آید .

خلاصه مطالب سورة حدید عبارت است از تنزیه ذات اقدس پروردگار و اقرار بوحدانیت او و ترفیع بر طاعت و فرمانبرداری از او امر حق و سبقت بدخیرات و بخشی از داستان حضرت نوح و ابراهیم قواله تعالی (سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزيز الحكيم له ملك السموات والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدير) هر چه در آسمانها و زمین است تسبیح کردند خدای مقتدر و عزیز و توانا را . تسبیح عقلا عبارت است از تنزیه و تقدیس ذات پروردگار از هر گونه صفات نقص و آنچه لایق شأن خدای جل و جلاله نیست قولاً و اعتقاداً و لفظاً و معنأ و تسبیح غیر عقلا و جمادات عبارت از آفرینش و هستی آنها است که دلیل است بر آنکه آنها را خالق پدید آورده که مستحق ستایش و تنزیه است یعنی افعال پروردگار و آفرینش او ذی روح و غیر ذی روح را در آسمان و زمین دلالت میکند که آنها را صانع و قاعلی بوجود آورده که مستحق ستایش و پرستش است و چون در آنها نگرند علم و اعتقاد پیدا کنند بخالق و صانع و چون حامل تنزیه و تسبیح هستند بمنزله آنست که خود آنها تسبیح و سجده میکنند چنانکه در سورة اسری آیه ۲۷ فرمودند و ان من شیء الا یسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبیحهم و هیچ چیزی

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵) يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي
النَّهَارِ وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶) آمِنُوا
بِاللهِ وَ رُسُولِهِ وَ اتَّقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُتَخَلِّفِينَ فِيهِ قَالَتِ الَّذِينَ آمَنُوا
مِنْكُمْ وَ اتَّقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷) وَ مَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ
الرَّسُولِ يَذُوقُ يَذُوقُ لَتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَ قَدْ أَخَذَ مِنْهَا قَوْمٌ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ (۸) هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى قُبْدِهِ آيَاتٍ يَتَّبِعُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ إِنْ اللهُ بِكُمْ لَرؤُفٌ رَحِيمٌ (۹)

نیست مگر آنکه بذکر و تقدیس و تنزیه خدای تعالی اشتغال دارد ولی تسبیح
موجودات را مردم نمی فهمند و موجودات عموماً از جهت خلقت پرورده گاردا تسبیح
میکنند چه هر موجودی حادث و هر حادثی بصانع قدیم بی نیازی که او را لباس
هستی ببوشد محتاج است و این توجه و احتیاج تسبیح او باشد پادشاهی و ملک
آسمانها و زمین مخصوص او است خدا مردگان را برای حساب زنده نموده و میپرانند
زندگان را در دنیا، و بر همه چیز قادر و توانا است قدرت دارد بر معدومات بایجاد
و آفرینش آنها و بر موجودات بتغییر و هنا و نیستی ایشان و بر افعال بندگان
و مقدرات آنها بسلط قدرت آنان (هو الاول والاخر و الطاهر و الباطن و هو بکل
شیئی علیم) آن خدا اولی است بی ابتداء، و آخری است بی انتهاء، و غالب و قاهر
است بر تمام موجودات و از حواس دور است هیچ حاسه ای از حواس او را ندک نکند
و داناست با سرانتهائی - در کافی ذیل آیه فوق از ابن ابی یعفور روایت کرده گفت
از حضرت صادق علیه السلام معنای آیه را سؤال نموده و عرض کردم معنای اول را میدانم
یعنی دارم آخر را تفسیر بفرمائید فرمود بدان، چیزی نیست در عالم مگر آنکه
کهنه می شود و تغیر و تبدیل پیدا میکند و دستخوش زوال شده از حالی بحالت

پادشاهی آسمان و زمین متعلق او است و باز گشت کارها بسوی او است (۵) شب را در روز نهان کند و روز را در شب پنهان سازد و او است که با سرار ددنی خلق آگاهست (۶) بخدا و رسول او ایمان آورید و از آنچه شما را وارث گذشتگان گردانیده است اتفاق کنید. زیرا کسانی که ایمان آوردند و اتفاق می کنند پادشاه بزرگ خواهند داشت (۷) چه شده است که بخدا و رسولش ایمان نمی آورید و حال آنکه رسول حق شما را برای ایمان دعوت می کند و خدا هم از شما در عالم ذر پیمان گرفته است اگر باوردارید (۸) او است خدائی که بر بنده خود عهد بما یبذلکم آیات قرآن را نازل کرد تا شما بندگان را از تاریکی جهل و گمراهی بیرون آورد و بنور دانش و ایمان رهبری کند خداوند بسیار نسبت شما مهربان است (۹)

دیگر و از رنگه و هیشی بهیشت دیگر بر میگردد و از زیادی بنقصان و از نقصان بزادی و از صفتی بصفی دیگر مبدل گردد ولی پروردگار جهانیان همیشه یک حال بوده و هست اول و پیش از هر چیزی او است و آخر و بعد از هر موجودی او است و زوال ندارد و مختلف نشود بر او صفات و اسماء چنانکه غیر او اختلاف پیدا میکند مانند انسان و سایر موجودات دیگر چه انسان از اول خالک بوده بعد از آن نطفه شده سپس خون بسته گشته بعد گوشت و استخوان و انسان کامل گردیده پس از آن می میرد و مجدداً خالک می شود و چنانکه خرما از اول بر بود بعد رطب شده سپس تمر می شود و اسمای مختلف بر آن اخلاق می گردد پس اسماء و صفات اشیاء و موجودات تغییر و تبدیل پیدا میکند ولی هرگز اسماء و صفات خدای تعالی تغییر پذیر نیست. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود ظاهر بودن خدایتعالی از جهة آنکه فوق موجودات تکیه نموده و بر آنها قرار گرفته نیست بلکه از جهت آنست که مظهر نموده اشیاء را و بر آنها غلبه و قدرت دارد چنانکه کسی می گوید ظهیرت علی اعدائی یعنی غالب شدم بر دشمنان خود و دیگر جهة آنست که مدبر تمام موجودات است پس کدام ظاهر، واضح و هویداتر از خداست. صنعت و آثار او را بطور کامل در موجودات بهر طرف که توجه نمائی مشاهده میکنی و در وجود خودت آنقدر آثار صنع الهی

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلْ أُولَٰئِكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتِلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۰) مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۱) يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَىٰكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

نہادہ شدہ کہ تورا ازغیر خود ہی نیاز کرہ اند ، و ظاہر نسبت بماچیز بستکہ بنفسہ ہویدا است و بعدہ آشکارسک و ما ازجہت اسم ، ہا خداوند مشترک ہستیم نہ ازجہت معنی چنانکہ بیان شد و اما باطن نسبت ازجہت آنکہ بطون اشیاء است ہلکہ مراد از باطن ، علم و حفظ و تدبیر اوست باشیاء چنانکہ کسی میگوید ابطنت یعنی دانستم سرمکتوم و پوشیدہ اورا و اطلاع بر او پیدا کردم و باطن نسبت بما چیز پنهانی و مستور است و اطلاق باطن بما باین معنی است . پس با خدا در اطلاق باطن اشتراک در لفظ داریم نہ در معنی و این دو حدیث را ابن بابویہ نیز روایت کردہ است :

محمد بن عباس از جابر امصاری روایت کردہ گفت عمار را حدیسی از کوچہ های مدینہ ملاقات نمودم پرسیدم پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم کجاست جواب داد باجمعی از اصحاب در مسجد می باشند بمسجد رفتہ بحضورش شرفیاب شدم در آن اثناء علی ابن ابیطالب علیہ السلام نیز تشریف آورد پیغمبر از جای خود باحترام آنحضرت بلند شد و میان دیدہ های او را بوسید و پہلوی خود نشانید پس از آن فرمود یا علی از جابر خیز و باخورشید تکلم کن پاسخ تورا خواہد داد آنحضرت بخورشید خطاب

چرا در راه خدا افاق نمی کنید و حال آنکه وارث تمام اهل آسمانها و زمین خدا است مسلماً نانی که پیش از فتح مکه در راه خدا انفاق و جهاد کردند با آنهایی که نکردند یکسان نیستند آنها اجر و مقامشان بزرگتر است از کسانی که بعد از فتح و قدرت اسلام انفاق و جهاد کردند خداوند بهمه وعده بیکو و پاداش داده و او بهر چه کنید آگاهست (۱۰) کیست که بخدا قرض بیکو دهد تا خداوند پاداش او را چندین برابر گرداند و جرای نیک باو عطا فرماید (۱۱) ای رسول ما پیاد آور روزی را که مردان و زنان مؤمن نور ایمانشان پیش رو و سمت راست آنها بهشتابد و مژده دهد آنرا به بهشتی که زیر درختانش نهرهای آب جاریست و در آن جاوهان خواهند بود ، این است رستگاری و فیروزی بزرگ (۱۲)

کرد و فرمود ای مخلوق با عظمت خدا چگونه صبح کردی عرض کرد بحیر و خوشی ای اول وای آخر وای ظاهر وای باطن وای کسیکه هر چیزی توانائی داری و با سر از نهانی جهانیان آگاه هستی ای برادر و وصی پیغمبر آخر زمان ، تمام مردم از این جواب خورشید مضطرب و حیران گشتند حضور پیغمبر مراجعت نموده داستان پاسخ خورشید را بامیرالمؤمنین علیه السلام بسمع مبارک پیغمبر رساندند و عرض کردند چگونه است که خورشید علی را باین اوصاف الهی خطاب نمود ؟ پیغمبر فرمود مراد باول آنست که علی علیه السلام اول کسی است که بعد از ایمان آورده و منظور از آخرین کسی است که مرا روی تخته معنوی مشاهده می کند و اولین وصی پیغمبر آخر زمان است و بعد از من دیگر پیغمبری نیست و مراد بطاهر آنست که او بر مخرون ستر خداوند و من آگاه باشد و مقصود از باطن بطون علم من باشد و اما علم خداوند - نازل نکرده است علمی از حلال و حرام و واجب و مستحب و تنزیل و تأویل و محکم و متشابه و مشکک را مگر آنکه علی بهمه آنها داناست و اگر ترس آن نبود که طایفه ای در حق او می گفتند آنچه را که بصارا در حق عیسی گفته اند ، در بساطه علی منقبتی می گفتم که عبور نمی کرد در جایی مگر آنکه مردم حاک زیر قدم او را بر میداشتند و از آن طلب شفا می نمودند

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ
 نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ لِيُنْشَأَ لَهُ
 بَابٌ بَاطِلٌ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرَةٌ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳) يُنَادُوهُمْ أَلَمْ
 نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ
 وَغَرَّبْتُمْ الْآمَانِي حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَظْتُمْ بَاطِلًا الْغُرُورُ (۱۴) قَالِيَوْمَ
 لَا يُوَفِّدُكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوِيَكُمْ النَّارُ هِيَ
 مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۵)

(هو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام) تفسير اين آيات را بيان نموديم.
 (آمنوا بالله ورسوله و انفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه فالذين آمنوا منكم
 وانفقوا لهم اجر كبير) در اين آيه بمردم خطاب مي كند و مي فرمايد اين خردمندان
 خدا را تصديق كنيد و اقرار و اعتراف نماييد بديگاني كه او را با خلوص او را عبادت كنيد و
 تصديق كنيد رسولش را و اعتراف نماييد بنبوت او و در راه خدا از مال و ثروتيكه
 از ديگران و گذشتگان بدارت بشمارسيده اتفاق كنيد در اين آيه خداوند بندگان
 خود را آگاه مي كند باینكه اموال و ثروتيكه در تصرف آنها است بدارت بديگران
 خواهد رسيد چنانكه از گذشتگان بایشان رسیده است و آنها را ترغيب و تعريض
 مي فرمايد كه حظ و نصيب خود را از آن اموال پيش از آنكه بدارت منتقل بديگران
 شود استيفاء كنيد آنگاه پاداش آنان را كه در راه خدا اتفاق كنند بيان مي -
 فرمايد: کسانی كه اموال خود را در راه خدا اتفاق نمايند اجر و پاداش بزرگي
 خواهند داشت .

(وما لكم لا تؤمنون بالله والرسول يدعوكم لتؤمنوا بربكم وقد اخذ
 ميثاقكم ان كنتم مؤمنين) در اين آيه بطريق توبيخ مي فرمايد چه شده است شما

در آنروز مردمان و زنان منافق یا اهل ایمان گویند شتاب مکنید و بنگرید
 ما را تا از نور و روشنائی شما ما هم برگیریم و جواب آنها گفته شود باز گردید
 بعقب سر خود و از آنجا نور را طلبید در آنوقت پیرده ای میان آنها زده شود که آن
 را هری است درونش رحمت است و بیرونش شکنجه و عذاب (۱۳) منافقان مؤمنین
 را ندا کنند و می گویند آیا ما با شما نبودیم گویند آری ولیکن شما خودتان را در
 بلا افکندید و انتظار هلاکت مؤمنان را داشتید و مدعی دین شک گردید و مغرور
 کرد شما را آرزوهای دنیا تا آنکه امر خدا فرا رسید و شیطان شما را از خدا غافل
 نموده سخت بنحسبای تعالی مغرورتان ساخت (۱۴) پس امروز فدا و موفی از شما
 گرفته نشود و نه از کسانی که کافر شدند و جایگاه شما آتش روزخ است و شما
 سزاوارید بآن وجه بد منزل و باز گشتی است جهنم (۱۵)

را که پیروید کار خودتان ایمان نمی آورید و رسول او شما را براه حق دعوت
 می کند و خداوند هم در عالم قدس و در عقل خودتان از شما عهد و پیمان گرفته است
 اگر ایمان دارید او آن خدائی است که بر بنده خود عهد و پیمان آیت و علامات و
 دلائلی روشن فرو فرستاده تا شما بندگان را از تاریکی جهل و نادانی بیرون
 آورده و بنور علم و ایمان رهبری کند خداوند بشما بسیار مهربان و رحیم است.

(وما لكم الا تنفقوا في سبيل الله و الله ميراث السموات والارض لا يستوي منكم
 من انفق من قبل الفتح وقاتل اولئك اعظم درجة من الذين انفقوا من بعد وقاتلوا
 و كلا وعد الله الحسنى والله بما تعملون خبير) و برای چه شما در راه خدا انفاق
 نمی کنید ، و حال آنکه میراث اهل آسمانها و زمین برای خدا است یعنی شما و
 اموالتان در اثر مرگ نابود خواهید شد فقط ذات مقدس خدا باقی است پیش از
 آنکه بر اثر مرگ دنیا را ترك نمائید حظ و نصیب خود را از اموال و دارائی خود
 استیفاء کنید پس از آن می فرماید انفاق پیش از فتح مکه و جهاد کردن قبل از
 آن نزد خدا ثواب و پاداش بیشتری داشت تا از انفاق و جهاد بعد از فتح ، و پیروید کار
 بهر يك از انفاق کنندگان و عده بهشت و پاداش تو کم میدهد و آگاه است بحال ایشان
 و کسانی که در راه او جهاد می کنند.

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱۶) إِنْ عَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ الْأَرْضَ بِفَتْحِ مَوْتِهَا قَدْ يَتَنَبَّأُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَكُمْ تَقُولُونَ (۱۷) إِنْ لِلْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۸) وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُم وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَهَنَّمَ (۱۹)

(من ذا الذى يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفه له وله اجر كريم) در كافي ذیل آیه فوق از اسحق بن عمار روایت کرده گفت معنای آیه را از حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام سؤال نمودم فرموده آیه نازل شده در شأن عویشان و عاندان آل محمد علیهم السلام و صله نمودن با امام زیرا خداوند احتیاجی باموال مردم ندارد تا از آنها قرض بگیرد و هر حق و مالی که بخدای تعالی منعلق است برای ولی و خلیفه او است و این حدیث را محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است و آن حضرت فرمود هر مرد بهشت نوشته شده : بهر دهمی از قرض هر چه ده برابر اجر و پاداش داده میشود ولی اعطاء صدقه ده برابر اجر دارد زیرا قرض فقط بنیاز منده داده میشود لکن صدقه بیشتر اوقات بدست غیر مستحق میرسد.

(یوم تری المؤمنین والمؤمنات یسمی نورهم بین یدیدیم و بایمانهم بشریکم الیوم) در کافي ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود روز قیامت نور چهره مردان و زنان مؤمن در پیش روی آنها بجلو میروند ، و در طرف راست آنان ، ائمه معصومین از آل محمد علیهم السلام هستند که نور دهنده ایشانند و بشتاب آنها را بسوی منازلیکه مدیشت دارند سوق می دهند تا آنان را بمنزلهای خود

آیا وقت آن نرسیده تا کسانی که ایمان آورده‌اند دل‌هایشان پیاد خدا ترسان گردند و به آنچه از حق فرود آمده متوجه شوند و عاتق کسانی باشند که پیش از این کتاب بر ایشان نازل شد و دوران طولانی بر آنها گذشت و دل‌هایشان ذنک قساوت گرفت و بسیاری از آنها تپاه کار زیان و کار شدند (۱۶) بدانید ای مردم که زمین را خداوند پس از مرگ خزان زنده می‌گرداند با آیات و دلایل قدرت خود را برای شما بیان کردیم تا متنبه شده و انذیه کنید (۱۷) مردمان و زنانی که در راه خدا صدقه و احسان کنند و بعد از فریضه نیکو دهند خدا آنها را چندین برابر سازد و از لطف خود بایشان پاداش عطا فرماید (۱۸) کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند آنها بحقیقت راستگویان عالمند و برای ایشان نزد خدا اجر شهیدان است پاداش اعمال و نور ایمانشان را می‌یابند و آنانکه کافر شده و آیات خدا را تکذیب کردند ایشان اهل دوزخند (۱۹)

در بهشت وارد کنند.

ابن بابویه از جابر انصاری روایت کرده گفت حضور پیغمبر اکرم نشسته بودم امیر المؤمنین (علیه السلام) وارد شد پیغمبر باو فرمود یا علی بشارت بدهم تو را همین ساعت جبرئیل نازل شد و خبر داد که پروردگار صاحب عزت فرموده بشیعیان و دوستداران توحید عطا کردم اول رفق و مدارا هنگام مرگ دوم ارض در وقت وحشت سوم نور هنگام ظلمت و چهارم ایمنی در وقت فزع و ترس پنجم قسط و عدالت در میزان حساب و اعمال ششم عبور کردن از صراط هفتم وارد شدن در بهشت پیش از داخل شدن سایر مردم در حالی که نور ایشان پیش روی آنها می‌تابد.

(یوم یقول المنافقون والمنافقات للذین آمنوا انظرونا نقبیس من نور کم قبل ارجعوا و اراه کم فالتمسوا نورا فضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمة و ظهره من قبله العذاب) علی بن ابراهیم و حسین بن سعید ذیل آیه فوق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که فرمود روز قیامت میان مردم نوری تقسیم می‌شود و هر يك از آنها بمقدار ایمانشان عطا کنند منافقین در آن روز بمؤمنین می‌گویند

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَمَبٌ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَاجِلُ يَتَنَبَّهُونَ فِيهَا وَيَتَجَاوَزُونَ فِيهَا سُرًّا سُرًّا وَلَهُمْ فِيهَا أَكْثَابٌ مِّنْ ذَهَبٍ يَّجْرُونَ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَثَلٌ غِثٌّ أَغَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْتَاعٌ فَفَرُّوا فِي مَنَافِرِهِمْ مِنْ رِّبِّكُمْ وَتَجَنَّبْهَا كَتَمَ رِضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۱)

شباب نکنید و بما فرصت دهید تا ما هم از نور و روشنائی شما برگیریم مؤمنین در جواب بآنها می گویند بر گردید و از آنجا مانند ما کسب نور کنید یعنی بر گردید بسوی دنیا چه ما نور از دنیا آورده ایم در اثر اطاعت و فرمانبرداری ، در این گفتگو باشند که بین آنها و مؤمنین حائلی کشیده شود که باطن و درون آن رحمت است یعنی بهشت و ظاهر آن عذاب دوزخ است ، از عقب حصار منافقین فریاد میزنند مگر ما با شما نبودیم چو لب دهند بلی راست میگوئید در دنیا با ما بودید لکن شما خود را بقتله و هلاکت افکندید و در معصیت پرورده گار غرق شدید و در کار دین شك داشتید و آرزوهای دنیا شما را فریب داد تا وقتی که امر خدا فرا رسید و شیطان فریبنده تادم مرگ شما را از یاد خدا غافل و مغرور نمود امروز برای نجات هیچیک از شما فدیهای نمی پذیرند شما کار بخدا و از منافقین هستید و جایگاهتان آتش دوزخ بوده است و آن آتش یاداش شماست و بمنزلگاه بسیار بدی باز میگردید حضرت صادق (علیه السلام) فرمود سو کند بخدا ، که پروردگار از این آیه یهود و نصاری رافصد نفرموده بلکه مرداش اهل قبله و منافقین و غاصبین حقوق آل محمد میباشد
 شه بن عباس از سلام بن مستنیر روایت کرده گفت معنای آیه را از حضرت

بدانید که زندگانی دنیا بحقیقت بازیچه ایست میبوده و لهو و آرایش زنانه و فخر و خوه ستائی بایکدیگر و حرص و افزودن مال و فرزندان در مثل مانند بارانی است که بموقع بیارد و گیاه از زمین برآید و بزرگواران را بشکفت آرد سپس بنگری که زرد و خشک درو سیده شود و در آخرت دنیا طلبانرا عذاب سخت باشد . و مؤمنین را آمرزش و خوشنودی برآورد گار . زندگانی دنیا نیست جز بهر آنکه و فریب دهند (۲۰) ای پند گار بگیری پسوی آمرزش پروردگار و به بهشتی که عرضش مقدار پهنای آسمان و زمین است و آماده شده برای کسانی که بخدا و رسولش ایمان آورده اند این فضل خدا است بهر کس بخواهد عطا میکند و خداوند صاحب فضل و کرم بزرگ است (۲۱)

باقی (ع) سؤال نمود فرمود این آیه در باره ما اهل بیت و شیعیان و دشمنان ما نازل شده است روز قیامت که میشود خلایق را در محشر جمع نموده و حسابی بآنها از ظلمت و تاریکی زده میشود که باطن آن رحمت و نور و ظاهرش تاریکی و عذاب است خداوند ما و شیعیان و دوستداران ما را در باطن آن حصار که نور و رحمت است وارد میفرماید و دشمنان ما را در ظاهر آن که تاریکی و عذاب است قرار میدهد آنگاه دشمنان ما دوستان ما را صدا میکنند و میگویند آیا ما در دنیا با شما نبودیم دین و پیغمبر ما یکی نبوده نماز و روزه و حج بیک طریق نبود فرشته ای از طرف پروردگار بآنها جواب میدهد بلی یکی بودید و لکن بهداز پیغمبر اکرم فتنه و فساد نموده و امر خدا را که پیغمبر اکرم در باره علی بن ابیطالب و اولاد آنحضرت بشما رسانیده بود را کرده و در آنچه پیغمبر فرمود شک نمودید و بدنبال باطل و مخالفین حقدار و مفرور شدید تا جائیکه امیر المؤمنین (ع) و ائمه بعد از آن که همه بر حق بودند از شما یاری خواستند و شما را براه هدایت دعوت کردند نپذیرفتید شیطان شما را گمراه نموده و از راه خدا دوری جستید امروز عوس و قدائی ندارید تانفس خود را بسبب آن فدا رها کنید و آن هم پذیرفتنی نیست و حسنه ای هم ندارید لذا جایگاه شما دوزخ است که بد منزلگاهی میباشد.

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ
 أَنْ نُرَاهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲) لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا
 تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۲۳) الَّذِينَ يَخْلَوْنَ
 وَهُمْ رُجُلٌ لِلنَّاسِ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَحُولْ قَانٌ اللَّهُ هُوَ الْفَنِي الْحَبِيدُ (۲۴)
 لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ
 النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ
 مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

(الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق ولا یكونوا
 كالذین اوتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست و کثیر منهم فاسقون)
 سبب نزول آیه فوق آن بود که منافقین بسلامان فارسی گفتند ما را خبر بده از
 آنچه در تورات آمده ای از عجایب خداوند تعالی آیه مزبور نازل شد و فرمود آیا وقت
 آن نرسیده است کسانی که بزبان ایمان آورده اند و لها یثان بیاد خدا ترسان گردد
 و آنچه از طرف حق نازل شده بدل توجه کنند و مانند کسانی که پیش از این بر
 ایشان کتاب آسمانی آمد و روزگار طولانی بر آنها گذشت و نفسی القلب شدند و اکثر
 فاسق شدند نباشند

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود تاویل این آیه جاریست
 در زمان غیبت امام عصر علیه السلام و منظور غیبت آن بزرگوار است که مدت ها بطول
 می انجامد و ایمان را نفعانی و عقود نیز روایت کرده اند (اعلموا ان الله یحیی
 الارض بعد موتها قد بینا لكم الایات لعلکم تعقلون) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت
 موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که فرمود مقصود این نیست که باران بیبارد
 و زمین سبز میشود بلکه مراد آنست که خداوند مرداتی را برگزیند که زنده میکنند
 زمین را بعد از آنکه مرده شده بود بظلم و ستم . سو گند بخدا اقامه حدود

هر رنج و مصیبتی که در زمین یا از جهت نفس خودتان بشما می‌رسد همه در کتاب لوح محفوظ است، پیش از آنکه آنها را ایجاد کنیم و حفظ آن بر خدا آسان است (۲۲) تا اندوه‌گین و دل‌تنگ نشوید بر آنچه از دست شما رفته است. و آنچه بشما دلشاد نگردید خداوند دوست نمی‌دارد هیچ متکبر خود ستائی را (۲۳) کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را هم به بخل وامی‌دارند. هر که روی بگرداند از حق بداند خداوند از طاعت خلق بی‌نیاز و ستوده صفت است (۲۴) ما پیغمبران خود را با معجزات بسوی خلق فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کرده‌یم تا قوام حیات بعدالت و راستی بنشاند و آهن را فرستادیم که در آن منفعت‌های بسیار است برای مردم تا معلوم شود که خدا رسولش را در پنهانی یاری می‌کند خداوند بسیار قوی و مقتدر است (۲۵)

خداوند در روی زمین هودش بیشتر است از آنکه چهل شبانه روز باران بیارد. این بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند زنده و بگرداند زمین را بوجهود مقدس و ظهور حضرت حجة علیه السلام پس از آنکه مرده بود بسبب کافر بودن اهل زمین زیرا کافران در حکم مردگان می‌باشند (ان المصدقین والمصدقات و اقرضوا الله قرضا حسنا يضاعف لهم ولهم اجر كريم) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود: خداوند واجب نموده در اموال اغنیاء فریضه‌ای را که ستایش نمیشوند در اثر اداء آن و آن فریضه زکوة است. بواسطه زکوة بخون آنها محفوظ است و بسبب اداء زکوة مسلمان نامیده میشوند و حقوق دیگری بر ایشان واجب فرموده و آیه فوق را تلاوت فرمودند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود آیه نازل شده در حق کسانی که صله امام بجا می‌آورند (والذین آمنوا بالله ورسوله اولئك هم الصديقون والشهداء عندهم لهم اجرهم و نورهم) در محاسن از زید بن ارقم روایت کرده گفت حضرت امام حسین علیه السلام فرمود شیعمان ما صديق و شهيد هستند. حضورش عرض کردم چگونه آنها شهید می‌باشند و حال آنکه بسیاری از ایشان در رختخواب خود مرده‌اند فرمود مگر تلاوت نکرده‌ای آیه ۱۹ از سوره حدید را و آیه مزبور را تلاوت فرمودند و از عمال قصاب روایت

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُنْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۶) ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آلِهِمْ بِبُرْهَانِنَا وَقَفَّيْنَا بِمُوسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ وَأَتَيْنَاهُمُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۷)

کرده گفت عرض کردم حضور حضرت صادق علیه السلام فدایت کردم و ما بفرمائید تا من شهید بشوم فرمود مؤمن هر کجا بمیرد شهید مرده است مگر قول خداوند تعالی را نخواندند ای که میفرماید (وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ) .

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنین علیه السلام در یکروز اصحاب خود را چهار صد باب علم و دانش تعلیم نمود از آن جمله فرمود ای مردم دوری بجوئید از مرغان سفله و پست فطرت زیرا آنها از خداوند نمپرسند و بسیاری از آنها قاتلین پیرمیران و دشمنان ما و اهل بیت هستند خداوند توجیبی بروی زمین نمود و از میان تمام مردم ما اهل بیت را برگزید و شیعیانی برای ما انتخاب فرمود آنها یاری میکنند ما را و مسرور هستند بفرح ما و محزونند بخرن ما و اموال و تنهای خود را در راه دوستی ما بذل میکنند و کسی از شیعیان ما نیست که مرتکب معصیتی بشود مگر آنکه خداوند او را مبتلا نماید به بلیه ای یا در مال و یا در فرزند و یا در نفس او و یا سکرات مرگ را بر او سخت گرداند تا از دنیا پاک و بدون معصیت برود مردگان شیعه ما شهید و صدیق هستند چه آنها امر ما را تصدیق کرده اند و بخاطر ما با دوستان ما دوست و با دشمنان ما دشمن بودند، تقرب میکنند بخدا درستی و دشمنی پس از آن آیه مزبور را تلاوت نمود و فرمود از جای خود حرکت نکنید و صبر و برد باربرای پیشه خود سازید

مانوح و ابراهیم را فرستادیم و در فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم از آنها بعضی هدایت یافته و بسیاری تبه کار شدند (۲۶) و از پی نوح و ابراهیم رسولانی دیگر فرستادیم سپس عیسی فرزند مریم را مبعوث کرده و بلو کتاب انجیل عطا نمودیم و مد دل پیروان او را رفت و مهربانی نهادیم ولی آنها و هبانیتر از پیش عود اختراع کردند ما بر آنها جز رضا و خوشنودی خواه چیزی توشتیم اما آنها آنطور که باید و شاید آن را رعایت نکردند بآنهائی که ایمان آورند پاداش عطا کردیم بسیاری از ایشان راه فسق و تبه کاری را پیش گرفتند (۲۷)

و دست بشمشیر نزنید و عجله نکنید و بدانید هر کس از شما شیعیان در فرائض خود بمیرد و بخدا ایمان و بر رسولش معرفت داشته و عارف بحق ما اهل بیت باشد و حقوق ما را رعایت کند شهید مرده است و اجر او با خدا است و مانند کسی است که بشمشیر در راه خدا کشته شده باشد. . . محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روزی از روزها فرشته یزرکی موسوم بمحمود بر پیغمبر اکرم فرود آمد پیغمبر خواست او را ببوسد عرض کرد مهلا ای محمد و الله اعلم تو گرامی ترین تمام اهل آسمانها و زمین هستی سزاوار نیست مرا ببوسی وقتی خواست بآسمان بالا رود پیغمبر مشاهده کرد بر کتف محمود نوشته شده لا اله الا الله محمد رسول الله علی الصدیق الاکبر بار فرمود ای حبیب من محمود از چه زمان این کلمات بر کتف تو نوشته شده عرض کرد دوازده هزار سال پیش از خلقت آدم مکتوب است.

ابن شهر آشوب از ابن عباس روایت کرده گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود علی صدیق اکبر این است و فاروق اعظم است (والذین کفروا و کذبوا بآیاتنا اولئک اصحاب الجحیم) و آنانکه بخدا کافر شده و ولایت امیر المؤمنین و فرزندانش را تکذیب کردند آنها اهل دوزخند (اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و زینة و تقاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتریه مصفراً ثم یکون حطاما و فی الآخرة عذاب شدید) بدانید که زندگانی دنیا بحقیقت بازیچه ایست کودکانه و لهو و عیاشی جوانان و آرایش زنان و فخر و خود ستائی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان و در مثل مانند باراتیست که بموقع

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُلِهِ يُؤْثِرْكُمْ كَيْفَ تَكُنْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلَ لَكُمْ نُورًا تَتَشَوْنُ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸) لَيْلًا يَسْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ إِلَّا يَفْتَرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

بهاره و گیاهی در پی آن از زمین بروید و برزگران دنیا پرست و ادا شکست آورده سپس بنگری که زرد و خشک شده و پوسیده گردد در عالم آخرت دنیا طلبان را عذاب سخت جهنم باشد. امیر المؤمنین علیه السلام بیمار یاسر فرمود ای عمار بر دنیا غم مغرور که تمام لذات دنیا شش چیز است مطموم و معروب و ملبوس و منکوح و مشموم و مرکوب اما شریفترین طعامها غسل است که فر آورده زنبور می باشد و بهترین مشروبات مشک است که از خون آهو است و نفیس ترین مرکوبها اسب است که مردان بی شماری را بر پشت خود بهلاکت می رساند و بهترین مشروبات آب است که تمام حیوانات از آن می آشامند و نیکوترین ملبوسات ابریشم باشد و آن بافته گرمی است و منکوحات زنانند و آنها وسیله دفع شهوت هستند پس دنیا چه زیباترینی دارد و چگونه می شود بآن دل بستگی و تفاخر نمود و فرمود مصیبات دنیا بسیار است و مشاربش تیره و هیچ دوستی را بادوستی خود بر خوردار نکند.

(سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها کعرض السماء و الارض اعدت للذین آمنوا بالله و رساله ذلك فضل الله يؤتی من يشاء والله ذو الفضل العظيم.)
آیه مزبور که نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود جبرئیل خبر داد مرا که یکی از بندگان خدا بالای کوهی در وسط دریا پانصد سال عبادت میکرد خدا تعالی چشمه آب شیرین و درخت اناری در آنجا آفریده بود هر شب کنار درخت و چشمه آب می رفت اناری تناول میکرد سپس وضو میگرفت و مشغول نماز می شد

ای کسانی که بحق ایمان آوردید خدا ترس و پرهیزکار باشید و بر رسول او ایمان آورید تا خدا شما را از رحمتش دو نصیب مرحمت فرماید و نوری بشما عطا کند تا بان نور راه پیمائید و از گناهانتان در گذرد و خداوند بسیار آمرزنده و مهربانست (۲۸) تا اهل کتاب بدانند که آنها بهیچ چیز از فضل و رحمت خدا قاصر نیستند و هر فضل و نعمتی بدست خداست بهر که بخواهد میبخشد و عطاوند صاحب فضل و رحمت بی پایانست (۲۹)

تمام شد ترجمه سوره حدید

از خداوند طلب نمود که در حال سجد و روض را قبض فرماید و بهمان حالت تا روز محشر باقی بماند و زمین جسدش را فاسد نکند و از بین نرود دعایش مستجاب شد هر وقت به آسمان خروج میکنم او را بحالت سجد می بینم ای محمد ﷺ مشاهده میکنم آن بنده را که روز قیامت در محضر عدل الهی حاضر شده پروردگار امر فرماید که این بنده را از رحمت من داخل بهشت کنید عابد گوید به پاداش عبادت خود و اده بهشت می شوم خطاب رسد بفرشتگان او را بدوزخ برید چه مدور و عبادت خویش شده و از نعمتهایی که باو ارزانی داشتیم غافل است تمام نعمتهای خود را باو بخشیدیم عبادتش را بجای نعمت چشم که بوی دادیم محسوب بدارید حق و پاداشی ندارد که بآن واسطه وارد بهشت شود در آن هنگام عابد متوجه تقصیر خود شده و با عجز و زاری گوید پروردگارا بفضل و رحمت خود از تقصیر من در گذر و مرا و اده بهشت کن بفرشتگان خطاب شود باز گردانید او را حضور ما سپس فرماید ای بنده من که ترا از نیستی بوجود آورد و آفرید و انواع نعمتها داد و قوت و توانائی بتو بخشید که عبادت نمودی و که از برایت در جوار دریای شور آب شیرین خلق کرده و درخت انار رویانید آیا این نعمتها بقدرت و توانائی تو بود یا از فضل و رحمت من است ! عرض می کند : پروردگارا تمام آنرا از فضل و رحمت تو بوده که بر این بنده عنایت فرمودی خطاب رسد بلی تمام نعمتها را ما عطا کردیم ای فرشتگان الحال که اقرار و اعتراف نمود بفضل و رحمت ما او را از رحمت خود داخل بهشت گردانم .

سید رضی در خصایص ذیل آیه فوق از حضرت باقر ع روایت کرده فرموده

بزرگ نصاری نجران نزد عمر آمد گفت اراضی ما بسیار سرد است و تاب تحمل قشور را ندارد خود من ضامن خراج می شوم و هر سال آنرا می آورم یکسال با جمعی از اهوان خود آن پیر مرد قیوم نظر خراج را آورد عمر او را دعوت باسلام نموده و فضایل اسلام را برایش بیان کرده آن نصرانی گفت ای عمر مسائلی چند دارم جواب آنها را بیان کن.

۱- در قرآن شما هست که عرض بهشت همقدار آسمانها و زمین است پس جای جهنم کجا است عمر از پاسخ او عاجز شد و از خجالت سر بزیز افکند امیر المؤمنین علیه السلام تشریف داشت عمر عرض کرد یا علی جواب سؤال نصرانی را شما بفرمائید. فرمود چرا خودت پاسخ او را نمی دهی عرض کرد نمی دانم فرمود ای بزرگ نصرانی بگو بینم هر وقت روز ظاهر می شود شب بکجا می رود نصرانی ماتفت عذد گفت بخدا قسم تا بحال کسی جواب این سؤال مرا نداده بود سؤال کرد ای عمر این جوان کیست گفت علی بن ابیطالب پسر عم پیغمبر و داماد و پدر حسنین فرزندان رسول خدا است.

۲- نصرانی به عمر گفت خبر ده مرا از بقمه ای که یکساعت بیش آفتاب در آن نتایید و دیگر هم نمی تابد عمر گفت یا علی علیه السلام جواب او را بده امیر المؤمنین فرمود آندریائی بود که شکافته شد برای بنی اسرائیل نصرانی گفت راستی گفتی؟
۳- پس از آن سؤال نمود ای عمر آیا در دنیا چیزهایی وجود دارد که همیوه های بهشتی شباهت داشته باشد که هر چه از آن بردارند کم نشود عمر جواب داد نمی دانم از علی سؤال کن امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بلی آن چیز قرآن است اگر تمام اهل عالم جمع شوند و هر کس حاجات خود را از آن بردارد ابداً از قرآن چیزی کم نمی شود نصرانی گفت راست گفتی ای جوان.

۴- مجدداً از عمر سؤال کرد آیا برای آسمان درهائی هست و آیا برای آن درها قفلی وجود دارد؟ عمر گفت از علی علیه السلام مطالب خود را سؤال کن امیر المؤمنین فرمود بلی آسمان در دارد و قفل درهای آن شرک بخدا است و کلید درها شهادت آن لا اله الا الله می باشد و هیچ چیزی مانع آن نیست مگر عرش پروردگار

۵ - نصرانی باز از عمر سؤال کرد اول خونیکه در روی زمین ریخته شد چه خونی بود عمر جواب داد مگر من نگفتم ضائل خود را از علی پسر امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اول خونیکه ریخته شد خون رحم حوا بود در وقت زائیدن قایل پسر آدم لکن مردم می گویند خون هایل بود که برادرش قایل او را بقتل رسانید نصرانی گفت راست گفتمی بعد از آن متوجه عمر شد و گفت ای عمر باید این مسئله را خودت جواب بدی .

۶ - خبر بد مرا ایمن خداوند کجاست عمر در غضب شد خواست نصرانی را بزند امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ای نصرانی جواب سؤالت را از من بشنو روزی حضور پیدمیر بودم فرشته ای وارد شد سلام کرد پیغمبر از او پرسید از کجا می آئی گفت از آسمان هفتم از نزد پروردگار فرشته دیگری وارد شد سؤال نمود از کجا آمده ای عرض کرد از تخوم زمین از نزد پروردگار سومی رسید جواب داد از مشرق زمین از نزد پروردگار فرشته چهارم گفت من از مغرب زمین از نزد پروردگار می آیم پس خداوند در همه جهات در آسمان و زمین و او دانا و توانا است حضرت باقر علیه السلام فرمود همتای فرمایش امیر المؤمنین علیه السلام اینست که فرشتگان از هر طرف که بیایند از ملکوت پروردگار آمده اند و از علم خداوند چیزی پنهان نیست .

(ما اصاب من مصیبة فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها ان ذلک علی الله یسر) هر رنج و مصیبتی که در زمین از قحطی و آفت و فقر و ستم یا از نفس خویش مانند ترس و غم و دره و الم بشما رسد همه در کتاب لوح محفوظ ماییش از آنکه در دنیا ایجاد کنیم ثبت است و حفظ آن بر خدا آسان است - در کافی ذیل آیه فوق از حفص بن غیاث روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام راجع بزهد در دنیا و حد آن فرمود ده چیز است اعلی درجه زهد ادنی درجه ورع است و اعلی درجه ورع ادنی درجه یقین است و اعلی درجه یقین ادنی درجه رضوان است و زهد را خداوند در آیه لکیلا تا سوا اعلی ما فکم و لا تعرجوا بها آتا کم جمع و بیان فرموده - .

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده وقتیکه سر مقدس حضرت امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن بزرگوار را بریزید ملعون و ابد کرده حضرت امام زین العابدین علیه السلام را باغل آهنی بسته بودند چون نگاه یزید بر آنحضرت افتاد گفت ایعلی بن الحسین علیه السلام حمدخدا را که پدرت حسین علیه السلام را کشت آنحضرت فرمود خداوند لعنت کند کشنده پدرم را ای یزید تو گمان میکنی که نمودن باالله پرورده گارم را لعن میکنم (یعنی خداوند او را نکشت بلکه تو کشتی) یزید در غضب شد امر کر سر مقدس آنحضرت را جدا کنند فرمود اکنون که قصد کشتن مرا داری دختران رسول خدا را چه کسی بمنزلهایشان برمیگرداند و حال آنکه محرمی بجز من ندارند یزید گفت خودت هر گردان از کشتن تو منصرف شدم پس از آن سوهانی طلب نموده و بدست خودش غل آهنی را از گردن آنحضرت بیرون آورد گفت میدانی چرا من اینکار را بدست خود انجام دادم فرمود بلی میخواستی دربر داشتن غل کسی بدو از خودت منت بر من نگذارد یزید گفت آری چنین است ایعلی بن الحسین علیه السلام «ما اصابکم من مصیبة فبا کسبت ایدیکم» یعنی این ابتلا را خودتان بدست خود درست کرده اید فرمود آنحضرت حاشا که چنین باشد این آیه در باره ما نازل نشده بلکه آیه ما اصاب من مصیبة فی الازمان و لانی انفسکم الا فی کتاب در حق ما نازل شد ما اهل بیت پیغمبر تأسف نمیخوریم بر آنچه از ما فوت شده و غوشه حال نمیشویم با آنچه بما داده شده بلکه تسلیم امر پرورده گار هستیم حضرت صادق علیه السلام فرمود خداوند راست فرمود و نیز رسولانش کتابهاییکه در آسمان تعلیم آنها نموده بود و کتابهای خداوند در زمین که شب قدر تعلیم ما ائمه میدهند و همچنین در غیر شب قدر که تمام آنها نوشته شده از مقدرات خلاق در باره آنها پیش از آنکه ایشان را بیافریند (لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لاتعرجوا بما آتاکم والله لایحب کل مختال فخور) حضرت صادق علیه السلام فرمود شخصی معای آیه فوق را از پدرم حضرت باقر علیه السلام سؤال نمود فرمود این آیه نازل شده در باره ابوبکر و عمر و یاران آنها یکی مقدم و دیگری مؤخر چه ایشان غمگین شده بودند بآن چیزهاییکه خداوند عطا نموده و احتیاجی داده بود یا عمر المؤمنین علیه السلام از امامت

و ولایت و خوشحال بودند بآن فتنه‌ایکه از غصب خلافت و فدک و کشتن حضرت
فاطمه زهرا (ع) دختر پیغمبر اکرم و گمراه کردن خلائق بعد از رحلت رسول
خدا بر پا کرده بودند سائل عرض کرد بحضرت یاقرب علیه السلام شهادت میدهم که شما
اثمه فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حق هستید و شکی در حقانیت شما ندارم صاحبان
حکم و موالیان خلق میباشید حضرت صادق علیه السلام فرمود دیگر کسی شخص سائل
را پس از سؤال و شنیدن جواب مشاهده ننمود (الذین یبخلون و یا مرون الناس
بالبخل و من یتول فلان الله هو الفی الحمید) متکبرین خود خواه همان‌هایی هستند
که در احسان کردن بخل ورزیده و مردم را هم ببخل و منع احسان و امیدارند
کسانی که از دھوت و اطاعت خداوند اعراض نموده و روگردان هستند باید بدانند
که خدایتعالی از طاعت خلق بی نیاز است و اوست حمید و مجید (لقد ارسلنا
رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد
فیه بأس شدید و منافع للناس و ليعلم الله من ینصره و رسله بالفیض ان الله قوی عزیز)
در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود وصیت کرد موسی
برخی خود یوشع بن نون و وصیت نمود یوشع برزند هارون و وصیت نکرد بر فرزندان
خود زیرا خداوند بر میگزیند هر کرا بخواند موسی و یوشع به بنی اسرائیل آمدن
حضرت عیسی را بشارت دادند وقتی که عیسی مبعوث شد بمردم گفت بزودی بعد
از من پیغمبری می‌آید که نام او احمد است و از فرزندان اسمعیل میباشد تصدیق
میکند پیغمبری مرا و من نبوت او را تصدیق میکنم و این وصیت جاری شد در میان
حوا ریین و مستحفظین خداوند آنها را به مستحفظین ملقب فرمود چه ایشان حفظ
نمودند اسم بزرگ را و آن کتابی است که بآن هر چیزی دانسته میشود و نرد
پیغمبران گذشته بوده چنانکه مقرر ماید و لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم
الکتاب و کتاب اسم بزرگتری است که تفسیر میشود بآن توریة و انجیل و فرقان
و در آن کتاب‌های نوح و صالح و شعیب و صحف ابراهیم میباشد که خداوند
خبر میدهد بآن و کجا است محمد ابراهیم و موسی همان اسم بزرگ است پس
پیوسته وصیت میشد بمعالمی بعد از عالم دیگر تا آنکه در کردند آن را بسوی عهد

وَاللَّهُ وَتَقَى آنحضرت مبعوث شد اسلام آوردند و تسلیم او شدند باقی ماندگان از
از مستحقین و تکذیب کردند آنحضرت را بنی اسرائیل و جهاه کرد پیغمبر در
راه خدا پس از آن ابلاغ شد بر حضرتش که فضیلت و شرافت امیرالمؤمنین علیه السلام
را به مردم ابلاغ کند آن حضرت نیز فضیلت آنجناب را بر مردم اعلام فرمود جبرئیل
نازل شد و گفت ای رسول خدا روزگار حیات شما منقضی شد و نبوت کامل گردید
اسم اعظم و میراث علم و آثار نبوت را نزد علی و مدینه گذار زیرا زمین نباید
هرگز خالی از حجت باشد تا حسب او مردم مرا اطاعت نموده و ولایت او را بپذیرند
و این وصی تو حجت است برای آنها تا بیکه بعد از این متولد شده و بدنیا می آیند
پیغمبر بامر خدا وصیت کرد بامیرالمؤمنین علیه السلام و اسم اعظم با میراث علم و آثار
نبوت را باو تفویض نمود و وصیت کرد بهزار کلمه و هزار باب علم که از هر کلمه
و بابی هزار کلمه و باب دیگر مفتوح شد چنانکه خواه آنحضرت فرمود.

این شهر آشوب ذیل آیه و ابرئنا الحديد از این عباس روایت کرده گفت
مراد به حید در این آیه ذوالفقار است خداوند آن را از آسمان برای پیغمبر فرستاد
و آنحضرت آن را بامیرالمؤمنین علیه السلام نمود (و لقد ارسلنا نوحا و ابراهیم و جعلنا
فی ذریعتهم النبوة و الکتاب فمنهم مهتد و کثیر منهم فاسقون) این باب و ذیل آیه فوق از زبان
این صلت روایت کرده گفت جمعی از علماء در محضر مأمون علیه السلام از حضرت رضا علیه السلام سؤال
نمودند ای فرزند رسول خدا آیا عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنحضرت می باشد یا غیر
آل هستند فرمود عترت همان آل هستند حضورش عرض کردند که اصحاب آنحضرت
روایت کرده اند که پیغمبر فرمود آل من امت من می باشند فرمود در جواب آنها
خیر بدهید مرا آیا صدقه بر آل عهد حرام است یا حلال عرض کردند حرام
است فرمود پس بگمان شما صدقه بر تمام امة حرام است گفتند حرام نیست فرمود
فرق بین امة و آل آنست که صدقه بر آل حرام است و بر امة حلال پس آل عهد غیر
از امت باشند وای بر شما آیا از ذکر خداوند رو بر گردانیدید یا از قوم مسرفین
می باشید آیا نمی دانید که طهارت و ورادت واقع شده بر مصطفین و برگزیدگان
و هدایت کنندگان و راه نمایان نه بر غیر آنها عرض کردند یا ابا الحسن بچه دلیل

این فرمایشات را می فرمائید فرمود بموجب آیه (ولقد ارسلنا نوحا و ابراهیم وجعلنا فی ذریعها النبوة والکتاب) هانوح و ابراهیم را فرستادیم و در فرزندان شان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم لکن آن فرزندانی که هدایت کننده هستند نه آنهایی که فاسق می باشند آیا نمی دانید هنگامی که نوح در خواست کرد از پروردگار نسبت به فرزندی و گفت عذایا فرزند من از جمله اهل من باشد و تو وعده فرمودی اهل مرا از غرق شدن نجات دهی باو خطاب رسید ای نوح این فرزندی از اهل تو نیست و او افعال فاسد دلبه سؤال نکن از من چیزی را که علم و دانش بآن نداری من تو را نصیحت می کنم مبادا از زمره جاهلان و ناهانان باشی (ثم قمینا علی آثارهم برسلنا و قمینا عیسی بن مریم و آتیناه الانجیل وجعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رافعة ورحمة و رهبانیة ابتدعوها ما کتبناها علیهم الا یشاء رضوان الله تعالی رعوها حق رعایتها فاتینا الذین آمنوا منهم اجرهم و کثیر منهم فاسقون) پس از نوح و ابراهیم رسولانی فرستادیم سپس عیسی بن مریم را مبعوث نموده و باو کتاب انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان او رحمت و مهربانی نهادیم ، لکن آنها رهبانیت و ترک دنیا را پیش خود اختراع نموده و بدعت گذاشتند ما بر آنها جز آنکه رضا و خوشنودی خدا را طلبند در کتاب انجیل مقرر نکردیم و باز آنها چنانکه باید و شاید مراعات آنرا نکردند ما هم بآنانکه ایمان آوردند پاداش و اجر شانرا عطا کردیم معذالک بسیاری از آنها براه فسق و تبه کاری شناختند . در کافی ذیل آیه و رهبانیة ابتدعوها از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود نماز شب را خداوند بر آنها واجب نکرده بود ایشان بر خود واجب نمودند و بحساب خداوند گذاشتند و این حدیث را ابن بابویه نیز روایت کرده است طبرسی از ابی مسعود روایت کرده گفت با رسول خدا صلی الله علیه و آله سواره همراه بودم فرمود ای پسر مسعود آیا میدانی چگونه نصاری رهبانیت را بدعت گذاشتند عرض کردم خدا و رسولش بهتر میدانند فرمود بعد از عیسی مستمکران بر مؤمنین تسلط پیدا کردند و آشکارا معصیت خدا کردند مؤمنین سه مرتبه با آنها جهاد نمودند بسیاری از ایشان کشته شدند اندکی باقی ماندند با خود گفتند اگر بار دیگر ما با

آنها جهاد کنیم همه را خواهند کشت و کسی از ما نخواهد ماند که دین خدا را یاری کند مادر روی زمین را کند می شویم تا آنکه عهد ^{و میثاق} عیسی خبر داده ظاهر شود آنها در غارها و شکاف کوه ها پراکنده شدند و آنجا ماندند بعضی بر دین خود باقی ماندند و بعضی دیگر بدعتها نهادند پس از آن تلاوت نمود آیه فوق را و فرمود میدانی رهبانیت هداست من چیست عرض کردم شما دانستید فرمود هجرت کردن از دار کفر باسلام و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره است پس از آن فرمود ای پسر مسومه آنها تکه پیش از شما بودند هفتاد و دو فرقه شدند دو فرقه از ایشان ناحی هستند و باقی هالك بکفره کسانی هستند که با ملوک و ستمکاران در دین عیسی جهاد کردند و گفته شدند فرقه دوم آنها میباشند که از دست ستمکاران فرار نموده و دین خود را محفوظ داشته بر طبق دستور عیسی عمل کردند.

لطیفه عربا و اهل تحقیق گفته اند مردمان کامل آنهایی هستند که بدعت و اختراع را بروی خود و دیگران بسته اند و بر تکالیف و احکام الهی چیزی زیاده و کم نکرده اند و ذکر و اوراد خود را بغیر آنچه در قرآن و احادیث آل عصمت و طهارت وارد شده قرار نداده اند اینان مطیع و فرمانبردار خدا و رسول ^{و پیغمبر} و اهل بیت هستند نه مخترع و بدعت گذار و اینگونه مردم بسیار اند

پیغمبر اکرم فرمود پس از من بدعت گذاران و شکاکان را مشاهده کنید از آنان بیزارید جوئید و تا میتوانید از آنها بد گوئی کنید و دشنام دهید و ناگهان بدستگیری ایشان قیام کنید و چندان کار را بر آنها دشوار سازید که نتوانند رخنه و فساد در دژ مستحکم اسلام ایجاد سازند و بکلی بند طمع فسادشان را ببرید و مردم را از آمیزش با آنان بیم دهید تا بدعتهای ایشان را یاد نگیرند اگر بدین دستور رفتار کرید خدای تعالی بر حسنات شما می افزاید و درجات شما را رفیع میگرداند.

و نیز فرمود هر گاه پرچمهای بدعت در میان امت من افراشته شود بایستی شخص عالم و دانشمند تیغ پودریخ علمش را از غلاف سینه بیرون کشد و با آنان بمبارزه بر بخیزد و هر عالمی چنین نکند لعنت خدا بر او باد و فرمود هر بدعتی

که واقع شود مایه گمراهی است و هر گمراهی سرانجامش آتش است (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته و یحمل لکم نورا تمشون به و یغفر لکم والله غفور رحیم) در کافی ذیل آیه فوق از ابی بخارود روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم خداوند باهل کتاب خیر بسیاری عطا فرموده فرمود منظورت چیست؟ عرض کردم آیه الذین آتینا هم الکتاب هم به مؤمنون تا آخر جمله یؤتون اجرهم مرتین فرمود بشما مسلمانان نیز عطا فرموده و آیه فوق را تلاوت نمودید و فرمودند مراد بنور ائمه علیهم السلام میباشد که مردم بآنها اقتدا مینمایند و از سماعه بن مهران روایت کرده گفت سوال کردم از حضرت صادق علیه السلام معنای آیه کفلین من رحمته را فرمود کفلین حسن و حسین علیهم السلام میباشد که بشما عطا شده و نور سایر ائمه است که بآنها اقتدا میکنند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بانس بن مالک فرموده از برای علی دو نور است یکی در آسمان و دیگری در زمین هر کس تمسک بجوید بنور علی خداوند او را به بهشت داخل کند و هر که از او تجاوز نماید او را وارد دوزخ نماید ای انس بشارت بدمردم را باین حدیث بخداوند از نور صورت علی علیه السلام هفتاد هزار فرشته آفریده که پیوسته استغفار میکنند برای دوستان علی علیه السلام تا روز قیامت (لنلاعلم اهل الکتاب الا یقعدون علی شئی من فضل الله وان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم) سبب نزول آیه آن بود چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جعفر را با هفتاد نفر بسوی حبشه فرستاد تا نجاشی پادشاه حبشه و اهل مملکت او را باسلام دعوت کنند آنها رفتند و دعوت کردند نجاشی و جمعی اسلام آوردند - وقتی جعفر و اصحابش خواستند مراجعت کنند جمعی از اهل حبشه که ایمان آورده بودند اجازه خواستند از نجاشی همراه جعفر حرکت کنند و حضور پیغمبر شرفیاب شوند نجاشی بآنها اجازه داد و حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند در غزوه احد مشاهده کردند که مسلمین از حیث مال محتاج میباشند به پیغمبر عرض کردند اجازه بفرمائید ما به حبشه برگردیم مال بسیاری آنجا داریم قدری همراه خود بیاوریم و صرف محتاجین مسلمین بمائیم پیغمبر اجازه داد رفتند مال بسیاری آوردند و بمسلمین عطا کردند خدای تعالی آیه

قَالِذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ تَا وَهَمَّا رِزْقُنَا هُمْ يَنْفَقُونَ رَا در باره ایشان نازل فرموده و نیز آیه یُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ رَا در حقشان نازل نمود آنها قنصر و مباحات کردند بر مسلمین و گفتند ما را دو اجر و پاداش دهند یکی آنکه بکتاب انجیل ایمان داشتیم و دیگری بخاطر ایمان آورده بکتاب شما پروردگار آیه یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا بر سوله یُؤْتِکُمْ کَمَلینَ مِنْ رَحْمَتِهِ و آیه لَّا یُعْلَمُ اهل الکتاب را نازل نمود و فرمود تا اهل کتاب بدانند که آنها قادر بر هیچ چیز از فضل و رحمت خدا نیستند و هر فضل و نعمتی بدست خدا است بهر که میخواهد میبخشد و اودارای فضل و رحمت بی پایانست پیغمبر اکرم ﷺ فرمود هر کس کنیزی داشته باشد و او را معارف دین تعلیم داد موا حکام شرع بیاموزد و آزادش کند پس از آن او را بعتد خود در آورده بدلونند دو اجر باو عطا فرماید و هر بنده ای که اطاعت خدا و مولایش را بجا آورده و حق پروردگار و سپیدش را انجام دهد خداوند دو پاداش باو مرحمت میفرماید و هر کس از اهل کتاب که ایمان دارد با آنچه عیسی علیہ السلام آورده و آنها را بر حق بدانند و نیز ایمان دارد با آنچه محمد پیغمبر خاتم الانبیا آورده و عمل بآن کند پروردگار دو اجر و مزد باو کرامت خواهد فرمود

پایان سوره حدید

سورة مجادلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ
تَحَاوُرُكُمْ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱) الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ
مَا مِنْ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَاهُنَّ إِلَّا لَنِي وَلَدُهُمْ وَإِنْهُمْ لَا يَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنْ
الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ غَفُورٌ (۲)

سوره مجادله در مدینه نازل شده و شامل بیست و دو آیه و چهار صد و هفتاد و سه کلمه و هزار و هفتصد و نود و دو حرف است. خواص و ثواب تلاوت آن مختصری در سوره حدید بیان شده در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره مجادله را قرائت کند روز قیامت از دستگاران خواهد بود و اگر این سوره را بنویسد بر مردی به بندند درد او ساکن شود و اگر چوبه را بخواند ذخیره کنند این سوره را بر آن بخوانند محفوظ بماند و اگر نوشته و در میان حیوانات بگذارد طرف کند هر چیزی که فاسد میکند آنها را. علامه طالب سوره مجادله عبارت است از بیان کفار ظهار و عقوبت مخالفین خدا و رسول و اینکه خداوند بر راز و اسرار درونی مردم آگاه است و امر پوست دادن در مجالس و بیان حال منافقین

قوله تعالى (قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ) وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرُكُمْ كَمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ) این آیات نازل شده درباره خوله دختر خویلد و شوهرش اوس بن صامت که مردی از انصار هستند سبب نزول آن بود که اوس غضبناک شد بر عیال خود و باو گفت تو مانند پشت مادام بر من حرام هستی سپس از گفتار خود پشیمان شد و در زمان جاهلیت رسم بر این بود که هر کس این گفتار را بعیال خود می گفت آن زن بر او حرام آید میشد و هیچ کفایت نمیتوانست با او همبستر بشود خوله عیال اوس حضور پیغمبر رسید عرض کرد ای رسول خدا اوس شوهر و پدر

ترجمه سوره مجادله

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما خداوند سخن آنزن را که درباره شوهرش با تو مجادله کرد و شکوه او را بخدا میبرد شنید و گفتگوهای شما را نیز میشنود و البته خدا بسخنان پندگان شنوا و باحوال ایشان بینا است (۱) کسانی که از شما یا زنان خود اظهار کنند (یعنی بزن خود گویند تو بر من چون پشت مادر هستی) آن زنان مادر حقیقی شوهران خود نخواهند بود بلکه مادرشان همان زنهایی هستند که آنها را زائیده اند. و این مردم سخن ناپسند و باطل میگویند. البته خداوند آمرزنده و عفو کننده است (۲)

فرزندان و پسر عموی من است بمن گفته انت علی کظهر امی و در زمان جاهلیت هر کس این گفتار را بهالش میگفت برادر حرام بود ابرسول خدا من شکایت اوس را حضور شما آورده ام عطا کردم باو شکم خود را و مضایقه نمودم چیزها را از او عطا کردم اوس را در امور دنیا و آخرت و هیچگونه نارضایتی نداشتم حال مرا از خانه خود بیرون کرده شکایت او را نزد شما آوردم حکم بفرمائید در کارم ، رسول خدا فرمود حکم و آیه ای در اینخصوص بر من نازل نشده تا میان تو و شوهرت داوری نمایم و دوست ندارم که از نزد خود چیزی بگویم و خود را در زحمت اندازم آن زن گریه کرد و بخدا و رسولش شکایت نموده و از حضور پیغمبر باز گشت پروردگار سخنان آن زن را با پیغمبر درباره شوهرش شنید چیر لیل نازل شد آیات فوق را آورد فرمود ابرسول ما سخن آنزن را که در باره شوهرش با تو مجادله میکرد و شکوه او را بخدا میبرد شنیدیم و گفتگوی شما را محققاً میشتویم ما بسخنان پندگان خود شنوا و باحوالشان بینا هستیم کسانی که با زنان خود اظهار کنند یعنی بایشان بگویند انت علی کظهر امی آن زنان بر اثر این گفتار مادر حقیقی شوهران خود نخواهند بود بلکه مادرشان همانست که آنها را متولد کرده و این مردم بعاتد زمان جاهلیت سخن ناپسند و باطل میگویند. خداوند آمرزنده و بخشنده است

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳) فَهَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِيُتُومَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَنَكَحَ حُدُودَ اللَّهِ وَاللَّكَافِرِينَ عَذَابُ أَلِيمٌ (۴) إِنَّ الَّذِينَ يُعَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُتِبُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (۵) يَوْمَ يَنْفُخُ اللَّهُ نَافِثًا فَيَنْبِثُهُمْ بِأَعْيُنِهِمْ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۶)

چون آیه نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد ایس و عیالش را حاضر کردند و اوس فرمود تو این سخن را بعیالت گمتی ؛ عرض کرد بلی ای رسول خدا پیغمبر صلی الله علیه و آله آیه را تلاوت نموده و فرمود درباره شما این آیه نازل شده است و است عیالت را دیگر و بپر بمانه خود سخن دروغی باو گمتی هرگز عیالت مالد حقیقتی تو نخواهد بود مادام تو کسی است که ترا زائیده خداوند آمرزید تو را و دیگر از اینگونه سخننها باو نگو اوس با عیالش باز گشت در حالیکه پشیمان بود بر گفتار خود ، پروردگار راضی نبوده که دیگر مؤمنین این عمل را تکرار کنند و این سخن را بعیال خود بگویند لذا بموجب آیه ذیل کفارهای برای اظهار کنندگان نازل فرمود (والذین یظاہرون من نساہم ثم یعودون لما قالوا فتحریر رقبۃ من قبل ان یتماسا ذلکم توعظون بہ واللہ بما تعملون خبیر) کسانیکہ بازنان خود اظهار کنند آنگاه از گفته خود برگردند باید پیش از آنکہ با ایشان ہمبستر شوند بندہای آزاد کنند باین عمل شما پند داده میشوید و خداوند بکردار شما آگاهست و هر کس پندہ نیابد باید پیش از نزدیک شدن دو ماه متصل روزه بگیرد و اگر توانائی ندارد شصت فقیر را

کسانیکه بازبان خود اظهار میکنند و سپس باز میگردند از گفته خود باید پیش از نزدیکی بندگان را آزاد کنند با این حکم شما پند داده میشوید . و خدا بکردار شما آگاهست (۳) و هر کس بندگان نیافت باید پیش از نزدیکی دو ماه متصل دوزه بگیرد و اگر نمیتواند شصت فقیر را طعام دهد این حکم برای آنستکه شما بخدا و رسولش ایمان آورید . این دستورات حدوده خدا است و برای کافران عذاب دردناکی خواهد بود (۴) آنانکه با خدا و رسولش مخالفت میکنند آنها هم مانند کافران پیش ، برو در آتش دوزخ افتند ما آیات روشن را نازل کردیم و از برای کفار عذاب عواری و ذلت مهیا است (۵) بنیاد آور روزیکه خدا تمام خلایق را برای حساب برانگیزد تا آنان را به نتیجه کردارشان که تمام آنها را خداوند بشماره ضبط فرموده و ایشان فراموش کرده اند آگاه سازد . و خدا بر همه چیز گواهد است (۶)

طعام دهد این کفار برای آنستکه شما بخدا و رسولش ایمان آورید و این احکام حدوده خدا است و از برای کفار عذاب دردناکی خواهد بود . در کافی از جمیع این دراج روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم اگر کسی بعیال خود بگوید تو مانند پشت خواهر یا دختر یا عمه یا خاله من هستی این گفتار اظهار است فرمود بلی گفتم چه وقت کماره واجب میشود فرمود پیش از آنکه بخواهد همبستر شود با عیال خود باید کماره بدهد عرض کردم اگر طلاق دهد او را پیش از مقدار بیت باز هم کماره واجب است فرمود در این صورت کفار ساقط میشود مرض کردم اگر بعضی از ایام را روزه گرفت پس از آن مرض شد بعد از بهبودی مابقی را باید بگیرد یا مجدداً از اول شروع کند فرمود اگر یکروز از ماه زیادتیر گرفته مابقی را بگیرد و چنانچه یکماه یا کمتر گرفته از اول شروع کند و فرمود سوگند بظاهر ظهار نیست و حر و مملوک در دادن کفار مساوی هستند جز آنکه بنده نصف کفار آزاد میدهد و کفار او منحصر است بروزه گرفتن و صدقه و آزاد کردن بنده بر مملوک نیست و ظهار در حکم طلاق است یعنی باید در ظهار موافقه باشد و در حضور دو نفر شاهد مسلمان واقع شود و در حالت ضرر و غضب ظهاری نیست و واقع نخواهد شد

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَفْضَحُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى
 ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَشْيَةَ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ
 وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ
 إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ
 لَهَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَنْعَتِ الرُّسُلَ وَإِذَا
 جَاءُوكَ تُخَوِّكَ يَا أَلَمْ يُعَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ
 بِمَا نَقُولُ حَسِبْتُمْ أَنَّهُمْ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۸)

محمد بن عباس ذیل آیہ قد سمع الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده روزی
 پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بدخترش حضرت فاطمه (ع) فرمود بعد از من بر سر شوهرت
 علی علیه السلام مصیبتها وارد شود فاطمه عرض کرد ای پسر بزرگوار آیا دعا نمیفرمایید
 تا خداوند آنها را از علی برطرف فرماید فرمود دعا کردم و از خداوند مسئلت
 نمودم خطاب میداد علم ما گذشته است این مصیبتها باید بر علی واقع شود جبرئیل
 نازل شد و آیہ را فرود آورد (ان الذین یعادون الله و رسوله کذبوا کما کذب الذین
 من قبلهم و قد انزلنا آیات بینات و للکافرین عذاب مبین یوم یبئسهم الله جمیعاً فیه یبئسهم
 بما عملوا احصیه الله و نسوه و الله علی کل شیء شہید) گمانیکه با خدا و رسولش
 مخالفت میکنند مانند کافران پیشین برو در آتش دوزخ میافتند و ما آیات روشن
 خود را فرستادیم و از برای کفار عذاب ذلت و خواری مهیا شد ای رسول ما یاد کن
 آنروز را که خداوند تعالی تمام علایق را برای حساب زنده گرداند و خبر دهد ایشان
 را بآنچه عمل کرده اند یعنی اعمالشان را در مقابل آنها آورند تا خجل و شرمند
 شوند و این شرمندگی نوعی از عقوبت و عذاب میباشد چنانکه یکی از ما بدیگری
 میگوید تو را آگاه کنم از آنچه کرده ای تمام آن اعمال و معاصی را که بجا

آیا ندیدی که آنچه در آسمانها و زمین است خدا بر آن آگاهست هیچ رازی را سه کس با هم نگویند جز آنکه خدا چهارم آنها است و نه پنج کس مگر آنکه خدا ششم آنها است و نه کمتر و نه بیشتر جز آنکه خدا با ایشان است هر کجا باشند، روز قیامت همه را به نتیجه نیک و بد اعمالشان آگاه خواهد ساخت. خداوند بهمه آورده‌ایم است (۷) ای رسول ما آیا آنانرا که از نجوی و دزد گفتن با هم ممنوع شدند ندیدی که اعتنا به نهی خدا نکردند و باز بایکدیگر بگناه و دشمنی و مخالفت با رسول نجوی را از سر گرفتند و هرگاه حضور تو آیند از مکر و خدعه بتو سلام و تعینی گویند که خدا اینگونه دستور فرموده است و پیش خود میگویند چرا خدا ما را برای این سلام تمسخر آمیز عذاب نمیکند. بدانند که عذاب دوزخ آنها را کافیهست تا در آنجا که بسیار بد منزلگاهی است پیوسته معذب بمانند (۸)

آورده‌اند خداوند ضبط فرموده و آنها فراموش کرده‌اند پروردگار ایشان را آگاه سازد چه او پر همه چیز دانا و گواه است (الم تر ان الله يعلم ما فی السموات وما فی الارض ما یکون من نجوی ثلاثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم و لا ادنی من ذلك ولا اکثر الا هو معهم اینما کانوا ثم ینبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شیئی علیم) ای رسول ما آیا نمی بینی آنچه در آسمانها و زمین است خدا یتعالی میداند و بر او چیزی پوشیده نیست هیچ رازی سه کس با هم نگویند جز آنکه خدا چهارم آنها است و نه پنج کس مگر آنکه خدا ششم آنها است و نه کمتر و نه بیشتر جز آنکه خدا با ایشان است هر کجا باشند احوال آنها را میداند پس از آن روز قیامت خبر دهد آنان را با آنچه بجا آورده‌اند، چه پروردگار به تمام چیزهای عالم دانا است.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود آیه فوق درباره فلان و فلان و ابی عبیده بن جراح و عبدالرحمن بن عوف و سالم مولی حذیفه و مغیره بن شعبه نازل شد چه آنها میان خودشان نامه‌ای نوشته و رد و بدل کردند که اگر عند الله کشته شود و یا وفات نماید نگذارند خلافت و امامت میان بنی هاشم باقی و برقرار بماند خداوند پیغمبرش را بوسیله این آیه خبر داد و آن جماعت را ممرفی نمود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجُوا بِالْأَسْمِ وَالْعُدْوَانِ وَ
 مَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجُوا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُخْشَرُونَ
 (۹) إِنَّمَا الْجَوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيْسَ بِضَارٍّ شَيْئًا
 إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَقَسَّعُوا فِي الْمَجَالِسِ فَاقْسِعُوا بِفَسَحِ اللَّهِ لَكُمْ وَ إِذَا قِيلَ
 انشُرُوا فَأَنْشُرُوا مَذْفَعِ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
 دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

و این حدیث را ابن بابویه نیز روایت کرده و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در
 معنای آیه فرمود خداوند همیشه بوده بدون زمان و مکانی و حال بهمان حالت هست
 و محالی نیست مکانی از خداوند و اشتغال نکرده مکانی را و مردم با هم هیچ سری را
 نگویند جز آنکه خداوند با آنها میباشد و برای انجام امری اجتماع نکند مگر
 آنکه خداوند با آنهاست و از سر ایشان اطلاع دارد و نیست میان او و مخلوقاتش
 حجاب و پرده ای ، از خلق محبوب و پنهان است ولی بدون حجاب و پرده خداوند
 بزرگ و مقتدر و دانا است (اللهم ترالی الذین نهوا عن الذجوى ثم یعودون لما نهوا
 عنه ویتناجون باللاثم والعدوان ومعصیت الرسول و اذا جاؤک حیووک بما لم یحیک
 به الله ویقولون فی انفسهم لولا یعذبنا الله بما نقول حبیم جهنم یصلونها فبئس الصیر)
 طبرسی از ابن عباس روایت کرده که آیه فوق درباره یهود و منافقین نازل شده آنها
 با یکدیگر راز میگفتند در غیاب مؤمنین و نظر میکردند بمؤمنین و با چشم بهم
 زدن آنها را مسخره میکردند مؤمنین گمان میکردند که منافقین از کشتن خویشان
 و برادران آنها که بجهاد رفته اند خبری دارند لذا ملول و افسرده میشدند و چون
 خویشان و برادران آنها سلامت باز میگشتند سرور و خوشحال میشدند بر رسول اکرم
صلی الله علیه و آله شکایت کردند از منافقین آنحضرت نهی فرمود از راز گفتن، منافقین مخالفت

ایکسانیکه ایمان آورده‌اند چون راز گوئید یا هم هرگز بگناه و دشمنی و نافرمانی پیغمبر راز نگوئید بلکه بر نیکوئی و تقوی راز بگوئید و از خدائیکه پس از مرگ بسوی او باز میگردید بترسید و پرهیز کار شوید (۹) زیرا نجوی از عمل شیطان است که می‌خواهد مؤمنین را محزون گرداند و حال آنکه هیچ‌زیانی بآنها نمی‌رساند مگر بفرمان خدا و مؤمنین هم باید پیوسته بر خدا توکل کنند (۱۰) ای اهل ایمان هرگاه شما گفتند که در مجالس جای را بر یکدیگر فراخ کنید، جای باز کنید تا خدا بر توسعه و عزالت شما یفزاید و هرگاه گفتند از جای خود بر خیزید حکم خدا را اطاعت کنید که خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان را در دو جهان بلند میگرداند و البته خدا بهر چه کنید آگاهست (۱۱)

نموده و باز نایستادند از راز گفتن آیه مربوط نازل شد، دیگر آنکه یهودیان حضور رسول خدا می‌رسیدند و بجای السلام علیک السام می‌گفتند و السام بمعنی موت است و بعضی از منافقین حضورش شرفیاب شده درخواست می‌کردند چیز را که از برای آنها حلال نبود حلال نماید و بکلامیکه مرسوم بود زمان جاهلیت مانند انهم صباحاً و مساءً بجای سلام تعحیت می‌گفتند خداوند به پیغمبرش خطاب فرمود هرگاه اینان تورا تعحیت گویند بشعنی که خدا دستور نداده بآنها بگو بجای تعحیت شما خداوند تعحیتی که از تعحیت شما برتر و بهتر است و آن تعحیت اهل بهشت که گفتن السلام علیکم میباشد امر و دستور فرمود: - در کافی ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مرد یهودی وارد شد بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حضورش بود گفت السام علیک یعنی مرگ و شمشیر بر تو باد پیغمبر در جواب فرمود بر خودت باد یهودی دیگر وارد شد او هم همینطور گفت رسول خدا فرمود بر تو باد سومی وارد شد او هم همینطور، عایشه در غضب شد گفت بر شما یهودیان سام و غضب و لعنت خدا باد ای برادران بوزینه خنجر پیغمبر فرمود ای عایشه اگر فحاشی مثل شود بصورت بدی مثل خواهد شد هرگز رفق و مدد را از دست نده عرص کرد ای رسول خدا مگر نشنیدی آنها چه گفتند فرمود شنیدم منهم کلام آنها را بخودشان زد کردم و هرگاه مسلمانان بر شما سلام کنند در جوابش بگوئید سلام علیکم و اگر کافری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ
 سَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطِيعُوا فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)
 «أَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ سَدَقَاتٍ فَإِذْ لَّمْ تَقْلُوا وَقَابَ
 اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقْبِسُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ
 خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَكْمُلُونَ (۱۴) أَعَدَّ
 اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّمَا سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)

سلام کند جوابش فقط عليك بگوئيد

ابن بابويه از ابی سعید خدری روایت کرده که یکی از علایم نفاق داشتن
 بعضی علی بن ابیطالب علیه السلام است روزی پیغمبر در مجلسی تشریف داشت دو نفر
 منافق بایکدیگر نجوی میکردند رسول خدا تا نگاهش بر آنها افتاد غضب شدیدی
 بر حضرتش عارض شد و فرمود بآنخدائیکه جانم در دست قدرت او است کسی در
 بهشت داخل نمیشود مگر آنکه مرا دوست داشته باشد و دروغ نگوید کسیکه
 گمان میکند مرا دوست داشته و حال آنکه بعضی علی را دلدل خود پنهان کرده است
 پس از آن آیه مزیور در همان مجلس نازل شد (انما النجوى من الشيطان لیحزن
 الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئاً الا باذن الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون) سبب
 نزول آیه فوق آن بود که حضرت فاطمه (ع) در خواب دید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
 حسین و امیرالمؤمنین و حضرتش را از مدینه بیرون برد رسیدند سر دوراه پیغمبر
 از راه راست آنها را بردتار رسیدند به تخلصتانی که نهر آب در آن جاری بود گوسفندی
 خرید که گوش آن نقطه سفیدی داشت ذبح نمود آن را و از گوشت آن گوسفند
 تناول کردند و همه آنها هلاک شدند از خواب بیدار شد خواب خود را به کسی اظهار
 ننموده صبح شد پیغمبر تشریف آورد و حیوان سوری همراه داشت حضرت فاطمه را

ای اهل ایمان هر گاه بخواهید با رسول سخن سری گوئید پیش از آن باید صدقه دهید که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر از فقر چیزی نهایید در اینصورت خدا آمرزنده و مهربانست (۱۲) آیا از اینکه پیش از آن گفتن با رسول صدقه دهید از فقر ترسیدید؟ پس حال که اداء صدقه نکردید باز هم خدا شما را بخشود اینک نماز بپا دارید و زکوة بدهید و فرمان خدا و رسولش را بپذیرید و بدانید که خدا بهر چه کنید آگاهست (۱۳) ای رسول ما آیا آن مردم را ندیدی که با کسانی که خداوند بر آنها غضب کرده است دوستی نمودند اینان نه از شما مسلمین هستند و نه از فرقۀ یهود و بدو غ سو گند یاه میکنند و خود میدانند که دلوغ میگویند (۱۴) خدا برای آنها عذاب سختی مهیا کرده و ایشان بسیار زشت کردارند (۱۵)

سوار کرد با اتفاق امیر المؤمنین و حسنین از مدینه بیرون رفتند بدو راهی رسیدند پیغمبر راه راست را اختیار نمود رفتند تا رسیدند به خلاستانیکه زیر آن نهر آب جاری بود توقف کردند پیغمبر گوسفندی خرید آنرا ذبح کرد گوشتش را کباب کردند چون خراستند تناول کنند حضرت فاطمه بکناری رفت شروع بگریه کرد پیغمبر فرمود ای دختر عزیزم سبب گریه تو چیست؟ آنحضرت خواب خود را نقل نمود رسول خدا دو رکعت نماز بجا آورده و با خدا مناجات کرده جبرئیل فرود آمد مرضی کرده ای رسول خدا شیطانی است بنام الزها آن خواب را بفاطمه ارائه داد و در خواب چیزهایی را که سبب هم و غم میشود بمؤمنین نشان میدهد و گفت ای رسول خدا امر کن آن شیطان حاضر شود چون حاضر شد پیغمبر باو فرمود تو بودی که آن خواب را بفاطمه ارائه دادی گفت بلی ای رسول خدا پیغمبر سه مرتبه آب دهان بر او انداخت و فرمود قبیح شوی آنگاه به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرده ای رسول خدا هر گاه یکی از مؤمنین در خواب چیزی را مشاهده کند که کراهت دارد از آن، کلمات ذیل را قرائت کند و بیدار بطرف چپ خود هیچ ضرری نمیبیند / اعوذ بها عافیت به ملائکة الله المقربون و انبیاء الله المرسلون و عباد الصالحون من شر ما رایتمن رویاء و سورة حمد و توحید و مودتین را نیز قرائت کند پس از آن آیه مزبور را

لَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَهُمْ جُزْءَ فَصْدٍ وَأَعْنَ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۶) لَنْ تَنْفِي عَنْهُمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۷) يَوْمَ يَنْعَثُهُمُ اللَّهُ جَعِيماً فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۸) لِيَسْتَحْذَرَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسِيَهُمْ ذَكَرَ اللَّهُ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۹)

فروود آورد - .

و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود تاویل شیطان در آیه دومی است (یا ایها الذین آمنوا اذا قیل لکم تفسحوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم و اذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبیر)

سبب نزول آیه آن بود که مردم در منزل و مجلس رسول اکرم صلی الله علیه و آله ازدحام میکردند و چون تاژمواردی داخل میشد در اطراف پیغمبر هجوم آورده مکانی بآنها نمیدادند و آنحضرت گرامی میداشت اهل بدر را از مهاجر و انصار روزی جمعی از اهل بدر وارد شدند از جمله آنها ثابت بن قیس بود جای پا و ندادند بر پیغمبر گران آمد، فرمود بمردم غیر اهل بدر ای فلان بر خیز منافقین بمسلمان گفتند آیا شما نمیکوئید پیغمبر یا مردم به عدالت رفتار میکنند این عمل برخلاف عدالت بود زیرا غیر اهل بدر پیش از این جای گرفته بودند آیه فوق نازل شد فرمود ای مؤمنین هر گاه بشما گفتند در مجالس جای را بر یکدیگر فراخ دارید امر خدا را بشنوید تا خدا بر توسعه شما بیفزاید و چنانکه گفتند از جای خود برخیزید نیز حکم خدا را اطاعت کنید زیرا خداوند مقام اهل ایمان و دانشمندان را درود

آن منافقین سوگندهای خود را برای حفظ خود قرار دادند و خلق را از راه خدا باز داشتند برای آنها عذاب ذات و عواری خواهد بود (۱۶) هر گز مال و فرزندی ایشان را از عذاب خدا رها نکند آنها اهل دوزخند و در آن همیشه معذب خواهند بود (۱۷) روزیکه خداوند همه آنها را بر انگیزد آنگاه سوگند یاد کنند برای خدا بدوغ آنچنانکه برای شما قسم یاد میکنند و گمان دارند دارای چیزی میباشند ای مردم بدانید این منافقین دروغگو هستند (۱۸) شیطان بر آنها غالب شده و ذکر خدا را از یاد ایشان برده است اینان حزب شیطانند ای اهل ایمان بدانید که حزب شیطان بحقیقت زیان کار است (۱۹)

جهان بدرجات بسیاری بر مردمان دیگر برتری داده و پروردگار بهره بجا آوردید آگاه است این مسعود با مصداق پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میگفت این آیه را بخوانید تا رغبت شما در علم و دانش زیاد شود چه خداوند میفرماید من مؤمن عالم را بر آنکسی که غیر عالم است بدرجات بسیاری برتری دادم پیغمبر اکرم فرمود خدایتعالی تفضل و برتری داده عالم را بر شهید بدرجهای و شهید را تفضل داده بر عابد بدرجهای و فضل عالم بر سایر مردم همان مقدار است که فضل من بر کمترین مخلوقات میباشد مداد و قلم دانشمندان بدرجات بسیاری از خون شهدایان افضل است هر کس بمیره و در طلب علم باشد فرمای قیامت میان او و پیغمبران یکدرجه فضل بیشتر نباشد (یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول قعدوا این یدی نجویکم صدقة ذالک خیر لکم و اطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم) سبب نزول آیه آن بود که چون مردم بسیار حضور رسول خدا میرسیدند و سوالات بی شمار میکردند و خاطر پیغمبر اکرم را افسرده و رنجور مینمودند و اغنیا و توانگران حضورش بسیار توقف میکردند و سوالات بسیار مینمودند و مانع از ورود فقرایند محضرتش بودند آنحضرت هم شرم و کراهت داشت از آنکه چیزی بآنها بگوید و بر گرداند ایشان را خدایتعالی آیه مزبور را فرستاد و ادب آموخت آنها را و فرمود چون خواهید با رسول من حدیث کنید مسئله پر حید و سر گوئید پیش از آن صدقه دهید، تمام مردم بحر امیر المؤمنین علیه السلام از سوال و گفتگو کردن یا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله باز ایستادند

إِنَّ الَّذِينَ يُعَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَفْالِينَ (۲۰) كَتَبَ اللَّهُ
لِالْغَائِبِينَ آتَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۱) لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ
أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ
وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲)

توانگران بخل کردند از صدقه دادن و قرا و چیزی نداشتند که صدقه بدهند و
پادشاه عامه و خاصه امیرالمؤمنین دیناری نداشت فروخت بدمدرهم و ده مرتبه صدقه داد
و بار رسول خدا نجوی کرد و بر اسرار علوم واقف شد و دیگران پیغمبر را رها کرده
و رفتند و آن زحمت بخلوت مبدل شد و بسبب وجوه مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام
خدای تعالی این حکم را از او مبرا داشت و بآیه ذیل منسوخ فرمود (و اشفقتم ان
تقدموا این بدی نجویکم صدقات فاذلم تفعلوا و تاب الله علیکم فاقیموا الصلوة اتوا الزکوة
واطیعوا الله ورسوله والله عبیر بما تعلمون) آیات رسیدید از آنکه پیش از راز گفتن بار رسول
صدقه دهید فقیر شوید؟ حال که صدقه ندادید خداهم شما را بخشید اندک نماز بها
دارید و زکوة دهید و خدا و رسولش را اطاعت کنید پروردگار بهر چه عمل کنید
آگاهست . . . عمر گفت امیرالمؤمنین علیه السلام دارای سه چیز بود که کسی دیگر
آنها را دارا نبود و اگر من یکی از آنها را داشتم بهتر بود برایم ار داشتن
شتران سرخ موی اول همسری با حضرت فاطمه ، تمام صحابه حضرت فاطمه (ع) را از
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خواستگاری کردند آنحضرت همدا ره کرده جز اسیرالمؤمنین
علیه السلام دوم بد روز خیر رسول خدا فرمود فرما پرچم را بدست کسی خواهم داد که

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی و مخالفت می‌کنند خوار و ذلیل‌ترین مردم هستند (۲۰) خداوند این مطلب را حتم گردانیده است که من و رسولانم بر دشمنان غالب شویم محققاً خداوند بسیار قوی و مقتدر است (۲۱) ای رسولها هرگز چنین نخواهی یافت مردمی که بخدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند با دشمنان خدا و رسول دوستی کنند هر چند آن دشمنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان ایشان باشند این مردم پایدارند که خدا بر دل آنان نور ایمان نگاشته است و بروح قدس الهی آنها را مؤید و منصور گردانیده و روز قیامت آنها را به بهمتی داخل کند که زیر درختانش نهرها جاریست پیوسته در آنجا جاوید بمانند خدا از ایشان خوشنود و آنها از خدا خوشنودند اینان حزب خدا هستند آگاه باشید که تنها حزب خدا رستگاران عالمند (۲۲)

تمام شد ترجمه سوره مجادله

خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز خدا و رسول را دوست میدارد حمله میکند بر دشمنان و هرگز فرار نخواهد کرد، پرچم را بدست امیر المؤمنین علیه السلام داد. سوم آیه نجوی است که فروه آمد و منسوخ شد و کسی بجز امیر المؤمنین علیه السلام بآن عمل ننموده و خود آنحضرت در مقام احتجاج بر مهاجر و انصار نسبت بصدب خلافت و فدا آیه فوق را یکی از مناقب خود بشمار آورده - عبدالله هارون خراسانی گفت از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام سؤال کردم چرا صدقه بر آل علیه السلام حرام است فرمود از مطلب بزرگی پرسش نمودی بدان که چون ما خویشی را با دادن صدقه پاکیزه کردیم خدایتعالی خواست که بگرفتن صدقه ما را مدنی کند آنگاه فرمود میدانی این موضوع در کجای قرآن است؟ عرض کردم در آیه و یطعمون الطعام می باشد فرمود این آیه نیست آیه نجوی است که بکروز پوش نبوه روز دیگر آیه رخصت نازل شد چه خداوند در آن آیه میفرماید ذالک غیر لکم و اطهر، صدقه دادن برای شما بهتر و پاکیزه تر است زیرا مصلحتی بآن تعلق دارد آنگاه عذر خواست برای کسانی که ندارند تا بداند خدا تکلیف ما لایطاق نکند (الم تر الى الذين تولوا قوما غضب الله عليهم ما هم منكم و لا منهم و يحلفون علی

الکذب و هم یعلمون) این در باره منافقین نازل شده عموماً و در باره دومی بالمخصوص چه آنها با یهود دوستی میکردند و اسرار مؤمنین را بیهود میگفتند خدا را از این عمل بخشم آوردند فرمود ابرسول ما آیا نمی بینی این مردم با قومیکه خداوند بر آنها غضب کرده دوستی میکنند ایشان بحقیقت نه از شما مسلمین و نه از فرق یهود هستند بدروغ سوگند میخوردند و خودشان میدانند دروغ میگویند علی بن ابراهیم از صادقین علیه السلام روایت کرده فرمودند آیه در باره دومی نازل شده رسول خدا گذشت بر او دید نزد مرد یهودی نشسته و چیزی مینویسد حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد آنحضرت باو فرمود چه چیز از یهودیها مینوشتی و حال آنکه خداوند نهی فرموده شما را از این کتابت گفت ابرسول خدا اوصاف شما را از روی تورات آنها مینوشتی پیغمبر در غضب شد. مردی از اصحاب باو گفت ایمر چرا پیغمبر را غضب آوردی گفت من اوصاف پیغمبر را مینوشتی پیغمبر فرمود اگر موسی بن عمران میان آنها بود و نزد ایشان میرفتی برای آنچه چیزیکه میل دلری همانا تو کافر بودی پس از آن میفرماید خدای تعالی برای اینگونه مردم عذاب بسیار سختی مهیا کرده چه آنها بسیار زشت کردارند. سوگند از خود را برای حفظ خود سپر قرار دادند و خلق را از راه خدا باز میدارند و برای آنها ذلت و عذاب خواری خواهد بود پس اقرار باسلام برای فرار از جزیه و کشتن است و هر گز مال و فرزندان، ایشان را از عذاب قهر خدا رها نکند ایمان اهل موزخند و در آن همیشه مذب خواهند بود (یوم یهشم الله جمیعاً فیحلفون له که یحلفون لکم و یحسبون انهم علی شئی الا انهم هم الکاذبون) ابرسول حایب آرد و زیرا که خدا تمام منافقین را برانگیزد و برای خدا آنچه انچه سوگند خورند که برای شما سوگند خوردند که ما کافر سودیم و بر حق بودیم و گمان میکنند این سوگند بدروغ برای آنها اثری خواهد داشت چه در عالم آخرت گمان محال است زیرا معرفت و شناسائی آنجا ضروری است ای مؤمنین بدانید که منافقین مردم دروغگوئی هستند شیطان بر دل آنها احاطه پیدا کرده و بکلی دگر خدا را فراموش کرده اند ایشان بحقیقت حزب شیطانند ای اهل ایمان بدانید که حزب شیطان فریان کلان عالمند - ، روز قیامت خداوند جمع

کند آنها تیکه ستم نموده و غصب کرده اند حقوق آل محمد علیهم السلام را و اعمال ایشان را بآنها نشان میدهند سوگند میخورند برای خدایتعالی که ما چنین عملی نکردیم چنانکه بدو غ برای پیغمبر صلی الله علیه و آله قسم میخورند هر دنیا زیر آن مردم با هم عهد بستند که نگذارند بعد از پیغمبر خلافت و امامت در میان بنی هاشم باقی بماند در عقبه تصمیم گرفتند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را بقتل برسانند وقتی خداوند خبر داد و آگساز گردانید رسوایش را از تصمیم و عهد بستن ایشان آمدند حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بدو غ سوگند یاد کردند که ما چنین تصمیمی نداشتیم و عهد و پیمانی نیستیم آنوقت آیه ۷۴ که در سوره توبه است یحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا کلمة الکبر و هموا بمالم ینالو تا آخر نازل شد سلیم بن قیس در اصل خود روایت کرده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود امت اسلام هفتاد و سه فرقه خواهند شد یکفرقه از آنها در بهشت میروند و هفتاد و دو فرقه دیگر در دوزخ هستند سیزده فرقه از هفتاد و دو فرقه اظهار محبت و دوستی ما اهل بیت پیغمبر مینمایند بکی از آنها به بهشت خواهند رفت و دوازده فرقه دیگر در دوزخند آن فرقه ناجیه کسانی میباشند که ایمان بمن دارند و تسلیم امر بمن هستند من و خاندان مرا دوست میدارند و از دشمنان ما یبزار میجویند حق و امامت مرا شناخته اند و از قرآن و جوب اطاعت و فرمان برداری مرا دانسته اند و هر گز در باره من شک و شبهه نمیکنند و بواسطه نوریکه خداوند مردل آنها آفریده است فضل و شرافت و مقام ارجمند من و اوصیاء بعد از مرا تا روز قیامت میدانند و فهمیده اند که ما را خداوند در قرآن قرین خود و پیغمبرش قرار داده و یقین خالص دارند بما و میدانند خداوند ما را پاک و پاکیزه فرموده و معصوم و گواهان بر خلاق قرار داده و حجت او هستیم در روی زمین بر بندگان و هیچوقت از قرآن جدا نشویم و قرآن از ما جدا نشود تا وارد شویم کمار حوض کوثر حضور مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این فرقه کسانی هستند که از آتش دوزخ نجات یابند و از هر فتنه و گمراهی مصون باشند و داخل بهشت میشوند بدون حساب و همواره در دوزخ دیگر بغیر حق هستند و دیگر داده میشوند زیرا آنها بدو

مددکار دین شیطان و دوستداران او میباشند و دشمنان خدا و رسول و مؤمنین هستند که بدون حساب وارد آتش خواهند شد چه ایشان از خدا و رسولش بیزارند و پرستش نمیکنند غیر خدا را از راهیکه نمی دانند و گمان می کنند که کاریکی انجام میدهند روز قیامت سوگند می خورند که ما مشرک نبودیم و گمان می کنند که سوگند آنها برای ایشان اثری خواهد داشت و حال آنکه خودشان میدانند بدروغ قسم میخورند (ان الذین یجادون الله ورسوله اولئک فی الازلین . کتب الله لاغلبین اناورسای ان الله قوی عزیز) آنانکه با خدا و رسول دشمنی و مخالفت می کنند در میان خلق حواری و ذلیل ترین مردم هستند خدایتعالی در لوح محفوظ نگاشته و حکم فرموده که البته من و پیغمبرانم بر دشمنان غالب شویم پروردگار قوی و مقتدر است سبب نزول آیه آن بود که چون مسلمانان فتح کردند قری و شهرهای حجاز را گفتند امید است که خداوند ما را فتح و فیروزی بخشد تا مملکت روم و فارس را نیز گشوده و تصرف کنیم منافقین گفتند مسلمانان گمان میکنند که روم و فارس مانند حجاز است آیه مزبور نازل شد که خدای تعالی قوی و مقتدر است و روم و فارس را اگر مصلحت باشد خواهید گشود (لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله ورسوله ذلک کانوا آباء هم اوابناء هم اواخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و یدعهم بروج منه و یدخلهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب الله الان حزب الله هم المفلحون) ای رسول ما هرگز نخواهی یافت کسانی که بخدا و روز قیامت ایمان دارند با دشمنان خدا و رسولش دوستی و مرادوت کنند هر چند آن دشمنان پندان و یا فرزندان و برادران و خویشان آنها باشند چه ممکن نیست دوستی کفار با ایمان جمع بشود خداوند ایمان را بر دل این گونه مؤمنین ثبت کرده یعنی ایمانشان ثابت و برقرار است مانند نقش بر سنگ و قوی کرده آنها را به بصیرتی و مؤید و منصور گردانیده است و در بهشت داخل کند ایشان را که زیر درختانش نهرها جاریست و آنجا جاوید بمانند خداوند از آنها خوشنود و آنها نیز از خدا خوشنود باشند اینان بحقیقت حزب خدا هستند و تنها حزب خداوند رستگاران عالمند این آیه در شان فرزند هیدالله اسی نازل شده روزی حضور

پیغمبر بود آنحضرت آب آشامید عرض کرد ای رسول خدا تقاضا دارم بقیہ آب و نیم خورده خودتان را بمن لطف و مرحمت بفرمائید تا بیرم برای پدرم بیاشامد شاید بیرکت این آب داش از شك و شرك و تفاق پاک شود آن آب را از رسول اکرم ﷺ گرفت و نبرد پدر برد گفت این آب نیم خورده رسول خداست بیاشام شاید دلت از شرك و تفاق پاک شود عید اہل جہاد است گفت چرا بول جہاد را نیاوردی آمد حضور پیغمبر اکرم ﷺ عرض کرد ای رسول خدا اجازہ بفرمائید تا گرہن پدرم را بزخم او قابل ہدایت نیست آنحضرت فرمود برو و مدارا کن و با اوبساز خداوند پدرت را بکیفر اعمالش خواهد رسانید۔ محمد بن عباس ذیل جملہ اولك كذب فی قلوبہم الايمان از محمد بن حنفیہ روایت کردہ گفت پدرم امیر المؤمنین علیؑ فرمود دوستی ما اہل بیت رحمتی است کہ خداوند در طرف راست قلب بندہ خود فرود آورد و نقشی است کہ ثبت شدہ۔ ہر کس را کہ طرف راست قلبش را خداوند ثبت فرماید کسی قدرت و توانائی ندارد آن را از اہل بیت نماید آیا نمیشنوید قول پروردگار را کہ میفرماید (اولك كذب فی قلوبہم الايمان) و حب ما اهل بیت ایمان است و از طریق مخالفین ابونعیم از سلمان فارسی روایت کردہ گفت با امیر المؤمنین علیؑ عرض کردم ای مولای من حضور پیغمبر اکرم ﷺ شرفیاب نشدم مگر آنکہ مستحبار کش را بر کتف من زد و اشارہ نمود بشما و فرمود ای مسلمان بدانکہ علی و حزب او دستگاردند

پایان سورہ مجادلہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)
 هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ
 مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ
 مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ
 وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲) وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ
 عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ لَفَسُدَّتْ قُلُوبُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ (۳) ذَلِكَ
 بِأَنَّهُمْ شَاؤُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴)

سوره حشر

سوره حشر در مدینه نازل شده و بیست و چهار آیه و چهار صد و چهل و پنج کلمه و هزار و نه صد و سی و سه حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن - ابن بابویه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود هر کس سوره حشر را قرائت کند بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و حجب و آسمان و زمین و قضا و بیدار و بطیور و درختان و کوهها و آفتاب و ماه و قمر و شتگان بر او رحمت فرستند و استعمار کنند و اگر در آن روز یا شب بمیرد شهید مرده است و در خواص قرآن از آن حضرت روایت کرده که فرمود هر کس این سوره را در شب جمعه بخواند ایمن باشد از بلا تا صبح و هر که چهار رکعت نماز بها آورده و در هر رکعت بعد از حمد این سوره را تلاوت نماید هر حاجتی از خداوند طلب کند غیر از معصیت حاجتش بر آورده شود و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر کس این سوره را بنویسد و باب یا کینه بشوید بپاشد ذهن و ذکاوت او

ترجمہ سورہ حشر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ہر چہ در آسمانها و زمین است همه بہ تسبیح و ستایش خدای مقتدر حکیم مشغولند (۱) خدائیکہ کافران اہل کتاب را برای نخستین مرتبہ از دیارشان بیرون کرد شما مسلمان گمان نمی کردید و آنها ہم حصار محکم خود را نگہبان و ممانع از عذاب و شکنجہ خدای پنداشتند ولی خدا آنها را از آنجا کہ گمان نمی کردند عذاب گردد و در دل آنان ترس را افکند تا بدست خود و بدست مؤمنین خانہ و دیار خود را خراب نمودند . ای ہوشیاران از این داستان پند و عبرت بگیرید (۲) اگر خدا بر آنها حکم جلاہ وطن نوشتہ بود بطور حتم آنها را در دنیا عذاب می کرد و آتش دوزخ در آخرت برای آنها خواہد بود (۳) این جلاہ وطن برای آن بود کہ آنها با خدا و رسول دشمنی و مخالفت کردند و کسانی کہ با خدا دشمنی کنند بدانند کہ عذاب خدا بسیار است (۴)

زیاد شود و فراموشی او کم گردد

خلاصہ مطالب سورہ حشر عبارت از جلاہ یہودیان بنی نضیر و حکم اموال آنها و بیان حال منافقین و مدح بعض مہاجرین و اساز و تشبیہ یہود و منافقین بشیطان و بیان عظمت قرآن کریم .

قوله تعالى . . (سبح لله ما فی السموات وما فی الارض وهو العزيز الحكيم ، هو الذي اخرج الذين كفروا من اهل الكتاب من ديارهم لاول الحشر ما ظنتم ان يخرجوا وظنوا انهم ما يستم حصونهم من الله فاتيهم الله من حيث لم يحتسبوا و فذف في قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بايديهم و ايدي المؤمنين فاعتسوا يا اولي الابصار) این آیات درباره جلاہ یہودیان بنی نضیر نازل شدہ و داستان آن بدین قرار است در مدینہ سہ طائفہ از یہود سکونت داشتند پیغمبر اکرم ﷺ کہ بہ مدینہ برول اجلال فرمود آن سہ طائفہ بنام بنی نضیر و بنی قریظہ و قریظہ با حصرش مصالحہ کردند و پیمان بستند کہ اگر کار نازی پیش آید نہ برآید و نہ برعلیه

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِبَنَةٍ أَوْ نَزَعْتُمْهَا قَائِمَةً عَلَى أُسُوبِهَا فَإِنَّ اللَّهَ وَلِيُجْزِيَ
 الْفَاسِقِينَ (۵) وَمَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ
 وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَاطِرُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ (۶) مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
 وَلِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ
 الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا إِلَيْكُمُ الرُّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَيْكُمُ عَنْهُ فَأْتُوا
 وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

حضرت فهم کنند چون غزوه بند واقع شد و رسول خدا ظاهر یافت گفتند این همان پیغمبر است که عاهد تورات اوسساف او را دیده و شنیده ایم او رسول حق است و راستگو کسی نمیتواند پرچم او را برگرداند و بر حضرتش ظفر یابد چون جنگی احد پیش آمد و مسلمین در ابتدای امر مغلوب شدند گفتند این آن پیغمبر نیست در باره او شک کردند و عهد و پیمانی که با رسول خدا بسته بودند بشکستند و عداوت را با آنحضرت آشکار کردند کعب اشرف که رئیس آنها بود با چهل سوار از یهود بجانب مکه حرکت نمود و با قریش عهد بست که سخنان آنها یکی باشد بر علیه رسول خدا، ابوسفیان هم با چهل مرد از قریش وارد خانه کعبه شدند در آنجا با کعب اشرف و همراهانش پیمان بستند و نامه ای رد و بدل کردند کعب و اصحابش بمدینه باز گشتند جبرئیل نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را خبر داد از عهد و پیمانی که کعب اشرف با قریش بسته است و گفت پرورده گار امر فرموده که کعب را بقتل برسانی وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله مطلع شد بر خیانت و نقض عهد آنها با صحابه و امیر المؤمنین علیه السلام حرکت کرد بعنوان آنکه مسلمانان را مددیه دهمردی که عمر و بن امیه الضمیری از بنی عامر کشته بودند یاری کند پیغمبر و اصحاب

آنچه از درختان خرما پریدید و آنچه را بر جای گذاشتید همه بامر خدا و برای خواری یهودیان فاسق نا بکار بود (۵) و آنچه را خدا از مال آنها بغنیمت باز داد متعلق بر رسول است زیرا شما سپاهیان هیچ اسب و استری نتاختید بلکه خدا مسلط می گرداند پیغمبران خود را بر هر کسی که بخواهد و او بر هر چیز قدرت دارد (۶) آنچه خدا از اموال کافران بر رسولش غنیمت داد مخصوص خدا و رسول او و خویشان رسول و یتیمان و فقیران و راهگزان از آل رسول است و برای آنستکه این اموال و غنائم سبب افزایش ثروت توانگران نگردد و آنچه رسول حق بشما دستور داد بپذیرید و هر چه را نهی نموده و اگذارید و از خدا بترسید که عذاب او بسیار سخت است (۷)

کماندار قلعه آنها رسیدند ایشان در ظاهر از حضرتش احترام کردند و در باطن تدبیر قتل آن بزرگوار را فراهم آوردند و خواستند از بالای قلعه سنگی بر سر مبارکش افکنند و او را بقتل برسانند جبرئیل فرود آمد و خبر داد آنحضرت را پیغمبر باز گشت و دستور داد بمحمد بن مسلمه که برادر رضاعی کعب بود کعب را بقتل برساند و در اثناء راه بانتظار محمد بن مسلمه توقف نمود او رفت با سه نفر از طایفه بنی حارث تا رسید کنار قصر کعب، صدا زد ای کعب من محمد بن مسلمه برادر تو هستم آمدهام چند دینار از تو فرض بگیرم کعب گفت فرض نمیدهم مگر با وثیقه گفت وثیقه حاضر است فرود آی و بگیر در آن روز کعب ازدواجی کرده بود عیال جدیدش باو گفت ای کعب نمیکذارم بروی زیرا من از این صدا بوی خون استشمام میکنم کعب بسخنان او اعتنائی نکرده فرود آمد با محمد بن مسلمه مشغول گفتگو شد و قدم زدند با هم مقداری که از قصر دور شدند محمد رفقاییش را صدا زد آنها کعب را مهلت نداده و بقتل رسانیدند طایفه او از قلعه بیرون آمدند که کعب را نجات دهند دیدند کعب کشته شده و محمد بن مسلمه با اصحابش رفتهاند و اثری از آنها نیست خود را صحیح و سالم حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رساندند پیغمبر بمدینه بازگشت و فردای آنروز خبر قتل کعب را بمسلمانان داد سرور و خوشحال شدند پس از آن رسول خدا شخصی را بجانب بنی نضیر فرستاد فرمود بآنها بگو حد را در مرز از

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا
 مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصَرُّوْنَ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)
 وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا
 يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ
 بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹) وَالَّذِينَ
 لَبَّأُوا مِنْ بَيْنِهِمْ يَتُوبُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ تَبَقَّوْنَا بِالْإِيمَانِ
 وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (۱۰)

قصدها خبر داد میخواستند مرا بقتل برسانید یا از شهر مدینه خارج شوید و یا
 مہیای جنگ باشید گفتند ما خارج میشویم عبدالله ای که سرسلسله منافقین بود
 فرستاد شخصی را بجانب آنها و گفت مبادا خارج شوید جنگ کنید با خدا و رسول
 ما شما را یاری میکنیم و قریش هم یاری شما خواهند آمد اگر خارج شدید ما هم
 باشما خارج میشویم و اگر کشته شدید ما هم باشما کشته میشویم آنها از تصمیم
 اولی خود برگشتند و قلعههای خود را محکم نموده و آماده کارزار شدند یک نفر
 را حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستادند پیغام دادند ما بیرون نخواهیم رفت و مرگ
 بما نزدیکتر است از آنکه تو میگوئی آماده جنگ هستیم و هر کار که میخواهی
 انجام ده رسول خدا باتفاق اصحاب حرکت کردند بجانب آنها در حالتیکه تکبیر
 میگفتند امیر المؤمنین علیه السلام پرچم را بدست مبارک گرفته پیشاپیش لشکر اسلام در
 حرکت بود رسیدند بدیار ایشان قلعههای آنها را محاصره کردند و هر چه نزدیک
 میشدند آنجا را خراب میکردند و مردانی بودند که خانههای خود را بدست خویش
 خراب مینمودند پیغمبر امر فرمود درختان آنها را قطع کنند فریاد ایشان بجزع
 وزاری بلند شد گفتند ای خدا و رسول صلی الله علیه و آله آیا خدای تو امر کرده بر فساد کردن ما

غنائیم مخصوص فقراء مهاجر است که از وطن و اموالشان بدیار غربت رانده شدند طلب فضل و خشنودی خدا می کوشند و خدا و رسولش را یاری می کنند ایشان بحقیقت راستگو یاسند (٨) و کسانی که پیش از مهاجرین در خانه و ایما ر جای گرفتند و آنهایی را که هجرت کردند پسوی ایشان دوست می دارند و در دل خود هیچ حاجتی و حسد و بغلی نسبت بآنها نمی یابند و هر چند خود نیازمند باشند باز مهاجرین را بر خود مقدم می دارند و کسانی که خود را از بخل بر حذر می دارند ایشان رستگارانند (٩) و آنکه بعد از مهاجر و انصار آمدند و دایم در دعا بدر گاه خدا عرضه میدارند پرورد گارا ما و برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند ببخش و پیامر ز وادردل ما هیچگونه کینه ای از مؤمنین قرار مده پرورد گارا نورؤف و مهربانی (١٠)

اینها مال شما است بگیری د و اگر مال مالت پس قطع نکنید جبرئیل نازل شد آیه ما قطعتم من لینه اوتر کتموها فانه علی اصولها فباذن الله و لیجری الفاسقین را آورد یعنی آنچه از درختان حرم ما که در دیار یهودیان بنی نضیر بریدید و قطع نمودید و آنچه بر پا گذاشتید همه بامر خداست و برای عواری و ذلت یهودیان فاسق ناپاک است عاقبت راضی شدند حرکت کنند گفتند ای محمد ﷺ ما از شهر مدینه خارج میشویم بشرط آنکه اموالمان را بخود ما بدهید فرمود ممکن نیست ولی هر اندازه میتوانید با شتر از اموال خود بردارید و خارج شوید آنها راضی نشدند و چند روز دیگر توقف نمودند پس آن حضور پیغمبر آمدند و عرض کردند پیشهاد شمارا می پذیریم هر چه میتوانیم از اموال خود با شتر حمل میکنیم فرمود اکنون دیگر امکان ندارد زیرا از اول قبول نکردید حالا باید بدون مال خارج شوید و هر کس مالی با خود بردارد او را بقبل میرسانیم راضی شدند پس از آن رسول خدا دستور داد بهر سه نفر آنها یک ستر و لوازم سفر بدهند تمام ایشان از مدینه بطرف شام بیرون رفتند جز دو طایفه که در فداک ساکن شدند پرورد گار آیت فوق را نازل نمود و فرمود خدا است که کافران اهل کتف را اولین مرتبه از دیارشان خارج نمود و هر گز شما مسلمانان گمان نمی کردید که آنها از منازل خود بیرون روند گمان میکردند که حصارهای محکمشان آنها را از قهر و انتقام خدا نگاه میدارد

أَمْ تَرَى إِلَى الَّذِينَ نَاقَثُوا إِهْوَاؤَ لَوْلَا إِخْوَانُهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
لَئِنْ أَخْرَجْتُمْ لَنَخْرُجُنَّ مَعَكُمْ وَلَا نَطْلُعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ
لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ بَشِيرٌ لَكُمْ لِكَاذِبِيهِمْ (۱۱) لَئِنْ أَخْرَجُوا لَا يَنْخُرِجُوا مَعَهُمْ
وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولُنَّ إِلَّا ذُبَارٌ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ (۱۲)
لَأَتِمَّنَّ أَشَدَّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنْ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۱۳)
لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي كُرْحَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بِأَسْمِهِمْ يَنْتَهُمُ
شَدِيدَةً تَحْشَبُهُمْ جَمِيعًا وَكُلُّهُمْ شَيْءٌ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَتَّقُونَ (۱۴)

عذاب خدايشعالی بايشان رسيد از آنجائیکه گمان نداشتند و خدا در دلهای آنها
تريس و بیم افکند آنها خانههای خود را بدست خود و بدستهای مؤمنين خراب
کردند پس ای هوشياران عالم از اين حادثه پند و عبرت بگيريد اگر خدا بر آنان
حکم جلا و وطن نميفرمود در دنيا بقتل و اسارت معذب ميشدند و البته در آخرت
عذاب دوزخ برای آنها خواهد بود و جلا و وطن برای آن بود که ايشان با خدا
و رسولش سخت دشمنی و مخالفت کردند و هر کس با خدا دشمنی کند عذاب
خدا بسيار سخت است (و ما افاء الله على رسوله منهم فما اوجفتم عليه من خيل
ولا ركاب ولكن الله يسلط رسوله على من يشاء و الله على كل شيء قدير) و آنچه
را که خداوند از مال کافران باز گردانیده مخصوص پیغمبر است زیرا شما
سپاهيان اسلام بر آن هيچ اسب و استری نتاختيد خدا رسولانش را بر هر که بخواهد
مسلط ميگرداند و او بر هر چيز توانائی دارد (ما افاء الله على رسوله من اهل القرى
فلم يله و للرسول و لذی القرى و اليتامى و المساكين و اين السبيل کی لا يكون دولة
بين الاغنياء منكم و ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهىكم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان
الله شديد العقاب) آنچه خداوند از اموال بتی تشير بر رسول خود غنيمت داد تعلق

ای رسول ما آیا نمی بینی کسانی که تفاق ورزیدند و پیرامدان خود که از اهل کتاب اند و کافرند میگویند اگر شما از دیارتان اخراج شدید ما هم با شما خارج شده و در راه حمایت شما از کسی فرمان نخواهیم برد و اگر با شما کار زار کردند ما شما را یاری می کنیم خدا گواهی می دهد که ایسان دروغ میگویند (۱۱) اگر آنها از مدینه اخراج شدند هرگز منافقین با آنها خارج نخواهند شد و اگر مسلمان با ایشان کارزار کنند ایشان یاریشان نمی کنند و اگر هم یاریشان بروند پیش به جنگ کنند و نصرت نخواهند یافت (۱۲) این مردم منافق هر دلتان از شما ترس بسیار دارند تا از خدا چه آنها مردمانی هستند که هیچ فهم و شعور ندارند (۱۳) آنها با شما بطور جمع کارزار نمی کنند مگر در قریه های محکم حصار دار یا از پس دیوار، میان خودشان اختلاف و نزاع زیاد است و شما گمان می کنید آنها با هم متفق اند ولی حقیقت این نیست بلکه دلتان متفرق است زیرا این گروه دارای عقل و فهم نیستند (۱۴)

دارد بخدا و رسول و خویشاوندان رسول و یتیمان و یتیمان و راهگذیان تا این غنیه ها و اموال منحصر در دست ثروتمندان نگردد زیرا در زمان جاهلیت غنیمت مخصوص توانگران بود و آنچه رسول حق دستور داد بگیری و هر چه نمی کرد و اگذارید و از خدا بترسید که کفر و عقاب او بسیار سخت است . در کافی ذیل آیه فوق از سلیم بن عیس روایت کرده امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بخدا قسم پروردگار از کلمه دی القربی ما را قصد فرموده و بنفع خویش و پیغمبرش مقرون ساخته و مقصود از مساکن و ابن سیل و یتامی از ما آل محمد هستند از برای ما سهمی در صدقات قرار نداده زیرا خداوند پیغمبر و آلش را گرامی داشته و آنها را از آنچه در دست مردم میباشد اطعام فرموده است چه صدقه اوساخ مردم است . و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه در خصوص ما آل محمد بتمنایی نازل شده ذوی القربی و مساکن و یتیمان آل محمد مراد است از تمام ما از رسول خدا هرگز گسسته نشود سیل ما میباشیم و جز ما سیل و صراحی نیست .

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاتُوهَا وَبِأَلْأَمْرِ هُمْ وَلَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٌ (۱۵)
 كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ
 إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶) فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا
 وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۱۷) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ
 نَفْسٌ مِمَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۸) وَلَا تَكُونُوا
 كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۹) لَا يَسْتَوِي
 أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

و قبل جمله ما آیتیکم الرسول از ابی اسحق نحوی روایت کرده گفت واره شدم
 بر حضرت صادق علیه السلام فرمود ای ابی اسحق خداوند پیغمبرش را بر محبت خود
 ادب نمود و آیه : انک لعلی خلق عظیم ، را پس از آن احکام را به حضرتش فرمود
 : ما آیتیکم الرسول فخذوه ، و بعد فرمود : من یطع الرسول فقد اطاع الله ، نازل
 فرمود پس فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بامر خدا آنها را با امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه
 بعد از آن بزرگوار تفویض نمود ای ابی اسحق شما شیعیان خاص تسلیم ما ائمه شدید
 و مردم انکار کردند ما و آیات و اراده در حق ما را سوگند بخدا دوست دارم شما
 شیعیان را بشرط آنکه سخن بگوئید با آنچه ما ائمه گفته ایم و ساکت شوید در آنچه
 ما سکوت کرده ایم و از رأی و عقیده خود چیزی نگوئید ما واسطه میان شما و خدا
 هستیم پرورده گار برای کسیکه مخالف امر ما باشد خیری قرار نداده خداوند امر
 خلق را به پیغمبرش و ما ائمه تفویض نمود تا معلوم شود چگونه مردم پیغمبر و ما
 ائمه را اطاعت مینمایند (للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم و اموالهم
 یتفقون فضلا من الله و رضوانا و یتصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون) غنائم
 خاص فقیران مهاجرین است که آنها را از وطن و اموالشان بدیار غربت بیرون کردند
 با این حال ایشان در طلب فضل و خوشنودی خدا میکوشند و خدا و رسولش را یاری

حال آنها مانند کافران پیشین است که در دنیا زود بکیفر گرداشان رسیدند و در آخرت هم عذاب دردناکی برای آنها فراهم است (۱۵) این منافقین در مثل مانند شیطانند که با انسان گفت بخدا کافر شو پس از آنکه آدم فرمان او کافر شد باو گفت من از تو بی زارم چه از عقاب پروردگار جهانیان می ترسم (۱۶) پس غایت شیطان و آدمی که با او کافر شده آنستکه هر دو در آتش دوزخ مخلدند و آندوزخ کیفر ستمکاران است (۱۷) ای اهل ایمان از خدا بترسید و هر کدام از شما خوب بنگرد که چه عملی برای فرمای قیامت خود پیش می فرستد و از خدا بیرهیزد که او بآنچه می کنید آگاهست (۱۸) مانند کسانی که بکلی خدا را فراموش کردند و خدا هم نفوس آنها را از یادشان برد نباشید ایمان در حقیقت فاسق و تبه کارند (۱۹) اهل جهنم و اهل بهشت هر گز با هم برابر نیستند اهل بهشت همان اشخاص سعادت مند و رستگارانند (۲۰)

میکنند اینان راستگويانند انصار کسانی هستند که پیش از هجرت مهاجرین در مکه بر رسول خدا ﷺ ایمان آوردند و مدینه را خانه اسلام و سرای ایمان قرار دادند و مهاجرین را که بسوی آنها آمدند دوست میدارند و در دل خود هیچ حسد و بغلی نسبت بمهاجرین نمی یابند و هر چند چیزی نیازمند باشد باز مهاجرین را بر خود در آن چیز مقدم میدارند و کسانی که خود را از خوی بخل و حرص نگاهدارند، ایشان رستگاران عالمند چون آیه للفقره المهاجرین نازل شد اموال بنی نضیر را اختصاص دادند بفقرا مهاجرین، پیغمبر ﷺ با انصار فرمود اگر میخواهید با مهاجرین مواسات کنید خانه و اموالیکه دارید با آنها قسمت کنید تا اموال بنی نضیر را بطور تساوی میان تمام شما مهاجرین و انصار قسمت نمایم چه مهاجرین در مدینه خانه و اموالی ندارند و چنانکه نمیخواهید مواسات کنید با آنها این اموال را بمهاجرین میدهم مطابق دستور خدا و اموال شما برای خودتان باشد عرض کردند ای رسول خدا ما حاضریم اموال خود را بین مهاجرین قسمت کنیم و طعمی باموال بنی نضیر نداریم آنهم خاص مهاجرین باشد جبرئیل نازل شد و آیه الدین تبوء الدار و الايمان را در مدح و ثنای انصار آورد - در کافی ذیل آیه (و یؤثرون علی

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱) هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۲۲) هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُبِينُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳) هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ
لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)

انفسہم و لو کان بہم خصاصہ) از جدیل بن دراج روایت کردہ حضرت صادق علیہ السلام فرمود بہترین شما مردم کسانی هستند کہ با سخاوتند و شریترین شما پغیالان باشند و از ایمان خالص است نیکوئی کردن با برادران و بر آوردن حاجات آنها و خوبی نمودن بہ برادران را خداوند دوست میدارہ و با این عمل بینی شیطان بھاک مالیدہ میشود و سبب خلاصی از دوزخ و داخل شدن در بہشت است ایجمول اینہا را باصحاب خود خبر بدہ عرض کردم فدایت کردم آیا نیکوئی کردن بہ برادران در حالی ثروت و تہی دستی است فرمود صاحب ثروت آسان است براو احسان نمودن خداوند مدح فرمودہ آنها تیکہ تہی دست هستند و احسان میکنند آنگاہ آہ فوق را تلاوت فرمودہ و این حدیث را شیخ مفید و طوسی نیز روایت کردہ حضرت صادق علیہ السلام فرمود آہ در شان لیر المؤمنین علیہم السلام نازل شد دیناری برای قوت حضرت فاطمہ و حسن علیہم السلام فراہم نمود درین راہ مقداد بن اسود اطہار حاجت کردہ آندینار را یا شدت احتیاج خود بمقداد عطا فرمود و اورا بر خود و خانوادہ اش مقدم داشت فوراً جبرئیل نازل شد و آہ مزبور را در شان آنحضرت آورد . ابن مسعود گفت نماز شام را با رسول خدا بجا آوردم مردی از میان صف برخاست گفت ای

اگر ما این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم مشاهده می کردی که کوه از خوف خدا چگونه خاشع می شد و از هم شکافته و متلاشی میگشت این مثلها را در قرآن برای مردم بیان می کنیم تا در آیات ما اندیشه کنند (۲۱) اوست خدائیکه جزا و مبادی نیست و او دانای نهان و آشکار و بخشنده و مهربانست (۲۲) اوست خدائی که غیر از او محبوبی نیست پادشاهی منزّه و پاک از هر نقص، ایمنی دلهای هراسان، نگهبان جهانیان، غالب و قاهر بر تمام خلق، دارای جبروت، بزرگ و بزرگوار و برتر از حد فکر، منزّه و پاک است از هر چه بر او شریک می پندارند (۲۳) اوست خدای آفریننده مخلوقات عالم امکان و پدید آورنده جهانیان و نگارنده صورت خلقت، تنها برای او است نامهای نیکو آنچه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش او مشغولند و اوست خدای مقتدر و حکیم (۲۴)

پایان ترجمه سوره حشر

مهاجر و انصار مرد غریب سؤال در حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و نماز گاه میکنم مرا طعام بدهید رسول خدا فرمود ای بنده خدا نام غریب مبر که در گهای دلم را پریدی غریب چهار کس است اول مسجدیست که میان قومی باشد و در آن نماز نکنند دوم قرآن است در خانه ای که اهل آن نخوانند سوم عالم و دانشمندیست که میان قومی و طایفه ای که احوال او نپرسند و از او تفقد نکنند چهارم اسپریست در میان کفار که خدا را نشناسند آنگاه فرمود کیست که مؤنه این مرد را متکفل شود تا خدای تعالی او را در فردوس اعلی جای دهد امیر المؤمنین علیه السلام برخاست و دست سائل را گرفت بخانه برد به حضرت فاطمه (ع) فرمود ای دختر رسول خدا این مهمانرا پذیرائی کن گفت ای سرعم در خانه جز اندکی گندم نبود از آن طعامی مهیا کرده ام بقدر یک نفر بیش نیست کودک کان ما گرسنه هستند شامم روزه داری امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بیاور آن طعام را چون آورد دید اندک است نزد مهمان گذاشت و دست مبارک را دراز کرد به بهانه آنکه چراغ را اصلاح کند آنرا خاموشی کرد تا مهمان سیر شود چون سیر شد چراغ را روشن کرد دید طعام بر حال اول باقی است فرمود بآن مرد چرا طعام نخوردی عرض کرد یا امیر المؤمنین من طعام زیاده از متعارف خوردم

و سرشدم خدای تعالی بر کتبلاده است آنحضرت و فاطمه (ع) زهرا با کودکان نیز از آن طعام میل نمودند و زیادتى را بهمسایه ها مرحمت کردند صبح که امیرالمؤمنین علیه السلام مسجد تشریف بردند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود یا علی بهخاطر آن عملیکه دیشب با مهمان رفتار نمودی و چراغ را خاموش کردی و طعام نظوردی تا مهمان سیر شود خداوند آیه و مؤثر و ن علی انفسهم را در شأن حضرت نازل فرموده است. امیرالمؤمنین علیه السلام جماعتی را دید فرمود شما کیستید عرض کردند ما متوکلین هستیم بتو کد زندگانی میکنیم فرمود بآنها تو کل شما بکجا رسیده است گفتند چون بیاییم بخوریم و اگر نیاییم صبر نمائیم فرمود سگهانزه ما همچین باشند عرض کردند حضورش پس چگونه باید کرد فرمود مانند ما رفتار کنید اگر بیاییم اتفاق و ایشاد کنیم و اگر نیاییم شکر نمائیم (والذین جاهد و من بعد هم یقولون ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان و لا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤوف رحیم) کسانی که بعد از مهاجروانصار آمدند داریم در دعا بدرگاه خدا عرض می کنند پروردگارا ما و برادران دینی ما را که در ایمان بر ما سبقت داشتند ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسد قرار نده پروردگارا توئی که در حق بندگانت بسیار رؤوف و مهربانی عظیم عباس از ابن عباس ذیل آیه و الذین جاهد من بعدهم روایت کرده گفت خداوند واجب فرموده بر هر مسلمانی که استغفار کند برای امیرالمؤمنین علیه السلام بنص آیه فوقه زیرا آنحضرت سابق امت است در ایمان و این حدیث را در مجالس از حضرت امام حسن علیه السلام روایت کرده است (الم تر الی الذین تافقوا بقولون لاخوانهم الذین کفروا من اهل الکتاب لئن اخرجتم لنخرجن معکم و لا نطیع فیکم احدا ابدا و ان قوتلتهم لنصرنکم و الله یشهدانهم لکذیون) این آیه درباره عبدالله بن ابی نازل شده پیغام فرستاه بهیهودیها خارج نشوید و باعد جنگ کنید ما شمار ایاری خواهیم کرد پروردگار میفرماید خداوند گواهی میدهد که منافقین مروج می گویند اگر یهود از مدینه اخراج شدند هرگز منافقین با آنها خارج نمیشوند و چنانکه مسلمانان با ایشان کارزار کنند منافقین یاری آنها نخواهند کرد و اگر یاری آنان روند پشت بهجنگ کرده و دیگر

نصرت نخواهند یافت زیرا این مردم منافق از شما مؤمنین بیشتر میترسند تا از خدا چه آنها مردمی هستند که هیچ فهم و شعور ندارند تا خدا ترس باشند یهودیان از ترس با شما کارزار نکنند مگر در حصارهای محکم یا از پس دیوارها شجاعت و صولت و کارزار در بین خودشان سخت است یعنی تا بایکدیگر باشند لاف زنند و بزبان اظهار شجاعت نمایند و چون بیرون آیند از ایشان ترس دل و ضعیف تر کسی نباشد شما مسامین گمان می کنید آنها با هم مجتمع و بایکدیگر متفقند در صورتی که دلهایشان پراکنده و متفرق است این تفرقه برای آنست که آنها شعور ندارند و عقل بکار نمی بندند (که مثل الذین من قبلهم غریباً ذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب الیم) یهودیان در مثل مانند کافران پوشین هستند در دنیا بزودی بکیفر گرداشان رسیدند و در قیامت هم عذاب دردناک برای آنها مهیا است آن گاه مثل دزد منافقین و یهود را شیطان بقولش (که مثل الشیطان اذ قال للانسان ا کفر فلما کفر قال انی بریء منک انی اخاف الله رب العالمین فکان عاقبتهمما انهما فی النار خالدین فیها و ذالک جزاء الظالمین) این منافقین در مثل مانند شیطانند که بانسان گفت بخدا کافر شو پس از آنکه انسان باطاعت او کافر شد آن گاه او می گوید من از تو بیزارم زیرا از عقاب پروردگار جهانیان سخت میترسم پس عاقبت شیطان و انسانیکه با او کافر شد اینست که هر دو در آتش دوزخ مخلدند و آن دوزخ کیفر ستمکاران است. طبری از ابن عباس و ابن مسعود روایت کرده که مراد بانسان در آیه بر صیصای راهب است و داستان او بدین مضمون است که در زمان قدرت در صومعه ای هفتاد سال خدا را عبادت کرد شیطان هر چه خواست بر او ظفر باید نمیتوانست یکروز شیاطین را جمع کرد و گفت مرا حیلہ ای بیاموزید در کار بر صیصا یکی از آنها گفت من تدبیری کنم، بر صورت راهبی سر تراشیده جامه رهبانان پوشیده بزیر صومعه بر صیصا آمد و او را صدا زد جواب نداد عادت بر صیصا آن بود که از نماز روی بر نمی گردانید مگر یکساعت برای افطار و روزه وصال داشت چون آن شیطان دید بر صیصا جواب او را نمی دهد بتماز مشغول شد بر صیصا از نماز که فارغ شد راهبی را مشاهده کرد بتماز مشغول است بهیمتی نیکو تأسف خورد که

چرا جواب او را ندادم متوجه او گردید و گفت ای بنده خدا مرا معذور بدار از آنکه جواب تو را ندادم در نماز بودم اکنون فارغ شدم بفرمائید چکار دارید شیطان باو گفت مرا آرزوست که باتو یکجا باشم و عبادت خدا بجا آوریم من سیرت تو بر گیرم و بتو اقتداء کنم و از علم تو اقتباس نمایم و بدعای تو رغبت می کنم و من نیز تو را دعا می کنم بر صیبا گفت من تمام مؤمنین را دعا می کنم اگر تو مؤمنی در آنها داخل می باشی گفت ای بر صیبا حاجت من آنست که باتو در یکجا باشم بسیار گریه کرد بر صیبا او را اجازه داد داخل صومعه شود وارد صومعه شد چنان در عبادت و روزه انزود که بر صیبا عبادت خود را حقیر شمرد و گفت عبادت و قوت این مرد بیش از عبادت و قوت من است چون یکسال گذشت به بر صیبا گفت من می خواهم بروم همراه رفیق دیگری است که از تو عابد تر است بر صیبا از مفارقت او بسیار اندوهناک شد چه راهبی از خود عابد تر یافته است گفت ای بر صیبا تو را دعائی می آموزم که بهتر از همه چیز است و آن نامهای خداوند است بهر بیماری بخوانی فوراً شفا یابد و دیوانگان را عقل بخشد آن دعا را باو یاد داد و هر گشت نزد شیطان گفت کار بر صیبا را تمام کردم و او را بهلاکت انداختم پس از آن مردی را گرفت و گلوئی او را فشرده آنگاه بصورت طبیعی در آمد و گفت این مرد دیوانه شده من او را خوب می کنم راه نمائی کرد او را به نزد راهب بردند التماس کردند بر صیبا دعا کرد شفا یافت خبر بر صیبا در شهر منتشر شد تا یکروز دختر پادشاه را نزد او بردند بر صیبا حاضر نشد و ما کند آن شیطان بصورت مردی ظاهر شد با آنها گفت دختر را در صومعه او بگذارید و به برادران دختر گفت به راهب بگوئید این دختر که خواهر ما است امانت نزد تو می گذاریم و میرویم دختر را نزد بر صیبا امانت گذاشتند و رفتند بر صیبا چون از نماز فارغ شد دید آن دختر دارای حسن و جمال بی نظیریست شیطان او را وسوسه کرد و گفت هرگز چنین اتفاقی برای تو پیش آمد نخواهد کرد این دختر بی خبر است با او نزدیک کن عاقبت بر صیبا را مغرور کرد بداد دختر نزد يك شد مباشرت کرد آهستن شد شیطان نزد بر صیبا آمد گفت این چه کاری بود

کردی خود و تمام رهبانان را مفتوح نمودی بهتر است که دختر را بکشی و در زیر این کوه دفن کنی بر صیما در شب دختر را کشت و در آن کوه او را دفن کرد شیطان آمد گوشه جامه او را از خاک بیرون کشید برادران آمدند حال خواهر را پرسیدند بر صیما گفت دختر را دیو برد و بر من غالب شد توانستم او را از دستش نجات بدهم آنها باور کردند و رفتند شب شیطان بخواب برادران آمد بایشان گفت بر صیما خواهر شمارا کشته و در زیر کوه دفن نمود صبح برادران هریک خواب خود را برای دیگری بیان کردند آن برادر دیگر گفت من نیز چنین خوابی دیدم گمان می کنم این خوابی است که شیطان بها و نمود کرده شب دیگر شیطان بخواب آنها آمد و گفت بروید جسد خواهر شما در فلان مکان است و گوشه جامه او ظاهر است آنها رفتند دیدند راست بود راهب را گرفتند بشهر آوردند تا او را بدر کشند شیطان آمد نزد بر صیما باو گفت مرا می شناسی جواب داد نه گفت من راهب صاحب تو هستم بعد از من آبروی خود و همه عابدان را بردی ولی من چیزی بنویسم تو می آموزم تا از این گرفتاری نجات یابی گفت چه کنم شیطان جواب داد مرا سجد کن تا بدها چشمهای ایشان را بگیرم و تو بگریزی وقتی گریختی توبه کن خدا توبه تو را بپذیرد بر صیما شیطان را سجد کرد و کافر شد.

راوی این حدیث و سلسله سند آن عامه است و برخلاف عقل و مذهب امامیه است و این مثل برای یهود و بهای بنی نضیر آورده شده چه آنها مفرور شدند بومده های منافقین پس از آنکه گمراه شدند منافقین هم از ایشان بیزار می گشتند و رها کردند آنها را و اگر چه آیه نازل شد درباره عید الله ای و سایر منافقین لکن عام است و شامل هر انسانی می شود که شیطان او را بکفر وسوسه کرده چون کافر شد او را بیزار می جوید پس از این موعظه می کنند مؤمنین را بقولش / (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفسی اقدمت لغد واتقوا الله ان الله حیر بما تعملون) ای مؤمنین از خدا بترسید و هر نفسی باید بنگرد تا چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می فرستد و از خدا بترسید که او همه کردارتان به جوی آگاهست (ولاتکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم اولئک هم

الفساقون) ابن بابویه ذیل آیه فوق از عبد العزیز بن مسلم روایت کرده گفت تفسیر آیه را از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم فرمود خداوند هیچ سهو و فراموشی ندارد مخاوقات که حادثند دارای سهو و فراموشی میباشد آیاتمی شنوی قول خداوند را که می فرماید وما کان ربک نسیا و معنای آیه آنست که خداوند ترا نمی کند اورا نااستعداد و قابلیت ملاقات روز قیامت را پیدا نکند (لایستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون) هرگز اهل دوزخ و اهل بهشت باهم یکسان نیستند اهل بهشت سعادت مند خواهند بود. ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه را تلاوت می نمود میفرمود اصحاب بهشت کسانی هستند که امر مرا اطاعت کنند و تسلیم علی بن ابیطالب علیه السلام باشند و اقرار بولایت آنحضرت نمایند حضورش عرض کردند اصحاب دوزخ چه کسانی هستند فرمود آنهائی که نقض کنند عهد مرا بعد از من و با علی مجاهده و قتال کنند و قسب نمایند درباره ولایت علی علیه السلام. و از مخالفین موفق بن احمد در کتاب مناقب خود از جابر انصاری روایت کرده که در خانه کعبه حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نشستند و بعد از آن پاره خانه کعبه را بدست مبارک گرفت و فرمود بآن خدا آنکه جانم بدست قدرت او است این علی و شیعیانش رستگارانند و نیز روایت کرده روزی حضرت فاطمه (ع) گریه مینمود پیغمبر با و فرمود ای فاطمه گریه نکن فردای قیامت که مبعوث و از طرف پروردگار خوانده شدم علی با من است ای فاطمه (ع) علی و شیعیان اوفائز و رستگار وارد بهشت میشوند (لوانزلنا هذا القرآن علی جبل لاریته خاشعا متصدعا من خشية الله و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون) پروردگار در این آیه خبر میدهد از عظمت قرآن و بر سبیل مثل می فرماید اگر ما این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم و آن کوه از چیزهایی بود که میشنید و تعقل و اندیشه می نمود مشاهده میکردی ای محمد صلی الله علیه و آله که کوه خاشع و ذلیل شده و از ترس خدا متلاشی و شکافته میشد ولی کما رقی القلب دلهایشان بمواعظ قرآن ترم نتخواهد شد و این مثلها را در قرآن میزنیم برای مردم تا فکر و اندیشه کنند و پند و عبرت بگیرند پس از آن خبر میدهد

عظمت و ربوبیت خود (هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم).
هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
سبحان الله عما يشركون. هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له
ما فی السموات والارض وهو العزيز الحكیم) فرموده او آنخدائی است که جز او خدائی
نیست، دانای نهان و آشکار است، بخشنده و مهربانست در حق بندگان، او آنخدائی است
که جز او خدائی نیست، پادشاه است، و پاك است از هر عیب و وصفی که لایق او نباشد
منزه و مبرا است، تصدیق کننده پیغمبران خود است، و ایمنی دلهای هراسان،
و امین و گواه است بر بندگان خود، غالب و قاهر است بر مخلوقات با جبروت و بزرگی
و بزرگواری است، برتر از حد فکرت، و پاك و منزه است از آنچه مشرکین باو
شرك می آورید و آنخدای آفریدگار است و پدید آورنده معدومات، نگارنده صورت های
مخلوقات است او را است نامهای نوکو تر و هر چه در آسمانها و زمین است همه به
تسبیح و ستایش اوصاف جلال و جمالش مشغولند و او است خدای قاهر و غالب حکیم.
انس بن مالک از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرموده هر کس سه آیه آخر سوره
حشر را بخواند خداوند گناه گذشته و آینده او را بیامرزد و هر که در صبح بگوید
اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم و سه آیه آخر این سوره را تلاوت کند
خداوند تعالی همتاه فرشته را بر او موکل گرداند تا شب صلوات بفرستد و اگر آنروز
به مرد شهید مرده است و همچنین است اگر شب بخواند آنها را، و از آنحضرت سؤال
کردند، از اسم اعظم خدا فرمود پر شما باد به تلاوت کردن آخر سوره حشر و کافی
ذیل آیه له الاسماء الحسنی از هشام بن حکم روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت
صادق علیه السلام اسماء خداوند و اشتقاق آنها را فرمود الله مشتق است از اله بمعنای پرستش
کردن و هر پرستشی پرستش کرده شده ای میخواهد یعنی هر عابدی معبودی لازم
دارد و اسم غیر معنی و مسمی است و هر کس پرستش کند اسم را بدون توجه به معنا کافر است
و عبادت نکرده خدا را و اگر پرستش نماید اسم و معنی هر دو را مشرك است و عبادت
کرده دو چیز را و آنکه پرستش کند معنای تقهار او موحد و خدا پرست است عرض
کردم حضورش فدایت گردم توضیح بیشتری بیان فرمائید فرموده ای هشام برای
خداوند نود و نه اسم میباشد اگر هر اسمی بجهت همان معنی و مسمی بود همانا هر اسمی

خدائی است لکن خداوند معنائی است که دلالت دارند بر اوتامام اسمی و جمیع آنها غیر معنی میباشند ای هشام مثلی برایت میزنم تا روشن شود نان اسم است برای چیزی که میخورند و آب برای آنکه می آشامند و لباس برای آنچه می پوشند آتش اسم است برای آنچه میسوزاند ای هشام فهمیدی اینها را حفظ کن تا بتوانی با دشمنان ما مباحثه کنی و بر آنها غالب شوی هشام عرض کرد فدایت کردم فهمیدم فرمود خداوند بتوفیق برساند و برحق ثابت گرداند هشام میگوید سوگند بخدا از آنروز که حضرت صادق علیه السلام این فرمایشات را بمن فرمود در توحید و خدا شناسی کسی بر من غالب نشد.

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بامیر المؤمنین علیه السلام فرموده برای خداوند نودونه اسم باشد هر کس آنها را حفظ کند و بشمارد داخل بهشت می شود و آنها بدین قرار است - الله - الاله - الواحد - الاحد - الصمد - الاول - الآخر - السميع - البصير - القدير - القادر - القاهر - العلی - الاعلی - الباقی - البديع - الباری - الاکرم - الطاهر - الباطن - الحی - الحکیم - العليم - الحليم - الحفيظ - الحق - الحبيب - الحميد - الخفي - الرب - الرحمن - الرحيم - الذاری - الرزاق - الرفيق - الرؤف - البار - السلام - المؤمن - المهيمن - العزيز - الجبار - المتكبر - السيد - السبوح - الشهيد - الصادق - الصانع - الطاهر - العدل - المنفرد - الغني - الفياض - الفاطر - الفرد - الفتاح - الفالق - القديم - الملك - القدوس - القوي - القريب - القيوم - القابض - الباسط - قاضي الحاجات - المجيد - المولى - الامنان - المحيط - المبين - المقيت - المصور - الكبير - الكافي - كاشف الضر - الوتر - النور - الوهاب - الناصر - الواسع - الودود - الهادي - الوفي - الوكيل - الوارث - البر - الباعث - التواب - الجليل - الجوامع - الخبير - الخالق - خير الناسرين - الديان - المشكور - العظيم - اللطيف - الشافي - .

و فرمود آنحضرت عالم غیب چیزیست که در این جهان نیست و مشاهده نمیشود و عالم شهادت چیزیست که موجود بوده مشاهده میشود. و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند بر پیغمبرش صلی الله علیه و آله نازل فرموده لا اله الا هو الحی

القیوم را و نامیده می شود باین اسماء الرحمن الرحیم العزیز الجبار العلی العظیم...
 درباره خدای تعالی بصورت افتادند و هوشها از دست داده شده لذا برای خدا مثلها زده اند
 و او را باشیائی تشبیه کردند و اشیاهی برای او قرار دادند و گفتند خدا حلول میکند
 در اشیاء و زایل میشود از اشیائی این قبیل از مردم در دریای بی پایانی فرو رفتند نمی
 دانند انتهای آن را و مدد نکنند اندازه موری آنرا . و لزام المؤمنین و علی نواست
 کرده فرمود بخل نکنید دو سلام کردن و غضب نکنید نیکو و پاکیزه سخن بگوئید
 شبانگاه و قتی که مردم در خوابند نماز بجا آورید تا داخل بهشت شوید پس از آن تلاوت
 فرموده این آیه را : السلام المؤمن المومنین...

پایان سوره حشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْخِذُوا عِدَّتِي وَعِدَّوْكُمْ أَوْلِيَاءَ تُنْفِقُونَ فِي يَوْمٍ
بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ
أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَخْرُجُونَ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي
يَسْرُونَ فِي يَوْمٍ بِالْمُودَةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا تُخْفِينَ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ
فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱)

سوره ممتحنه

سوره ممتحنه در مدینه نازل شده و سیزده آیه و سیصد و چهل کلمه و هزاروپانصد و ده حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن - ابن بابویه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و مستحب تلاوت نماید خداوند امتحان فرماید دل او را از برای ایمان و دیده او را نورانی گرداند و فقر و دیوانگی در اولادش بهم نرسد هرگز. و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند فرشتگان بر او رحمت فرستاده و استغفار کنند و اگر در آن روز بمیرد شهید مرده است و مؤمنین شفیع او بشوند در روز قیامت. و هر که آنرا بنویسد و باب بشوید و سه روز متصل بیاشامد درد جگر بر او باقی نماند و ایمن باشد از یابدها و امراض در مدت حیات خود پادشاه خداوند.

خلاصه مطالب سوره ممتحنه عبارت است از تعویذ مؤمنین از مراده و

ترجمه سوره ممتحنه

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای اهل ایمان نباید دشمنان من و دشمنان خود را یاران خود برگرفته و طرح دوستی با آنها افکنید چه آنان بکتایبکه بر شما آمد کافر شدند و رسول خدا و شما مؤمنین را بجرم ایمان بعد از وطن خود آواره کردند و اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضا و خوشنودی من بیرون آمدید پنهانی با ایشان دوستی نکنید که من با سرار نهان و اعمال آشکار شما از هر کس دانا ترم و هر که از شما چنین عملی انجام دهد براء ضلالت و گمراهی شناخته است (۱)

دوستی با کفار و یاری کردن از آنها و تأسی کردن به حضرت ابراهیم و حکم‌زنان مهاجرات و بیعت نمودن آنها در روز فتح مکه فوله تعالی (یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء تلقون الیهیم بالمودة وقد کفروا بما جاءکم من الحق بخروج رسول و ایاکم ان تؤمنوا بالله ربکم ان کنتم خرجتم جهادا فی سبیلی و اینفاء مرضاتی تسرون الیهیم بالمودة وانا اعلم بما اخیتم و ما املنتم و من یفعله منکم فقد ضل سواء السبیل) این آیات نازل شده در حق مخاطب بن ابی بلتعنه و سبب نزول آن بود،

زنی بنام سارة مولاة ابی عمرو بن صفی بن هاشم بن عبد مناف از مکه بمدینه آمد حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دو سال بعد از جنگ بدر آنحضرت باو فرمود آمده‌ای مسلمانان بشوی گفت خیر فرمود هجرت کرده‌ای عرض کرد خیر چون مولای من شمااید و من در مکه مولائی ندارم بسیار محتاج شماام آمده‌ام تا بمن چیزی مرحمت بفرمائید تا باز گردم بسوی مکه فرمود چرا از اهل مکه درخواست نمودی و آن زن در مکه پیشه‌اش غنای و توحه سرائی بود عرض کرده پس از روز بدر کسی رغبت و میل پیدا نکرد و خوانندگی من رسول خدا بفرزندان عبدالمطلب فرمود چیزی باو بدهید تا بر گردد بمکه آنها ده دینار و لباس و شتری باو دادند رفت نزد مخاطب بن ابی بلتعنه و از او چیزی خواست مخاطب اسلام آورده و هجرت نموده بود عیالش حاضر نشد باو هجرت نماید در مکه توقف کرد قریش چون خائف

إِنْ يَتَّقُوا اللَّهَ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ
 بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (۲) لَنْ تَنفِكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْعَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳) قَدْ كَانَتْ لَكُمْ
 أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ
 وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْمَدَاوَةُ
 وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ
 لَا تُشْرِكْ لَكَ وَلِمَا أَمَلَكَ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا
 وَإِلَيْكَ أُنَبِّئُكَ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۴)

بودند از حرکت پیغمبر بسوی مکه لذا بعیال مخاطب گفتند نامه ای بشوهرت بنویس
 تا ما را خبر دهد از محول ^{والتحریر} او نامه ای نوشت و بوسیله همان زن مدنیبه
 فرستاد مخاطب در جواب نامه نوشت که پیغمبر خیال جنگه دارد و نامه را بساره
 مدنیبه داد تا برسد آن زن نامدرا میان پای خود پنهان کرده و بجانب مکه حرکت کرده
 جبرئیل نازل شد و پیغمبر را از نامه خبر داد آنحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و ذریه بن
 عام را در تعقیب آن زن فرستاد تا نامدرا بگیرند، در بین راه بان زن رسیدند
 امیر المؤمنین علیه السلام باو فرمود نامه کجاست بمن بده گفت نامه ای نزد من وجود ندارد
 و گریست و سوگند یاد نمود که نامه ای ندارم متاعش جستمند چیزی نیافتند خواستند
 برگردند و به رسول خدا خبر بدهند که نامه ای نزد او نیست امیر المؤمنین علیه السلام
 فرمود رسول خدا دروغ نمیگوید و جبرئیل هم دروغ نمیگوید نامه نزد او است پس
 از آن شمشیر کشید و فرمود بان زن بخدا سوگند اگر نامه را بیرون نیاوری سرت
 را از تن جدا خواهم کرد و برای پیغمبر میبرم چون این فرمایشات را از آنحضرت شنید

اگر کفار بر شما تسلط یابند باز همان دشمن دیرینه هر چه بتوانند بفرستند و زبان بر دشمنی شما میکوشند و چقدر دوستدارند اگر شما کافر شوید (۲) هرگز روز قیامت خوبشان و فرزندان شما سودی برایتان ندارند آنروز میان شما جدائی میافکند و خدا بهر چه کنید آگاهست (۳) برای شما مؤمنین بسیار پسندیده است که بآبراهیم و پیروانش اقتدا کنید چه آنها بقوم مشرک خود گفتند ما از شما و بهائیکه بجای خدا می پرستید بیزاریم. نگریدیم بشما همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا آنکه بخدای یگانه ایمان آورده مگر نه آنکه آبراهیم پدر مادری خود گفت اگر ایمان آوری من برای تو از خدا آمرزش میطلبم و بر نجات تو از عذاب خدا هیچ کاری نتوانم کرد. پروردگارا بر تو کل کردیم و بسوی تو باز گشت نمودیم و باز گشت تمام خلق بسوی تست (۴)

گفت روی بگیرد این تا نامه را بیرون آورم آنحضرت صورت عوه بر گردانید زن نامه را از میان پای خود بیرون آورد و تسلیم امیر المؤمنین علیه السلام نمود آنحضرت نامه را حضور پیغمبر آورد رسول خدا دستور داد مخاطب را حاضر کردند باو فرمود این چه خیانتی بود که تو کردی عرض کرده ام رسول خدا به پروردگار سوگند که منافق نشدم و تغییر در دین ندادم و مراعات قریش نکردم گواهی میدهم که نیست خدائی جز خدای یکتا و شما پیغمبر بر حق هستید چون قریش با اهل و عیال من نمیکوئی و معاشرت میکنند من دوست داشتم که پاداش دهم قریش را لذا این نامه را نوشتم و من از قریش میترسم خواستم این عمل منی باشد از من نزد آنها عمر گفت ای رسول خدا اجازه بفرمائید گروهش را بزنم او منافق است فرمود از اهل بدر است خدا میآمرزد او را از مسجد بیرونش کنید مردم با پشت دست او را از مسجد بیرون کردند و او متوجه رسول خدا بود چون بدر مسجد پر دند پیغمبر فرمود باز گردانید او را و فرمود توبه کن توبه کرد رسول خدا توبه او را پذیرفته و قبول فرمود جبرئیل نازل شد آیات را در حق او آورد و فرمود ای مؤمنین با دشمنان من و دشمنان خودتان دوستی نکنید و طرح دوستی با آنها میفکنید چه آنها کافر شدند بقرآنیکه بسوی شما از طرف خدا فرستاده شده و رسول خدا و شما مؤمنین

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَافْعِرْنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵) لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أَنْسُوءٌ خَسَنَةٌ لِّئِنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶) عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةَ اللَّهِ وَقَدْ بَرَّ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۷) لَا يَنْهِيكُمْ
اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ
وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸) إِنَّا يَنْهَيْكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ
قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَوَلَّيْكُمْ أَنْ
تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹)

را بجرم آنکه بخدا ایمان آورده‌اید از وطن خود آواره کرده‌اند پس نباید اگر
شما برای جهاد در راه من و طلب رضا و خوشنودی من از مکه هجرت کرده و بیرون
آمده‌اید در پنهانی با کفار دوستی کنید من با سرار پنهان و اعمال آشکار شما از
هر کس داناتر و هر کس از شما مؤمنین چنین عملی انجام بدهد بر امضالت و گمراهی
شناخته است اگر آنها بر شما تسلط یابند باز دشمنی کنند و هر چه بتوانند بدست
و زبان بردشمنی شما میکوشند و چه قدر دوست دارند که شما باز کافر شوید. ای مؤمنین
بدانید روز قیامت خویشان و فرزندان شما هیچ سودی نخواهند رسانید در آن روز
بگلی میان شما جدائی افکنند و خدا بهر چه کنید آگاهست (قد کانت لکم اسوة
خسنة فی ابراهیم والذین معه إذ قالوا لقومهم اتابوا آرا منکم واما تعبدون من دون
الله کفرنا بکم وابدایننا و بینکم العداوة والبغضاء ابدأ حتی تؤمنوا بالله وحده الا قول
ابراهم لایه لا استغفرن لک و ما املک لک من الله من شیئی ربنا علیک توکلنا والیک انبنا
و الیک المصیر) برای شما مؤمنین نیکو و پسندیده است که با ابراهیم خلیل و
آنها نیکه‌باز بودید ابتدا کنید یعنی در موضوع میزاری چیستن از کفار چه آنها بقوم

پروردگارا ما را سبب آزمایش کافران مگردان ما را بپارمژ پروردگارا تنها تو هستی درستکار و مقتصد (۵) برای شما مؤمنین هر که بخدا و ثواب روز آخرت امیدوار است پیروی کردن بپراهمیم و پیرانش نیکو است و هر که روی از خدا بگرداند خدا بی نیاز و ستوده است (۶) امید است که خدا دوستی میان شما و دشمنان برقرار گرداند چه خدا بر هر کاری توانائی دارد و آمرزنده و مهربانست (۷) خدا شما را از دوستی آنانکه در دین قتال و دشمنی نکرده اند و شما را از دیارتان بیرون ننموده اند نهی نمیکند تا بیزاری از آنها بجوئید با چنین اشخاص بمدالت و انصاف رفتار کنید . خداوند مردم با عدل و داد را دوست می دارد (۸) همانا خدا شما را از دوستی کسانی که در دین با شما کارزار کردند و از وطنتان بیرون نموده و هم پشت شدند در بیرون کردن شما نهی کرده تا آنها را دوست نگیرید و کسانی که با آنان دوستی کنند ظالم و ستمکارند (۹)

مشرک خود گفتند ما از شما و بشارتیکه بجای خدامی پرستید بیزاریم ما منکر و مخالف شما هستیم و میان ما و شما دشمنی و دوری همیشه خواهد بود تا آن وقت که بخدای یگانه به تنهایی ایمان آورید مگر نه آنکه ابراهیم پسر مادی خود گفت اگر ایمان آری من برای تو از خداوند آمرزش میطلبم تا از شرک پیشین تو درگذرد و اگر ایمان نیاوری دیگر من بر نجات تو از قهر و غضب خدا هیچ کاری نتوانم کرد آنکه رو بدر گاه خدا کرد و گفت پروردگارا ما بتو توکل کردیم و از همه جا رو بدر گاه تو آورده ایم و میدانیم که باز گفت تمام خلق بسوی تو خواهد بود . پروردگار در این آیه میفرماید مؤمنین باید در جمع خصال بحضرت ابراهیم اقتدا کنند مگر در يك خصلت که او مخصوص خود آنحضرت است که همانا مظهر عذر ظاهری برای پدر مادی خود استغفار نمود لکن استغفار حضرت ابراهیم مشروط بشرط ایمان پدر مادی او بود و چون شرط که ایمان است حاصل نشد مشروط که استغفار بود تحقق پیدا نکرد خدایتعالی این داستان را بیان فرمود تا مؤمنین بدانند که استغفار برای مشرکین نشاید و جایز نیست هر چند آن مشرک پدر مؤمن باشد چنانکه در آیه دیگر فرمود ما کان للنی والذین آمنوا ان يستغفروا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ
 أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهُنَّ
 حِلٌّ لَهُنَّ وَلَا تُمْ يَحِلُّنَّ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا آتَقَعُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ
 تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تَنْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا
 مَا أَتَقَعْتُمْ وَلَا يَسْأَلُوا مَا أَتَقَعُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 حَكِيمٌ (۱۰) وَإِنْ فَانَكُم شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَمَا قَبْتُمْ فَأَنْتُمْ
 الَّذِينَ فَنَيْتُمْ أَزْوَاجَهُمْ مِثْلَ مَا أَتَقَعُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۱۱)

للمشرکین و لو کانوا لولی القربی آنکاه دعا میکند حضرت ابراهیم و میفرماید
 پروردگارا ما را مایه امتحان کفار مگردان و از شر آنها محفوظ بدار و بطلب و
 کرم خود ما را بیمارز تنها توئی که بر هر کار مقتدر و دانائی باز خداوند این امت
 را مخاطب قرار داده و میفرماید البته شما مؤمنین اگر بخدا و روز قیامت امیدوارید
 نیکو و پسندیده است که ابتدا کنید بابراهیم و پیروانش و هر کس از خدا روی
 برگرداند خداوند پشیمار و بذات خود ستوده است (عسی الله ان يجعل بینکم و بین
 الذین عادیتکم منهم مودة و الله قدير و الله غفور رحيم) امید است که خدا دوستی
 میان شما و دشمنانتان که مشرکینند برقرار گرداند بوسطه ایمان آوردن ایشان
 و این عده تحقق پیدا کرد و بسیاری از آنها ایمان آوردند و با مؤمنین وصلت و
 ازدواج کردند چه خداوند بر هر کار قادر و توانا است و آمرزنده و مهربانست
 (لاینبئکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم ینخرجوکم من ديارکم ان
 تبروهم و تقسطوا الیهن ان الله یحب المقسطین)

خداوند از دوستی کسانی که با شما در دین کارزار نکردند و از خانه و دیارتان
 بیرون نشودند نهی نمیکند و با آنها بدالت رفتار کنید و نیکوئی بر حق ایشان

ای اهل ایمان زنانیکه بتوان اسلام و ایمان از دیار خود هجرت کنند و غزه شما آیند آنها را آزمایش کنید خدا بر است و طریق ایمانشان دانا تر است اگر با ایمان شناختید آنانرا بر نگردانید ایشانرا بسوی کفار این زنان بر کفار و آنها بر این زنان با ایمان حلال نیستند ولی مهر و نفقه ایکه شوهران کفار خرج ایشان کرده اند بآنها بپردازید و با کسی نیست بر شما مسلمانان که با این زنان ازدواج کنید و مهرشانرا بدهید و چنگ تزئید بازواج کردن با زنان کافره و اگر زنانشان از اسلام بکفر برگشتند از کفار مهر و نفقه آنها را مطالبه کنید کفار هم مهر و نفقه طلب کنند این است فرمان خدا میان شما بندگان حکم میفرماید و خدا بامور دانا و درست کردار است (۱۰) و اگر زنان شما بسوی کفار رفتند در مقام انتقام بر آید و به مقدار همان مهر و نفقه ایکه خرج کرده اند بمردانیکه زنانشان رفته اند بدهید و از خدائیکه باو ایمان آورده اید بترسید (۱۱)

بنمائید پروردگار مردم با انصاف و صاحب عدل را بسیار دوست میدارد (انما یحبکم الله من الذین قاتلوه فی الدین و اخرجوه کم من دیار کم و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون) در کافی ذیل آیه رهنا لاتجعلنا فتنه للذین کفروا از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود از فرزندان آدم نبود مومن مگر فقیر و محتاج و بینوا و نبود کافر مگر غنی و ثروتمند تا زمان حضرت ابراهیم آنحضرت دعا کرد و گفت پروردگار! این حالت را از مؤمنین بردار و ما را مورد امتحان کفار قرار مده خداوند آن حالت را بر گردانید مسلمین را غنی و فقیر و ثروتمند قرار داده طبری ذیل آیه لاینهیکم الله عن الذین لم یقاتلوه کم) از ابن عباس روایت کرده آیه مزبور در باره خزاعه و بنی مدلیج نازل شده چه آند و طایفه با رسول خدا صلح کردند تا کارزار نکنند و یغری دشمنان اسلام قیام نمایند لذا فرمود آنها ایکیکه با شما کارزار نمیکند مودت و دوستی با ایشان را خداوند منع نمیفرماید ولی کسانیکه در دین با شما کارزار کرده و از دیار و خانه هایتان بیرون نمودند البته نهی میکند خداوند که با این قبیل اشخاص دوستی و مراوده کنید و آنانکه با ایشان طرح دوستی و مراوده افکنند از جمله ستمکاران خواهند بود

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُسَايِعُكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكَنَ بِاللَّهِ
عَيْتًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَفْتِنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِهَتَّانٍ
يُفْتَرِيهِ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَخْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِسَهُنَّ
وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا
قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ قَدْ يَتَّبِعُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا تَبِيسَ الْكُفَّارُ

مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (۱۳)

(یا ایها الدین آئینا افا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن الله اعلم بایمانهم فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن الی الکفار لانهن حل لهن ولا هم یعلمون لهن وآنوهم ما انفقوا ولا جناح علیکم ان تنکحوهن اذا آتیتموهن اجورهن ولا تمسکوا بمعصم الکوافرو اسئلوا ما انفقتهم ولیسئلوا ما انفقوا ذلکم حکم الله بیکم بینکم والله علیم حکیم) سبب نزول آیه آن بود رسول اکرم در سال حدیبیه با مشرکین صلح نمود و یکی از شرایط صلح این بود هر کس از اهل مکه بسوی مدینه رود پیغمبر او را باز فرستد و هر که از مدینه بمکه برود کفار او را رد نکنند پس از مدتی زنی بنام سبیه دختر حارث اسلمیه مدینه آمد و اسلام اختیار نمود شوهرش کافر بود حضور پیغمبر رسید عرض کرد ای محمد این زن از من گریخته حضور شما آمده مطابق صلح و قرار داد او را بمن بدهید آیه فوقی نازل شد ای رسول ما و مؤمنین هر گاه زنانی بمتوان اسلام و ایمان از دیار خود هجرت کنند و بجانب شما آیند خداوند براست و مدوخی ایمانشان داناتر است شما آنها را امتحان کنید اگر از روی حقیقت ایمان آورده اند آنها را باز نگردانید بطرف مشرکین و هرگز این زنان مؤمن بر آن شوهران کافر و آنها بر این زنان حلال نیستند ولی مهر و نفقه ایکه شوهران مخارج آن زنان کرده اند بآنها بپردازد و با کسی نیست شما مسلمانان با این زنان ازدواج کنید صدودتی که اجرت و مهرشان را بدهید و هرگز متوسل

چون زنان مؤمن آمدند نزد تو ای پیغمبر تا بیعت کنند بر ایمان که دیگر شرک بخدا نیاورند و دزدی و زنا کاری نکنند و فرزندان خود را بقتل نرسانند و بر کسی افترا و بهتان نزنند میان دست و پاهای خود و نافرمانی نکنند با تو با ایشان باین طریق بیعت کن و طلب آمرزش کن از خدا برای آنها خدا آمرزنده و مهربانست (۱۲)
ای اهل ایمان هرگز قومی را که خدا بر آنها غضب کرده دوست و یار خود نگیرید چه آنان از عالم آخرت نومید شده اند چنانکه کافران از اهل قبور ناسیدند (۱۳)
پایان ترجمه سوره ممتعه

نشوید مصمت های زنان کافره و اگر زنهای شما از اسلام بکفر برگشتند از کفار مهر و نفقه مطالبه کنید آنها هم مهر و نفقه از شما طلب کنند این حکم خدا است در میان شما بندگان و عداوند بهحقایق امور دانا و به صالح خلق آگاهست و چون آیه نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ سیمه را سوگند داد بخدا او سوگند یاد کرد که چیزی مرا وادار نکرده بهجرت جز رفعت دد اسلام و دین خدا . پیغمبر مرا ورا بشوهرش داد بحکم آیه و آن زن را برگردانید بشوهر کفرش ولی هر کس از مردها بمدینه میآمد مطابق قرار داد او را باز میگردانید بسوی قریش و اگر بخاطر صلح و قرار داد نبود مهر را بمهر کین نمیداد و امتحان برای آن بود که مبدا هجرت آن زن بخاطر بغض بر شوهرش بوده و یا بهشق یکی از مسلمانان داخل در اسلام شده است و چنانکه از روی بصیرت بوده و ثابت شود که راست میگوید بعد از استبراء رحم، مسلمین او را تزویج مینمودند . در کافی ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس نزد او زن کافره است اسلام را باو عرضه بدارد اگر قبول کرد عیال او است و اگر قبول ننمود خداوند نمی فرموده که چنگ بزند بصمت کافره و چنانکه زن مسلمانی ملحق بکافر شد صدق آن زن را از کفار میگیرند و بمرد مسلمان میدهند و اگر آن کافر رد نکرد و مسلمانان غلبه نمودند و اموال آنها را بغنیمت بردند باید پیش از قسمت غنیمت اول مهر آن زن را بمرد مسلمان بدهند و هر گاه زنی از کفار اسلام آورد

مهر آن زن را بشوهر کافرش میبندد (و ان فاتکم شیئی من ازواجکم الی الکفار
فما قبلتم فأتوا الذین ذنبت ازواجهم مثل ما اتفقوا واتقوا الله الذی انتم به مؤمنون)
سبب نزول آیه آن بود که دختر امیه بن خفیره خیال عمر بود با او هجرت نکرد
بمدینه و ماند بامشر کین معاویه او را گرفت رسول خدا صدای او را بدستور آیه فوق
و امر پرورد گارا از معاویه گرفت و بمرداد (یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات یتابعنک
علی ان لا یشرن کربا لله شیئا ولا یسرقن ولا یرنین ولا یقتلن اولادهن ولا یتبنی بیتهن ان یفترینه
بین یدیهن و ارجلهن ولا یصینک فی معروف فبایعهن و استغفر لهن الله ان الله غفور
رحیم) این آیه روز فتح مکه نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میان نماز ظهر و عصر
جلوس فرمود در مسجد الحرام مردها با حضرتش بیعت کردند و پس از نماز عصر
اخر فرمود ظرفی را پر از آب کردند آنحضرت دست مبارک خود را در آن آب
گذاشت و بزنها فرمود هر کس میخواهد بیعت کند دست خود را داخل آب کند
و من با زنان مصافحه نخواهم کرد و قرائت نمود آیه مزبور را بر آنها که از شروط
بیعت ایشان است امه حکیم دختر حارث بن عبدالمطلب عرض کرد ای رسول خدا
معروف چیست ؟ که ما زنها باید در آن نافرمانی شما نکنیم و خداوند ما را امر بآن
نموده فرمود معروف عبارت از آنستکه صورتهای خود را نظراشید و مایل بصورت
خود ننزید و موهای خود را نکنید و گریبان چاک ننزید و لباس سیاه نپوشید و صدا
را بواویلا بلند نکنید و کنار قبرها توقف ننمائید آن زنان با شروط در آیه کیفیت
مزبور با پیغمبر خدا بیعت کردند حضرت صادق علیه السلام فرمود معروف فیکه باید معصیت
رسولش را در آن بجا نیاورند عبادت است از نماز و روزه و سایر واجبات دیگر
موفق بن احمد که یکی از علماء مخالفین است در مناقبه ذیل آیه فوق از زبیر بن
عوام روایت کرده رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود اول زنیکه با من بیعت نمود و پیاده از
مکه بمدینه هجرت کرد فاطمه دختر اسد مادر امیر المؤمنین علیه السلام بویک یا ایها الذین
آموا لا تتولوا فوما غضب الله علیهم قد یشعوا من الاخرة کمایش الکفار من اصحاب
القبور) محمد بن عباس ذیل آیه فوق از زبیر بن منذر روایت کرده گفت امیر المؤمنین

إِنَّمَا فرمود عجب است از ایامیکه بین ماه جمادی و رجب میباشد مردی حضورش
 عرض کرد آن عجب چیست که شما از آن تعجب میکنید فرمود عادت بهزایت
 بنشیند کدام عجیبی عجیبتر میباشد از آنکه مرده گان با شمشیر بزنند گردن
 دشمنان خدا و رسول و اهل بیت پیغمبر را چنانکه خدایتعالی میفرماید (ثم رددنا لكم
 الكرة عليهم و امددناكم باموال و بنین و جعلناكم اکثر نفیرا) این آیه تاویل آیه
 مزبور است خداوند در زمان ظهور حضرت حجة الله روحی و روح العالمین له الفداء
 مردمانی را بر گرداند بدنی و زنده گرداند تا آنها را دشمنان خدا و رسول و اهل بیت
 پیغمبر جهاد و کار زار نمایند و آنقوم ستمکار را بدیار هلاکت رسانند و بجهنم
 فرستند پروردگار را ما را زنده بدار یابر گردان بدنیا تا چنان روزی را مشاهده
 نمائیم تا مشفی قلب ما بشود بد اثر دیدن ذلت و خواری و پریشانی دشمنان آل
 رسول و منکرین احادیث اهل عصمت و طهارت بجهان خاتم پیغمبران تهنیت و آلاؤ، صلواتك
 عليهم اجمعین آمین یا رب العالمین

پایان سورہ ممتحنہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ
 تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا
 كَانَتْ لَهُمْ جُنْدٌ مَوْصُوفَةٌ (۴)

سوره صف در مدینه نازل شده و چهارده آیه و دویست و بیست و یک کلمه و نهصد و هشتاد است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره صف را در نمازهای واجب و مستحب تلاوت نماید خداوند او را در ردیف فرشتگان و پیغمبران قرار بدهد انشاء الله و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس تلاوت کند سوره صف را حضرت جبرئیل برای او استغفار و رحمت بفرستد مادامیکه در دنیا است و هر که در مسافرت مداومت کند بر قرائت این سوره تا بر گردد به وطن خود از هر شر ایمن گردد خلاصه مطالب سوره صف عبارت است از توبیخ منافقین و یهود و نصاری و امر بفرمانبرداری از رسول خدا و یاری کردن او و عمل نمودن بشریعت اسلام

قوله تعالی (سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) تفسیر این آیه در سور صافات پیش گذشت (یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون) سبب نزول آیه آن بود که مسلمانان گفتند اگر ما میدانستیم کدام عمل نزد خدا محبوب است آنرا بجامیل آوردیم و مال و جان خود را بذل میدادیم خدایتعالی امر فرمود بر موش با آنها بگو بدجهد در راه من

ترجمه سوره صافات

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح خدا مشغولند و او ست مقتدر و حکیم
(۱) ای اهل ایمان چرا بزبان چیزی میگوئید که بآن عمل نمیکنید (۲) این عمل
که سخنی بگوئید و خلاف آن کنید بزرگی است و خدا را بخشم و غضب میآورد (۳)
خدا آن مؤمنین را که در صف جهاد در راه او مانند صد آهنین پایدارند بسیار دوست
میدارد (۴)

از همه اعمال افضل و محبوب تر است هر که طالب این عمل است باید در وقت جهاد
ثابت قدم باشد چون روز احد پیش آمد بسیاری از آنها گریختند و در کار و
توبیخ ایشان آیه فوق را فرو فرستاد و فرمود چرا چیزی بزبان میگوئید که در
مقام عمل خلاف آن رفتار میکنید خداوند با صاحب پیغمبر وعده نصرت داد اگر
مخالفت امرش ننمایند و عهدیکه در باره امیر المؤمنین علیه السلام با آنها بسته شده نفی
نکنند و میدانست بسیاری از ایشان بعهده خود پایدار نیستند و بآنچه میگویند قیام
نمیکنند لذا فرمود این عمل که سخنی بگوئید و خلاف آن رفتار کنید معصیت
بررگی است و خدا را بخشم و غضب میآورد، پروردگار، این قبیل از مردم را
مؤمن نامید بواسطه اقرار بزبانشان اگر چه بقلب تصدیق ندارند (ان الله يحب الذين
يقاتلون في سبيله کانهم بنیان مرسوم) خدا اینها را که در جهاد با کفار مانند
صد آهنین پایدارند دوست میدارد پس از آن دیوان میفرماید صدق نیت و ثبات عزم
و پایداری حضرت موسی را در مقابل اذیت و آزار قوم برای تسلیت خاطر مقدس پیغمبر
کرم صلی الله علیه و آله بقولش (عبد بن عباس ذیل آیه فوق از ابن عباس روایت کرده گفت آیه
من بود در باره امیر المؤمنین علیه السلام و حمزه و عبید بن الحریث و سهل بن حنیف و حارث بن
ابی وحاشه امصاری نازل شده و این حدیث را عیناً حمیری که از مخالفین است روایت
کرده) (و اذ قال موسی لقومه باقوم لم تؤمنونی و قد تعلمون انی رسول الله الیکم

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَعْبُدُونَ لِي رَسُولِ اللَّهِ
 إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۵)
 وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا
 لِمَا تَدْعُونَ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ
 فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى
 عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ
 لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۷)

فلما زاغوا از اغ الله قلوبهم و الله لا يهدي القوم الفاسقين (ايرسول ما بياد آور وقتي
 را که موسی بقوم خود گفت برای چه مرا زنج و آزار میدهند در صورتیکه
 میدانید من رسول خدا هستم بسوی شما . اذیت و آزار آنها این بود که نسبت زنا
 بآنحضرت دادند و متهمش کردند بکشتن برادرش هارون و گفتند موسی ساحر
 و دروغ گوئی است و چون سخن موسی را نشنیدند و بالجاجت از حق روی گردانیدند
 خدا هم آنها را از سعادت و اقبال بگردانید یعنی ایشان را مغذول نمود و لطف
 خود را از آنها باز گرفت چه خداوند هرگز راهنمایی نکند مردم فاسق را (و اذ
 قال عيسى بن مريم يا بني اسرائيل اني رسول الله اليكم مصدقا لما بين يدي من التوراة
 و مبشرا برسول يأتي من بعدي اسمه احمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين)
 ايرسول ما بياد آور وقتي را که عيسى بن مريم به بنی اسرائیل گفت من رسول
 خدا هستم بسوی شما و بحقیقت کتاب توریة که پیش از من است تصدیق میکنم
 و شمارا مردم میدهم که بعد از من پیغمبر بزرگوارى که نامش احمد است بیاید چون
 آن رسول ما با آیات و معجزات بسوی آنها آمد گفتند این معجزات سحر آشکار است
 مرد یهودی از رسول اکرم ﷺ سؤال نمود برای چه شما با احمد و عیسی و بشیر

ای رسول ما بیاد آور زمانی را که موسی بقوم خود گفت: برای چه مرا رنج و آزار می دهید و حال آنکه من فرستاده خدا بسوی شما هستم پس چون از حق روی گردانیدند خدایم دلای آنها را بگردانید و عذاب طایفه بدکاران را هدایت نمیکند (۵) بیاد آور هنگامیکه عیسی فرزند مریم به پتی اسرائیل گفت: من، فرستاده خدا هستم بسوی شما و کتاب توری که مقابل من است تصدیق میکنم و شما را هشدار میدهم که بعد از من پیغمبریکه نامش احمد است می آید چون آن پیغمبر ما با آیات و معجزات بسوی آنها آمد گفتند این معجزات و قرآن سحر است، آشکار (۶) کیست ستمکار تر از آنکه بخدا دروغ و افترا می بندد و او را پراهِ اسلام میخوانند خدا هرگز قوم ستمکار را هدایت نخواهد کرد (۷)

و نذیر نامیده شده اید فرمود اما عهد برای آنستکه در زمین محمود و پسندیده هستم و احمد بخاطر آنکه اهل آسمانها بیش از اهل زمین مرا ستایش میکنند و بشیر چون به بهشت بشارت میدهم فرمان خدا و نذیر برای آنکه اشخاص معصیت کار و گناهکاران را از آتش جهنم میترسانم (و من اظلم ممن افتری علی الله الکذب وهو یدعی الی الاسلام و الله لایهدی القوم الظالمین) کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ افترا می بندد در آنحال که او را باسلام دعوت میکنند خداوند هدایت نخواهد کرد ستمکاران را

(پریدون لیطفنوا نور الله باغوا هم و الله متهم نوره و لو کره الکفرون) در کافی ذیل آیه از عهد بن فضیل روایت کرده معنای آیه را سؤال نمودم از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود از راه کردند منافقین که خاموش کنند نور ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را بر بانهای خود و خداوند تمام کرد نور او را با امامت ائمه از فرزندان آن بزرگوار و شاهد بر اینستکه مراد از کلمه امام است آیه آمنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا معه میباشد و نور در آیه امام است عرض کردم معنای هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق یعنی چه فرمود منظور ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه است که امر نمود خداوند بمحمد صلی الله علیه و آله و دین حق ولایت است گفتن لیظهره علی الدین کله یعنی چه فرمود آن ولایت را ظاهر میگرداند بر تمام ادیان در وقت

يُحِبُّونَ لِيُظَنُّوا نُوْرًا لِلّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)
 هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ
 كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ
 مِنْ عَذَابِ أُنْهِيمَ (۱۰) تُوْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
 بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)
 يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 وَمَسَاكِينٌ ظَلُمَةٌ فِي جَنَّاتٍ مِّنْ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

ظهور حضرت حجة العالیّه علیه السلام گفتند و الله متّم نوره چیسى فرمود بود ولایت را بوجود
 قائم ما آل هدی علیهم السلام تمام میکند و اگر چه کفار و منافقین بکراهی داشته باشد
 بولایت امیر المؤمنین علیه السلام حضورش عرض کردم این بیانات که فرمودید تنزیل آیه
 بود فرمود اما کلمه ولایة تنزیل و غیر آن تاویل آیه است و این حدیث را هدی بن
 عباس نیز روایت کرده است (یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم
 من عذاب الیم) ای اهل ایمان آیا شما را بتجارتی سودمند که از عذاب دردناک
 آخرت نجات دهد دلالت کنیم این جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود
 چون آیه نازل شد مؤمنین گفتند اگر میدادستیم چیست که ما را از عذاب نگاه
 میدارد همانا نفس و فرزند و اموال خود را بخاطر آن بذل مینمودیم تا باقیایم
 آن را آیه ذیل فروه آمد (تؤمنون بالله ورسوله وجاهدون فی سبیل الله باموالکم
 وانهکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون) حسن بن ابی الحسن دیلمی ذیل آیه
 فوون از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که امیر المؤمنین علیه السلام فرموده منم آن
 تجارتیکه سودمند و نجات دهنده است از عذاب دردناک قیامت (یفقر لکم ذنوبکم
 ویدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار و مساکین ظلیمة فی جنات عدن ذلک الفوز

کفار می‌خواهند نور خدا را به‌گفتار باطل خود خاموش کنند و خدا نور خود را تمام و محفوظ خواهد داشت هر چند کفران کراهت داشته و خوش ندارند (۸) اوست خدائی که رسولش را بر اهنمائی خلق و دین حق فرستاد تا بر همه دین‌ها غالب گردد اگر چه مشرکین کراهت دارند (۹) ای اهل ایمان آیا شما را به تجارتی سودمند که از عذاب دردناک آخرت برهانند دلالت کنم (۱۰) آن آنست که به خدا و فرستاده او ایمان آورید و مال و جان در راه خدا جهاد کنید این کار از هر تجارت برای شما بهتر است اگر بدانید (۱۱) تا خدا گداهان شما را بیامرزد و در بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند و در بهشتهای عدن منزلهای نیکو عطا فرماید و این همان دستکاری بزرگ است (۱۲)

المظیم) تجارت سودمند آنست که به خدا و رسولش ایمان آورید و مال و جان خود را در راه خدا بذل کنید و جهاد نمائید این از هر تجارت برای شما بهتر است اگر دانایا باشید تا خدا گداهان شما را بیامرزد و در بهشتی داخل کند که زیر درختانش نهرهای آب جاریست و در بهشتهای عدن منزلهای نیکو و قصرهای عالی را بشما عطا فرماید این همان دستکاری بزرگ است (و آخری تعجبونها نصر من الله وفتح قریب و بشر المؤمنین) و تجارت و محصلت دیگری که شما آن را دوست می‌دارید نصرت و فتح نزدیکی است چه انسان از روی طبع بشریت نزدیک را دوست می‌دارد مقصود از فتح فتح مکه و غالب شدن مسلمین بود بر قریش و کفار مکه آنگاه فرمود ای رسول ما بمؤمنین این دو چیز را که فتح و ظفر و ثولب و پاداش آخرت است بشارت و مرده بده (یا ایها الذین آمنوا کونوا انصار الله کما قال عیسی بن مریم للحواریین من انصاری الی الله قال الحواریین نحن انصار الله وامننت طائفة من بنی اسرائیل و کفرت طائفة فایدنا الذین آمنوا علی عدوهم + سحوا فظاهرین) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود حواریون عیسی شیعیان او بودند و شیعیان ماحواریون ماستند رجواریون عیسی بهر از حواریون ما نبودند وقتی عیسی گفت کیست که مرا یاری کند برای خدا آنها گفتند ما انصار خدا هستیم سو گند به خدا از یهودیها کسی یاری نکرد عیسی را و جز یهود کسی با

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۳) يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لَلْعَوَارِثِينَ مَن
 أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْعَوَارِثُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَاأَمْنَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ
 بَنِي إِسْرَءِيلَ وَكَفَرَتِ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ
 فَأَسْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴)

عیسی جنگ نکرد و شیعیان ما از وقتیکه پیغمبر اکرم ﷺ بر حجت ایزدی
 پیوست یاری نمودند ما را و در راه ما جهاد کردند آن‌ها را سوزانیدند و عذاب کردند
 و از دیارشان خارج نمودند و عداوت بایشان جزای خیر عطا فرماید امیر المؤمنین
 علیه السلام فرموده بخدا سوگند اگر با شمشیر بر فرق سر دوستان خود بزنم و آن‌ها را
 دو نیمه کنم دست از دوستی من فرزندانم بر نمیدارند و بغض و عداوت پیدا نکنند
 و چنانچه دشمنان خود را بنام داده و مالهای دنیا را بآنان ببخشم دست از بغض و عداوت
 بآمن و فرزندانم بر ندارند و هرگز دوست ما نشوند
 پایان سوره صف

و نعمتی دیگر که آنرا دوست می‌دارند نصرت و یاری خدا و فتح نزدیک و مژده
 باهل ایمان (۱۳) ای اهل ایمان شما هم یاران خدا باشید چنانکه عیسیٰ فرزند مریم
 بحواریین گفت: که مرا برای خدا یاری می‌کند؟ حواریین گفتند ما یاران خدا
 هستیم پس طایفه‌ای از بنی اسرائیل باو ایمان آوردند و طایفه دیگر کافر شدند
 ما هم آنانکه ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر
 دشمنان غالب و ظفر یافتند (۱۴)

پایان ترجمه سوره صف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ اللَّهَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)
هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲)
وَأَخْبَرَنَاهُمْ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

سورة جمعه

سوره جمعه در مدینه نازل شده و یازده آیه و صد و هشتاد کلمه و نهصد و بیست حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر مؤمن اگر از شعیان ما باشد لازم است در هر شب جمعه سوره جمعه و سبح اسم را قرائت نماید و در نماز ظهر جمعه سوره جمعه و منافقین را تلاوت کند هر گاه چنین عمل نماید خداوند جزا و ثواب او را بهشت مرحوم فرماید و در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند گرامی داشته مؤمنین را بسوره جمعه و سنت فرار داده آن را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از برای مؤمنین و منافقین را بسوره منافقین توبیخ و سرزنش نموده و هر کس عمداً ترک کند آن سوره را نمازی برای او نیست - و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده هر کس این سوره را قرائت نماید نوشته شود برای او از حسنه بتعداد کسانی که در تمام شهر ها جمع میشوند برای اداء نماز جمعه و هر که آن را در هر شب یا هر روز تلاوت نماید ایمن باشد از آنچه میترسد و از وسوسه شیطانی خلاصه عطا لب سوره جمعه عبارت است از آنکه هر

ترجمہ سورۃ جہ

بنام خداوند بخشنده مهربان

ہر چہ در آسمانها و زمین است همه بہ تسبیح و ستایش خداوند پادشاہ منزہ و پاک از نقص و غالب در ستکار مشغولند (۱) اوست خدائی کہ در میان مکیان پیغمبری فرستاد تا بر آنها آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنان را پاک سازد و شریعت کتاب آسمانی و حکمت بیاموزد اگر چہ پیش از این مد گمراہی آشکار بودند (۲) و قوم دیگر را چون بآنها ملحق شوند راهنمایی کند و او خدای غالب و مدست کردار است (۳)

موجودی شہادت و گواہی میدہد بر وحدانیت و تنزیہ و بديع حکمت و عجایب خلقت پرورہ کار و تشبیہ یہودیان کہ عمل نمیکنند بتورات بہمار و امر بنماز جمعہ و نہی از بیع در وقتنداء و توییح منافقین
قوله تعالیٰ (یسبح لله ما فی السموات وما فی الارض الملك القدوس العزيز الحكيم) ہر چہ در آسمانها و زمین است همه بہ تسبیح و ستایش خداوند پادشاہ منزہ و پاک و مقتدر و دانا مشغولند

(هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم يتلوا عليهم آیاتہم کوبہم و یعلمہم الكتاب والحکمة و ان کانوا من قبل لفي ضلال مبين) او آتخدائی است کہ فرستاد میان اہل مکہ پیغمبری را بر آنها آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنان را از نادانی و اخلاق زشت پاک سازد و ایشان را کتاب آسمانی و حکمت بیاموزد اگر چہ آنها پیش از این در ضلالت و گمراہی بودند۔

ابن بابویہ ذیل آیہ از عہد بن ابی نصر و علی بن اسباط روایت کردہ گفتند حضور حضرت باقر علیہ السلام و حضرت صادق علیہ السلام عرض کردیم مردم میگویند پیغمبر اکرم نمیتوانست بخواند و بنویسد فرمودہ دروغ میگویند خداوند لعنت کند آنها را چگونه چنین بود و حال آنکہ خداوند میفرماید و یعلمہم الكتاب والحکمة عرض کردیم پس بچہ سبب اورا ای نامیدماند فرمودند بچہ نسبت دادن حضرتش

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۴) مَثَلُ الَّذِينَ
 حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ
 الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵) قُلْ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَحْنُوا أَلْمُونَ
 إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶) وَلَا يَقْنُوهُ أَدَاءُ يَدَيَّاهُمَا وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 بِالظَّالِمِينَ (۷) قُلْ إِن أَلْمُونَ الَّذِي تَقْرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مَلَائِئِمٌ ثُمَّ يُرَدُّونَ
 إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

بمکه چه مکہ را ام القری گویند چنانچه میفرماید لشند ام القری و من حولها
 و از اینجبه آنحضرت را امی میگفتند (و آخرین منهم لما یلحقہم و هو العزیز
 الحکیم) و نیز قومی دیگر را که هنوز بایشان نرسیدمانند و ملحق نشدند کتاب
 و حکمت پیاموزد و او عذائی است قادر و مقتدر و حکیم و مقصود از قوم دیگر
 کسانی هستند که بعد از اصحاب آنحضرت میباشند تا روز قیامت چه پروردگار
 آن بزرگوار را بر تمام روی زمین تا روز دستاخیز مبعوث فرمود خواه عرب باشد
 یا عجم و ترک و روم و غیر اینها و چون آیه نازل شد صحابه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
 سؤال کردند ای رسول خدا دیگران کیستند آنحضرت دست مبارک خود را بر وی
 شانه سلمان گذاشت و فرمود اگر دین در ثریا باشد و اشاره نمود باسمان جماعتی
 از فارسان دست بآن زدند پیغمبر اکرم فرمود در خواب دیدم گوسفندانی سیاه
 در عقب میروند . و گوسفندانی دیگر بر رنگهای مختلف متابعت از آنها میکنند
 تعبیر این خواب را از جبرئیل سؤال نمودم گفت عرب مسخر شما میشوند آنگاه
 از پی ایشان عجم و ترک و روم و ملل دیگر و فرمود در اصلاط مردان امت من مردان
 و زنانی هستند که بهشت میروند بدون حساب و آیه فوق را تلاوت فرمودند (ذاک

این نعمت و کرامت خداست بهر که بخواهد ملاحظه کند و خدا صاحب فضل بزرگ است (۴) آنانکه بار کردند علم تورات را و خلاف آن را عمل نمودند در مثل مانند الاغی است که باز کتابهایی بر پشت کمر و از آن هیچ بهره ای نبرد بد است و استان قومیکه آیات خدا را تکذیب کرده اند و خدا هرگز طایفه مستمکاران را راهنمایی نخواهد کرد (۵) ابرهول ما به یهودیان بگو اگر شما گمان کرده اید که دوستان خدائید نه مردم دیگر؛ پس آرزوی مرگ کنید اگر راست میگوئید (۶) و هرگز آرزوی مرگ نکنید بسبب آنچه پیش فرستاده اید بدست خود از کردار دشت و خدا از کردار مستمکاران آگاه است (۷) ابرهول ما به یهودیان بگو عاقبت مرگی که از آن میگریزید شمارا ملاقات خواهد کرد و پس از مرگ بسوی خدائیکه دانای هر پنهان و آشکار است باز میگردید و او شما را با آنچه عمل کرده اید خبر خواهد داد (۸)

فضل الله یؤتیہ من یشاء و الله ذو الفضل العظیم) این نبوت که خداوند بر رسول اکرم ﷺ عطا فرموده فضل و کرامت پروردگار است و این لطف را در حق هر که بخواهد بحسب صلاح و مصلحت میبخشد و خداوند فضل و رحمتش بی پایان است - در کافی ذیل این آیه از ام سلمه روایت کرده گفت پیغمبر اکرم ﷺ فرموده اجتماع نکنند هیچ قومی در مجلسی که بیان میشود فضایل محمد ﷺ و علی ﷺ و اهل بیت او مگر آنکه فرشتگان از آسمان فرود آیند و اطراف آنقوم را احاطه کنند چون متفرق شدند فرشتگان بالا روند و فرشتگان دیگر بآنها میگویند ما رایحه خوشی از شما استشمام میکنیم که تا بحال بشما نرسیده است گویند ما حضور قومی بودیم که مشغول مذاکره و بیان فضایل محمد ﷺ و آل او بودند -

در حدیث دیگر فرمود در آسمان دنیا فرشتگانی هستند که اطلاع پیدا میکنند بر یکی و یا دو یا سه نفر از مردم که ذکر فضائل محمد ﷺ و آل او را مینمایند بعضی از آن فرشتگان به بعضی دیگر میگویند آیا تمی بینید این مردم با اندک بودن عدویشان چگونه وصف مینمایند فضیلت محمد ﷺ و آل او را طایفه دیگر میگویند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ
وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹) فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ
فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ (۱۰) وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ
قَائِلًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ
وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱)

این وصف کردن فضیلتی است از جانب پروردگار بهر که خواهد عمل موفّر نماید
و خداوند صاحب فضل بزرگی است

پس از آن مثل زد بیهودیانی که عمل بتورات نکردند بهمهار پایان حمل، و بار
آنها کتاب است بقولش (مثل الذين حملوا التوراة ثم لم يحملوها كمثل البعير
يحمل اسلماً) پس مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله والله لا يهدي القوم الظالمين) آنان
که بر داشتند تورات را و خلاف آن عمل نمودند در مثل مانند الاغی هستند که
بر میداره بار کتابها را و از آن چیزی نمی فهمد و بهره ای نمیره این یهوه هم
نمیدانند در کتاب توریة چیست آری بدقومی هستند آنها ئیکه داستان حالشان چنین
است که آیات خدا را تکذیب میکنند و خدایتعالی کافران و ستمکاران را بر اسماعت
و بهشت رهبری نخواهد کرد همینطور است حال کسانی که قرآن میخوانند و بر
طبق آن عمل نمیکنند پیغمبر اکرم ﷺ فرمود بسیاری از تلاوت کنندگان
قرآن و قرآن آنها را لعنت میکند.

(قل يا ايها الذين هادوا ان ذمتم انكم اولياء الله من دون الناس فتمنوا الموت
ان كنتم صادقين ولا يتمنونه ابدا بما قدمت ايديهم والله عليم بالظالمين) ايرسول
ما به يهوديان بگو اگر شما گمان میکنيد كه دوستان خداييد نه مردم ديگر پس

ای اهل ایمان چون شما را برای نماز جمعه و در روز جمعه ندا کنند بشتابید بسوی نماز و کسب و تجارت رها کنید که این نماز جمعه از هر تجارت سودمندی بهتر است از برای شما اگر بدانید (۹) آنگاه که نماز پایان یافت برای کسب و کار خود روی زمین پراکنده شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و بسیار یاد خدا کنید تا رستگار گردید (۱۰) این مردم چون تجارت یا لهو و لعبی به بینند بسوی آن بشتابند و تورا در نماز تنها گذارند ای رسول ما بآنها بگو آنچه نزد خدا است بهتر است برای شما از لهو و لعب و تجارت های دنیا و خدا بهترین روزی دهد گانست (۱۱)

پایان ترجمه سوره جمعه

آرزوی مرگ کنید چنانچه راست میگوئید چه مرگ میرساند انسان را برای آخرت و آنها نیست که دوستان خدا هستند آرزوی مرگ میکنند زیرا در اثر مرگ از زندان دنیا راحی میشوند و پیوسته نه تنها آرزوی مرگ نمیکند بلکه از آن گریزان هستند در اثر کردار بدیکه بدست عود برای آخرت خویش پیش فرستاده اند و خداوند از انجام اعمال ستمکاران آگاه است (قل ان الموت الذی تفرون منه فانه ملائکم ثم تردون الی عالم الغیب و الشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون) ای رسول ما به پیرویان بگو حاقبت آن مرگی که از آن گریزان هستید شما را دریابد و نمیتوانید از آن فرار نمائید و پس از مرگ بسوی خدائیکه میداند هر پنهان و آشکاری را باز میگردید و او شما را بکردار نیک و بدیکه در دنیا بجا آورده اید آگاه میسازد و بکیفر اعمالتان میرساند.

امیر المؤمنین علیه السلام در خطبای فرموده ای مردم هر کس ملاقات میکند آنچه را از آن فرار مینماید و هرگز راه فراری از مرگ نیست و هر نفسی رانده میشود بسوی اجلش و فرار کردن از آن ملاقات کردن اوست و فرمود بخدا قسم با کی ندارم از آنکه مرگ مرا دریابد یا من مرگ را ملاقات کنم در آنوقت که این ملجم مرادی ملعون ضربتی بفرق مبارکش زد و دانست که از دنیا رحلت میکند فرمود بخدای که به ظفر یافته و رستگار شدم چه یقین دلشت چگونه می رود و بیکجا

میرود و فرمود هر گاه اسباب راحتی مؤمن است و سبب بیچارگی منافق و کافر (یا ایها الذین آمنوا اذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسموا الى ذکر الله وذروا البيع ذلكم خير لکم ان کنتم تعلمون) این آیه دلیل است بر وجوب نماز جمعه چه باتفاق عامه و خاصه مراد به ذکر در آیه نماز جمعه یا نماز و خطبه نماز است و امر هم حقیقه در وجوب است و معنای آیه این است ای مؤمنین هر گاه مؤذن نماز در روز جمعه ندا کند بزودی بسوی نماز جمعه که ذکر خدا است بشتابید و کسب و تجارت را رها کنید که این نماز جمعه از هر تجارت سودمندی بهتر است برای شما اگر بدانید و وقت نماز جمعه ضیق است برای مسلمانان لذا باید شتاب کنند در رفتن از برای نماز. حضرت باقر علیه السلام فرمود شنیدم که اصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خود را در روز پنجشنبه مجهز مینمودند برای نماز جمعه زیرا وقت آن مضیق است و مقصود آنست که خود را فارغ میکردند از کار و حوایج دنیا تا مانع نشود آنها را از حضور نماز جمعه در روز جمعه و آیه شریفه عام است و وجوب آن شامل است از برای زمان حضور و غیبت امام و دیگر مطلق است مشروط بزمان حضور امام علیه السلام و اذن آن بزرگوار نیست و مؤید آیه احادیث و اخبار بسیار است که از ناحیه مقدمه آل عصمت و طهارت رسیده و ما اکتفا مینمائیم بذكر و بیان چند حدیث برای تیسر و تبرک :

۱- در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند واجب فرموده بر مردم از جمعه تا جمعه دیگر سی و پنج نماز یکی از آنها را بجماعت فرض و واجب نموده و آن نماز جمعه است و وجوب آن را ازنه طایفه بر داشته است ۱- غیر بالغ ۲- و پیر مرد ۳- و شخص دیوانه ۴- و مسافر ۵- و مریض ۶- و زن ۷- و بنده ۸- و کور ۹- و کسیکه منزلش از محل اقامه جمعه بیش از دو فرسخ باشد -

۲- در فقیه و تهذیب از زراره روایت کرده اند گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام بر چه کسی نماز جمعه واجبست ؟ فرمود بر هفت نفر از مسلمانان هر گاه جمع شوند و نماز جمعه بر کمتر از پنج نفر واجب نیست که یکی از آنها امام باشد و چهار نفر دیگر مأیوم و هر گاه هفت نفر جمع شدند و خوف و نشیه

نبود بعضی از آنها امام میشود و خطبه برای آنها میخواند .

۳ - و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرموده خداوند نماز جمعه را بر شما فرض و واجب قرار داده هر کس بایموم امام عادل از روی استخفاف و انکار در حال حیات من و با بعد از وفات من ترك کند نماز جمعه را خداوند پراکند گیهای او را مجتمع نفرماید و در کار او برکت نهد ای مردم بدانید و آگاه باشید که نمازی برای او نیست و زکوة و حبی برای او نخواهد بود و هیچ گونه اعمال نیک از او مقبول نیست تا آنکه توبه کند از ترك نماز جمعه .

۴ - و در حدیث دیگر فرمود نماز جمعه بر شما مسلمانان فریضه و واجب نوشته شده تا روز قیامت .

۵ - در فقیه از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود نماز جمعه واجب است بر هر مؤمن مگر بر اطفال و مریض و دیوانه و شیخ کبیر و کور و مسافر و زنها و عید مملوک و آنکه منزلش در فرسخ یا زیادتر باشد .

۶ - و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود نماز جمعه فریضه است و اجتماع کردن بر آن واجب میباشد با پیش نماز و اگر کسی بدون علی سه جمعه را ترك نماید او منافق است .

۷ - ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر که در سه هفته متوالی بدون علی نماز جمعه را ترك کند خداوند بر دل او مهر میزند .

۸ - تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر گاه قومی در روز جمعه اجتماع کردند در قریه ای اگر کسی پیدا شد که خطبه بخواند نماز جمعه بجا میآورند زمانیکه پنج نفر بودند و الا نماز ظهر میخوانند .

۹ - در تهذیب از محمد بن مسلم روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام آیا در قریه ها روز جمعه باید نماز جمعه بجا آورند فرمود بلی اگر در میان آنها کسی باشد که بتواند خطبه بخواند .

۱۰ - در کافی و تهذیب از محمد بن مسلم روایت کرده اند گفت سؤال کردم نماز جمعه را از حضرت صادق علیه السلام فرمود آن واجب است بر هر کسی که منزلش

تا محل اقامه نماز جمعه دو فرسخ باشد و بر زیاده تر از آن واجب نیست . .

۱۱ - و از زرارہ روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود نماز جمعه بر

آن کسی واجب است که نماز صبح خود را در منزلش بجا آورد و حرکت کند و درك نماز جمعه را بنماید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز جمعه بلافاصله نماز عصر را بعد از نماز جمعه بجا میآورد تا مردم بتوانند پیش از فرارسیدن شب بمنزلهای خود باز گردند و این طریقه و شریعت آنحضرت تا روز قیامت باقی است -

۱۲ - در تہذیب از زرارہ روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام باندازه ای

ما را ترغیب فرمود بر نماز جمعه که گمان کریم اراده دارد ما بحضورش برای نماز جمعه حاضر شویم عرض کردم فردا برای نماز جمعه شرفیاب خواهیم شد فرموده مقصود من نیست از آنکه شما اینجا حاضر بشوید بلکه نزد خودتان نماز جمعه را بر پا بنادید و بخوانید.

احادیث در وجوب نماز جمعه و عینی بودن آن بسیار است و فرقی نیست میان غیبت و حضور امام علیه السلام و آنچه بعضی تصور کرده اند که در زمان غیبت امام واجب نیست برخلاف صریح آیه شریفه قرآن و احادیث صحیحہ بسیار و اجتہاد در مقابل نص است چه آیه و روایتی نیست و یافت نمیشود که با آیہ و احادیث وجوب معارضه کند یا عموم و اطلاق آنها را تقیید یا تخصیص بدهد و اشتباهات بعضی ناشی شده از توهماتی چند که بطور اختصار ذیلا بیان میشود اول آنکه از لفظ امام در احادیث تصور کرده اند که امام مفترض الطاعة میباشد و این تصور بیجا است و از فهم و عقل دور است چه در آن احادیثی فرمود اگر کسی پیدا شد یا توانست خطبه بخواند نماز جمعه بجا آورند آیا الله نمیتواند المیاذ یا الله خطبه بخوانند یا در احادیث دیگر که وارد شده امام یا ایشان نماز جمعه بجا آورد آیا ممکن است کسی گمان کند که مراد از این امام در این موارد امام اصل و نائب او است و مراد امام جماعت نیست آیا این خیالات از عقل و از شعور و فهم و دانش دور نیست دوم آنکه گمان کرده اند اجماعات منقولہ متعارضہ عموم آیه و احادیث و اطلاق آنها را تقیید و تخصیص میدهند بزمان حضور به غیبت این توهم نیز بیجا است برای آنکه

اولا اجماع دلیل شرعی نیست تا بتواند عموم و اطلاق آیات و احادیث را تقیید و تخصیص بدهد چه اجماع از مخترعات عامه است و امامیه اجماع را معتبر میدانند باعتبار قوم معصوم نه برای آنکه آن دلیل و حجت مستقلی است مانند کتاب و احادیث ائمه چنانچه محقق در کتاب معتبر میگوید اما اجماع نزد ما امامیه حجت است بانضمام قول معصوم و اگر صد نفر از فقهه امامیه متفق باشند بر قولی و قول آنها از قول امام خالی باشد اتفاق ایشان برای ما حجت نمولهد بود ولی اگر دو نفر قولشان با امام موافق باشد حجت است برای ما بخاطر قول امام نه بواسطه متفق بودن آنها و نفر پس در حقیقتها از گشت اجماع بقول معصوم است و ثانیاً تمام این اجماعات منقوله مورد ادعا معارض هستند با اجماعات منقوله ای که خود این مدعی یا علماء دیگر بیان و نقل نمودند در این باب چنانچه شیخ زین الدین که یکی از علماء امامیه است کتابی تصنیف کرده در بیان مسائلی چند که شیخ طوسی در آنها ادعای اجماع کرده بر حکمی و باز خود او در آنها در کتاب دیگرش دعوی اجماع کرده بر خلاف آن حکم و قریب چهل مسئله را در آن کتاب از شیخ طوسی تنها نقل نموده تا چه برسد بدیگران پس اجماع منقول معارض است و نمیتواند تقیید یا تخصیص بدهد عموم آیه و احادیث وارده در وجوب نماز جمعه را و ثالثاً چنانچه اجماع دلیل و مدرك شرعی بود هر آینه از ناحیه مقدسه ائمه معصومین اذن و اجازه و حدیثی صادر میشد در مدركیت و حجت بودن آن چه پوشیده نوست بر کسی که مشاهده نماید احادیث و روایات اهل بیت را که آن بزرگواران فرو نگذاشتند امری از اموری که انسان بآن محتاج است مگر آنکه بیان فرمودند آداب و سنن و احکام آن را مانند اکل و شرب و خواب و نکاح و تزویج و تخلیه و سفر و حضر و پوشیدن البسه و امثال این امور و همچنین تفسیر فرمودند احکام شرعی و حدود آنها را پس چگونه ممکن است غفلت کنند از اجماع و حجت آن با اعتقاد متمسکین باجماع که آن مشتمل است بر اصول احکام شرعی و اساس آنها و با آنکه در زمان ائمه کسانی بودند از قبیل شافعی و امثال او از عامه که یکی از مدارك آنها اجماع بوده و استنباط احکام شرعیه را از روی اجماع و قیاس و استحصال مینمودند و

این موضوع معلوم و ظاهر بود نزد شیعیان و سؤال نمودن آنها از ائمه از روی غفلت نبوده بلکه بخاطر این بود که اجماع را از اختراعات عامه میدانستند و عمل نمودن و پرسش از آن برای شیعیان بی‌فایده بود بر فرض آنکه اصحاب غفلت کرده‌اند از سؤال نمودن اجماع چگونه‌ائمه راضی شدند که شیعیان خود را دالالت نکنند بچنین مدرک و حجتی با آنکه بعقیده بعضی اجماع از اصول احکام شرعیه است و نه تنها در باره حجت آن بیانی نمرمودند بلکه از بعضی احادیث منع از عمل باجماع دانسته میشود و یقینی است، چنانچه در روضه کافی بسه سند حدیثی از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند آنحضرت در نامه‌ای که به شیعیان مرقوم داشت و آنها را امر فرمود بعمل بر مضمون نامه و ممارست و تعهد بر آن فرمود ای طایفه مرحومه و ای درستگاران بدانید خداوند نعمت خود را بر شما تمام نمود و آنچه خیر شما بود بر شما ارزانی داشت بدانید خداوند نهی فرموده بندگان خود را از آنکه دین خدا را از روی هوی و رأی و قیاس اخذ کنند پروردگار قرآن را نازل فرموده و مد آن بیان هر چیزی را نمود و فرار داه برای قرآن و علم بآن اهلی را و کسانی که خداوند علم قرآن را بآنها عطا فرمود نمیتوانند برآی و هوی نفس و قیاس در دانستن و فهمیدن مراد از قرآن عمل کنند زیرا خداوند آنها را بی‌نیاز فرموده از رأی و هوی و قیاس بخاطر علم و دانشی که بایشان عطا نموده و آنها را مخصوص گردانیده بعلم قرآن و اختصاص آنها بدانش قرآن و پیروی کردن مردم از ایشان و تصدیق و فرمانبرداری از آنها و هدایت و راهنمایی ایشان بد علم خدا گذشته است آنها کسانی هستند که بی‌نیاز نمیشود احدی از علومشان، ایشان راه حق هستند و مردم را بسوی پروردگار هدایت و رهبری مینمایند هر کس امور دین و دینار را از آنها سؤال کند گمراه خواهد شد شقی و گمراه کسانی هستند که از اهل ذکر سؤال نمیکند و دین و احکام آن را از روی نفس و رأی و قیاس اخذ میکنند چه آنها اهل قرآن و ایمان را بگمان خود کافر میدانند، و اهل ضلالت و جهال بقرآن را مؤمن می‌پندارند، و بسیاری از حلالهای خدا را حرام و حرامهای او را حلال میدانند، و این عقیده ثمره و نتیجه رأی و هوای نفس و قیاسهای آنهاست و حال آنکه پیغمبر

اکرم وآلہٖ پیش از رحلت از ایشان عهد گرفت که برای و قیاس و هوای نفس عمل ننمایند و فرمود کتاب خدا و عثرت خود را در میان شما احانت گذاشتم باید امور خودتان را از عثرت من که اهل ذکر هستند سؤال نمائید با اینصورت بعد از رحلت پیغمبر اکرم وآلہٖ گفتند ما وصت داریم که عمل نمائیم باجماع و برای که مردم در آن اجتماع کردند بعد از رحلت رسول خدا وآلہٖ و بعد از عہدیکہ پیغمبر با ما نمود کہ بجز قرآن و دستور عثرت و احادیث وارده از آن بزرگواران عمل ننمائیم پس چه کسی جری تر است بر خدا و گمراه تر است از اشخاصیکہ دین خود را از روی هوای نفس و قیاس و رأی مجتمع مردم میگیرند و اخذ و عمل مینمایند و گمان میکنند کہ وسعت دارند و میتوانند عمل باین گونه مخترعات کنند بخدا قسم پروردگار امروز واجب فرمودہ بر مردم کہ اطاعت کنند او امر پیغمبر اکرم وآلہٖ را چه در حال حیات و چه در ممات او و پیروی کنند از فرمودہای آنحضرت تا روز قیامت .

از این حدیث بطور واضح فہمیدہ میشود کہ اصل اجماع از مخترعات و بدعتہای عامہ است و باید در تفسیر قرآن و معانی آن و بیان احکام شرع ہائیم معصومین و آل و عثرت پیغمبر اکرم وآلہٖ رجوع نمود و احادیث آن بزرگواران مانند اصل است در معرفت قرآن و مشکلات و بیان مفصلات و تفسیر مجملات و تعیین مراد و مبہمات آن چنانچہ در حدیث ثقلین کہ متواترین شیعہ و سنی است پیغمبر اکرم وآلہٖ فرمودہ است کہ هرگز افتراق بین عثرت و قرآن نمی باشد و ممکن نیست چون مرجع قرآن در احکام بسوی ائمہ است و تفسیر و تأویل قرآن و بیان متشابہات و تعیین مراد از آن اخذ نمیشود مگر از ائمہ پس قرآن از ائمہ جداگی و مفارقت نمیکند و چون اقوال و افعال و گفتار ائمہ مقتبس است از قرآن پس ائمہ نیز از قرآن جدا نخواهند شد .

و این حدیث و احادیث دیگر و خبر ثقلین دلالت دارند بر آنکہ تکیہ گاہ مردم در تمام امور نیست مگر بر قرآن و احادیث آل عصمت و طہارت و سوای قرآن و عثرت هر چه باشد از درجہ اعتبار ساقط است و اگر بخواہیم احادیث وارده

در این باب را بیان کنیم کتاب جدا گانه‌ای لازم دارد و چنانکه انشاء الله موفق شدیم
بعد از خاتمه تفسیر رساله‌ای در این موضوع می‌نگاریم

سوم: کسانی که نماز جمعه را در زمان غیبت واجب نمی‌دانند گمان کرده‌اند که
چون بعضی متقدمین و اصحاب ائمه اقامه نماز جمعه نمی‌کردند در نظر ایشان واجب
نبود و متوجه این موضوع نشدند که اقامه نکردن آنها برای این بود که ایشان
در زمان خوف و تقیه واقع شده بودند و شیعیان قدرت و توانائی نداشتند از آنکه
جدا گانه و بدون اقتداء بمخالفین نماز جمعه بجا آورند زیرا امام جمعه از طرف
مخالفین منصوب و تعیین شده بود و امامیه جایز نمی‌دانند اقتدا کردن بمخالفین را
لذا در خانه و منزل‌هایشان نماز را بجا می‌آوردند و گاهی از اوقات پس از اداء نماز
برای تقیه بآنها اقدام می‌کردند یا صورتاً بمخالفین اقتدا می‌نمودند و پیش خود قرائت
می‌خواندند یا پس از خاتمه اقتداء بآنها نماز را متغیراً بجا می‌آوردند چنانکه
امیر المؤمنین (علیه السلام) باین کیفیت خلف خلفای سه گانه رفتار می‌کردند و سبب ترك
کردن متقدمین نماز جمعه را از این لحاظ بود ولی بعضی از متأخرین خیال کردند
که متقدمین از جهت واجب نبودن آن نماز جمعه را ترك می‌کردند و بجا نمی‌آوردند
و چون اصحاب ائمه و یا متقدمین زمانی بجا می‌آوردند نماز جمعه را و در بعضی اوقات
و زمان ترك می‌نمودند لذا بعضی متأخرین گمان کردند که نماز جمعه واجب تخییری است
نه عینی و سر ترك نمودن آن در بعضی از منتهای خاطر تمکن و قدرت مخالفین بودند
از آن جهت که نماز جمعه در نظر آنها واجب تخییری است نه عینی و از تعجبات است که
بعضی از علما معاصر ما گفته‌اند در زمان غیبه نماز جمعه حرام است و از برای حرمت
آن بر مایش حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) در صحیفه سجاده در دعای چهل هشتم تمسك
جستند آنجا که میفرماید (اللهم ان هذا يوم مبارك ميمون و المسلمون فيه مجتمعون في
اقطار ارضك) تا آنجا که میفرماید (اللهم ان هذا المقام لحلفائك وامنيائك ومواضع
امنائك في الدرجة الرفيعة التي اختصصتهم بها قد ابتزوها و انت المقدور لذلك لا
يغالب امرك ولا يجاوز المحتوم من تدبيرك كيف شئت و اني شئت و لما انت اعلم به
غير متهم على خلقك و لا لاراوتك حتى ياصفوتك و خلعاؤك مغلوبين مقهورين

مبتزین یرون حکمک مبدلا و کتابک منبوا و فرائضک محرفة عن جهات اشراک
و سنن نبیک متروکه)

تا آنجا که میفرماید (و عجل الفرج والروح و النصرة و التمکین
و التایید لهم) چه گفته اند مراد امام که فرموده این مقام خلفاؤک نماز جمعه و عید
و خطبه آنهاست و لام خلفاؤک لام اختصاص است و همچنین قولش اختصاص بهم و
فرمایش دیگرش قد ابتزوها تمام اینها دلالت دارد بر اینکه نماز جمعه و اقامه آن
مختص است بامام و دشمنان دین مانند خلفاء ثلاثه و بنی امیه و بنی العباس این
منصب و اختصاص را ربوده و غارت کرده اند این اشتباه و توهم بعضی معاصرین
از چند جهت باطل و بیجا است: یکی آنکه چنانچه احتمال دارد لام در خلفاؤک
لام اختصاص باشد احتمال هم دارد لام استحقاق بوده باشد یعنی الله استحقاق آن
را دارند که اقامه نماز جمعه و عید نمایند و استحقاق داشتن شخص به امر و موضوعی
دلالت ندارد بر آنکه دیگری استحقاق آن امر و موضوع را ندارد چنانکه محقق
دوالی که یکی از علماء متأخر است در حاشیه خود بر شرح مختصر عضدی اشاره
باین مطلب کرده و گفته است این اختصاص بمعنی حصر نیست بلکه کفایت در آن
ارتباط خاصی است و گفته اند هر گاه احتمالی دیگر پیش آید استدلال باطل میشود

دوم آنکه از کجا و بچه مدرک مشار الیه هذا نماز جمعه باشد بلکه یا صریح است یا
قوت دارد بر خلافت کبری چه در جمعه و عید ظاهر میشود آثار خلافت کبری زیرا
حکمت بزرگی است از برای ظهور دولت حق و تمکن و قدرت پیدا کردن الله بر
امر و نهی و هدایت و ارشاد بندگان و اقتدا کردن خلائق بر آنها و جمله حتی عاد
خلفاؤک مغلوبین تا سنن نبیک متروکه اشاره بخلافت کبری است و از واضحات
است که امور مذکوره از اثرات ولایت عظمی و خلافت کبری است چنانچه حضرت
باقر علیه السلام بعد از بن دینار فرمود ای عبدالله در هر روز جمعه و عید فطر واضحی
که ویژه مسلمانان است حزن و اندوه ما آل محمد علیهم السلام تازه میگردد عبدالله حضورش
عرض کرده چرا چنین است؟ فرمود برای آنکه می بینند امامت و خلافت که حق
خودشان است در دست دیگران میباشد.

سوم آنکه ممکن است خلفاء در فرمایش آنحضرت اعم از امام و علماء شیعه و فقهاء اثناعشری باشد چه علماء و فقهاء وارث علوم ائمه و راویان احادیث آن بزرگوارانند و شاهداین معنی روایتی است که صدوق و دیگران از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده اند فرمود رسول خدا: پروردگارا پیامبر ز خلفا و جانشینان مرا اصحاب عرض کردند ای رسول خدا خلفا و جانشینان شما چه اشخاصی هستند؟ فرمود آنهائی هستند که بعد از من متولد میشوند احادیث و سنت مرا روایت میکنند و بعد از من احکام شرع را بر مردم تعلیم میدهند . .

چهارم آنکه عطف فرموده امام اصفیاء را بر خلفاء که اشعار دارد بر مغایرت آنها چنانکه مقتضای قانون معاویه همین است پس ممکن است مراد آنحضرت از خلفاء ائمه یا ایشان و منصوبین خاص آنها باشد و مقصود از اصفیاء عدول شیعیهان بود و تأسیس اولی از تاکید میباشد .

پنجم آنکه حصر در این فرمایش حصر حقیقی نیست بلکه شامل حصر اضافی هم خواهد بود و بر فرض تسلیم عام است و اهمیت آن تخصیص داده میشود با حدیث و ادله ای که دلالت میکند بر عموم اذن و تصرف در این حق، هم در زمان حضور و هم در زمان غیبت . و از احادیث فوق ظاهر شد امر فرمودن ائمه اصحاب را باقامه نماز جمعه بدون تخصیص دادن مخاطب را بغیر مخاطب و بدون تخصیص دادن زمانی بزمان دیگر . و از این بیان و احادیث واضح شد که حصر در صحیفه و فرمایش حضرت امام زین العابدین علیه السلام حصر حقیقی نیست و تمسك معاصرین ما باین فرمایش ناوارد است و اشاره کردیم باین توهمات تا روشن شود که هیچ يك از آنها صلاحیت ندارند که معارضه کنند با آیه و احادیث صحیحیه معتبره پس چگونه میتواند کسیکه از خدا و پیغمبرش خائف است چنین واجب مهمی را ترك كند و مهمل بگذارد فرمود: خدایتعالی فلیعذر الذین یخالفون عن امرنا ان تسبیهم فتنة او یسببهم عذاب الیم باید بترسند آنها ای که مخالفست امر خدا میکنند از عذاب دردناك و فتنة ای که بایشان میرسد در اثر ترك نمودن واجبات و مخالفت با فرمودهای پروردگار . اما نماز جمعه دو رکعت است

که باید در روز جمعه بجای نماز ظهر خواند شود و کیفیت آن بدین قرار است: اول
 امام باید پیش از اداء نماز دو خطبه قرائت میکند و آن دو خطبه بمنزله دو رکعت
 از نماز است. و آنچه در خطبه شرط است حمد و ثنای پروردگار و درود بر پیغمبر
 اکرم صلی الله علیه و آله و آل او و موعظه و پند دادن مردم بر تقوی و قرائت نمودن سوره
 کوچک از قرآن. پس از آن اندکی می نشیند، دوباره بر میخیزد برای خطبه دوم،
 در آن نیز حمد و ثنای پروردگار را تلاوت مینماید و صلوات میفرستد بر محمد صلی الله علیه و آله
 و آل او و برای مؤمنین استغفار مینماید و سوره یا آیه ای از قرآن قرائت میکند
 و پس از فارغ شدن اقامه نماز میگوید و دو رکعت نماز بجا میآورد. در رکعت
 اول بعد از حمد سوره جمعه تلاوت میکنند و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره منافقین
 قرائت مینمایند و رکوع و سجود بجا میآورند و تشهد و سلام میگویند نماز تمام میشود و بعد از
 آن نماز عصر بجا میآورد در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود زمانیکه
 امام خطبه قرائت میکند سزاوار نیست کسی تکلم نماید تا فارغ شود از قرائت دو
 خطبه اما اگر بین فراغ و برخاستن برای نماز تکلم نماید بر او بعضی نیست.

در تهذیب از آنحضرت روایت کرده فرمود باید امام جماعت خطبه را در
 حال قیام قرائت کند و در آن حمد و ثنای خداوند و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و آل او
 بجا آورد و مردمان را بتقوی و پرهیزکاری سفارش کند و در آخر آن یکسوره کوچک
 از قرآن تلاوت مینماید سپس می نشیند بعد از آن بر میخیزد برای خطبه دوم و
 در آن نیز بیان میکند حمد و ثنای پروردگار را و درود میفرستد بر محمد صلی الله علیه و آله و
 آل او و برای مؤمنین طلب آمرزش مینماید بعد از آن دو رکعت نماز بجا میآورد
 و در رکعت اول بعد از حمد سوره جمعه و در دوم سوره منافقین قرائت میکند.

ابن بابویه و کلینی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده اند فرمود خداوند آیه (حافظوا
 علی الصلوات و الصلوة الوسطی) را در سفر روز جمعه بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل
 فرمود و مراد از نماز وسطی نماز ظهر است آنحضرت نماز ظهر را در سفر و در حضر
 در روز جمعه بحال خود که دو رکعت است و اگناشت و در غیر روز جمعه در حال
 حضر دو رکعت افزود و پنجاه دو خطبه، نماز در جمعه نیز بود چه خطبه

بمنزله دو رکعت از نماز است و هر کس در روز جمعه نماز جمعه بخواند باید نماز ظهر را چهار رکعت بجای آورد مانند سایر روزها و از محمد بن مسلم روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام آیا در نماز جمعه اذان و اقامه هست فرمود اقامه بعد از اذان بر منبر میرود و خطبه میخواند و مردم در حال قرائت خطبه نماز بجای میآورند و بعد از فراغ از خطبه اول بمقدار قرائت سوره قل هو الله می‌نشینند و بر میخیزد برای قرائت خطبه دوم . پس از فراغ شدن از آن از منبر فرود میآید و اقامه میگوید و با مردم نماز جمعه را بجای میآورد .

در تهذیب از حمص بن غیاث روایت کرده گفت یکی از شعیبان از ابن ابی لیلی سؤال کرد آیا نماز جمعه بر بنده و زنهار و مسافر واجب است یا خیر ؟ جواب داد واجب نیست مجدداً پرسید اگر یکی از مسافری و زنهار و مملوک کین حاضر شدند و نماز جمعه بجای آوردند آیا کفایت میکند از نماز ظهر ؟ ابولیلی قاضی گفت بلی آن شیعه جواب داده چگونه چیزیکه خداوند واجب نکرده از نماز ظهریکه واجب فرموده کافی است ابولیلی نتوانست جواب او را بدهد حمص میگوید من از آن شیعه جهتش را سؤال نمودم جواب داد خداوند نماز جمعه را بر تمام مردم اعم از زنهار و مردهان و مسافر و مملوک واجب نموده ولی رخصت داده بر زنهار و مسافری و مملوک که بر نماز جمعه حاضر نشوند پس وقتیکه حاضر شدند رخصت ساقط میشود و لازم میگردد بر آنها فریضه اول و از این جهت برای ایشان نماز جمعه کافی است از نماز ظهر گفتم این فرموده کیست ؟ جواب داد فرمایش حضرت صادق علیه السلام است . در کافی و تهذیب از خلی روایت کرده اند گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم کسیکه خطبه روز جمعه را درک نکند تکلیف او چیست ؟ فرموده اگر پیش از رکوع دوم بامام برسد نماز جمعه را درک نموده و پیکر رکعت دیگر را خودش بخواند و بلند قرائت کند و چنانچه بعد از رکوع دوم درک کند نماز جمعه را باید چهار رکعت نماز ظهر بجای آورد و اما فضیلت روز جمعه چون در کتب ادعیه بیان شده ما از شرح آن صرف نظر نمودیم .

در کافی ذیل آیه (یا ایها النین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة)

از ابی حمزه ثمالی روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم برای چه نامیده شده روز جمعه بجمعه فرمود آن روزیست که خداوند تمام مخلوقات اولین و آخرین را جمع نمود از برای آنکه عهد و میثاق بگیرد از آنها بولایت عده و وصی او علی علیه السلام از این جهت آن را جمعه نامید .

در اختصاص از جابر جمعی روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام آیه یا ایها الدین آمنوا انا نودی للصلوة من یوم الجمعة را فرات می نمودم فرموده ای جابر تأمل کن تا خبر دهم تو را بتأویل اعظم آن . عرض کردم بفرمائید فرمود: خداوند روز جمعه را برای آن جمعه نامید چون تمام خلق اولین و آخرین را از جن و انس و آسمان و زمین و دریا و بهشت و جهنم و سایر موجودات دیگر را در عالم فد برای گرفتن عهد و پیمان بر بوبیت خود و نبوت عده و ولایت علی علیه السلام در آن روز جمع نموده و با آسمان و زمین فرمود: اکتبا طوعا و کرها قالنا اتینا طائعتین پس از آن فرمود: ای مردم من که در آن روز ایمان آوردید وقتی شما را برای نماز صدا کردند (و مقصود از نماز در اینجا وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام است که ولایت کبری است) بشتابید بسوی ذکر خدا و ذکر نیز آن حضرت است و در آن روز پیغمبران و فرشتگان و تمام موجودات لبیک گوین حاضر شدند سپس خطاب شد با آنها و فدوا البیع یعنی رها کنید اولی را ذلک خیر لکم یعنی عهد و پیمان بر ولایت علی و بیعت با آن حضرت بهتر است برای شما از بیعت نمودن با اولی اگر بدانند (فاذا قضیت الصلوة) یعنی هر وقت بیعت ولایت علی علیه السلام را اخذ نمودید فانتشروا فی الارض و مراد بلاضی در اینجا آنست که معصومین است که خداوند امر فرموده باطاعت و ولایت آنها چنانکه امر نموده باطاعت پیغمبر و امیر المؤمنین علیه السلام و کنایه آورده پروردگار از اسمی ائمه بر زمین و (ابتغوا من فضل الله) فرمود ای جابر یعنی و ابتغوا فضل الله علی الاوصیاء (و اذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون) این آیه خطاب به پیغمبر است در عالم فد فرمود ای عده هر گاه شکاک و منکرین مشاهده کنند تجارتی را یعنی اولی را «اولهوا» یعنی دومها «اتخذوا الیها» یعنی می شتابند بسوی آنها «وترکوک قائما» یعنی ای پیغمبر تو را با علی تنها گذارند (قل ما عند الله

خير من اللهو و من التجارة و الله خير الرازقين) یعنی بگو ای محمد آنچه نزد خدا از ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه حی باشد بهتر است از اولی و دومی برای کسانی که پرهیز کارند .

علی بن ابراهیم از ابی جازود روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام معنای فاسعوا را سؤال نمودم فرمود سعی عبارت از کوتاه کردن شارب و گرفتن ناخن و موهای زیر بغل و عورت است و دیگر غسل جمعه و پوشیدن لباس نظیف و استعمال عطریات است چه خداوند میفرماید و من اراد الاخرة و سعی لها سعيها و هو مؤمن و فرمود: و ذروا البيع - ترك کردن معامله است و در مدینه وقتی صدای مؤذن بلند میشد منادی ندا میکرد خرید و فروش حرام است

(فاذا قضيت الصلوة فانسحروا في الارض و ابتغوا من فضل الله و اذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون) حضرت صادق علیه السلام فرموده نماز روز جمعه و انتشار در روز شنبه اسبوح نیز فرمود ذکر خدا را فقط اختصاص ندهید در نماز بلکه بهر کاری مشغول بودید از یاد خدا غفلت نکنید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هر کس در بازار یاد خدا کند در آنوقتیکه مردم از یاد خدا غافلند و سرگرم معامله و خرید و فروش هستند خداوند در نامه اعمال او هزار حسنه بنویسد و می آموزد او را در قیامت بطوریکه در قباب هیچ بشری خطاورد نکند .

(و اذا راوا تجارة اولوها انقضوا اليها و تركوك قائما قل ما عند الله خير من اللهو و من التجارة و الله خير الرازقين) سبب نزول آیه آن بود که روز جمعه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مشغول نماز جمعه بود. قافلعمال التجارة وارد مدینه شد و برای اعلام ورود طنپور و دف میزدند مردم نماز جمعه را ترك کردند و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را رها کرده و تنها گذاشتند چیز چند نقری و بقیه بتماشای تجارت و لهو و لعب رفتند و رسول خدا در بالای منبر ایستاد ، مشغول تلاوت خطبه بود که آیه فوق نازل شد حضرت صادق علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام آیه را بطریق ذیل قرائت فرموده اند :

قل ما عند الله خير من اللهو و من التجارة للذين اتقوا و الله خير الرازقين

سورة المنافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (۱) لِيَتَضَلُّوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲) ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۳)

سورة منافقین در مدینه نازل شده و یازده آیه و صد و هشتاد کلمه و هفتصد و هفتاد و سه حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ، در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره منافقین را قرائت کند یزار موشود از نفاق و شک در دین و اگر بر جراحتها خوانده شود منفجر شود و چنانچه بر علیل و صاحب درد های باطنی خوانده شود ساکن گردد و حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس این سوره را بر کسی که درد چشم دارد یا باه و درد اندرونی دارد بخواند بقدرت خداوند آن درد ساکت شود خلاصه مطالب این سوره در بیان احوال منافقین است و اینکه استغفار و طلب آمرزش برای آنها سودی ندارد قوله تعالی : (إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ أَنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ) این آیه در سال پنجم هجری هنگام مراجعت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از غزوه بنی مصطلق نازل شده و داستان آن بدین قرار است :

چون پیغمبر و اصحاب از آن غزوه بسوی مدینه مراجعت می نمودند در بین راه فرود آمدند کنار چاه آبی در آنجا آب کم بود انس بن سیار حلیف انصار و جبهه بن سعید غناری که اخیر عمر بن خطاب بود رفتند بر سر چاه آب بکشدند

ترجمه سور منافقین

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما چون منافقین نزد تو آیند گویند گواهی میدهیم که تو رسول خدائی و خدا میداند تو رسول او هستی و خدا گواهی میدهد که منافقین ددوغ میگویند (۱) سوگندهای مدوغ خود را سیر جان خویش قرار داده اند تا باینوسیله راه خدا را بروی مردم ببندند. آنچه عمل میکنند بسیار بد است (۲) چه آنها پس ارایمان آوردن بدل کافر شدند خدام مهر بر دلهای ایشان زد پس آنها چیزی نمی فهمند (۳)

ولو این سوار بدلو چهار پیچید و بسته شد با یکدیگر نزاع کردند چهره سیلی بصورت این سوار زد خون جاری شد طایفه خوه خزر ج را بهازی طلبید و چهره هم قریش را بنصرت خوه خواند از دو طرف جمع شدند و اسلحه بروی یکدیگر کشیدند نزدیک بود فتنه ای برپا شود عبدالله ای صدای آنها را شنید گفت چه خبر است داستان را برای او بیان کردند در غضب شد گفت من کراحت داشتم باین سار بیایم همانا ذلیل خواهم کرد عرب را. هرگز تصور نمی کردم که من زنده باشم و چنین روزی را مشاهده نمایم و نتوانم تغییر بدهم آنگاه نزد اصحاب خود رفت و بآنها گفت این نتیجه عمل شما است که پیغمبر و مهاجرین را جا دادید و وارد منزلهای خود کردید و با مال و جان با ایشان مواسات نمودید و خودتان را برای کشته شدن و اسیری زنان و فرزندان خود در معرض هلاکت افکندید. اگر آنها را از مدینه بیرون کنید عیال دیگران خواهند بود البته وقتی ولرد مدینه شویم بیرون میکنیم بزرگترین آنها را تا حقیر و ذلیل ترین اشخاص شوند و مقصود از بزرگی آنها پیغمبر اکرم بود زید بن ارقم که جوان تازه بالقی بود این سخن عبدالله را شنید رسول خدا در سایه درختی استراحت کرده بود و جمعی از مهاجر و انصار اطرافش را گرفته زید حضورش شرفیاب شد و سخنان عبدالله ای را بسمع مبارکش رسانید پیغمبر ﷺ باو فرمود ای زید شاید تو اشتباه شنیدی یا در قصب بودی و خیال کرده ای عرض کرد ای رسول خدا سوگند به پروردگار نه در غضب بودم و نه عوضی

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ
 مَسْنَدٌ يَخْشَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ ثُمَّ الْمَدُوُّ فَاحْذَرُكُمْ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَتَى
 يُؤْفَكُونَ (۴) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ قَاتِلُوا يَسْتَفِيزُوا لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوْ رَا
 رؤسهم ورأيتهم يصدون وهم مستكبرون (۵) سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ
 لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۶)
 هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ
 خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۷)

شہید امام پیغمبر پھلاش امر فرمود سوار راحلہ بشود و مردم را اعلام کہ حرکت
 کنند چون مردم را اعلام ہا کہ گمتند پیغمبر در این وقت حرکت نہیکند سعد بن
 عبادہ حضور پیغمبر آمد مرض کرد ابرسول خدا اکنون وقت حرکت نہبود چہ
 پیش آمدی کردہ . فرمود مگر نشنیدی سخن رفیق را ؟ مرض کرد ای رسول خدا
 من رفیق و صاحبی ہر شما ندانم فرمود عباد اللہ ای را میگویم کہ خیال دارد وقتی
 وارد مدینہ شود ما را بیرون کند تا خوار و ذلیل شویم . سعد مرض کرد ابرسول خدا
 شما و اصحاب عزیزترین مردم میباشید و عباد اللہ و یارانہش خوار و ذلیلترین مردم اند
 پیغمبر اکرم ﷺ حرکت نمود و آنروز با کسی تکلم نفرمود . طایفہ خزدج نزد
 عباد اللہ ای رفتند و اورا توبیخ و سرزنش کردند بدو غ قسم یاد نمود کہ من
 چنین سخنی نگفتم گمتند بیا برویم حضور پیغمبر و عذر خواہی کن سرش را بزار
 افکند پیغمبر اکرم ﷺ تمام شب را پس از خواندن نماز حرکت کرد و راہ
 پیمود فردای آنروز کہ فرود آمدند و اصحاب بسیار خستہ بودند عباد اللہ حضور
 رسول خدا رسید و قسم یاد کرد کہ من چنین گہتاری بزبان جاری نکردم و شہادت

ای رسول ما چون آن منافقین را مشاهده کنی آراستگی ظاهر آنها تو را بشگفت آورد و اگر سخن گویند بسختی نشان گوش فرا خواهی داد ولی درون آنان مانند چوب خشکی است که بر دیوار نهاده اند هر صدائی بشنوند بر زبان خویش گمان کنند ایشان دشمنند بر چند باش از منافقین ، خدا آنها را بکشد . چگونه از حق باز میگردند (۴) هر گاه با آنها گفته شود بیائید تا رسول خدا برای شما طلب آمرزش کند آنها سرپیچی میکنند و بنگری که با تکبر و نخوت دوی میگردانند (۵) اگر طلب آمرزش کنی از برای آنها یا نکسی بحالتی یکسان است خدا هرگز ایشان را نمی آمرزد و خداوند قوم بدکار را پراهدایت راهنمایی نخواهد کرد (۶) آنها همان کسانی هستند که میگویند بر اصحاب رسول اتفاق مال نکنید از اطراف او پراکنده شوید بدانند که خداوند صاحب گنجهای آسمان و زمین است و لکن منافقین نمی فهمند که روزی بدست خدا است (۷)

بوحیدانیت پروردگار و نبوت پیغمبر داد و گفت زید دروغ گفته است در صورت ظاهر پیغمبر از او قبول نمود طایفه خزرج زید را مورد اذیت و آزار قرار دادند و باو میگفتند چرا به بزرگ ما توهین کردی زید میگفت خدایا تو شاهی که من دروغ بر عبدالله نبستم پیغمبر و اصحاب از آن مکان حرکت کردند قدری طی مسافت نمودند حالت وحی بر پیغمبر رخ داده ناله آنحضرت سنگین شد نزدیک بود بر زمین فرار گیرد جبرئیل نازل شد سوره منافقین را فرود آورد پیغمبر صورت مبارکش را از عرق خشک نمود دست بره گوش زید بن ارقم را گرفت و او را از روی ناله اش بلند کرد و فرمود ای جوان سخن تو در باره عبدالله راست بود قلبت محکم باد خداوند در باره آنچه تو گفتی آیاتی چند نازل فرموده آنگاه اصحاب را عموماً جمع نمود و سوره منافقین را بر آنها تلاوت فرمود خداوند مفتضح کرد عبدالله امی را . • ابان بن عثمان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود فرزند عبدالله امی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد ای رسول خدا ! اگر قصد کشتن پدرم را دارید اجازه بفرمائید خود من سر او را جدا کنم سوگند بخدا که من بهترین فرزندانم هستم و علاقه بی یابانی بپدر خود دارم طایفه خزرج و اوس میدانند علاقه مرا به

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ
وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا أَمْوَالَكُمْ وَلَا أَوْلَادَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِرُونَ (۹) وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ
أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصْدَقَ
وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰) وَكَانَ يُؤَخِّرُهُ اللَّهُ فَمَا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

پند خود ولی این علاقه در قبال علاقه بدین هیچ است. میترسم اگر دیگری او را
بقتل رساند نفسم آرام نگیرد که مشاهده کنم قاتل پندم را وعاقبت قاتل او را بقتل
برسانم و به خاطر پند کافر مؤمنی را بکشم و مغلد در جهنم شوم. رسول خدا
باو فرمود: تو از یاران نیکوی ماهستی. مادامیکه بسا ماهاشی مدارا کن با قدرت.
من خیال کشتن او را ندارم.

(اتخذوا ایمانهم حجة فصدوا عن سبيل الله انهم ساء ما كانوا يعملون ذلك بانهم آمنوا
ثم كفروا فطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون) سو گندهای دروغ خود را سپر جان خود
قرار داده اند یعنی هر گاه کاری پیش آید که پرده منافقین در آن کار دریده خواهد
شد بسو گند دفع آن میکنند چنانکه در کارزار مره دفع تیر و شمشیر با سپر میکند
و از راه خدا اعراض میکنند و مرهم را هم باز میدارند. ای مؤمنین بدانید منافقین
بدکاری انجام میدهند چه آنها بر زبان ایمان آوردند سپس بدل کافر شدند خدا هم
مهر بر دلهای آنها زدو باین جهت است که ایشان ایمان نخواهند آورد و آنها
نمیدانند و حقایق ایمان را درک نمیکند. حد کافی از عقد بر فضیل روایت
کرده گفت معنای آیه فوق را از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم فرمود

میگویند اگر بمدینه باز گشت کنیم باید عزیزترین ما خوار و ذلیل‌ترین را بیرون کنند اما عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنین است منافقین نمی‌دانند (۸) ای اهل ایمان مبادا مشغول سازد شما را مال و فرزندانان از یاد خدا کسانی که مال و فرزندانشان آنان را از یاد خدا باز دارند زبان کارانند (۹) از آنچه روزی شما کردیم مدد راه خدا انفاق کنید پیش از آنکه مرگ بر یکی از شما فرا رسد و در آنحالت با حسرت بگوئید پرورده کارا اجل مرا بتأخیر انداز تا صدقه و احسان بسیار کنم و از نیکوکاران شوم (۱۰) و خدا اجل هیچکس را از وقتش که فرا رسد تأخیر نیندازد و او بهر چه کنید آگاهست (۱۱)

خداوند کسانی را که از پیغمبرش پیروی نکرد مانند بد ولایت و سی او امیر المؤمنین علیه السلام منافقین نامیده و منکرین امامت و وصایت را منکرین خود و پیغمبر قرار داده و این موضوع را در قرآن چنین بیان کرده و فرموده ای عهد زمانیکه آمدند منافقین بولایت و امامت علی علیه السلام نزه تو و گفتند شهادت میدهیم که تو رسول خدا هستی، خداوند میداند که تو رسولش میباشی و خداوند گواهی میدهد که منافقین بولایت علی علیه السلام دروغ میگویند و سوگند های خودشان را سپری قرار داده اند و راه خدا را که ولایت علی علیه السلام است بروی مردم بسته اند و این عمل بد عملی است، آنها بر سالت تو ایمان آوردند و بولایت و امامت علی علیه السلام کافر شدند خداوند هم مهر بر دل های ایشان گذاشت و لذا چیزی نمیفهمند. فضیل میگوید عرض کردم لایفقهون یعنی چه فرمود یعنی بد نبوت پیغمبر تحقل نمیکنند و هر گاه با آنها گفته میشود باز گردید بسوی ولایت علی علیه السلام تا طلب مغفرت و آمرزش نماید پیغمبر از برای گناهان شما سرهای خود را بزیرافکنند. ای عهد والتعهد مشاهده کنی آنها را که جلو گیری و ممانعت می نمایند از ولایت علی و تکبر میورزند بر او. ای پیغمبر چه برای ایشان استغفار نمائی یا ننمائی هرگز خدا آنها را نمی آمرزد و خداوند راهنمائی نمیکند کسانی را که ظلم و ستم بوسی تو علی می نمایند *

(و ادا رایتم نحبک احبهم وان یقولوا تسمع لقولهم کانهم خشب مسندة یحسبون کل صیحة علیهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله انی بؤفکون) ای رسول ما تو چون

کالبد جسمانی آن منافقین را مشاهده کنی با راستگی ظاهر تو را بشکفت آورند (این عباس گمت عبدالله ای مردی بود قریه و نیکو صورت و فصیح چون او سخن میگفت پیغمبر اکرم ﷺ از دور صدای او را میشنید) ولی آن منافقین صورتها بدون معنی مانند چوبهای خشک که بر دیوار نهاده اند. هر صدائی که میشنوند بر زبان خویش ندارند. دشمنان دین و ایمان به حقیقت ایشانند، از آنها بر حذر باش خدا آذن را بکشد چه قدر بمکر و حيله و دغوغ از حق باز میگردند آیا اینها بکجا رو بر می گردانند.

چون خداوند بیان کرد اوصاف منافقین را برای رسولش عبدالله ای و تابعینش را بآنها معرفی کرد طائفه او باو گفتند مغضوب شدی یا برویم حضور پیغمبر و درخواست کنیم از حضرتش تا استغفار کند برایت او سرپیچید و دوری جست از رفتن حضور رسول خدا.

(هم الذین یقولون لا یفقهوا علی من عند رسول الله حتی ینفصوا و لله خزائن السموات و الارض ولكن المنافقین لا یفقهون. یقولون لئن رجعنا الی المدینه لیمرحن الاعز منها الاذل و لله العزة و لرسوله وللمؤمنین ولكن المنافقین لا یعلمون) منافقین همان مردم بد خواهی هستند که میگویند بر اصحاب رسول اتفاق نکنید تا یارانش از اطراف او پراکنده شوند و در صورتیکه گنجهای آسمان و زمین از برای خدا است لکن منافقین درك نمیکنند میگویند! اگر بمدینه باز گردیم همانا عزیزترین مردم که مقصود خود آنهاست ذلیل ترین آنها را از شهر مدینه بیرون کنند یعنی مسلمانان را اخراج نمایند و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنین است ولی منافقین نمیدانند. در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده فرمود: خداوند امور مؤمن را در دست خود گرفته و هرگز نمیخواهد که او ذلیل و خوار باشد آیا نمیشنوی قول خدا را که میفرماید: و لله العزة و لرسوله وللمؤمنین پس مؤمن عزیز است و ذلیل نمیشود. مؤمن سخت تر است از کوه چه کوه بوسیله آلتی و اسبابی تراشیده میشود ولی دین مؤمن بهیچ چیز متزلزل و ناقص نمیشود. خداوند او را عزیز نموده یا ایمان و اسلام و سزاوار نیست از برای مؤمن که

ذلیل کند نفس خودش را. اصحاب حضورش عرض کردند بچه چینی نفس ذلیل می شود فرمود بآنکه عرضه بدارند بر او چیزی را که طاقت آنرا نداشته باشد و داخل شود در چیزی که توانائی بر آن را ندارد.

(یا ایها الذین آمنوا لا تلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله و من یفعل ذلک فاولئک هم العاصرون) مصاطب این آیه مؤمنین اند. میفرماید ای مؤمنین مبادا مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل سازد. مراد از ذکر نماز است و کسانی که مال و فرزندان شما را از یاد خدا باز دارد ایشان در حقیقت از زیانکاران عالمند (و انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی احدکم الموت فبقول رب لا اخرجنی الى اجل قریب فاصدقوا کن من الصالحین) - ای مؤمنین از آنچه روزی شما کردیم در راه خدا اتفاق کنید پیش از آنکه مرگ بر یکی از شما فرا رسد و در آن حالت بهسرت گوید پروردگار اجل مرا اندکی بتأخیر انداز تا صدقه و احسان بسیار کنم و از نه کم کاران شوم. این بابویه ذیل آیه فوق از ابن عباس روایت کرده گفت نیست کسی که بمیره و مالی داشته باشد که زکوة آنرا نداده یا مستطیع بوده و بهج نرفته مگر آنکه آرزو کند در وقت مردن که برگردانند او را بدنی تا زکوة بدهد و بهج رود و این حدیث را از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند.

(ولن یؤخر الله نفساً اذا جاء اجلها والله خبیر بما تعملون) پروردگار در جواب این مردم میفرماید هرگز خدا اجل کسی را که فرا رسیده است از وقتش بتأخیر نمیدارد و او بهر چه کنید ازید و نیک آگاه است. حضرت باقر علیه السلام در معنای این آیه فرموده: نزد خدا کتابی است. مقدم میدارد هر چه را بخواهد و مؤخر میدارد آنچه را اراده فرماید و در شب قدر نازل میکند هر چیزی را که باید انجام شود و هر گاه نازل کرد آن را و نوشته شد در کتاب آسمان دیگر تأخیر پذیر نیست.

پایان سوره منافقین.

سوره تغابن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْعِزَّةُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱) هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ يَاسْتَعْلُونَ بَصِيرٌ (۲) خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْعَقْوِ وَصَوَّرَكُمْ فَأَنْحَسَنَّ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

سوره تغابن در مکه نازل شده و هجده آیه و دویست و چهل و یک کلمه و هزار و هفتاد حرف است .
 خواص و ثواب تلاوت آن این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره تغابن را در نمازهای واجب قرائت کند روز قیامت شفیع او گردد و مفارقت نکند از او تا داخل بهشت شود .
 و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر که این سوره و مسبحات را تماماً قرائت کند پس از خواب در هر شب نمیرد تا آنکه درک کند حضرت قائم علیه السلام را و اگر بمیرد در جوار پیغمبر صلی الله علیه و آله فرار بگیرد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را تلاوت نماید خداوند مرگ ناگهانی را از او برطرف سازد و اگر هنگام ورود بخانه پادشاه و سلطان جائز قرائت کند خداوند کفایت کند او را از شر آن پادشاه و هیچ بدی باو نمیرسد .

خلاصه مطالب این سوره عبارت است از بیان حال کفار و معصیت کلان و سبب

ترجمه سوره قاین

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خداوند مشغولند
پادشاهی و ستایش مخصوص اوست و خداوند بر هر چیز توانائی دارد (۱) اوست آنکه
آفرید شما را پس بعضی از شما کافر و بعضی دیگر مؤمن هستید و خدا با آنچه میکند
بینا است (۲) آسمان و زمین را بحق آفرید و شما آدمیان را زیباترین صورت
پیاراست و باز گشت همه خلایق بسوی اوست (۳)

هلاکت آنها و حال فرمان برداران و بعضی از زنان و فرزندان شخص دشمن او هستند
و باید حذر کرد از آنها.

قوله تعالی (یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض له الملك وله الحمد و هو علی کل شیء قدير) هر چه در آسمانها و زمین است به تسبیح و ستایش خداوند مشغولند و لشکر و سپاه مخصوص او است چه تمام نعمتها و منافع بامر او است و او بر هر چیز قددت و توانائی دارد.

(هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن و الله بما تعملون بصیر) در کافی ذیل آیه از حسین بن نیمه صحاح روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای آن را سؤال نمود فرمود خداوند شماستایده ایمان مردم را بواسطه ولایت ما ائمه و کفر آنها را بانکه ولایت ما در عالم قدر همان روزیکه عهد و پیمان گرفت از ایشان در آنوقتیکه پشت آدم بودند

(خلق السموات و الارض بالحق و صورکم فاحسن صورکم و الیه المصیر)
ما فی السموات و الارض و یعلم ما تسرون و ما تعلنون و الله علیم بذات الصدور)
خدا آسمان و زمین را بحق آفرید و شما آدمیان را زیباترین صورت پیاراست و نیکو نگاشت و باز گشت همه خلایق بسوی او است آنچه در آسمانها و زمین است و هر چه در پنهان و آشکار بجا آورید همه را میداند و باسرار دلهای خلق آگاهست
(الم یاتکم نبؤ الذین کفروا من قبل فذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب الیم ذلک

يَسْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَسْلَمُ مَا تُسِيرُونَ وَمَا تُعْلِقُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴) أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَدَأُفُوا وَبَالَ
 أَمْرِهمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵) ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ
 فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌ حَمِيدٌ (۶)
 زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُخْلِقَ اللَّهُ فِى سَاعَةٍ سَمَاءً مِثْلَ مَا
 صَيَّرَ وَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷) فَكَلِمُوا بِاللَّهِ وَرُسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِى
 أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۸)

بانه كانت تأتیهم رسلهم بالبیّنات قالوا ابشر یهدوننا فكفروا و تولوا و استغنى الله
 و الله غنى حمید) آیاداستان حال پیشینیان که بعدا کافر شدند بشما نرسیده چگونه
 چشیدند کفر عمل خود را و از برای آنها عذاب دردناکی مهیا است پس از آن
 بیان میکند علت عذاب آنها را تا کسی گمان نکند که بایشان ظلم شده میفرماید
 این عذاب برای آن بوه چون پیغمبران باادله و معجزات بسوی آنان رفتند ایشان
 پیغمبران را تکذیب و طعن زدند و گفتند آیا بشری مانند ما میتواند مادا رهبری
 کنند و برسولان ما کافر شده و دوی از آنها برگردانیدند و گمان کرده بودند
 که باید پیغمبران آنها فرشتگان باشند باین سبب کافر شدند و این سببی بود که
 بایست بآن ایمان آوردند چه اگر پیغمبر آنان از جنس بشر نبود باو الفت نمیگرفتند
 و ما نوس نمیشدند خدایتعالی هم از کفر و ایمان خلق بی نیاز و او توانگر بالذات و
 بتمام صفات متوده است

(زعم الذین کفروا ان لن یخلق الله فی ساعه سماء مثل ما صیر و ذلك على الله یسیر)
 و ذلک علی الله یحیرفا متوا بالله ورسوله والنور الذی انزلنا والله بما تعملون خبیر)

کافران گمان کردند که هرگز پس از هر که برانگیخته نمیشوند ابرسول ما با آنها

آنچه در آسمانها و زمین است و هرچه را که شما پنهان یا آشکار کنید همه را میداند و اوباسرار دلهای مردم دانا است (۴) آیا داستان حال پیشینیان که بخدا کافر شدند بشما نرسیده چگونه عقوبت کرد ارشان را چشیدند و از برای آنها عذاب دره ناکی خواهد بود (۵) این عذاب برای آن بود که فرستادگانی باادله و معجزات بسوی آنها آمدند و ایمان آنان را تکذیب کرده و بطلعه گفتند آیا بشری مانند ما میتواند رهبری کند ما را و به پیغمبران کافر شده و روی از آنها گردانیدند و خدا از خلق بی نیاز و او توانگر و ستوده است (۶) کافران گمان کرده اند که هرگز پس از مرگ بر انگیخته نشوند ایرسول ما بآنها بگو بخدای من سوگند که البته بر انگیخته میشوید و سپس به نتیجه اعمال خود خبر دار میشوید و این بر انگیختن بر خدا آسانست (۷) پس بخدا و رسولش و نور روشنی که فرستاده ایم ایمان آورید و خدا بآنچه عمل کنید آگاهست (۸)

بگو سوگند بخدای من که البته بر انگیخته میشوید و سپس به نتیجه اعمال خود آگاه میگردد این بر انگیختن بر خدا بسیار آسانست پس بخدا و رسول او و نوریکه فرستادیم ایمان آورید خداوند از نیک و بد کردار شما آگاهست .

در کافی از ابی خالد کاهلی روایت کرده که معنای آیه را از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم فرمود ای ابا خالد بخدا قسم نور در اینجا ائمه از آل محمد علیهم السلام میباشد تا روز قیامت سوگند بخدا ائمه . مان نوری هستند که خداوند نازل فرمود و آنها نور آسمان و زمین باشند ای ابا خالد نور امام در دلهای مؤمنین از نور آفتاب که می تابد روشن تر است سوگند بخدا امامان نور افشانی میکنند قلوب مؤمنین را و خداوند میبوشاند نور امامان را از هر کسی که بخواهد پس تاریک و ظلمانی شود دل آنها بخدا قسم ای ابا خالد دوست نمیدارد ما را کسی مگر آنکه پاکیزه گرداند خداوند قلب او را و پاکیزه نگرداند خداوند دل کسی را تا آنکه تسلیم ما ائمه شود و چون مسلم و تسلیم باشد خداوند او را سالم گرداند از سختی حساب و ایمن باشد از ترس و هول روز قیامت و عذاب جهنم

(یوم یجمعکم لیوم الیجمع ذلک یوم التغابن و من یؤمن بالله و یعمل صالحا

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
 سَالِمًا يُكْفَرُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبَشِ الشَّصِيرُ (۱۰) مَا أَصَابَ مِنْ
 مُصِيبَةٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
 (۱۱) وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا
 عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۲)

يَكْفَرُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
 ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) بیهاد آورید روزی را که خداوند همه را بهر سه معشر برای
 حساب جمع میکند و آنروز روز غیب و پشیمانی است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود
 هیچ بنده ای نیست از مطیع و عاصی مگر آنکه روز قیامت حسرت خورد بد کردار
 حسرت خورد که چرا بد کرد و نیکوکار بنظر آنکه چرا بیش از این عمل نیک انجام
 نداده و هر که بیهاد ایمان آورد و نیکوکار باشد خداوند گناهان او را ببوشاند و
 در بهشت هائی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند و مد آن بهشتها
 همیشه متنعم باشد و در حقیقت ظفر و دستکاری بزرگ است .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روز
 تلاقی روزیست که ملاقات میکنند اهل آسمانها با اهل زمین و روز تناد روزیست که اهل
 جهنم با اهل بهشت میگویند عطا کنید بما آنچه را خداوند نصیب شما کرده و روز
 تمایز روزیست که غیظ میخورند اهل جهنم با اهل بهشت و روز حسرت روزی باشد که
 مرگه را بصورت گوسفندی آورند و آن را ذبح کنند

(وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبَشِ الشَّصِيرُ)

بیاد آورید روزی را که خدا همه خلایق را برای حساب بعرصه محشر جمع میگرداند آنروز روز زیان بدکاران است هر که در دنیا ایمان آورده و نیکو کار باشد خدا گناهانش را پیوشاند و در بهشت که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند و در آن همیشه جاوید بماند این است رستگاری بزرگ (۹) آنانکه کافر شده و آیات ما را تکذیب کردند اهل دوزخند و در آنجا همیشه بمانند و بد منزلگاه و باز گشتی است آتش دوزخ (۱۰) هیچ رنج و مصیبتی نرسد مگر بفرمان خدا و هر کس بخدا ایمان آورد خدا دل او را راهنمایی کند و او بهر چیزی دانا است (۱۱) فرمان خدا و پیغمبر را اطاعت کنید و اگر روی بگردانید بر رسول ما جز رسانیدن احکام با بیان روشن تکلیفی نخواهد بود (۱۲)

المصیر) و آنهاییکه کافر شده و آیات ما را تکذیب کردند اهل دوزخ هستند و در آنجا جاویدان باشند و بسیار بد منزلگاهی است
(ما اصاب من مصیبة الا باذن الله و من يؤمن بالله يهد قلبه والله بكل شيء عليم) در این آیه بخاطر تسلی و دلخوشی صاحبان مصائب میفرماید هیچ رنج و مصیبتی نرسد ب شما مگر بفرمان خدا چه انسان وقتی دانست که مصائب باذن خدا است و دانست که صلاح او در آن است پس راضی و تسلیم شود بامر خدا و هر که بخدا ایمان آورد خداوند دلش را بمقام عالی رضا و تسلیم هدایت کند و او بر همه امور عالم آگاهست .

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده هر کس را خداوند هدایت کند گواهی میدهد ب خداوند قلب او و چون خداوند راه را بیان کرد اختیار میکند هدایت را و برورد گار زیاده میگرداند بر او هدایتش را چنانکه میفرماید و الذین اعتدوا زاهم هدی

(و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول فان تولیتهم فانبأ علی رسولنا البلاغ المبین الله لا اله الا هو و علی الله فلیتوکل المؤمنون) همیشه فرمان خدا و رسولش را اطاعت کنید و اگر روی برگردانید و مخالفت او کنید بر پیغمبر ما جز رسانیدن

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۳) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 إِنَّمِنَ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَنْوَأُكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفَّوْا وَتَضَحَّوْا
 وَتَتَفَرَّوْا قَاتِ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۴) إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ
 وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۵) فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاتَّقُوا وَأَطِيعُوا
 وَأَفِقُوا خَيْرًا لَا تُفْسِكُمْ وَمَن يُوقِ شُحَّ قَلْبِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَالِحُونَ (۱۶)
 إِذْ تَقَرَّبُوا اللَّهَ قَرْنًا عَسْنَا يُضَاعِفَهُ لَكُمْ وَنُفِّرَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ
 عَلِيمٌ (۱۷) عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْغَبْرُزُ الْعَكِيمُ (۱۸)

احکام و اتمام حجت با بیان روشن تکلیفی نخواهد بود الا است آن خدائی که بهجت
 او خدائی نیست بر خدا توکل کنند اهل ایمان در تمام امور خود ...
 در کافی از حسین بن سعید روایت کرده که معنای آیه را از حضرت
 صادق علیه السلام سوال نمود فرمود بعد از قسم هلاک نشدند پشیمان و هلاک شدگان
 تا زمان قائم ما آل محمد علیهم السلام مگر در اثر ترک کردن ولایت ما و انکار نمودن حق
 ما ائمه رحلت نمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا تا آنکه عهد و پیمان گرفت از
 این مردم بر حق ما و خداوند هر کس را بخواهد براه راست هدایت میفرماید
 (یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدو لکم فاحذروهم وان
 تعفوا و تصفحوا فان الله غفور رحیم) ای مؤمنین بدانید که بعضی از
 فرزندان و زنان شما دشمنند با شما از آنها دوری بجوئید و دل از محبتشان برکنید
 و اگر از ایشان عفو و چشم پوشی کنید همانا خداوند آمرزنده و مهربانست
 ابی جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود آیه فوق در حق جمعی
 از مسلمانان نازل شد خواستند از مکه هجرت کنند بسوی مدینه دوستی زنهار و
 و فرزندان و اسباب و اموال ملحق ایشان را گرفت زمان و فرزندان آنها گفتند

او است خدای یکتائی که جز او خدائی نیست و باید اهل ایمان در تمام امور باو توکل کنند (۱۳) ای اهل ایمان بدانید بعضی از زنان و فرزندان دشمن شما هستند پس حذر کنید از آنها و اگر در گذرید و چشم پوشید و عفو کنید از آنان خدا هم آمرزنده و مهربان است (۱۴) همانا اموال و فرزندان شما سبب آزمایش شما هستند و نزد خدا اجر و پاداش بزرگ خواهد داشت (۱۵) پس آنچه میتوانید از خدا بترسید و بشنوید و فرمان برید و اتفاق کردن در راه خدا برای شما بهتر است و هر کس از بخل و لثامت نفس خود را نگاه داشت چنین اشخاص از جماعه رستگارانند (۱۶) اگر بخدا قرض نیکو دهید خدا آن را برای شما چندین برابر گردماند و از گناهانتان مدد کند و خدا جزا دهنده و سپاس پذیر و بردبار است (۱۷) خدا دانای نهان و آشکار و غالب و درشتکار است (۱۸)

پایان سوره تنابین

شاهد و گواه میآوریم خدا را اگر تو هجرت کنی ما ضایع میشویم رها میکنی عیالات و اموال خود را در مکه و مدینه میروی بی خانمان و مسکن و محتاج میشوی بر فراق تو نمیتوانیم صبر کنیم و با تو هم توانائی نداریم هجرت نمائیم بعضی از آن مردم اطاعت کردند سخنان اهل و عیال خود را و توقف نمودند نزد آنها و هجرت نکردند آیه فوق نازل شد که این اهل و عیال شما دشمنند با شما چه منع میکنند شما را از اطاعت و فرمانبرداری از او امر خدا و بعضی دیگر باهل خود گفتند اگر با ما هجرت نکنید و بعد از این خداوند جمع کند میان ما و شما در دار هجرت که مدینه است هرگز تقی بشما نمواهیم رسانید و چون خداوند میان آنها جمع کرد امر فرمود پایشان که عفو کنند از آنها و احسان و نیکوئی نمایند در حق آنان.

(انما اموالکم و اولادکم فتنة والله عندہ اجر عظیم) بحقیقت اموال و فرزندان شما سبب امتحان و آزمایش شما هستند چه انسا ترا باز میدارند از امور آخرت و او میدارند او را بجزایم اعمال ~~این~~ سودا و پیغمبر اکرم ~~این~~ باز گو کرده که فرمود

مَكُونُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ چِه کسی نیست که گرفتار زن و فرزند و مال نباشد بلکه بگوئید اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَضَلَاتِ الْفِتَنِ طبرسی از بریده اسلمی روایت کرده که روزی پیغمبر اکرم ﷺ بالای منبر مشغول وعظه بود حضرت امام حسن و امام حسین وارد شدند پیراهن سرخی پوشیده بودند پای مبارک آنها به پیراهن می گرفت رسول خدا از منبر فروه آمد و ایشانرا گرفت بالای منبر برد بدامن مبارک نشانید فرمود راست فرموده خداوند که مال و فرزند اسباب فتنه هستند دلم آرام نگرفت این فرزندانم را رها کنم بدانید که نزد خدا اجر بزرگ خواهد داشت .

(فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَانْفِقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يوقْ شَحْ نَفْسِهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) تا مینوانید خدا ترس و پرهیز کار باشید و سخن حق بشنوید و اطاعت کنید و از مال خود برای ذخیره آخرت انفاق نمائید و کسی که از خوی ثنات و بخل نفس خود محفوظ بماند آنها رستگاران جهانند این شهر آشوب از حد خیر روایت کرده که از امیر المؤمنین علیه السلام معنای آیه را سؤال نمودیم فرمود سو کند بخدا غیر اهل بیت پیغمبر کسی عمل باین آیه نکرده مایاد میکنیم پروردگار را و هرگز فراموش نخواهیم کرد او را ما شکر گذار خدا هستیم و هیچوقت کفران نعمتش را بجا نیاوریم ما فرمانبردار او هستیم و ابدًا معصیتش را نکنیم سپس فرمود بشنوید او امر خدا را و اطاعت کنید خدا و رسول و ائمه اهل بیت را در آنچه امر میکنند شمارا .

در کالی از فضل بن ابی مره روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام را دیدم طواف مینمود از اول شب تا آخر شب و میفرمود اللَّهُمَّ وَ قَتِي شَحْ نَفْسِي عَرْضَ كَرْدَمِ حَضْرَتِشِ فِدَايَتِ كَرْدَمِ نَشْتِیْمِ در تمام این اوقات دعائی جز این دعا بفرمائی فرمود چیزی سخت تر از بخل نفس نیست و آیه را تلاوت نمودند - این یادوبه از فضل بن عباس روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام یمن فرمود مدحانی شَحْ نَفْسِ چِیست ؟ عرض کردم بخل است فرمود شَحْ سخت و شدید تر از بخل است بخل بخل مورد با چه در دست دارد و شَحْ بخل میکند در مال خیر و مال دیگری بطوری که نمی بیند مال را در دست مردم مگر آنکه آرزو میکند که مال خودش باشد بحال ما بخریم و هرگز

سیر نمیشود و قناعت نمیکند چیزی که خداوند روزی او فرموده و از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود بخیل کسی است که بدست آورده مالی را از غیر حلال و صرف کند آنرا در غیر حق و شح کسی است که منع میکند حق خدا را و اتفاق می نماید آن مال را در غیر حق خدا ... و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده بخیل کسی است که نام مرا نزد او به برند بر من صلوات نفرستد.

(ان ترضوا الله قرضا حسنا يضاعفه لكم و يغفر لكم والله شكور حلیم عالم الغیب والشهادة العزيز الحكیم) اگر بفدا قرض نیکو دهید مقصود صدقه دادن و اتفاق کردن به بندگان محتاج است خدا این تعالی چندین برابر گرداند پاداش آنرا و پیامرزد صاحبش را و خدا بسیار سپاس گذار و پاداش دهنده و بزرگوار است به امور نهان و آشکار خلاق دانا است و پادشاه مقتدر ملک وجوه است و به صلاح و نظام آفرینش آگاه است.

پایان سوره قنابین

سوره طلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّسِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِمَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ أَمْرًا (۱)

سوره طلاق در مدینه نازل شده و دوازده آیه و درست و چهل کلمه و هزار و بیست حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن . ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود : هر کس سوره طلاق و تحریم را در نماز واجب قرائت کند خداوند حفظ نماید و او را در قیامت از ترس و حزن آنروز و معاف بدارد و او را از آتش جهنم و داخل گرداند او را در بهشت و این دو سوره مخصوص پیغمبر صلی الله علیه و آله است . در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود : هر کس این سوره را تلاوت کند خداوند موفق گرداند او را بتوبه نصوح و اگر این سوره را بنیات و آب بشوید و آن آب را بپاشد در منزلی ، کسی نمیتواند در آن منزل سکونت کند و همیشه شری در آن منزل حادث میشود تا خارج گردد از آن . و جایز نیست این عمل مگر از برای مستحقین .

خلاصه مطالب این سوره عبارت است از احکام و مسائل طلاق و انواع آن و حکم زن طلاق داده شده .

ترجمه سوره طلاق

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای پیغمبر چون زنان را طلاق دهید بوقت عده آنها طلاق دهید و زمان عده را بشمارید و از خدا که آفریننده شما است بترسید و آن زنان را از خانه بیرون نکنید مگر آنکه کار زشتی آشکارا مرتکب شوند و بیرون نروند این احکام حدود خدا است و هر کس از حدود خدا تجاوز کند بنفس خودمستم کرده تو ندانی شاید خدا پس از طلاق کاری از تو پدید آورد (۱)

قوله تعالى: (يا ايها النبي اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن واحصوا العدة واتقوا الله ربكم لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن الا ان ياتين بما حشة مينة وتلك حدود الله ومن يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تئدي بل الله يحدث بعد ذلك امرا) - اگر چه مخاطب این آیه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است لکن در حقیقت مقصود امت است چنانکه خطابات عموماً چنین است «اقسام طلاق را در بخش اول تفسیر ذیل آیه ۲۲۹ سوره بقره بیان نمودیم»

در کالی ذیل آیه فوق از زمره روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم از برای من معنای طلاق سنت و طلاق عده را بیان فرمائید فرمود: طلاق سنت آنست که مرد بایست صبر کند تا عیالش حیض به بیند و پاکیزه شود و با او نزدیکی نکند و در حضور دو نفر شاهد عادل او را طلاق بدهد پس از آن رها کند او را تا سه مرتبه حیض به بیند در این صورت عده آن زن گذشته است و شوهر او مانند مردان دیگر است اگر بخواهد میتواند او را مجدداً ترویج نماید. و در زمان عده نفقه و مخارج آن زن بر عهده شوهر است و چنانچه یکی از آنها در مدت عده بمیرد دیگری از او ارث میبرد طلاق عده آنست که باید صبر کند تا زن حیض به بیند و از حیض پاکیزه گردد سپس بدون نزدیکی کردن با او حضور دو نفر شاهد عادل او را طلاق دهد بعد از آن در مدت عده دو رجوع کند و گواهی بگیرد بر رجوع و نزدیکی کند با عیالش و با او باشد تا حیض به بیند

فَإِذَا بَلَغَ الْأَجَلُ مَا مَسْكُونُهُمْ يَمْشِي بَاطِنًا فِي الْأَسْجَانِ
 ذُوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّاهَدَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ
 بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲) وَ يَرْزُقْهُ مِنْ
 حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ
 قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳) وَالَّذِي يُنْتَنَ مِنَ النِّجَاسِ مِنْ نِسَائِهِمْ
 إِنْ أَرْتَبْتُمْ مِنْهُ فِدَتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّذِي لَمْ يَعْضَرْ وَلَا لَاتِ الْأَحْصَالِ أَجَلُهُنَّ
 أَنْ يَضَعَنَّ حَتْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴)

پس از آنکه حیض دید و پا کیزه گردید بدون نزدیکی، مرتبه دوم او را در حضور دو نفر شاهد عادل طلاق بدهد بعد از آن رجوع کند با و پیش از خارج و منقضی شدن عده و شاهد بگیرد بر رجوع و نزدیکی کند با آن زن و با او باشد تا حیض به پیشد و پا کیزه گردد. و بدون نزدیکی مرتبه او را در حضور دو نفر شاهد عادل در این صورت حرام میشود بر او تا دیگری او را تزویج کند بطریق شرعی و پس از مدتی طلاق بدهد اینست طلاق سنت - و از صفوان روایت کرده گفت مردی از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود من عیال خود را در يك مجلس سه نوبت طلاق دادم آیا او بر من حرام است؟ فرمود خیر آنگاه آیه فوق را تلاوت نمود و فرمود هر طلاقیکه مخالف قرآن و فرموده پیغمبر ﷺ بود صحیح نیست و باید بر گردد بسوی کتاب و سنت از حدیث فوق و از حدیث صحیح معتبره مستفیضه ظاهر میشود که حرمة طلاق سوم مشروط است بدو شرط یا عده یا سنت یعنی یا سه طلاق عده بر زن واقع شود و آن عبارت بود از آنکه زن را در طهر غیر مواقعه در حضور دو نفر شاهد عادل طلاق بدهد و بگذارد عده او منقضی شود مجدداً او را عقد کند و مرتبه دوم او را در طهر غیر مواقعه بطریق اول طلاق بدهد و صبر کند عده او تمام شود مجدداً

و چون مدت عده را پایان رسانند پس یا به نیکوئی نگاهشان دارید و یا بخوش رفتاری رهاشان کنید و بر طلاق آنها دو نفر مسلمان عادل گواه گیرید و برای خدا بیای دارید گواهی را باین پند خدا کسیکه باو و روز قیامت ایمان آورده بهره مند میشود و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شد خدا راه بیرون شدن از گناه را بر او می گشاید (۲) و از جائیکه گمان نبرد باو روزی عطا میفرماید و هر کس بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد همانا خدا رساننده کار خود است و برای هر چیز قدر و اندازه ای مقرر فرموده (۳) زنانیکه از حیض دیدن نومیدند اگر شك دارید عده آنها سه ماه است و چنین است زنانیکه هنوز حیض ندیدند و زنان باردار عده ایشان نهادن حامله شان میباشد و هر کس از خدا بترسد و پرهیزکار باشد خدا کار او را آسان میگرداند (۴)

او را تزویج نماید دو مرتبه مطابق دستور طلاق بدهد او را یا سه نوبت طلاق سنتها را بدهد و در هر دو صورت رجوع به تنهایی بدون نزدیکی کردن کافی نیست برای حرمت طلاق سوم چنانکه منجب اهل عامه و جماعت اهل سنت و معمول به نزد بعضی از امامیه است نهایت فرقی که میان این بعض و عامه است آنستکه عامه سه نوبت را در يك مجلس معتبر میدانند ولی این بعض سه نوبت را در سه مجلس یا سه روز معتبر میدانند خلاصه سه طلاقیکه در این عصر معمول و متداول است بر خلاف قرآن و سنت است و بهیچ وجه سبب حرمت نمیشود اما عده زنان اگر از آنهایی باشند که حیض می بینند سه حیض است و عده زن حامله بوضع حمل او است (فاذا بلغن اجلهن فامسكوهن بمعروف او قاروهن بمعروف و اشهدوا ذوی عدل منكم و اقيموا الشهادة لله ذلکم یوعظ به من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدراً - چون عده زنان به پایان رسد پس نگاه دارید ایشانرا به نیکوئی یا رها کنید آنها را بخوش رفتاری - یعنی چون نزدیک شود که عده آنها بسر آید و پایان رسد اگر بخواهند رجوع کنند آنها را نگاه دارید و بلغ در

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْنَا وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (۵) أَنْتُمْ مِمَّنْ مَنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَتَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَبْضُغْنَ عَنْطَهُنَّ كَأَنُ أَرْضُنَّ لَكُمْ غَافُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَنْتُمْ يُنْفِقُونَ بَشْرُوفٍ وَإِنْ نَكَسْتُمْ فَمَنْ بَشْرُوفٍ لَكُمْ أَنْخَرِي (۶) لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَتْهُ اللَّهُ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (۷)

اینجا بمعنای قارب است چه اگر بمعنای پایان و گذشتن عده باشد امساک و نگاهداری بی مورد است زیرا پس از گذشتن عده زوج هیچگونه حقی برزوجه ندارد و نمیتواند او را نگاه دارد مگر بمقد جدید آنها بد صورتیکه زوجه حاضر شود برای تجدید اده واج، واستیفاء هم مواصله وامساک نیست. * در کافی ذیل آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بانوی طلاق داده شده خود را زینت و آرایش میکند و لباسهای نیکو میپوشد تا شوهر را بخود جلب کند چه خدای تعالی میفرماید (لعل الله يبدل بعد ذلك امرا) یعنی امید است که پس از طلاق خداوند کاری از نو پدید آرد و آن کار رجوع شوهر و میل پیدا کردن او است بعیال خود و مراد بمصروف در مرد و جا مطابق شرع است یعنی چنانچه او را نگاه داشتید باید نفقه و کسوه و بدعید و حوشرفتن و مهربان باشید با او و اگر رها کردید او را زیان و ضرری به او رسانید تا نتواند شوهر دیگری اختیار کند و بر رجوع و طلاق دو شاهد عادل بگیرید و برای خدا اقامه گواهی کنید باین موعظه و پند الهی آنکسیکه بخدا و روز قیامت ایمان دارد بهیرمند خواهد شد و هر کس خدا ترس و پر عزیز کار شد خدای تعالی راه بیرون شدن از حوادث و گناهان را برای او میکشاید و از جانی که گمراه برد به روزی نجات کند و هر کس بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد

این احکام فرمان خدا نیست برای شما فرو فرستاده و هر کسی از خدا بترسد خدا گناهانش را ببوشد و پاداش بزرگی باو عطا کند (۵) زنا نیکه طلاق دادید در منزل خود مطابق وسع خویشی جای دهید و زیان بآنها نرسانید تا در مضیقه و رنج در افکنید و اگر بار بار باشند تا وقت نهادن حمل بایشان تفرقه دهید سپس اگر فرزند شما را شیر دهند اجرتشان را با اقرار از دام متعارف بین خود به پرهیزد و اگر سخت گیری کنید دیگر را برای شیر دادن طلب کنید (۶) و باید مرد ثروتمند بوسعت و فراوانی اتفاق کند بشیر دهند و آنکه تنگ دست است بمقدار وسع خود اتفاق کند (۷)

کره و خداوند امرش بر همه عالم نافذ و روانست و برای هر چیز قدر و اندازه ای مقرر داشته است .

طبری ذیل جمله آخر از ابن عباس روایت کرده که قسمت آخر آیه در باره عون بن مالک اشجعی نازل شد و داستان آن بدین مقرر است: مشرکین فرزندان او را بنام سالم با سیری گرفتند عون حضور پیغمبر رفت عرض کرد ای رسول خدا مشرکین فرزندانم را با سیری گرفتند چیزی ندارم تا فدیة هم و او را باز ستانم پیغمبر باو فرمود برو با عبال خود بسیار بگوئید لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم عون رفت بمنزل و بمیالش گفت رسول خدا چنین دستور داده . پدر و مادر سالم پیوسته این ذکر را گفتند طولی نکشید که فرزندان او از دست کفار گریخت و در بین راه به شران مشرکین رسید آنها را به بنیمت گرفته همراه خود آورد عون مجدداً حضور پیغمبر رفت عرض کرد ای رسول خدا سالم باز گشت و مقداری شتر از مشرکین به بنیمت آورده آیا حلال است بر من آنچه او آورده فرمود بلی جبرئیل نازل شد در آنوقت و آیه فوق را آورد .

یکروز مردی نزد عمر رفت باو گفت مرا شغل و پیشه ای بده عمر جواب داد ای مرده قرآن میداننی گفت خیر عمر گفت برو قرآن بیاموز که ما عمل و شغلی نمیدهم بکسی که قرآن نمیداند آن مرد رفت و قرآن را یاد گرفت باعید آنکه چون قرآن یاد بگیرد عمر باو شغلی بدهد وقتی در قرآن بآیه و من یتق الله رسید طمع از شغل دادن عمر

وَكَانَ مِنْ قَرْيَةٍ عَثَتْ مِنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ كَعَتَبْنَاَهَا حِسَابًا شَدِيدًا
وَعَذَابْنَاَهَا عَذَابًا ثَكْرًا (۸) فَذَاتَ وَبَالٍ أَمْرُهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا
مُخْسَرًا (۹) أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ
آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰) رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ
مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَبِیْسْئَلِ صَالِحًا يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (۱۱) اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ
وَمِنَ الْأَرْضِ مِنْلَهُنَّ يَنْزَلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

برسد و نزه او نرفت پس از چندی عمر او را دید گفت قرآن یاد گرفتی جواب
داد بلی گفت پس بیا تا شغلی بدهم آن مرد گفت نمیخواهم عمر سبب را سؤال
کرد جواب داد بفرآن مستغنی شدم از شغل تو عمر مجدداً پرورش کرد چگونه بی
نیاز شدی پاسخ داد چون بآیه (و من یتق الله) رسیدم از تو و غیر تو بی نیاز شدم
(وَاللّٰهُ یَسِّنُ ۤالْمَحِیْضَ ۤمِنْ نِّسَائِكُمْ ۖ اِنْ اَرَبْتُمْ فَعِدَّتِهِنَّ ثَلَاثَ ۤاَشْهُرٍ ۚ وَاللّٰهُ لَمَّ ۤیُبْضِ
و اولات احمال اجلهن ان یضمن حملهن ومن یتق الله یجعل له من امره یسرا)
در کافی ذیل آیه (و من یتق الله) از علی بن عبدالعزیز روایت کرده گفت
حضرت صادق علیه السلام احوال عمر بن مسلم را از من سؤال کرده عرض کردم ترک تجارت کرده
و در منزل خود مشغول عبادت است فرمود وای بر او هر کس کسب و تجارت را
ترک نماید خداوند دعای او را ببلجایت نرساند چون آیه فوق قازل شد جمعی از
اصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه های خود نشستند و درها را بر روی خود بستند

و چه بسا مردم شهرهائی که نافرمانی کردند امر پروردگار خود و رسولان او را و ما آنها را بحساب سخت مؤاخذه کردیم و عذاب بسیار شدید شکنجه دادیم (۸) تا چشیدند کیفر کرده از خود را و عاقبت کارشان زیانکاری و حسرت گردید (۹) و خدا برای آنها عذاب سخت جهنم را مهیا ساخت پس ای خردمندانیکه ایمان آورده اید از خدا بترسید خدا برای هدایت مؤمنین قرآن را فرستاد (۱۰) و پیغمبر را که برای شما آیات روشن بیان خدا را تلاوت کند فرستاد تا کسانی که بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند از ظلمت نادانی بسوی معرفت و ایمان بازآرد و هر کس بخدا ایمان آورد و نیکوکار باشد داخل گردهاند او را در بهشتی که زیر مدحش نهرها جاری است و در آن جاوید بماند و خدا نیکو گردانید برای او روزی را (۱۱) و خدا همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن زمین را و امر نافذ خود را در بین آسمانها و زمین فرودآرد تا بدانید که خدا بر هر چیزی توانائی دارد و دانش او بر هر چیز احاطه نموده (۱۲)

پایان سوره طلاق

و مشغول عبادت شدند و گفتند خداوند کفایت کند ما را این خبر بسمع مبارك رسول خدا رسید امر فرمود آنها را حاضر کردند بایشان فرمود شما را چه واداشته که ترك كسب و تجارت کرده اید عرض کردند ای رسول اکرم ﷺ خداوند تكفل فرموده روزی ما را ما هم بعبادت او مشغول شده ایم فرمود هر يك از شما ترك كسب و تجارت کند و مشغول عبادت شود خداوند دعای او را با حاجت نرساند در این آیه پروردگار بیان میکند عده زنان را که باید عده نگاه بدارند زنان شوهر داریکه طلاق داده شدند بمدخوله هستند یعنی شوهر با آنها نزدیکی کرده اگر چه یکمرتبه باشد یا نزدیکی سموده اگر غیر مدخوله باشند اساساً برای آنها عده نیست مگر عده وفات که شوهرشان فوت کرده و اگر مدخوله باشند یا یائسه هستند و آنها بانوائی میباشند که عمرشان پنجاء سال در غیر زنان هاشمی و سادات و در زنان سادات و هاشمی به شصت سال رسیده اینان نیز بجز عده وفات عده ندارند و چنانچه غیر یائسه هستند اگر حمل و بار دارند عده آنها به نهادن بار و وضع

حمل آنها است و هرگاه زن حامله همان روز طلاق وضع حمل نمود عده او پایان رسیده و در آن روز میتواند با مرد دیگری ازدواج کند نهایت شوهر در مدت نفاس او که ده روز است نمیتواند با او همبستر شود و اگر نه ماه طول بکشد و هنوز وضع حمل ننموده عده او باقی است تا وضع حمل کند و چنانکه حامله نیستند اگر حیض می بینند عده آنها سه حیض میباشد و اگر نمی بینند یا تجاوز میکند حیض آنها از یکماه عده ایشان سه ماه است پنص آیه فوق

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود عده بانوانیکه حیض نمی بینند ولی در سن حائض هستند که پنجماه و یا شصت است و دیگر مستحاضه که پاک نمیشود از خون سه ماه است و بانوانیکه حیض آنها برقرار است سه حیض است و ریه بانوئی است که حیض او از یکماه تجاوز میکند او هم باید چشم پوشی کند از حیض خود و سه ماه عده نگاه بدارد و دخترانیکه هنوز حیض ندیده اند آنها نیز سه ماه باید عده نگاه بدارند و هر کس پر هیز کار و خدا ترس باشد پروردگار کار او را آسان میگرداند

(ذالك امر الله انزل اليكم و من ينق الله يكفر عن سيئاته و يعظم له اجرا) این احکام فرمان خدا است که برای شما نازل شد هر که از عدا پترسد و پر هیز کار باشد خداوند گناهانش را ببوشاند و او را پاداش بزرگ عطا فرماید

(اسكنوهن من حيث سكنتم من وجدكم ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن وان كن اولات حمل فانهن حتى يضعن حملهن فان ارضن لكم فائوهن اجودهن واتمروا بينكم بمعروف وان تعاسرتم فترضع له اخرى لينفق ذو سعة من سعته و من قدر عليه رزقه فلينفق مما آتاه الله لا يكلف الله شيئا الا ما آتاهما سيجعل الله بعد عسر يسرا) در کافی ذیل آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود زنانی را که طلاق دادید بمطاف رجعی باید در منزل خود جای بدهید و تا در عده هستند - خارج آنها را بدهید و اگر حامله است سه ماه از پریشا لازم است تا وضع حمل کند و نباید بار زیان برسانند و در مضيقه و رنج اندازید و قتی حمل را نهاد اگر فرزندی را شیر داد اجرش

را بطریق متعارف بین خود به پردازی و چنانچه سخت گیری کرد مگر بر ابرای شیر دادن طلب کنید و باید شخص ثروتمند و دارا بوسعت و قراوانی خود تقه زن شیر ده را بدهد و آنکه تهی دست است آنچه خدا باو داده اتفاق کند پروردگار هیچکس را جز آنچه توانائی دارد تکلیف نمیفرماید و خداوند بعد از سختی و عسرت رفاه و آسانی فراهم آورد -

در کافی از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم بانوی حامله را اگر طلاق دادند و حملش را سقط کرد عده او گذشته است ؟ فرمود بلی حامله هر گاه وضع حمل کند مولود تمام باشد یا ناقص حتی اگر مضغه هم باشد عده او به پایان رسیده است و از عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت کرده گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام اگر حامله یک فرزند بزمین پشید و فرزند دیگری در شکم باشد چگونه است عده او ؟ فرمود بوضع حمل اول عده او گذشته است ولی ازدواج کردن با او جایز نیست تا دومی را هم وضع کند .

(و کاین من فریة عنت من امر ربها و رسله فحاسبناها حسابا شدیداً و عذابنا عذابا نکره اذاعت و بال امرها و کان عاقبة امرها خسرا) و چه بسیار مردم دیار پرا که از امر خدا و رسولانش سر پیچیدند آنها را بحساب سخت مواخذه کردیم و بمذاب بسیار شدید و عسکر گرفتار نمودیم تا بکیفر کردار خود رسیدند و عاقبت کارشان زیان و حسرت بود و خداوند برای آنها عذاب سخت جهنم را مهیا ساخت پس ای خردمندانیکه ایمان آورده اید از خدا بترسید

(الذین آمنوا قد انزل الله الیکم ذکرا رسولا یتلو علیکم آیات الله مهینات لیخرج الذین آمنوا و عملوا الصالحات من الظلمات الی النور و من یؤمن بالله و یعمل صالحا یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالیدین فیها ابدا احسن الله له رزقا) آنها نیکه همدا ایمان آوردند خداوند برای هدایت ایشان رسول خاتم را فرستاد تا آیات روشن الهی را برایشان تلاوت کند و گمانیکه بخدا ایمان آورده و

نیکو کار شدند از ظلمت جهل و نادانی بیرون آورده و بسوی معرفت و ایمان برساند و بدانید هر کس ایمان آورد و نیکوکار باشد داخل گرداند او رادر بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست و همیشه در آن بهشت جاوید بماند و خداوند در آنجا رزق بسیار نیکو برای او مهیا ساخته است .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود ذکر در آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و ما اهل ذکر هستیم که خداوند امر فرموده مردم از ما سؤال کنند چیزی را که نمیدانند و این معنا را پیرویه گار در سوره طلاق بیان فرموده و آیه را تلاوت نمودند .

(اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا) خدا آنکسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن زمین را خلق فرمود و امر نافذ خود را در بین آسمانها و زمین نازل کند تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا و باحاطه علمی بر همه امور عالم آگاهست . ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد جامع کوفه تشریف داشت مرد شامی از جای خود بلند شد عرض کرد یا امیر المؤمنین علیه السلام مسائلی دارم فرمود سؤال کن از روی دانائی نه از راه تکبر و سرکشی مردم همه متوجه شدند بآن مرد سؤال نمود از آنحضرت خبر دهید مرا از اول چیزی که خداوند آفرید فرمود آفرینش نخست نور بود عرض کرد آسمان را از چه خلق نمود فرمود از بخار آب زمین را از چه آفرید فرمود از کف آب عرض کرد کوه از چیست ؟ فرمود از موجهای آب سؤال نمود بچه سبب مکه را اما القری می نامند فرمود بواسطه آنکه زمین از آن نقطه گشوده شده گفت آسمان از چیست ؟ فرمود از موج بسته عرض کرد رنگ آسمانهای هفتگانه و نام آنها چیست ؟ فرمود اسم آسمان اول که آسمان دنیا است رفیع است و آن از آب و بخار است و آسمان دوم قیوم و برنگ مس است سوم نامش ماروم و برنگ برنج است چهارم نامش او فلون و برنگ نقره است پنجم بنام هیومن و رنگ آن طلائی است ششم نامش عروس و رنگ آن یاقوتی است هفتم نامش عجم و مانند در سفید است و این حدیث مفصل است مورد حاجت را بیان نمودیم .

سوره تحریم

سورة تحریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَيَّنَ لَكَ مَرْغَاتُ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ
 رَحِيمٌ (۱) قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أُنْفُسِكُمْ وَاللَّهُ مُوَلِّسُكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ
 الْحَكِيمُ (۲) وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ
 وَأَخْبَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ
 أَنْبَاكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْمَلِكُ الْخَبِيرُ (۳)

سورة تحریم در مدینه نازل شده و دوازده آیه و دو دست و چهل و هفت کلمه و هزاد
 و شصت حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن شطری در سورة طلاق بیان نمودهیم در خواص قرآن
 از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سورة تحریم را قرائت کند
 خداوند پاد ثواب توبه نصوح را عطا فرماید و اگر این سورة را هر شخص هارزده
 بخواند باذن خداوند شفا یابد و زهر در بدنش کارگر نشود *

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اگر مدیونی مداومت کند
 بر قرائت این سورة خداوند مریش را اما کند و اگر بیمار مرض یا مصروع بخواند شفا
 یابد و بر کسیکه خوابش نمی برد بخواند بخواب روه

خلاصه مطالب سورة تحریم عبارت است از داستان زنان پیغمبر اکرم که
 اسرار آن حضرت را افشاء می نمودند و خداوند ایشان را تأدیب فرمود و بمؤمنین امر
 کرده تا اهلشان را تأدیب نمایند و خیانت کردن عیال نوح و لوط پیغمبر و مدح آسیه

ترجمه سوره تحریم

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای پیغمبر گرامی برای چه حرام میکنی آنچه را خداوند بر تو حلال نمود خوشنودی
 زنان خود را بیجوئی خداوند آمرزنده و مهربانست (۱) خدا واجب کرد
 برای شما گشودن سوگندهای خودتان را و خدا آگاه کرد و مابای دست کردار
 است (۲) و چون پیغمبر با بعضی از زنان خود راز گفت و از پندری را بر خدا
 پرسولش خبر داد پیغمبر بر آن زن شنایاند بعضی را و بعضی دیگر را اظهار نکرد
 آن زن گفت ای پیغمبر تو را که اطلاع داد که من رازت را فاش کردم فرمود خداوند
 خیر و دانا مرا خبر داد (۳)

عیال فرعون .

قوله تعالى (يا ايها النبي لم تحرم ما اهل الله لك تبتهى امرأت ازواجك و
 الله غفور رحيم قد فرض الله لكم تحلة ايمانكم و الله موليكم و هو العليم الحكيم و
 اذ اسر النبي الي بعض ازواجه حديثا قلما نبأت به و اظهاره الله عليه عرف بعضه و
 امرض عن بعض فلما نبأها به قالت من انياك هذا قال نبأني العليم الخبير) سبب نزول
 این آیات آن بود چون پیغمبر در خانه هر يك از زنان تشریف می برد ماریه فبطیه
 كنیز آنحضرت خدمتش را می نمود روزی در خانه حفصه دختر عمر تشریف داشت
 حفصه برای حاجتی از منزل بیرون رفته بود پیغمبر میل نمود بهاریه وقتی حفصه
 باز گشت مشاهده كرد در بسته است آگاه شد بحال غضب به پیغمبر عرض كرد
 امروز نوبت من است و اینخانه و قرائی بمن تعلق دارد چرا در خانه و فراش من
 با ماریه نزدیکی نموده اید رسول خدا حیا كرد و فرمود پس است پیش از این مرا
 آزرده نكن من دیگر با ماریه نزدیک نمیشوم و او را برخود حرام كردم سري
 بتو میگویم آن را بكسی اظهار نكن و اگر این سر را اظهار و افشا نمودی لعنت
 خداوند و قرشنگان و مردم بر تو باد عرض كرد البته آن را اظهار نخواهم كرد
 فرمود بدان ابوبكر بعد از من بیجور و ستم متعددی خلافت میشود و بعد از او

إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ قَلَّسَاهُمَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ
 مَوْلَاهُمَا وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (٤) عَسَى
 رَبُّهُ أَنْ طَلِّقَهُنَّ أَنْ يُسَدِّدَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُؤْمِنَاتٍ
 قَاتِلَاتٍ فَاَتَقَاتِ قَاتِلَاتٍ مَا بَدَأَ نِسَاءَ نَبِيِّنَّ وَأَبْكَارًا (٥) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ أَتُحِبُّونَ مَا يَنْفِي عَنْكُمْ مِنَ آثَارِهِمْ وَلَا تَجِدُوا لَهُمْ سَبِيلًا
 مَلِكَةً فَلَا ظَئْرَ لَكُمْ فِيهَا وَمَا يَمْشِي بِهَا وَلَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ عَنِ الْمَشْيِ وَالْحُلِيِّ
 وَالْمَلِكَةِ فَلَا ظَئْرَ لَكُمْ فِيهَا وَمَا يَمْشِي بِهَا وَلَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ عَنِ الْمَشْيِ وَالْحُلِيِّ
 وَالْمَلِكَةِ فَلَا ظَئْرَ لَكُمْ فِيهَا وَمَا يَمْشِي بِهَا وَلَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ عَنِ الْمَشْيِ وَالْحُلِيِّ

ای حفصه و عایشه اگر بدرگاه خدا توبه کنید روا است چه دلهای شما برگشته و چنانکه باهم بر آزار و اذیت پیغمبر اتفاق کنید همانا خداوند یار و نگهدار او است و جبرئیل امین و مرد نیکو کاری از مؤمنین و فرشتگان بعد از این مددکار اوید (۴) اگر پیغمبر طلاق بدهد شما را شاید پروردگار او زنانی بهتر از شما عوض دهد و او را که آنها فرما تیرداد و با ایمان و خضوع و اهل عبادت و توبه کنندگان و زهدپیار، از دوشیزگان و زنان ثبیه می باشند (۵) ای اهل ایمان خواه خانواده خویش را از آتش دوزخ که هیزمش مردمان و سنگهای کبریتی است نگاه دارید بر آن دوزخ فرشتگانی دل سست و ددشت سخن مأمورند که هرگز نافرمانی خدا نکنند و آنچه بآنها امر شود انجام دهد (۶)

را بسیاری از محدثین بازگو کرده اند و نیز امالی و علی بن ابراهیم و طبرسی روایت کرده اند و چون این داستان و افسانه سر از حفصه بروز نمود رسول خدا حفصه را طلاق داد و به خانه پدرش عمر فرستاد عمر بر دختر خود خشم نموده و باو گفت اگر بد آل خطاب خیر بود رسول خدا تو را طلاق نپدیداد

(ان تنوبا فقد صدق قلوبكما وان تظاهرا علیه فان الله هو مولیه و جبرئیل و صالح المؤمنین و الملائکة بعد ذلك ظهیراً) و اگر توبه کنید ای حفصه رواست چه دلهای شما بر خلاف رضای پیغمبر میل کرده و اگر باهم اتفاق کنید بر اذیت و آزار پیغمبر هرگز بر او غلبه نکنید چه خداوند یار و نگهدار او است و جبرئیل و مرد نیکو کاری از مؤمنین مددکار او هستند و فرشتگان بعد از این هم پشتیبان و یار او خواهند بود -

شیخ بن عباس دلیل آیه فوق از عبدالله بن ابی رافع روایت کرده گفت در آن روزی که پیغمبر ایدم و در آن وقت نمود حضورش بودم گاهی بیهوش میشد و زمانی بیهوش میآمد من گریه میکردم و دستهای مبارکش را میبوسیدم میگفتم کیست مولای من و فرزندانم بعد از شما ای رسول خدا؟ فرمود و علی بن ابی طالب علیه السلام و علی بن ابیطالب علیه السلام مولای تو است و یزید و دو حدیث غلط بن عباس از طرق عامه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷)
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ
سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ
النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورٌ يُشْهِى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ
رَبَّنَا آتِنَا نُورًا وَافْغِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ
جَهَنَّمُ وَبَشِّرَ الْمُنَافِقِينَ (۹)

و عاصه نقل نموده است که صالح مؤمنین امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
علیه السلام است -

تعلمی و سدی که هر دوازده مخالفین هستند بطرق عدیده از ابن عباس روایت
کرده اند که مراد از صالح مؤمنین در آیه وجوه مقدس امیر المؤمنین علی است
(عسی ربه ان یتفکرن ان یبدله ازواجاً خیر منکن مسلمات مؤمنات ثابتات
عابدات صائمات ثبیات وایکرا) ای بانوان اگر پیغمبر شما را طلاق بدهد امید است
خداوند زنانی بهتر از شما با او همسر کند که همه خاضع و خاشع و با ایمان
و پارسا و توبه کننده و تسلیم خدا و رسولش بوده چه دختر باشند یا زنان ثیمه
وایکرا. تعرض بعایشه است چه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دختر بکر بجز عایشه تزویج
نمود و پس از آنکه عایشه و حفصه سر پیغمبر را افشاء نمودند آنحضرت مدت یک
ماه از تمام زنان خود دوری جست بامر پروردگار و مد مشربه ام ابراهیم تشریف
داشت و ماریه قبطیه کنیز آنحضرت خدمتش را میگرد تا آیه تخییر نازل شد

(یا ایها الذین آمنوا اوقوا انفسکم وعلیکم نارا و قودها الناس والحجارة علیها
ملائکة غلات شداد لا یعضون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون یا ایها الذین کفروا

ای کفار روز قیامت عذر میاورید جز این نیست که آنچه بجا آورده اید جزا داده شوید (۷) ای اهل ایمان بسوی خدا باز گردید و توبه کنید توبه خالص تا گناهان شما را پرورده کارتان محو کند و پیوشاند و در باغهای بهشتی که زیر دختانش نهرها جاریست داخل کنند در آن روزیکه خدا پیغمبر و آنها که ایمان آوردند بپیغمبرش ذلیل و خوار نسازد و نور آنها در پیش رو و سمت راست ایشان می روه و مسگویند پروردگارا تو نور ما را بعد کمال رسان و پیامر ما را تو بر هر چیزی توانائی داری (۸) ای پیغمبر با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت گیر جایگاه ایشان دوزخ است و بدمنزلگاه و بازگشتی است آنها را (۹)

لَا تَعْتَدُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تَجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (ای اهل ایمان عود و خانواده خویش را از آتش دوزخ که هیزم آن مردم کافر سختدل و سنگ آتش امروز است نگاه دارید و بر آندوزخ فرشتگانی بسیار دل سخت مأمورند که هر گز نافرمانی خدا را نخواهند کرد و آنچه بانها حکم شود فوراً انجام میدهند) -
در کافی ذیل آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود چون آیه مزبور نازل شد مردی از مؤمنین بگریه افتاد و گفت من از نفس خود عاجز هستم چگونه تکلیف کنم اهل و عیال خود را رسول اکرم صلی الله علیه و آله باو فرمود کفایت میکند تو را که امر نمائی آنها را آنچه امر شده بنفس خودت و باز داری ایشان را آنچه را نمی شده ای. ای بصیر میگوید:

حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم چگونه اهل خود را از آتش دوزخ برسانم تا پرهیزکار شوند فرمود امر و نهی کن آنها را بامر و نهی پروردگار پس از آن بیان میکند آنچه را که روز قیامت بکفار گفته میشود ای کافران امروز که روز قیامت است توبه و عذر خواهی نکنید که پذیرفته نیست فقط آنچه را که در دنیا انجام داده اید و مرتکب شدید بمجازات و کیفر آن خواهید رسید.

(یا ایها الذین آمنوا توبوا لله توبه نصوحا عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار یوم لا یخزی الله السبی والذین آمنوا

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ فُورِحَ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ
عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَهَاتَا تَاهُمَا فَلَمْ يَنْتَبِهَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قَبْلَ
ادْخَالِ النَّارِ مَعَ الْآخِلِينَ (۱۰) وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ
فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ انِّي مَعَكَ يَتِيمًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ
وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱) وَ مَرْيَمَ أَنْبَتَ عَصَاكِ الَّتِي
أَنصَبْتَ فَزَجَّهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا
وَ كُتِبَ وَ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ (۱۲)

معه نورهم یعنی بین ایدیهم و با یمانهم میفولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا ابك
علی کل شیء، قدیر) ای مؤمنین بدرگاه خدا از روی خلوص توبه کنید تا خدا
گناهان شما را محو کند و در بهشتی که زیر درختانش نهرا جاریست داخل نماید
در آن روزی که خدا پیغمبر خود و گرویدگان با و را خوار و ولیل نسازد در آن روز
نور ایمان آنها در پیش رو و سمت راست ایشان میروید و در آن حال می گویند پروردگارا
تو نور ما را بسد کمال رسان و ما را بلطف و کرم خود ببخش زیرا تو بر هر چیز
قدرت و توانائی داری -

در کافی از ابی صباح کنانی روایت کرده گفت معنای آیه را از حضرت صادق علیه السلام
سؤال نمود فرمود توبه نصوح آنست که بنده از گناه خود توبه کند و دیگر آنگاه را
مرتکب نشود و برنگردد بسوی آن و توبه را نماید و باطن او بهتر از ظاهرش باشد
و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کسی برای او نوری باشد روز قیامت
نجات خواهد یافت و از برای هر مؤمن توریست و حضرت صادق علیه السلام فرمود آنچه
معصومین و نورایشان در پیش رو و سمت راست مؤمنین می رود تا آنها را وارد منزلهایشان
در بهشت نمایند

(یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اعط علیهم و ماویهم جهنم و بیس المصیر)

خدا برای کفار زن نوح و لوط را مثل زد که زیر فرمان دو بنده نیکوی ما بودند
 بآنها خیانت کردند و آن دو پیغمبر دفع نکردند از آنها چیزی از عذاب خدا را
 و گفته شد بآن دو زن با دوزخیان در آتش جهنم وارد شوید (۱۰) و برای مؤمنین
 زن فرعون را خداوند مثل زد هنگامیکه گفت پروردگارا تو خانه‌ای در بهشت برای
 من بنا کن و مرا از شر فرعون و کرم‌ار او رها کن و از طایفه ستمکاران نجات
 بخش (۱۱) و یاد کن مریم دختر عمران را که اسلام خود را از فساد و زنا نگاهداشت
 ما داد او از روح خود بدیمیدیم و مریم کلمات پروردگارا تصدیق کرد و باورداشت
 کتب آسمانی او را و از بندگان مطیع خدا بود (۱۲)

ای رسول ما با کفار و منافقین بجبهه پرداز و بر آنها سخت گیر جایگاه آنان
 دوزخ است و بسیار بد منزلگاهی است .

طبرسی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده آنحضرت آیه را بطریق ذیل قرائت
 نمودند جهاد الکفار بالمنافقین و فرمود پیغمبر اکرم با منافقین جهاد نکرده آن
 حضرت با کفار جهاد نمود و امیر المؤمنین (علیه السلام) با منافقین پس جهاد علی (علیه السلام)
 نیز جهاد پیغمبر است .

و در امالی از ابن عباس روایت کرد موقتی آیه فوق نازل شد رسول خدا فرمود البته
 جهاد خواهم کرد با عمالقه (یعنی کفار) و منافقین جبرئیل گفت ای رسول خدا
 شما و علی با کفار و منافقین جهاد میکنید پیغمبر اکرم با کفار و امیر المؤمنین
 بعد از رسول خدا با منافقین جهاد کردند .

و ضرب الله مثلا للمذین کفروا امرات نوح و امرات لوط کانتا تحت عبدين من عبادنا
 صالحین فصانتا هما فلم یغیا عنهما من الله شیئا و قیل ادخلا النار مع المخلین
 پروردگار در این آیه مثل آورده برای زنان پیغمبر اکرم و می فرماید
 خداوند برای کافران عیال نوح و لوط را مثل آورده که زیر نظر بنده صالح ما
 بودند و بآنها نفاق و خیانت کردند و آن دو شخصی با وجود رتبه و مقام پیغمبری
 نتوانستند عیال خود را از قهر خدا برهانند و گفته شد آن دوزن را با دوزخیان
 در آتش افکنید .

شرف الدین نجفی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند آیه را مثل آورده برای عایشه و حفصه که خیانت کردند بر رسول خدا و سر او را افشا کرده و تظاهر نمودند چنانچه زنان نوح و لوط بآن دو پیغمبر خیانت کردند و کافر شدند هنگام مرگ بعایشه و حفصه گویند داخل آتش جهنم شوید که هیچگونه اتصالی میان شما و پیغمبر نیست و عایشه بر خلاف دستور خداوند و قرآن از منزل خارج شد و بر امیرالمؤمنین علیه السلام و مسلمین خروج کرد و تشکیل جنگ، جمل داد و بسیاری از اصحاب پیغمبر اکرم را در بصره شهید کرد و بیماریه قطیبه مادر ابراهیم فرزند رسول خدا تهمت زد حضرت صادق علیه السلام فرمود قائم ما که ظهور نمود بر عایشه حد جاری خواهد کرد.

«و ضرب الله مثلا للذين آمنوا امراء فرعون اذا قالت رب ابني لي عندك بيتا في الجنة و نجني من فرعون و عمله و نجني من القوم الظالمين و مریم ابنت عمران التي احصنت فرجها فننفخنا فيه من روحنا و صدقت بكلمات ربها و كتب و كانت من القانتين » و خدا برای مؤمنین آسیه عیال فرعون را مثل آورد از شوهر کافرش بیزاری جست و گفت پرورد گارا تو خانه‌ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارنی و از قوم ستمکار نجات بخش . .

محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود آیه مزبور مثلی است که خداوند آورده برای رقیه دختر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که عیال عثمان و مقصود از قوم ظالمین بنی امیه می باشد و نیز فرمود آنحضرت پروردگار مریم را مثل آورده از برای حضرت فاطمه علیها السلام که حفظ نمود خود را خداوند هم ذریه آن سیده دنیا و آخرت را بر آتش جهنم حرام فرمود . .

طبرسی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود مرده‌ان کامل در دنیا بسیارند ولی زنان کامل نیستند جز چهار نفر یکی آسیه دختر مزاحم عیال فرعون دوم مریم دختر عمران سوم خدیجه دختر خویلد همسر رسول خاتم صلی الله علیه و آله چهارم حضرت فاطمه زهرا دختر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله . و در خصال از آنحضرت روایت کرده فرمود افضل زنان اهل بهشت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت خدیجه و مریم و آسیه عیال فرعون است .

سورة الملك

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي يَدِينُ الْمُلُوكَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱) الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ
وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ اللَّعِزُّ الْغَفُورُ (۲) الَّذِي خَلَقَ
سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ قَارِعِجِ الْبَصَرَ
هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (۳)

سوره ملک در مکہ نازل شدہ و سی آیت و سیصد و سی کلمہ و ہزار و سیصد

حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن - ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ
فرمود ہر کس سورہ ملک را قرائت کند پیش از آنکہ بخوابد تا صبح در امان
خدا است و ایمن اسف از عذاب قیامت تا داخل بہشت گردہ
در کافی از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کہ سورہ ملک را
قرائت کند بر میتی هنگامیکہ وارہ میکنند اورا در قبر منع کند آن سورہ میت
را از عذاب قبر و نکیر و منکر کہ داخل قبر میشوند برای سؤال بانہا گوید شما
نمیتوانید از من سؤال کنید چہ این شخص بر قبر من ایستادہ و سورہ ملک را
قرائت فرودہ -

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود این سورہ نجات
دہندہ است از عذاب قبر و ہر کس آن را حفظ نماید مونس او باشد در قبر و
عذاب را بر طرف کند از او تا روز قیامت و شفیع او گردد نزد پروردگار تا داخل
بہشت شود -

و از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کہ این سورہ را قرائت کند
بر میتی خداوند عذاب اورا تخفیف دہد و اگر ہدیہ کند این سورہ را بسوی مرہ گان

ترجمه سوره ملك

بنام خداوند بخشنده مهربان

بزرگوار خدائیکه پادشاهی بدست اوست و بر هر چیز توانائی دارد (۱) خدائیکه مرگه و زندگانی را آفرید تا شما را بیازماید کدام نیکوکارترید و اوست مقتدر و آمرزنده (۲) آن خدائیکه هفت آسمان را بطیقاتی منظم بیافرید و هیچ تفاوتی در آفرینش خداوند نمی بینی پس چشم را باز گردان آیا نقصانی می بینی (۳)

مانند برق پائنها میرسد باندن خداوند

خلاصه مطالب سوره ملك عبارت است از بیان عظمت و علو شأن و کمال قدرت پرورگار و عذاب شیاطین و کفار و پاداشی پرهیزکاران و خلقت مرگه و حیات و مثل آوردن از برای مؤمنین و کفار .

قوله تعالی (تبارک الذی بیده الملك و هو علی کل شیء قدير الذی خلق الموت و الحیة لیبوا کم ایکم احسن عملا و هو العزیز الغفور) بزرگوار است آن خدائی که پادشاهی ملك هستی بدست اوست و بر هر چیز قادر و توانائی دارد و آن خدائی است که مرگه و زندگانی را آفرید تا بیازماید کدام يك از شما نیکوکارتر هستید و او مقتدر و آمرزنده گناهان است .

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود موت و حیات دو مخلوق از مخلوقات خداوند هستند موت که وارد شد بدانسان حیات خارج میشود و داخل نمیشود موت بر چیزی مگر آنکه حیات از آن خارج میگردد طبری از ابو قتاده روایت کرده که منای ایکم احسن عملا را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال نمودم فرمود شما را آزمایش میکنند تا کدام يك نیکوتر باشید از حیث عقل پس از آن فرمود هر کس عقلش تمام تراست ترش از خدا بیشتر است و بهتر اطاعت و فرمانبرداری میکنند از او امروز و نوالی پروردگار هر چند مستحیات را اندک بجا آورد و در حدیث دیگر فرموده آزمایش میکنند شما را تا معلوم شود که کدام يك در محرمات پانقوی ترید و واجبات را بسرعت انجام میدید و فرمان برهادر

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (۴)
 وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا
 لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵) وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبُئْسَ
 الْمَصِيرُ (۶) إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷) تَكَادُ تَمَيَّزُ
 مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸) قَالُوا
 بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ
 إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (۹)

هستید در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده معنای آیه آنست که آزمایش
 میکنند شما را تا معلوم شود کدام یک باقی می ماند بر عمل و خلوص پیدا میکنید
 چه عمل نیکو و خالص آنست که صاحبش قصد نکند از آن عمل توصیف و ستایش
 کردن مردم او را بر آن عمل بلکه جز رضا و خوشنودی خداوند منظوری نداشته
 باشد و نه با انسان افضل از عمل است پس از آن قرائت کرده آیه را

(قُلْ كُلْ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ) یعنی هر کس عمل میکند بر طبق نیت خود
 و مقصود از باقی بودن بر عمل اینست که حادث نشود ستایشی از طرف مردم بر
 آن عمل تا عاری از ریا باشد و این کار دشوارتر است از عمل

(الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ فَارْجِعِ
 الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُتُورٍ) ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ
 آنخدائی که عفی آسمان را با طبقاتی منظم بیافرید یعنی هر طبقه ای بالای دیگر و
 مقصود از طبقه شباهت داشتن بعضی از آسمانها است به بعضی دیگر از حیث نظم و
 اتقان و استحکام و نمی بینی در آفرینش خدای رحمان هیچگونه نقصان و بی نظمی
 از طریق حکمت و مصلحت اگر چه از نظر صورت و اشکال موجودات با هم اختلاف
 و تفاوت دارند بطور عموم و این آیه دلیل و شاهد است بر اینکه کفر و معاصی

باز دوباره چشم بصیرت بنگر تا دیده خود زبون و خسته بسوی تو باز گردد
 (۴) ما آسمان دنیا را بچراغهای ستارگان آراستیم و آنها را رانندگان ^{شیاطین} قرار دادیم
 و برای آنان عذاب سوزنده‌ای مهیا ساختیم (۵) و برای کسانی که کافر شدند به
 پروردگار خود عذاب دوزخ که بد منزلگاهی است فراهم است (۶) چون کافران
 در آن دوزخ افکنده شوند از آن آتش فریاد منگری شنوند مانند صدای خران و
 آن آتش چون درگه بزرگه میجوشد (۷) دوزخ از عشم کافران نزدیک است شکافته
 و پاره شود. هر طایفه‌ای که بآتش در افکنند خازنان دوزخ بآنها گویند آیا بینیم
 بیم کننده‌ای بسوی شما نیامد (۸) در جواب گویند بلی رسول حق آمد ولی ما او
 را تکذیب کردیم و گفتیم خداوند چیزی نفرستاده و شمار سولان نیستید مگر در
 کمرانی بزرگ (۹)

را خداوند نیافریده است چه اختلاف و تفاوت بسیاری هست در آن بارها بدیده عقل
 در نظام مستحکم آفرینش بنگر آیا هیچ سستی و خلل در آن میتوانی بیابی باز
 دو باره چشم بصیرت دقت کن تا دیده خیره زبون و خسته بسوی تو باز گردد
 (ولقد زینا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما للشياطين واعثدنا لهم
 عذاب السعير وللذين كفروا بهم عذاب جهنم وبئس المصير) ما آسمان دنیا را
 بپاراستیم بستارگانی که مانند چراغها روشنی میدهند و به تیر شهاب آن ستارگان
 شیاطین را رانندیم و عذاب دوزخ برای آنها مهیا ساختیم و این آیه دلیل است بر اینکه
 شیاطین هم مانند بشر مکلف هستند با حکامی و برای کسانی که بخدا کافر شدند
 عذاب جهنم آماده است و بدمنزلگاهی است جهنم

(اذا لقوا فيها سمعوا لها شهيقا وهي تفود تكدت من العيظ كلما لقي فيها
 فوج سئلهم خزنتها ألم ياتكم نذير قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا و قلنا ما نزل
 الله من شيء ان انتم الا في ضلال كبير وقالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في اصحاب
 السعير فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحاب السعير) در این آیه توصیف میکند دوزخ
 را و میفرماید چون کافران را بدوزخ افکنند فریاد منگری مانند آواز خران از آن
 آتش بشنوند و عذاب آنها افزون گردد از اثر هول آن صدا نزدیک است که دوزخ

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰) فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خُشِعًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱) إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَثُورَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۲) وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوتَجَرُّوا بِهِ لِأَنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۳) أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۴) هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَلَا يُلَاحِظْ إِلَيْهِ الشُّرُورُ (۱۵) أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخِفَّ بِكُمْ الْأَرْضُ فَإِذَا هِيَ تَنُورُ (۱۶)

هکانه و قطعه قطعه شود در اثر عشم کردن بر کافران و عر فوجی از کافران را که در دوزخ امکنند خازنان دوزخ بآنها گویند آیا پیغمبری برای راهنمایی شما نیامد ایشان گویند بلی رسولان حق بسوی ما آمدند ولی ما آنها را تکذیب کریم و گفتیم خداوند چیزی نفرستاده و شما دروغ میگوئید در ضلالت و گمراهی هستید آنگاه اهل دوزخ با تأسف بیکدیگر میگویند اگر ما در دنیا سخن پیغمبران را شنیدیم یا اینستور عقل رفتار مینمودیم امروز از دوزخیان نبودیم در آن دوزخ بگناه خود اعتراف کنند و اعتراف آنها بر خودشان حجت باشد در آنوقت خطاب رسد که ای اهل دوزخ از رحمت خدا دور باشید .

این بابویه قبل آیه مزبور از ابی بصیر روایت کرده گفت مردی از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال نمود برای چه خداوند رسولان و پیغمبرانی بسوی مردم فرستاده فرمود تا آنکه حجتی نباشد از برای آنها بر خداوند و تا نگویند ترساننده و بشارت دهنده ای بسوی ما نیامد آیا نمیشنوی قول پرورذگار را که حکایت میفرماید از گفتگوی مالک دوزخ با اهل جهنم اَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَىٰ آيَاكُمْ مَرْسُومٌ وَتُرْسَاتُنَا بَسْوَىٰ شَمَا نِيَامَد أَنهَا مِيْگُوْنِد بَلَى رَسُوْلٌ هُوَ بَسْوَى مَا اَمَد .

(ان الذين يمشون و بهم بالثيب لهم مغفرة و اجر كبير) کسانی که از خدا در پنهانی

آنگاه گویند اگر ما مددتها سخن پیغمبران را شنیده و میفهمیدیم امروز از دوزخیان نبودیم (۱۰) پس اعتراف کنند بگناه خود و خطاب رسد که اهل آتش را از رحمت خدا دوری باد (۱۱) کسانی که از خدای خود در پنهانی میترسند برای آنها آمرزش و پاداش بزرگ خواهد بود (۱۲) شما سخن پنهان گوئید یا آشکار خدا با سرار دلها آگاهست (۱۳) آگاه باش خدائیکه خلق را آفریده میداند اسرار آنها را و او بیاطن امور بینا است (۱۴) او آنخدائی است که زمین را برای شما رام و هموار کرده تا در اطراف آن حرکت کنید و از روزی او بخورید و باز گشت خلق بسوی او است (۱۵) آیا از خدائیکه در آسمان مقتدر و حکم فرما است ایمنید که شما را بر زمین فرو برد آنگاه چون دریا موح زند (۱۶)

میترسند برای ایشان آمرزش و پاداش بزرگ خواهد بود.

پیغمبر اکرم فرمود پاداش نمیدهند مردی را بر نماز و روزه و عبادات دیگر مگر بمقدار عقل او اصحاب آنحضرت مدح و ستایش کردند شخصی را حضورش رسول خدا بآنها فرمود چگونه است عقل او عرض کردند ای رسول خدا ما خبر میدهم از تقوی و عبادت و پارسائی آنشخص شما سؤال مفرمائید از عقل او فرمود شخص احدی در اثر حماقت میرسد بگناهی که بزرگتر است از گناه فاجر و فاسق بدانید در مقام درجات بندگان و قرب آنها نزد پروردگار بمقدار عقل ایشان است (و اسروا قلوبکم او اجبروا به انه علیم بذات الصدور) این آیه هر حق مشرکین و منافقین نازل شده چه آنها سخنان ناروایی در باره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میگفتند جبرئیل خبر داد از گفتار ایشان بر رسول خدا آنها گمان کردند که آنحضرت از کسی شنیده است لذا یکدیگر میگفتند آهسته سخن بگوئید تا کسی نشنود و خبر به پیغمبر نهد آیه فوق نازل شد فرمود شما مشرکین و منافقین سخن پنهان بگوئید یا آشکارا خداوند با سرار دلها آگاهست.

(الایعلم من خلق وهو اللطیف الخیر) آیا آنخدائیکه شما را آفریده عالم و دانا با سرار دلهای شما نیست و حال آنکه بیاطن تمام امور عالم آگاهست مردی عبور میکرد از کنار بیشه جنگلی پیش خود گفت اگر کسی در اینجا معصیتی

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ
 نَذِيرٍ (۱۷) وَلَقَدْ كُتِبَ لِلَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَتْ تَنْكِيرٍ (۱۸)
 أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَ يَقْبِضْنَ مَا يُهْبِئُنَّ إِلَّا الرِّحْمَنُ أَنَّهُ
 بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹) أَمْ نَظُنُّهُ الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ
 الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰) أَمْ نَظُنُّهُ الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ
 أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ (۲۱) أَفَمَنْ يَنْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ
 أَهْدَى أَمَّنْ يَنْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۲)

بهجای آورد هیچکس از حال او خبر ندارد آوازی شنید که میگفت الایعلم من
 خلق و هو اللطیف العبیر پس از آن بیان میکند نعمتهائیکه به بندگان عطا
 فرمود بقولش :

(هو الذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی منا کبها و کلوا من رزقه والیه
 النشور) خداست که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید تا در پست و بلندیهای
 آن حرکت کنید و روزی او بهمورید و شکر او را بجا آورید و بدانید باز گشت
 خلائق بسوی خدا است .

(و امنتم من فی السماء ینخف بکم الارض فاذا هی تمور ام امنتم من فی السماء
 ان یرسل علیکم حاصبا فستعلمون کیف نذیر و لقد کتب الذین من قبلهم فکیف
 کان تَنْکیر) آیا از خدائیکه در آسمان معتد و حکم فرما است ایمنید که شما
 را بزمین فرو نمی برده و حال آنکه زمین چون دریا بموج و اضطراب در افتد و تخصیص
 داد آسمان را از جهة آنکه جز خدا کسی در آنجا تصرف نکند و راه برود یا بر
 طبق عقیده مشرکین که گفتند الله خدای آسمان است و بتها خدایان زمین یا از
 خدائیکه در آسمان است ایمنید از آنکه تند بادی بفرستد و بر شما سنگ ریزه
 ببارد چنانکه بر قوم لوط بارید تا بدانید عذاب من چگونه میباشد همانا امتحانی

یا یعنی از آنکه تنه‌بادی بفرستد و بر شما سنگه‌بارد پس بزودی بدانید که وعده عذاب چگونه است (۱۷) امتیائی که پیش از اینها بودند رسولان ما را تکذیب کردند پس چگونه بود عذاییکه انکار کردند (۱۸) آیا مرغان هوا را نمینگرند که بر بالای سرشان پر گشوده و گاه بیحرکت و لحظه‌ای با حرکت بال پرواز میکنند کسی جز خدا آنها را مدد فضا نگاه نمیدارد و او بر احوال هر موجودی بینا است (۱۹) آیا کیست سپاه و لشکر و یاری کننده شما جز خدای مهربان. کافران نیستند مگر در غرور مذهب و اعتقاد (۲۰) آیا آن کیست که بتواند بشما روزی دهد اگر خداوند روزی را نگاه ندارد. کفار هم انکار نکنند بلکه لجاجت کرده‌اند در سر کشی و عصیان (۲۱) آیا آنکس که سرنگون و بروی می‌روه هدایت و راه راست اولی و سزاوارتر است یا آنکه براه راست و مستقیم می‌رود (۲۲)

پیش از این مردم رسولان ما را تکذیب کردند و چگونه سخت آنها را هلاک ساختیم (اولم یروا الی الطیر فوقهم صافات و یقبضن ما یمسکهن الا الرحمن انه یکل شیئی بصیر) در این آیه پروردگار آگاه میکند بندگان خود را بقدرت و توانائی خود بفرود بردن آنها بر زمین یا بپاریدن سنگه بر سر آنها و میفرماید آیا این کافران نمی‌بینند مرغان هوا را که از بالای سر ایشان پر و بال گسترده گاهی بیحرکت و گاهی با حرکت بال پرواز میکنند و کسی جز خدا آنها را در فضا نگاه نمیدارد و او بر همه چیز دانا و بینا است.

(امن هذا الذی هو جندکم ینصرکم من دون الرحمن ان الکافرون الا فی غرور امن هذا الذی یرزقکم ان امسک رزقه بل لجوا عتو و تقور) آیا آنکه سپاه و مدد کار شما است و شما را یاری و حمایت میکند جز خدا کسی هست نیستند کافران مگر در غرور در این مذهب و اعتقاد یکداند و گویا خداوند بکفار میفرماید بچه قوت و قدرت منافرمانی و معصیت مرا بجا می‌آورید آیا لشکر و سپاهی دارید تا آنکه دفع کنند عذاب مرا از شما آیا کسی هست بشما روزی برساند اگر خداوند رزق خود را از شما باز گیرد کفار هم انکار نمیکنند که جز خدا کسی روزی نمیرساند بلکه ایشان بهوای نفس در طغیان و عصیان و لجاجت از حق اعراض میکنند

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۲۳) قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُعْشَرُونَ (۲۴) وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵) قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (۲۶) فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِسَمْعِهِ تَذْمُونَ (۲۷) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ اهْتَكَيَا اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُبْعِدُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۲۸) قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲۹) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ اصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ (۳۰)

(اَمَن یعنی مکیا علی وجه اهدی امن یعنی سویا علی صراط مستقیم)
آیا آنکس که بروی در افتاده بهتر هدایت و راهنمایی یافته یا آنکه براه راست ایمان می‌رود - .

این آیه مثلی است که خداوند زد برای کفار و مسلمین و کافر را تشبیه کرده بر وی در افتاده در راه رفتن و مؤمن را با آنکه براه راست می‌رود و اشاره بآنستکه روز قیامت که خلایق بر انگیزخته شوند کفار بصورت در دوزخ روند و مؤمنین با قدم و سرعت از روی صراط عبور کنند و داخل بهشت شوند - .

در کافی ذیل آیه مزبور از عِدِّ بن فضل روایت کرده گفت حمای آیه را از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمود فرموده خداوند مثل زنده کسانی که از ولایت امیر المؤمنین علیه السلام تجاوز کرده‌اند بآنها نیکه بصورت راه می‌روند و بجائی نمی‌رسند و اشخاصیکه پیروی نمودند از ولایت آنحضرت بکسانیکه با قدم بر امر است می‌روند و صراط مستقیم در اینجا وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام است - .

و نیز از فضیل روایت کرده گفت باتفاق حضرت باقر علیه السلام از در بنی شبیه

ایرسل ما بگو آن خدا است که شما را آفرید و گوش و چشم و دل برای شما قرار دادها این وصف شکر و سپاس او را اندک بجامیآوردید (۲۳) او است خدائیکه آفرید شما را در زمین و بسوی او باز میگرددید (۲۴) کافران میگویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما پیغمبران راست میگوئید (۲۵) بگو علم آن تنها نزد خدا است وظیفه من جز این نیست که شما را از عذاب روشن بفرسانم (۲۶) و چون آن عذاب را از نزدیک مشاهده کنند رخسار آنها از ترس زشت و سیاه شود، بآنان گفته شود این همان عذایستکه درخواست میکردید (۲۷) ایرسل بکافران بگو آیا میدانید اگر خدا من و کسانی که یامن است هلاک کند یا رحم بفرماید فرمان او است اما آنهاییکه کافرنند کیست که از عذاب دهنه ناک جهنم نجاتشان بدهد (۲۸) ایرسل ما بگو او خدای مهربانست که باو ایمان آورده و براو توکل کردیم و بزودی میدانید کیست که آشکارا در گمراهی افتاده (۲۹) ایرسل بگو آیا میدانید اگر آب شما صبحگاهی بزمین فرو رود جز خدا کهست که باز آب برای شما پدید آورد (۳۰)

پایان ترجمه سوره ملك

وارد کعبه و مسجد الحرام شدیم آنحضرت نظرش بر مردم افتاد که مانند بهائم طواف می نمودند فرمود زمان جاهلیت هم چنین طواف میکردند این مردم نمی شناسند حق را و متدین بدینی نیستند ای فضل مشاهده کن آنها را چگونه بصورت در می افتند خداوند لعنت کند این فیهل مردم را از مخلوقات هستند که مسخ میشوند روز قیامت بصورتهایشان و آیه فوق و این آیه را تلاوت نمودند (فلما دأوه زلفة سینت و حووه الدین دعروا و قول هذا الذی کنتم به تدعون) ای فزایل نامید، نمیشود کسی را امیر المؤمنین علیه السلام جز علی بن ابیطالب و هر کس نام خود را امیر المؤمنین گذارد یخداوند دروغ و افترا بسته سو کند به پروردگار در این سبب حج گنده ای برای خود نیست غیر شما معیبان و خداوند گناهان کیست که نمی آمرزد و عذرش را قبول نمیرماید مگر شما دوستان ما آل محمد و پیغمبر و صدای حقیقی آن (ن تحتسوا که اگر ما تمهون عنه نکفر عنکم میثاقتکم و ندخلکم مدحلا کریما) اما

شیعیان و دوستان ما آل عصمت و طهارت میباشید

(قل هو الّذی انشا کم و جعل لکم السمع و الابصار و الاقدار قلیلاً ما تشکرون قل هو الّذی فداکم فی الارض و الیه تحشرون) ابرسول ما بکافران بگو او آن خدائست که شمارا از نیستی بهستی آورده گوش و چشم و دل بشما داد و اندکی از شما شکر گذاری میکنند و او است خدائیکه از خاک میافرید شما را در زمین و پس از مرگ بسوی اوباز میگردد .

این بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود قلب چهار قسم است یکی قلب از هر و آن قلب مؤمن است اگر عدلوند باو نعمتی عطا کند شکر میکنند و چنانکه مبتلا گرداند او را صبر و بردباری مینمایند دیگر قلب مطبوع و آن قلب منافق است سوم قلب منکوس که قلب مشرک و کافر است چهارم قلبی است که در آن ایمان و تقی است اگر در حالت تقی اجلش برسد هلاک گردد و چنانکه در وقت ایمان بمیرد نجات یابد

(و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین قل انما العلم عند الله و انما انا نذیر مبین) کافران از روی تمسخر میگویند وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما پیغمبران راست میگوئید ای محمد بن عبدالله بآنها بگو علم آن فقط نزد خدا است و ظیفه من آنستکه شما را از عذاب حق برسانم پس از آن بیان میکند حال کفار را هنگام نزول عذاب بقولش :

(فلما راه ذلّة سیئت و جوه الذین کفروا و قبل هذا الذی کتم به تدعون) چون کافران عذاب سخت را بچشم خود مشاهده کنند رخسار ایشان از ترس زشت و سیاه شود بآنها گویند این همان عذابی است که جداً در خواست مینمودید .

در کافی ذیل آیه فوق از زراره روایت کرده گفت تاویل آیه را از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم فرمود آیه درباره دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده چه آنها آنحضرت را روز قیامت که مشاهده کردند بد بهترین مقام و منزلت و قرب نزد پروردگار صورتهایشان سیاه شود و بینکدیگر میگویند این همان امیر المؤمنین است که مقام او را خصب نموده و مدعی اسم او بودید و خود را امیر المؤمنین

می‌پنداشتید و این حدیث را در کتاب کامل الزیارة و در مناقب روایت کردند و طبرسی از حاکم ابو اسحق که از منافقین است نقل کرده است و از یوسف بن ابی سعید روایت کرده حضرت صادق علیه السلام فرمود روز قیامت که خلائق معشور شدند نوح پیغمبر را طلب کنند از او سؤال میکنند آیات تبلیغ رسالت کرده ای عرض کند بلی ای پروردگار خطاب بدشاهد و گواه تو بر تبلیغ کیست میگوید پیغمبر خاتم محمد صلی الله علیه و آله است در آنوقت حضور پیغمبر شرفیاب میشود عرض میکنند ای رسول خاتم پروردگار از من بر تبلیغ رسالت شاهد خواسته است رسول خدا بجعفر و حمزه میفرماید بروید شهادت بدهید برای نوح پیغمبر آنها در محضر عدل الله شهادت میدهند که نوح تبلیغ رسالت کرده ابی سعید میگوید حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم فدایت گردم چرا امیر المؤمنین برای نوح شهادت نمیدهد فرمود مقام آنحضرت بزرگتر از آنست و فرمود روز قیامت که میشود دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام مشاهده میکنند آنحضرت را که پرچم حمد در دست دارد و در کنار حوض کوثر ایستاده دوشانش را سرباپ میکند و مانع از ورود دشمنان میشود در آنوقت صورتهای ایشان سیاه و زشت میگردد و یکدیگر میگویند این شخصی امیر المؤمنین علیه السلام است که شما دعوی مقام و منزلت و خلافت او را مینمودید و خوه را بجای آنحضرت بمردم نشان میدادید و حق او را غصب کرده بودید .

(قل ارايتم ان اهلكنى الله و من معى لو رحمتنا فمن يجير الكافرين من عذاب اليم) كفار آرزوی مرگ پیغمبر و اصحابش را میمودند بخداى تعالى فرمود ای رسول ما باین كفار كه تمنای مرگ تو را میکنند بگو اگر خدا من و اصحاب مرا هلاك كند یا بر ما لعاف و رحمت فرماید کیست كه كافران را پناه دهد از عذاب دردناك یمنى با آنكه ما ایمان بخدا داریم بین خوف و رجاء هستیم شما كه كافرید با كفرتان كه حمایت خواهد كرده از شما .

شرف الدین از ابی بصیر روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم معنای آیه مزبور را فرمود این آیه تحریف شده هرگز خداوند محمد صلی الله علیه و آله و کسانیكه با او ایمان آورده اند هلاك نخواهد كرد چه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بهترین

فرزندان آدم است و آیه را جبرئیل بطریق ذیل نازل نموده .

(قل ارايتم ان اهلكم الله من معكم ونجاني ومن معي فمن يجير الكافرين من عذاب اليم) و این حدیث را برقی نیز روایت کرده

(قل هو الرحمن آمنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو في ضلال مبين قل ارايتم ان اصبح ماء وكم غورا فمن ياتيكم بما معين) ايرسول ما بكافران بگو آنكه من شما را بسوی او میخوانم خدای بخشنده و مهربانست و ما باو ایمان آورده و بر او توكل کرده ایم و بزودی بشما معلوم خواهد شد کیست که آشکار در ضلالت و گمراهیست ايرسول ما بگو بدیده تأمل بنگرید اگر آب که مایه زندگانی شما است صبحگاهی همه بزمین فرو روه جز خدا کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آورد .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از عمار یاسر روایت کرده گفت در رکاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بهجاء رفته بودم امیر المؤمنین علیه السلام جمعی از کفار را بقتل رسانید از آنها عمر بن عبدالله جمعی و شبیه بن نافع بود حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم ايرسول خدا امیر المؤمنین علیه السلام آنطوریکه سر او را بود در راه خدا جهاد کرده فرمود ای عمار علی از من و من از علی هشتم او وارث علم و فاضل دین من است بوعده من وفا میکند علی بعد از من خلیفه خدا است اگر علی نبود مؤمن محض و خالص شناخته نمیشد بعد از من جنگ با او جنگ با من است و دشمنی با او دشمنی با من است و دشمنی با من دشمنی با خدا است تسلیم من و تسلیم من و تسلیم من تسلیم با خدا است او پدر دو سبط من است و ائمه معصومین از صلب علی است و مهدی این امت از فرزندان علی است عرض کردم فدایت کردم مهای کیست فرمود ای عمار خداوند با من عهد فرموده که بیرون آورد از صلب حسین فرزندی نه امام و نه می آنها از نظر مردم غایب میشود چنانکه خداوند میفرماید

(قل ارايتم ان اصبح ماء وكم غورا فمن ياتيكم بما معين) غیبت او طولانی است بر میگردند از آنحضرت طایفه ای و ثابت و برقرار میمانند بر حشرش طایفه

دیگر از مردم در آخر زمان، خارج و ظاهر گردد و دنیا را پر از عدل و داد کند پس از آنکه مملو از جور و ستم بوده و جهاد میکند بر تأویل قرآن چنانکه من جهاد نمودم بر تنزیل آن نام او نام من است و شباهت نام بمن دارد ای عمار بهمین زودیها پس از من فتنه‌هایی برپا شود و شود هر گاه فتنه‌ای برخاست از علی پیرون کن علی با حق است و حق با علی ای عمار بهمین زودی پس از من در رکاب علی جهاد میکنی یا نا کشتن و مارقین، تو را فرقه گمراه و یاغی میکشند عمار میگوید عرض کردم ای رسول خدا این جهاد بارضای خدا و شماست فرمود با رضای خدا و رضای من است ای عمار آخر زاد تو از دنیا شربت شیر عیب باشد عمار میگوید در جنگه صفین از امیر المؤمنین اجازه خواستم بمیدان کارزار بروم فرمود تأمل کن خدا تو را رحمت کند بعد از ساعتی مجدداً اجازه خواستم باز فرمود اندکی تأمل کن عاقبت مرتبه سوم اجازه داد و گروه بسیاری نمود عرض کردم حضورش مگر امروز همان روز موود نیست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمن وعده داده دیدم از اسب خود فرود آمد دست بگردن من انداخت و وداع کرد بامن و فرمود ای عمار خداوند از جانب پیغمبرش و از طرف من جزای خیر بتو عطا بفرماید تو خوب اصحاب و برادری بودی من از گریه آنحضرت متأثر شدم و بگریه افتادم و عرض کردم حضورش ای امیر المؤمنین علیه السلام سو کند بعداً پیروی نکردم از شما مگر از روی معرفت و بینائی شنیدم از پیغمبر خدا که بمن فرمود ای عمار بعد از من فتنه‌هایی برپا خواهد شد هر گاه مشاهده نمودی آن فتنه‌ها را ملازم با علی و از حزب او باش بدان علی با حق و حق با علی است و زودی پس از من در رکاب علی جهاد میکنی یا نا کشتن و مارقین ای امیر المؤمنین علیه السلام خداوند از طرف اسلام بشما جزای خیر عطا فرماید بهترین جزائی نصیحت فرمودید و رسانیدید باین مردم او امر و نواهی و احکام خدا و دین اسلام را پس از آن سوار شدم آنحضرت هم سوار شد عمار بمیدان مبارزه رفت حمله کرد بر اصحاب معویه ملعون هیچده نفر از آنها را بجهنم واسل کرد شربت آبی طلبید آب نبود در عوض باو شیر دادند گفت این همان عهدیست که پیغمبر اکرم بمن فرمود آخر زاد تو از دنیا شربت شیر است عاقبت دو نفر از اهل شام نیز مای باو زدند و شهیدش کردند

چون شب شد امیر المؤمنین علیه السلام در میان کشتگان قدم میزد بمالین عمار رسید سر او را بدامن گرفت و گریه بسیاری نمود و لشمار ذیل را در بالین اوسرود

الا ایها الموت الذی لیس تارکی ارحنی فقد افیت کل خلیلی
ایا موت کم هذا لتفرق عنوۃ قلست تبقی خلۃ لخلیل
اراک بصیرا بسالذین احبهم کسانک تمنی نحوهم بدلیل
ای مرگی که رها نخواهی کرد مرا تو، نابوه کردی تمام دوستان مرا بیا
و مرا هم از این زندگی راحت نمای مرگی تا چه اندازه بفر و غلبه تفرقه و
جدائی می افکنی باقی نگذاشتی هیچ دوستی و حبیبی را برای محبوبش من بپیم
تو آگاه و بینمائی بدوستان من گویا دلیل و راهنمائی تو را بدوستان من
هدایت میکند .

در کافی از علی بن جعفر روایت کرده گفت معنای آیه را از برادر دم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم فرمود معنای آن آنست هر گاه مفقود نمودید امام خود را و از نظر شما غایب و پنهان گردید و مشاهده جمال او ننمودید چه کسی بسوی شما امام و پیشوائی آورد؟ چه کار میکنید و چه عملی انجام میدهید در غیبت امام و خلیفه خداوند؟

و از فضالة بن ایوب روایت کرده گفت شخصی آیه فوق را از حضرت رضا علیه السلام سؤال نمود فرمود آله ابواب و درهائی هستند میان خداوند و مخلوقاتش و آب در آیه علم و دانش امام است و مقصود آنست اگر شما سر دم صبح نمودید و امام خود را در پس پرده غیبت مشاهده کردید کیست که علم و دانش امام را بسوی شما آورد و چه کسی امام جدیدی بمانند امام غایب بسوی شما میفرستد .

یکی از زنادقه میور کرد از کنار شخصی که قرائت میکرد آیه (قل ارایتم ان اصبح ماو کم غورا فمن یاتیکم بما معین) آن زندیق گفتا گر آب بزمین فرو رود مردان قوی با کلک های تیز آب بیرون آورند همان شب خواهید چشمش آب سیاه آورد صدائی شنید که باو میگوید بیاور آن مردان و کلک های تیز را تا آب چشم تو را بیرون آورند و دیدگانت روشن و بینا گردد

سورة القلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱) مَا أَنتَ بِشَيْءٍ مِّنْ دُونِ (۲)
وَأَنَّ لَكَ لَا أَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳) وَإِنَّكَ لَنَلِيٌّ خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴)
فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (۵) بِأَيِّكُمْ الْمَقْتُونُ (۶) إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ
بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْهَدِينَ (۷) فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

سوره قلم در مکه نازل شده و پنجاه و دو آیه و سیصد کلمه و هزار و دویست و پنجاه و دو حرف است.

عناصر و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس قرائت کند سوره نوالقلم را در نمازهای واجب و مستحب خداوند محفوظ بدارد او را از فقر و فشار قهر -

و در عناصر قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند خداوند ثواب کسانی که با آنها حلم بسیاری عطا نموده مرحمت فرماید و کسی که دندان او درد گرفته اگر این سوره را بنویسد و همراه خود بر دارد او ساکن شود.

خلاصه مطالب این سوره عبارت از سوگند پروردگار بر آنکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مقتون و فریفته امیر المؤمنین علیه السلام نشده و آنچه در باره آنحضرت میگوید همه بر حق و از طرف خدای تعالی نازل شده است و آزمایش کردن اهل مکه و داستان اصحاب حدیقه و کثیر کفار و پاداش مؤمنین در عالم آخرت و توبیخ مشرکین و منافقین.

قوله تعالی (نوالقلم وما یسطرون ما انت بتیمه ربك یسجنون) سوگند بقلم

ترجمه سوره قلم

بنام خداوند بخشنده مهربان

سوگند بنون و قلم و آنچه خواهد نگاشت (۱) نیستی تو بنعمت پروردگار
دیوانه (۲) و تو را یاداشی است نامحدود (۳) و تو بر خوی بزرگ آراسته ای (۴)
و بزودی تو و مخالفتت مشاهده میکنید (۵) که از شما کدام يك دیوانه اند (۶)
همانا پروردگار تو دانایتر است بکسیکه از راه او گمراه شده و آگاه تر است
به هدایت یافته گان (۷) پس ای رسول ما از مردم کافر بکه تکذیب آیات ما میکنند
پیروی مکن (۸)

و آنچه خواهد نگاشت نیستی تو بنعمت پروردگار دیوانه چنانکه کافران پندارند
مفسرین در معنای نون اختلاف کرده اند این عباس گفت حرفی است از حروف الرحمن
و بعضی گفتند اسم سوره است مانند حم دیگری گفته همراه بآن ماهی در دریا است
چه ماهی از آیات با عظمت خدا است و از مخلوقات آبی است اگر آن را از آب
خارج کنند بمیرد و زندگانی خود را از دست میدهد چنانچه بعضی از حیوانات و
مخلوقات خاکی اگر داخل در آب شوند بمیرند .

این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود نون نهریست در بهشت
خداوند آن را منجمد نمود مرکب گردید پس از آن بنظر هیبت بقلم نگریه آنگاه
بآن فرمود بنویس عرض کرده چه بنویسم فرمود هر چه بوده و خواهد بود تا روز
قیامت در لوح محفوظ بنگار قلم نوشت در لوح سپس آن را پیچید و در رکن عرش
گذاشت و ختم شد دهان قلم و دیگر نطق نکرد و نخواهد کرد پس مداد از نور
و قلم از نور و اوح از نور بود راوی میگوید حضورش عرض کردم این موضوع را
بطور تفصیل برای من بیان فرمائید فرمود اگر اهل جواب نبودی پاسخت را نمیدادم
بدان که نون فرشته ایست که میرساند بفرشته دیگر که قلم باشد و او بلوح که
فرشته است میرساند و لوح باسرافیل و اسرافیل بمیکائیل و او بمجبرئیل و مجبرئیل
به پیغمبران میرساند .

و قلم آلتی است که بآن کتابت میکنند پرورده گار بآن سوگند یاد نمود

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيْدُهُنَّوْنَ (۹) وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَافٍ مِثْلٍ (۱۰) هَتَاذِ
 مَشَاءَ بَنِيهِمْ (۱۱) مَنَاجِعَ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيرٍ (۱۲) عُثْلِي بَعْدَ ذَلِكَ رَنِيمٍ
 (۱۳) اِنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِينَ (۱۴) اِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ اَسَاطِيرُ
 الْاَوَّلِينَ (۱۵) تَنْسِيَهُ عَلَى الْغُرْطُوْمِ (۱۶) اِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا
 اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اِذَا اَفْسَوْا لَيَسِّرُنَهَا مُنْصِبِينَ (۱۷) وَلَا يَسْتَنْوَتْ
 (۱۸) فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)
 فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

بخطای منفعت بسیاری که در او است از برای انسان زیرا آن یکی از دو بیان است
 بآن اظهار منویات خود میکند برای اشخاص بود چنانکه زبان اظهار درونی کند
 برای شخص حاضر، بوسیله قلم حفظ میشود احکام دین و امور عالم چه بیان زبان
 در آن گذشتن ماه و سال فراموش میشود ولی بیان قلم ثابت و برقرار ممانند،
 دانشمندان میگویند قلم دین و دنیا بدو چیز است یکی قلم و دیگری شمشیر و قلم
 از شمشیر نیز تر و زبردست تر است پس رواست که خداوند بآن سوگند یابد نماید
 و همراه از نعمت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است و شرحی گفته شود .

(و ان لك لاجرا غير ممنون وانك لعلى خلق عظيم فستبصر و يبصرون بايكم
 المفتون) و تورا مره و پاداشی خواهد بود نامحدود و تو بر دین بزرگ و خلق
 نیکو آراسته ای بزودی تو و کفار مصالفات مشاهده کنید که کدام یک دیوانه اید
 طبرسی و محمد بن عباس از ضحاک بن مزاحم روایت کرده اند گفت چون
 قریش مشاهده کردند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را مقدم داشته
 و بزرگ می شماره فریاد کردند و گفتند پیغمبر فریفته علی علیه السلام شده طولی نکشید
 جبرئیل فرود آمد و آیات سوگن و القلم را آورد سوگند یاد نمود پروده کار بقلم

کفار دوست دارند که تو با آنها ترمی و مدارا کنی تا آنها هم با تو مدارا کنند (۹) پیروی مکن از کسیکه دایم سوگند دروغ می‌نمورد و خوار پست است (۱۰) و دایم عیب جوئی و سخن چینی میکند (۱۱) و هر اندازه ای بتواند مردم را از خیر و نیکوئی باز میدارد و ستم و گناهکاری را از حد گذارنده (۱۲) با این همه عیب بدخوی و متکبر و بی‌اصل و نسبند (۱۳) برای آنکه مال و فرزندان بسیار دارند (۱۴) چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید این آیات افسانه‌های گذشتگان است (۱۵) بزودی برینش داغ شمشیر نهیم (۱۶) ما کافران را بقحط و سختی مبتلا کنیم چنانکه صاحبان باغ را مبتلا نمودیم چون سوگند یاد نمودند که صبحگاه موه‌های باغ را ببرند (۱۷) و هیچ استنا نکردند (۱۸) هنوز خواب بودند که از طرف پروردگار تو آتشی بر آنها آمد (۱۹) و سمرگاه آن‌هاستان و باغ را چون خاکستری سیاه کرد (۲۰)

و آنچه فرشتگان مینویسند که **قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ** فریفته علی نشده و او برخوی نیکو آراسته است بزودی مناقبین و مخالفین می‌بینند که مفتون و دیوانه کیست البته خداوند داناتر است بآن کسی که از راه او گمراه شده است و سبیل در اینها وجود مقدس امیر المؤمنین **علیه السلام** است و از ابی ایوب انصاری روایت کرده گفت در آنوقتیکه پیغمبر اکرم **صلی الله علیه و آله** دست امیر المؤمنین **علیه السلام** را گرفت و بلند نمود و فرمود هر کس من مولای او هستم علی نیز مولای او است مناقبین گفتند پیغمبر **صلی الله علیه و آله** مفتون و فریفته علی شده پروردگار آیات فوق را نازل فرمود . ابن بابویه از ابی جاره روایت کرده گفت از حضرت باقر **علیه السلام** سؤال کردم معنای خلق عظیم را فرمود مراد دین بزرگ اسلام است .

در امالی از حضرت صادق **علیه السلام** روایت کرده فرمود خداوند مردان بزرگی را در روی زمین خلق نموده برای برآوردن حاجات برادران مؤمنین و آنها مورد مجد و ستایش هستند پروردگار دوست میدارد مکارم اخلاق را و پیغمبرش را مخاطب قرار داده و درباره او فرمود و انک لعلی خلق عظیم و خلق بزرگ سخاوت و خوی نیکو است .

فَتَنَادُوا مُصِيبِينَ (۲۱) أَنْ ائْتُوا عَلَىٰ حَرِّكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ (۲۲)
 فَاطْلِقُوا وَهُمْ يَخْافُونَ (۲۳) أَنْ لَا يَدْخُلَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِنٌ
 (۲۴) وَقَدُوا عَلَىٰ حَرِّهِ قَادِرِينَ (۲۵) فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَعَالُونَ
 (۲۶) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷) قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ تَوَلَّوْا
 تُسَبِّحُونَ (۲۸) قَالُوا تُسَبِّحَانِ رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹) فَأَقْبَلَ
 بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوُمُونَ (۳۰) قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (۳۱)
 عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ (۳۲)

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود نیکوئی خالق، انسان را به بهشت می‌کشد و سوء خلق، بدوزخ —

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خداوند دوست میدارد کسانی را که خوی نیک دارند و دشمن میدارد آنها ای که سخن چینی میکنند —

و فرمود اول چیزیکه در ترازوی اعمال می‌نهند خوی نیکو است و فرمود مرا فرستاده‌اند تا تمام کنم مکرم اخلاق را و مرا خدا ادب آموخت و نیکو آموخت و فرمود مؤمن بخوی نیکو دریاورد درجه و مرتبه کسانی که روزها را روزه میدارند و شبها بنماز اشتغال دارند —

در کافی ذیل آیه بایکم المفتون از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روزی عمر ملاقات نمود امیر المؤمنین علیه السلام را عرض کرد شما قرائت میکنید آیه را و کنایه آورید از من و ابوبکر، آنحضرت فرمود ای عمر خبر بدهم تو را بآیه ای که خداوند در باره بنی امیه نازل کرده فهل عسیتم ان تولیتهم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم عمر گفت ایملی تو تکذیب میکنی بنی امیه و بنی تیم و بنی عدی را اینها از تو بهترند! (فلا تطع المکذبین و دوالو تدمن فیدهنون ولا تطع کل خلاف

صبحگاه یکدیگر را صدا کردند (۲۱) برخیزید اگر میوه بستان را می‌خواهید
 بچینید به نعلستان برویم (۲۲) آنها سوی بستان روانه شده و آهسته سخن می‌گفتند
 (۲۳) که امروز مواظبت کنید فقیری وارد بستان نشود (۲۴) و صبحدم با عزم توانائی
 به باغ رفتند (۲۵) چون باغ را با آن حالت دیدند با خود گفتند هائین راه را گم کرده‌ایم
 (۲۶) یا باغ همانست و ما بقر خدا از میوه‌اش محروم شدیم (۲۷) بهتر آنها با آنان
 گفت من بشما نگفتم چرا شکر و سپاس خدا را بجا نیاوردید (۲۸) گفتند منزله
 است پروردگار، ما خود در حق خویش ستم کرده‌ایم (۲۹) و رو به یکدیگر کرده
 بملامت و نکوهش هم پرداختند (۳۰) و گفتند وای بر ما که سخت سرکش و گمراه
 بودیم (۳۱) امیدواریم که پروردگار ما بجای آن بستان بهتری بما عطا کند و
 بعد از این همیشه بخدای خود مشتاقیم (۳۲)

مبین هماز مشاء بنمیم مناع للمعیر معتدائیم عتل بعدذلك زنیم) ابرسول ما پیروی
 نکن این کافران و منافقین را که تکذیب میکنند علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست
 دارند این منافقین که تو با آنها عداوته و مدارا کنی تا ایشان غش کنند درباره
 امیر المؤمنین علیه السلام و بنفاق و پرده پوشی با تو مدارا کنند و اطاعت مکن کسی از
 منافقین را که دایم بددوغ سوگند یاد میکنند حضرت باقر علیه السلام فرمود خلاف عمر
 است که قسم یاد نمود از برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله عهد و پیمانی که از او گرفته در
 باره ولایت امیر المؤمنین علیه السلام نقص نکند و پیروی نکن از منافقینی که دایم عوب
 جوئی و سخن چینی میکنند و مردمان را از غیر و سعادت ایمان باز میدارند و بستم
 و بدکاری میکوشند خیر مر این آیه وجود مقدس امیر المؤمنین است که به حضرتش ستم
 نمودند و حق او را غصب کردند با این همه عیب منافقین خشن و متکبر و حرامزاده
 و بی اصل و نسبند و زنیم حرامزادها گویند چنانکه شاعر میگوید -

زنیم تداعاه الرجال تداعیا کمزید فی عرض الایم الکارع

حرام زاده ایست که مردان بسیاری ادعای فرزندی او را میکنند و زیادی
 مدعیان با اندازه طول بیابان کراع است تا مدینه یعنی بقدر آن زمین مردان بسیاری
 ادعای فرزندی او را مینمایند -

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳) إِنَّ
 لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (۳۴) أَفَتَجِدُ الْمُسْلِمِينَ كَالْجُرِمِينَ
 (۳۵) مَا لَكُمْ كَيْفَ تَعْكُؤْنَ (۳۶) أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ
 (۳۷) إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَا تَغْيِرُونَ (۳۸) أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِاللَّيْلِ إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنْ لَكُمْ لَا تَعْكُؤْنَ (۳۹) سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ (۴۰)
 أَمْ لَكُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صادقِينَ (۴۱) يَوْمَ يُكْشَفُ
 عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى الشُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)

طبرسی از ابن عباس روایت کرده است که شخصی سؤال نمود معنای مثل و زنییم را از
 پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود پس آنست که و شدید الخلق و پر خود و فراع شکم و متمکار
 و فرمود داخل بهشت نمیشود کسی که متاع خیر و بدخوی جانبی و فراع شکم و
 پر خود است .

(ان کان ذامال و بنین اذا تلی علیه آیاتنا قال اساطیر الاولین) برای آنکه
 مال و فرزند دارد چون آیات ما را بر او بخوانند گوید این سخنان پیشانیان است
 یعنی بغاظر مال و فرزند پیروی از او نکنید چه حیال و فرزند مانع است از
 آنکه تصدیق پیغمبر و آیات قرآن را بنمایند و آیه کنایه از ابوبکر است .

(منسمة علی النمرطوم) یعنی بزودی برینی لوداغ شمیر نهیم مقصود زمان
 رجعت است چون امیر المؤمنین بسوی دنیا رجعت کند دشمنان آنحضرت نیز باز گردند
 بدینا آنها را با ابزاریکه بهایم راداغ میکنند ماغ نمایند .

(انا بلونا هم کما بلونا اصحاب الجنة اذا افسحوا لیسر منها مصیبعین ولا یستنون
 فطاف علیها طائف من ربک وهم نائمون)

چنین است عذاب دنیا و عذاب آخرت سختتر است اگر مردم بدانند (۳۳)
 همما پرهیزکاران برای ایشان نزد پروردگار بهشت بر نعمت خواهد بود (۳۴) آیا
 مسلمین را با کافرین بدکار یکسان قرار میدهیم (۳۵) چگونه شما حکم میکنید (۳۶)
 آیا شما را کنایست آسمانی در آن این حکم را میخوانید (۳۷) و در آن کتاب
 هر چه بخواهید بهوای نفس نگاشته‌اند (۳۸) یا شما را بر ما عهد و سوگند دائمی
 است تا روز قیامت که چنین حکمی بسود خود میکنید (۳۹) از آنها پرس کدام
 در گروی این پیمانند (۴۰) یا آنها گواهانی برده‌وی خود دارند اگر راست میگویند
 آن گواهان را حاضر کنند (۴۱) بیاد آورند روزی را که دامن از ساق برداشته‌شود
 و بسجده خداوند خوانده شوند و نتوانند سجده کنند (۴۲)

ما اهل مکه را بضمط و بلا مبتلا کنیم چنانچه مبتلا ساختیم اهل آن بستان
 را که سوگند خورده بودند که صبحگاه میوه آن بستان را بچینند و استنای نکرده‌ند
 یعنی انشاءالله نگفتند و هنوز خواب بودند که از جانب پروردگار آتش عذاب نازل
 شد و همداد آن بستان را چون خاکستر سیاه مبدل نمود .

طبرسی از ابن عباس روایت کرده گفتند حوالی بمن نزد يك صفا باخستانی
 بود بنام سروان تعلق داشت بمردی مؤمن و اهل صلاح ثمره و میوه آن را داخل
 منزل خود نمیکرد مگر آنکه ابتدا حق فقرا و یتیمیان را ادا مینمود خدای
 تعالی باو برکت عظام فرمود چون آن مرد وفات نمود آن باغ بارش به سه پسرش رسید
 آنها یکدیگر گفتند ما عیال بسیاری داریم و مالمان اندک است نمیتوانیم مانند
 پدر رفتار کنیم و حق فقرا را بدیم از قضا در آن سال که پدرشان از دنیا رفته بود
 آن باغ ثمره و میوه فراوانی داشت شبانگاه وارد باغ شدند نظرشان بمیوه افتاد
 گفتند سحرگاه پنهانی ویش از اطلاع فقرا میوه هارا می‌چینیم و سوگند خوردند
 بر این عمل و انشاءالله هم نگفتند آن شب بخاطر طغیان و ستمیکه بفقرا نمودند از
 جانب پروردگار آتشی فرود آمد ثمره و میوه آنها را بسوخت و ایشان هنوز در
 خواب بودند چون صبح شد یکدیگر را صدا زدند بر خیزید اگر میوه بستان را

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَائِمُونَ
 (۴۳) قَدْ رَفِئْتُ وَمَنْ يَكْتُوبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ يَنْتَظِرُ أَجْرَهُ مِنْ حَيْثُ لَا
 يَحْتَسِبُونَ (۴۴) وَأُمْلِي لَهُمْ إِنْ كُنْهِيَ مَتْنٌ (۴۵) أَمْ تَسْتَلِهُمُ أَجْرًا فَهُمْ
 مِنْ مُنْزَمٍ مُنْقَلَبُونَ (۴۶) أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۴۷) فَاصْبِرْ
 لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْغُوْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (۴۸)

میخواهید بچینید به نخلستان رویم آنها بسوی بستان روانه شده و آهسته سخن
 میگویند که امروز مواظب باشید فقیری وار نه نشود با شوق و عزم و توانائی واره
 بستان شدند چون آن باغ را دیدند از فرط غم با خود گفتند ما باین راه را گم کرده ایم
 چون نیک مشاهده کردند و دانستند که همانست گفتند ما بقر خدا از میوه این
 باغ محروم شدیم و خیر این بستان را از ما باز گرفتند برای آنکه ما از فقر باز
 گرفتیم عادل ترین ایشان با آنها گفت آیا من بشما نگفتم چرا شکر و تسبیح خدا
 بجا نمیآورید و عادل ترین ایشان کوچکترین آنها بود از حیث عمر چه و سالی به
 ما ای نیکو است چنانچه خداوند فرمود (ای امت محمدیه) شما کوچکترین امتی
 هستید از حیث عمر ولی بهترین امتها میباشید) آنها گفتند خدای ما منراست از
 ظلم و ستم ما بخود در حق خویش ستم کردیم که ترك احسان نمودیم و منع کردیم
 نصیب فقیران را و روی بیکدیگر کرده بملامت و نکوهش هم پرداختند و میگفتند
 ای وای بر ما که سرکش و یاغی بودیم و اسراف و تعدی کردیم در کفران نعمت و
 منع حقوق الهی و امیدواریم که پروردگار ما بجای آن، بستان بهتری از لطف و
 کرم خود بماند عطا کند چه ما بسوی خدای خود عایل و متوجه هستیم چون آنها
 از روی صدق و صفا رو بدین گاه خدا آوردند پروردگار یا آنها بستان کرامت فرمود
 که يك نخلستانه آن بستان باری بشارتی بود و نام آن بستان حیوان بود پروردگار
 داستان ایشان را ذیل چند آیه از این سوره بیان فرمود .

چشمانشان فرو رفته خواری و ذلت آنها را فرا گرفته پیش از این آنان را با تن سالم بسوی اطاعت و سجده خدا خواندند اجابت نکردند (۴۳) ای رسول ما تو کیفر تکذیب کنندگان این قرآن را بمن وا گذار تا آنها را از آنجا که گمان ندارند به عذاب سخت در افکنیم (۴۴) و آنها را مهلت دادم همانا کید من بسیار قوی و محکم است (۴۵) آیا از ایشان مزد رسالت میخواهی که بار غرامتش بر آنها گران است (۴۶) یا آنکه از آن عالم آگاهند پس چیزی از آنجا بنویسند (۴۷) ای رسول ما برای فرمان پروردگار خود شکبیا باش و مانند یونس که از خیم در عذاب است تعجیل کره مباش (۴۸)

در کافی ذیل آیه اذا قسموا البصر منها مصبحین از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود انسان مرتکب گناه میشود خداوند اثر آن اوزی او را قطع میکند و آیه فوق را شاهد بر فرمایشات خود بیان نمودند .

پس از این برای تهدید بندگان میفرماید عذاب چنین است و عذاب آخرت بزرگتر و سخت تر است اگر مردم بدانند .

(ان المنقین عند ربهم جنات النعیم ان جعل المسلمین کالمجرمین مالکم کیف تحکمون ام لکم کتاب فیه تدرون ان لکم فیه لما تخیرون) برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت های پر نعمت خواهد بود آنگاه برای تذکر و تنبیه میفرماید آیا مسلمانان را با کافران در پاداش و منارل و احکام یکسان قرار میدهم چگونه شما این حکم نادر و ظالمانه را میکنید آیا برای شما کتابی از آسمان فرود آمده که این حکم را در آن خوانده اید و در آن کتاب هر چه بهوای نفس میخواهید نگاشته اند یا آنکه شما را بر ما عهد و قسم همیشگی است تا روز قیامت که چنین حکمی یقین بر نفع خود میکشید ای پیغمبر از آنها بهرس کیست از شما که پابند این عهد و پیمان است که برای کافران همان پاداش مسلمانان خواهد بود آیا ایشان بر دعوی مساوی بودن کافر با مسلمین در پاداش و ثواب گواهانی دارند اگر راست میگویند آن گواهان را حاضر کنند .

(یوم یکشف عن ساق و یدمون الی السجود فلا یستطیعون خاشعة ابصارهم)

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نَفْسُهُ مِنْ رَبِّهِ لَتَبَدَّ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (۴۹)
 فَاجْتَبِيَهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الْعَالَمِينَ (۵۰) وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَنْجُونٌ
 (۵۱) وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲)

ترحمم ذلک وقد كانوا يدعون الى السجود وهم سالمون (بیاد آورید روز سختی را که
 دامن بعبان زده و میخواستند برای خدا سجده کنند و نمیتوانند سجده نمایند این
 آیه شدت و سختی روز قیامت را بیان میکند چه دنیا که منقضى شد در تکلیف و
 توبه بسته میشود و ثواب و عقاب را مایه بینند مردم پس از آنکه شنیده بودند و
 این جمله یکشف عن ساق تشبیه و اشاره بسختی آن ساعت است چه عرب کار سختی
 که برای او پیش آید دامن را از ساق پا برگردد و بالا زند تما در آن کار سعی
 بتواند کند .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود
 روز قیامت که میشود حجابی است از نور بر داشته میشود مؤمنین برای عظمت
 پروردگار بسجده در افتند و منافقین هرچه سعی میکنند که سجده کنند نمیتوانند
 چه پشیمان آنها مانند شاخهای گاو شود و فرو نیاید تا بتوانند سجده کنند در آن
 وقت ذلیل باشد چشمهای ایشان و ترس و حسرت آنها را فرا گرفته و پیش از این
 پیغمبران دعوت میکردند آنها را در دنیا باتن سالم بطاعت و سجده کردن از برای
 خدا اجابت نمیکردند .

در محاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده منافقین و کفار توانائی
 داشتند که عمل کنند بآنچه امر شده بود بآنها از جانب پروردگار و ترك نمایند
 آنچه را منتهی بود امتحان شدند باوامر و نواهی خداوندیست برای هیچ بندهای قبض
 و بسطی از آنچه خداوند امر و نهی فرموده در آن مگر امتحان و آزمایش است از
 جانب خدا و این حدیث را ابن بابویه نیز روایت کرده است .

و اگر لطف و رحمت پروردگارش را دریافته بود همانا از شکم ماهی بصرای
 بی آب و گیاه افتاده بود و ~~از انکویش~~ و سر زتش میکردند (۴۹) پس خدایش او را
 برگزید و از شایستگان قرار داد (۵۰) ایرسول نزدیک بود کافران چشم زند تو را
 بدیده گان خود چون آیات قرآن شنیدند میگویند اودیوانه است (۵۱) و نیست این
 قرآن مگر پند و حکمتی برای جهانیان (۵۲)

پایان ترجمه سوره قلم

(فذرنی ومن یکنب بهنا الحدیث سنستدرجهم من حیث لایعلمون واملی لهم
 ان یرسول ما تو کیفر تکفیب کنندگان و منکران قرآن را بمن
 واگذار که از آنجا که نفهمند و گمان نکنند بمذاب سخت درافکنیم و آنها را مملکت
 دادیم تا در نعمت و رفاهیت غرور شوند و در گناه و معصیت بهفرایند همانا عذاب بمن
 قوی و بسیار سخت است پس از آن برای توبیخ فرمود ای پیغمبر آیات تو از کافران
 امت اجر و مزد رسالت میخواهی که ایشان از غرامت گرانبار میشوند و قوت آن
 ندارند یا آنکه از عالم غیب باخبرند و از آنجا چیزی مینویسند و این محالات را
 میگویند ایرسول ما صبر کن بر حکم پروردگار خود و مپاش مانند یونس که تمهیل
 کرد در عذاب امت خود و خشم گرفت بر آنها عاقبت پشیمان شد چه امتش توجه بخدا
 نمودند خدایتعالی هم عذاب را از ایشان برطرف کرد یونس در غضب شد و راه دریا
 را پیش گرفت سوار کشتی شد عاقبت او را بدریا افکندند ماهی او را بلعید در ظلمت
 و تاریکی شکم ماهی بحال غم و اندوه خدا را بر نجات خود خواند و شرح او را
 در بخش سوم تفسیر ذیل آیه ۹۸ سوره یونس بیان نمودیم *

(و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک باصهارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه
 لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین) -

ایرسول ما نزدیک بود که کافران از حسد بپشیمان بد چشم زحت زشد چون
 شنیدند آیات قرآن را و در فصاحتش متحیر شدند باز میگویند که شخصی دیوانه
 ایست و حال آنکه این قرآن نیست چیزی پند و حکمت برای جهانیان . .

سبب نزول آیه آن بود کفار میخواستند رسول اکرم صلی الله علیه و آله را چشم بزندان
وفات کند یا کشته شود طایفه ای از بنی اسد معروف بودند بجشم بد هر گاه یکی
از آنها بگاو یا شتری نظرمی افکند فوراً آن حیوان میمرد یا مجبور میشدند آن را
ذبح و نحر کنند یکی از آنها کنیزی داشت میگفت باو بر خیز و زنبیل را همراه
من بیاور تا گوشت فراهم کنم میرفت هر کجا شتر یا گاو و گوسفند نیکوئی میدید
میکفت چقدر نیکو است مانند این حیوان ندیده ام فوراً صاحبش از ترس آنکه
هلاک شود آن را میکشت و نصیبی باو میداد و بر هر چه چشمش اصابت میکرد طاولی
نمیکشید که او هلاک میشد قریش بآن مره گفتند بیا و نظر بر شتر صلی الله علیه و آله افکن تا
چشمش باورسد آن مره آمد نزد رسول خدا آنحضرت مشغول فرائت قرآن بود ساعتی
بعد مرتش نظر انداخت و اندیشه میکرد و هیچ شك نداشت در آنکه پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله بجشم او زده میشود و این بیت را انشاء کرد و گفت :

قد کان قومك يحسبونك سيدا واخلال انك سيد مميون

پروردگار آیه وان یکدل را نازل نموده و آنحضرت را از چشم بد آنمره نگاه و

محفوظ داشت .

پیغمبر اکرم فرمود چشم بد انسان را داخل در فبر و شتر را وارد در هیک
میکند و نیز فرموده اگر چیزی بر قضای الهی غلبه میکرد چشم بد بود اسما
و دختر همیس گفت ای رسول خدا فرزندان جعفر را چشم بد میرسد اجازه میفرمائید
تمویدی برای آنها بنویسم فرمود بلی روا باشد .

در تهذیب ذیل آیه فوق از حسان جمال روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام
را از مدینه بمکه میردم وقتی به مسجد غدیر خم رسیدیم آنحضرت نظری بطرف چپ
کوه انداخت و فرمود اینجا محل قدم مبارک پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که امیرالمؤمنین
علیه السلام را بروی دست بلند نمود و فرمود هر کس که من مولای او هستم علی نیز
مولای او است پروردگارا دوست بدار کسی را که علی را دوست میدارد و دشمن
بدار آنکه علی را دشمن میدارد بعد از آن نظری نمود بطرف دیگر و فرمود اینجا
محل خیمه فلان و فلان و سالم مولایی حذیفه و ابی سعیده جراح میباشد وقتی مشاعده

کردند پیغمبر اکرم ﷺ را که امیر المؤمنین علی علیه السلام را بروی دست مبارک بلند نمود بیکدیگر گفتند نظر کنید بچشمان محمد ﷺ که چگونه مورد میزند گویا مانند چشم شخص دیوانه است و خواستند حضرتش را چشم بزنند چهره ثیل نازل شد و آیه وان یكاد را آورد و مقصود از ذکر وجود مقدس امیر المؤمنین علی است حسان میگوید عرض کردم سپاس و ستایش میکنم پروردگار را که این حدیث را از دولیب شما بزرگوار بگوش خود شنیدم فرمود ای حسان اگر نبودی شتریان ما این حدیث را برای تو ذکر نمیکردم زیرا تصدیق نمیکند این مردم تو را درباره این حدیث

پایان سوره نوالقلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ (۱) مَا الْخَافَةُ (۲) وَمَا أَذْرِيكَ مَا الْخَافَةُ (۳) كَذَّبَتْ ثَمُودُ
وَاعَادُ بِالْقَارِعَةِ (۴) فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵) وَأَمَّا عَادُ
فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶) سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَلَايَةٍ
أَيَّامٍ مُمْدُودًا فَبُذِرَ الْقَوْمُ فِيهَا صَرْصَرًا كَانَتْهُمْ أَعْجَازُ فَتُلٍ خَاوِيَةٍ (۷)

سوره الحاقه در مکه نازل شده و پنجاه و دو آیه و دویست و پنجاه و شش کلمه و هزار و هشتاد و چهار حرف است خواص و ثواب تلاوت آن این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره الحاقه را قرائت کند در نمازهای واجب و مستحب از کماتی است که بعد از پیغمبر او ایمان آورده چه این سوره نازل شده در حق امیر المؤمنین علیه السلام و معاویه ملعون ، و دین قاری آن زایل نشود تا خدا را ملاقات کند، و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند خداوند حساب او را سبک گرداند و هر که او را بنویسد و هر زن حامله به بند حمل او محفوظ بماند و اگر بنویسد و باب بشوید و آن آب را بطفل شیرخوار بدهد آن طفل باحافظه و ذکاوت خود و نیکو به یار آید .

خلاصه مطالب این سوره عبارت است از احوال قیامت و هلاک قوم عاد و ثمود و فرعونیان و دامستان نوح و تنخ صور و بیان احوال اهل جهنم .
قوله تعالی .

(الْحَاقَّةُ مَا الْخَافَةُ وَ مَا أَذْرِيكَ مَا الْخَافَةُ) دوری بجوئید از عذاب قیامت چه عذاب سختی است و چه آگاه کرده است تو را که عذاب این روز قیامت چگونه سخت و بزرگ است . حاقه نامی است از نامهای قیامت و حاقه نامیده شده برای آنکه حق است و درست بود او کارهای حقیقت و حق واقع میشود چه جزای اعمال

ترجمه سورة الحاقه

بنام خداوند بخشنده مهربان

روز قیامت چه روزیست (۱) دوری بجوئید از عذاب قیامت (۲) چه آگاه کرد
تورا که این روز قیامت چه روزیست (۳) قوم عاد و ثمود تکذیب کردند عذاب روز
قیامت را (۴) اما قوم ثمود بسبب طغیان هلاک شدند (۵) قوم عاد بهاء تندوسر کش
بهلاکت رسیدند (۶) و آن باد تند را خداوند هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها
مسلط کرد کدریدی گویا آن مردم ^{مانند} ساقه خشک درخت خرما بودند و پنجاه افتادند (۷)

بر حق و واجب است .

(کذب نمود و عاد بالقارعة فلما نمود فاهلکوا بالطاغية) نمود که قوم صالح
بودند و عاد که قوم هودند تکذیب کردند عذاب روز قیامت را اما ثمود بکیفر کفر
و طغیان هلاک شدند و شرح هلاکت آنها را در بخش سوم تفسیر ذیل آیه ۶۳ سوره
هود بیان نموده ایم .

(واما عاد فاهلکوا بریح صرصر عاتیه سخرها علیهم سبع لیل وثمانیه ایام صوما
فتری القوم فیها صرعی کانهم اعجاز نخل خاویه فهل تری لهم من باقیه) اما عاد هلاک
شدند بیادی تند و سخت و سر و سرکش و آن باد را خداوند هفت شب و هشت روز
پی در پی بر آنها مسلط کرد و گویا آن مردم چون ساقه خشک درخت خرما بودند
پنجاه در افتادند آنها هیچ میبینی از ایشان اثری باقی و بر جا است باستان عاد را
نیز در بخش سوم تفسیر آیه ۵۱ سوره هود بیان نموده ایم ابن بابویه ذیل آیه فوق از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روز چهارشنبه روز نص مستمریست چه
آن روز اول و آخر روزی بود که خداوند مسخر کرد آن ایام باد سرد را بر
قوم عاد .

(وجاء فرعون و المؤمنون تفکات بالخاطئة فصوروا رسول ربهم فاخذهم اخذت رایه)
و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و اهل مؤتفکات پریشان کاری برخاستند
و بار رسول پروردگارشان مخالفت کردند و خطاهم ایشانرا عذاب سخت گرفتار ساخت .

فَهَلْ تَرَىٰ لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (۸) وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ
 بِالْغَاطِطَةِ (۹) فَمَضَىٰ رَسُولُ رَبِّهِمْ فَأَخَذَ مِنْ أَخْذَةِ رَآيَةٍ (۱۰) إِنَّا تَلَوْنَا
 عَلَيْكَ آيَاتِهَا حَمْلًا كَمْ فِي الْبَارِيَةِ (۱۱) لَنَجْجِلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أَذُنٌ
 وَاعِيَةٌ (۱۲) فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳) وَحِيلَتِ الْأَرْضُ
 وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴) فَيَوْمَئِذٍ وَقَّتْ السَّاعَةُ الْوَاقِعَةُ (۱۵)
 وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶) وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيُسِيلُ
 عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَابِتَةٌ (۱۷)

شرف‌الدین نجفی ذیل آیه فوق از جمران روایت کرده گفت از حضرت باقر
 علیه السلام شنیدم که مفرمود مراد فیرعون در این آیه سومی است و مقصود از من قبله اولی
 و دومی است و مؤتفکان اهل بصره هستند و غاططه عایشه است امیر المؤمنین علی در
 خطبه معروفه که در ذم و توبیخ اهل بصره است خطاب نمود بآنها و فرموده یا
 اهل المؤتفکه و معنای ائتفکک خسف و گرفتن است چه بصره را سمریبه آبفرا
 گرفت و مرتبه دیگر هم فرا خواهد گرفت چنانچه حضرتش خبر داده و فرموده گانی
 بمسجد کم کجشو جئی سفینه فی لجه بحر گویا می بینم آب بصره را گرفته و مسجد
 آن مانند کشتی بر روی آب قرار داده ...

(انا لما طغى الماء حملناكم في الجارية لنجعلها لكم تذكرة و تعيها اذن
 واعية) چون آب طغیان کرد از حد برفت در عهد نوح ما شما را در کشتی نشانیدیم
 تا غرق نشوید و مایه پند و عبرت مردم قرار دهیم و لکن گوش شنوای هوشمندان
 این پند و تذکر را میتواند بشنود ...

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود وقتی آیه
 می‌بود بر پیغمبر اکرم ﷺ نازل شد بامیر المؤمنین علی فرمود یا علی آن گوش

آیا هیچ یمنی که بروزگار از آنها اثری باقی باشد (۸) و فرعون و گنشتگان پیش از او بخطاکاری برخاستند (۹) و یا رسول پروردگارشان مخالفت کردند خدایم آنها را بمذاب سخت گرفتار نمود (۱۰) آن هنگام که آب طغیان کرد پدرانشان را بکشتی سوار کردیم و نجاتشان دادیم (۱۱) تا سبب پند و عبرت شما مردم قرار دهیم ولی نگاهدارد این پند را گوش شنوای هوشمندان (۱۲) چون دمیده شود در سوز یکبار دمیدنی (۱۳) و زمین و کوهها برداشته شود و درهم شکسته و متلاشی گردد یکمرتبه (۱۴) پس در آنروز واقعه بزرگ قیامت برپا شود (۱۵) و آسمان شکافته و سست شود و آنروز (۱۶) و فرشتگان بر اطراف آسمان باشند و عرش پروردگار را در آنروز هشت فرشته برگیرند (۱۷)

شنوا توهستی -

طبرسی از بریده اسلامی روایت کرده که روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی خداوند مرا امر فرموده تا ترا نزدیک کنم و دور نگره اند تو را یا علی پیامورم و توباه گیری و بر خدا واجب است که تو یاد گیری یعنی توفیق عطا کند بتو تا حفظ کنی امیر المؤمنین علیه السلام فرمود پس از آن چیزی را فراموش نکنم بریده میگوید پس از فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله طولی نکشید که جبرئیل نازل شد و آیه مزبور را آورد این بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود اذن و اعیه که خداوند در قرآن سوره الحاقه نازل نموده من هستم و این حدیث را عیاش و سعد بن عبدالله و ابن شهر آشوب روایت کرده اند .

محمد بن عباس پسینند از طرف عامه و خاصه روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی از خداوند درخواست نمودم که اذن و اعیه گوش تو باشد و این حدیث را ثعلبی که از علماء عامه است در تفسیر خود بیان کرده است .

(فاذا نفخ فی الصور نفخة واحدة و حملت الارض و الجبال فدکناه که واحدة فیومئذ وقعت الواقعة و انشقت السماء فیه یوشذوا حیه و الملک علی ارجائها و یحمل

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ (۱۸) فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ
 بِرَحْمَةٍ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَفْرَادٌ كِتَابِيَّةٌ (۱۹) إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ
 (۲۰) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۲۱) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۲۲) قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ
 (۲۳) كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْغَالِيَةِ (۲۴) وَأَمَّا
 مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالٍ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَّةً (۲۵) وَلَمْ
 أَدْرِ مَا حِسَابِيَّةٌ (۲۶) يَا لَيْتَنِي كُنْتُ الْقَاضِيَةَ (۲۷) مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَّةُ
 هَٰذَا عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ (۲۹)

عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية يومئذ تعرضون لا تخفى منكم خافيه (پیاد آور آن
 وقتی که ناگهان اسرافیل در صور دمد وزمین و کوهها را بر گیرند و یکمرتبه همه
 را بشکنند و متلاشی سازند آنگاه روز موعود واقع بزریه قیامت واقع گردد و
 بنای محکم آسمان از هم بشکافد و سست شود و فرشتگان بر اطراف آسمان منتظر
 فرمان باشند و عرش پروردگارت را در آن روز هشت نفر مقرب برگیرند آنروز
 که در پیشگاه حساب شما را حاضر کنند هیچ کار از اسرار بر شما پنهان
 نخواهد ماند .

در کافی ذیل آیه و بحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية از حضرت صادق علیه السلام
 روایت کرده فرمود عرش عبارت از علم است چهار نفر از ما و چهار نفر از سایر مردم
 آنهایی که خداوند میخواهد حاملین عرشند و محمد بن آس از حضرت باقر علیه السلام
 روایت کرده فرمود حاملین عرش چهار نفر از سابقین هستند و آنهاروح و ابراهیم موسی و
 عیسی میباشد و چهار نفر از متأخرین محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و
 امام حسین علیه السلام میباشد و معنای آنکه حمل میکنند عرش را یعنی علم را
 بر میدارند .

آنروز که در پیشگاه حساب شما را حاضر کنند هیچ کار از اسرار پنهانی شما پنهان نخواهد ماند (١٨) اما کسیکه نامه اعمال او را بدست راستش بدهند از شادی گوید بیائید نامه مرا بخوانید (١٩) من یقین داشتم که این روز حساب را ملاقات میکنم (٢٠) چنین کسی مد عیش و زندگانی خوشی خواهد بود (٢١) در بهشت عالی مرتبه (٢٢) که میوه های آن همیشه در دسترس است (٢٣) بآنها گویند از طعام و شرابهای بهشتی هر چه خواهید تناول کنید گوارا باد شما را که این پاداش اعمال گذشته است که برای امروز خود پیش فرستاده اید (٢٤) و اما آنکس که نامه اعمالش را بدست چپ دهند با کمال شرمندگی گوید ایکاش نامه مرا بمن میدادند (٢٥) و نمیدانستم حساب من چیست (٢٦) ایکاش مرا که از این غصه و عذاب نجات میداد (٢٧) مال و ثروت من امروز بفریاد من نرسد (٢٨) همه قدرت و شوکت من نابود گردید (٢٩)

(فاما من اوتی کتابه ییمینه فیقول هاهو اقرارؤا کتابه انی ظننت انی هلاق حسابیه) کسیکه نامه عملش را بدست راستش میدهند از شادی گوید بیائید نامه مرا بخوانید من ملاقات این روز حساب را اعتقاد داشتم محمد بن عباس ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرموده آیه مزبور در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده و جاریست در حق مؤمنین و این حدیث را ابن شهر آشوب و بعضی از مخالفین نیز روایت کرده اند .

ابن بابویه از عمار یاسر روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود فرشتگان حافظین علی علیه السلام اقتضای میکنند بر تمام حفظه زیرا بالا نمیروند بسوی پروردگار چیزی را که بغضب آورد او را و این حدیث را اخطب خوارزم و موفق بن احمد و ابن مغازلی شافعی که از مخالفین هستند روایت کرده اند .

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده روز قیامت هر طایفه ای را بخوانند و حاضر کنند با امامی که در عصر آن امام از دنیا رفته اند اگر اقرار و اعتراف نمودند بامام و اعتقاد بامامت او داشته نامه اعمالش را بدست راستش دهند

خُذُوهُ قُلُوبُهُ (۳۰) ثُمَّ الْجَبِيمَ صَلُّوهُ (۳۱) ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ
ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲) إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳) وَلَا
يُحْضِرُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳۴) فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَيْبَةٌ بِكُمْ (۳۵)
وَلَا طِلَافٌ إِلَّا مِنْ غِشَلِينَ (۳۶) لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْغَاطِلُونَ (۳۷) فَلَا أُفْسِمُ
بِأَنْ تَبْصُرُونَهُ (۳۸) وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ
(۴۰) وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ (۴۱) وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ
قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (۴۲) تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)

چنانکه میفرماید .

(یوم ندمو کل اناس بامعصم فمن اوتى كتابه يومئذ فاولئك يقرؤن كتابهم)
ویمین، اثبات و اعتقاد داشتن بامام است چه کتاب آن بزرگوار است و ائمه دوستان و
دشمنان خود را از صمیمانشان می شناسند و هر کس منکر امام شود و اعتقاد باو
نداشته باشد از اصحاب شمال است و نامه اعمال او را بدست چپش میدهند .

(فهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ قَطُوفُهَا دَانِيَةٌ كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا اسْلَفْتُمْ
فِي الْاَيَّامِ الْخَالِيَةِ) چنین مردمی مد عیش و زندگانی خوش خواهند بود در بهشت
عالی رتبه که میوه های آن همیشه دسترس است از طعام و شرابهای لذیذ و گوارای
بهشتی هر چه خواهند تناول کنند گوارا باد آنها را که این پاداش اعمال گذشته
دنیا است که برای امروز خویش بیش فرستاده اند .

(و اما من اوتى كتابه بشماله فيقول يا ليتنى لم اوت كتابيه ولم ادر ما حساييه
يا ليتها كانت الفاضيه ما اغنى عنى ماله هلك عنى سلطانيه) و آن کسیکه نامه عملش
را بدست چپ آورده اند با کمال شرمندگی و اندوه گویند ای کاش نامه مرا بمن نموده اند
و من از حساب انصاف آگاه نمیشدم ای کاش مرا از این غصه و عذاب نجات

خطاب رسد اورا بگیرید و در قلو و زنجیر کشید (۳۰) پس در آتش افکنید (۳۱) آنگاه بزنجیری که طولش هفتاد ذراع است در کشید و در آتش اندازید (۳۲) چه او بخدای بزرگ ایمان نیاورده بود (۳۳) و هرگز فقیر را بر سفره طعام نخوانده بود (۳۴) پس امروز هیچ خویش و دوستداری که بفریادش رسند ندارد (۳۵) و طعامی جز چرك و کثافت دوزخیان نصیبش نیست (۳۶) و آن طعام را جز اهل دوزخ کسی نمیخورد (۳۷) سو گند یاد نمیکم بآنچه می بینید (۳۸) و آنچه نمی بینید (۳۹) همانا این قرآن وحی و گفتار رسول بزرگوار است (۴۰) و قرآن نیست سخن شاعری اگر چه اندکی مردم بآن ایمان می آورند (۴۱) و نیست قرآن گفتار کاهن اگر چه اندکی از مردم منذکر آن میشوند (۴۲) این قرآن نازل شده از طرف پروردگار جهانیان (۴۳)

نمیداد مال و ثروت من امروز بفریاد من نرسد همه قدرت و حشمت معبود و نا پوه گردید .

(خذوه فخلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة ذرعا سبعون ذراعا فاسلقوه انه کان لا یؤمن بالله العظیم ولا یرض علی طعام المسکین فلیس له الیوم هینا حمیم ولا طعام الا من غسلین لایا کله الا الخاطئون) خطاب قهر خدا رسد بخازنان دوزخ که او را بگیرید و در غل و زنجیر کشید و بدوزخ در افکنید آنگاه بزنجیری که طولش هفتاد ذراع است بآتش در کشید چه او بخدای بزرگ ایمان نیاورده و هرگز فقیر بر ابر سفره طعام خون بمیل و رغبت نخوانده باین سبب امروز هیچ خویش و دوستی که بفریادش برسد ندارد و طعامی جز چرك و کثافت دوزخیان نصیبش نیست و نمیخورند آن طعام را جز گناه کاران و اهل دوزخ .

در کافی ذیل آیه (ثم فی سلسلة ذرعا سبعون ذراعا) از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده فرمود معاویه صاحب سلسله است و او فرعون این امت میباشد . این بابویه از پیغمبر اکرم علیه السلام روایت کرده فرمود اگر یک حلقه از آن زنجیر را بر تمام کوهها نهند از شدت حرارت آن گداخته شوند .
(فلا أقسم بما تبصرون و ما لا تبصرون انه لقول رسول کریم و ما هو بقول شاعر

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (۴۴) لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵)
ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶) فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (۴۷)
وَإِنَّهُ لَتَذَكَّرٌ لِلْمُحْتَمِلِينَ (۴۸) وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ
(۴۹) وَإِنَّهُ لَعَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰) وَإِنَّهُ لَعَقَّ الْيَقِينَ
(۵۱) فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

قلیلا ماتؤمنون ولایقولوا، کاهن قلبیلا ما تذکرون تنزیل من رب العالمین (قسم بآنچه
از آثار حق می بینید و آنچه نمی بینید که این قرآن بحقیقت وحی خدا و از
تلاوت و حکایت رسول بزرگوار است نه آنکه کلام و گفتار او است و این قرآن
سخن و گفتار خیالی و موهومی شاعری نیست اگر چه اندکی از مردم هوشیار بآن
ایمان می آورند و این قرآن سخن و حرف کاهن غیب گوئی باعتقاد شما نیست
اگر چه اندکی از مردم متذکر حقایق آن میشوند .

در این آیه هرودگار پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را منزله فرمود از شعر و کهنانی
چه کفار گاهی حضرتش را شاعرو بعضی از اوقات کاهن میگفتند در صورتیکه شعر
کلام «وزون و مقفی» باشد و قرآن «موزون و مقفی» نیست و اندیشه نکردند که هر کس
این سخنان را از ایشان بشنود تمسخر کند آنها را و کاهن آن باشد که او را میکند
برای از جن ربیقانی هست که از غیب و غایب خبر میدهند، خداوند در جواب
ایشان فرمود این قرآن بوحی و الوافه جن و شیاطین نیست بلکه از جانب خدای
جهانیان فروه آمده است آنگاه برای تنبیه کفار و خطای کمان بد آنها که به پیغمبر
و قرآن بردند که ممکن است این قرآن از کلام عبدی و از تلقاء نفس او باشد
فرمود اگر چنان است که شما میگوئید عبدی سخنان دروغی بما بسته
است البته ما او را بفر و انتقام خود میگیریم و رکش را جدا میگردیم و هیچ
یک از شما بر دفاع از او قاعد نبوده .

و اگر قلمخانی دروغ بیا میبست (٤٤) ما او را بفرستیم و انتقام میگیریم
 (٤٥) و رگ دلت را جدا میگردیم (٤٦) و هیچیک از شما قادر بر دفاع از او نبوده
 (٤٧) این قرآن پند و تذکرست از برای پرهیزکاران (٤٨) و ما میدانیم بعضی از
 شما آنرا تکذیب میکنید (٤٩) و تکذیب عاقبت مایه حسرت کافران است (٥٠)
 و این قرآن حق و حقیقت عاقل است (٥١) پس تو ای رسول گرامی نام خدای
 بزرگوار خود را بر این نعمت عظیم بستايش یاد کن (٥٢)

پایان ترجمه سوره الحاقه

در کافی ذیل آیه: وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ از حضرت صادق علیه السلام روایت
 کرده فرمود آن مردم گفتند که صلی الله علیه و آله بر خدا مدوغ بسته است و پروردگار امر
 نکرده او را بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام خداوند آیه فوق را نازل نمود و فرمود اگر
صلی الله علیه و آله بر ما سخنان دروغی بسته بود محققاً او را بفرستیم و انتقام میگیریم و رگ
 دلت را جدا میگردیم و کسی بر دفاع از او قادر نبوده پس از آن عطف فرمود بر آن
 آیات ذیل را .

(وَإِنَّ لَتَذَكُّرًا لِلْمُتَّقِينَ) یعنی ولایت امیر المؤمنین علیه السلام پند و تذکرست
 بحقیقت برای پرهیزکاران جهان .

(وَأَنَّا نَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ) و البته ما میدانیم که بعضی از شما تکذیب
 ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را مینمائید .

(وَإِنَّ لِحَسْرَةً عَلَى الْكَافِرِينَ) و وجود متدی امیر المؤمنین علیه السلام مایه حسرت
 و پشیمانی کفار و تکذیب کنندگان است .

(وَإِنَّ لِحَقًّا لِلْيَقِينِ) ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و وجود مقدسش بر حق و
 حقیقت و یقین عاقل است .

(فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ) پس ای رسول گرامی نام خدای بزرگوار را بر این
 نعمت بزرگ و فضیلتی که بتو و علی عطا فرموده بستايش یاد کن و - سبزه ارپاش

پایان سوره الحاقه

سوره معارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱) لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲) مِنَ اللَّهِ
ذِي الْمَعَارِجِ (۳) تَصْرُجُ الْفَلَائِكُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ
أَلْفَ سَنَةٍ (۴) قَاتِبِرٌ صَبْرًا جَبِيلًا (۵) إِنَّهُمْ يَخُوضُونَهُ بُعِيدًا (۶) وَنَرِيهِ
قَرِيبًا (۷) يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالِهَبٍ لَامِئًا (۸) وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹)

سوره معارج درمکه نازل شده و چهل و چهار آیه و دوست و شانزده کلمه و هزار و شصت و یک حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس بیار سوره معارج را قرائت کند روز قیامت خداوند از گناهانش مشوالت نکند و او را در جوار پیغمبر در بهشت قرار میدهد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند از مؤمنینی باشد که درک نموده دعوت حضرت نوح را و اگر محبوس یا معسور آن را قرائت نماید خداوند فرج در کار او عطا فرماید و حفظ کند او را تا بر گردد بسوی اهل خود .

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس این سوره را در شب قرائت کند ایمن باشد از جنایت و احتلام تا صبح خلاصه مطالب سوره معارج عبارت است از بیان اوصاف قیامت و پرش و جویا شدن هیچ خویش و اقربائی از ارحام و اقرباء . در اثر گرفتاری و شدت قیامت و هول آن .

نوله تعالی .

ترجمه سوره معارج

بنام خداوند بخشنده مهربان

سائلی از عذاب قیامت که وقوعش حتمی است و درخواست نمود (۱) آن عذاب را از کافران نتوانند کسی دفع کند (۲) آن عذاب از طرف خداوند صاحب درجات است (۳) فرشتگان و روح الامین برای گرفتن فرمان بسوی او بالا میروند و روزیکه اندازه آن پنجاه هزار سال است (۴) پس تو ای رسول ما برده بار باش و بهر نیکی که در پیش گیر (۵) این کافران روز قیامت را دور می بینند (۶) و ما نزدیک می بینیم (۷) روزیکه آسمان چون فلزی گداخته شود (۸) و کوه ها مانند پشم زده متلاشی گردند (۹)

(سئل سائل بمذاب واقع للکافرین لیس له دافع من الله ذی المعارج) سائلی درخواست نمود از عذابیکه واقع خواهد شد برای کافران و کسی نمی تواند دفع کند آنرا، آن عذاب از قهر خدای صاحب درجات است -

طبرسی از حسین بن محمد روایت کرده گفت از سفیان بن عیینه سؤال نمودم آیه فوقی در باره چه کسی نازل شده جواب داد سؤال کردی از چیزی که پیش از تو کسی این سؤال را از من ننمود خبر داد مرا حضرت صادق علیه السلام از پدرانش چون رسول خدا روز غدیر خم دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و بلند کرد در حضور مردم و فرمود هر کس من مولای او هستم علی نیز مولای او است و منصوب نمود آنحضرت را با امامت آشکارا و در قبایل عرب منتشر شد حارث بن نعمان فهری حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد عرض کرد ای محمد صلی الله علیه و آله امر نمودی ما را بگفتن اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله قبول کردیم و گردن نهادیم دیگر امر کردی در پنج وقت نماز بجا آوریم پذیرفتیم امر بزکوة و روزه و حج و سایر واجبات فرمودی اطاعت نمودیم، بتمام اینها راضی نشدی، تا بازوی پسر عمت علی را گرفتی و بالای منبر بلند کردی و او را با امامت و وصایت منصوب نمودی این کار را از طرف خود انجام دادی یا خدای تعالی تو را بآن امر نمود؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود بآن خدائی که

وَلَا يَسْتَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰) يُصَرُّوهُمْ يُؤَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ
عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ يَنْبِيهِ (۱۱) وَمَاحِجَتِهِ وَأَخِيهِ (۱۲) وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ
(۱۳) وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَمِيمًا ثُمَّ مُنْجِيهِ (۱۴) كَلَّا إِنَّهَا لَأُفْلَى (۱۵)
تَرَاةٌ لِلشَّوْىِ (۱۶) تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (۱۷) وَجَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)
إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ (۱۹) إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰) وَإِذَا مَسَّهُ
الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱) إِلَّا لِلْمُصَلِّينَ (۲۲) الَّذِينَ كَانُوا عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ
(۲۳) وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (۲۴) لِلْيَسَائِلِ وَالْخُرُومِ (۲۵)
وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيْنَ يَدَيْهِمُ الدِّينَ (۲۶)

جز او خدائی نیست من بامر و فرمان پروردگار علی را منصوب نمودم حادثه‌ی
برگردانید و گفت اللهم ان كان هذا هو الحق فامطر علينا حجارة من السماء او ائتنا
بعذاب الیم پرورده گارا اگر آنچه ~~عبدی~~ میگوید در باره علی از جانب تو و بر
حق است پس از آسمان بر سرمان سنگی ببار یا بمذاب دردناکی گرفتار کن ما را هنوز
براحله خود نرسیده بود که سنگی از آسمان فرود آمد و بر سر او اصابت کرد و
آما بهلاکت رسید خدای تعالی آیه فوق را نازل نمود -

در کافی ذیل آیه للکافرین لیس له دافع از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
فرمود سو کند بخدا جبرئیل آیه مزبور را بطریق ذیل نازل نموده للکافرین بولاية
علی لیس له دافع و در صحف حضرت فاطمه همین طور ثابت است و سبب نزول آیه را در
سوره انفال مفصلاً بیان نمودیم *

(تخرج الملائكة والروح اليه في يوم كان مقداره خمسين الف سنة فاصبر صبرا
جميلا انهم يرونه بعيدا و نرى قريبا يوم تكون السماء كالمهل و تكون الجبال كالعهن
ولا يستل حميم حميما) فرشتگان و روح الامین برای گرفتن فرمان بسوی عرش بالا

و کسی از عجزش و رحم خود نبرد (۱۰) و حقیقت حال بآنها نمودار شود
 آنروز گنه کار آرزو کند ایکاش بتواند فرزندان خود را فدا بدهد و از عذاب برهد
 (۱۱) وزن خود و برادانش (۱۲) و هم خویشاوندان و قبیله اش که همیشه حمایت
 میکردند از او (۱۳) و هر که روی زمین است همراه قنای خود گرداند تا از عذاب
 نجات یابد (۱۴) چنین نیست که بفدا نجات یابد آتش دوزخ بر او زبانه کشد (۱۵)
 تا سرو صورت و اندامش را بسوزاند (۱۶) دوزخ کسی را میخواند که از خدا روی
 گردانیده و با او مخالفت کرده (۱۷) و مال دنیا را جمع و ذخیره نموده (۱۸)
 انسان طبیعتاً حریص آفریده شده (۱۹) چون زبانی با و رسد بی قراری نماید (۲۰)
 و چون مال و دولتی با و رو کند بخل و رزق منعم احسان نماید (۲۱) مگر نماز گذاران
 (۲۲) همان کسانی که همیشه در نمازند (۲۳) و آنها تکیه در مال خود بهره ای معین
 کرده اند (۲۴) تا بفقران آبرومند محروم رسانند (۲۵) و آنانکه روز قیامت و جزا
 را تصدیق نمیکنند (۲۶)

دوند در روزیکه مقدارش پنجاه هزار سال است از سالهای دنیا و این خروج از زیر
 زمین تا بالای آسمان هفتم باشد برای فرمان امر الهی و آنچه در سوره سجده فرمود
 فی يوم کان مقدار الف سنة مراد بالا رفتن فرشتگان باشد از زمین تا آسمان اول
 در صعود و نزول چنانچه بیان آن در سوره سجده گذشت و مقصود آنست اگر
 انسانی بخواهد از اسفل زمین تا فوق آسمان هفتم سیر کند این مسافت را باید در
 پنجاه هزار سال طی نماید و بعضی گفتند مراد از آیه آنست اگر حساب خلایق
 بخواهند در دنیا بکشند یا تقویم کنند آنها بلغثانی پنجاه هزار سال طول بکشد
 چنانچه طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اگر متصدی حساب
 خلایق غیر از خدای تعالی باشد پنجاه هزار سال طول کشد ولی خداوند هر مدت يك
 ساعت از حساب خلایق فارغ شود و فرمود روز قیامت نصف نرسد مگر آنکه اهل
 بهشت در بهشت و اهل جهنم در جهنم قرار بگیرد و بعضی دیگر گفته اند معنای آیه
 آنست ابتداء نزول فرشتگان بدنيا برای رسانیدن اوامر و نواهی و قضای الهی بین

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابٍ رَئِیْمٍ مُشْفِقُونَ (۲۷) اِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَیْرُ مَا مُنُونِ
 (۲۸) وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹) اِلَّا عَلٰی اَزْوَاجِهِمْ اَوْ مَا
 مَلَكَتْ اَیْمَانُهُمْ فَلَا تُجَنَّبُ عَنْهُمُ اَصْنَافٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ فَلَا تَلْوُکَ
 هُمْ الْمَادُونَ (۳۱) وَالَّذِينَ هُمْ لِاَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲) وَالَّذِينَ
 هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ فَائِتُونَ (۳۳) وَالَّذِينَ هُمْ عَلٰی صَلَاتِهِمْ يَحَافِظُونَ (۳۴)
 اُولَئِكَ فِي تَجَنُّاتٍ مُّكْرَمُونَ (۳۵) قَالِ الَّذِیْنَ کَفَرُوا قَبْلَکَ مُنْطَبِعِیْنَ
 (۳۶) عَنِ النَّبِیِّ وَعَنِ الشَّمَالِ حِزْبِیْنَ (۳۷)

خلایق تا آخر عروج آنها با آسمان که روز قیامت است پنجاه هزار سال نخواهد بود
 پس مقدار دنیا پنجاه هزار سال است و معلوم نیست چه مقدار گذشته است و چه مقدار
 باقی مانده . .

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر گاه
 یکی از شما مردم حاجتی از خدا طلب میکند و میخواهد حاجتش بر آورده شود باید
 بکلی از مردم چشم بپوشد و مأیوس گردد و امیدواری او بجز خدا نباشد و خداوند از
 از دل او آگه است اگر چنین باشد پروردگار حاجت او را روا کند و فرمود ایم مردم
 حساب نفس خود کنید پیش از آنکه بحساب شما برسند بدانید از برای قیامت
 پنجاه موقوف است هر موقفی هزار سال طول بکشد پس از آن آیه را تلاوت فرمودند . .
 و از ابو سعید خدری روایت کرده که حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم
 چقدر روز حساب طولانی است فرمود با آنکه آنیکه جانم در دست قدرت او است آن
 روز برای مؤمن کمتر است از بجا آوردن نماز واجب در دنیا . .

ایر دلول ما صبر کن صبر نیکو، و صبر نیکو آنست که بدون جزع باشد این
 کافران روز قیامت را دور می بینند و ما آنرا نزدیک می بینیم برای آنکه هر چه

و کسانی که از عذاب پروردگار خود ترسند (۲۷) همانا از عذاب پروردگار کسی ایمن نیست (۲۸) و آنهایی که اندام خود را از شهوت نگاه میدارند (۲۹) مگر بر زنان حلال و کنیزان ملکی خود که در شهوت رانی با آنها هیچ ملامتی برایشان نیست (۳۰) و هر کس جز این جوید ستمکار است (۳۱) و کسانی که امانت و عهد و پیمان را رهايت میکنند (۳۲) و آنهایی که برای شهادت بحق قیام کنند (۳۳) و آنهایی که بر نماز محافظه نمایند (۳۴) این طوایف در باغهای بهشت با عزت و احترام مشغولند (۳۵) ای رسول ما چه سبب شده که کافران بجانب تومیشتابند (۳۶) و از راست و چپ پراکنده میشوند (۳۷)

آمدنی است نزدیک باشد یاد کن روزی که آسمان با آن عظمت از هول چون زر گداخته شود و کوه ها بآن سختی چون پشم زده پراکنده شود نهر سدهیچ خوبشی از خویشاوند خود در اثر آنچه بنخود مشغول باشد آنروز چون حقیقت حال را بآنها بنمایند کافر بدکار آرزو کند که ایکاش توانستی فرزندان را فدای خود سازد و از عذاب برهد و هم زن و برادرش و عویشان و طایفه ای که همیشه حمایتش میکردند و هر کس که روی زمین است همه را فدای خود گرماند تا از عذاب آنروز نجات یابد و هرگز بفدا نجات نیابد و آتش دوزخ بر او سخت شعله ور است و سرو صودت و اندامش را تمام بسوزاند هر کس که از ایمان دوری جست و بر گردیده و پشت بر او کرده دوزخ بسوی خود بخواهد چه این کافران مال دنیا را جمع کرده و همه را ذخیره نمود و بد را، خدا اتفاق نکردند پس از آن وصف آدمی کرد و فرمود انسان را حریص آفریده اند و حرص او بر حرام بیشتر اسباب حلال و چون باو بدی رسد جزع کند و اگر نیکی برسد بخل ورزد مقصود از شر در این آیه فقر و احتیاج است و مراد از خیر غنا و ثروت است آنگاه خارج کره از این قبیل مردم نماز گذاران را و فرمود مگر آنهایی که پیوسته در نماز و طاعت خدا عمر خود را میگذارند →
این بابویه در تفسیر آیه الذین هم علی صلواتهم دائمون از حضرت موسی بن جعفر

أَيُّطَعُمْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸) كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ
 مِمَّا يَتْلُونَ (۳۹) فَلَا أَفْئِمَّةَ يَرْبُ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا تَقَادِرُونَ
 (۴۰) عَلَى أَنْ تُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱) فَذَرْنَهُمْ
 يَخُوضُوا وَتَلَعِبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۴۲) يَوْمَ
 يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَتْهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُؤْفَضُونَ (۴۳)
 خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

روایت کرده فرمود منظور از آیه شبیهان ما هستند که در شبانه روز پنجاه رکعت نماز بها می آورند یعنی واجبات پنجگانه را با نوافل مرتبه آنها ادا میکنند .

در کافی ذیل آیه والدین فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند از برای فقرا در اموال اغنیاء حق واجب نموده که بواسطه اداء آن ستایش کرده نمیشود و آن حق زکوة است بدادن زکوة خون آنها محفوظ میشود و مسلمان با آنها میگویند و حق معلوم غیر زکوة است و آن چیز است که شخص بقدر وسع استطاعت مالش بر خود واجب میکند اگر بخواهد در هر روز و یا در هر جمعه و هفته و یا در هر ماه ادا میکند آنرا .

سائل کسی است که از مردم طلب و درخواست میکند و محروم آنست که از پیشه و حرفه و کدیمین معنوع و محروم است و ذیل آیه والدین یصدقون بیوم الدین از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از دین در این آیه روز ظهور و خروج حضرت قائم حجة علیه السلام است .

(والذینهم من عذاب ربهم مشفقون ان عذاب ربهم غیر مکره عطف است بر آیه الذینهم علی صلواتهم یعنی مگر محامدون ؛) و آنانکه از قهر و عذاب خدای خود

آیا طمع دارند که هر مردی از آنها در بهشت پر نعمت داخل شوند (۳۸) چنین نیست
ما آفریدیم آنها را از آنچه میدانند (۳۹) چنین نیست و گویند بخدای مشرق و مغرب عای
جهان که ما توانائیم (۴۰) آنها را هلاک سازیم و بجای ایشان مخلوق بهتری
بیافرینیم و کسی در قدرت بر ما پیشی نخواهد یافت (۴۱) پس تو ابرسول آنها را
بکفر و گمراهی خود واگذار که بیازبچه دنیا مشغول شوند تا روزیکه ملاقات کنند
آن عداپیکه بآنها وعده داده شده (۴۲) آتروز بشتاب سراز قبرها بر آورده و گویا
بسوی پتھاگیبکه بجای خدا می پرستیدند بشتابان روند (۴۳) در حالیکه دیدمهایشان
فرورفته و ذلت و خواری آنها را احاطه کره ما این همان روزیست که رسولان حق بایشان
وعده دادند (۴۴)

پایان ترجمه سوره معارج

میترسند چه از عذاب خدا هیچکس ایمن نیست.

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ حِفْظِهِمْ آلَاغَىٰ لَهُمْ أَفْوَاجًا ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿١٠٠﴾
 را از شهوت رانی نگاه میدارند جز بر زنان و کنیزان ملکی خود که حلالست بر
 ایشان و شهوت رانی با آنها هیچ حلافتی ندارد و هر کس جز این چیزی طلب کند که
 حلال بر او نباشد متجاوز و شتمکار است و بر خود ظلم کرده و حفظ نفس خود را
 ناقص نموده - ۱ - در کافی ذیل آیه مزبور از ابی ساره روایت کرده گفت سؤال نمودم
 از حضرت صادق علیه السلام متعه با زنان حلال است ؛ فرمود بلی لکن تزویج نکن مگر
 زنان عقیقه را و نگذار فرج خود را در محلی که اطعمیان بردارم خود نداری یعنی
 با زنان متهمه به سرقت و ناموس فروش ازدواج نکن .

(والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون والذین هم بشا ماتهم قائمون والذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک فی جنات مکرمون) و مگر آنانکه عهدهای خود و امانت های مردم را رعایت و نگاهدارند و کسانی که برای اداء شهادت بحق قیام کنند و آنهاست که بر نماز محافظت میکنند تا مد اوقاتشان بجا آورند و کسانی که جامع این خصال باشند در باغهای بهشت عزیز و مکرمند .

این بابویه ذیل آیه والذینهم علی صلواتهم صافظون از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود کسانی که از شیعیان مانند پنجگانه رادر اوقاتشان بجا آورند و عارف بحق نماز باشند و کاری را بر نماز مقدم ندارند در نامه اعمال آنها بیزاری از آتش دوزخ را برای ایشان بنویسند و آنها تیکه نماز را بجای میآورند ولی کارهای خود را بر آن مقدم میدارند اگر بخواهد خداوند آنان را بیمارزد و اگر بخواهد نمیآمرزد .

(فما للذین کفروا قبلکم مطمین عن الیمین وعن الشمال عزین ایطمع کل امرئ منهم ان یدخل جنة نعیم کلا انا خلقناهم مما یعلمون) سبب نزول آیه آن بود مشرکین و منافقین پیرامون پیغمبر اکرم جمع میشدند و استهزا، باو و اصحاب میکردند و میگفتند اگر چنان است که محمد صلی الله علیه و آله میگردد اینان به بهشت خواهند رفت ما پیش از این مؤمنین به بهشت خواهیم رفت و جای ما بهتر از ایشان باشد پروردگار آیه را نازل نمود و فرمود آنها طمع دارند این منافقین و مشرکین که در بهشت با ما و نعمت داخل شوند هرگز این نشود چه آنها خود میدانند که ما ایشان را از نطفه و علقه آفریده ایم پس کسی مستوجب بهشت نمیشود بنسب که اصل خلقت یکی است بلکه بطاعت و عمل صالح مستوجب بهشت میشوند .

(فلا اقسام برب المشارق والمغارب انا لاقادون علی ان نبدل خیرا منهم ومانجن بمسبوقین) سوگند به پروردگار مشرق و مغرب های عالم که ما قاده ایم آنها را هلاک سازیم و بجای ایشان خلقی بهتر از آنها بیافرینیم و هرگز کسی در قدرت بر ما پیشی نخواهد یافت .

شرف الدین نجفی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مشارق در این آیه پیغمبران و مغارب اوصیاء آنها میباشند .

(فذروهم یخوضوا و یلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون یوم یخرجون من الاجداث سراعا کانهم الی نصب یوخصون خاشعة ایصارهم ترهقهم ذلة ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون) پس از آن برای تهدید میفرماید ای رسول ما رها کن این کفار و منافقین را بازی کنند در دنیا و دل یان بندند تا ملاقات کنند روزی را که

وعدہ عذاب بآنها داده اند آنروز بشتاب سر از قبرها بر آورده و بسوی معبودان باطل و نتیجہ اعمال زشت خود بسرعت بیروند در حالیکہ چشمان آنها از هول و ترس قیامت بخواری فرو رفته و ذلت کفر و نافرمانی بر ایشان احاطہ کردہ این همان روزیستکہ رسولان حق بآنها وعدہ داده بودند ۔

شرف الدین نجفی ذیل آیہ ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمودہ روز موعودہ روز ظهور و مجروح حضرت قائم حجت عجل اللہ تعالی فرجہ العریف میباشد ۔

پایان سورہ معارج

سوره نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ (۱) قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۲) أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ
 وَأَطِيعُوا (۳) يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْزِكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ
 أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴)

سوره نوح در مکه نازل شده و بیست و نه آیه و دویست و بیست و چهار کلمه و نهصد و بیست و نه حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده هر کس سوره نوح را قرائت کند در نمازهای واجب خود خداوند در بهشت دویست حور البین باو تزویج نماید و هر کس شب و روز مداومت کند بر قرائت این سوره نمرد تا آنکه جایگاه خود را در بهشت مشاهده کند و هر کس آن را قرائت کند و در خاتمه قرائت حاجات خود را از خداوند طلب نماید بر آورده شود و هر کس ایمان بخدا دارد تلاوت این سوره را رها نکند و او از کسانی باشد که درك نموده دعوت نوح را.

خلاصه مطالب این سوره در بهشت نوح و تبلیغ اوست و تکذیب کردن و ایمان نیاوردن مردم به آن حضرت و هلاک و غرق شدن آنها است.

قوله تعالی (إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْزِكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)

ترجمه سوره نوح

بنام خداوند بخشنده مهربان

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم تا آنها را بترساند پیش از آنکه برایشان عذاب دردناک فرا رسد (۱) نوح گفت ای قوم من شما را با بیانی روشن از عذاب خدا میترسانم (۲) خدا را بیگانهی بیرستید و پرهیز کارشوید و مرا فرمان برید (۳) تا خدا از گناهان شما درگذرد و همزمان راتا مدت معین بتأخیراندازد و عذاب الهی چون وفتش فرا رسد مؤخر نشود (۴) اگر بدانید (۴)

لکم من ذنوبکم و یؤخرکم الی اجل مسمى ان اجل الله اذا جاء لا یؤخر لو کنتم تعلمون) ما نوح را برسانت بسوی قومش فرستادیم و گفتیم که آنها را پندو اندرزد بدهد و بترساند پیش از آنکه عذاب دردناکی بایشان برسد نوح بسوی آنها رفت و گفت ای امت ، من شما را با بیانی روشن از عذاب خدای میترسانم خدا را بیگانهی بیرستید و از معاصی او اجتناب کنید و فرمان من بپیرید (چه فرمان پینمبر فرمان خدا است) تا خدا شما را بپامرد و همزمان راتا وقت معین و طبیعی بتأخیر اندازد و اجل الهی چون وفتش رسد تأخیر مد آن نباشد اگر بدانید ، و این آیه دلیل است بر ثابت بودن دو اجل یکی ادنی و دیگری اقصی و اقصی مشروط است بایمان و تقوی و هبایت خداوند چون ایسان نیاموردند و تقوی را پیشه خود نساختند باجل اقصی نرسیدند و باجل اول هلاک و فرق شدند (فالدب انی دعوت قومی لیلا و نهارا فلم یزدحم دعائی الا فرارا و انی کلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا اصابهم فی اذا نهم و استغشوا تیا بهم و اصرروا و استکبروا استکبارا ثم انی دعوتهم جبارا ثم انی اعلنت لهم و اسررت لهم اسرا را قلی استغفروا ربکم انه کان عفارا) نوح گفت : پروردگارا من آنچه قوم را شب و روز دعوت میکنم دعوت من جز بر فرار و دوری آنها نمی افزاید و هر چه آنان را بمنفرت و آمرزش تو خواندم انگشت هاند گوش نهاده اند و جامه پر خمار کشیدند و بر کفر اصرار و لجبایت کردند و سخت راه تکبر و نخوت پیمودند باز هم ایشان را پندای بلند

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵) فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا
 فِرَارًا (۶) وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْيِرَ لَهُمْ جَسَدًا أَصَابَتْهُمْ فِي آذَانِهِمْ
 وَاسْتَعْصَمُوا بِيَابِهِمْ وَاصَرُوا وَانْكَبَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا (۷) ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ
 جِهَارًا (۸) ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹) فَقُلْتُ
 اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰) يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (۱۱)
 وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ آمَاطًا مِّنْ بَنِينٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٌ وَ يُجْعَلْ لَّكُمْ أَنْهَارٌ
 (۱۲) مَا لَكُم لَّا تَرْجُونَ قِيَامَ يَوْمٍ قَارًا (۱۳) وَ قَدْ خَلَقْكُمْ أَطْوَارًا (۱۴)

دعوت کردم اجابت نکردند آنگاه آشکارا دعوت نمودم و در خلوت و پنهان بهر
 وجه که ممکن بود دعوت کردم و گفتم ای مردم بدرگاه تخدای خود توبه کنید و
 آمرزش طلبید که او بسیار خدای آمرزنده است .

در کافی از سعید بن یسار روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام
 عرض کردم از برای من فرزند متولد نمیشود فرمود هر شب صد مرتبه استغفار کن
 و اگر فراموش کردی در روز بگو چه خداوند میفرماید :

(وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ آمَاطًا مِّنْ بَنِينٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٌ وَ يُجْعَلْ لَّكُمْ أَنْهَارٌ)
 استغفار کنید تا خداوند شما را بمال بسیار و پسران متعدده کمک فرماید و باغهای
 خرم و نهر های جاری بشما عطا کند و آبش کلبی نیز شکایت کره اری فرزندی
 بحضرت باقر علیه السلام آنحضرت هم همین دستور را باو داد :

(مَا لَكُم لَّا تَرْجُونَ قِيَامَ يَوْمٍ قَارًا وَ قَدْ خَلَقْكُمْ أَطْوَارًا) نوح بامت خود گفت چرا
 شما خدا را بیررگی و عظمت یاد نمیکنید و حال آنکه خداوند شما را از نطفه ای
 بانواع خلقت و اطوار گونا گون بیافرید نطفه را علقه و مضغه و عظام و لحم
 مبدل کرد آنگاه روح در او دمید طفل و کودک و جوان و پیر خرف گردانید .

نوح گفت پروردگارا من شب و روز، قوم را دعوت میکنم (۵) جز بر فراد و دوری نینفوذ آنها را (۶) و هر چه آنان را خواندم تا بیاورزی ایشان را انگشتنهای خود را بر گوشها نهادند و جمله بر خسار کشیدند و بر کفر و سرکشی اصرار کردند و راه کبر و نخوت پیمودند (۷) باز هم آنها را به آواز بلند خواندم (۸) پس از آن آشکارا و در خلوت دعوت نمودم (۹) و گفتم از خدای خود طلب آمرزش کنید او آمرزنده است (۱۰) میفرستد بر شما از آسمان آبر بسیار بارنده (۱۱) و شما را بمال و فرزندان کمک کند و نهر ها جاری نماید برای شما (۱۲) چرا شما مردم خدا را بیزرگی یاد نمیکنید و باو امیدوار نیستید (۱۳) همانا خدا شما را از نطفه گوناگون آفرید (۱۴)

الم تر وَا كَيْفَ خَلَقَ اللّٰهُ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ طِبَاقًا وَّ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيْهِنَّ نُوْرًا وَّ جَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا وَاَللهُ اَنۡتَبِهُكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ نَبَاتًا ثُمَّ يَعۡبُدُكُمْ فِيْهَا وَيُخْرِجَكُم مِّنۡهَا وَاَللهُ جَعَلَ لَكُم مِّنَ الْاَرْضِ بِسَاطًا لِتَسۡلُكُوْا مِنْهَا سَبَٰلًا مُّجَاجًا)
آیا نمی بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را بطبقاتی بسیار منظم و محکم آفرید و ماه را در آن نور دهنده و خورشید را چراغی فروزان ساخت و خدا شما را مانند نباتات مختلف از زمین برویاند پس از آن بار دیگر بر زمین بار گرداند آنگاه شما را از خاک برانگیزد و بیرون آورد و خداوند زمین را برای شما بستر بگسترانید تا در آن راههای مختلف برای تحصیل معاش و معاد به پیمائید .

(قال نوح رب انهم عصوني و اتبعوا من لم يزلهم ماله وولده الاغصارا و مكر و امكرا كبارا و قالوا لا تنفذن آلهتكم و لا تنفذن ودا و لا سواما و لا ينوث و يعوقو نسرا) نوح گفت پروردگارا این قوم مخالفت کردند با من و پیروی کسانی شدند از ارباب دنیا که مال و فرزندان آنها را جز زیان کاری نیفزاید و بر ضد من بزرگترین مکر و حيله را بکار میرهند .

مکر بزرگ آن بوه که مردم دست فرزندان خود را می گرفتند و آنها را نزد نوح میبردند و میگفتند فرزندان خود این مرد پس منم که ما شما را غریب

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵) وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا (۱۶) وَاللَّهُ آتِبَتُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷) ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۱۸) وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا (۱۹) لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (۲۰) قَالَ نُوحُ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْني وَآتَبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَّهُهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۱) وَ مَكَرُوا مَكْرًا كَبِيرًا (۲۲) وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا (۲۳)

نهدد فرمان او را نبرید که جادو گر و دیوانه است سخنی نمیگوید که در آن خیر و صلاح باشد رؤسای امت نوح باتباع خود گفتند هرگز دست از خدایان خود بر ندارید وبت و دد و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود پیش از نوح طائفه ای از مؤمنین بودند که بسیار عبادت بها میآوردند وفات کردند برآمدن ایشان سخت بر آنها اندوهناک شدند شیطان نزد ایشان آمد گفت محزون نشوید من تمثال آنها را برای شما میسازم تا انس بآن صورتها پیدا کنید چند بت بصورت آنها ساخت و نام آن مؤمنین را بر آن بتها گذاشت مردم به آن صورتها انس پیدا کردند و مشغول عبادت پروردگار شدند چون زمستان شد آن صورتها را داخل خانه کردند قرتی گذشت و آن مردم وفات نمودند شیطان نزد فرزندان آنها آمد بایشان گفت اینان خدایانی هستند که پدران شما آنها را پرستش مینمودند آنها آن صورتها را پرستش کردند و گمراه شدند و ابتداییت پرستی از آن زمان شد خدای تعالی نوح را فرستاد تا آنها را بطلان پرستی دعوت کند

آیا ندیدید چگونه خداوند هفت آسمان را بطیقاتی منظم آفرید (۱۵) و در آن آسمانها ماه شب را فروغی تابان و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت (۱۶) و خدا شما را مانند نباتات از زمین رویانید (۱۷) سپس باز میگردد شما را در آن زمین و بار دیگر از زمین برانگیزد (۱۸) و خدا زمین را برای شما چون بستر بگسترانید (۱۹) تا در آن راههای مختلف برای تحصیل معاش و معاد به پیمائید (۲۰) نوح گفت پروردگارا این قوم مرا نافرمانی کردند و پیروی نمودند از کسیکه مال و فرزند او جز بزیانش نیفزود (۲۱) و سکر و حيله بزرگی بکار بردند (۲۲) و گفتند هرگز خدایان خود را رها نکنید و دست از پرستش بتهای ود - وسواع - و یفوث - و یعوق و نسر باز ندارید (۲۳)

نوح هر چه ایشان را دعوت نمود نپذیرفتند لذا از خداوند هلاک آنها را خواست.

چون طوفان شد بتها در زیر خاک و گل پنهان شدند شیطان آنها را برای مشرکین عرب بیرون آورد حضرت باقر علیه السلام فرمود:

وه بت طایفه کلاب و سواع بت قبيله هذیل و یفوث بت طایفه مراد و یعوق بت قبيله حمدان و نسر بت طایفه حصون بود.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود قریش بتهای خود را اطراف خانه کعبه گذاشته بودند یفوث معافی در خانه و یعوق طرف راست و نسر طرف چپ قرار داشت آنها را بمشک و عنبر خوشبو میکردند و اطراف آن بتها طواف مینمودند و میگفتند اللهم لیك لیك لا شريك لك الا شريك لك الا شريك هو لك تملكه و مالك خداوند زبورهای سبزی فرستاد تا آن مشک و عنبر بتها را بخورند و آیه ذیل را نازل کرد.

(یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذبابا ولوا جتمعوا له و ان یسلبهم الذیاب شیئا لا یتقنوه منه ضعف الطالب و المطلوب) سوره حج آیه ۲۲ ای مردم مشرک یابین مثل که زده شده برای شما

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴) مِمَّا تَخْتِطِبُنَاهُمْ
 أَغْرَقُوا فَأَدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (۲۵) وَقَالَ
 نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذَبَابًا (۲۶) إِنَّكَ إِنِ
 تَذَرْتَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاكِراً كَفَّارًا (۲۷) رَبِّ اغْفِرْ
 لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلَّذِينَ دَخَلُوا فِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ
 الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)

گوش فرا دارید آن بتها که بدون خدا میسوانید هرگز بر خلقت مگسی هر
 چند همه اجتماع کنند قادر نیستند و اگر مگس تا توان چیزی از آنها بگیرد قدرت
 بر باز گرفتن آنها ندارند طالب و مطلوب که عبارت از عابد و معبود است هر دو
 تا توانند.

(و قد اضلوا كثيرا ولا تزه الظالمين الا ضللا) و آنها بسیاری از خلق را
 گمراه کردند یعنی در اثر پرستش بت بسیاری گمراه شدندو نسبت دادن گمراهی
 به بتها با آنکه چاهاند برای آنست که سبب گمراهی، بتها بودند نظیر آیه ربانین
 اضللن كثيرا من الناس آنگاه نوح بر آنقوم نفرین کرد و گفت پروردگارا
 ستمکاران را میفرز از هلاکت و آنها از زیادهای کفر و معصیت عاقبت در دریا
 غرق شدند و به آتش دوزخ در افتادند و نیز خدا هیچ یار و یاروی نیافتند.

(و قال نوح رب لا تذر علی الارض من الکافرین ذبارا ابک ان تذرم یضلوا
 عبادک ولا یلدوا الا فاجرا کمارا) نوح گفت پروردگارا رها مکن بر روی زمین
 از کافران کسی را یعنی هیچکس را باقی نگذار چه اگر باقی گذاری بندگان با
 ایمان را گمراه میکنند و فرزندی هم جز بد کار کافر نزنند و جمله اخیر خبر
 دادن از غیب است چه خدای تعالی خیر داه نوح را که ایمان نیاورند هرگز قومت.

آنها بسیاری از خلق را گمراه کردند و نوح گفت پروردگارا چیز بگمراهی ستمکاران چیری نیفرزا (۲۴) آنقوم از زیادی گناهانشان غرق شدند و یا تش دوزخ درافتادند و حز خدا برای خود هیچ یار و یابوری نیافتند (۲۵) نوح گفت پروردگارا تو در روی زمین هیچکس از این کافرین را باقی نگذار (۲۶) اگر از آنها باقی بگذاری بندگانت را گمراه کنند و جز بدکار و کافر فرزندی نزنند (۲۷) آنگاه نوح گفت پروردگارا من و پددم و مادرم و هر کس داخل خانه من شود با ایمان و مردان و زنان و مؤمنین و مؤمنات را ببخش و بیمارز و ستمکاران را چیز برهلاک و عذابشان میفرزای (۲۸)

پایان سوره نوح

علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از صالح بن عیشم روایت کرده گفت حضور حضرت باقر (علیه السلام) عرض کردند نوح از کجا دانست که آن مردم جز فاجر و کافر فرزندان نزنند فرمود مگر نشنیدی قول خداوند را که میفرماید از برای نوح لن یؤمن قومك الا من قد آمن

(رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمنا و للمؤمنین و المؤمنات و لا تزد الظالمین الا تبارا) پس از آن نوح برای خود و پددم و مادرم و مؤمنین دعای خیر نمود و گفت پروردگارا من و پددم و مادرم را و هر کس که در خانه من آید و مؤمن باشد و مردان و زنان با ایمان را بیمارز و ببخش و ستمکاران را جز برهلاک و عذابشان میفرزای .

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده فرموده مقصود از بیت در اینجا ولایت است و هر کس داخل در ولایت شد در خانه پیغمبران وارد شده است و همراه ارمؤمنین امیر المؤمنین (علیه السلام) و مؤمنات حضرت فاطمه علیها سلام است و قصد نموده از ظالمین در آیه آخر ستمکاران آل محمد (علیهم السلام) را و کسانی که بر اهل بیت ظلم و ستم نموده و حقوق آن بزرگواران را غصب کردند .

پایان سوره نوح

سورة الجن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ قَالُوا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱)
 يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲) وَأَنَّهُ تَعَالَى
 جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳) وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ
 شَطَطًا (۴) وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۵)

سوره جن در مکه نازل شده و بیست و هشت آیه و دویست و هشتاد و پنج کلمه و هشتصد و هفتاد حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن ، ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس بسیار سوره جن را تلاوت کند از آفت و آزار اجنه و سحر جادو گران محفوظ بماند و در امان باشد و در مکانیکه چنان هستند اگر این سور را قرائت کند از آنجا بروند و پراکنده شوند و اگر بخواند آن را وارد بر پادشاه بشود از شر آن در امان باشد و اگر محبوس این سور را قرائت کند خداوند آسان کند بر او بیرون آمدن از حبس را و اگر در حال تنگی معیشت قرائت کند آن را پروره کار فرج و گشایش باو عطا فرماید و در خواص قرائت آن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سور را قرائت کند خداوند بتعداد چنانی که به رسول خدا ایمان آورده اند اجر و ثواب باو مرحمت فرماید .

خلاصه مطالب سوره جن عبارت است از داستان ایمان آوردن اجنه در اثر گوش فرا دادن بقرآن و قدرت پروردگار بر سوء و زبان رسانیدن بر بندگان و کیفر گناهکاران و چیز خداوند کسی بر قیام قیامت آگاه نیست و غیر از خدا و

ترجمه سوره جن

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو وحی شد بسوی من که چند نفر از جنیان شنیدند آیات قرآن را پس گفتند که ما شنیدیم قرآنی شکفت آور (۱) این قرآن است میکند بسوی رشد و صلاح پس ما بآن ایمان آورده و هرگز کسی را شریک و انباز با پروردگار خود قرار ندهیم (۲) همانا بلند مرتبه است پروردگار ما و هرگز همدم و فرزندی نگرفته است (۳) و البته بیخردان ما بخدا دروغ بستند (۴) و ما چنین گمان میکردیم که هرگز آدمی و جن بر خدا دروغ نگویند (۵)

بر گزیدگان او کسی دانی بنیب نیست .

قوله تعالی (قل اوحی الی انه استمع نقر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا یمدی الی الارشاد فآمننا به ولن نشرك بربنا احدا وانه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبه ولا ولدا و انه كان یقول سفینا علی الله شیطا) ای رسول ما بگو مرا وحی رسید که طایفه‌ای از جنیان بآیات قرآن هنگام قرائت من گوش دادند و پس از شنیدن گفتند ما قرآن عجیبی می‌شنویم این قرآن خلاق را براه خیر و صلاح هدایت و دهبری میکند بدین سبب ما بآن ایمان آورده و از این پس هرگز برای خدای خود شریک و انباز نخواهیم گرفت. همانا بزرگوار و بلند مرتبه و عظیم الشأن است پروردگار ما و هرگز همسر و جفت و فرزندی نگرفته است سفیان و بیخردان ما بخدا دروغ بسته‌اند که نسبت فرزندی باو داده‌اند .

این آیه دلیل است بر آنکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شده بر جن و انس و دیگر آنکه جنیان دارای عقل و شعور هستند و موره خطاب پروردگار واقع میشوند و آنها بلغات عرب عارف هستند و تمیز میدهند معجزه را از غیر آن و قوم خود را با اسلام دعوت کردند و خیر دادند آنها را با عجاز قرآن و آنکه قرآن کلام پروردگار است چه آنکه کلام و گفتار پندگان سبب تعجب نمیشود و تعجب قرآن برای آنست که از حد عادت از حیث تألیف و فصاحت خارج است و همان است از

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يُعَذِّبُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنَّ فَرَادُوهُمْ رَهَقًا (۶)
وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَمِيتَ اللَّهُ أَحَدًا (۷) وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ
فَوَجَدْنَاَهَا مُمْلِئَةً حَرًى شَدِيدًا وَنُجُومًا (۸) وَأَنَّا كُنَّا نَقْدُبُ مِنْهَا مَقَاعِدَ
لِلْمُسْمَرِ فَمَنْ يَسْتَعِمِرُ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا (۹) وَأَنَّا لَا تَدْرِي أَشَرُّ
أَمِيدَ يَمْنٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (۱۰) وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ
وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا (۱۱) وَأَنَّا عَلَّمْنَا أَن لَّنْ نُجِزَ اللَّهُ
فِي الْأَرْضِ وَلَئِنْ نَجِزُهُ حَرَبًا (۱۲)

جهت لفظ و معنی و نظام با کلام مخلوق و کمی توانائی ندارد که آیه و سوره‌ای
مانند قرآن بیاورد و متضمن داستان گذشته و آینده است و جاری نموده آن را
خداوند تعالی بر دست کسیکه بدی نتواند و تحصیل دانش و آموزش نموده و در میان
مردم جزیره العرب که ابدابهره‌ای از علم و دانش نداشتند نشأ و نما کرده لذا بزرگ
شمردند او را و تعجب کردند از بیان قرآن هنگامیکه شنیدند .

طبرسی از ابن عباس روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتداء امر
جنیان را ندید تا قرآن را بر آنها قرائت کند آنحضرت با جمعی از اصحاب بسوی
بازار عکاظ تشریف بردند و چون مانع شدند از بالا رفتن جنیان و شیاطین بآسمان
باز گشتند بسوی قوم خود بآنها گفتند ممنوع شدیم از رفتن بآسمان و باتیر شهاب
مارا رانند گفتند بیکدیگر متفرق شویم در اقطار عالم تا به بینیم چه حادثه‌ای
پیش آمده که در اثر آن ما را نمیگذارند بآسمان برویم آنها پراکنده شدند در
روی زمین جمعی از ایشان آمدند بطرف تهامة تا رسیدند زیر درختی که در
حوالی سوق عکاظ بود مشاهده کردند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با اصحاب مشغول نماز
صبح است و در نماز تلاوت قرآن مینمایند گوش فرا دادند بقرآن و شنیدند آیاتی

همانا مردانی از نوع بشر بگردانی از جن پناه میبردند پس آنها را افزودیم
 سرکشی (۶) و جنیان مانند شما آدمیان می پنداشتند که هرگز بر نینگیزد در قیامت
 خدا کسی را (۷) و جنیان گفتند ما دریافتیم که آسمان پر شده از نگهبانان شهاب
 و توانا و تیر شهاب آتشبار (۸) و ما پیش از نزول قرآن در کعبه می نشستیم برای
 شنیدن سخنان آسمانی اینک هر کس بخواهد گوش بدهد تیر شهاب آتشبار در کعبه نگاه
 او است (۹) و ما نمیدانیم که آیا بدی خواسته شده برای آنها تیکه در زمین
 هستند یا آنکه پروردگار اراده فرموده ایشان را براء خیر و ستگاب فرماید (۱۰)
 همانا بعضی از ما صالح و شایسته اند و بعضی دیگر ناشایسته و ما طوایف مختلف و
 متفرق هستیم (۱۱) و ما چنین پنداشتیم که هرگز خدا را در زمین عاجز نکنیم
 و نتوانیم بر او غالب شویم و از محیط اقتدارش بیرون رفته و فرار کنیم (۱۲)

چند از قرآن را پس از آن رفتند و بقوم خود خبر دادند و گفتند مبعوث شدن
 محمد ﷺ سبب شده که ما را نمیگذارند با آسمان بالا برویم و آنها نه نفیر بوندند از
 طایفه جنیان نصیبین و شعیبان که بزرگترین طایفه جنیان هستند .
 در تہذیب از حضرت باقر ع علیه السلام روایت کرده فرمود دو چیز است هر گاه
 شخصی آنها را در نماز بخواند نمازش فاسد و مودیکی گفتن تبارک اسمک و تعالی
 جدک و لا اله غیرک این سخن گفتار جنیان است و ندانستند که بخداوند چندنتوان
 گفت و پروردگار در این آیه حکایت قول جنیان را نموده و دیگر گفتن السلام
 علینا و علی عباد الله الصالحین است یعنی در تشهد اکتفاء بآن کند و السلام علیک
 ایها النبی را نگوید .

(و اما ظننا ان لن نقول الانس و الجن علی الله کذبا و انه کان رجال من
 الانس یعوذون برجال من الجن فزادوهم دهقا) و ما چنین گمان کردیم که هیچ
 جن و انسی بر خدا دروغ نگوید لذا بقول آنها اعتماد کردیم اکنون دانستیم خلاف
 آن است که ایشان گفتند خدای را زن و فرزند است خداوند منزّم است از آنکه
 برای او فرزند و همسری باشد و مردانی بودند از انسیان که بگردانی از جنیان پناه
 میبردند پس افزود آنها را سرکشی .

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (۱۳) وَأَنَّا إِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا وَرَشِدًا (۱۴) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵) وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَّاءً غَدَقًا (۱۶) لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَحَدًا (۱۷) وَأَن لِّلْمَسَاجِدِ لَشِهَابٌ مُّندَلٌّ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸) وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدَ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹) قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۰)

علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از زبانه روایت کرده که معنای آیه را از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم فرمود پیش از ولادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم نزد اشخاص کاهن میرفتند و باو میگفتند بشیطان و جنی که رفیق تو است بگو فلانی پناه برده بتو و جنیان وارد میشوند بر کهنه و خبر میدادند آنها را باخبار آسمان و آنچه شنیده بودند از فرشتگان و کهنه آن اخبار را بمردم میگفتند چون پیغمبر متولد شد جنیان از رفتن بسوی آسمان منع شدند و آنها را راه ندادند و نگذاشتند اخبار آسمان را کشف کنند و بکهنه برسانند و ایشان بمردم بگویند لذا بعد از ولادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کاهن از بین رفت .

طبرسی از مجاهد روایت کرده گفت چون یکی از عربها هنگام مسافرت در بیابان خوفناکی میرسید میگفت پناه میبرم به بزرگی این بیابان از شرفیهان چون این سخن را میگفت یقین پیدا میکرد که او در امن و حواری آن بزرگی است و اول کسیکه پناه برد بجنیان طایفه ای از اهل یمن و بنو حنیفه بودند پس از آن سرایت کرد بسایر عرب

(وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَمُوتَ اللَّهُ أَحَدًا) و آنها هم مانند شما آدمیان

و ما چون شنیدیم قرآن را ایمان آوردیم بآن و هر که بخدای خود ایمان آورد دیگر نرسد از نقصان خیر و ثواب و ازرنج و عذاب (۱۳) و ازما بعضی مسلمان و بی آزار و بعضی دیگر کافر و ستمکارند و کسانی که اسلام آورده و تسلیم امر پیشین را پذیرفته شدند براه رشد و ثواب شتافتند (۱۴) و کسانی که ستمکارند هیزم آتش دوزخند (۱۵) و اگر بر طریق ایمان پایدار بمانند بتوشانیم آنها را آب گوارا و بسیار (۱۶) تا بآن نعمت آنها را بیازمائیم و هر کس از یاد پروردگار خود رویگرداند بعذاب و شکنجه سخت در آورد او را (۱۷) مساجد و محل سجدگان مخصوص خدا است پس نباید با خدا کسی را بخوانید (۱۸) و چون بنده خاص خدا برای آنکه او را بخواند قیام نمود نزدیک بود کفار بر او حمله کنند (۱۹) ابرسول بخلق بگویند خدای خود را بیکسانگی میپرستند و هرگز کسی را با او شریک قرار نمیدهم (۲۰)

گمان کردند که خدایتعالی از مردگان در قیامت کسی را زنده نخواهد کرد یعنی چنانکه در میان شما کافرانی هستند که اعتقاد بمعاد و حشر و نشر ندارند و در میان ما چنان نیز وجود دارد

(و انا لمعنا السماء فوجدناها ملئت حرسا شديداً و شهابا وانا كنا نقعد منها مقاعد للسمع فمن يستمع الان وجدناه شهاباً رصداً وانا لاندى اشر اريد بمن فى الارض ام اراد بهم ربهم رشداً) جنیان گفتند ما خواستیم باسمان بالا رویم یافتیم آنرا که مملو بود از فرشتگان نگهبانان قوی و تیر شهاب آتشبار و پیش از این در کمین شنیدیم سخنان آسمانی می نشستیم اکنون چون میخواستیم سخنان فرشتگان را بشنویم شهاب و ستارهای از آتش ما را منع کند و غرض جنیان از شنیدن سخنان فرشتگان آن بود که بمردم بگویند ما علم غیب میدانیم و آنها را مد اشتباه اندازند چون خبری میشنیدند آن را بمردم می گفتند آنها هم گمان میکردند جنیان علم غیب میدانند -

و ما هنوز نمیدانیم که آیا خدای تعالی برای اهل زمین چه میخواهد شرو بلا و نکبت و بیماری و تنگدستی یا صلاح و رشد و تندستی و توانگری -
علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از ابن پکیر روایت کرده گفت شنیدم حضرت

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ شَرًّا وَلَا رَحْمَةً (۲۱) قُلْ إِنِّي كُنُّ بِبَعْضِ مَا يُعْطَى مِنَ اللَّهِ
 أَحَدٌ وَكُنُّ أَحَدًا مِنْ دُونِهِ مُتَّبَعًا (۲۲) إِلَّا بَلَاغًا وَرِسَالَةً وَمَنْ
 يَعْصِرِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ ثَوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (۲۳) حَتَّىٰ إِذَا
 رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْأَلُونَ مَنْ أُنْزِلَتْ بِأَمْرٍ وَأَقْلَّ عَدَدًا (۲۴) قُلْ إِنْ
 أَذْرِي أَقْرَبُ مَا تُوَعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۵) عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا
 يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۶) إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ
 يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَحْمَةً (۲۷) لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ بَلَّغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ
 بِمَا كَذَّبُوا وَآخَصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۲۸)

بافر عَلَيْهِ السَّلَام قرائت نمود آیه را و فرمود سو کنید بخدا پروردگار اراده شر نمود
 برای مردم هنگامیکه آنها بیعت کردند با معاویه ملعون و رها کردند حضرت امام
 حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام را

(و انا منا الصالحون وماندون ذلك كطوائف قعدا) و در میان ما مانند
 بعضی صالح و نیکوکار و بعضی دیگر فروتر باشند در صلاح ما و بر هواهای مختلف
 و لرفه های متشبه هستیم بعضی مؤمنین و طایفه های کافر و منافق بعضی مسلمان
 و جمعی یهود و ترسا و ما یقین داریم که هرگز خدا را عاجز نتوانیم کرده و از
 حکومت و اقتدار او نمیتوانیم گریخت و فرار نمود

(و انا لما سمعنا الهدى امنابه فمن يؤمن بربه فلا يخاف بخساولا رهقا) و ما
 چون آیات قرآن گوش دادیم هدایت یافته و ایمان آورده ایم و هر که بخدای
 خود ایمان آورد دیگر از نقصان غیر و ثواب و از رنج و عذاب بر خود ترسد.
 در کافی ذیل آیه مزبور از محمد بن فضل روایت کرده که از حضرت موسی
 بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام معنای آیه را سؤال نمودم فرمود هدایت ولایت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام

و بگو من نمیتوانم بشما خیر و شری برسانم و مالک آنها نیستم (۲۱) و بگو هرگز کسی مرا از قهر خدا تر پناه خود نتواند گرفت و بجز او پناهگاهی نخواهم یافت (۲۲) تنها محل امن و پناه من رسانیدن احکام و پیغام خدا است و هر که نافرمانی خدا و رسولش کند آتش دوزخ که همیشه جاوید در آن بماند برای او آماده شده (۲۳) تا روزیکه عذاب موعود خود را بچشم به بینند پس بزرودی بدانید کیست که یارانش ناتوان تر و سپاهش کمتر است (۲۴) ای رسول بگو نمیدانم عذاب موعود شما نزدیک است یا عذاب مدت بسیاری برای آن قرار داده است (۲۵) ما انانی غیب خدا است و کسی را بر علم غیب خود آگاه نکرده (۲۶) مگر آنکس را که از رسولان برگزید، است و بر محافظت او از پیش رو و پشت سر نگهبانی میفرستد (۲۷) تا بدانند که آن رسولان پیغامهای پروردگار خود را بخلق رسانیدند و خدا با آنچه نزد رسولانست احاطه کامل دارد و بشماره هر چیز ما نا است (۲۸)

پایان ترجمه سورة جن

است آنها ایمان آوردند بولایت مولای ما و هر کس ایمان آورد بولایت ما آل محمد و آل علی از عذاب و عسران نمیرسد فضیل می گوید با آنحضرت عرض کردم این معنا که فرمودید تنزیل آیه است فرمود خیر تاویل آیه میباشد عرض کردم حضورش معنای آیه لا املک لکم ضرا ولا رشدا چیست ؟ فرمود پیغمبر اکرم ﷺ مردم را دعوت نموده بسوی ولایت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) قریش اجتماع کردند حضورش و گفتند ای محمد ﷺ ما را معاف بدار از ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) فرمود یا امر خداست بمن ربطی ندارد آنحضرت را عتقم کردند و از حضورش بیرون رفتند و اتهام ایشان آن بود که گفتند محمد ﷺ برخدا دروغ بسته است درباره ولایت علی (علیه السلام) خداوند آیه ذیل را نازل فرمود (قل انی لن یجیرنی من الله احد ولن اجد من دونه ملتجدا الا بلاغا من الله ورسالاته ومن یحص الله ورسوله فان له نارجهنم خالدین فیها ابدا) - آیه ۲۲ - ۲۳ همین مورد است یعنی بگو ای رسول ما مر آنچه کسی از قهر خدا میتواند در پناه بگیرد و بشیر او هیچ گریز گاهی هرگز نخواهم یافت تنها محل امن و پناه من رسانیدن احکام و اوامر خدا است و هر کسی نافرمانی خدا و رسولش

را کند البته کيفر او آتش دوزخ است و خدا آنجا جاويد خواهد بود .

(وَأَنَّا إِنَّمَا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمِنَ الْأَثِمِينَ نَسُوءُهُمْ وَارْتَدُّوا عَلَىٰ أَعْقَابِهِمْ فَأُولَٰئِكَ نَجْزِي عَذَابَهُمْ) و از ما جنیان بعضی مسلمانند و بعضی دیگر کافر و ستمکارند هر که اسلام آورده پشیمان شود و ثواب شتافته است اما ستمکاران همیزم دوزخ خواهند بود .

(وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا لَّنَفْتَنَهُمْ فِيهِ وَ مَن يَمْرُسْ هُنَا كَرْرًا بِهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا مِّمَّا دُعا) و اگر بر طریق حق ثابت و برقرار ماندند بجای آتش بآنها آب عو شکوار و بسیار بنوشانیم و تخصیص داد آب را ازین سایر نعمتها برای مناسبت و مطابق بودن با آتش که در آیه پیش گذشت و دیگر هر جا آب باشد درخت و نباتات هم میباشد و آنجا مال بسیار و عیش خوش باشد تا امتحان کند ایشان را در آن مال و نعمت و هر که از ذکر خدا اعراض کند خدا بتعالی او را عذابی بسیار سخت معذب گرداند .

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود طریقه در این آیه ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت میباشد اگر این مردم با استقامت و پایدار باشند بر ولایت ما ائمه خداوندی باشند دلپای آنها را از ایمان - طبری از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود معنای آیه آنست اگر این مردم بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت باقی و برقرار بمانند خداوند بآنها علم و دانش بسیاری نصیب گرداند و آنها را از ائمه معصومین یاد گیرند و خداوند ایشان را آزمایش فرمود بوجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان گرامش .

(وَأَن الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا) سبب نزول آیه آن بود که جنیان حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند ما چگونه حاضر شویم بنماز در مسجد عقب شما راه ما دور است آیه فوق نازل شد و فرمود تمام بقعههای زمین مختص خدا است شما نباید با خدای یکتا کسی دیگر را پرستش کنید - پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خداوند زمین را برای من مسجد قرار داده و خاکش را ظهور ساخته تا هر کجا

برسم خود و امت من نماز کنیم و هر جا آب نیافتیم بخاک تیمم نمائیم و ماحدیثی از حضرت جواد علیه السلام در جواب سؤال معتمد عباسی در بخش دوم تفسیر ذیل آیه السارق والسارقة بیان نمودیم که فرمود آنحضرت مقصود از مساجد اعضاء هفت گانه است جبهه و کف دو دست و دو زانو و دو انگشت پاها که در موقع سجده باید در زمین قرار بگیرد . .

در کافی از حماد روایت کرده که روزی حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود ای حماد آیا نماز نیکو میتوانی بجا آوری عرض کردم کتاب حریز را در نماز حفظ نمودم فرمود با کی نیست بر تو ای حماد بلند شو نماز بهوان حماد میگوید در حضور آنحضرت نماز بجا آوردم فرمود ای حماد نماز نیکو نیست چه قدر قبیح است برای مردی مانند شما که شصت یا هفتاد سال از عمرش بگذرد و نتواند نماز را با حدود و شرایط آن بجا آورد حماد میگوید خجل و شرمسده شدم و عرض کردم فدایت گردم مرا یاد بدهید آنحضرت ایستاد مقابل قبله و دستهای مبارک را در حالتیکه انگشتانش منظم بود بیکدیگر قرار داد بدو طرف خود و فاصله میان قنهایش پیش از سه انگشت باز نهاده و تمام بدن مبارکش مستقیماً مقابل قبله قرار گرفت و با حالت خشوع و خضوع فرمود الله اکبر پس از آن حمد و قل هو الله را با ترتیل قرائت نموده بعد بمقدار نفس کشیدن صبر کرد آنگاه دستها را محاذی صورت بلند کرد و الله اکبر گفت پس از آن بر کوع رفت زانوهای خود را بمقرب برد و کفهای دست را در حالتیکه انگشتانش باز بود روی زانو قرار داد و گردن را کشید بطوری پشت خود را مستوی کرد که اگر قطره آبی ریخته میشد همانجا قرار میگرفت و زایل نمیشد سه مرتبه گفت با ترتیل سبحان ربی العظیم و بحمد پس از آن بلند شد و گفت سمع الله لمن حمده بعد دستها را برای تکبیر محاذی صورت بلند کرد آنوقت بسجده رفت و کفهای دست را در حالیکه انگشتان مبارکش منظم بود بزمین گذاشت محاذی صورت سه مرتبه گفت سبحان ربی الاعلی و بحمد و بسجده نمود و هشت موضع جبهه و دو کف دست و دوسر زانو و دو انگشت ابرام پا و سر بینی و فرمود سجده نمودن بر هفت موضع واجب است چنانچه فرمود عبادتعالی و ان المساجد لله فلا تدعوا

مع الله احدا و نهادن بینی بر زمین مسنحب است و بجز هشت موضع چیزی از بدن مبارکش در حال سجده بر زمین قرار نگیرد سر از سجده برداشت پس از آنکه قرار گرفت بر زمین در حال جلوس فرمود الله اکبر و نشست بطرف ران چپ بطوریکه ظاهر قدم راست بر باطن قدم چپ قرار گرفت و گفت استغفر الله ربی و اتوب الیه تکبیر دیگر گفت در حال جلوس و سجده دوم رفت مانند اول ذکر سجود را گفت و چیزی از قدامین خود را بر زمین قرار نداد باین طریق دو رکعت نماز بها آورد چون از نماز فارغ شد فرمود ایحماه باین کیفیت نماز بها آورد .

و از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از مساجد ائمه و اوصیاء یکی بعد از دیگری میباشد و نباید بجز آنها کسی دیگر را امام و وصی دانست اگر کسی غیر از ائمه را امام بداند مثل آنست که برای خدا شریک قائل شده .
(وانه لما قام عبدالله بدعوه کادوا یکونون علیه لبدا) و چون بنده خاص خدا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قیام کرد تا مردم را بسوی خدا دعوت کند نزدیک بود قریش بر او حمله کنند و نور او را خاموش کنند و چون حضرتش مسلمانان را بسوی ولایت امیر المؤمنین علیه السلام دعوت مینمود منافقین خواستند او را از بین ببرند .

(قل انما ادعو ربی و لا اشرك به احدا قل انی لا املك لكم ضرا و لا رشدا قل انی لریبیر فی من الله احدون اجد من دونه ملتعدا الا بلا غمان الله و رسالاته و من بعض الله و رسوله فان له نار جهنم خالدين فیها ابدا) در کافای ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود پس از آنکه قریش به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند ای محمد ما را معاف بدار از ولایت علی علیه السلام فرمود من میرسانم بسوی شما آنچه را خداوند در باره ولایت علی علیه السلام بمن امر فرموده و هر کس نافرمانی خدا و مرا کند در باره ولایت علی علیه السلام در آتش دوزخ جاوید بماند و فرمود علی علیه السلام قسمت کننده بهشت و دوزخ است بدوزخ میگوید این شخص لایزال تو و آن دیگر برای من . منافقین عرض کردند چه زمان علی قسم بهشت و دوزخ است و این وعده چه وقت خواهد بود آیه ذیل نازل شد و فرمود ای رسول ما را که آنها را روزیکه عذاب موعود خود را بچشم مشاهده کنند آن زمان میدانند که تو و آنها کدام يك یارانش ناتوان تر

و سپاهش کمتر است .

امیر المؤمنین علیه السلام هم بعمر فرمود ای پسر مهله اگر عهد خدا و رسولش و کتاب پروردگار نبوده که باید من مظلوم باشم همانا میدانستی کدام یک از ما ناتوان و یارانش کمتر است .

و چون رسول خدا بمنافقین خبر داد حوادثیکه در زمان رحمت واقع میشود آنها گفتند رحمت چه وقت خواهد بود خداوند آیه ذیل را نازل نمود (

قل ان ادری اقرب ما توعدون ام يجعل له ربي امدا عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احدا الا من ارتضى من رسول فانه يسلك من بين يديه و من خلفه رسدا) فرمود ای رسول ما در جواب آنها بگو ندانم آنچه شمارا وعده میدهند از خیر رحمت و قیامت و عذاب نزهت است یا خدای تعالی آن را مدت بسیاری قرار داده است . از دانای غیب است و کسی را بر غیب خود آگاه نکند مگر آن را که او برگزیند به پیغمبری و بر محافظت او فرشتگان را از پیش رو و پشت سر میفرستد .

در کافی ذیل آیه مزبور از حمران بن اعین روایت کرده که معنای آنها را از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمود فرمود بخدا قسم خدا از کسانی است که برگزیده او را و راضی است که غیب خود را باو اطلاع دهد و خداوند ما را است با آنچه بیکه غایب است از نظر خلائق پیش از آفرینش آنها و پیش از آنکه حکم و امر بفرماید بفرشتگان . ای حمران نزه خدا علمی است که موقوف است بر مشیت حکم میفرماید در آنچه اراده کند و گاهی بداحمال میشود . حکم و امضا نمیکند اما آنچه را مقدر فرموده خدای عزوجل و حکم و امضا فرموده علم و دانش آن را بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله عطا فرموده و آنحضرت بپا ائمه تعلیم نموده و نزد ما موجود است .

و در حدیث دیگر فرمود امیر المؤمنین علیه السلام پسندیده خدا و رسول است و از طرف خداوند در قلب او علم و دانش بی شمار است و از پیش رو و عقب سر فرشتگان و نگهبانانی است که تعلیم میکنند بعلی علم را و الهام میگیرد از خداوند و رسد تعلیم نمودن از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است تعلیم میدهد خدا و رسولش علی علیه السلام را بعلوم اولین و آخرین و آنچه واقع شده و خواهد شد از اخبار قائم علیه السلام و

رجعت و قیامت.

(لیعلم ان قد ابلقوا رسالات ربهم واحاط بما لدیهم و احصى کل شیئی عددا)
تا بدانند که رسولان خدا پیغام و رسالت پرورده کار را بخلق رسانیدند و در آن هیچ
خلل نکردند و خدای تعالی محیط و عالم است با آنچه نزد رسولانست و بشماره هر
چیز که در عالم است بخوبی آگاهست .

فرمود آنحضرت امیر المؤمنین علیه السلام احاطه دارد بعلم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
و خداوند با آنحضرت عطا فرموده دانش هرچیزیکه از زمان آدم بوده و تا قیامت
خواهد بود از قتنه ای که در عالم ایجاد میشود. زلزله باشد یا گرفتن ماه و خورشید
و یا هلاکت امتهای گذشته و آینده و عدد پیشوایان عادل و ظالم تمام آنها را با اسم
و رسم و نسب می شناسد. و آنچه می میرند یا کشته میشوند و چه تعداد پیشوایانی
هستند که خوار و ذلیل میشوند زیر دست مردم و کسی آنها را یاری نمیکند

پایان سوره جن

سورة المزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (۱) قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲) نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)
أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴) إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)
إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَاقُومٌ قِيلًا (۶) إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ تَبَهِهًا
طَوِيلًا (۷) وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَقَرَّبْ إِلَيْهِ ثَبَاتًا (۸)

سوره مزمل در مکه نازل شد و بیست و یک آیه و سی و هشتاد و پنج کلمه و هشتصد و سی و هشت حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره مزمل را قرائت کند در نماز عشاء یا در آخر شب و روز آن سوره شاهد او باشد و خداوند بار زندگانی نیکو و پاکیزه ای عطا فرماید و بمیرد در حالت نیکویی .

در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند مانند کسی است که بندگان بسیاری مدد را خدا آزاد کرده و خداوند عسرت را در دنیا از او برطرف گرداند و هر کس مداومت کند بر قرائت آن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب مشاهده کند و حاجات خود را از او بخواهد خداوند حاجات خیر او را بر آورده نماید و هر کس در شب جمعه صد مرتبه این سوره را قرائت کند خداوند صد گناه او را بپارزد و صد حسنه در نامه عملش بنویسد .

خلاصه مطالب سوره مزمل عبارت است از امر نمودن پیغمبر بقیام از برای نماز شب و صبر و پرهیزی و تحمل کردن در مقابل اذیت و آزار مشرکین و تکذیب کنندگان ، و تهدید کفار و تأکید حجت بر اهل مکه و تهدید آنها و تخفیف بر

ترجمه سوره مزمل

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایرسولیکه بر خود جامه پیچیدم (۱) شب را برخیز مگر اندکی (۲)
نیمه شب را یا کم کن اندکی از آن (۳) یا چیزی بر نیمه آن بیفزای و شمرده تلاوت
کن قرآن را با توجه کامل (۴) ما کلام بسیار سنگین را بر تو القاء میکنیم (۵)
همانا برخاستن شب بهترین صدق گفتار و قویترین اخلاص است (۶) تورا دوز روشن
در طلب روزی فرصت و سببی است (۷) و دایم یاد کن نام پروردگارت را و از غیر
او علاقه خود را منقطع کن و باو پرداز (۸)

داشتن وجوب نماز شب از پیغمبر اکرم ﷺ و اصحابش

قوله تعالى (یا ایها المزمل قم اللیل الا قلیلا نصفه او انقص منه قلیلا) اورد
علیه و ردل القرآن ترتیلا انا سنلقی علیک قولا ثقیلا ان تاشق اللیل هی اشد و طاه
واقوم قیلا ان لك فی النهار سبعاطویلا واذ کر اسم ربك و تبتل الیه تبشیلا) پروردگار
ندا میکند رسول اکرم ﷺ را در حالتیکه بر آن حال بوه در ابتداء وحی و این
سوره در شب فروه آمد برای نماز شب. ای کسبیکه در جامه خود پیچیده و خفته ای
برخیز شب را برای نماز مگر اندکی را که نصف یا کمتر از آن باشد که با استراحت
پرداز یا چیزی بر نصف بیفزای اگر میخواهی نصف شب برخیز و اگر
میل داری بر نصف بیفزای یا از نصف چیزی کم کن و آیات قرآن را با تأنی و توجه
کاملا قرائت کن یعنی مانند شعر آن را تلاوت نکن - بطوری قرائت کن که دلهای
قساوت دار آن را بشنوند -

در تہذیب ذیل آیه فرق از عهد بن مسلم روایت کرده گفت معنای آیه را از
حضرت باقر ع علیه السلام سؤال نمود فرمود خداوند امر کرده به پیغمبرش که تمام شبها
بنماز مشغول باشد مگر آن شبهایی که بیمار و یا عذر داشته باشد. ما بر تو سخن
گرانی القاء میکنیم سخن گران وحی قرآن و احکام و فرایض حدود و ایستادن در
شبها برای نماز شب بهترین شاهد اخلاص قلب و دعوی بر صدق ایمانست چه بر

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۹) وَاصْبِرْ عَلَى
 مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَبِيلًا (۱۰) وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ
 وَمَسْهَلَهُمْ قَلِيلًا (۱۱) إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا (۱۲) وَطَعَامًا ذَا قِصَّةٍ
 وَعَذَابًا أَلِيمًا (۱۳) يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا
 مَهِيلًا (۱۴) إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
 رَسُولًا (۱۵) فَاصْبِرْ فَإِنَّ الرُّسُولَ فَإِخْدَانُهُ أَخَذًا وَيِيلًا (۱۶) فَكَيْفَ
 تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷) السَّاءَ مُنْفِطِرًا
 كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸)

خاستن ددل شب از فراش استراحت سخت و گران است .

حد کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مقصود آنست
 که شخص از فراش خود بر خیزد و ازاده کند بآن قیام بخدارا نه غیر او را۔ تورا
 روز روشن در طلب روزی وقت کافی و فرصت وسیعی است و دایم در شب و روز یاد
 خدا کن و بکلی از غیر او علاقه ببر و دنیا را رها کن و بخدا پرداز و توجه کامل
 باو پیدا نما .

(رب المشرق و المغرب لا اله الا هو فاتخذہ وکیلا و اصبر علی ما یقولون و
 اهجرهم هجرا جمیلا) همان عدای مشرق و مغرب جهان که جز او هیچ خدائی نیست، او
 را بر خود وکیل و نگهبان قرار ده و هر تمام کارها بر او توکل کن و بر آنچه این
 کافران میگویند از طعن و یاه گوئی و تکذیب کردن تو صبر و شکبیا باش و
 بطرز نیکوئی از آنها دوری نما .

(و ذرنی و المکذبین اولى النعمة و مهلم قلیلا لن لدینا انکالا و جحیما و)

همان پروردگار مشرق و مغرب که جز او هدائی نیست پس فوراً و کیلاً و نگهبان خود قرار بده (۹) و شکبیا باش بر گفتار تکذیب کنندگان و بطرز نیکو از آنها دوری کن (۱۰) و کار تکذیب کنندگان مغرور در نعمت و مال را بمن واکذار و اندکی بآنها مهلت ده (۱۱) نزد ما غل و زنجیر آتش سخت برای کافران مهیا است (۱۲) و طعامیکه از فرط اندوه گلو گیر است و عذاب دردناک برای آنها آماده است (۱۳) آنروزیکه زمین و کوهها بلرزه درآید و تل ریگی شود و چون موج روان گردد (۱۴) ما بسوی شما رسولی فرستادیم تا گواه باشد بر شما چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم (۱۵) پس فرعون نافرمانی رسول کرد ما هم او را بقر و انتقام سخت بگرفتیم (۱۶) پس اگر کافر شوید چگونه از عذاب پرورز میکنید روزیکه کودک از ترس آن پیر میشود (۱۷) و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده ثواب و عذاب خدا وقوع یابد (۱۸)

طعاماً ذاغصة و عذاباً الیما یوم ترجف الارض و الجبال و کانت الجبال کشیامیهیلاً
ای رسول بمن رها کن این کافران را که تو را تکذیب میکنند چون صاحب مالند
آنها مغرور بنعمت و مال خود شدند مهلت ده ایشان را اندکی از روز گارچه آنها
بزودی بشمشیر تو کشته شوند و پاتش من سوخته گردند و این آیه برای تهدید و
وعد کفار و منافقین است .

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود
معنای آیه آنست ای محمد صلی الله علیه و آله صبر کن بر آنچه در باره شما میگویند و رها کن
کفار را و واکذار مرا با کسانی که تکذیب میکنند امیر المؤمنین وصی تو را .
بن فضل میگوید سؤال نمودم از آنحضرت این معنی تزییل آیه است؛ فرمود بلی
و این حدیث را ابن شهر آشوب نیز روایت کرده . پس از آن تهدید دیگری میکند و
میفرماید نزد ما غل و زنجیر عذاب و آتش دوزخ برای کینر کافران آماده است
و غل زنجیر دوزخیان برای آن نیست تا ایشان نگرینند بلکه عادت اهل
زندان است و نوعی دیگر از عذاب باشد و طعامی باشد از برای دوزخیان

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۱۹) إِنَّ رَبَّكَ بِسَلْمِ
 أُنْثَىٰ تَقْوَمُ أَذْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنُصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ
 وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا
 تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ بِضَرِبُونَ
 فِي الْأَرْضِ يَثْتَفُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُغَارِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا
 مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قُرْآنًا حَسَنًا
 وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ قَبْدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا
 وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۰)

که از فرط غصه و اندوه گلو گیر آنها میشود و عذاب دردناک برای ایشان
 آماده است .

یکروز امیرالمومنین دنداناش درد گرفت و از آن متالم شد گفت پرورد گرا
 شما که در باره استخوان این همه دلد و رنج میتوانی بیافرینی پس ما را آیه ان
 لدینا انکلا و جمیعاً چه احتیاج است آن روز که زمین و کوهها بلرزه در آید و
 کوهها مانند قلریگی شود و چون موج روان گردد .

(انا ارسلنا الیکم رسولا شاهدا علیکم کما ارسلنا الی فرعون رسولا فمسی فرعون
 الرسول فاخذناه اخذا و بیلا) ما بسوی شما پیغمبری فرستادیم تا گواه باشد بر اعمال
 شما چنانکه بر فرعونیان هم پیغمبری فرستادیم پس فرعون عاصی شد و نافرمانی کرد از
 پیغمبر خود ما هم او را بقتل و انتقام سخت بگرفتیم .

(فکیف تتقون ان کفرتم یوما یجعل الولدان شیاء السماء منقطر به کان
 و عدم فعولا) ان هذه تذکرة فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا) پس اگر امروز بخدا
 کافر شوید چگونه پرهیز کنید از عذاب روزیکه کودک از ترس آنروز پیر شود

این است یاد آوری تا هر که بخواهد راهی بسوی خدا پیش گیرد (۱۹)
 خدا بحال تو آگاهست که تو و جمعی که با تو هستند نزدیک دوثلث یا نصف
 یا ثلث شب را همیشه بر میخیزی برای طاعت و خدا گردش روز و شب را
 مقدر میکند و او میداند که شما هرگز تمام شب را ضبط نخواهید کرد پس در
 گذشت از شما و تلاوت کنید قرآن را آنچه میسر میشود خدا میداند که بزودی
 بعضی از شما مریض و ناتوان میشوید و بعضی در سفر برای تجارت از فضل و کرم
 خدا روزی بطلبید و بعضی در راه خدا بجهاد مشغولید پس آنچه توانید تلاوت کنید
 قرآن را و نماز بپا دارید و زکوة بدهید و برای خدا بمعتابان فرض نیکو دهید
 و هر چه برای آخرت خود پیش فرستید پاداش آنرا نزد خدا بیابید و آن پاداش
 بسی بهتر و بزرگتر است و دایم از خدا طلب آمرزش کنید همانا خداوند آمرزنده
 و مهربانست (۲۰)

پایان ترجمه سورة مزمل

و آسمان از وحشت آنروز شکافته و از هم بپاشد و وعده ثواب و عقاب خدا بوقوع
 انجامد این آیات قرآن برای تذکر و یاد آوری فرستاده شده تا هر که بخواهد
 راهی بسوی خدای خود پیش گیرد یعنی اگر اطاعت کند بشوایک که خدا وعده داده
 برسد و اگر اطاعت نکند بسوء اختیار او باشد

(ان ذلک یعلم انک تقوم لانی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه و طائفة من
 الذین معک و الله یقدر اللیل و النهار علم ان لن تحصوه فاقروا ما تیسر
 من القرآن علم ان سیکون منکم مرضی و آخرون یضربون فی الارض یتفتون من
 فضل الله و آخرون یقاتلون فی سبیل الله فاقروا اما تیسر منه و اقموا الصلوة و آنوا
 الزکوة و اقرضوا الله قرضا حسنا و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجددوه عند الله خیرا
 و اعظم اجرا و استغفروا الله ان الله غفور رحیم) ایرسول ما خدای تو میداند که
 تو بر میخیزی کمتر از دوثلث شب را یا نصف و ثلث آنرا و همچنین کسانی که با
 تواند و خدا اندازه و مقدر میکند شب و روز را و میداند که شما هرگز تمام ساعات
 شب را نتوانید شمرده و ضبط کرد یعنی طاقت ندارید تمام شب را زنده دار باشید و

بعبادت مشغول شوید لذا از شما در گذشت و عذر شما را پذیرفت پس بخواهید از قرآن آنچه میسر میشود برای شما آنگاه بیان میکند که این تخفیف برای آن است که میداند بعضی از شما مریض و ناتوان و بعضی در سفر برای کسب و تجارت از فضل و کرم خدا روزی میطلبید و بعضی در راه خدا بجهد میرود پس در هر حال بخواهید از قرآن آنچه میسر شود و نماز بیا دارید و زکوة مال بدهید و برای خدا بمحتاجان قرض نیکو دهید و بدانید که هر چه بیش از خود بفرستید از عمل خیر و نیکو و صدقه پاداش آنرا نزد خدا بیابید و آن اجر و ثواب آخرت به ترو بزرگتر است از آنچه داده‌اید و از خدا آمرزش طلبید که او آمرزند، و مهربانست .

شیبانی در کتاب نهج البیان از حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودند سبب نزول آیه آن بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب او تمام شب را بعبادت مشغول بودند بطوریکه قدمهای آنها از بسیاری بپا ایستادن ورم کرده و دشوار بود بر آنها این آیه برای تخفیف عبادت ایشان در شب نازل شد چنانکه فرمود علم آن لن تحصوه یعنی طاقت ندارید .

طبرسی ذیل جمله : و آخرون یضربون فی الارض از این مسعود روایت کرده گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هر مردی متاعی از شهری بشهر دیگر از شهرهای مسلمانان ببرد و بنرخ روز بفروشد ثواب او نزد خدا ثواب شهیدان باشد و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده ذیل جمله ما تیسر منه فرمود مرا و خشوع دل و صفای باطن است و فرمود قرض در این آیه غیر از دادن خمس و زکوة است .

طبرسی ذیل جمله و طائفة من الذین معك از ابن عباس روایت کرده گفت مقصود از طائفة در اینجا امیر المؤمنین علیه السلام و ابو عبد غفاری است .

پایان سورة مزمل

سورة المدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَدَّثُرُ (۱) قُمْ فَأَنْذِرْ (۲) وَرَبُّكَ فَكَبِيرٌ (۳) وَيَا بَكَ فَطَهِّرْ
 (۴) وَالرُّجُزَ فَاهْجُرْ (۵) وَلَا تَسْنُنْ فَتَسْكِبَرُ (۶) وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ (۷)
 فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (۸) فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹) عَلَى الْكَافِرِينَ
 غَيْرُ يَسِيرٍ (۱۰) ذُرِّي وَمَنْ خَفَّتْ وَحِيدًا (۱۱) وَتَجَلَّتْ لَهُ
 مَالًا مَعْدُودًا (۱۲)

سوره مدثر پنجاه و شش آیه دو بیت و پنجاه و پنج کلمه و هجده حرف است .
 خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود
 هر کس سوره مدثر را قرائت کند در نمازهای واجب بر بخدا است که او را در جوار
 پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار بدهد و در دنیا شقاوتی یابو نرسد و در خواص قرآن از پیغمبر
 اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند عطا فرماید خداوند
 باو از اجر بنمناج کسانی که عهد و عهد را تصدیق کرده اند و هر کس مداومت نماید
 بر قرائت آن پاداش بزرگی برای او خواهد بود و هر کس بعد از ختم هر سوره
 ای از قرآن از خداوند طلب نماید حفظ آن سوره را نمی میرد تا آن سوره را حفظ
 بنماید و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس مداومت نماید بر قرائت
 سوره مدثر و از خداوند درخواست کند حفظ آن سوره را یا حاجتی بطلبد خداوند
 حاجت او را بر آورد .

خلاصه مطالب سوره موثر عبارت است از امر نمودن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را
 به تبلیغ رسالت و ترسانیدن مردم از عذاب خدا و تطهیر و صفای باطن و تهدید کفار

ترجمه سوره مدثر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایرسوایکه لباس بخود پیچیده ای (۱) بر غیز و خلق را بنرسان (۲) و
پروردگار خود را به بزرگی یاد کن (۳) و لباس خود را پاکیزه بدار (۴) و از گناه
و پلیدی دور شو (۵) و احسان مکن بکسی تا پیش از آن عوض بستانی (۶) و برای
پروردگار صبر و بردباری پیش گیر (۷) و چون درمورد بدمنند (۸) آنروز روز بسیار
سختی است (۹) برای کافران هیچ راحت و آسانی نیست (۱۰) ایرسول بمن وا گذار
آنکسویکه او را تنها آفریدم (۱۱) و باو مال و ثروت فراوان دادم (۱۲)

و مژر کین و سو گند پروره گار بر وقوع کیفر کفار و بزرگ و سخت بودن عقوبت
آنها و آنکه هر نفسی در گرو اعمالی است که بجا آورده است .
قوله تعالی .

(یا ایها المدثر قم فانذر وربک فکبر وثیابک فطهر) طبری از جابر روایت
کرده گفت از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود در کوه حراء بودم مرا ندا کردند
از چپ و راست و پیش و عقب نگاه کردم کسی را ندیدم نگاهی بطرف آسمان نمودم
فرشته ای میان آسمان و زمین مشاهده کردم ابهت آن فرشته مرا گرفت متوحش
شدم بمنزل خدیجه رفتم باو گفتم جامه بر من افکند و مرا بیوشاند جامه بر من
افکند بحالت خواب رفتم ناگاه جبرئیل بر من نازل شد آیات فوق را آورد و گفت
ای جامه بخود پوشیده بر خیز و قوم را بترسان و آنها را بسوی خدا بخوان و پروردگارت
را به بزرگی یاد کن دانستم که وحی از جانب خداست تعالی است بمن رسیده چه شیطان
هیچ وقت این گونه سخن نمی گوید .

در کافی ذیل آیه وثیابک فطهر از سلمة بن یحیی القائل روایت کرده گفت حضور
حضرت باقر علیه السلام بودم حضرت صادق علیه السلام وارد شد و باو فرمود ای فرزندم برو لباس
را تطهیر کن ما گمان کردیم لباس آنحضرت آلوده شده پیچیزی رفت و لباس خود را
کوتاه نموده و باز گشت ما حضورش عرض کردیم فدایت شویم لباس او چه بود فرمود

وَبَيْنَ شُهُودًا (۱۳) وَمَهَّدَتْ لَهُ تَمَهِّدًا (۱۴) ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (۱۵)
 كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا (۱۶) سَأَرْهَقُهُ صُعُودًا (۱۷) إِنَّهُ فَكَّرَ وَ
 قَدَّرَ (۱۸) فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۱۹) ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۲۰) ثُمَّ
 نَظَرَ (۲۱) ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (۲۲) ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (۲۳) فَقَالَ إِنْ
 هَذَا إِلَّا سَحَابٌ مُنِيرٌ (۲۴) إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵) تَسَاءَلِيهِ تَقَرَّ
 (۲۶) وَمَا أَذْرِيكَ مَا سَفَرٌ (۲۷) لَا تَبْغِي وَلَا تَقْدَرُ (۲۸) لَوْ أَعْلَمُ
 لِلْبَشَرِ (۲۹) عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

بلند بود امر کردم کوتاه کند آن را و آیه را فرائض نمود و فرمود خداوند میفرماید
 لباسستان را کوتاه کنید تا بزمین کشیده نشود و تطهیر او کوتاه کردن است و از
 محمد بن مسلم روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام نظر کرد شخصی که لباسش
 بزمین مالیده میشد باو فرمود این لباس پاکیزه نیست آن را کوتاه کن -
 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ای مردم لباسهای خودتان را بشوئید و از چرک و
 کثافات پاکیزه کنید که پاکیزگی لباس هموغم را بر طرف می کند -
 (والرجز قاهر ولا تمنن تستكثر ولربك فاسبر) و از ناپاکی و پلیدی دوری
 بجو و بر هر که احسان کنی منتعکذار و عوض نخواه و برای خدا صبر کنی بر آزار
 ایذاء و ونجها که تو را می دهند -

(فاذا تفرقي النافور فذلك يوم صبر على الكافرين غير يسر) چون در
 سور دهند آنروز بسیار روز سختی است برای کافران هیچگونه در آنروز آسایش و
 راحتی نیست بعضی از صحابه قرآن می خواندند چون باین آیه رسیدند چند بار
 تکرار کرده و نعره ای می زدند و جان دادند -
 شیخ مفید در اختصاص ذیل آیه فاذا تفرقي النافور از مفضل بن عمر روایت

و پسران حاضر بخدمت نصیب او کردم (۱۳) و اقتدار و تمکن و عزت دادم (۱۴) پس طمع دارد آنکه زیاد کنم آنها را (۱۵) هرگز بر نعمتش نیفزایم چه او با آیات ما ستیره و دشمنی میکرد (۱۶) بزودی او را بآتش دوزخ در افکنیم (۱۷) او فکر و اندیشه بد میکرد (۱۸) پس کشته شود چگونه اندیشه و تقدیر نمود (۱۹) باز هم کشته شود چگونه فکر خطائی کرد (۲۰) آنگاه اندیشه کرد (۲۱) و روی ترش کرد و چهره درهم کشید (۲۲) پس از آن روی گردانید و سرکشی کرد (۲۳) و گفت این قرآن بجز سحر که آموخته شود چیز دیگری نیست (۲۴) نیست این قرآن مگر گفتار بشر (۲۵) بزودی این کافر تکذیب کننده را بآتش دوزخ در افکنیم (۲۶) و چه میدانی که چیست دوزخ (۲۷) شراره آن دوزخ بافی نگذارد و باز ندارد کسی را (۲۸) آن آتش بر آدمیان رونماید (۲۹) بر آن آتش نوزده فرشته **کَلْبًا** (۳۰)

کرده گفت از حضرت صادق **علیه السلام** معنای آیه را سؤال نمود فرمود امامی از ما ائمه از نظر مردم غایب و پنهان میشود هر وقت خداوند اراده فرماید آن امام ظاهر گردد بقلب مبارکش الهام شود و قیام نماید.

و از جابر بن یزید جعفری روایت کرده که حضرت باقر **علیه السلام** فرمود ناگه صدائی است که از آسمان شنیده می شود. منادی ندا کند ای مردم آگاه باشید که ولی شما حجت بن الحسن عسکری روحی و روح العالمین **علیه السلام** قیام بحق میکند و منادی جبرئیل امین است سه ساعت پیش از ظهور آن حضرت ندا کند و آنروز برای کفار و منافقین بسیار سخت است همانهایی که بنصرت خداوند ولایت امیرالمؤمنین کافر شدند.

(ذی و من خلقت وحیداً) این آیه در حق ولید بن خفیره نازل شده، داستان آن بدین قرار است. ولید یکی از رؤسای عرب و پیرمرد ثروتمند و باتجربه ای بود قریش نزد او رفتند و گفتند ای بعد شمس این کلمات چیست که **عزیز بنی نضیر** می خواند شعر است یا خطبه و یا کمانه بآنها جواب داد مرا وا گذارید تا سخنان **عزیز بنی نضیر** را بشنوم

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ
كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَتَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا
يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ
وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي
مَن يَشَاءُ وَمَا يُفْلِمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا يَهِی إِلَّا ذِكْرًا لِلْبَشَرِ
(۳۱) كَلَّا وَالْقَمَرِ (۳۲) وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ (۳۳) وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ
(۳۴) إِنَّهَا لَا تَعْدَى الْكَبِيرِ (۳۵) تَذَكَّرْ لِلْبَشَرِ (۳۶)

و در باره آن حکم نمایم حضور پیغمبر اکرم رفت عرض کرد برای من مقداری
از اشعار خود بخوان آنحضرت فرمود کلام پروردگار است این سخنان نه شعر
خوشنود می کند فرشتگان و پیغمبران و مؤمنین را .

ولید گفت مقداری از آنها برای من تلاوت فرمائید آنحضرت سوره حم سجده
را برای ولید فرائد نمود چون بآیه فان اعرضوا قتل انذرتکم صادقۀ مثل صاعقة
هاد و ثمود رسید ولید از هیبت آیه لرزید و موهای بدنش از جابلیتشد بمنزل خود
رفت و اعتنائی بتقریش ننمود آنها نزد ابوجهل رفتند و گفتند ای اباحکم عبد شمس
بدین محمد صلی الله علیه و آله میل کردی مگر نمی بینی سوی ما باز نکشت ابوجهل بمنزل ولید
رفت باو گفت ما را مفتضح و رسوا کردی دشمنان بما شمانت می کنند و می گویند
ولید بدین محمد صلی الله علیه و آله میل کرده ولید گفت چنین نیست بدین او مایل نشدم ولی کلماتی
از او شنیدم که بدنم را بلرزه درآورد ابوجهل سؤال کرد آن کلمات خطبه است یا
شعر؟ ولید جواب داد خطبه نیست چه خطبه کلام متصل است و بعضی از آن شباهت ندارد
ببعض دیگر و شعر هم نیست من تمام اقلام شعرهای عربیدا از بسیط و کشیده و رمل

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان عذاب قرار ندادیم و عهد آنها را جز برای آزمایش و محنت کفار نگردانیدم و تا آنکه اهل کتاب یقین کنند البته بوحی خدا است و بر یقین مؤمنان بیفزاید و دیگر مدد اهل کتاب و دو مبین هیچ شکی نماند و تا آنها را ببینند که دلهایشان مریض است و کافران بگویند خدا از این مثل چه خواسته و منظورش چه بوده همچنین خدا بحالت گمراهی و گمراهی میگرداند هر کرا بخواند و دوزخبری میکند کسی را که مشیتش تعلق بکفر و کسی نمیداند سپاه پروردگار را مگر او نیست این آیات مکر بند و تذکری برای بشر (۳۱) چنین نیست سوگند به ماه تابان (۳۲) و قسم بشب تاری چون باز گردد (۳۳) و سوگند بصبح چون روشن شود (۳۴) همانا آن دوزخ یکی از بزرگترین بلاهاست (۳۵) بیم کننده هر آدمی است (۳۶)

و رجز شنیده ام هیچ يك از آنها نیست ابو جهل گفت پس چیست ولید پاسخ داد مرا واگذارید تا دوباره آن فکر کنم روز دیگر فریش نزد ولید جمع شدند و باو گفتند ای همدشمن در باره آن کلمات چه می گوئی گفت بگوئید معجز است زیرا دلهای مردم را متوجه خود می کند و میان پدر و فرزند وزن و شوهر جدائی می افکند آیات مزبور نازل شد خطاب کرد ای رسول ما بما واگذار کار آنکس را که دشمن مادر آفریده ایم اودا تنها بدون مال و ثروت و فرزندان و اتباع و جهت آنکه ولید را وحید نامید آن بود که بفریش می گفت من به تنهایی در گوشه منزل خود می نشینم و شما با جمعیت خود یکسال بیرون بروید و در اجتماع رفعتو آمد کنید چمن مال و ثروت بسیار دارم . ولید در طائف باغ و بستانی داشت که میوه آن تا سال دیگر منقطع نمیشد و ده بنده داشت بهر يك هزار دینار داده بود تا برایش تجارت کنند و قنطاری طلا داشت و بیست فرزند که تمام آنها در مکه حضورش بودند خداوند فرمود بولید مال و ثروت فراوان دارم و پسران با اقتدار و حاضر بخندمت و تمکن و عزت عطا کردم باز هم طمع داره که در مال و فرزندان لو بیفزایم هرگز افزوده نکنم ولید بآیات و کتاب و دلائل و بینات ما دشمنی و عناد و رزید رسول ما را ستیزا نمود

لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷) كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ
 (۳۸) إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹) فِي جَنَّاتٍ يَخَسَاءُ لَوْلَا (۴۰) عَنِ الشَّجَرِ مِيزَ
 (۴۱) مَا تَسَاكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳) وَلَمْ
 نَكُ نَطْعِمُ الْمِسْكِينَ (۴۴) وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْغَائِظِينَ (۴۵) وَكُنَّا
 مُكْذِبِينَ يَوْمَ الدِّينِ (۴۶) حَتَّى آتَيْنَا الْيَقِينَ (۴۷) فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ
 الشَّافِعِينَ (۴۸) فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِيرَةِ مُغْرِضِينَ (۴۹) كَانَتْهُمْ حُجُورٌ
 مُسْتَقْبِرَةٌ (۵۰) فَرَأَتْ مِنْ قُدُورَةٍ (۵۱) بَلْ يُبْدِ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ
 أَنْ يُوْتَىٰ صُحُفًا مُنشُورَةً (۵۲) كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (۵۳) كَلَّا
 إِنَّهُ تَذَكُّرَةٌ (۵۴) فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ (۵۵) وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ
 يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْآخِرَةِ (۵۶)

ہزودی او را بعقبہ سخت دوزخو آتش جہنم ہد افکنیم فکرو اندیشہ ہدی کرد
 زیرا بعد از فکر گفت محمد ﷺ ساحر و قرآن ساحر است خدا بکشد اورا چگونہ
 تقدیر کرد باز ہم خدا بکشد او را چگونہ غلطی کرد و تکرار برای آستکہ دو
 تقدیر نمود یکی آنکہ گفت محمد ﷺ ساحر است و دیگر علت آورد سحر او
 را بآنکہ جدائی می افکنند میان شخص و اهلش آنگاہ اندیشہ کرد و روی تریں نمود
 و چہرہ بر ہم کشید سپس روی بر گردانید و تکبر کرد و گفت امن قرآن محمد ﷺ
 جزییان سحر انگیزی هیچ نیست این آیات گفتار بشری بیش نیست ہا این ہنکر
 تکذیب کنندہ را بکیفر کفرش بآتش دوزخ افکنیم توجہ دانی کہ سختی عذاب تا
 چہ حد است .

تا از شما بشر هر که بخواهد در ایمان پیش رود یا باز ماند (۳۷) و هر نفسی در گرو عملیست که انجام داده است (۳۸) مگر اهل ایمان که اصحاب راستند (۳۹) آنها در بهشت سؤال می کنند (۴۰) از احوال گناهکاران (۴۱) چه عمل شما را بدوزخ افکند (۴۲) گویند ما از نماز گزاران نبودیم (۴۳) و نه فقیر را طعام دادیم (۴۴) و با اهل باطل مصاحبت میکردیم (۴۵) و روز قیامت را منکر بودیم (۴۶) تا آمد ما را مرگ (۴۷) پس در آنروز شفاعت شیعیان در حق آنها پذیرفته نیست (۴۸) پس چرا ایشان از یاد قرآن دوری میجویند (۴۹) گویا آنها الاغهای وحشی هستند (۵۰) که از شیردنده فرار میکنند (۵۱) بلکه هر يك از آنها میخواهند که نامه سرگشاده ای از آسمان بر ایشان نازل شود (۵۲) چنین نیست که گمان کرده اند بلکه از عذاب آخرت نمیترسند (۵۳) چنین نیست که آنها گمان کرده اند قرآن همه پند و اندرز است (۵۴) پس هر که میخواهد بآن پند بگیرد (۵۵) و نمیخواهند جز آنکه خدا بخواهد او را ارادت ار برای ترسیدن، او است اهل تقوی و او است آمرزنده گناهان (۵۶)

پایان ترجمه

عیاشی از محمد بن مسلم روایت کرده حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردند هشام در بعضی از گفتارش گفته من ولید وحید هستم فرمود وای بر او اگر میدانست معنای وحید را افتخار نمیکرد باو عرض کردند معنای وحید چیست؟ فرمود ولد زنا و کسیکه پدری برای او شناخته نشده و این آیات جاریست در حق منافقین و کسانی که منکر ولایت ائمه المؤمنین هستند.

(لانیقی ولانذر) هیچ رها نکنند و باقی نگذارند کسی را آن دوزخ و همه را بسوزاند آن آتش بر آدمیان ظاهر شود و روی نماید موکل باشند بر آن نوزده نفر فرشته چون آیه مزبور نازل شد ابو جهل بقریش گفت میشنوید محمد صلی الله علیه و آله میگوید خدا زنان دوزخ نوزده نفرند شما شجاعانی هستید که هر يك ده نفر را میتوانید دفع کنید ابو الاسود بن کننه بن اسد بن خلف جمعی گفت من هفده نفر از آنها را کفایت کنم و تمام شما دو نفر دیگر را کافی خواهید بود آیه ذیل

نازل شد : (وما جعلنا اصحاب النار الا ملائكة وما جعلنا عدتهم الا فتنة للذين كفروا ليستيقن الذين اوتوا الكتاب ويزداد الذين آمنوا ايمانا ولا يرتاب الذين اوتوا الكتاب والمؤمنين وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا اراد الله بهذا مثلا كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء وما يعلم جنود ربك الا هو وما هي الا ذكري للبشر) و ما خازنان دوزخ را غير فرشتگان عذاب قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و آزمایش و اختیار کفار نوزده نگردانیدم و کفار گمان میکنند فرشتگان مانند مردمان دنیا هستند و قوت آنها فوق قوت فرشتگان میباشد و میگویند این عدد اندک با خدایق بسیار چگونه مقاومت میتوانند نمودنیز تا اهل کتاب یقین کنند که رسول ما صادق است و آنچه میگوید از طریق وحی میگوید چه این عدد مطابق تورات و انجیل است و پیغمبر کتاب تورات و انجیل نخوانده و نیز بر یقین مؤمنین بیفزاید چون بشنوند از اهل کتاب که آنچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود مطابق حق است و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنین باسلام هیچ شکي نماند و نیز تا کافران آنها بیکیه شاکند و دلهاشان مریض است بطعنه نکویند خدا باین مثل که عدد فرشتگان را نوزده شمرده چه منظور داشت . در کافی ذیل آیه مزبور از عهدین فضیل روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام معنای آیه را سوال نمودم فرمود اهل کتاب یقین نمودند که خداوند و رسول و وصی او امیر المؤمنین علیه السلام بر حق است عرض کردم معنای و یزید الذین آمنوا یعنی چه فرمود ایمان مؤمنین بولایت علی زیاد مکرر گفت و لا یرتاب الذین اوتوا الكتاب یعنی چه فرمود آنها در ولایت امیر المؤمنین علیه السلام شك نمی کنند عرض کردم و جاهی الا ذکر للبشر یعنی چه فرمود ولایت آن حضرت نیست مگر تذکری از برای بشر گفتیم انها لاحدی الکبر فرمود یعنی وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام یکی از بزرگترین آیات خدا است گفتیم لمن شاء ان یتقدم او یتأخر فرمود هر کس مقدم بدارد ولایت دیگری را بر ولایت ما آخر و عاقبت او جهنم است و آنکه ولایت ما را مؤخر بدارد او نیز از اهل دوزخ است گفتیم الا اصحاب الیمین فرمود سو کنند ابتدا آنها شهادت ما هستند عرض کردم معنای لم نک من المصلین یعنی چه فرمود صلوة مد این آیه ولایت

امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان آنحضرت است یعنی ما دوست نداشتیم علی علیه السلام را و دارای اوصیاء نبودیم و بر آنها سلوات نمی فرستادیم گفتیم فعالهم عن التذکرة معرضین فرمود یعنی از ولایت علی علیه السلام دوری میجویند عرض کردم کلا آنها تذکرة فرمود ولایت آنحضرت تذکرة است .

(کذلک یضل الله من یشاء ویهدی من یشاء و ما یعلم جنود ربک الا هو و ما هی الا ذکر للبشر کسلا و القمر و اللیل اذا ادبر و الصبح اذا اسفرانها لاحدی الکبیر نذیر للبشر لمن شاء ان یتقدم او یتاخر) چنین فرار داد عدد فرشتگان خازنان دوزخ را تا هر کرا بنده و بحالت گمراهی و اگذار دهر کر اخواند توفیق عنایت کند تا هدایت یابد و جز خداوند کسی عدد لشکرهای پروردگار را نمیداند و این آیه جواب گفتار ابو جهل است که بقریش گفت شما مردان شجاع و بسیاری هستید و از عهد نوزده نفر خازنان دوزخ بیرون می آئید و نیست ذکر دوزخ مگر برای پند و نمونه بشر چنین نیست که کفار گمان کرده اند قسم بهاء تابان و شب تار چون باز گردد و قسم بمصبح چون جهان را روشن سازد که آن دوزخ یکی از بزرگترین آیات خدا است و میترساند آدمیان را آنها تبکی خواهند در مقام ایمان و طاعت پیش افتند یا باز مانند .

(کل نفس بما کسبت رهینه الا اصحاب الیمین فی جنات یشاءلون من المعجزین ما سلککم فی سقر قالوا لم نک من الصالحین ولم نک نظم الکسکین و کننا نخوض مع العائضین و کننا نکذب بیوم الدین حتی آتینا الیقین) و هر نفسی در گرو عملی است که انجام داد است یعنی بعمل خود گرفتار است مانند چیزیکه گروگان نهاده مگر اصحاب راست که اهل بهشت باشند و ایشان در گرو نباشند برای آنکه خداوند آمرزیده آنها را ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود اصحاب یمین ما ائمه و شیعیان ما میباشند آنها از گناهکاران می پرسند چه عملی شما را بدوزخ افکند جواب دهند ما از زمره نماز گزاران نبودیم بینوایان را طعام نمیدادیم و با اهل باطل در محاسنی قرو رفیقیم و بار و همکار بودیم روز قیامت و جزا را دروغ پنداشتیم تا آنکه یسر گوییم یقین بقیامت یافتیم .

در کافی از امیر بن عبدالله روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام تفسیر آیه لم نکمن المصلین را سؤال نمودم فرمود یعنی نبودیم از بیروان ائمه و حقوق و خمس آل محمد علیهم السلام را نداریم .

(فما تنفعهم شفاعۃ الشافعیین فمالهم عن التذکرة معرضین) پس در آنروز شفاعت شفیعان در حق آنها هیچ پذیرفته نشود چرا از ذکر فر آن زیاد روز سخت قیامت دوری می جویند .

حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر تمام فرشتگان مقرب و پیغمبران مرسل شفاعت کنند در حق ناصیه، آل محمد علیهم السلام شفاعت آنها قبول نشود .

(کانهم حمر مستنفرة وفرت من غنورة بل یزید کل امری منهم ان یؤتی صحفا منشرة کلاب لا یخافون الاخرة کلانة تذکرة فمن شاء ذکره وما یدکرون الا ان یشاء الله هو اهل التقوی و اهل المغفرة) گویا منافقین و کفار الافهائی هستند که از شیر دهنده رهیده و گریزانند بلکه هر يك از آنها میخواهند صغیفه وحی آسمانی برای ایشان آید تا ایمان آورند سبب نزول آیه آن بوه که جمعی از قریش گفتند ای محمد صلی الله علیه و آله اگر می خواهی ما بنو ایمان آوریم باید کتاب خاصی از جانب خداوند بیاید که در آن نوشته شده باشد ایفلان به محمد صلی الله علیه و آله ایمان آور تا ما متابعت از تو نمائیم . -

علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود قریش گفتند ای محمد صلی الله علیه و آله بما خبر داده اند که هر مردی از بنی اسرائیل گناه می کرد صبح می نمود در حالتیکه آن گناه بر جبین او نوشته شده بود و کفاره گناه نیز نوشته بود جبرئیل فرود آمد گفت ای رسول خدا قوم تو طریقه ارتکاب معصیت بنی اسرائیل را سؤال مینمایند اگر بخواهند آنها را مانند بنی اسرائیل قرار می دهیم و هماننداییکه با آنها نازل نمودیم بسایشان نازل می کنیم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کراهت داشت این طریقه را برای امت خود و هرگز این نخواهد شد که تمام آنها مقام رسالت یابند، چنین نیست که گمان کرده اند بلکه از عذاب آخرت نمی ترسند چنین نیست که ایشان گمان کرده اند قرآن همه پند و اندرز است تا هر که خواهد متذکر حق بشود

و یاد نکنند از قرآن مگر آنکه خدا بخواهد او اهل و سزاوار آنست که از او بترسند و اهل آنست که بیمارزد کسانی را که از خدا میترسند و از معاصی او اجتناب میکنند.

ابن بابویه از ابی بصیر روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام معنای آیه را فرمود خداوند تبارک و تعالی میفرماید من اهل آن هستم که بپر هیزند از من و شریک قرار ندهند بندگان مرا با من و اگر شرک بمن نیاورند داخل کنم آنها را به بهشت و فرموده قسم بذات مقدس خود عذاب نکنم اهل توحید را با آتش جهنم

پایان سوره مدثر



سورة القيامة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ (۱) وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲) أَيَحْسَبُ
 الْإِنْسَانُ أَنْ تَبْعَ عِظَامُهُ (۳) كَيْ قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)
 بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵) يَسْتَلْ أَتَىٰ يَوْمَ الْقِيَمَةِ (۶) فَإِذَا
 يَرَى الْقَبْرَ (۷) وَخَشَفَ الْقَبْرَ (۸) وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (۹)

سوره قیامت دهمکه نازل شد و چهل آیه و صد و نود و نه کلمه و سیصد و پنجاه و دو حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس مداومت نماید بر قرائت سوره قیامت و عمل هم به آن نماید خداوند او را با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله معشور گرداند در بهترین صورتی تا عبور کند از صراط و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود هر کس سوره قیامت را قرائت کند من و جبرئیل شهادت میدهم که او از یقین داندگان بر روز قیامت است و بیرون آید از قبر در حالتیکه صورت او نورانی باشد و مداومت کردن بر قرائت این سوره سبب وسعت رزق و محبوب بودن نزد مردم میشود و هر کس آنرا قرائت کند از هیچ پادشاهی نترسد و از شر آن محفوظ بماند در شب و یا روزی که آن سوره را قرائت نموده باشد خداوند .

خلاصه مطالب سوره قیامت عبارت است از شرح احوال مردم در روز قیامت و

ترجمه سوره قیامت

بنام خداوند بخشنده مهربان

چنین نیست که گمان کردند و کنند بروز قیامت (۱) و قسم بنفس علامت کننده (۲)
 آیا آدمی میپندارد که ما جمع نخواهیم کرد استخوانهای پوسیده او را (۳) آری
 ما توانائی داریم که راست کنیم سرانگشتان او را (۴) بلکه انسان میخواهد آنچه
 از عمرش در پیش است همه را بفسق و فجور گذراند (۵) می پرسند کی خواهد بود
 روز قیامت (۶) بگو آئین روز که خیره شود از ترس دیدگان مردم (۷) و تپه و تاریک
 شود ماه تابان (۸) و میان خورشید و ماه جمع گردد (۹)

جمع و بیان قرآن از طرف خدا است و حالات کفار و منافقین هنگام مرگ .
 قوله تعالى (لا اقسم بيوم القيمة ولا اقسم بالتقس اللوامه ايهيب الانسان ان لن نجعل عظامه بلى قادرين على ان نسوي بنانه بل يريد الانسان ليفجر امامه
 يسئل ايان يوم القيمة) - مفسرين اختلاف کرده اند در آنکه قسم مثبت است
 يا منفي طائفة ای گفته اند لا حرف نفی است و قسم منفي است و در نفی هم اختلاف
 نمودند و بعضی گفتند معنای آن اینست: قسم نمیخورم بروز قیامت چه آن ظاهر
 است باده عقابیه و دیگری گفت معنای آن این است: قسم نمیخورم بسروز قیامت
 زیرا که کفار اعتقاد بآن ندارند .

و بعضی دیگر گفتند لاره بر گفتار و سخنان مشرکین است و هر سو گندی
 واقع بشود بر رد کلامی باید مقدم بر قسم لا آورد تا فرق باشد میان انکار و اثبات
 سو کند چنانکه گویند لا والله ان الرسول حق یعنی دروغ گفتند آنها تیکه انکار
 رسالت او کرده اند بلکه پیغمبر است و انکار ایشان بر صحت نبوت او تأثیری ندارد
 پس بنا بر این معنای آیه چنین است: نیست آنچه کافران گمان کردند پس از آن
 ابتداء میکند بکلام و میفرماید قسم بروز قیامت و جمعی گفتند قسم مثبت است و
 لازید باشد یا منله و بعضی از قراء لا قسم بقرائت کردند و گفتند لا ما تأکید است یعنی البته

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ (۱۰) كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱) إِلَىٰ رَبِّكَ
يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۱۲) يُنْبِئُوا الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۱۳) بَلِ
الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴) وَكَوَّالَتِي مَعَادِيَهُ (۱۵) لَا تُحَرِّكُ
بِهِ لِسَانَكَ لِتَحْبِلَ بِهِ (۱۶) إِنْ عَلَيْنَا جُنُودٌ وَقُرْآنُهُ (۱۷) فَإِذَا قَرَأْنَاهُ
فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيِّنَاتٍ (۱۹) كَلَّا بَلِ تُجِبُّونَ الْمَاجِلَةَ
(۲۰) وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱) وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ (۲۲) إِلَىٰ رَبِّهَا
نَازِرَةٌ (۲۳) وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴) تَنْظُرُ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا غَايِرَةٌ
(۲۵) كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (۲۶) وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)

بطور حق قسم منخورم بروز قیامت وبنفس ملامت کننده آیا آدمی می پندارد که
ما استخوانهای پوسیده او را جمع نخواهیم کرد؛ بلی ما قادریم بر آنکه سرانگشتان
او را راست کنیم بلکه آدمی میخواهد آنچه از عمرش در پیش است همه را بفجور و
هوای نفس گذراند و میپرسد کی روز قیامت و حساب خواهد بود. این آیات درباره
عدی بن ربیعہ بن ابی مسلم نازل شدہ کہ معجود پیغمبر اکرم ﷺ در مکہ بود
حضرتش مکرر در دعا میفرمود خدایا مرا از سر این همسایہ بد کفایت فرما
داستان او بدین قرار است : عدی حضور پیغمبر اکرم ﷺ آمد و گمت ای محمد ﷺ
مرا خبر ده از روز قیامت کی خواهد بود و کجا باشد و چگونه است رسول خدا
شطری از احوال و احوال روز قیامت را بیان فرمود عدی گمت ای محمد ﷺ اینکہ
تو میگوئی اگر چه بعیان بیستم باز یقین نکنم چگونه ممکن است کہ استخوانهای
پوسیده و پراکنده را جمع کنند آیات فوق نازل شد و فرمود چنین پندارد عدی کہ
استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد و زنده نمیشود پس از مردن او عظام در آیه کسایہ

در آنروز آدمی گوید کجا است محل فرار و گریختن (۱۰) هرگز راه فرار نیست (۱۱) آنروز جز بند گاه خدا قرار نمی‌گیرد (۱۲) در آنروز آدمی خبر داده شود تا آنچه پیش فرستاد و عقب انداخت (۱۳) بلکه آدمی بنفس خود بینا است (۱۴) اگر چه پرده‌های عذر بر چشم خود بیند (۱۵) ایرسول ما با شتاب و عجله زبان به قرائت قرآن می‌گشاید تا تعجیل کنی به آن (۱۶) همانا بر ماست جمع کردن و فرات آن (۱۷) پس چون بر تو خواندیم پیروی کن عواندن آنرا (۱۸) پس از آن بر ما است که حقایق آنرا بر تو بیان کنیم (۱۹) نه چنین است که کافران گمان کردند بلکه دوست دارند دنیای حاضر و شتابنده را (۲۰) و می‌گذارند و رها می‌کنند آخرت را (۲۱) آنروز رخسار طایفه‌ای با طراوت و نورانیست (۲۲) و بسوی پروردگار خود نظر کنند (۲۳) و رخسار طایفه دیگر عبوس و غمگین است (۲۴) و گمان دارند که حادثه ناگواری در پیش است و هشت آنهارا می‌شکند (۲۵) چنین نیست که منکران قیامت گمان کرده‌اند چون روح برسد باستخوانهای بالای سینه (۲۶) و گفته شود کی چاره درد این بیمار کند (۲۷)

از تمام بدن است چه قوام تن باستخوانها میباشد استخوان چون قالبی است و گوشت و پوس و پوست بر روی آن پوشیده شده است -

در معاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خبر در این آیه بمعنای تکذیب و مکر و حیل است و اراده کرده که انسان نسبت با میر المؤمنین علیهم السلام مکر و حیل بنماید ، پس از آن بیان میکند علامت قیامت را . روز قیامت همانروزی است که دیدگان خلایق از وحشت و ترس خیره بماند و ماء تابان تبارک شود و میان خورشید و ماء جمع گردد یعنی نور هر دو گرفته شود و بعضی از مفسرین گفته‌اند هر دو را جمع کنند و در دریا افکنند آب دریا از مجاورت آنها آتش شود چنانکه میفرماید و اذا البحار سجرت (یقول الانسان یومئذ این المکر کلا لا و زر المی ربک یومئذ المستقر ینبئوا الانسان یومئذ بما قدم و اخر بل الانسان علی نفسه بصیرة و لو القى معاذیرہ) در آنروز انسان زشتکار میگوید گریز گاه کجا است تا از هول

وَقُلْ إِنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸) وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹) إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ
 الْمَسَاقُ (۳۰) فَلَا صَدَقَ وَصَلَى (۳۱) وَلَكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى (۳۲)
 ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (۳۳) أَوَلَيْ لَكَ فَأُولَى (۳۴) ثُمَّ أَوَلَى لَكَ
 فَأُولَى (۳۵) أَيْحَسِبُ أَنَّ بُرْكَ سُدَى (۳۶) أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ
 مَنِيِّ بُنَى (۳۷) ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَغَلَقَ فَسَوَى (۳۸) فَبَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ
 الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳۹) أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُغَيِّرَ التَّوَلَّى (۴۰)

این روز بگریزم، هر گز راه فرار نیست آنروز جز بسوی خدا پناهگاه و فرار گاهی
 نیست در آنروز انسان هر نیک و بدی که در مقدم و مؤخر خود کرده از نتیجه آن
 آگاه شود بلکه انسان خود بر بیک و بد خویش بخوبی آگاهست هر چند پرده‌های
 عذر بر چشم بصیرت خود بیندکند *

در کافی ذیل آیه فوق از عمر بن یزید روایت کرده که خدمت حضرت صادق علیه السلام
 بودم آیه فوق تلاوت شد فرمود انسان میدانند چه کاری انجام میدهد تا تقرب بخدا پیدا
 کند و نیز آنرا بهر ابعلاف امر خدا در پنهان بجا می‌آورد میداند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله
 فرمود هر کس پنهان کند امر خود را خداوند میبیند او را چه خیر باشد یا شر و
 فرمود چکار میکند یکی از شاهان گاه ظاهر خود را آراسته کند و در باطن مرتکب
 عمل زشت بشود آیا بر نمیکرد نتیجه اعمال لو بسوی خودش و خداوند آنطور که
 اظهار نموده نیست و فرمود هر گاه باطن شما نیکو بود ظاهرتان قوی خواهد شد.
 در تهذیب از زید شحام روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام
 خفته و خفقین وضوء را باطل میکند فرمود انسان بر نفس خود بصیرت دارد
 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود هر کس طعم خواب را یامت نشسته باشد یا ایستاده بر
 او وضوء واجب میشود (لا تحرك به لسانك لتعجل به ان علينا جمعه و قرانه فذا

و بیمار یقین کند که وقت مفارقت و جدائی است (۲۸) و ساقهای پای او پیچیده شود (۲۹) در آنروز او را بسوی پروردگار خود خواهد راند (۳۰) پس وای بر آنکس که تصدیق نکرده و نماز بیجا نیاورد (۳۱) بلکه تکذیب کرد خدا را و روی گردانید (۳۲) و آنگاه با تکبر و نخوت بسوی اهلش روی آورد (۳۳) وای بر این زندگی صدای بر مرگ تو (۳۴).

پس از مرگ وای بر برزخ و صد وای پرورز محشر تو (۳۵) آیا آدمی گمان میکند که او را مهمل و باطل و میگذارند و از او سؤال نمیکنند (۳۶) آیا در اول قطره آب منی نبود که ریخته شد و در رحم (۳۷) پس از آن خون بسته و آنگاه باین صورت زیبا آفریده و آراسته گردید (۳۸) پس از آن از دو صنف نروماده پدید آورده (۳۹) آیا چنین پروردگار با قدرت نمیتواند پس از مرگش باز زنده گرداند (۴۰)

پایان ترجمه سورة قیامت

قرآن فاتح قرآنه ثم ان علیها بیان) طبری از ابن عباس روایت کرده چون جبرئیل وحی میآورد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از شدت شوقیکه بر قرآنی آن داشت پیش از خاتمه وحی شروع مینمود بقرائت قرآن خداوند فرمود ای رسول ما در حال وحی با عجله و شتاب زبان بقرائت قرآن نگشای و صبر کن تا خاتمه وحی ما خود قرآن را جمع کنیم و بر تو فراخوانیم و آنگاه که بر تو خواندیم پیرو قرآن باش و احکام آن را عمل کن و بتعلیم است بکوش پس از آن بر ما است که حقایق آنرا بر تو بیان کنیم و حلال و حرام را شرح دهیم تفسیر قرآن اختصاص بما دارد و کسی نمیتواند آنرا بیان کند این معنای نبی نمودن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است از چیزی و روا نباشد بر صاحب مقدس آنحضرت لذا بعضی از مفسرین مانند بلخی گفتند آیه قرآن را اراده نکرده بلکه مراد قلمه اعمال بندگان است در روز قیامت و مناسبت آن با آیات گذشته و آیتده همین است و توبیخ میکند بندگان را هنگامیکه عجله و شتاب سودی برای آنها ندارد یعنی قرائت کن نامه اعمال خود را و شتاب تنها چه در اثر نگاه کردن بر آن بر نفس خود بصیرت

و بینائی پیدا خواهی کرد چون سیئات را مشاهده کردی صبر کن تا حجت بر تو تمام شود چه ما تمام اعمال را جمع و بر تو عرضه میداریم و نمیتوانی انکار نمائی آنها را و اگر انکار کنی ما بیان میکنیم تمام اعمال را و محفوظ میداریم آنها را تا مردم نشان دهیم .

(کلا بل تحبون العاجلة و تذرون الآخرة وجوه يومئذ ناضرة الى ربها ناظرة و وجوه يومئذ باسرة تظن ان يفعل فاقرة) هرگز کافران لجوج بخدا و قیامت نگروند بلکه بنیای نقد و حاضر را دوست دارند و بکلی آخرت و نشأه قیامت را رها کردند پس از آن اهل آخرت را دو قسمت نمود و فرمود در آنروز رخسار طایفه ای از شادی بر افروخته و نورانیست و بچشم دل خدا را مشاهده کنند و رخسار طایفه دیگر عبوس و غمگین است و میدانند که حادثه ناگواری در پیش است که همت آنها را می شکند .

مشبهه باین آیه تمسك جستند به آنکه خدا را میتوان دید و دلیل ایشان بکلی باطل است زیرا نظر در کلام عرب بمعنای رؤیت نیامده و شاهد بر این قول آنها است که میگویند نظرت الى الهلال فلم اراه بماه نگریدم ندیدم آن را و اگر نظر بمعنای رؤیت بود این کلام متناقض بود و بمنزله آن بود که گفته ما را دیدیم و ندیدیم .

این بابویه ذیل آیه وجوه يومئذ ناضرة الى ربها ناظرة از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود صورتهائی باشند نورانی، نظر میکنند بثراب و پاداش پروردگار خود که به آنها عطا میشود .

و از ابی بصیر روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام عرض کردند مؤمنین روز قیامت مشاهده میکنند عدایتعالی را فرمود مشاهده نمودند او را پیش از روز قیامت عرض کردم در چه روز میدند فرمود روز عهد و میثاق همان روزیکه عداوتند به آنها فرمود الست بر یکم جواب دادند بلی پس از آن قدری توقف نمود و فرمود مؤمنین در دنیا خدا را مشاهده مینمایند آیا تو خدا را نمی بینی گفتم فدایت کردم اجازه میفرمائید این حدیث را از قول شما بیان کنم فرمود خیر چه آنرا جاهلین و نادانان منکر میشوند زیرا درك نمیکند معنای حدیث را و دیگر طایفه قائل

برویت چشم شده مشبهه و کافر میشوند و مشاهده دل و قلب نیست مانند مشاهده
بچشم که هر کس بتواند خدا را مشاهده نماید ای ای بصیر ذات مقدس پرورده گار
میرا و منزله از آنست که بچشم دیده شود یا تشبیه کنند او را به چیزی چنانکه مشبهه
و کفار و ملحدین او را تشبیه نمودند.

(کلا اذا بلغت التراقي و قبل من و اق و ظن انه الفراق و التفت الساق بالساق
الی ربك يومئذ المساق فلا صدق و لاصلی) چنین نیست که منکران قیامت پنداشتند
چون جان بالای سینه و کلورسد و اهلش گویند که چاره درد این بیمار که تواند
کره و بیمار یقین کند بفارقت از دنیا و خارج شدن روح از تنش چه عزرائیل
را بچشم بیند و ساقهای او از شدت وسعتی جان کنند بهم مالیده و پیچیده شود در
آنروز خلاق بسوی خدا رانده میشوند.

طبرسی از پیغمبر اکرم علیه السلام روایت کرده فرمود چون بنده در حال سکران
موت باشد اعضاء بدن او هر يك بر دیگری سلام میکنند و میگویند این مفارقتی
انست تا روز قیامت.

وای از آنروز برای کسانی که حق را تصدیق نکردند و ایمان نیاوردند و
نماز بجا نیاوردند سبب نزول آیات فوق آن بود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را
دعوت میکرد روز غدیر خم بسوی بیعت کردن با امیر المؤمنین علیه السلام چون رسانید
بمردم آنچه را مأمور بود از جانب پرورده گارد رباره آنحضرت و مردم از امر
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برگشتند معاویه ملعون تکیه کرده بود بر عفره بن شعبه و
ای موسی اشعری متوجه عشیره خود شد و گفت بخدا قسم من هرگز ایمان و
اقرار بولایت علی علیه السلام نخواهم آورد و تصدیق نمیکنم گفتار علیه السلام را در باره
علی علیه السلام خداوند آیات فوق را حکایت از گفتار او مازل نمود و فرمود وای بر او
که امر ما را تکذیب میکند و از حکم ما بر میگردد و بسوی اهلش با تکبر و
نخوت روی آورد وای بر چنین شخصی که بعذاب و مرگ سزاوارتر است و عرب
کلمه اولی قاولی را بکسی اطلاق میکند که به بلا و عذاب نزدیک است پس از مرگ
هم وای از عذاب بر رخ و روز محشر بر او و چون آیات نازل شد معاویه بر گشت بخاند و
اهل خود تنقید و مسخره میکرد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را آنحضرت بالای منبر

تشریف برد خواست بیزاری پیجویید از معاویه خدایوند آیه لا تحرك به لسانك لتعجل به را نازل نمود پیغمبر سکوت اختیار کرد بامر خداوند -

طبرسی از صحابه روایت کرده روزی پیغمبر اکرم ﷺ گریبان ابوجهل را گرفت و فرمود اولی لك قاوی ابوجهل گفت ای محمد ﷺ مرا تهدید میکنی به خدای خود تو و خدایت بمن هیچ زیان و ضرری نمیتوانید رسانید من قوی و عزیز ترین اهل مکه هستم آیات ذیل را جبرئیل فرود آورد.

(ایحسب الانسان ان يترك سدى الم يك نطفة من منی یمنی ثم کان علقة فخلق فسوی فجعل منه الزوجین الذکر و الانثی البس ذلك بقادر علی ان یحیی الموتی) آیا آدمی پنداره که او را مهمل خواهند گذاشت تا هر چه خواهد انجام دهد و از او سؤال نخواهند کرد مگر نه او قطره آبی بوده از منی پس از آن خون بسته شد آنگاه باین صورت زیبای حیرت انگیز آفریده و آراسته گردید و از آن دو جفت نر و ماده پدید آورد آیا چنین خدائی با قدرت و حکمت قادر نیست که مردگان را پس از مرگ زنده گرداند؟ چون این آیه نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ پس از تلاوت فرمود سبحانک اللهم بلی و گریه بسیاری نمود.

پایان سوره قیامت

سورة النهر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينَ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا (۱)
 إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲)
 إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳) إِنَّا نَعْتَدُ لِلْكَافِرِينَ
 سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (۴)

سوره دهر در مدینه نازل شده و سی و یک آیه و دویست و چهل کلمه و هزار و پنجاه و چهار حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره دهر را قرائت کند در صبح روز پنجشنبه خداوند تزیین نماید او را هشتصد حور العین و بدهد باشد یا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله -

و در خواص قرآن از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند بر خدا است که پاداش بدهد او را بهشت و هر که مداومت کند بر قرائت این سوره نفس ضعیف او قوی گردد و اگر بنویسد آن را و بآب بشوید و آن آب را بیاشامد نفع رساند به تمام دردهای بدنش خصوصاً درد دل.

خلاصه مطالب سوره دهر عبارت است از آفرینش انسان از اختلاط آب مرد و زن و بیان کردن راه هدایت و گمراهی و کیفر کفار و پاداش مؤمنین و امر نمودن پیغمبر به بردباری و صبر در مقابل اذیت و آزار مشرکین و منافقین

قرله تعالی (هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً اما خلقنا الإنسان من نطفة أمشاج نبتليه فجعلناه سميعاً بصيراً انما هديناه السبيل اما شاكراً و اما كفوراً) آیا بر انسان روز گدای نگذشت که در آن روز کار چیزی مذكور

ترجمه سوره دهر

بنام خداوند بخشنده مهربان

آیا بر انسان روزگاری نگذشت که چیزی لایق ذکر نبود (۱) ما آدمی را از آب نطفه مختلف بحرارت و برودت آفریدیم و نیازمائیم او را و گردانیم او را شنوا و بینا (۲) ما راه حق و باطل را بآنان نمودیم حال میخواهد شکر گذار و یا ناسپاسی کند (۳) ما برای کسافران غل و زنجیرها و آتش سوزان آماده کردیم (۴)

نبود بعضی از مفسرین گفتند مراد بانسان آدم است چه او مدتی خاک بود و کل تا آنکه روح در او دمیده شد

این شهر آشوب و رازی گفتند در تفسیر اهل بیت مراد بانسان امیر المؤمنین علیه السلام است و هل بمعنای مای نافیه است بمعنای آن چنین است: هیچ روزگاری نیامد مگر آنکه در آن روز گار چیزی مذکور بود یعنی پیوسته وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام معروف و مذکور و مشهور بود چگونه مذکور و معروف نباشد آنکسی که نامش با نام خدا و رسول بر ساق عرش و بر در بهشت و سرادقات و اوراق و اشجار نوشته شده پیش از خلقت آدم و دلیل بر صحت این تفسیر آیه انا خلقنا الانسان من نطفة و آیات بعد از آن است چه لام انسان لام تعریف عهد است و بدیهی است که آدم را خداوند از نطفه نیافریده است و بعضی گفتند مراد بانسان نوع بنی آدم است و هل استفهام تقریری است یعنی ای کسی که منکر جامع و قدرت اوستی آیا روزگاری بر تو نگذشت که مذکور نبودی و در عالم خلق وجودی نداشتی هر چند در علم خداوند موجود بودی و این آیه دلیل است بر اینکه معدوم شئی است معلوم اگر چه مذکور نیست .

در محاسن از حمران روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام معای آیه را سؤال نمود فرمود بنی آدم چیزی بودند که کورتا شد خلقت و کورتا علم خداوند گفتند امشاج یعنی چه فرمود آب مرد است که مخلوط با آب زن میشود از آن می آفرینند

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا
 عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶) يُوفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ
 شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷) وَيَطْمَئِنُّونَ لِلطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِمْ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا
 (۸) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (۹) إِنَّا
 نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا قَبُوسًا قَتَرًا (۱۰) فَوَقَّيْهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ
 وَلَقِيَهُمْ نَصْرُهُ وَسُورُهُ (۱۱) وَجَزَاءُ مَا صَبَرُوا جَنَّةٌ وَحَرِيمٌ (۱۲)
 مُتَكَبِّرِينَ عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَدْخُونَ فِيهَا شُجَّارٌ وَلَا زَمْهَرِيرٌ (۱۳) وَدَائِيَةٌ
 عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَفْئُودُهَا تَذَلُّلًا (۱۴)

انسان را سپس آزمایش میکند و شنوا و بینا میگرداند و تکلیف مینماید او را با حکامی
 تا هرمان بردار از نافرمان و مطیع از عاصی معلوم گردد .

در کافی ذیل آیه آمده یناه السبیل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود
 هداوند شناسانید مردم راه عدالت را میگیرند آن راه را و با رها میکنند و آیه
 رد سخنان جبری حکمان است که خیال کرده اند بندگان از خود اختیاری ندارند
 چه پروردگار میفرماید ما راه خیر و شر را نشان دادیم حال میخواهد هدایت یا بدو شکر
 گذار این نعمت باشد یا کفران نعمت کند و کمراء کرده آنگاه کیفر کفار
 و پاداش مؤمنین را بیان میکند بقولش

(إِنَّا اعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا) ما برای کفران غل و
 زنجیر و آتش سوزان و دوزخ تافته مهیا ساختیم

(ان الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورا عينا يشرب بها عباد الله
 يفجرونها تفجيرا) و نکوکاران در بهشت از شرابی خوردند که طبعش آسختگی

همانا نیکو کاران در بهشت می‌آشامند از شرابیکه طبع آن از کافور است
 (۵) از چشمه گوارائی، آن بندگان خاص خدا می‌نوشتند و با اختیارشان جاریست هر
 کجا که بخواهند (۶) آنها وفا میکنند بنذر و می‌ترسند از روزیکه سختیش همه
 اهل محشر را فرا گیرد (۷) و به خاطر دوستی با خدا بفقیر و اسیر و یتیم طعام می‌دهند
 (۸) و می‌گویند ما فقط برای رضای خدا بشما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش
 و سپاس گزاری نمی‌طلبیم (۹) ما از پروردگار خود می‌ترسیم آن روزیکه رخصت خلق
 درهم و غمگین است (۱۰) خدا هم از شرفته آنروز آنها را نگاهداشت و بایشان
 روی بخنداند و دل‌شادمان عطا نمود (۱۱) و پاداشی آمان بسبب آنچه صبر کرده‌اند
 بهشت و لباس تحریر است (۱۲) در آن بهشت بر تخت‌ها تکیه‌زنند و در آن آفتاب
 سوزان و سرما نبینند (۱۳) و سایه درختان بهشتی بر سر ایشان گسترده شده و میوه‌هایش
 در دسترس و با اختیار آنها است (۱۴)

بکافور است از سرچشمه گوارائی نوشند آن بندگان خاص خدا که با اختیارشان
 هر کجا خواهند گشاده و جاری می‌شود

(یوفون بالنذر و یعافون یوما کان شره مستطیراً و یطمون الطعام علی حبه
 مسکیناً و یتیم و اسیراً انما نظمکم لوجه الله لانیذ منکم جزاء و لاشکور افولهم
 الله شر ذلک الیوم و لقهم نضرة و سرورا و جزاهم بما صبروا جنة و حریراً) مفسرین
 عامه و خاصه اتفاق دارند در اینکه این آیات در شأن امیر المؤمنین و حضرت فاطمه
 و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام و فقه کبیر آنها نازل شده و داستان آن بدینقرار است
 حسین علیه‌السلام بیمار شدند جدشان پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله و سلم با جمعی از اصحاب بنیاد
 آنها تشریف بردند بامیر المؤمنین علیه‌السلام فرمودند اگر نذر کنی در حق حسین
 روا باشد امیر المؤمنین علیه‌السلام و حضرت فاطمه (ع) و فقه کبیرشان و خود حسین
 هر يك سه روز روز نذر کردند اگر خداوند آنها را عافیت دهد بشکرانه آن‌روزه
 بکیرند چون خدایتعالی ایشان را شفا داد امیر المؤمنین علیه‌السلام به حضرت فاطمه (ع)
 فرمود وقت آن است که ما بنذر خود وفا کنیم چیزی نداشتند امیر المؤمنین

و يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا (۱۵) قَوَارِيرًا
 مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶) وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا
 (۱۷) هَينَا فِيهَا تُسْقَى سَلَسِيلًا (۱۸) وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ
 إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا (۱۹) وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَبِيًّا وَ
 مُلْكًا كَبِيرًا (۲۰) عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ
 مِنْ فِضَّةٍ وَسَقْيَهُمْ مِنْهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱) إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ
 كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (۲۲) إِنَّا نَعْنُزُ لَنَا هَٰئِكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (۲۳)

﴿تَنْزِيلًا﴾ نزد یهودی بنام شمعون رفت تا مقداری جو فرض کند یهودی گفت یا علی
 این پشم را بگیر و بزنان بده تا برای من بپرسند و این سه صاع جو را مزد
 بگیرند آنحضرت آنها را گرفت وبعانه آورد حضرت فاطمه یکصاع آن را آسیا
 کرده و پنج قرص از آن نان پخت هر یکی را قرصی، همه روزه دار بودند چون
 نماز شام بجا آوردند و خواستند افطار کنند هنوز دست بطعام نبرده بودند سائلی
 بدرخانه آمد و گفت من مسکینی هستم از مسلمانان مراطعام دهید خداوند شمارا
 از خوانهای بهشتی طعام دهد امیرالمؤمنین به حضرت فاطمه فرمود :-

فاطمه ذات المجد و الیقین	یا بنت خیر الناس اجمعین
اما ترین البائس المسکین	قد قام بالسب له حنین
یدعو الی الله و یتکین	یشکو الینا جایع حزین
کل امرئ یمسبه دھین	و قائل الخیرات یتدین
موعدہ جنة علین	حرّمها الله علی الضمین
و للبخیل معوف مھین	تهوی به النار الی السجین
شرابہ العذید و الغسلین	یمسک فیه الدھر و السنین

و ساقیان زیبا با جامهای سیمین و کوزههای بلورین بر آنها دور میزنند (۱۵) و آن بلورین کوزهها مانند تقره خام و مانند از مو تناسب اهلش مقدر کرده اند (۱۶) و در آنجا شرابی که طبعش چون زنجبیل و عطر آلوده است بآنها بنوشانند (۱۷) و آنجا چشمه ایست که سلسبیلی نامند (۱۸) و دور میزنند بر آن بهشتیان پسرانی زیبا که همیشه جوانند و خوش سیما، هر گاه مینی آبر را پنداری از قوط سفا چون لؤلؤ و مروارید پراکنده اند (۱۹) چون آنجا یگانه را مشاهده کنی جهانی پر نعمت و کشوری بزرگ خواهی یافت (۲۰) بر بالای بهشتیان دیبای سبز و ابریشم است و آراسته شوند بدستبندهای تقره خام و سیراب گردانند آنها را پروره گارشان از شراب پاکیزه و گوارا (۲۱) اینها همه پاداش شما است و سعادتان در راه خدا پسندیده و مقبول است (۲۲) ای رسول، ما این قرآن عظیم الشان را بر تو فرستادیم (۲۳)

فرمود ای فاطمه ای که بزرگوار و عزیز و بلند مرتبه و با یقینی، ایدختر بهترین مردمان عالم - مگر نمی بینی فقیر بینوائی در خانه ایستاده ناله و فریاد میکند - و خدا را میخواند و اظهار گرسنگی بها میکند بدانکه هر شخصی در گروی اعمال خود میباشد و نیکوکاران عمل نیک خود را بقرض میدهند و سر آمد مدت وام آنها بهشت علیین است. خداوند حرام کرده آن بهشت را بر هر خمیس و بخیلی، و از برای بخیل جایگاه خوار و ذیلی است و آن دوزخ است و سجیل، و شراب او کثافات زنان زانیه است همیشه در آن دوزخ جاوید همانند - حضرت فاطمه علیها السلام در جواب آنحضرت گفت:

امره سمع یا بن عم وطاعة	مالی من لوم ولا بضاعة
هذبت بالبر ولی صناعه	اطعمه ولا ابالی الساعة

و ادخل العلد ولی شفاعه

گفت ای پسر عموی عزیزم امرو فرحان شمارا می شنوم و اطاعت میکنم و از هیچ ملامت کننده روی چیزی با کی ندارم پیشه من کرم و احسان به بینوایان و پرو نیسکوئی بآنها است و در این دنیا از هیچ مشقت و سختی با کی ندارم زیرا میدانم پاداش تمام اینها بهشت جاوید است که در آن داخل میشوم و شفاعت است که خداوند پیشه من

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آيَةً أَوْ كَفُورًا (۲۴) وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأُمِّيًّا (۲۵) وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶) إِنَّ هَؤُلَاءِ يُعِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا قَهِيلًا (۲۷) فَمَنْ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أُمُرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمَنَاتِهِمْ تَبْدِيلًا (۲۸) - إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۲۹) وَمَا تَشَاوُرُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۳۰) يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالْعَاقِلِينَ أَمَدٌ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۱)

قرآن داده است -

امیر المؤمنین علیه السلام فرس نان خود را بآن فقیر ایشان نمود حضرت فاطمه و حسنین علیهم السلام و فقه نیز بآن حضرت اقتدا نمودند و نان خود را به فقیر دادند و آن شب بآب تنها افطار باز نمودند. روز دیگر صبح دوم را حضرت فاطمه آسپاب کرد و پنج فرس نان پخت پس از ازاله نماز، چون خواستند افطار کنند یتیمی در خانه آمد و گفت السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة. یتیمی از فرزندان مهاجر هستم پدرم در رکاب رسول خدا شهید شده است مرا طعامی بدهید امیر المؤمنین علیه السلام چون صدای یتیم را شنید فرمود فرس من را باو بدهید حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین و کنیز آنها فقه بآن حضرت اقتدا نموده هر یک فرس نان خود را به یتیم دادند و آن شب نیز بآب افطار نمودند. شب سوم هنگام افطار سائلی بدر خانه آمد و گفت من اسیری هستم مرا طعامی بدهید امیر المؤمنین علیه السلام فرس خود را بآن اسیر داد حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین و فقه نیز سهم خود را بآن اسیر دادند آن شب هم بآب افطار کردند روز چهارم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمنزل دخترش حضرت فاطمه تشریف برده دید حسنین از شدت ضعف میفرزند از حال آنها سؤال نمود حضرت

پس بر اطاعت حکم پروردگار صبور و بردبار باش و از مردم گناهکار و ناسپاس فرمان مبر (۲۴) و نام خدا را هر صبح و شام بزرگی یاه کن (۲۵) و بعضی از شب را در نماز بسجده خدا پرداز و شبهای دراز را به تسبیح و ستایش او صبح گردان (۲۶) این مردم غافل دوست میدارند نیای شتابنده را و میگذارند بهشت سر خود آنروز سخت و سنگین قیامت را (۲۷) ما آنها را آفریدیم و محکم بنیان ساختیم و اگر بخواهیم همه را نابود کرده و طایفه دیگری مانند ایشان خلق میکنیم (۲۸) این آیات پند و تذکرست تا هر که بخواهد راهی بسوی پروردگار خود پیش گیرد (۲۹) و نمیدانید شما مگر آنکه خدا بخواهد همانا خداوند دانای درست کردار است (۳۰) هر کرا بخواهد در بهشت و رحمت خود داخل میکند و برای ستمکاران عذاب دردناکی آماده کرده است (۳۱)

پایان ترجمه سوره دهر

فاطمه داستان را بعرض مبارکش رسانیده رسول خدا گریسحه در این اثناء جبرئیل نازل شد و آیات: ان الا بر اشر بون من کأس کل من ارجها کافورا تا آخر آیات کان معکم مشکورا را آورد پیغمبر صلی الله علیه و آله حمد و سپاس پروردگار را بجا آورد و تبسمی بصورت آنها نمود و فرمود بگریید تنهت و مبارک باد خدا را که جبرئیل آورده و از جانب پروردگار بشما سلام میرساند و این آیات را در شأن شما نازل نموده خداوند نعمتی بشما عطا فرموده که هرگز نابود شدنی نیست ایستختر محمد صلی الله علیه و آله گوارا باد ثورا قرب رحمن و جوار پروردگار، در خانه جلال و جمال خداوند میپوشاند شما را سندس و اشترق و از جوان بهشتی، و سیراب میشوید از شربت رحیق مخنوم و شما نزدیکترین مخلوقات هستید بخداوند رحمن و ایمن باشید در آنوقتی که همه مردم محزون و ترسان می باشند خوشا بحال دوستداران شما و کمالتیکه شما را عزیز و محترم میشمارند در آن عصر و زمانی که مردم خوار و ذلیل میشوند شما را ویاری میکنند شما را در آنوقتیکه یار و یاروی ندارید وای بر امت من وای بر امت از طرف خدا پس از آن بوسید حضرت فاطمه و امیر المؤمنین علیهما السلام را و بسینه خود چسبانید حسنین را و فرمود خداوند خلیفه من است بر شما در حال حیات و ممات

من باو می سپارم شمارا که بهترین حافظ و نگهبان است محفوظ بدارد خداوند دهر
 کسیرا که شمارا حفظ مینماید وصله کننده با آنکه با شما وصله مینماید، یاری کند
 کسیرا که شما را یاری مینماید و خوارو ذلیل گرداند آنکسیرا که شما را خوار و
 ذلیل میکند؛ بزودی بمن ملحق خواهید شد نزد خداوند و حساب و پاداش شما با
 خدا خواهد بود و این حدیث را ابن بابویه و بسیاری از محدثین عامه و خاصه روایت
 کرده اند و در معنای یوفون بالتند و یطاقون یوما.. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
 روایت کرده فرموده شیعیان ما وفا کردند با نعهدی که خداوند گرفت از آنها بر ولایت
 ما آل محمد علیهم السلام و ترسیدند از روز پیمان و عهد که در عالم قدس از ایشان گرفته شد بر ولایت
 ما ائمه -

در کافی ذیل آیه و یطمعون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمنا و اسیرا - از حضرت
 موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرموده عیال مرده حکم اسیر را دارد سزاوار است
 که انسان در نعمت و ارزاق و البسه آنها در سمت توسعه بدهد تا آرزوی مرگ
 او را نکنند -

ابن بابویه ذیل آیه: و اذا رایتم ثم رایتم نعیمنا و ملکا کبیرا - از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده فرمود وقتی اهل بهشت داخل بهشت شدند خداوند رسولی پسوی
 اولیا خود می فرستد، دربان او را نگاه می دارد تا برود اذن و اجازه بگیرد از آن
 ولی و رسول پروردگار، بدون اجازه حضور او نمی رسد، اینست سلطنت و پادشاهی
 بزرگ .

(انا نحن نزلنا علیک القرآن تنزیلا قاسیرا لعلکم ذکرا و لا تطع منهم اثما
 او کفورا) ای رسول، ما این قرآن را نازل کردیم و فرو فرستادیم بر تو بشکرانه آن
 بر اطاعت حکم پروردگار شکبیا و بر دبار باش و پیروی مکن از مردم کافر بزه کار و
 بد کیش. و مقصود از آتم کفور بعضی گفتند ابوجهل است، چه او گفت اگر محمد
صلی الله علیه و آله را دیدم نماز می خواند پای خود را بر گردن او می نهام تا هلاک شود و بعضی دیگر
 گفتند مراد عقبه بن ربیع و ولید بن مغیره است عقبه گفت ای محمد صلی الله علیه و آله اگر دست

از این دعوت برداری هر يك از دختران مرا که بخوای بدون مهر بتو میدهم و در تمام عرب از دختران من نیکوتر نیست ولید گفت ای محمد ﷺ اگر از این دعوت دست برداری چندان مال بتو میدهم که خوشنود شوی قریش میدانند که در میان آنها کسی بیشتر از من مال ندارد .

(واذکر اسم ربك بكرة واصيلا ومن الليل فاسجد لموسى ليليا لمويل) هر باعداد و شبانگاه نام خدا را بیزدگی یاد کن - مراد نماز صبح و مغرب است و بعضی از شب رادر نماز سجده خدا پرداز و شام را به تسبیح و ستایش خدا صبح گردان مقصود نماز عشاء است .

(ان هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم يوما ثقیلا، نحن خلقناهم وشدینا اسرهم، واذنا شئنا بدلنا امثالهم تبديلا) این کفار و مردم غافل دنیای نقد حاضر را دوست می دارند و آنروز سنگین و سخت قیامت را رها کرده و پشت سر انداخته و از یاد برده اند ما آفریده ایم ایشانرا و بنیان آنها را محکم ساخته ایم و اگر بخواهیم آنانرا از بین ببریم و بجای ایشان طایفه دیگری خلق می کنیم .

(ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا و ما تشاؤون الا ان يشاء الله ان الله كان عليما حكيما يدخل من يشاء في رحمته والظالمين اعد لهم عذابا اليما) این آیات پند و تذکرست تا هر که بخواهد راهی بسوی خدای خویش پیش گیرد و نخواهد شما مردم مگر آنچه خدا بخواهد یعنی کارهای خود را به ما وا گذارد چه خداوند باحوال خلق دانا و بمصالح پندگان آگاهست خدا هر کرا بخواهد در رحمت خود داخل گرداند و برای ستمکاران و کافران عذابی دردناک مهیا ساخته است .

در کافی از محمد بن فضیل روایت کرده که از حضرت موسی بن جعفر ﷺ

سؤال نمود معنای ان هذه تذكرة را فرمود اشاره است بولایت امیرالمؤمنین ﷺ عرض کردم بدخل فی رحمته یعنی چه فرمود رحمته ولایت ما آل محمد ﷺ است در بصائر الدرجات ذیل آیه الا ان يشاء الله از حضرت صادق ﷺ روایت کرده فرمود

خداوند دل‌های ائمه را محل اراده خود قرار داده است هر گاه بخواهد چیزی را آنها نیز خواسته اند و معنای آیه همین است -

در کافی ذیل آیه یدخل من یشاء فی رحمته و الظالمین اعداهم عذابا الیما از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود رحمت خدا ولایت ما ائمه است و خداوند اجل و اهنر است از آنکه باو ظلم و ستم شود یا نسبت ظلم باو بدهند لکن پروردگار مخلوط نموده ما ائمه را به نفس خود و قرار داده ظلم بما را ظلم بنخود و دوستی و ولایت ما را دوستی و ولایت خود سپس در این مورد آیه ای نازل نموده و فرموده: و ما ظلمنا هم و لکن کانوا انفسهم بظلمون. محمد بن فضیل راوی حدیث می گوید حضورش عرض کردم این بیان تنزیل آیه است فرمود بلی -

ابن شهر آشوب از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود رحمت و جود مقدس امیر المؤمنین (ع) و فرزندان گرامش هستند -

پایان سوره دهر

سورة المرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱) قَالَهُمَا صَفَاتِ صَعْفًا (۲) وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (۳)
قَالَفَارَقَاتِ قَرْفًا (۴) قَالَهُمَا قِيَابَ ذِكْرًا (۵) عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (۶) إِنَّمَا
تُوعَدُونَ نَوَاقِعُ (۷) فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸) وَإِذَا السَّمَاءُ كُفِّرَتْ (۹)
وَإِذَا الْجِبَالُ كُسِفَتْ (۱۰) وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتْ (۱۱) لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ
(۱۲) لِيَوْمِ الْفَصْلِ (۱۳) وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴)

سوره والمرسلات مد مکہ نازل شدہ وپنجاه آیه و صد و ہشتاد و یک کلمہ و
ہفتصد و شانزدہ حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ
فرمود ہر کس سورہ مرسلات را قرائت کند خداوند اورا بہ پویشمیرش وہو وہو
معرفی کند و در خواص قرآن از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس
این سورہ را قرائت کند نمیباشد از مشرکین و اگر هنگام محاکمہ آن را قرائت
کند خداوند قوی گرداند اورا بر خصمش و غالب گرداند اورا بر دشمنش و اگر
این سورہ را بنویسند و بآب پیاز محو کنند و آن را بکسی دهند کہ درد شکم دارد
آن درد ہاڈن خدا برطرف گردد .

سورہ مرسلات مشتمل است بر وعدہ پروردگار از بہت و نشور و ثواب و عقاب
و تہدید و توبیخ تکذیب کنندگان و کیفر آنها و ثواب و پاداش مؤمنین .

قوله تعالی (و المرسلات عُرْفًا و العاصفات عَصْفًا و النّاشرات نشرًا) قَالَفَارَقَاتِ
قَرْفًا قَالَهُمَا قِيَابَ ذِكْرًا عُنْدًا اَوْ نُذْرًا) قسم بقرستادہ شدگان از بی ہم یا بادہای بی
درہی ، یا ہرشتگان و یا پیغمبران و قسم ببادہای تند و سخت و قسم بفرشتگانیکہ

ترجمه سوره مرسلات

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بر سولانی که از بی هم به نیکی فرستاده شدند (۱) و سوگند برشتگانی که سرعت باد در انجام حکم خدا میثابتند (۲) قسم بآنان که وحی خدا را در عالم نشر می‌دهند (۳) و بحق آنها که بین حق و باطل را جدا می‌کنند (۴) و برشتگانی که وحی خدا را به پیغمبران می‌رسانند (۵) تا عند مؤمنین و ترس بدان شوه (۶) سوگند بهمه اینها آنچه از ثواب و عقاب آخرت بشما وعده داده‌اند البته واقع خواهد شد (۷) آنگاه که ستارگان همه بی نور و محو شوند (۸) و آسمان شکافته شود (۹) و کوهها پراکنده شوند (۱۰) آنگاه که بر سولان اعلان کنند وقت ثواب و عقاب را (۱۱) برای کدام روز معین (۱۲) برای روز جدا کردن حق از باطل (۱۳) و چگونه می‌توانی تصور کنی بزرگی آن روز را (۱۴)

وحی و حکم الهی را در عالم نشر می‌دهند و به پیغمبران می‌رسانند و سوگند بکسانی که بحکم خدا حق و باطل را جدا می‌کنند و بحق آن فرشتگانی که وحی خدا و کتب آسمانی را به پیغمبران می‌رسانند برای امداد و انذار، یعنی تا برسانند و حجت بر مردم تمام کنند که پس از عقاب و کیفر برای ایشان حجتی نباشد این آیات قسم بود و جوابش :

(انما توعدون لواقع) آنچه شما را وعده می‌دهند از بعث و نفور و ثواب و عقاب البته بطور یقین واقع خواهد شد و خلافتی مد آن نیست پس از آن وقت آنرا بعلامات بیان می‌فرماید نه بزمان :

(فاذا النجوم طمست و اذا السماء فرجت و اذا الجبال نصفت و اذا الرسل اقتت لای يوم اجلت لیوم الفصل و ما ادریک ما یوم الفصل) و عدهای خدا آنوقت واقع میشود که ستارگان همه بی نور شوند و اثر آنها محو شود و آسمان را بشکافتند و کوهها از جای کنده و پراکنده گردند و اعلام کنند پیغمبران را برای ثواب و عقاب مردم و برای روز معین یعنی روز قیامت پس از آن بیان میکند آن را که چه روزی است و روز قیامت همان روز فصل حکومت بین حق و باطل و جدائی میان سید و مشر

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۵) أَلَمْ تَهْلِكِ الْأُولَىٰ (۱۶) ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ
 الْآخِرِينَ (۱۷) كَذَلِكَ تَقُولُ بِالْجُرْمِينَ (۱۸) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
 (۱۹) أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ (۲۰) فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۲۱)
 إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ (۲۲) قَدَرْنَا نَحْنُمُ الْقَادِرُونَ (۲۳) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
 لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۴) أَلَمْ تَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵) أَحْبَاءَ وَأَعْمَانًا (۲۶)
 وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً غُرَاتًا (۲۷) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
 لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۸) إِنَّا نَطْلُقُوهَا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۹) إِنَّا نَطْلُقُوهَا
 إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (۳۰) لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ (۳۱) إِنَّا
 نَرَىٰ بِشَرِّهِ كَالْقَصْرِ (۳۲) كَأَنَّهُ جِبَالٌ صَفَرٌ (۳۳)

است وچه دانی تو ای ~~مشرکین~~ و چگونه میتوانی بزرگی آنروز جدائی را
 تصور کنی.

(ویل یومئذ للمکذبین الم نهلك الاولین ثم تتبعهم الاخرین کذاک تفعل با -
 لمجرمین ویل یومئذ للمکذبین) وای در آنروز بحال کسانی که تکذیب کردند
 پیغمبران و کتابهای آسمانی و قیامت را آیا ما پیشینیان را بکیفر کفر هلاک
 نکردیم ؟ از پس آنها قومیکه متکر قرآن هستند هلاک خواهیم نمود همچنین
 بدکاران را هلاک میسازیم. وای از آنروز بحال تکذیب کنندگان ، وجه تکرار آیه
 همانست که در سوره الرحمن بیان نمودیم .

(الم نخلقکم من ماء مهین فجعلناه فی قرار مکین الی قدر معلوم فقدرنا
 قسم القادرون) (آیا ما شما را از نطفه بیقدر باین زیبایی نیافریدیم ؟ بلی ما آن نطفه
 را از صلب پدری قرارگاه رحم مادر منتقل ساختیم تا مدت معین که در رحم مادر بماند

در آن روز وای بحال منکرین و تکذیب کنندگان روز قیامت (۱۵) آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم (۱۶) لژی آنها هم طایفه دیگر را هلاک میکنیم (۱۷) بد کاران را چنین هلاک میکنیم (۱۸) در آن روز وای بحال تکذیب کنندگان (۱۹) آیا شما را از آب بیقصد نیافریدیم (۲۰) و ما آنها را بقرار گامرحم استوار گردانیدیم (۲۱) تا مدت معین و دانسته شده (۲۲) و ما توانائی داشتیم بر تعیین مدت و نیکو تقدیر کردیم باقیماندن در رحم را (۲۳) وای در آن روز بحال تکذیب کنندگان (۲۴) آیا زمین را انگردانیدیم جمع کننده (۲۵) برای زندگان و مردگان (۲۶) و ما قراوه دادیم در آن زمین کوههای بلند و آب دادیم شما را آب شیرین خوشگوار (۲۷) وای در آن روز بحال تکذیب کنندگان (۲۸) گفته شود بآنها بروید امروز بسوی آندوزحیکه تکذیب میکردید آنها (۲۹) بروید زیر سایه های دودهای آتش به شاخه (۳۰) نه آنجا سایه خواهد بود و نه از شراره آتش نجات خواهید یافت (۳۱) آن آتش هر شرارهای بیفکند مانند قریست (۳۲) گویا آن شراره های آتش، شتران زدند (۳۳)

و آن نه ماه است و ما تقدیر مدت رحم و تعیین سرنوشت او را معین کردیم و نیکو تقدیر کننده و حکیمی هستیم .

(اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ كِفَاتًا ، اَحْيَاء و اَمْواتًا و جَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ شَامِخَاتٍ و اَسْقَمْنَا كُمَ ، فَرَاتًا) آیا ما زمین را کافی قرار ندادیم تا زندگان روی زمین تمییز کنند و مردگان درونش پنهان شوند؟ کفات مسکن است، امیر المؤمنین علیه السلام چون از جنگ بازگشت نظرش بقبرها افتاد فرمود این جا کفات مرده گان است پس از آن نگاهی بخانه های کوفه نمود و فرمود اینجا مساکن زندگان است و آیه فوق را تلاوت فرمود .

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود دفن میشود از انسان موها و دندانهای او .

و بیافریم در زمین کوههای بلند و سخت را و از باران ، شما آب زلال گوارا نوشانیدیم

(اَنْطَلِقُوا اِلٰی مَا كُنْتُمْ بِهٖ تَكْذِبُوْنَ اَنْطَلِقُوا اِلٰی ظُلْذٰی ثَلَاثَ شَعْبٍ لَا تُغْلِبُ وَلَا

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۳۴) هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ (۳۵) وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (۳۶) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۳۷) هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمْعُنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ (۳۸) فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا (۳۹) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۰) إِنْ لِلْمُتَّقِينَ فِي ظُلَالٍ وَنُجُودٍ (۴۱) وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۴۲) كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳) إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۴۴) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۵) كُلُوا وَتَمَتُّوا قَلِيلًا إِنْ كُمْ مُجْرِمُونَ (۴۶) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۷) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ازْكُمُوا لَا تَزْكُمُوا (۴۸) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹) فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَدَّلُوا بِؤْمُرُونَ (۵۰)

یعنی من اللهب آنها ترمی بشر را کالقصیر (که نه جمالقصیر) خطاب میرسد بکفار ای منکران امروز بسوی آندوزخی که تکذیب میکردید بروید ، در زیر سایه های دود آتش دوزخ که از سه طرف شما را احاطه کرده است و در آنجا نه سایه ای خواهد بود و نه از شراره آتش نجاتی تواند داشت آن آتش هر شعله و شراره ای که افکند مانند قصر است ، گویا آن شراره چون شتران زده موی است -

شیخ طوسی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر گاه مردم از عطش و تشنگی با آنها گویند پناه ببرید بامیر المؤمنین علیه السلام همانکسیکه تکذیب میکردید او را ، چون بحضرتش پناه ببرند بایشان گفته شود بروید زیر سایه های دود آتش دوزخ که از سه جانب شما را احاطه خواهد کرد .

(هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ) این همان روزیست که کافران بر نجات خود سخن نگویند و در خواست عذر خواهی بآنها داده نشود در کافی ذیل آیه فوق

وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۳۴) این روزیست که کافران سخن نگویند (۳۵) و بآنها رخصت عند خواهی نخواستند داد (۳۶) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۳۷) این روز حکم جدائی نیک و بد است و دوزیست که شما را با گذشتگان بر سره معشر جمع کنیم (۳۸) پس اگر مکر و حيله ای میثوانید بکنید انجام دهید (۳۹) وای بحال تکذیب کنندگان در آنروز (۴۰) آنروز پرهیزکاران در سایه درختان و کنار چشمه های بهشت متنهند (۴۱) به آنها گفته شود از هر نوع میوه که میخواهید مهیا است (۴۲) بخورید و بیاشامید گوارا باد شمارا اینها پاداش اعمالیست که بجا آوردید (۴۳) نیکوکاران را اینچنین پاداش میدهیم (۴۴) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۴۵) ای کافران شما هم بخورید و لذت ببرید لذت اندکی همانا شما بد کارید (۴۶) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۴۷) چون بآنها گفته شود رکوع کنید رکوع نکنند (۴۸) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۴۹) پس یکدام سخن بعد از تکذیب قرآن ایمان می آورید (۵۰)

پایان ترجمه سوره مرسلات

از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده فرمود خداوند اجل و عادل تر از آنست که عذر بندگان را نپذیرد و نگذارد آنها حجت خود را بیان کنند لکن چون فلج شدند و هذری ندارند از این جهت نمیتوانند سخن بگویند .

(هذا يوم الفصل جمعناکم والاوّلین فان کان لکم کید فکیدون) اینروز روز فصل حکومت و جدائی نیک و بد است و شما را با همه گذشتگان پیشون بر سره معشر جمع کنیم پس اگر چاره ای دارید بر نجات خود بیاورید .

(ان المتّقین فی ضلال و عیون و فوا که ممایشنهن کلوا و اشرابوا هنیئا بما کنتم تعملون انا کذلک نجزی المحسنین) روز قیامت بندگان باتقوی و پرهیزکاران در سایه درختان بهشت و اطراف نهرهای جاری متنهند و از هر نوع میوه که مایل باشند فراهم است بآنها خطاب لطف شود که از هر طعام و شربتی بخواهید بخورید و بیاشامید گوارا باد بر شما اینها پاداش اعمال نیکی است که در دنیا بجا آورده اید ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می دهیم .

ابن شهر آشوب از تفسیر ابی یوسف ابن یعقوب که یکی از مخالفین است و او از مجاهد و ابن عباس روایت کرده گفت مقصود از متقین در این آیه امیر المؤمنین علیه السلام و حسنین علیهم السلام است آنها در سایه درختهای بهشت و خیمه هائی از لؤلؤ که طول هر خیمه ای یکفرسخ است سکونت دارند و مراد از: و كذلك تجزی المحسنین کسانی هستند که صرفاً مطیع امر خداوند بوده و ایشان اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشند در بهشت و این حدیث را ابی یوسف که او نیز از علماء مخالفین است نقل نموده است.

در کافی از محمد بن فضیل روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کردم متقین چه اشخاصی هستند فرمود سو گند بعدا ماو شیعیان هستیم و کسی جز ما هر ملی حضرت ابراهیم نیست و سایر مردم از آن ملت بیزاری میجویند عرض کردم حضورش مجرمین چه اشخاصی هستند فرمود بنی امیه و بنی عباس گفتم مکذبین چه مردمانی باشند فرمود کسانی که تکذیب کردند ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را و اولین آنهائی هستند که پیغمبران گذشته را تکذیب نمودند در اطاعت اوصیاء و آنها و مجرمین این ملت کسانی بودند که ظلم نمودند بآل محمد صلی الله علیه و آله و اعمال ناشایسته ای نسبت به موسی محمد صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام بجا آوردند.

و حضرت رضا علیه السلام فرمود مراد اولین اولی و دومی و مقصود از آخرین سومی و بنی امیه و بنی عباس است و این حدیث را شرف الدین نجفی نیز روایت کرده است.

(کلوا و تمتعوا فلیلانکم مجرمون و اذا قیل لهم لا کموا لایر کمون و بل یومئذ للمکذبین فبای حدیث بعد یؤمنون) در این آیه خطاب می کند به کفار و گنهگاران: بهورید و لذت برید بعد کوتاه دنیا، شما مردم بسیار بد کردار و بی رحمتید و چون باین کافران گویند نماز بجا آورید اطاعت نکرده و فرمان نبراند و ای بحال تکذیب کنندگان آیات خدا آنانکه قرآن و آیات خدا را تکذیب کردند بکدام حدیث و کتاب ایمان خواهند آورد.

شرف الدین ذیل آیه فوق از ابی حمزه ثمالی روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه را فرمود باطن آیه آنست: چون بناصیبها گویند بر گردید به سوی ولایت ائمه و متوجه آنها بشوید و دوست بدانید ائمه را بر نگردند و توجهی بایشان پیدا نکنند.

سورة النباء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱) عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیمِ (۲) الَّذِیْ هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳) کَلَّا سَيَقْلَمُونَ (۴) ثُمَّ کَلَّا سَيَقْلَمُونَ (۵) أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهادًا (۶) وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷) وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸) وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا (۹) وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ لِبَاسًا (۱۰) وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱) وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (۱۲) وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا (۱۳)

سوره نباء در مکه نازل شده و چهل آیه و صد و نود و سه کلمه و سهصد و نود حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره نباء را تا حدت یکسال هر روز قرائت کند زیارت مکه معظمه را نصیب او گردانند .

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند و حفظ نماید برای او حساسی در قیامت نباشد مگر بمقدار نوشتن این سوره تا داخل بهشت شود و هر که بنویسد آن را و همراه خود بدارد باقوت و هیبت گردد و جانوری باو نزدیک نشود و اگر مسافر در حال سفر آن را قرائت کند در شب از هر بلائی محفوظ بماند باین خداوند .

سوره نباء مشتمل است بر احوال قیامت و تکذیب کردن قریش از قرآن و پیغمبر و قیامت و کیفر کفار و گناهکاران و توبیخ و تهدید آنها و پاداش مؤمنین قوله تعالی (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیمِ الَّذِیْ هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ) مردم از چه می پرسند از خبر بزرگ که در آن اختلاف میکنند .

ترجمه سوره نباء

بنام خداوند بخشنده مهربان

از چه چیز می پرسند (۱) از خبر بزرگ قیامت (۲) که در آن با هم اختلاف میکنند (۳) چنین نیست بزودی خواهند دانست (۴) پس بزود : خطای خود آگاه میشوند (۵) آیا ما زمین را محل آسایش نگردانیدیم (۶) و کوهها را میخ و ستون زمین نساختیم (۷) ما شما را جفت آفریدیم (۸) و خواب را برای شما مایه قوام و استراحت قرار دادیم (۹) و شب را لباس و پوشش گردانیدیم (۱۰) و روز را برای تحصیل معاش مقرر داشتیم (۱۱) و بر فراز شما حلق آسمان محکم بنا کردیم (۱۲) و چراغی چون خورشید در خشان برافروختیم (۱۳)

مفسرین در نباء عظیم اختلاف کرده اند بعضی گفتند قرآن است که در آن خلاف کردند جمعی سحرش خواندند و بعضی شعر و فرقه ای الهیانه و طایفه ای گفتند نباء پیغمبر است که ساحر و کاهن و شاعر و دیوانه اش خواندند و در تفسیر اهل بیت عصمت و طهارت نباء عظیم امیر المؤمنین علیه السلام است چنانکه در کافی از ابن حمزه روایت کرده که سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام معنای نباء عظیم را فرمود امیر المؤمنین علیه السلام است خواه آن حضرت فرموده برای خدا آیه و نباء بزرگتری از من نیست و این حدیث را در بمائر الدرجات با زیاده تی این جمله روایت کرده فرمود آن حضرت ولایت مرا خداوند بر لعتهای گذشته فرض و واجب نموده با همان اختلاف زبانیکه داشتند بسیاری از آنها قبول نمودند و اقرار بفضیلت من نکردند ابن بابویه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمودند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی تو باب و راه خدا و حجة پروردگار و نباء عظیم و صراط مستقیم و مثل اعلی هستی - و حافظ محمد بن مؤمن شیرازی که یکی از مخالفین است در کتاب مستخرج از تفاسیر اثنی عشر ذیل تفسیر آیه فوق از سندی روایت کرده گفت صخر بن حرب وارد شد بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد ای محمد امر ولایت چه از شما برای کیست ؟ فرمود برای

وَأَرْزَلْنَا مِنَ الْمُنْصِرَاتِ مَاءً نَبَاجًا (۱۴) يُخْرِجُ بِهِ تَبَا و تَبَاثًا (۱۵)
وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶) إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷) يَوْمَ يُنفَخُ فِي
الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۷) وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹) وَوُصِّدَتْ
الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰) إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱) لِلطَّاغِيْنَ
مَأْبًا (۲۲) لَا يَبْنَ فِيهَا أَشْقَابًا (۲۳) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا
(۲۴) إِلَّا نَجِيمًا وَغَسَاقًا (۲۵) خِزَاءً وَفَاكًا (۲۶) لَّهُمْ كَأُتُولَا بَرُوجُونَ
حِسَابًا (۲۷) وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸) وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا
(۲۹) فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰)

کسی است که او نسبت بمن بمنزله هرون است نسبت بموسی جبرئیل نازل شدو
آیات فوقی را آورد و گفت ای رسول خدا بعضی از امت تو تصدیق ولایت و خلافت
علی علیه السلام را بنمایند و بعض دیگر تکذیب کنند و بزودی شناسند و یقین نمایند
بولایت علی علیه السلام مدقبر هنگام سؤال کردن از آنها بدانکه در مشرق و مغرب عالم
و بیابان و دریا نمیرد کسی مگر آنکه نکیر و منکر سؤال کنند از او در بار مولایت
و خلافت علی و می پرسند پرورده کار تو کیست و دین تو چیست و پیغمبر تو کیست
و امام تو کیست ؟ و از علقمه روایت کرده گفت روز جنگ صفین مردی از لشکر
شام با سلاح بیرون آمد و قرآنی حمایل خود کرده بود بجای رجز خواندن چنانکه
مرسوم اعراب است میخواند :

(هم يتسائلون من النباه العظيم الذی هم فيه مختلفون) من خواستم پیش او
روم امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بر جای خود باش خود آنحضرت پیش رفتی بآنمرد
گفت منم نباه عظیم و خبر بزرگ که در من خلاف کردید و در ولایت من نزاع
نمودید و از ولایت من باز آمدید آنگاه قبول کردید و بظلم و بقی و ستم هلاک

و از فشار و تراکم ابرها آب ریزان فرو ریختیم (۱۴). تا آن دانه و گیاه رویانیدیم (۱۵) و بوستان بهم پیچیده پدید آوریم (۱۶) همانا روز قیامت که روز فصل خصومت است و عده گاه خلق میباشد (۱۷) آنروز که در صور دمیده شود مرده گان زنده شوند و فوج فوج بمحشر در آیند (۱۸) و گروه گروه آسمان و پدید آید دره های مختلف (۱۹) و کوهها مانند سراب روان گردد (۲۰) همانا دوزخ در انتظار بدکاران است (۲۱) آن دوزخ جایگاه مردم سرکش و مستکار است (۲۲) در آن دوزخ قرنبا درنگ کنند (۲۳) و هرگز آب سرد و شراب پاکیزه ای نپوشند (۲۴) مگر آب جوشان و چرک وریم (۲۵) که با کیفر کردار آنها موافق است (۲۶) چه آنان امید بروز حساب نداشته اند (۲۷) و آیات ما را تکذیب کردند (۲۸) و ما هر چیزی از کردار آنها را در لوح محفوظ شمردیم (۲۹) پس بهشید عذاب را و هرگز جز شکنجه و عذاب بر شما نیفرائیم (۳۰)

شدید از کفر بوسیله شمشیر من بیرون آمدید و روز غدیر را دانستید و روز قیامت خواهید دانست آنچه بجا آورده اید و بکیفر آن خواهید رسید پس از آن شمشیر کشید و سرش را از تن جدا کرد و بدرک واصل شد -

و از اصبح بن ثباته روایت کرده گفت روز جنگ جبل در بصره سواری از لشکر بصره بیرون آمد و آیات فوق را میخواند امیر المؤمنین علیه السلام پیش رفت و با او فرمود می شناسی آن خبر بزرگ را عرض کرده خبر فرمود بخدا قسم منم نبا عظیم که در من خلاف کردید بزودی خواهید شناخت مرا آنوقتیکه میان بهشت و دوزخ بایستم و خلائق را قسمت کنم و بدوزخ گویم این برای تو و آن دیگر برای من بگیر او را که از دشمنان منست و دست بر دار از این شخص که از دوستان منست و بزودی خواهید دانست که من نبا عظیم هستم آنزمان که در کنار حوض کوثر بایستم و طایفه ای را از حوض کوثر برانم چنانکه در دنیا شتر غریب را از کنار حوض آب برانند پس از آن بصری را بقتل رسانید و بجای خود باز گشت .

(اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ اَوْتَادًا وَخَلَقْنَا لَكُمْ لُزُوجًا وَجَعَلْنَا لَكُمْ مَسَاكِنًا وَنَجْعَلُ لَكُمُ السَّيْرَ سُبُلًا وَنَجْعَلُ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَنَجْعَلُ النَّهَارَ عَمَلًا وَبَنِينًا فَتَقْتُمُ السَّاعَةَ وَتَعْلَمُونَ سَاعَةَ يَوْمِ الدِّعَالِ)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱) حَدَاقًا وَاعْتِبَابًا (۳۲) وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (۳۳)
وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴) لَا يَسْمُونَ فِيهَا لَحْوًا وَلَا كِذَابًا (۳۵) جَزَاءُ
مَنْ رَبَّكَ طَعَاءَ حِسَابًا (۳۶) رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ
لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷) يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْعَظْمُ صَفًا لَا
يَقْسَمُونَ إِلَّا مَنْ أَدَّى لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸) ذَلِكَ أَتَى الْحَقُّ
فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَا (۳۹) إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ
الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

جعلنا سراجا وهاجا و انزلنا من المعصرات ماء شجاجا لنخرج به حبا و نباتا و
جنت الفاقا آيا ما زمين را محل آسایش خلق قرار داديم و کوهها را ستون و
مينهائي زمين و نگهبان آن نساختم ماشما را جنت نر و ماده آفريديم و خواهرها
براي شما مایه قوام و استراحت قرار داديم و شبيرا ساتر و لباس خلق گردانيديم
يعني بتاريکي همه چيز پوشيده شوه و روز را براي تحصيل معاش خلق قرار داديم
و بر فراز شما هفت آسمان محکم بنا کرديم و در آن چراغي فروزان چون خورشيد
رخشان بر افروختيم و از فشار و تراکم ابرها آب باران فرو ريختيم و بان آب
دانه و گياه رویانيديم و باغهاي پر درخت و انواع ميوه ها پديد آورديم -

درکافی ذیل آیه و جعلنا سراجا وهاجا از حضرت صادق عليه السلام روايت کرده
فرمود خورشیدی که مشاهده میکنید نور اویکجزء از هفتاد جزء نور کرسی است و
نور کرسی يك جزء از هفتاد جزء نور عرش است و نور عرش يك جزء از هفتاد جزء
نور حجاب و نور حجاب يك جزء از هفتاد جزء نور ستر است *

(ان يوم الفصل كان ميقاتا يوم يتفخ في الصور قناتون افوا جا و فتحت السماء
فكانت ابوابا و سیرت الجبال فكانت سرابا) روز قیامت که روز فصل خصوصیت است

همانا برای پرهیزکاران دستگاریست (۳۱) باغها و بوستان است (۳۲) و خوشتران
زیبا و دلربا که همه مانند یکدیگرند (۳۳) و جامهای پراز شراب ظهور (۳۴)
هرگز سخن پوهوده و دروغ نشنوند (۳۵) این نعمتها پاداش و عطای پرورده گاراست
(۳۶) همان پرورده گار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است خدای بخشنده
که از قهر و سطوتش با اولیای بگفتگو نتوانند گشود (۳۷) روزیکه روح و فرشتگان
صف زده و بنظم بایستند. کسی سخن نگوید جز آنکه خدا رحمت دهد و سخن
بسواب گوید (۳۸) این روز حق و راست است پس هر که میخواهد نزد خدای خود
منزلتی یابد در راه طاعت بکوشد (۳۹) ماشا را از غذاییکه نزدیک است بهترسانیم
روزیکه آهمی بنگرد آنچه کرده و در پوش زوی خود حاضر بیند. کافران در آنروز
از فرط عذاب آرزو کنند ایکاش خاک بودند و بهین غذایی گرفتار نمیشدند (۴۰)

پایان ترجمه سوره نبا

آنروز وعده گاه خلق است یعنی آنچه خداوند وعده فرموده در آنروز انجام
گیرد روزی که در صور دمند مردگان زنده شده و فوج فوج بمحشر آیند -
معاذ جبل گفت در خانه ابو ایوب انصاری از رسول خدا معنای آیه را سؤال
نمودم فرمود ای معاذ از کار بزرگی سؤال کرده ای روز قیامت مردم بر سه نوع
محشور شوند. خدایتعالی برای هر نوعی علامتی مبین فرموده تا تمیز داده شوند
مؤمنین از یکدیگر. بعضی بصورت بوزینه و بعضی بصورت حوك و بعضی سرنگون
و بعضی کور که باین طرف و آنطرف میروند و می افتند و راه را نمی بینند و بعضی
کر و گنگ و طایفه ای زبانهایشان بر سینه افتاده و بعضی دست و پای بریده و
بعضی را بروی درخت آتش نشانیده اند و بعضی را لباس قطران پوشانده و طایفه ای
بوی عفونت مانند بوی مردار از ایشان بیرون آید آنهایی که بصورت بوزینه محشور
میشوند کسانی هستند که سخن چین و تمام بودند در دنیا و اهل سحت و رشوه
خواران بصورت حوك باشند و ربا خواران سرنگون بمحشر آیند و قاضیان کور
وارد محشر می شوند و کران و کنگان مردمانی هستند که عبادت ربا و عجب بجا
می آوردند و علمائی که عمل بهم خود نکردند وارد محشر می شوند در حالتیکه

زبانهای خود را جویده و بروی سینه های ایشان افکنده شده و کسانی که همسایگان خود را اذیت و آزار میکنند دست و پا پریده وارد محشر شوند و آنهایی که سعادت میکنند از برای مردم نزد پادشاهان و امرا، بر درختهای آتشین آویخته شده به محشر آیند و کسانی که در دنیا مشغول شهوترانی و لذات حرام بودند در محشر بوی عفونتی از آنها خارج شود که اهل محشر از آن بوی متاثری شوند و متکبرین و گردنکشان را لباس قطران و آتشین پیوشانند و وارد محشر کنند.

و در جامع اخبار از ابن مسعود روایت کرده گفت حضور امیر المؤمنین علیه السلام بودم فرمود در قیامت پنجاه موقف است و هر موقفی هزار سال طول کشد.

موقف اول خارج شدن از قبر است هر کس ایمان بخدا و رسول و بهشت و دوزخ و محشر و حساب داشته و اقرار و اعتراف نموده با آنچه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوند آورده از گرسنگی و عطش روز قیامت نجات یابد پس از آن آیه را تلاوت فرمودند.

(و آنروز درهای آسمان را بکشایند و کوهها را برافتن آرند تا چون سراب گردد.)

(ان جهنم كانت مرصادا للطاغين مآبا لابئين فيها احقابا لا ينوقون فيها بردا ولا شرابا الا حميما و فساقا جزا، وفاقا انهم كانوا لا يرجون حسابا و كذبوا باياتنا كذا يا) همانا دوزخ در انتظار بدکاران است و آن جایگاه مردم سرکش و ستمکاران است در آنجا قرنهای مقام کنند و عذاب کشند.

ابن بابویه ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود احقاب جمع حقب است و هشتاد حقب باشد و هر حقی هشتاد سال و هر سالی سیصد و شصت روز است و هر روز هزار سال از سالهایی که شما میشمارید. عیاشی از حدران روایت کرده که سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام آیه را فرمود این آیه مخصوص اهل توحید و کسانی است که از جهنم عاقبت خارج میشوند و آنها فساق و ستمکارانند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود بیرون نمی آید کسی از جهنم مگر بعد از مکث کردن احقایی. اما کفار و منافقین هرگز خارج نخواهند شد.

در آن دوزخ قطره‌ای آب سره و شربت پاکیزه و گوارا نیاشامند مگر آب جوشانیده و سوزان و کثافات اهل دوزخ که با کيفر اعمال آنها موافق است. چه آنها امید بروز حساب نداشتند و آیات ما را تکذیب مینمودند و حال آنکه ما هر چیز را در کتابی بشماره نوشته و رقم کردیم پس بجشید که بر شما چیزی جز رنج و عذاب دوزخ نیست. ائیم ابو بکر صدیق سلمی گفت سوال کردم از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از سخت ترین آیه ای که در باره اهل دوزخ نازل شده فرمود آیه: فذوقوا فتنه نزیذکم الا عذابا با است.

(ان للمتقين مغازا حدائق و اغصابا و کوا عب اترا با و کأنا دهقا لا یسمعون فیها لغوا ولا کذابا جزاء من ربك عطاء حسبا)

در این آیات بیان میکند پاداش پرهیز کاران را: برای پرهیز کاران نجات و دستگیری و آسایش است و برای ایشان آماده شدن باغها و بستان و درختهای انگور و دختران زیبا و دلربائی که پستانهایشان برآمده و همه در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند و جامهای پر از شراب ظهور و هرگز سخن لغو و بیسوده و دروغ نشنوند این نعمتها پاداش و عطاء پروردگار است همان خدائی که آسمان و زمین و آنچه میان آنها است بیافرید و بخشانیده و مهربانست و کسی از قهر و سطوتش با او بگفتگو لب نشواند گشود یعنی بدون فرمانش کسی شفاعت نتواند نمود.

(یوم یقوم الروح و الملائکة صفا لا ینکلمون الا من اذن له الرحمن و قال صوابا ذلک الیوم الحق ، فمن شاء اتخذ الی ربه ما یا ، انا انذرتکم عذابا قریبا ، یوم ینظر المرء ما قدمت یداه و یقول الکافر یالیتنی کنت قرا با) روزیکه روح بایستد و فرشتگان صفی شده سخن نگویند مگر آنکه خدا دستوری دهد و جز حق و صدق نگویند.

در کافی ذیل آیه فوق از محمد بن فضیل روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سوال نمودم معنای آیه را فرمود بچند قسم ما ائمه هستیم که خداوند اذن و اجازه داده که روز قیامت تکلم کنیم عرض کردم در آنروز چه تکلمی میفرمائید فرمود حمد میکنیم پروردگار را و درود میفرستیم بر محمد و آل او و شفاعت

میکنیم از شیعیان خود و خداوند شفاعت ما ائمه را ره نخواهد نمود و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روز قیامت خلائق را در مکانی جمع کنند و محو شود از دل آنها گفتن لا اله الا الله مگر آن کسانی که بولایت امیر المؤمنین علیه السلام اقرار کردند و این است معنای آیه شریفه -

آنروز قیامت حق است پس هر کس میخواهد نزد خدای خود در آن روز مقام و منزلتی یابد در راه طاعت بکوشد و از مصیبت اجتناب کند عا شما را از عذاب نزدیک روز قیامت میرسانیم آنروز مرد نگران باشد از عملی که بجا آورده و منتظر است جزاء و یا کیفر اعمال خود را که پیش فرستاده و تافران در آنروز از شدت عذاب آرزو کنند که ایکاش خاک بودند و همچنین عذابی گرفتار نمیشدند محمد بن عباس ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود کافر میگردد ایکاش من ابو تراب (امیر المؤمنین) را دوست میداشتم -

این بابویه از عبایه بن ربیع روایت کرده گفت با بن عباس گفتم بجهنمناست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را ابو تراب کنیه داد گفت برای آنکه آنحضرت صاحب زمین و حجة خداوند است بر اهل زمین و زمین بوجود مقدس آن حضرت ساکن و باقی است شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود روز قیامت چون کفار مشاهده کنند آنچه را که خداوند وعده داده بوه شیعیان علی علیه السلام از اجر و قرب و منزلت و کرامت آرزو میکنند و میگویند ایکاش ما هم از شیعیان علی و تراپی دیدیم یعنی با آنحضرت منسوب بودیم - اینست معنای یالیتنی کنن ترا یا یعنی علوی دیدیم و ابو تراب را دوست میداشتیم -

پایان سوره نبا.

سورة النازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرَقًا (۱) وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (۲) وَالتَّابِعَاتِ تَبِيعًا (۳)
 قَالَتِ السَّابِقَاتُ سَبْقًا (۴) قَالَتِ الْمُدَبِّرَاتُ أَمْرًا (۵) يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶)
 تَتَّبِعُنَا الرَّادِفَةُ (۷) قُلُوبٌ يَوْمَنُذٍ وَاجِفَةٌ (۸) أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)
 يَقُولُونَ ءِإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْعَافِرَةِ (۱۰) إِذَا كُنَّا عِظَامًا تَفَرِّقَةً (۱۱)
 قَالُوا تِلْكَ إِذْكَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

سورة نازعات در مکه نازل شده چهل و شش آیه و صد و نوزده کلمه و هفتصد و پنجاه حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره نازعات را قرائت کند مگر سیراب و محسوس نشود مگر آنکه سیراب داخل بهشت شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند از عذاب خدا ایمن باشد و روز قیامت او را از شراب سرد سیراب گرداند و هر کس مقابل دشمن این سوره را قرائت کند محرف شود آندشمن از او وسالم و محفوظ بماند و ضرری باو نرساند و اگر از کسی بترسد وقت داخل شدن بر او این سوره را قرائت کند نجات یابد و ایمن باشد از شر او بگذرد خداوند سوره نازعات مشتمل است بر احوال قیامت و احوال آنو شطری از داستان موسی و فرعون و تهدید و توبیخ منکرین قیامت و حشر .

قوله تعالی (وَالنَّازِعَاتِ غَرَقًا وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا وَ السَّابِقَاتِ سَبْقًا وَ الْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا) قسم بفرشتگانی که جان کافرانرا بسختی بگیرند و قسم بفرشتگانی که جان مؤمنین را باسایش و نشاط ببرند .

ترجمه سوره نازعات

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بفرشتگانی که جان کافران را بسختی بگیرند (۱) و بفرشتگانی که جان اهل ایمان را با سایش و نشاط ببرند (۲) و بفرشتگانی که با سرعت فرمان حق را انجام دهند (۳) و قسم به پیشی گیرند کان و شتابند (۴) و قسم بتدبیر کنندگان کار (۵) روزی که زمین بلرزد در آید و شکافته شده و اهلش بیرون آیند (۶) و از بی آن بمحشر حاضر شوند (۷) در آن روز دلها هراسان و ترسان شود (۸) مرجم چشمها بریز افکنند (۹) گویند آیا ما پس از مرگ باز میگردیم بحال زندگانی (۱۰) چگونه زنده شویم و حال آنکه استخوان ما پوسیده شده (۱۱) گویند این باز گفتن بسی زیانکار خواهیم بود (۱۲)

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود فرشتگان جان کفار را از میان پوست و از زیر هر موی و ناخن بسختی بیرون میآورند و کافر در وقت مرگ خود را چون غرق شده میبیند و مؤمنین در وقت مرگ با نشاط هستند چه هنگام مرگ بهشت را بایشان نشان میدهند و حوریان بآنها میگویند بسوی ما آی که در انتظار توهستیم مؤمنان از این مسرور و با نشاط شود.

این فهد در کتاب عده از معاذ جبل روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هلاک نکنید مردم را که سگهای اهل جهنم هلاک مینمایند شما را خداوند میفرماید والنار طالت نعلها میدانید نشاط چیست ؟ آنها سگهای اهل آتش هستند که گوشت و استخوان بدن شما را میکنند و با نشاط میشوند.

قسم بفرشتگانی که با کمال سرعت فرمان حق را انجام میدهند و قسم به ارواح مؤمنینی که سبقت میگیرند بر یکدیگر بسوی بهشت -

حضرت باقر علیه السلام فرمود ارواح مؤمنین سبقت میگیرند بر یکدیگر بسوی بهشت و ارواح کافرین بسوی جهنم چنانچه در دنیا با یکدیگر پیشی میگیرند.

و قسم بفرشتگانی که فرمان حق در تدبیر نظام خلق میکوشند پروردگار تدبیر امور دنیا را بچهار فرشته واگذار فرموده جبرئیل و

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳) فَإِذَا مَنَّ بِالْسَّاهِرَةِ (۱۴) هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ مُوسَى (۱۵) إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ بِالْأُولَىٰ لَقَدْ سِطَوٰى (۱۶) إِذْ هَبَّ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۱۷) قُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزْكَىٰ (۱۸) وَأَعْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ (۱۹) فَأَرِيَهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ (۲۰) فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ (۲۱) ثُمَّ أَذْبَرَ يَمْنَىٰ (۲۲) فَفَشَرَ فَنَادَىٰ (۲۳) فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ (۲۴) فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ (۲۵) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ (۲۶) ؕ إِنَّمْ أَمْدٌ خَلَقْنَا أُمَّ السَّاهِ بِفِيهَا (۲۷) رَفَعَ سَمَكُهَا فَسَوَّيَهَا (۲۸)

میکائیل و اسرافیل و عزرائیل جبرئیل موکل بر باد ها و لشکرها میکائیل موکل بر باران و نباتات و ادزاق خلایق اسرافیل موکل بر فرمان الهی عزرائیل موکل بر قبض ارواح است .

ابن بابویه ذیل آیه والمعدبرات امرا از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود جمعی از خواص اصحاب پندم حضرت صادق علیه السلام در شب ماه تابی حضورش نشسته بودند گفتند ای فرزندان رسول خدا چقدر نیکو است منظره آسمان و نورانی است ستارگان فرمود بدانید مدبران امور چهار فرشته هستند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل بر زمین نظر میکنند و شاو بر ادرهائتان را در اطراف عالم مشاهده مینمایند و نور شما شیعیان در زمین و آسمان بهتر و نیکو تر است از نور این ستارگان ؛ و اهل آسمان هم سخنان شما را میگویند چقدر نورانی هستند مؤمنین .

این آیات قسم بود و جواب آنها محذوف است و آنست قسم باین چیزها هر نفسی آنچه عمل کرده و انجام داده جزا مهم و پسن از حقیرین گفتند جواب قسم آیه ان فی ذلك لعبرة لمن یخشى میباشد و شایسته است آیه برای جواب .

جز این نیست که يك نداه است (۱۲) پس آنگاه همه از خاک پیروی محشر
و عسپار شوند (۱۴) آیا داستان موسی پتو رسیده (۱۵) هنگامیکه خدا او را دروادی
مقدس صدا کرد (۱۶) برو پیروی فرعون که او سرکشی نموده (۱۷) پس بگو باو
آیا میل داری که از پلیدی پاکیزه شوی (۱۸) و تورا از اعتنائی کنم پیروی پروردگارت
پس بترسی و فروتن شوی (۱۹) پس موسی آید و معجزه‌ای پراونمود (۲۰) فرعون
تکذیب و نافرمانی کرد (۲۱) پس از آن روی بگردانید و میشتافت (۲۲) پس جمع
کرد و صدا زد مردان مدبار خود را (۲۳) و بآنها گفت منم خدای بزرگ شما (۲۴)
خدا هم او را به عقاب دنیا و آخرت گرفتار کرد (۲۵) همانا هلاکت فرعون عبرت است
برای کسیکه از خدا میترسد (۲۶) آیا خلقت شما آدمیان استوارتر است یا بنای
آسمان بلند (۲۷) برداشت آسمان را سقفی بلند و استوار ساخت آنرا (۲۸)

یوم ترجف الراجفة تتبعها الرافعة قلوب يومئذواحدة ابصارها خاشعة يقولون
اذا لمردو دون فی العافرة اذا لما ما نخرة قالوا تلك اذا كرة عاصرة فانما
هی زجرة واحدة فانما هم بالساخرة (روزی که نسخه صور بدمد و زمین شکافته و
بلرزه در آید و اهلش بیرون آیند و از پی آن بمحشر حاضر شوند در آنروز دلها
سخت هراسان و ترسان باشد مردم از ترس مودگان را بزیر افکنند گویند آیا
پس از مرگ باز زندگی دیگر خواهیم یافت پس از آنکه استخوانهای مایوسیده
شده دوباره زنده خواهیم شد).

محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود راجفه حضرت
امام حسین علیه السلام است و رافعه امیر المؤمنین علیه السلام لول کسیکه خاک را از سر خود
دور میکند امام حسین علیه السلام است یا هفتاد و پنج هزار ترجفانکه خداوند میفرماید
انا لنصر رسلنا و الذین آمنو فی الحیوة الدنیا و یوم یقوم الا شهاد یوم لا ینفع الظالمین
معذرتهم و لهم اللعنة و لهم سوء الدار گمار گفتند این رجعت رجعتی باشد زیان کار
یعنی اگر چنان است که عذاب میگوید ما در این رجعت زیان کار باشیم و این
سخن را بطریق سخریه گفتند.

محمد بن عباس از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحِيهَا (۲۹) وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا (۳۰)
 أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعِيهَا (۳۱) وَالْجِبَالَ أَرْسِيهَا (۳۲) مَتَاعًا لَّكُمْ
 وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۳) فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى (۳۴) يَوْمَ يَتَذَكَّرُ
 الْإِنْسَانُ مَا سَئَى (۳۵) وَبُرْزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ تَوَلَّى (۳۶) فَأَمَّا مَنْ ظَنَّى
 (۳۷) وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸) فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ النَّارُ (۳۹) فَأَمَّا مَنْ
 خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ النَّارُ (۴۱)

فرمود کره مبارک کی که نفع می‌رساند باطلش روز حساب ولایت من و ولایت علی علیه السلام
 و فرزندان او و پیروی کردن از من و از علی و فرزندان علی است بواسطه داشتن
 ولایت ما خداوند امر می‌فرماید آنها را داخل بهشت کنند و کره خاسر و زیان -
 آور دشمنی کردن با من و علی و اوصیاء بعد از او باشد بواسطه این عداوت خداوند
 امر می‌کند آنها را در اسفل السافلین جهنم داخل گردانند -

پس از آن خداوند در جواب کفار می‌فرماید جز يك آواز که در صور دمند
 بیش نباشد که بآن صدا نا گهان همه از خاک بیرون آیند و بر زمین قیامت حاضر
 باشند .

(هل اتیک حدیث موسی اذ نادى ربه بالواد المقدس طوى اذهب الى فرعون
 انه ظنى) در این آیه پرورد گار بیان می‌کند داستان فرعون را که رسول خدا موسی
 را تکذیب کردند برای تسلیت خاطر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ای رسول ما آیا خبر موسی
 بتو رسیده آنگاه که خداوند او را در وادی مقدس صدا کرد و فرمود برو بسوی فرعون
 که طغیان کرده بگو باو آیا میل داری که از پلیدی پاکیزه شوی و ترا براه هدایت
 و خدا دلالت کنم تا از عظمت و قدرت او خاشع و فروتن شوی موسی نزد فرعون
 رفت و او را دعوت کرد فرعون از موسی معجزه خواست و چون موسی آیه و معجزه

و شبش را تاریک و روزش را روشن گردانید (۲۹) و زمین را پس از آن
بگسترانید (۳۰) و بیرون آورده از آن آب و گیاه را (۳۱) و کوهها را ستون آن
ساخت (۳۲) تا از آن آب و گیاه قوت شما و چهار پایانتان برآید (۳۳) پس چو
واقعه بزرگ قیامت پدید آید (۳۴) آنروز آدمی هرچه از خیر و شر کرده بیاد آورد
(۳۵) و دوزخ برای بینندگان آشکار شود (۳۶) پس هر کس طفیان و سرکشی کرده
(۳۷) و زندگی دنیا را برگزیده (۳۸) دوزخ جایگاه اوست (۳۹) و اما آنکس
که ترسید از حضور در پیشگاه خدا و باز داشت نفس خود را از خواهش ها (۴۰)
همانا بهشت منزلگاه اوست (۴۱)

بزرگه باو نمود فرعون تکذیب و نافرمانی کرد آنگاه روی برگردانید از موسی
و کوشش کرد در دفع موسی و با مردان بزرگه دربار خواه انجمن کرد و ایشان را
ندا کرد و گفت من خدای شما هستم و بحر من عذایی نیست خدا هم در اثر این
فرود و سرکشی او را بمقاب دنیا و آخرت گرفتار کرد و در این هلاکت فرعون عبرتی
است از برای کسانی که از خدا میترسند .

(۱) انتم اشد خلقا ام السماء بنیها رفع سمکها فسواها و اغطش لیلها و اخرج
ضحیها) در این آیه مکلفین را مخاطب قرار داده و میفرماید شما سخت تریید در
خلقت یا آسمان که خدا بتمالی آنرا بنا کرده یعنی چون از آفریدن آسمان بازفت
و شدت عاجز نیست از آفریدن شما هم عاجز نخواهد بود سقفی بلند ستون و استوار
و آراسته ساخت و شبش را تیره و تاریک و روزش را روشن گردانید و زمین را پس از
آن بگسترانید و آبی پدید آورد و گیاه زار و کوهها بر روی زمین ثابت گردانید تا
از آب و گیاه قوت شما و چهار پایانتان برآید .

(فاذا جاءت الطاعة الکبری یوم یتذکر الإنسان ما سعى و برزت الجحیم
لن یری) چون واقعه بزرگ قیامت پدید آید آنروز هرچه آدمی از خیر و شر بجا
آورده بیاد آورد و تأسف خورد و گوید چرا عمل شرم بجا آوردم و یا عمل خیر
بیشتر نکردم و دوزخ را برای بینندگان آشکار سازند .

(فاما من طئ و آثرا الحیوة الدنیا فان الجحیم هی الماوی) و هر کس از

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا (۴۲) فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا (۴۳)
إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهِيهَا (۴۴) إِنَّا أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ بَعْثِهَا (۴۵) كَانَتْهُمْ يَوْمَ
مَوْتِهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحًى (۴۶)

حکم خدا سرکش و طامع شد و زندگی دنیا را بر آخرت برگزید دوزخ جایگاه او باشد .

(و اما من خائف مقام ربّه و نهی النفس عن الموی فان الجنة هي الماوی)
و هر کس از حضور در پیشگاه خدا بترسد و از هوای نفس دوری جست بهشت منزلگاه او باشد .

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده هر کس بداند خداوند او را میبیدد و گفتارش را میشنود و وعظش را از خیر و شر میداند پس عجزه را از اعمال قبیح و زشت حفظ کند این شخص کسی است که از مقام پروردگار ترسانست .

این شهر آشوب از این عباسی روایت کرده است که این آیه مخصوص امیر المؤمنین علیه السلام و کسانی است که بر طریقه آنحضرت مشی مینمایند .

(یَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا أَلَيْسَ رَبِّكَ مُنْتَهِيهَا)
اما انت منذ من یخشیها کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة اوضحیها (ابرسول
ما سؤال میکنند از تو قیامت کی برپا خواهد شد تو را چکار افتاد که از آن بیاد
آری یعنی علم آن بتو تعلق ندارد غایت و منتهی علم آن با خداوند است و جز
خدا کسی نمیداند آنچه کار تو است و بتو تعلق دارد تو ترساننده کسی هستی که از
یاد آنروز و احوال آن ترسانست چون آنروز بر مردم پدیدار شود گویا چنان است
که تمام دنیا شبی تا صبح یا روزی تا شام بیش نبوده است -

در کافی از ابی حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
فرمود شخصی با اهل بیت خود بکشتی سوار شد در اثر امواج خروشان دریا کشتی

ای رسول ما از تو سؤال میکنند که قیامت چه وقت برپا میشود (۴۲)
 تو را چکار افتاد که از آن بیاد آری (۴۳) بسوی پروردگار است نهایت
 آن (۴۴) حز این نیست که تو بیم کننده‌ای آنکسی که از قیامت میترسد (۴۵)
 گویا آنروز را که مردم بینند درنگ ننمودند مگر در شبانگاه یا چاشتگاهی (۴۶)
 پایان ترجمه سوره نازعات

شکست و تمام اهل بیتش فرق شدند جز یکفر زن جوان آنهم روی یکی از
 الواح کشتی نشست و خود را بجزیرهای رسانید در آن جزیره مردی قطاع‌الریق
 بود که از هیچ محرمات و عمل زشتی رو گردان نبود متوجه شد بانوئی جوان و
 صاحب جمال و نیکو منظر بالای سر او ایستاده سؤال کرد از او انسیه هستی یا
 جنبه آن بانو گفت انسیه هستم مرد دیگر تکلم نکرد مانند شوهری که بروی عیال
 خود قرار میگردد بروی آنزن قرار گرفت خواست عمل منافی با عصمت انجام
 دهد مشاهده کرد که آن بانو مضطربست و میلرزده گفت این چه حالت است که در
 تو مشاهده مینمایم چرا بداد و اشاره نمود بطرف آسمان که من از خداوند و کیفر
 او در روز جزا میترسم آیا تو از خدادوری و جدائی، آنمرد متوجه شد و برخاست
 بگوشه‌ای رفت و از روی خلوص توبه و استغفار نمود، در یکی از مسافرتها صاحب
 و رفیق راه راهی شد خورشید شدت تمام بر آنها تابیده عطش بر ایشان غلبه کرد
 آبی هم وجود نداشت راهب باو گفت ای جوان خدا را بخوان تا ابری بفرستد و
 بر ما سایه افکند آن جوان گفت من نزد پروردگار حسنه و عمل نیکی ندارم تا
 بوسیله آن جرئت پیدا کنم و از خداوند درخواست و تقاضائی بنمایم راهب گفت
 پس من دعا میکنم تو آمین بگو جوان گفت روا باشد راهب دعا کرد و جوان
 آمین گفت طولی نکشید ابری ظاهر شد و بر سر آنها سایه افکند مقداری راه
 با هم سیر نمودند رسیدند سر دوراه راهب مسیرش از مسیر جوان جدا بود او به
 راهی و جوان براه دیگر سیر کردند راهب دید این سر جوان سایه افکنده و از

او دور شد گفت ای جوان توبه‌تر از من هستی خداوند دعای تو را اجابت فرمود نه
 دعای مرا بگو به بینم چه کاری انجام داده‌ای و داستان تو از چه قرار است که خداوند
 نظر لطف و مرحمت بشو دارد جوان داستان خود را با آن بانو در جزیره بیان کرد
 راهب گفت خداوند گناهان گذشته‌تو را آمرزیده در آن وقتی که متوجه او شدی و
 از کیفر روز جزا ترسیدی، متوجه آتیه خود باش.

پایان سوره نازعات

سورة عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَ تَوَلَّى (۱) اَنْ جَاءَهُ الْاَعْمَى (۲) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَوَكِّلُكَ
 اَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الْذِّكْرُ (۳) اَمَّا مَنْ اَسْتَفْتٰى (۴) فَاتَّٰتٰهُ تَصَدٰى
 (۵) وَمَا عَلٰىكَ اِلَّا اَنْ يَّزْكٰى (۶) وَمَا مِنْ جِءَاكَ يَنْبٰى (۷) وَهُوَ
 يَخْفٰى (۸) فَاتَّٰتَتْ عَنْهُ نَفْسٌ (۹) كَلَّا اِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۰) فَمِنْ شَآءَ
 ذِّكْرُهُ (۱۱) فِىْ صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۲)

سوره عبس در مکه نازل شده و چهل و دو آیه و صد و سی کلمه و پانصد و سی حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره عبس را قرائت کند در بهشت زیر سایه کرامت خداوند جا گیرد و روز قیامت خندان باشد ،

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند از قبر بیرون آید خرم و خندان و اگر آن را بر پوست آهو بنویسد و همراه خود بدارد بهر طرف که متوجه شود نمی بیند مگر خیر و خوبی

سوره عبس مشتمل است بر ذکر قومیکه امیدوارند مسلمین اسلام آوردن آنها را و داستان ابن مسکوم و بیان شطری از نعمتهائیکه خداوند به بندگان عطا فرموده

قوله تعالى (عبس و تولى ان جاءه الاعمى وما يدريك لعله يزكى او يذكرك فتففعه الذكركى اما من استفتى فانتهى له تصدى وما عليك الا يزكى و اما من جاءك

ترجمه سوره عبس

بنام خداوند بخشنده مهربان

رو ترش کرده و روی گردانید (۱) چون آنمرد نایبنا آمد (۲) چه چیز دانا کرد تو را شاید او مردی پارسا و یا کیزه باشد (۳) یا پند گیرد و سرد دهد او را پند (۴) اما کسیکه بی نیازی جست (۵) چرا تو یار و یاور او هستی و با او توجه میکنی (۶) و او اگر از کفر پا کیزه نشود بر تو تکلیفی نیست (۷) اما کسیکه بسوی تو میشتابد (۸) و او از خدا میترسد (۹) پس تو از او مشغول میشوی (۱۰) نه چنین است همانا قرآن پند هست (۱۱) پس هر که بخواهد پند گیرد (۱۲) آیات قرآن در صفحات مکرم نگاشته شده است (۱۳)

بسمی و هو یخشی قانت عنه تلهی (رو ترش کرد و رو بر گردانید چون آنمرد نایبنا حضورش آمد تو چه میدانی؟ شاید آن مرد پارسا و یا کیزه و پاک سرشت باشد از گناه و پند گیرد و یاد حق و ذکر خدا او را سود دهد و کسیکه دارا و بی نیاز است چرا تو یار و یاور او هستی و با او توجه میکنی بر تو آن ثروت مند از کفر پالو پا کیزه باشد یا نباشد و اما آنکس که بسوی تو میشتابد و خدا ترس و با تقوی است تو از توجه با او محروم داری میکنی نه چنین است آیات حق و قرآن برای پند و تذکر همه خلق است پس هر که بخواهد پند گیرد - مفسرین عامه گفتند سبب نزول آیه آن بود هتبه بن ربیع و ابو جهم بن هشام و پسران امیه بن خلف و عباس بن عبدالمطلب حضور پیغمبر اکرم ﷺ بودند آنحضرت با آنها سخن میگفت و ایشان را باسلام دعوت مینمود مرد نایبنائی موسوم به عبدالله بن مکتوم وارد شد عرض کرد ای رسول خدا چیزی از قرآن برای من بخوان و مرا شرایع اسلام بیاموز این سخن را چند بار تکرار کرد رسول خدا صورت از او برگردانید و کراهت داشت سخنش با آن جماعت قطع شود و دیگر آنکه نخواست آن کافران بگویند اتباع و پیروان محمد ﷺ مردمان نایبنا و سفله هستند از این جهت کراهت بصورت پیغمبر پدیدار شد خدای تعالی آیات فوق را فرو فرستاد صجب این است این صفات مذمومه

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴) بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵) كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶) قُتِلَ
 الْإِنْسَانُ مَا اكْفَرَهُ (۱۷) مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸) مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ
 فَقَدَرَهُ (۱۹) ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ (۲۰) ثُمَّ أَمْسَاهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱) ثُمَّ إِذَا
 شَاءَ أَنشَرَهُ (۲۲) كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْخُسْ مَا أَمَرُ (۲۳) فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى
 طَعَامِهِ (۲۴) أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵) ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)
 فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷) وَعَيْنًا وَنَضْبًا (۲۸) وَذَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)
 وَحَدَآئِقَ غُلْبًا (۳۰) وَغَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

دا اگر بعضی از فقها و دانشمندان دارا باشند مردم از آنها دوری میجویند پس چگونه روا است در حق پیغمبریکه خداوند دوباره او فرمود ولو کنت فقط غلیظ القلب لا تفصوا من حولک و آنحضرت را بحسن خلق و طبع کریم وصف فرموده و اخبار و احادیث متواتر است که آنحضرت با دشمنان و کافران بر خلاف این رویه بود پس چگونه با دوستان و مؤمنین اینگونه رفتار مینمود

طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود آیه فوق نازل شده در باره مردی از بنی امیه که حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود چون ابن مکتوم وارد شد آن اموی از روی غرور و تکبر صورت خود را عبوس کرد و روی بر گردانید جبرئیل نازل شد و آیات فوق را در حق او آورده علی بن ابراهیم از آنحضرت روایت کرده فرمود آیات در باره عثمان و ابن مکتوم نازل شده چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ابن مکتوم را مقدم داشت بر عثمان روی خود را ترش نمود و اهرام کرد از پیغمبر صلی الله علیه و آله و بیرون رفت از محضر آنحضرت جبرئیل نازل شد و آیات فوق را آورده طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هر وقت ابن مکتوم را مشاهده مینمود باو میفرمود مرحبا بتو ای ابن مکتوم کسی نمیتواند

آنها بلند مرتبه و پاکیزه اند (۱۴) بدست نویسند گلن سپرده شده است (۱۵) و آنان گرامی و مقرب و نیکوکارند (۱۶) کشته باد آدمی چرا تا این حد کفر میورد (۱۷) اوازچه چیز آفریده شده است (۱۸) از آب نطفه بیفتد آفرید او را پس اندازه کرد او را (۱۹) پس آسان کرد بر او راه را (۲۰) آنگاه او را بمیراند و بخاک قبر سپرد (۲۱) پس چون خواست زنده کند و باز گرداند او را (۲۲) نه چنین است هنوز بجا نیاورده آنچه را خدا امر فرموده او را (۲۳) باید آدمی بطعام و غذای خود بچشم خیره بنگرد (۲۴) ما آب باران را از ابر فرو ریختیم (۲۵) آنگاه زمین را شکفتیم (۲۶) و ماندها از او رویانیدیم (۲۷) و انگور و میوه ها (۲۷) و درخت زیتون و نخل خرما بر رویانیدیم (۲۸) و باغها پر از درختان (۳۰) و میوه های تر و تازه و چراگاه (۳۱)

مرا تو بیخ و سرزنش کند بد باره تو و آنحضرت لطف بسیار باین مکتوم مینموده (فریضه مکرمه مرفوعه مطهره بایندی سفره کرام برده قتل الانسان ما اکفره من ای شئی خلقه من نطفه خلقه فقدره ثم السبیل یسره ثم امانه فافبره ثم اذا شاء انشره) آیات الهی در صحیفه های مکرم معظم یعنی لوح محفوظ نگاشته شده و آن صفحات بلند مرتبه و بلند منزله و پاک و منزله است بدست سفیرانی سپرده شده است و آنها مقرب و عالی رتبه و کریمان و نیکوکارند -

محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود: برده ائمه معصومین هستند - سعد بن عبدالله از برید عجلای روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که آیه را سؤال نمودم فرمود حدیث آل محمد را فرستگان در صحیفی پاک و پاکیزه و ظاهر از دروغ نوشته اند ممنوع باد از طریق خیرات و لعنت باد بر او چرا تا این اندازه کفر و عناد میورزد مراد باتسان بنیه بن ابی لهب است این آیه مائمه آنست که بکسی بگویند قاتله الله یعنی خدا بکشد او را نمی نگره از چه آفریدند او را از آب منی بیفتد آفرید او را پس از آن راه بیرون شدن از رحم را بر او آسان کرد و راه حق و باطل را باو بینمود پس بمیراند او را و بخاک قبر سپرد آنگاه که خواهد زنده کند او را دوباره پس از مرگ (کلا لما یقض ما امره) چنین نیست

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلَا تَنَامُكُمْ (۲۲) فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳)

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴) وَأُمِّهِ وَأَيِّهِ (۲۵) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۲۶)

لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُفْضِيهِ (۲۷) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۲۸)

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۲۹) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ غَاسِقَةٌ (۴۰) تَرْهَقُهَا

قَتَرَةٌ (۴۱) أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجِرَةُ (۴۲)

که منکرین بهت و نشود گمان کرده‌اند این کافرین آنچه خدا فرمود از واجبات و معمرات بجای نیاوردند -

علی بن ابراهیم و محمد بن عباس از ابی اسامه روایت کردند که از حضرت باقر علیه السلام تأویل آیه را سؤال نمودم فرمود شأن نزول آیه در باره امیرالمؤمنین علیه السلام است یعنی چقدر کفر و طغیان و عناد می‌ورزید ای منافقین در اثر کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام پس از آن کرامت و نسبت خلقت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان می‌کند و می‌فرماید آنحضرت از طینت پیغمبران خلق شد، و معین کرده حضرتش را برای خیر و نیکوئی و آنحضرت راه هدایت و طریق مستقیم است پس از کشته شدن و مردن بطریق پیغمبران و مکت کردن، زنده کند آنحضرت را در زمان رجعت و حکم فرماید در باره دشمنان خود آنچه را خداوند امر فرموده باو (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ إِنَّ سَعْيَنَا لَمَّا عَبَثًا فَذَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَاذْكُرْنَا يَا حَبِيبَا وَعَنَّا وَقُضِيَ وَزَيْتُونَا وَبَلَدًا وَحَدَائِقُ غُلْبًا وَفَاكِهَةٌ وَابْنُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلَا تَنَامُكُمْ) آدمی بقوت و غذای خود به چشم غرور بنگرد که من روزی او را از چه ساخته‌ام چه سببها پدید آوردم تا روزی باو برسد ما آب باران را فرو ریختیم آنگاه خاک زمین را بشکافتیم و حبوبات برای غذا برویانیدیم و باغ انگور و نباتات و درخت زیتون و نخل خرما و باغهای پراز درختان کهن و انواع میوه‌ها و گیاه و مرتعها پدید آوردم تا شما آدمیان و حیوانات از آنها بهره‌مند شوید -

تا شما و حیوانات از آن بهره مند شوید (۳۲) آنگاه که صدای بلند قیامت بگوش رسد (۳۴) در آن روز مرد از برادرش بگیرد (۳۴) بلکه از مادر و پدرش (۳۵) و زن و فرزندش بگیرد (۳۶) در آن روز هر کس گرفتار کار خود است مشغول کند او را و یکی نتواند پرداخت (۳۷) در آن روز طایفه ای رخسارشان روشن و درخشانیست (۳۸) خندان شاه و شادانند (۳۹) و رخسار طایفه دیگر غبار نشسته (۴۰) آنها را تاریکی فرو گرفته (۴۱) آنان کافران و بدکارند (۴۲)

پایان ترجمه سوره عبس

در کافی از زید شحام روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم مقصود از طعام در این آیه چیست؟ فرمود علم و دانشی است که باید اخذ نموده آن را از کسانی که خداوند معین نموده و این حدیث را معین نیز در اختصاص روایت کرده در ارشاد از جمعی امامیه روایت کرده که سؤال نمودند از ابوبکر معنای آب را جواب داد نمیدانم چگونه چیزی که نمیدانم بگویم ولی معنای فا کهه را میدانم بامیر المؤمنین علیه السلام خبر دادند فرمود سبحان الله چگونه نمیداند معنای آب را آن گیاه و مرتع زار است که برای حیوانات خداوند آفریده تا آنها و انسان نفس خود را زنده بدارند و قوام بدنشان بآنها باقی بماند و فرمود میوه جات در دنیا یکصد بیست نوع است و بزرگ آنها انار است.

(فاذا جاءت الصاخة يوم يفر المرء من اخيه وامه و ابيه و صاحبه و بنیه لکل امری منهم يومئذ شأن یغنیه) آنگاه که صدای بلند قیامت و تپه صور بگوش همه خلق برسد آن روز هر کس از برادر و مادر و پدر و زن و فرزندش بگیرد این بابویه از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود روز قیامت هابیل از برادرش قابیل فرار میکند و ابراهیم از پدرش و لوط از عیالش و نوح از فرزندش کنعان فرار مینماید در آن روز مردم چنان گرفتار کار خود هستند که به هیچکس نتوانند پرداخت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود سه موقف است که کسی پادی از اقربا و خویشان خود نکند یکی موقف میزان و سنجیدن اعمال است دوم هنگام عبور از

صراط سوم هنگام گرفتن نامه اعمال است در این سه مورد هر کس بنفس خود مشغول است و از شدت ترس و احوال توجی بازحلم و اقرباء خود ندارد

(وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة و وجوه يومئذ عليها غيرة ترهقها قفرة اولئك هم الكفرة الفجرة) روز قیامت مردم دو طایفه باشند طایفه اهل ایمان و خسارشان چون صبح فروز است خندلان و خرم و گشاده رو باشند و طایفه دیگر صورت پایشان گرد آلود و غم انقواء است و بر آنها خاک ذلت و خجلت نهسته است اینان کافران و بد کارانند و دشمنان آل رسول هستند -

روز قیامت چون خدا بآسمانی حکم فرماید میان بهایم و جهوانات و آنها را خاک گره اند آن خاک گره شود و بصورت کافران و دشمنان آل محمد و آل ائمه بنشیند

پایان سوره عبس

سورة التكويد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱) وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲) وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ
(۳) وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵) وَإِذَا الْبِحَارُ
سُجِّرَتْ (۶) وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷) وَإِذَا الْمَوْؤَدَةُ سُيِّتَتْ (۸) بِأَيِّ
ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹) وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰) وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱)

سوره تکویر در مکه نازل شده و بیست و نه آیه و صد و چهارده کلمه و پانصد و سی حرف است :

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره تکویر را فرائت کند در بهشت زیر سایه کرامت خداوند زندگانی نماید

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را تلاوت کند در پناه خداوند است آنوقتیکه نامه‌های اعمال را باز کند و ایمن باشد از ترس روز قیامت و اگر این سوره را بخوانند بر کسیکه درد چشم دارد شفا یابد یا بدن خداوند

سوره تکویر مشتمل است بر علامات و احوال قیامت و شاید آن و در قوت و امانت جبرئیل

قوله تعالی (إذا الشمس كورت وإذا النجوم انكدرت وإذا الجبال سيرت وإذا العشار عطلت وإذا الوحوش حشرت وإذا البحار سجرت وإذا النفوس زوجت) ابرسول ما بیاہ آور هنگامیکه خورشید دردم پیچیده شود و ستارها تیره شوند و فرو ریزند و کوهها بر قتلار آیند و شتران ماده حمل خود را فرو گذارند و هنگامیکه

ترجمه سوره تکویر

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامیکه آفتاب در هم پیچیده شود (۱) و ستارگان تیره شوند (۲) و کوهها
برفتار آیند (۳) و دختران شیردار رها شوند (۴) و زعاتی که جانوران محسوس شوند
(۵) و دریاها چون آتش شعله ور شود (۶) و هنگامیکه نفوس خلایق با همجنس
خود جفت شوند (۷) و از دختران زنده بگور پرسیده شود (۸) که یکدام جرم و
گناه کشته شدند (۹) و زمانیکه نامه اعمال مردم گشوده شود (۱۰) و آسمان
پراکنده شود (۱۱)

نفوس خلایق با هم جفت و همقرین شوند -

حضرت باقر علیه السلام فرمود ذیل آیه تزویج کنند باهل بهشت زنان نیکو و
حورالعین را و اهل جهنم را هر يك با شیطان قرین گردانند -

ابن بابویه ذیل آیه اذا الشمس کورت از اینند غفاری روایت کرده که
حضور پیغمبر بودیم آفتاب غروب کرد آنحضرت فرمود فرشتگان موکل بر خورشید
بامر خداوند هر روز لباسی از نور عرش پرورده گار بر آن می پوشانند مانند شما که
لباس می پوشید گویا می بینم که موکلان آن را سه شب حبس نمودند و لباسی بآن
نمی پوشانند و امر میکنند بآن که از مکانیکه غروب مینمونه طلوع کند و همچنین
است حال ماه در طلوع و غروب و اینست معنای آیه مزبور.

ابن شهر آشوب ذیل آیه و اذا النفوس زوجت از این عیسی روایت کرده که
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هیچ مؤمنی روز قیامت عبور نمیکند از صراط مگر آنکه
بدر بهشت که رسیده خداوند چهار زن از زنان دنیا و هفتاد حورالعین باو تزویج
مینماید جز امیرالمؤمنین علیه السلام که فقط از زنان دنیا حضرت فاطمه باو اختصاص
دارد و غیر آنحضرت همسری از زنان دنیا برای امیرالمؤمنین علیه السلام نمی باشد ولی
حورالعین بسیاری بآن حضرت تعلق دارد

(اذا المؤمنة سئلت بای ذنب قتلت) و زمانیکه از دختران زنده بگور شده

وَإِذَا الْجَبَبِیْمُ سُعِرَتْ (۱۲) وَإِذَا الْجَبَّةُ أُرْفِلَتْ (۱۳) عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا
 انْصَرَتْ (۱۴) فَلَا أَفْصِیْمٌ بِالْغُصْنِ (۱۵) أَلْجَوَارِ الْكُنَّسِ (۱۶) وَاللَّیْلِ
 إِذَا فَسَّسَ (۱۷) وَالْمُصْبِحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِیْمٍ
 (۱۹) ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذی الْعَرْشِ مَكْبِیْنِ (۲۰) مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِیْنٍ (۲۱) وَمَا
 صَاحِبُكُمْ بِبَغْیُوْنٍ (۲۲) وَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِیْنِ (۲۳) وَمَا هُوَ عَلَى
 الْغَیْبِ بِضَبِیْنٍ (۲۴) وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَیْطَانٍ رَجِیْمٍ (۲۵) فَأَیْنَ تَذْهَبُوْنَ
 (۲۶) إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِیْنَ (۲۷) لَیْنِ شَاءَ مِنْكُمُ أَنْ یَسْتَقِیْمَ (۲۸)
 وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ یَشَاءَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ (۲۹)

پرسیده شود آنها بکدام گناه و جرم کشته شدند -

طبرسی ذیل آیه فوق از ابن عباس روایت کرده که مراد قتل آیه به معنای
 قطع است و در باره رحم آل عَد عَلِیْهِمُ السَّلَاطَةُ واره شده و مقصود آنست که از مردم سؤال
 میکنند بچه سبب قطع مراوده وصله کردید با اهل بیت پیغمبر و دلیل و شهادتین
 معنی آیه. (قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا اِلَّا الْعَوْدَةُ فِی الْقَرَبِ) است و این حدیث را ابن
 شهر آشوب در مناقب از حضرت باقر عَلِیْهِ السَّلَام روایت کرده است -

و در کتاب کامل الزیارات از حضرت صادق عَلِیْهِ السَّلَام روایت کرده فرمود آیه نازل
 شده در باره حضرت امام حسین عَلِیْهِ السَّلَام مد کافی از حضرت صادق عَلِیْهِ السَّلَام روایت کرده
 فرمود این آیه نازل شده در باره اقرباء آل عَد عَلِیْهِمُ السَّلَاطَةُ و هر کس که در راه ولایت
 آنها کشته شده و در حدیث دیگر فرمود آنحضرت روز قیامت از قتل محسن فرزند
 حضرت زهرا عَلِیْهَا السَّلَام که در اثر فشار دادن آن مظلومه میان در نیم سوخته و دیوار
 سقط و شهید شده سؤال میکنند بچه گناه آن طفل را بقتل رساندند طبرسی از
 اصحاب رسول خدا روایت کرده گفتند در زمان جاهلیت رسم براین بود زن حامله

وزمانیکه دوزخ افروخته شود (۱۲) و بهشت باهش نزدیک گردد (۱۳) در آن هنگام هر نفسی آنچه آمده کرده همه را بداند (۱۴) چنین نیست سوگند بیه ستارگان باز گردنده و روند گان پنهان شده (۱۶) و قسم به شب چون تاریک شود (۱۷) و سوگند به صبح روشن و فتنیکه دم زند (۱۸) همانا قرآن گفتار فرستاده شده بزرگوار است (۱۹) صاحب قوت و قدرتست نزد خدای مقتدر عرش با جاه و منزلت است (۲۰) و فرمانده و امین و وحی خدا است (۲۱) و رسول شما هرگز دیوانه نیست (۲۲) و او امین و وحی، جبرئیل را در لاقی اعلی مشاهده کرد (۲۳) و این رسول شما بر وحی از عالم غیب بخل نمیورزد (۲۴) و قرآن او هرگز کلام شیطان مردود نیست (۲۵) پس شما مردم بکجا میروید (۲۶) قرآن نیست مگر پندی برای جهانیان (۲) تا هر که بخواهد از شما راه راست پیش گیرد (۲۸) و شما کافران راه حق نمیخواهید مگر آنکه خدا پروردگار جهانیان بخواهد (۲۹)

پایان ترجمه سوره تکویر

نزدیک وضع حمل خود گودالی میکند و بر روی آن می نشست هنگام زائیدن چنانچه آن طفل نوزاد دختر بود او را بآن گودال می افکند و خاک بروی او میریزد و عربها در آن زمان دخترها را میکشند یا زنده بگور میکردند از برای غیرت و تعصب روز قیامت از آنها سؤال میکنند چه سبب آنها را بقتل رسانیدند

(و اذا الصحف نشرت و اذا السماء كَشَعَتْ و اذا الجحیم سعرت و اذا الجنة اُزلفت علمت نفس ما احضرت) هنگامیکه نامه های اعمال خلایق گشوده شود آسمان را از جای برکنند و آتش دوزخ را سخت برافروزند سمیر میالغ در افروختن آتش باشد یعنی دوزخ را برای کفار و منافقین بیافروزند و بهشت را نزدیک گردانند یعنی نزدیک شود بهشت برای مؤمنین و پرهیزکاران در این آیات فرمود چون چنین باشد هر نفسی آنچه را که برای خود حاضر کرده همه را بداند و آیه علمت نفس ما احضرت جواب آیات پیش میباشد

(فلا أقسم بالبحرین و اللیل و الاصل و الصبح اذا تنفس انه لقول رسول کریم) چنین نیست سوگند بستارگان باز گردنده و سیاره ها و روند گان

و پنهان شوند در مکان خود قسم بعب تار هنگامیکه جهان را تاریک کند و بصبح روشن و قتیکه دم زند این قرآن کلام رسول بر حق است و مراد از ستارگان کواکب سیاره است مانند مشتری زحل مریخ عطارد زهره و غیره و برای آن خنس گفت چون مد روز نابینا و در شب ظاهر و هوید آباشند و جوار گفت از جهة آنکه سپر میکشد در مدار خوه و داخل میشوند در خانه و بروج مانند داخل شدن آهو و وحوش در غانهای خود .

در کافی ذیل آیه **فَلَا اقْسَمُ بِالنَّخَسِ** از ام هانی روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام پرسش کردم معنای آیه را فرمود مقصود از خنس امام است که پنهان می نمود از نظر مردم سال دویست و شصت هجری و منقطع میشود علم و دانش او از مردم پس از آن ظهور مینماید و مانند ستاره شهاب که در شب تاریک درخشانده است مبدع باشد اگر آن زمان را درك نمودی خوشا بحالت و دهد گانت روشن باد - محمد بن عباس ذیل آیه و اللیل اذا عسست از اصبع بن نباته روایت کرده که از امیر المؤمنین علیه السلام سؤال نمودم معنای آیه را فرمود خداوند مثل زده آن را برای کسانی که عدول کردند از صاحبان امر و ائمه ای که خداوند آنها را معین نموده و دعوی ولایت کردند برای خودشان و مقصود از صبح ائمه معصومین است که نور آنها روشن تر از نور صبح است و قتی دمیده میشود

(ذی قوه عند ذی العرش مکین مطاع ثم امین و ما صاحبکم بمجنون ولقد رآه بالافق المبین) همانا جبرئیل فرشته باقوت و قدرت است و نزد خدای صاحب عرش، با جاه و منزلت و امین است یعنی در آسمان امین و استوار است بر وحی پروردگار ریاد و نقصان نکند و مدوخ نگردد پس از آن خطاب میکند بکفار این رسول و صاحب شما محمد صلی الله علیه و آله دیوانه نیست چنانکه شما گفتید و این پیغمبر جبرئیل امین را مشاهده کرد در افق اعلا بآن صورتیکه خدا او را آفریده است - (افق کناره آسمان و آن جایی است که خورشید بیرون می آید)

این بابویه از ابی حمزه روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید **اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ**

الرحیم الحی التیوم و اتوب الیه نوشته شود برای او در افق مبین ابی حسمه میگوید عرض کردم افق مبین چیست فرمود فنائیت در پیش عرش در آنها نهرهائیت که در اطراف آنها ظرفهای میباشد بتعداد ستارگان .

ابی بصیر میگوید از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم تاویل آیات را فرمود از فضیلت و خصایص پیغمبر خاتم که خداوند باو عطا فرموده و به هیچ پیغمبری نداده یکی آنست که جبرئیل را بصورت اصلی در افق مبین مشاهده نمود و حضرتش روز قیامت نزد پروردگار مطاع و امین است گفتم معنای و ما صاحبکم بمعنون چیست ؟ فرمود یعنی پیغمبر شما در نصب کردن امیر المؤمنین علیه السلام ولایت و خلافت و حجت در میان مردم هرگز دیوانه نیست و این کار را از روی دیوانگی انجام نداده بلکه بدستور پروردگار است عرض کردم معنای

(وما هو علی الغیب بضنین یعنی چه فرمود خداوند نسبت به علم غیب هر پیغمبرش صلی الله علیه و آله بطل نمی‌ورزد و او را به علم غیب آگاه فرموده و در حدیث دیگر فرمود آنچه از وحی خبر میدهند به پیغمبر آنحضرت متهم نیست و بطل نمی‌ورزد که بمردم نرساند و تبلیغ و تعلیم احکام نماید عرض کردم

(وما هو بقول شیطان رحیم) یعنی چه فرمود کهنه‌ای بودند پیش از اسلام در میان قریش که هر چه خبر میدادند از قول شیاطین بود که با آنها تکلم می‌کردند بر زبان خود شان در این آیه میفرماید پیغمبر مساند آن کهنه‌ها نیست که بقول شیطان سخن گوید بلکه کلام آنحضرت از روی وحی پروردگار است گفتم (فاین تذهبون ان هو الا ذکر للعالمین) یعنی چه فرمود یعنی کجا فرار میکنید از ولایت امیر المؤمنین علیه السلام علی ذکر است از برای کسیکه خداوند عهد و میثاق گرفته‌است از او بر ولایت آن حضرت و برای جهانیان پسندیدست عرض کردم (لن شاء منکم ان یستقیم) یعنی چه فرمود هر کس بخواهد راه راست حق پرستی را پیش گیرد باید استقامت کند و پایدار بماند در ولایت و فرمانبرداری از حلی و ائمه بعد از آنحضرت عرض کردم .

(وما تشاؤون الا ان یشاء الله رب العالمین) یعنی چه فرمود خداوند قرار داده

قلوب ائمه را محل آرامه خود و هر وقت خداوند چیزی را بخواهد و اراده فرماید ائمه نیز می‌خواهند و مشیت بسوی خدا است نه بسوی مردم اینست معانی آیات شریفه ای ای بصیر علی بن ابراهیم از ابن عباس روایت کرده که شنیدم از امیر المؤمنین **علیه السلام** در تفسیر رب العالمین می‌فرمود خداوند سیصد و هفده عالم پشت کوه قاف و پشت هفت دریا خلق نموده و آنها اطلاعی از خلقت آدم و فرزندان او ندارند و هر عالمی سیصد و سیزده برابر عالمی است که آدم و فرزندان او را در آن خلق نموده اهل آن عوالم بمقدار چشم بهم‌زدن معصیت خداوند را بجا می‌آورده‌اند .

پایان سوره تکویر

سورة انفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱) وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ (۲) وَإِذَا الْبِحَارُ
فُجِّرَتْ (۳) وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴) عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ
(۵) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶) الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ
فَعَدَلَكَ (۷) فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

سوره انفطار نوزده آیه و هشتاد کلمه و سیصد بیست نه حرف است و در مکه

نازل شده .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
فرمود هر کس سوره انفطار و اذا السماء انشقت را قرائت کند چیزی مانع او نشود
از قرب جوار الهی و پیوسته خداوند نظر رحمت باو افکند تا از حساب فارغ گردد
و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را
تلاوت کند خداوند پناه دهد او را هنگامیکه نامه اعمال باز می شود مفتوح نگرداند
و عیوبش را پنهان دارد و اصلاح امورات او را بنماید در روز قیامت و هر محبوس
یا بسته شده ای این سوره را قرائت کند خداوند فرج و گشایش در کار او بفرماید
و اگر در وقت ناریدن باران آنرا قرائت کند بتعداد قطرات باران خداوند گناهان
او را بپامزد و چنانچه این سوره را بخوانند بر کسیکه چشمش غبار دارد یا درد
میکند باذن خداوند شفا یابد و دیدگان او قوی گردد .

سوره انفطار مشتمل است بر ذکر و بیان آثار و علائم قیامت و تهدید و
توبیخ تکذیب کنندگان روز جزا و قیامت .

قوله تعالی (اذا السماء انفطرت و اذا الكواكب انتثرت و اذا البحار فجرت

و اذا القبور بعثرت علامت نفس ما قدمت و اخرت) یاد کن ای نفس تو آنچه را که امروزیکه

ترجمه سوره انفطار

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامیکه آسمان شکافته شود (۱) و ستارها فرو ریزد (۲) و زمانی که دریاها روان شود (۳) و هنگامیکه خلائق از فبرها پراکنگشته شوند (۴) هر شخصی آنچه پیش فرستاد و آنچه پس گذاشته همراه پداند (۵) ای انسان غافل چه سبب شد که بعدای کریم بزرگوار خود مغرور گشتی (۶) آن خدائیکه تورا آفرید و بصورت تمام بیاداست و به تناسب اندام برگزید (۷) و در هر صورتیکه بخواستی آفرید (۸)

آسمان شکافته شود و ستارگان فرو ریزند و دریاها روان گردد و یکنه یکنه کند تا یکی شوند و با آتش منقلب گردند و هنگامیکه فبرها را زیر و زبر کنند و شکافته شده و مردم از آن بیرون آیند در آن روز هر شخصی آنچه را که در مقدمه عمر خود کرده و کارهایی که در آخر عمر انجام داده همراه پداند و غیر و هر آنها را تشخیص دهد.

(یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم الذی خلقک فسویک فعدک فی ای سورة ما شاء ربک کلا بل تکذبون بالذین و ان علیکم لحافظین کراما کاتبین یعلمون ما تفعلون) در این آیه خطاب میکند بآدمی ای انسان غافل چه باعث شد که بعدای کریم و بزرگوار خود مغرور گشتی چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آیدرا تلاوت می نمود میفرمود جهل و نادانی انسان بعدای خود او را فریفت و مغرور کرد و فرمود روز قیامت خداوند تبارک و تعالی به پند خود گوید ای فرزند آدم چه مغرور کرده تورا بمن، چه گری با آن علم و دانشیکه بتو عطا کردم و جواب پیغمبران مرا چه مادی - آن خدائیکه تورا از عدم بوجود آورد و بصورتی تمام و کامل بدون نقصان بیاداست و با اعتدال قامت و تناسب اندام برگزید و بهر صورتی خواست از طول و قصر و حسن و قبح و زشت و زیبا و سفید و سیاه بر حسب مصلحت بیافرید چنین نیست که شما کافران گمان میکنید و روز جزا و قیامت را تکذیب میکنید پیغمبر و امیر المؤمنین علیه السلام را مروج می پندارید البته نگهبانانی از فرشتگان مأمورند بر مراقبت احوال و اعمال شما و آنها اعمال حسنات و سیئات شما را مینویسند

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ (۹) وَإِنْ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (۱۰) كِرَامًا
 كَاتِبِينَ (۱۱) يَلْمُزُونَ مَا تَقُولُونَ (۱۲) إِنَّ الْأَثَرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)
 وَإِنَّ الْفَجَارَ لَفِي جَعِيمٍ (۱۴) يَصْنَوْنَهَا يَوْمَ الَّذِينَ (۱۵) وَمَا تُمْ عَنْهَا
 بِنَائِبِينَ (۱۶) وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الَّذِينَ (۱۷) ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الَّذِينَ
 (۱۸) يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹)

و کریمانند و کرم آنها آنست چون بندهای حسنه‌ای بجا آورد فرشته موکل طرف راستی شاد شود و بهشتاب یکی داده بنویسد و اگر معصیتی کند هر دو فرشته ملول شوند و چون فرشته طرف چپ بنخواست بنویسد دیگری گوید ساعتی توقف کن شاید پشیمان شود و توبه کند و بهمین کیفیت تا هفت ساعت نگذارد بنویسد آنگاه گوید این بنده نادان است یکی را یکی بنویس آن فرشتگان می‌دانند آنچه شما مردم بجا می‌آورید.

(ان الابرار لفی نعم و ان الفجار لفی جحیم یصلونها یوم الدین و ما هم عنها بدائیین) نه کاروان جای ایشان مد بهشت پر نعمت است و بدکاران باز گشتن آتش دوزخ است - محمد بن عباس ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود ابرار ما هستیم و فجار دشمنان ما باشند روز جزا فجار و بدکاران ملازم دوزخند و از آتش دوزخ دور نخواهند بود پس از آن بیان میکند عظمت و احوال روز قیامت را بقولش.

(وما ادریک ما یوم الدین ثم ما ادریک ما یوم الدین یوم لا تملک نفس لنفس شیئا و الامر یومئذ لله) تو چه مانی که روز جزا چه روزی می‌باشد چگونه بروز جزا میتوانی آگاه شد و تکرار آن لزوم برای مبالغه است روز جزا هیچکس قادر نیست تحمل کند چیزی را برای دیگری یعنی نمیتواند کسی عذاب را از دیگری

نه چنین است بلکه روز قیامت و جزا را تکذیب میکنند (۹) همانا ننگی بآنان بر مراقبت احوال شما مأمورند (۱۰) و آنها نویسنده کار اعمال شما و مقربان در گاه پروردگارند (۱۱) شما هر چه کنید همراه ما میدانند (۱۲) . همانا نیکوکاران در بهشت پر نعمتند (۱۳) و بدکاران در آتش دوزخ مصیبتند (۱۴) روز جزا بآن دوزخ درافتند (۱۵) و هیچ از آن آتش دورتوانند بود (۱۶) و تو چگونه بروز جزا آگاه توانی شد (۱۷) و بزرگی آنروز را چگونه توانی دانست (۱۸) آنروز هیچکس برای کسی قاعد بر هیچ چیز نیست و تنها حکم و فرمان در آنروز با خداست (۱۹) ،

پایان ترجمه سوره انفطار

دفع کند و تنها حکم و فرمان در آنروز مخصوص خداستعالی است . امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ملک و قدرت و پادشاهی و عزت و جبروت و جمال و بهاء و هیبت در آنروز مخصوص خدا است و شریکی در این اوصاف ندارد . طبرسی ذیل آیه مزبور از جابر روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه را فرمود ای جابر روز قیامت جنادی از طرف پروردگار ندا کند نیست حاکی از آنروز جز خداستعالی .

پایان سوره انفطار .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱) الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَ إِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ (۳) أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْشُورُونَ (۴) لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵) يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶) كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ (۷) وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ (۸) كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۹) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

سوره مطفین در مکه نازل شده و سی و شش آیه و یکصد و شصت و نه کلمه و هفتصد و سی حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره مطفین را قرائت کند در نمازهای واجب خداوند ایمن دارد او را از آتش جهنم و هر چه در جهنم عبود نکند و حساب او را نکشند

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را تلاوت نماید خداوند سیراب گرداند او را از شراب بهشتی و اگر آن را بر مغزنی بخواند محفوظ بماند آن مخزن از مر آفت و حشراتی

سوره مطفین مشتمل است بر بیان احوال مردم در روز قیامت و تهدید اشخاص کم فروشی

قوله تعالی (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ) اولئك انهم مبعوثون لیوم عظیم یوم یقوم الناس لرب العالمین (وای بحال کم کنندگان کیل و وزن چون بسکیل یا وزن چیزی از مردم بستانند تمام بستانند و اگر چیزی بدهند کم کنند در کیل و وزن آن، آیا

ترجمه سوره مطففین

بنام خداوند بخشنده مهربان

وای بحال کم فروشان (۱) آنها تیکه چون بکیل چیزی از مردم بستانند تمام می‌ستانند (۲) و چون چیزی بدهند در کیل یا وزن کم می‌دهند (۳) آها آنها نهادند که پس از مرگ برای مجازات بر انگیزته شوند (۴) برای روز بزرگ (۵) و آن روزیست که مردم در حضور پروردگار جهانیان برای حساب می‌ایستند (۶) نه چنین است که پنداشته‌اند همانا نامه اعمال بدکاران در سجن است (۷) و چه بیدانی تو که سجن چیست (۸) کتابیست نوشته شده (۹) وای در آن روز بحال دروغگویان (۱۰)

گمان نمی‌برند آنها که پس از مرگ روزی برای مجازات بر انگیزته شوند و آن روز بسیار روز بزرگی است روزیست که تمام مردم بایستند در حضور این پروردگار، جهانیان برای حساب . . .

طبرسی از ابن عباس روایت کرده که: سبب نزول آیه آن بود، چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله مدینه منوره نزول اجلال فرمود اهل مدینه در کیل و وزن بی اندازه خبیث بودند و کسب و تجارت آنها بشکل قمار بازی بود و انواع حیل و تدلیس را بکار می‌بردند مرهی بود موسوم بابو جهیه دوصاع داشت یکی زیاده و دیگری کم بزباد می‌فروید و بهکم می‌فروخت جبرئیل نازل شد و آیات فوق را در حق اهل مدینه فرود آورده پیمبر اکرم صلی الله علیه و آله بازار تشریف برد و آیات را بر اهل بازار قرائت نمود و فرمود پنج چیز به کیفر پنج چیز مرض کردند ای رسول خدا کدام است آن فرمود (۱) اگر قومی نقض عهد کنند خداوند دشمن را بر آنها مسلط گرداند (۲) و اگر فواحش در میان طایفه‌ای ظاهر شود مسلط گرداند خداوند بر ایشان مرگ با گهانی را (۳) و چنانچه قومی کم فروشی کنند قطعی در میان آنها پدید آید (۴) و اگر زکوة ندهند خداوند باران را از ایشان منع کند.

وامیر المؤمنین علیه السلام روزی بیازار تشریف برد مردی را دید زعفران میکشید و ترازوی او درست نیست آنحضرت پیش رفت و زعفران را از کفه ترازو بر سخت

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ يَوْمَ الدِّينِ (۱۱) وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ
 (۱۲) إِذَا قُتِلَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳) كَلَّا بَلْ رَانَ
 عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴) كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ
 (۱۵) ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ (۱۶) ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ
 تُكَذِّبُونَ (۱۷) كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَنْبِيَاءِ لَفِي مِثْقَلِينَ (۱۸) وَمَا أَذْرَاكَ مَا
 مِثْقَلُونَ (۱۹) كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۲۰) يَشْهَدُهُ الْمُرْسَلُونَ (۲۱) إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ
 لَفِي نُفُوسٍ (۲۲) عَلَى الْأَرْوَاحِ يَنْظُرُونَ (۲۳) تَعْرِفُ فِي وُجُوهِِهِمْ نَضْرَةَ
 النَّعِيمِ (۲۴) يُسْتَفْزَنُ مِنْ رَجَبٍ مَخْتُومٍ (۲۵)

و فرمود اول ترازوی خود را درست کن آنکاه اگر میخواهی چرب بسنج -
 شرف الدین نجفی ذیل آیه ویل للمطففین از حضرت صادق علیه السلام
 روایت کرده فرمود تاویل آیه آنست وای بر کسانی که محس آل عده را کم میکنند
 ولی چون بفنائم میرسند بعد کمال اخذ میکنند و وای به حال تکذیب کنندگان
 امیر المؤمنین علیه السلام و علی و خلیفه عده علیهم السلام خاتم پیغمبران
 (کلا ان کتاب النجار لفی سجین وما ادریک ما سجین کتاب مرقوم ویل
 یومئذ للمکذبین الذین یکذبون یوم الدین و ما یکذب الا کل معتد اثم اذا تلی
 علیه آیاتنا قال اساطیر الاولین کلابل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون کلا انهم
 عن ربهم یومئذ لمحجوبون ثم انهم لصالوا الجحیم ثم یقال هذا الذی کنتم به تکذبون)
 چنین نیست که کافران و منکران گمان کرده اند بحقیقت نامه بدکاران و کافران
 که اعمال ایشان بر آن نوشته شده در سجین باشد سجین آخرین طبقات زمین است
 در کافی ذیل آیه فوق از فضیل روایت کرده که سؤال نمودم از حضرت موسی بن

کسانی که روز جزا را تکذیب میکنند (۲۱) و آنروز را کسی تکذیب نمی‌کند مگر هر تجاوز کننده گناه کار (۱۲) هنگامیکه آیات ما بر آنها تلاوت میشود گویند اینها افسانه‌های پیشینیان است (۱۳) نه چنین است بلکه تاریکی بر راههای آنها غلبه کرده بسبب آنچه از عمل زشت بجا آوردند (۱۴) نه چنین است بلکه آنها از معرفت پروردگارشان در پرده نادانی مستورند (۱۵) سپس آنان را با آتش دوزخ درافکنند (۱۶) و بآنها گویند این همان دوزخی است که تکذیب آن میکردید (۱۷) نه چنین است همانا نامه اعمال نیکوکاران در بهشت علین است (۱۸) تو چه میدانی علین چیست؟ (۱۹) کتابی است نوشته شده (۲۰) و فرشتگان مقرب بر آن گواهی دهند (۲۱) همانا نیکوکاران در بهشتند (۲۲) بر تختها تکیه زده و می‌نگرند (۲۳) و از رخسارشان نشاط و تازگی نعمت بهشت را می‌شناسی (۲۴) و ساقیان بآنها شراب ناب خالص مهر شده بنوشانند (۲۵)

جبریل علیه السلام معنای آیه را فرموده بخارج اشخاصی هستند که جرئت پیدا کردند بر ظلم و ستم نمودن در حق مائمه و اعمال آنها بسوی آسمان بالا نرود زیر طبقه هفتم زمین محسوس شود -

پس از آن مفرماید ای محمد ﷺ چگونه میتوانی بحقیقت سبعین آگاه شوی کتابیست که بقلم قدرت نوشته شده وای بحال منکران و دروغگویان آنانکه روز جزا را تکذیب میکنند و ایمان بآن ندارند و تکذیب نکند روز جزا را کسی مگر ستمکاران و بدکرداران عالم و چون آیات ما را بر آنها تلاوت کنید گویند این افسانه پیشینیان است -

علی بن ابراهیم از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرموده این آیه اشاره باولی و دومی است که تکذیب کردند پیغمبر اکرم ﷺ در باطن و بیرون ایشان تکذیب خواهند نمود حضرت حجة ﷺ را و بآن حضرت میگویند ما شما را نمی‌شناسیم از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام - چنین نیست که آنها گمان کرده‌اند بلکه تاریکی ظلم و بدکرداری ایشان بر راههای آنها غلبه کرده است که آیات ما را انکار میکنند -

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶) وَمِمَّا جَاءُ مِنْ تَنْبِيهِمْ
 (۲۷) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸) إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ
 آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹) وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰) وَإِذَا انْقَلَبُوا
 إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱) وَإِذَا ذُكِّرُوا قَالَوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ
 (۳۲) وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (۳۳) فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ
 يَضْحَكُونَ (۳۴) عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۳۵)
 هَلْ تُؤِيبُ الْكَفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود نیست بنده ای
 مکر آنکه در دل او نقطه سفیدی است چون مرتکب گناه میشود آن سفیدی سیاهی
 مبدل کرده اگر بعد از آن توبه نمود سیاهی برطرف شود و چنانچه گناه و معصیت
 را ادامه داد و توبه نکرد هر لحظه سیاهی آن افزوده تا تمام سفیدی را فرا گیرد در
 آنوقت دیگر صاحبش اقدام بعمل خیری نتواند کرد و این حدیث را طبرسی نیز
 روایت کرده .

چنین نیست که این مردم خیال کردند آنها از معرفت پروردگارشان در
 پرده نادانی مستور و از ثواب خدا محروم و ممنوع هستند .

این بابویه ذیل آیه مزبور از حسن بن قضال روایت کرده که از حضرت
 رضا علیه السلام سؤال نمود معنای آیه را، فرمود خداوند در مکان معینی نیست و حلول
 نکند در مکانی تا بندگانش از او مستور و در پس پرده باشند مراد آنست که
 خداوند بندگان را از ثواب و پاداش اعمال ممنوع و محجوب میگرداند .
 همانا کافران را بآتش دوزخ افکند و آنها گویند این همان عذابی است
 که تکذیب میکردند آنرا .

که به شک مهر شده و بر این نعمت و شادمانی باید بمیل و رغبت بکوشند (۲۶) و ترکیب طبع آن شراب از عالم بالا است (۲۷) چشمه ای که مقربان خدا از آن مینوشند (۲۸) بدکاران بر اهل ایمان میخندند (۲۹) و چون از نزد مؤمنین بگذرند بچشم طعن و استهزاء با آنها پنگرند (۳۰) و چون باز گردند بسوی کسان خود بشکوهش مؤمنین بایکدیگر تفریح و مزاح کنند (۳۱) و چون مؤمنین را مشاهده کنند گویند اینها مردم کمر لعی هستند (۳۲) ما آن بدکاران را موکل و نگهبان مؤمنین نگردانیدیم (۳۳) پس امروز که روز جزا است مؤمنین بکفار میخندند (۳۴) و بر تختها تکیه زده و دوزخیان را مشاهده میکنند (۳۵) آیا جزا ای که بکاران میدهند جز آن عملی است که در دنیا مرتکب شدند (۳۶)

پایان ترجمه سوره مطففین

در کافی از محمد بن فضیل روایت کرده که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم معنای ثم یقال هذا الذی کنتم به تکذبون را فرمود منافقین چون مشاهده کردند مقام و منصب امیر المؤمنین علیه السلام را در روز قیامت و دیدند که آن حضرت دستور میدهد بجهنم این مرد برای تو اودا بگیر چه دشمنان من است و آن دیگری را واگذار برای من که از دوستان من بوده فرشتگان از طرف پروردگار منافقین و دشمنان اهل بیت خطاب کنند این وجود مقدس که نسیم دوزخ و بهشت است همان امیر المؤمنین علیه السلام است که شما او را تکذیب میکردید و حقش را غصب نموده و محضرتش ظلم و ستم میکردید

(کلا ان کتاب الابرار لعلی علیین وما امریک ما عایون کتاب مرفوم یشهم المقربون ان الابرار لعلی نسیم علی الاراک یظرون تعرف وجوههم نصره النعیم یسقون من رحیق مختوم ختامه مسک و فی ذلک قلیتناقی المتنافسون) در آیات سابق بیان نموده احوال کفار و منافقین را در این آیات بیان میکند حال مؤمن و نیکوکاران را بحقیقت نامه نیکوکاران در علین است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود علین فوق آسمان هفتم در زیر عرش پروردگار است در آنجا لوحی از زهرجد سبز میباشد که اعمال نیکوکاران بر آن نوشته شده است -

شرف الدین از حارث حمدانی روایت کرده گفت وارد شدم در خانه امیر المؤمنین علیه السلام دیدم آنحضرت در حال سجده است و چنان گریه میکند که هر انسانی متأثر و مغموم میشود از گریه حضرتش چون سر از سجده برداشت و فارغ شد عرض کردم ای مولای من بسیار متأثر شدم از گریه شما فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را مشاهده کردم بمن فرمود یا علی دوری و غیبت تو از من بطول انجامید بسیار مشتاق دیدار تو هستم بخداوند بوعده خود در باره تو وفا نمود عرض کردم ای رسول خدا در چه خصوص فرمود در درجات تو و همسرت فاطمه و فرزندان حسن و حسین بالاترین مقام بهشت را برای شما مهیا و آماده فرموده گفتم فدایت کردم نسبت بشیعیان من چگونه رفتار میفرماید فرمود آنها هم در بهشت قصر هائی دارند معاذی تصور ما عرض کردم ای رسول خدا پاداش شیعیان در دنیا چیست ؟ فرمود امن و عافیت گفتم در وقت مرگ حال آنها چگونه میباشد فرمود رفتار میکنند با ایشان بمقدار دوستی و محبت آنها نسبت بشما اهل بیت کسانی که ما را بیحد و بی اندازه دوست میدارند مرقن ایشان مانند شخص عطشانی است که شربت سرد خوشگوار بنوشد و دیگران مانند کسانی هستند که در رخت خواب خود به خواب میروند کتاب نیکوکاران بقدرت حق نوشته شده و فرشتگان مغرب پروردگار بر آن گواهی دهند و نیکوکاران بر تختهای عزت تکیه کرده و نعمتهای خدا را بشمارند و در رخسارشان نشاط و شادمانی و تازگی نعمتهای بهشتی پدیدار است سابقان بهشت بآنها شراب ناب سرد معطر بنوشانند که بمشک مهر کرده اند و دست کسی بآن نرود تا بماحبش بدهند و خرمندان باید برای این نعمت و شادمانی همیشگی رقیبت کنند و بمیل و اراده بکوشند تا برای نعمت فانی دنیا (یعنی بواسطه عمل خیر و طاعت باید مردم بزرگدیگر سبقت کنند) ترکیب طبع آن شراب از عالم بالا است، چه آن بهترین و بالاترین آشامیدنی های اهل بهشت است از این نعمت آنرا نسیم نامیدند و آمیختگی آن شراب از چشمه ای که مفرسان خدا از آن بنوشند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس ترك کند نوشیدن شراب را برای خاطر

خداوند پروردگار بنوشاند باو شراب مختوم و سیراب گرداند اورا۔ عہد بن عباس از ابی حمزہ روایت کردہ کہ از حضرت باقر علیہ السلام سوال نمودم مقربون چه اشخاصی هستند فرمود رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم و امیر المؤمنین علیہ السلام و حضرت فاطمہ و حسنین علیہم السلام و ائمہ معصومین میباشند ای ابی حمزہ بدانکہ خداوند ما را از اعلیٰ علین آفریدہ و دلہای شیعیان ما را از فاضل طینت ما خلق نمودہ و بدنہایت را از چیزہای دیگر آفرید، از اینجہ دلہای آنها بطرف ما میل میکند چہ از جنس ما باشد، ما آل عہد از مقربین هستیم و سابقون همان مقربینند و ذریہ ما ائمہ ہما ملحق میشوند چنانکہ خداوند میفرماید۔ الحفنا بہم ذریہم۔ مقربین از شراب تسنیم خالص میشوند ولی از برای شہوان و مؤمنین تسنیم و غیر تسنیم را مخلوط و آمیختہ کنند و آنها از آمیختگی تسنیم مینوشند نہ از خالص آن

(ان الذین اجرموا کانوا من الذین آمنوا یضحکون و اقاموا بہم یتفامزون و اذا انقلبوا الی اہلہم انقلبوا فکہین و اذا رآوہم قالوا ان هؤلاء لضاہلون) مجرمین و بدکاران چون اہل ایمان را بہ بینند برایشان میخندند و مسخرہ میکنند و چون گذر کنند بچشم طعن و استہزاء بمؤمنین ہنگرند و چون باز گردند بسوی اہل خود با شوخی و مزاح و شادی و بازی ہنکوہش مومنین پرمایند و زمانیکہ مؤمنین را بہ بینند گویند اینان بحقیقت مردم گمراہی هستند و حال آنکہ ما بدکاران را موکل و نگہبان مؤمنین نگہبانیدیم۔

عہد بن عباس ذیل آیہ فوق از ابن عباس روایت کردہ چون امیر المؤمنین علیہ السلام از نزدیک منافقین میگذشت حضرتش را سخریہ و استہزاء مینمودند و میگفتند این آنکسی است کہ عہد علیہ السلام از میان اہل بیت خود او را ہولایت و امامت بر گزیدہ و اختیار کردہ روز قیامت دری میان دوزخ و بہشت باز میشود، منافقین مشاہدہ میکنند کہ امیر المؤمنین علیہ السلام در بہشت بر سریری تکیہ نمودہ بآنها میگوید بجانب من آئید چون میخواہند بطرف حضرتش بروند آن در بستہ شود۔ باین طریق آنحضرت ایشان را استہزاء میکند

(فالیوم الذین آمنوا من الکفار یضحکون علی الاراکل ینظرون ہزئوہ)

الکفار ما کانوا یفعلون) پس امروز که روز جزا است اهل ایمان هم بکفار میبخشند و استهزاء میکنند و بر تختهای عزت تکیه کرده و دوزخیان را مشاهده میکنند آیا کیفری که در دوزخ بکافران میدهند جز نتیجه کردار زشت آنها که در دنیا بجا آوردند چیز دیگری هست ؟

عنه بن عباس از ابی حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود روز قیامت تختی بر کنار جهنم گذارند امیر المؤمنین علیه السلام بر روی آن نشیند چون نظرش به دوزخ افتد تبسم می نمایند و وقتی تبسم نمود جهنم زیر و زبر میشود پائین آن بالا آید و بالای آن پائین رود. منافقین بیرون آیند مقابل آن حضرت بایستند گوید ای امیر المؤمنین علیه السلام ایوصی رسول خدا بر ما ترحم کن و از برای ما نزد پروردگار شفاعت نما آن حضرت بر آنها میخندد و ایشان را استهزاء میکند و از آنجا بلند میشود. آنگاه منافقین را بر میگردداند به جهنم در آن مکانیکه جاداده بودند. این حدیث را جمعی از مخالفین از ابن عباس روایت کرده اند که یکی از آنها حاکم ابو اسحاق حسکانی است. در کتاب شواهد تنزیل و قواعد تفسیر.

پایان سوره مطفین

سورة انشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُفَّتْ (۲) وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)
وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُفَّتْ (۵) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ
إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقِيهِ (۶) فَأَمَّا مَنْ أُوْنِيَ كِتَابَهُ يَمِينِهِ
(۷) فَسَوْفَ يُعْطَىٰ حِسَابًا سَعِيًّا (۸) وَيُنْقَلَبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مُسْرُورًا (۹)

سورة انشقاق در مکه نازل شده و بیست و پنج آیه و صد و نه کلمه و چهار صد و سی حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده هر کس سوره انشقاق را قرائت کند در نمازهای واجب یا مستحب مانع نشود او را هیچ حجابی از جانب خداوند و پیوسته نظر مرحمت پروردگار بر او باشد تا از حساب فارغ شود - و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرموده هر کس این سوره را قرائت کند نامه اعمالش را از پشت سر بساو نهند ، و اگر این سوره را بنویسند و بر بانوی حامله به بندند که زائیدن بر او سخت و دشوار است بزودی و آسانی وضع حمل نماید و فارغ گردد و باید پس از وضع حمل ازاو باز کنند و الا تمام اعضاء او خارج شود و اگر بر دیوار خانه بنویسد آن خانه اش ایمن باشد از جمیع جانوران .

سورة انشقاق مشتمل است بر بیان علائم قیامت و آثار آن و توبیخ و تهدید کفار قوله تعالی (إذا السماء انشقت و اذنت لربها و حفت و اذا الارض مدت و االقت ما فيها و تخلت و اذنت لربها و حفت یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملّاقیه) هنگامیکه آسمان شکافته شود و فرمان پروردگار خود که سزاوار است گوش دهند و بشنوند و زمانه که زمین کشیده شود و پست و بلندیهایی آن هموار

ترجمه سوره انشقاق

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامیکه آسمان شکافته شود (۱) و بشنود و اطاعت کند فرمان پروردگار خود را و سزاوار است که فرمان او پذیرد (۲) و زمانی که پست و بلندپای زمین هموار شود (۳) و هر چه در درون دارد بیرون افکند و خالی شود (۴) و فرمان خدا گوش دهد و سزاوار است که فرمان بردار باشد (۵) ای انسان تو کار کن در راه طاعت حق و کوشش نما تا حضور پروردگار برسی پس نائل بملاقات او شوی (۶) پس هر که نامه اعمال او بدست راستش برسد (۷) پس حساب کرده شود زود حساب آسان (۸) و باز گردد او بسوی اهلی خوشحال و شامان (۹)

گرفته و هر چه در درون دانه از مردگان و گنجها و معادن همه را بیرون افکند و خالی شود. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود چون علامت قیامت ظاهر شود زمین پاره های جگر خود را بیرون اندازد یعنی دینه و گنجها و معادن را بیرون افکند مانند ستونهای زمین در آنوقت قاتل میگوید برای این ثروت و امثال آن جنایت کرده و مرتکب قتل شدم دزد گوید بعاطر اینها دست مرا بزدند پس از آن بیرونند و رها کنند آنها را و فرمان خدا گوش دهند و سزاوار است که فرمان بردار باشند.

ای انسان تو با هر رنج و مشقتی در راه اطاعت و عبادت پروردگار کوشش کن عاقبت حضور خدای خوه میروی و نائل بملاقات او میشوی یعنی هر عمل خیر و شری که پیش فرستاده اید ملاقات کنید او را ، پس از آن بیان میکند احوال خلق را در روز قیامت بقولش (فاما من اوتی کتابه ییمینه فسوف یحاسب حسابا یسیرا و ینقلب الی اهلہ سرورا) هر کس روز قیامت نامه اعمالش را بدستدار است او دهند حسابش بسیار سهل و آسان باشد و بسوی اهل و خویشان خود در بهشت خوشحال و شامان رود - این بابویه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود حساب هر کس را که کشند او را عذاب کنند مرض کردند ای رسول خدا

وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَأَاهُ ظَهْرَهُ (۱۰) فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا (۱۱) وَيَصْلَى سَعِيرًا (۱۲) إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مُسْرِورًا (۱۳) إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴) عَلَىٰ إِذْنِ رَبِّهِ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵) فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّقِيقِ (۱۶) وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷) وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸) لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ (۱۹) فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰) وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ (۲۲) وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳) فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

پروردگار میفرماید نامه اعمال هر که را بدست راستش دهند حسابش آسان باشد فرمود مقصود از آن عرض حساب است ولی با هر که بد حساب مناقشه کنند او را عذاب خواهند کرد.

محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مصداق آیه فوق امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان آنحضرت میباشند که نامه اعمال آنها را بدست راست ایشان دهند.

و نیز آنحضرت فرمود روزی جبرئیل نازل شد دست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفت بجانب قبرستان برد صاحب قبری را صدا کرد مرد سفید روئی از قبر بیرون آمد و خاک از سر و صورت خود پاک مینمود و میگفت الحمد لله و الله اکبر جبرئیل باو گفت بر گرد بجایگاه خود باز گشت سر قبر دیگری رفت صاحب او را صدا زد مرد سیاه رو و قبیح منظری از قبر خارج شد میگفت و احسرتا و اثبورا جبرئیل باو گفت بر گرد بمکان خود باز گشت آنگاه جبرئیل به پیغمبر گفت ای محمد صلی الله علیه و آله باین کیفیت خلائق روز قیامت محسوس میشوند مؤمنین میگویند الحمد لله همانطوریکه مرد اول گفت کفار و منافقین میگویند و احسرتا چنانچه آنمرد سیاه میگفت

واما کسیکه نامه اعمال او را بدست چپ و از پشت سرش بدهند (۱۰) او بر هلاک خود فریاد و حسرت بسیار کند (۱۱) و بآتش سوزان دوزخ مدافقت (۱۲) و آن شخص در دنیا میان اهلیش مفروز و خوشحال بود (۱۳) و گمان میکرد که هرگز بسوی خدا باز نخواهد گشت (۱۴) بلی پروردگار او باحوال و اعمالش بینا است (۱۵) نه چنین است سو کند برخی بعد از غروب آفتاب (۱۶) و قسم بشب و آنچه در آن پوشیده شود (۱۷) و سو کنند بماء تابان هنگامیکه تمام فروزان شود (۱۸) همانا شما احوال گوناگون و حوادث رنگارنگ خواهید یافت (۱۹) پس برای چه آنها بخدا ایمان نمی آورند (۲۰) و هرگاه آیات قرآن بر آنها تلاوت شود سجده نمی کنند (۲۱) بلکه آن مردم کافر تکذیب خدا و قرآن میکنند (۲۲) و خدا بآنچه در دل پنهان دارند داناتر است (۲۳) ای پیغمبر آنها را بعد از دوزخ بشارت بده (۲۴) مگر کسانی که ایمان آوردند و عمل نیکو بجا می آورند برای آنان اجر و پاداش بی منت و غیر مقطوع خواهد بود (۲۵)

پایان ترجمه سوره انشقاق

(و اما من اوتی کتابه وراء ظهره فسوف یدعوا ثبورا ویصلی سعیرا انه کان فی اهلہ مسرورا انه ظن ان لن یحور بلی ان ربه کان به بصیرا) اما آنکس که نامه اعمالش را از پشت سر دهند بزودی بر هلاک خود فریاد حسرت بخواند و بآتش سوزان دوزخ مدافقت و در دنیا میان اهل خود خوشحال و شادان بود و گمان میکرد که بسوی خدا باز نخواهد گشت نه چنان است که او گمان کرده او به نزد ما آید و بحساب او رسیدگی شود خدا باحوال و اعمال او کاملاً آگاه است

محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود چون خدایتعالی اراده میفرماید که بحساب مؤمن رسیدگی کند نامه اعمال او را بدست راستش میدهد و باو میفرماید ای بنده من تو این اعمال را بجا آورده ای عرض میکند بلی ای پروردگار باو میفرماید آمرزیدم آنها را و عیدل کردم آن سیئات را بحسنات مردم میگویند سبحان الله آیا این شخص يك سیئه هم بجا نیاورده بود این است معنی آیه و اما من اوتی کتابه بیمنه فسوف یحاسب حساباً یسیرا و یقلب الی اهلہ مسرورا شخصی

حضورش عرض کرد کدام اهل را خداوند اراده نموده فرموده اهل او در آخرت همان است که در دنیا بودند

(فَلَا اقْصَمَ بِالْإِنْفِلاقِ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ لِتَرْكَبُنَ طَبَقًا مِنْ طَبَقِ)
چنین نیستی که کفار گمان کرده اند قسم بسرخی شفق مراد آنسرخی است که چون آفتاب فرو رود بر جای آن باقی میماند و قسم بشب و آنچه در او جمع میشود از حیوانات که در روز پراکنده و منتشر هستند در روی زمین و قسم بماء تابان هنگامیکه فروزان شود که شما احوال گوناگون و حوادث رنگارنگ خواهید یافت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود طریقه ای را که پیشینیان شما مرتکب شدند از معصیت و نافرمانی بعینه آنرا می بینائید بدون کم و زیاد حتی اگر سابقین داخل در سوراخ جانوران میشدند شما هم میشوید اصحاب حضورش عرض کردند ایرسول خدا پیشینیان چه کسانی هستند فرمود یهود و نصاری -

در کافی ذیل آیه فوق از زراره روایت کرده که حضرت باقر علیه السلام بمن فرموده ای زراره آیا این امت بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اعمال ناشایسته ای مرتکب نشدند و اختیار نکردند مذهب و آئینی بعد از دین و مذهب حقه اسلام

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود برای قائم ما غیبت طولانی خواهد بود اصحاب حضورش عرض کردند بچه سبب غیبت آن بزرگوار طولانی خواهد شد فرمود باید اعمال و طریقه زشتیکه اتمهای گذشته در غیاب پیغمبر ایشان مرتکب شدند این امت هم در غیبت حضرت قائم علیه السلام ما فردا فرد انجام دهند و آیه را تلاوت نمود -

طبرسی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود همان مکر و حيله ای که امتان گذشته نمودند نسبت بخلفا و اوصیاء پیغمبرانشان بعینه این امت نسبت بمن و فرزندانم مرتکب خواهند شد.

(فَمَالِهِمْ لَا يُؤْمِنُونَ إِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِكَذِبُونَ
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ فَبِعِزَّتِهِمْ بِمِثَابِ الْحَيْمِ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ
غَيْرُ مَمْنُونٍ) چه شده که کافران بعد از ایمان نمی آورند و چون قرآن بر ایشان

میخوانند سجده نمیکنند بلکه آنمردم کافر قرآن را تکذیب میکنند و آنچه در
 دل پنهان میدارند فاشتر است خداوند بآن از خود ایشان ای رسول ما آنها را
 بعذاب دردناک دوزخ بشارت بده جز کسانی که بعدا و رسول ایمان آورده و عمل
 نیک بجا میآورند برای ایشان اجر و پاداشی بی نهایت در بهشت همیشگی خواهد
 بود - این شهر آشوب ذیل آیه فعالهم لایومنون از ابن عباس روایت کرده که پیغمبر
 اکرم ﷺ فرمود شبیکه مرا بمراج بردند و بمقام قاب قوسین او ادنی رسیدم
 پروردگار بمن فرمود ای محمد ﷺ سلام مرا بعلی برسان و بلاو بگو من تو را دوست
 میدارم و دوستان را نیز دوست میدارم و بخاطر دوستی تو اسمی از اسماء خود را
 مشتق کرده و تو را بآن اسم نامیدم چه من علی المظیم هستم و تو را علی نامیدم
 ای محمد ﷺ و هر کس چهار مرتبه ذکر علی المظیم را بگوید روز قیامت برای
 او نزد من حسنه ای از حسنات علی بن ابیطالب میباشد این عباس میگوید
 پیغمبر اکرم ﷺ فرمود منافقین تصدیق نمیکنند فضایل علی علیه السلام را و ایمان به حضرتش
 نخواهند آورد .

پایان سوره انشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱) وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲) وَشَهِيدٍ (۳) وَمَشْهُودٍ (۴)
 قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۵) الْأَنْفَارِ ذَاتِ الْقَوْفُودِ (۶) إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُودٌ (۷)
 وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۸) وَمَا تَقْوُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ
 يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْمَظْهَرِ الْعَبِيدِ (۹) الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۰)

سوره بروج در مکه نازل شده و بیست و دو آیه و صد و نه کلمه و چهارصد و پنجاه و هشت حرف است خواندن و ثواب تلاوت آن این بارویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره بروج را قرائت کند در نمازهای واجب محضر موقف اربا پیغمبران و رسولان است چه این سوره تعلق دارد به پیغمبران و در خواست قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند بتعداد کسانی که در نماز جمعه و عرفه اجتماع میکنند برای او اجر و ثواب خواهد بود و نجات میدهد این سوره قاری خود را از سختیها و شداید و اگر این سوره را بنویسد و همراه طفل کند که میخواستند او را از شیر باز دارند یا سانی از خوردن شیر منصرف گردد سوره بروج مشتمل است بر بیان حال مؤمنین از اصحاب اخدود و تکذیب کنندگان پیغمبران قوله تعالی .

(وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ و الیوم الموعود و شاهد و مشهود) قسم بآسمان که صاحب برجها است و یروز قیامت که وعده داده شده و سوگند به پیغمبر خاتم که گواه عالم است و روز عید و عرفه و قیامت .

(قتل اصحاب الاخدود) این آیه جواب قسم است سوگند باینان که اصحاب

ترجمه سوره بروج

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو کند بآسمان صاحب برجهای (۱) و قسم بروز قیامت (۲) و قسم بمحمد و امت او (۳) گشته و هلاک شدند یاران اخدود (۴) همان کسانی که آتش سخت بجایان خلق بر افروختند (۵) و بیرحمانه بر کنار آن آتش نشستند (۶) و سوختن مؤمنانیکه بآتش افکندند مشاهده میکردند (۷) و بآن مؤمنانیکه سوختند عداوتی نداشتند جز آنکه آنها بعدای مقتدر غالب و ستوده ایمان آورده بودند (۸) آن خدائیکه مالک آسمان و زمین است و بر هر چیز گواه است (۹)

اخدود گشته و نابود شدند .

در اختصاص از اصبح بن نباته روایت کرده که ابن عباس میگفت روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمن فرمود ای پسر عباس ذکر خداوند و ذکر من و علی و فرزندانش عبادت است بآن خدائیکه مرا بر سالت فرستاده است من بهترین مخلوقات و علی علیه السلام وصی من افضل اوصیاء میباشد علی خلیفه خدا و حجت او است در روی زمین برای بندگانش و همچنین فرزندان علی بعد از او خلیفه و حجت خدا هستند بواسطه آنها خداوند عذاب را از اهل زمین بر داشته و حبس نموده و بسبب ایشان آسمان را نگاه داشته از فرود آمدن بزمین و بخاطر آنها کوهها را حفظ نموده و باران رحمت خود را فرر میفرستد و نباتات را از زمین میرویانند ایشان اولیاء خدایتعالی می باشند پس از آن فرمود ای پسر عباس تو گمان میکنی خداوند بآسمان صاحب برجهای سو کند یا دهنمود، در سوره بروج، گفتم ای رسول خدا پس معنای آسمان در این آیه چیست و فرمود مراد بآسمان من و بروج ائمه معصومین هستند که اول آنها علی علیه السلام و آخر ایشان مهدی قائم علیه السلام است .

و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود شاهد غدیر علیه السلام است و مشهود قیامت آیا نمیشنوی قول خداوند را که میفرماید یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و در آیه دیگر فرمود وذلک یوم مشهود .

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ
وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
جَنَّاتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱) إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ
لَشَدِيدٌ (۱۲) إِنَّهُ هُوَ يُبْدِيهِ وَيُعِيدُهُ (۱۳) وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴)
ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵) قَالَ لِمَا يُبْدُ (۱۶) هَلْ أَنْتَ حَدِيثُ الْجُنُودِ
(۱۷) فِرْعَوْنُ وَثَمُودَ (۱۸) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹) وَاللَّهُ
مِنْ وَرَائِهِمْ مَحْجُوظٌ (۲۰) بَلْ هُوَ كَرِهُونَ أَنْ يُخْبِرَ (۲۱)

فِي لَوْحٍ مَحْضُوظٍ (۲۲)

و در معانی اخبار از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود شاهد روز جمعه
و مشهور روز عرفة و موعود روز قیامت است اما داستان اصحاب اخذود بدینقرار
است طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنین علیه السلام امر نمود
بشخصی که از اسقف بزدگ و پیشوای نصاری داستان اصحاب اخذود را سؤال نماید
آن شخص پرسش کرد اسقف نتوانست جواب بگوید حضرتش فرمود داستان ایشان
بدینقرار است خدایتعالی پیغمبر را بر طایفه حبشه مبعوث گردانید آنها پیغمبر
خود را تکذیب کرده و بقتل رسانیدند و اصحاب آن پیغمبر را اسیر کرده و بعضی
را کشتند، شکافهایی در زمین کردند و آتش در آنها افروختند و گفتند هر کس بر
دین ما میباشد کنار رود و آنکه بر دین پیغمبر است باید خود را در آتش افکند
آنگاه اصحاب پیغمبر را بر آتش افکندند زنی را آوردند که طفل یک ماه داشت
خواستند با طفلش یا آتش اندازند آن زن بر طفل خود رقت کرد آن طفل بزبان آمد
گفت ای مادر مرا با خودت بکنار در آتش افکنند سوگند بخدا این عذابها برای

آنهاييکه مردان و زنان مؤمنين را بفته انداخته و با آتش سوزان سوختند و توبه و بازگشت نکردند براي آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان آماده است (۱۰) کسانیکه بخدا ايمان آوردند و نیکوکار شدند براي آنها باغيهاييست در بهشت که زير درختانش نهرها جاريست اين ياداش رستگاري بزرگي است (۱۱) ايرسول ما بگو نمرود که مؤاخذ و انتقام خدا بسيار سخت است (۱۲) آن خداوند خلق را پيافرید و پس از مرگ باز زنده گرداند و عود میدهد (۱۳) و او بسيار آمرزنده و مهربانست (۱۴) و صاحب عرش بزرگ و عزت است (۱۵) و هرچه بخواهد در کمال قدرت و اختيار انجام میدهد (۱۶) ايرسول آيا احوال لشکرهاي کفار بر تو حکايت شده (۱۷) و داستان فرعون و قوم ثمود بتو رسیده (۱۸) بلکه آنهاييکه کافرنند بتکذيب تو مي پردازند (۱۹) و خدا بر احوال آنها احاطه دارد (۲۰) بلکه اين قرآن بزرگوار است (۲۱) در لوح محفوظ نگاشته و نگاهداشته شده است (۲۲)

پایان ترجمه سوره بروج

پايداري در دين حق و راه خدا بسيار ناچيز و اندک است او را با طفلش در آتش انداختند در حالتيکه طفل سخن ميگفت و اين حديث را در معاصر نيز روايت کرده است.

طبرسي در مجمع از پيامبر اکرم عليه السلام روايت کرده فرمود در پيشينيان پادشاهي بود ساحري داشت چون پير شديده پادشاه گفت مرگ من نزديک شده کودکي نزد من بياوريد تا باو سحر بياموزم جواني را نزد او بردند باو سحر آموخت ولي دل آن جوان بسحر ميل نموده براه طفل راهبي بود که مردم حضور او ميرفتند و از علم و دانش آن راهب بهره مند ميشدند آن جوان چند مرتبه نزه راهب رفت و از او سخناني شنيد ميل براهب و دين او نمود و هر روز نزدش ميرفت و حديثي چند از او ياد ميگرفت و در اثر آن رفتن نزد ساحر تاخير افتاد ساحر او را مي زد و اهلس نيز وي را مي زدند شكايت آنها را يراهب کرد راهب باو گفت چون نزد ساحر

میروی باو بگو مرا اهل نگاه داشتند از اینجهت حضور شما دیر آمدم و باهلت
 بگو مرا ساحر دیر مرخص کرد اتفاق افتاد آن ایام که جوان نزد ساحر و راهب
 رفت آمد میکرد مار بزرگی را مشاهده نمود که جلوی مردم را گرفته و سد معبر
 و راهرا مسدود نموده کسی جرئت عبود کردن نداشت جوان گفت امروز در کار
 ساحر و راهب امتحان و تجربه میکنم تا بدانم کدام يك از آنها بهتر و برحق میباشد
 آنگاه سنگی از زمین برداشت و گفت خدایا اگر دین راهب بر حق است و او نزد
 تو محبوب تر است من این مار را با این سنگ بقتل برسانم و چنانچه ساحر بر
 حق است مرا از کار او بیدار کن سنگ را انداخت و مار را بکشت مردم خوشحال
 شدند خبر براهب رسید بجوان گفت تو مبتلا شدی باید سبب کنی اگر سؤال کردند
 از تو این دینرا از که آموختی مبادا نام مرا ببری و کسی را راهنمایی کنی بطرف
 من کار آن جوان بجائی رسید که مستجاب الدعوه شد مردم از اطراف نزد او میآمدند
 دعا میکرد و میخواستند شفا میبخشید پادشاه ندیمی داشت نایبنا چون این
 خبر شنید گفت مرا ببرید نزد آن جوان او را ببرند بجوان گفت اگر دیدگان
 مرا بینا کنی مال بسیاری بشو خواهم داد جوان پاسخ داد من شفا نمیدهم کسی را
 بلکه خداوند شفا میبخشد اگر ایمان باو آوری از خدا در خواست کنم تا تو را
 شفا کرامت فرماید آنمرد ایمان بخدا آورد جوان هم دعا کرد بینا شد حضور پادشاه
 رفت ملك از او پرسید چشم ترا که بینا کرد گفت خدایتعالی پادشاه جواب داد مرا
 میگوئی گفت خیر پروردگار من و شما همانکسیکه همه ما را آفریده شفا عطا
 کرد پادشاه سؤال نمود از او مگر تو را خدائی هست جز من گفت آری او خدای
 تو و همه جهانیان است ندیم را زندانی کرد و دستور داد او را بزنند تا راهنمایی
 کند آنها را پسوی کسیکه او را خدا پرست کرده عاقبت در اثر اذیت و آزار گفت
 همان جوانیکه سحر میآموخت مرا بخدای یگانه دعوت کرد منهم دعوت او را
 پذیرفتم امر کرد جوان را حاضر کردند باو گفت ای جوان کار تو در سحر بجائی
 رسیده که چشم نایبنا باز و روشن میکنی جوان گفت من اینکار هرگز نتوانم کرد
 بلکه خداوند شفا میدهد میضاترا پادشاه باو گفته که تو را باین راه رهبری نموده؟

گفت چه کار داری آن جوان را بچندان عذاب کردند تا گفت مرا راهب راهنمایی کرده دستور داد راهب را حاضر کردند باو گفت بیا از این دین بر گرد گشت بر نمیکردم امر نموده او را بالارّه موّثیم کردند سپس بجوان گفت از این دین بر گرد جوان بر نکشت او را بدست جماعتی سپرد تا بالای کوه مرتفعی ببرند اگر از خدا پرستی دست برداشت او را از بالای کوه بزیّر اندازند و کوهرا بر سرش خراب کنند و چون جوان را بالای کوه بردند مستهرا بدعا بلند کرد و گفت خدایا کفایت کن مرا از شرّ ایشان و کبیر بده این جماعت را بهر طریق که صلاح میدانی آنها کوه بر گشت و تمام آن جماعت را هلاک نمود جوان سالم باز گشت خبر به پادشاه رسید او را خواست سؤال کرد رفیقانم چه شدند گفت خداوند آنها را بکبیر رسانید باز جوان را بجماعت دیگر سپرد تا او را ببرند و سوار کشتی کنند و در وسط دریا غرق نمایند چون او را بردند و خواستند غرق کنند دست بدعا برداشت و گفت پروردگارا اینها را بجزای اعمالشان برسان تا گناه کشتی اهلش را غرق کرده و جوان سالم باز گشت نزد پادشاه رفت باو گفت همراهانت چه شدند جواب داد همگی غرق شدند آنگاه گفت ای پادشاه تو نمیتوانی مرا بقتل برسانی پادشاه در کار جوان فروماند جوان باو گفت میخواهی پیاموزم ترا که چگونه عمل نمائی برای کشتن من یکروز مردم را عموماً جمع کن در صحرا و مرا بشاخه درختی بلند بپند و تیری در کمان بگذار و بگو باسم پروردگار این جوان این تیر را رها میکنم و جز نام خدای من چیزی بر من کارگر نباشد آن پادشاه چون تیر را رها کرد گفت باسم پروردگار این جوان تیر را رها نمودم تیر بروی جوان امایت کرده و جان داد مردم چون آن حالت را مشاهده کردند همه از دین پادشاه برگشتند و گفتند ما ایمان آوردیم بخدای این جوان پادشاه گفت از آنچه میترسیدم در آن اقدام پادشاه مردم را تهدید کرد آنها برگشتند دستور داد شکافهای مستطیلی کنند و آتش در آن افروختند و مردمان از آن ترسیدند کسی بر نکشت همه را گرفتند و در آتش افکندند و آخر بانویی را با کودکی آوردند که او برای طفل خود جیزع میکره آن طفل گفت ای مادر سیر کن که تو

در حقی و برای خاطر خدا، تورا میسوزانند و خود را در آتش افکند

و از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود طایفه‌ای از اخدود اهل کتاب بودند پادشاه ایشان شراب نوشید و مست شد با خواهر خود نزدیکی نمود و همبستر شد چون از مستی بهوش آمد پشیمان شد با خواهر خود گفت ما خلافتی کرده‌ایم تدبیر چیست خواهرش جواب داد مردم را جمع کن و بآنها بگو خدا نکاح خواهر را حلال کرده و چون مردم را جمع نمودند و سخن پادشاه را شنیدند گفتند ما هرگز قول تورا قبول نمیکنیم چه پیمبران عموماً خواهر را حرام کردند و در کتابهای آسمانی در حرام بودن خواهر آیاتی موجود است پادشاه با خواهر گفت مردم از من قبول نکردند خواهر جواب داد آنها را تازیانه بزنند تا قبول کنند ایشان را تازیانه زدند باز قبول نکردند خواهری گفت آنها را بشمشیر بزنند جمعی را بقتل رساندند قبول نکردند عاقبت دستور داد خندق بکنند و آتش در آن بر افروزند و همه مردم را در آتش افکندند دستور عمل کردند و تمام مردم را با آتش سوزانیدند -

و هیچ يك از روایات با دیگری مخالفت نموده زیرا السحاب اخدود متعدد بودند چه اخدود شکافهای مستطیلی است که سابق ایام پادشاهان جبار و شتمکاران در زمین می‌کنند بطول چهل ذراع و عرض دوازده ذراع و آتشی در آن می‌افروختند و مؤمنینی که در اثر احرای دین و احکام با آنها مخالفت و نایب‌داری میکردند در آن آتش می‌افکندید و میسوزانیدند تا دین خدا را از بین ببرند و قوانین کفر آمیز خود را میان مردم رواج دهند -

ابن مسیب میگوید در زمان ریاست عمر بن خطاب علیه ما یستحق جمعی مشغول حفاری بودند جسد جوانی را که دستهایش را بطرف صورت خود گذاشته بود یافتند هر چه دستهایش را میکشیدند باز بجای اول می‌گذاشت عمر گفت پنهان کنید او را چون آن مردم ستمکار آتش بر افروختند بر کنار آن خندقها نشستند تا سوختن مؤمنین که در آتش افکندند بودند مشاهده کنند و با آن مؤمنین عداوتی نداشتند جز آنکه ایشان بخدای معتقد بنموده صفات ایمان آورده بودند همان خدائی

که مالک آسمانها و زمین است و هر همه چیز گواه است و هیچ چیز از او پنهان نیست.

(ان الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنات ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق)
آنانکه مردان و زنان با ایمانرا با آتش فتنه سوختند و توبه و باز گشت نکردند
برای آنها عذاب جهنم و آتش سوزان مودع میا است

(ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات تجری من تحتها الانهار
ذلک الفوز الکبیر) کسانی که بخدا ایمان آورده و نیکو کار شدند برای آنها باغهایی
است در بهشت که زیر درختانش نهرها جاریست این پاداش سعادت و پیروزی بزرگی
است برای ایشان.

(ان بطش ربک لشدید انه هو یبدی و یمیدو هو الففور الودود ذو العرش المجید
فعال لما یرید) ایرسول ما بامت یگو مؤاخذ و انتقام خدا بسیار سخت است یعنی
هر گاه بگیرد خداوند جابراین و ستمکاران را بشدت و سختی عذاب کند ایشان
را آنقدرائی است که آفرید ابتداء خلق را در دنیا و پس از مرگ دوباره زنده کند
و هر سه محضر حاضر گرداند و او آمرزنده و دوستدار فرمانبرداران و مطیعان
است و صاحب عرش و با اقتدار و عزت است و هر چه بخواهد در کمال قدرت و اختیار
انجام میدهد پس از آن بیان میکند داستان جمعی از کافران را بقولش.

هل اتیک حدیث الجنود فرعون و ثمود بل الذین کفروا فی تکذیب و اضم
و راثهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ) ایرسول ما آمد تو را داستان
لشگرهای پیشینیان است که تکذیب کردند پیغمبران خدا را که از آنها است
فرعون و قوم ثمود تکذیب کردند موسی و صالح را آنگاه بیان میکند کفار هم عهد
رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بلی آنانکه کافر و بتکذیب تو و قرآن می پردازند بعد
از پس ایشان محیط است و بر تمام احوال و افعال آنها احاطه دارد و این آیات
برای تسلی خاطر مقدس پیغمبر صلی الله علیه و آله است و معنای آیه آنست ای محمد صلی الله علیه و آله ملول
و دلتنگ مباش مشاهده کن چگونه حضرت موسی و صالح پیغمبر را فرعونیان
و ثمودیان تکذیب کردند و چگونه آنها را هلاک نمودیم این کفار که تو و قرآن

را تکذیب میکنند البته ایشان را نیز مانند پیشینیان عذاب و هلاک خواهیم کرد و آنها از قبضه قدرت ما بیرون نتوانند رفت و گریزی بر ایشان نخواهد بود این کتاب که بر تو نازل کرده ایم قرآنی است شریف و بزرگوار که در لوحی نوشته شده و آن لوح را فرشتگان نگاه میدارند -

این عباس از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود لوح محفوظ لوحی است از در سفید طول آن بمقدار بعد زمین است با آسمان و عرضش از مشرق تا مغرب و کنارهای آن از یاقوت است و قلم آن از نور یکطرف آن بطرف راست عرض و طرف دیگر بر جبهه اسرافیل است هر گاه پروردگار وحی و تکلم میفرماید آن طرف زده میشود بر جبهه اسرافیل و او نگاه میکند بلوح و میرساند آن را به جبرئیل و جبرئیل به پیغمبران میرساند .

پایان سوره بروج



سورة طارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲) لَنَجْهُمُ النَّاقِبُ (۳)
 إِذْ تُكَلِّمُ نَفْسٍ كَتَمَ عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴) فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)
 خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷) إِنَّهُ
 عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸) يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۹) فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ
 (۱۰) وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱) وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲) إِنَّهُ
 لَقَوْلٌ فَصْلٌ (۱۳) وَمَا هُوَ إِلَّا نَزْلٌ (۱۴) لِيُكِيدُوا كَيْدَهُمْ (۱۵)
 وَ أَكِيدُ كَيْدَهُمْ (۱۶) فَمَنْ الْكَافِرِينَ أَتَمُّهُمْ رُؤُوداً (۱۷)

سوره طارق در مکه نازل شده و هفده آیه و شصت و یک کلمه و هشتاد و سه حرف است.

عَوَاس و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره طارق را تلاوت کند روز قیامت نزد خداوند با قرب و منزلت و از اهل بهشت است و در عَوَاس قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند بتعداد ستارگان حسنة برای او نوشته شود و اگر آنرا بنویسد و بشوید و شمع مجروح بدن خود را بآن آب شستشو کند چرک و ورم نمکند و اگر بر چیزی بخواند و آنرا بمریض دهند بخورد دوا و شفای دهد او بشود سوره طاق مشتمل است بر تهدید خلائق و بیان میکند قرآن حق را از باطل قوله تعالی .

و السماء و الطارق وما ادريك ما الطارق النجم الثاقب ان كل نفس لما

۸۶
۱/۴
۳

ترجمه سوره طارق

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو گند با آسمان و ستاره‌های پیدا شونده در شب (۱) و چه میدانی چیست طارق (۲) همان ستاره درخشان که نورش فرو رود (۳) نیست شخصی مگر آنکه برای او نگهبانی است (۴) باید آمدی نظر کنی که از چه چیز آفریده شده است (۵) از آب نطفه جهنده خلق شده (۶) که از میان رشت پدر و استخوان سینه مادران بیرون می‌آید (۷) همانا خداوند برزنده کردن و برگردانیدنش توانائی دارد (۸) روزیکه ظاهر شود نهانیها (۹) در آنروز قوتی و یاری بر نجات خود نیابد (۱۰) سو گند با آسمان فرو ریزنده باران (۱۱) و قسم بزمین شکافته و گیاه روینده (۱۲) همانا قرآن سخن جدا کننده حق و باطل است (۱۳) و هرگز سخن پیوادم و باز یچه نیست (۱۴) آندشمنان هر چه بتوانند کید و مکر کنند (۱۵) و ما هم در جزا و مقابل آنها مکر خواهیم کرد (۱۶) پس ای رسول ما اندکی مهلت ده و فرو گذار کافران را تا بسزای خود برسند (۱۷)

پایان سوره طارق

علیها حافظ) قسم با آسمان و ستارگان طارق و آن ستارگانی است که در شب پیدا شود سبب نزول آیه آن بود روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با عموی گرامش ابوطالب نهسته بودند ستاره آتش داری از آسمان افتاد ابوطالب ترسید عرش کرد اینفرزند این ستاره چیست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود آینه است از آیات خدایتعالی پس از آن جبرئیل نازل شد و اینسوره را فروه آورد .

و چه دانی تو طارق چیست پس از آن تفسیر کرد آنرا طارق همان ستاره درخشان است که نورش فرو رود .

ابن بابویه ذیل آیات فوق از ابان بن تغلب روایت کرده که حضور حضرت صادق علیه السلام بودم شخصی از اهل یمن وارد شد سلام کرده آنحضرت جواب او را داد و فرمود مرحبا ایسمد آنشخص عرشکرد جز ما مردم کس این اسم را نمیداند فرموده راست گفتی ایسمد مولی آنشخص گفت مولی لقب من میباشد فرمود خیری درلقب

نیست خداوند میفرماید قرآن ولاتنا بزوا بالاثاب بئس لاسم الفسوق بعد الايمان
آنگاه فرمود ایسمه در زمین بچه کاری مشغول هستی عرض کرد فدایت کردم من از
خانواده‌ای هستم منجم که نظر بستارگان می‌نمایم و کسی در این علم دانا تر از من
نیست در یمن فرمود ستاره زحل در نجوم نزه تو چیست عرض کرد نحس است
فرمود اینستخرا را نگو زحل ستاره امیرالمؤمنین علیه السلام میباشد و نجم ثاقب است که
خداوند میفرماید یعنی عرض کرد ثاقب یعنی چه فرمود محل طلوع آن در آسمان
هفتم است نورش سوراخ میکند آسمانها را و روشنایی میدهد از آسمان دنیا از اینجهت
آنها ثاقب نامیدند.

و از ضحاک بن مزاحم روایت کرده که مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال
کرد طارق چیست فرمود بهترین ستارگان است در آسمان و مردم آنها را نمیشناسند
طارق نامیده شد چه نور آن میشکافد آسمانها را و روشنایی میدهد زمین پس از آن
بر میگردد به مکان اولی خود.

هالی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از ابی بصیر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام
فرمود سماء در این آیه وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است و طارق فرشته روح
است که با ائمه میباشد و از جانب پروردگار شب و روز با آن بزرگواران حدیث
میگوید و ایشانرا حفظ و حراست مینماید و نجم ثاقب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است
(ان کل نفس لامعلیها حافظ) هیچ شخصی نیست مگر آنکه از طرف خداوند
بر او حافظ و نگهبانی هست عمل او را نگاه میدارد و می‌شمارد خیر باشد یا شر.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود بر هر انسانی صد و شصت فرشته موکل میباشد
که آفات را اذاو بر میگردانند و هفت فرشته از آنها مأمورند که شیاطین را از او باز
دارند اگر او را لحظه‌ای بخود فرو گذارند شیاطین او را بربایند.

(قلینظر الانسان مم خلق خلق من عله دافق یتخرج من بین الصلب والترائب
انه علی رجعه لقادر یوم تبلی السرائر فماله من قوه ولا ناصر) ای انسان مفرور در
ابتداء خلقت خود بنگر و بهین از چه آفریده شده‌ای از آب جهنده آفریده‌اند تو را
یعنی آب منی آبی که بیرون می‌آید از میان پشت پدر و سینه مادر و البته خداوند قادر

است بر پر گردانیدن آدمی پس از مرگ، آنروز که اسرار باطن انسان را آشکار کنند در آنروز که روز قیامت است هیچ یار و یاورى بر نجات خود نیابد (والسماوات الررجع والارض ذات المدع انه لقول فصل و ما هو بالهزل) سوگند باسمان که فرو ریزنده باران است و بحق نعین که شکافته میشود به نباتات و مرختان و نهرهای آب که قرآن بحقیقت کلام پرورده گار و جدا کننده حق است از باطل و هرگز سخن هزل و بیهوده نیست (انهم یکیدون کیدا و اکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم رویدا) دشمنان اسلام و مشرکین مکه هر چه میتوانند مکر و حیل میکنند ما هم در مقابل مکر ایشان مکر خواهیم کرد پس تو ای رسول مسا اندکی کافران را مهلت بده مسا نیز آنها را مهلت میدهم تا روز موعود. ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مناقبین و مشرکین کید و حیل کردند با رسول خدا و امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و حسنین علیهم السلام پس خداوند به پیغمبرش فرمود ای رسول ما حذبیم با آنها کید میکنم و مهلت میدهم ایشان را تا وقتی ظهور حضرت قائم علیه السلام و انتقام میکنم از ایشان بوجود مقدس آن بزرگوار از بنی امیه و تیمم و عدى و سایر ستمکاران و یاغیان و ظالمان اهل بیت علیهم السلام

پایان سوره طارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱) الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲) وَالَّذِي قَدَّرَ
 فَهَدَى (۳) وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (۴) فَجَعَلَهُ نَعْمًا أَحْوَى (۵) سَنُقَرِّبُكَ
 فَلَا تَنْسَى (۶) إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى (۷) وَنُيَسِّرُكَ
 لِلْيُسْرَى (۸) فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى (۹) سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْفَى (۱۰)

سورة اعلیٰ

سورة اعلیٰ در مکه نازل شده و نوزده آیه و هفتاد کلمه و دویست و هفتاد و یک حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
 فرمود هر کس سوره اعلیٰ را قرائت کند روز قیامت با او گویند و اهل بهشت شو
 از هر ددی که میخواهی . عیاشی از ابی حمیبه روایت کرده که عقب سر امیر -
 المؤمنین علیه السلام بیست شب تمام نماز بجا آوردم آنحضرت قرائت نکرده مگر سوره
 اعلیٰ را و فرمود اگر مردم ثواب قرائت آنرا میدانستند ترک نمیکردند آنرا و
 هر کس روزی بیست مرتبه این سوره را تلاوت نماید مانند کسی است که صحت
 ابراهیم و تورات موسی را تلاوت نموده و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
 روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند بمقدار هر حرفیکه نازل شده
 با ابراهیم و موسی و محمد صلی الله علیه و آله خداوند باو اجر و پاداش عطا فرماید و اگر بر
 گوش کسیکه درد میکند بخوانند دردش ساکت شود و اگر بر بواسیر خوانده
 شود قطع ماده او گردد و بزودی شفا یابد .

سوره اعلیٰ مشتمل است بر صفات علی و قدرت پروردگار و خسران کفار
 و منافقین و دستکار یافتن مؤمنین بسبب تزکیه نفس .

ترجمه سوره اعلیٰ

بنام خداوند بخشنده مهربان

نام پروردگار خود را که برتر از وصف است تنزیه کن (۱) آن خدائیکه آفریده مخلوقات را و بعد کمال خود رسانیده (۲) آن خدائیکه هرچیز را قند و اندازه‌ای داد و برای کمال رهبری نمود (۳) آن خدائیکه گیاه را از زمین برویانید (۴) و آنگاه خشک و سیاه گردانید (۵) و ما آیات قرآن را بزودی بر تو فراتر می‌کنیم پس فراموش مکن (۶) مگر آنچه خدا بخواهد همانا او بامور پنهان و آشکار دانا است (۷) ما تو را بر شریعت سهل و آسان موفق میداریم (۸) پس با آیات قرآن خلق را پندده و متذکر ساز اگر سودمند افتد (۹) بزودی پند می‌گیرد هر که خدا ترس باشد (۱۰)

قوله تعالیٰ (سبح اسم ربك الاعلیٰ الذی خلق فسوی والذی قدیر) والذی انخرج المرعى فجعله غثاء احوی سنقرئك فلا تنسى الا ماشاء الله انه یطام الجهر وما یخفی) بنام پروردگار خود که برتر از وصف و بالاتر از همه موجودات است تنزیه کن و به تسبیح و ستایش او مشغول باش آن خدائیکه خلق را آفرید و بعد کمال رسانید و آن خدائیکه هرچیز را قند و اندازه‌ای داد و برای کمال هدایت نمود آن خدائیکه گیاه را از زمین برویانید و آنگاه بعد از سبزی خشک و سیاه گردانید ما آیات قرآن را بر تو بخوانیم تا یاد گیری و فراموش نکنی مگر آنچه خدا خواهد که منسوخ کند آنرا و چون منسوخ شد از یاد تو و دیگران برود و خدایتعالی بامور آشکار و پنهان عالم دانا است

در تہذیب از عقبه بن عامر جہنی روایت کرده کہ آیه سبح اسم ربك الاعلیٰ چون نازل شد بر پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم امر فرمود بمردم آنرا در سجود نماز قرار بدهند و آیه فسبح باسم ربك العظیم را مستور دادہ کر رکوع قرار دهند و فرمود هیچ مؤمن و مؤمنہ‌ای نمیگوید این کلمہ را در سجود مگر تر از وی اعمال او گران گردد و خدایتعالی بفرماید راست گفت پندہ من " من یلتد تر از ہر چیز ہستم و

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (۱۱) الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى (۱۲) ثُمَّ لَا يَمُوتُ
فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۱۳) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۱۴) وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ
فَصَلَّى (۱۵) بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶) وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷)
إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸) صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)

برتر از من هیچ چیز نیست ای فرشتگان گواه باشید این بنده را آمرزیدم و بهشت
پا و کرامت کردم .

در مسائل الدرجات ذیل آیه منقرئ کثلا تنسی از سعد بن طریف خفاف روایت
کرده که حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم چه می فرمایید در حق کسی که علم
و دانشی از شما آئمه تحصیل و یاد گرفته پس از آن فراموش نموده فرمود نیست
«جنتی براو حجت بر کسی است که بشنود احادیث ما را پس از آن انکار کند آنرا
و ایمان بآن نیاورد چنین شخصی کافر است اما در فراموشی تکلیفی براو نیست .
(و یسرک للیسری فذكر ان نفع الذكری سید کر من یحیی و یتجنبها
الاشقی الذی یصلی النار الکبری ثم لا یموت فیها ولا یحیی) ای پیغمبر ما ترا بر
شریعت سهل و آسان توفیق میدهم تو هم امت را یاد و پند ده تا سودمند شوند و
هر که خدا ترس باشد بزودی متذکر میشود و پند میگیرد و آنکه شقی تر است
از پند و موعظه خدائی دوری بجوید و مدوغ پندارد سخن خدا و رسولش را و از
آن برگردد و عاقبت بآتش سخت دوزخ در افتد و در آن دوزخ نه همیره تا راحت
شود و نه از زندگانی خود برخوردار و بهر معنی گردد .

(قد افلح من تزکى و ذکر اسم ربه فصلى بل تؤثرون الحیوة الدنیا و الآخرة
خیر و ابقی ان هذا لفي الصحف الاولی صنف ابراهیم و موسی) استگاری یافت آنکسی که
تزکیه نفس کرد و زکوة فطره داد و نام خدا برد و به نماز و طاعت پرداخت .
در تهذیب ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده از تمام

و آنکه شفی است و بدیعت از پند دوری بجوید (۱۱) آنکس عاقبت بآتش سخت دوزخ درافتد (۱۲) و حد آن دوزخ نه بمیرد و نه زنده میشود (۱۳) بحقیقت رستگار شد آن کسیکه پاک شد (۱۴) و یاد کرد نام پروردگار خود را پس بنماز پرداخت (۱۵) آن کفیل زنده گانی دنیا را بر آخرت برگزیداند (۱۶) و آخرت بهتر و پاینده تر است (۱۷) این گفتار در کتب پیغمبران پیشین بیان شده است (۱۸) بنصوص در صحف ابراهیم و تورات موسی (۱۹)

پایان ترجمه سوره اعلیٰ

بودن نماز ادا کردن زکوة است مانند فرستادن صلوات بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که او نیز از اتمام نماز است و هر کس روزه بگیرد و زکوة فطره نهد روزه ای برای او نیست اگر عمداً صلوات را ترک کند نمازی برای او نخواهد بود خداوند ابتدا فرموده بزکوة پیش از ذکر نماز و فرمود قدا فلیح من ترکی . در کافی ذیل آیه (و ذکر اسم ربه فصلی) از عبد الله بن عوف روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم معنای آیه را فرمود یعنی هر وقت یاد نمودی اسم پروردگار را پس از آن صلوات بفرستید بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او، آنگاه ملامت کن آنها که دنیا را بر آخرت برگزیداند . در کافی ذیل آیه (بل تؤثرون الحیوة الدنیا) از مفصل بن عمر روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام پرسش کردم معنای آیه را فرمود مقصود از حیات دنیا ولایت اولی وومی و سومی و مرا از آخرت ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است و ولایت آنحضرت مد تمام صحف پیغمبران نوشته شده است و خداوند مبعوث ننمود هیچ پیغمبری را مگر آنکه عهد و پیمان گرفت از آنها به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام و اوصیاء از فرزندان آنحضرت . و از اصبح بن نباته روایت کرده که از امیر المؤمنین علیه السلام سؤال نمودم تفسیر آیه را فرمود دو هزار سال پیش از آفرینش آسمان و زمین، بر فائمه عرش نوشته شده لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً عبده و رسوله و ان علیاً وصی محمد صلی الله علیه و آله فاشهدوا بهما، و فرمود خداوند تا روز قیامت میداند آنچه را مردم در دل خود پنهان میدارند و از جمله چیزهایی که در صحف ابراهیم نوشته شده است این است باید

شخص مائل زبان خود را نگاه بدارد و روزگار خود را بشناسد و بکار خود مشغول باشد.

ای ذغفاری گفت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال نمودم تعداد پیغمبران چند است فرمود یکصد بیست چهار هزار و بعد از آن سؤال کردم پیغمبران مرسل چند نفر بودند؟ فرمود سیصد و شصت نفر و باقی غیر مرسل بودند هرمن کردم آدم پیغمبر بود فرمود بلی خداوند او را بخودی خود آفرید و با لوسخن کفحه پس از آن فرمود ای اباذر چهار پیغمبر عرب بودند هود و صالح و شعیب و من که پیغمبر شما هستم. گفتم خداوند چند کتاب فرستاد فرمود یکصد و چهار کتاب ده کتاب بآدم فرستاد و پنججاه کتاب بشیث و سی کتاب با خنوخ و او ادیس است و اول پیغمبری بود که بقلم چیز نوشت و ده کتاب با ابراهیم عطا نمود و تورات را بموسی و انجیل را به عیسی و زبور را بدادود عطا نمود و فرقان را بمن کرامت فرمود و تمام کتب را در ماه رمضان نازل نمود.

[[۹۲]]

پایان سوره اعلیٰ

سورة غاشية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲) عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (۳) تَصْلِيٌ فَا رَأْحَمِيَّةٌ (۴) تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (۵) لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (۶) لَا يَمْسُحُونَ وَلَا يُفْنِي مِنْ جُوعٍ (۷) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُنَعِمَةٌ (۸) لِسَفِيهَا رَاضِيَةٌ (۹) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)

سوره غاشیه در مکه نازل شده و بیست و شش آیه و هفتاد و دو کلمه و سیصد و هشتاد و یک حرف است. عوام و ثواب تلاوت آن این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده هر کس سوره غاشیه را تلاوت کند در نمازهای واجب و مستحب، خداوند در دنیا رحمت خود را با او بیوشاند و در آخرت ایمن دارد او را از عذاب دوزخ و در عوام قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند خداوند حسابی را آسان گرداند و اگر بخواند آنرا بر طفل که آرام ندارد ساکت شود و چنانچه بخواند آنرا بر کسی که دندان درد میکند ساکن شود و اگر بر چیز خوردنی قرائت کند و بخورد خداوند صحت و سلامتی را در آن چیز روزی او گرداند.

سوره غاشیه مشتمل است بر بیان احوال آخرت.

قوله تعالی (هل أتيتك حديث الغاشية وجوه يومئذ خاشعة عاملة ناصبة تصلي فورا راحة ميمية) تسقى من عين آنیة لیس لهم طعام الا من ضریع لا یفنی من جوع) ای رسول ما آیا خبر هولناک قیامت که همه چیز را با هول و هیبت باز میپوشد بر تو حکایت شده در آن روز رخسار طاقهای ترسناک و ذلیل باشد و همه کارشان رنج و مشقت است و پیوسته در آتش سوزان دوزخ مسخند و از چشمه آب گرم جهنم نوشند و نیست برای آنها طعامی مگر کثافات اهل دوزخ نه فربه کند آن طعام

ترجمه سوره غاشیه

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما آیا حدیث هولناک قیامت بر تو حکایت شده است (۱) در آنروز
 رخسار طایفه ای ترسناک است (۲) و همه کارشان رنج و مشقت است (۳) و پیوسته
 در آتش فروزان دوزخ معذبند (۴) و از چشمة آب گرم جهنم نوشند (۵) نیست
 برای آنها طعامی جز خار (۶) نغریه کند کسیرا و نه سیر گردانند (۷) طایفه دیگر در
 آن روز رخسارشان شاد و خندانند (۸) و از سعی و کوشش خود در عمل خوشنودند
 (۹) و در بهشت عالی مرتبه‌اند (۱۰)

کسی را و نه سیر کند *

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود: فرا گیرد
 این مردم را شمشیر حضرت قائم علیه السلام و طاقت ندارند که امتناع کنند از آن شمشیر،
 آنها عمل میکنند بغیر آنچه خداوند نازل نموده و منصوب میکنید غیر اولی الامر
 را بولایت و وصایت و فروختند آتش جنگ را مدنها و در آخرت آتش جهنم
 برای ایشان فروخته شود و فرمود مصداق حقیقی آیه ناصیهها و زیدیه و واقفیه و
 کسانی که مخالفت دین خدا را نمودند میباشد هر چند آنها کوشش در عبادت و نیاز
 و روزه کنند خداوند در اثر مخالفتهم اعمال ایشان را از بین ببرد و اگر شب و روز
 مشغول عبادت باشند بخاطر عداوت و دشمنی که با امیر المؤمنین علیه السلام دارند خداوند
 عبادات و اعمال آنها را قبول نفرماید و این حدیث را کشی از حضرت جواد علیه السلام
 روایت کرده *

(و جوه يومئذ ناعمة لاصحابها راضیه فی جنة عالیة لا تسمع فیها لاغیه فیها عن
 جاریة فیها سرر مرفوعة و اکواب موضوعة و نمارق مصفوفة و زراعی مبیثة) جمعی
 دیگر رخسارشان پشاش و خندانند و از سعی و کوشش خود در طاعت که در دنیا
 کرده اند خوشنودند و در بهشت مقام عالی یافته اند و در آنجا هیچ سخن زشت و
 بیپوده ای نشنوند در آن بهشت چشمةهای آب گوارا جاریست و سریرهایی بلند

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَافِيَةً (۱۱) فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲) فِيهَا سُرُورٌ مَرْفُوعَةٌ (۱۳)
وَأَكْرَابٌ مَوْضُوعَةٌ (۱۴) وَنَارِقٌ مَصْفُوعَةٌ (۱۵) وَذَرَابِي مَيْثُوعَةٌ (۱۶)
أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)
وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹) وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)
فَذَكِّرْ إِنَّا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱) لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲) إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ (۲۳) فَيَمُدُّهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)
إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)

پایه نهاده اند و بهترین مشروبات را در قدحهای بزرگ گذاشته اند و بر هر سریری مسند و بالشهای لطیف و مرتب افراشته اند و فرشهای گرانبها گسترده اند و چون پروردگار وصف نموه بهشت را و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود سریرهای بهشتی در نهایت بلندی است سر فرو آرند تا مؤمنین پای بر آن نهند مشرکین تعجب کردند و دروغ پنداشتند جبرئیل نازل شد و آیات ذیل آورد.

(افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت و الى السماء كيف رفعت و الى الجبال كيف نصبت و الى الارض كيف سطحت) فرمود آيا اين مردم در خلقت شتر نمينگرند كه چگونه آفريده شده و بلند قامت است ولي چون خواهند بر آن سوار شوند گردن فرود آورد و زانو خم كند و تمكين نمايد اين عباس ميگويد پيغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هر چيزي را كه خداوند در بهشت آفريده نمونه آن را در دنيا خلق فرموده مگر فرشهاي بهشتي را .

و اين مردم كافر در خلقت كاخ آسمان بلند فكر نميكنند كه چگونه آفريده شده و كوهها را نميپيچند كه چگونه بر زمين بر افراشته اند و بر زمين نظر نميكنند چه طور آنها گسترده اند آيا كسي قدرت و توانائي دارد كه اين قبيل مخلوقات را

و سخن لغو و بیهوده نشنوند (۱۱) در آن بهشت چشمه ها جاریست (۱۲) و در آن تنه های بلند مرتبه است (۱۳) و قدحها نهاده شده (۱۴) و بالشهای لطیف روی یکدیگر نهاده اند (۱۵) و فرشهای فاخر گسترده اند (۱۶) آیا بیشتر نمینگرند که چگونه آفریده شده است (۱۷) و در خلقت آسمان فکر نمیکنند که پدیدار و بلند است (۱۸) و کوهها را نمیبینند که چگونه بر زمین برافراشته شده است (۱۹) و بر زمین نظر نمیکنند چگونه پهن شده (۲۰) ای رسول ما تو پند ده که وظیفه تو جز این نیست (۲۱) و تو نگهبان بر آنها نیستی (۲۲) مگر هر کس روی گردانید و کافر شد (۲۳) خدا او را بعد از بزرگ معذب کند (۲۴) همانا باز گشت ایشان بسوی ما است (۲۵) آنگاه حساب و جزای اعمالشان بر ما خواهد بود (۲۶)

پایان ترجمه سوره غاشیه

بها فریاد پس چرا مشرکین از خلقت بهشت تعجب میکنند .
(فذكر انما انعمذکر لست علیهم بمسيطر الا من تولی و کفر فیعذبہ اللہ العذاب الاکبر ان الینا یا بیهم ثم ان علینا حسابهم) ای رسول ما تو این مردم قافل را متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست و نگهبان بر آنها نیستی جز آنکه هر کس پس از تذکر و پند روی از حق بر گرداند و کافر شود خداوند او را بعد از بزرگ در دوزخ معذب گرداند و البته باز گشت آنها بسوی ما است آنگاه حساب و جزای اعمالشان بر ما خواهد بود .

در کافی ذیل آیه (ثم ان علینا حسابهم) از جابر روایت کرده که حضرت باقر علیه السلام بمن فرمود ای جابر روز قیامت پروردگار خلائق اولین و آخرین را تماماً جمع میکند پیغمبر اکرم و امیر المؤمنین علیهما السلام را بخوانند و بر آن دو بزرگوار حلسبزی بپوشانند که روشنائی دهد میان مشرق و مغرب سپس ما ائمه را حاضر کنند و فصل حکومت میان خلائق و حساب آنها را بسوی ما واگذار کنند بخدا قسم ما داخل کنیم اهل بهشت را در بهشت و اهل دوزخ را بدوزخ پس از آن پیغمبران پیشینیان را بخوانند و نزد عرش پروردگار بایستند تا مردم قارع شوند از حساب وقتی اهل بهشت در منازل خود قرار گرفتند خداوند امیر المؤمنین علیه السلام را میفرستد تا مؤمنان

را بمؤمنین تزویج کند سو کند بعد از آن حضرت کسی این عمل را انجام ندهد و این موضوع از کرامت خداوند است که با آن حضرت عطا فرموده سو کند بعد از امیر المؤمنین علیه السلام قسمت کنند بهشت و دوزخ است .

و از سماعه روایت کرده که در خانه کعبه حضور حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ایستاده بود و مردم مشغول طواف بودند آن حضرت بمن فرمود ای سماعه باز گشت این خلائق بسوی ما است و ما بحساب آنها رسیدگی میکنیم و شفاعت مینمائیم از ایشان و خداوند شفاعت ما را پذیرفته و اجابت مینماید .

در تهذیب از موسی بن عبدالله نهمی روایت کرده حضور حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض کردم ای فرزند رسول خدا تعلیم نمائید مرا کلماتی هر وقت خواستم یکی از شما ائمه را زیارت کنم بتوانم آن حضرت زیارت جامعه را بمن تعلیم نمود و از جمله کلمات آن زیارت این بود قایاب العلق الیکم و حسابهم علیکم و فضل الخطاب عندکم ای بزرگوارانیکه بار گشت خلائق بسوی شما است و شما بحساب مردم رسیدگی مینمائید و فضل خصوصیت و حکومت در حضور شما ائمه انجام میشود

بسم الله الرحمن الرحیم

پایان سوره شاعیه

سورة فجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ (۱) وَ لَيَالٍ عَشْرٍ (۲) وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴)
 هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَبْرِ (۵) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶)
 إِرَمَ ذَاتِ الْمِمَارِ (۷) الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸) وَ ثَمُودَ
 الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹) وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَارِ (۱۰)

سوره فجر در مکه نازل شده و سی آیه و صد و سی و نه کلمه و پانصد و نه حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن : این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره فجر را قرائت کند در نمازهای واجب و مستحب روز قیامت از اصحاب حضرت امام حسین علیه السلام باشد زیرا این سوره بآن حضرت اختصاص دارد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند بتعداد قاری آن خداوند ثواب باو عطا کند و هر کس این سوره را بنویسد و در میان خود و اهلس گزاریه و با او نزدیکی کند خداوند فرزند مبارکی روزی او گرداند و اگر هنگام طلوع فجر این سوره را قرائت کند تا طلوع فجر دیگر از هر شری ایمن باشد

سوره فجر مشتمل است بر تنبیه و تذکر کفار و منافقین بعد ازیکه نازل نمود بر طایفه عاد و ثمود و فرعونیان در اثر کفر و تکذیب کردن پیغمبران و آنکه باز گشت خلائق بسوی خدا است و بیان احوال یحیی و حیات گفتار کفار در آخرت .

قوله تعالی (وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَبْرِ) قسم لذی حبر) قسم بصبحگاه و بده شب اول ذی حبه .

ترجمه سوره فجر

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بصبحگاه (۱) و بده شب (۲) و سوگند بجفت و فرد (۳) و بشب چون
بروز مبدل شود (۴) آیا این امور که قسم بآنها یاد شد نزد اهل خرد لیاقت سوگند
نیست (۵) آیا ندیدی پروردگار تو با عباد و قوم خود چه کرد (۶) و یا ارم که صاحب
قدرت و عظمت بودند چگونه رفتار نمود (۷) و حال آنکه مانند شهرهای آنها از
حیث بزرگی و زیبایی آفریده نشده بود (۸) و نیز با قوم ثمود آنانکه بریده بودند
سنگها را برای مسکن مأوی خود (۹) و با فرعونیان صاحبان میخ و قدرت (۱۰)

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود هیچ ایامی بهتر و محبوب تر از ایام عشر اول
ذیحجه نزد پروردگار نیست عبادت هر روزی از آن مطابق یکسال است حضورش
عرض کردند جوانی است که این ایام را روزه میگیرد امر فرمود او را حاضر کردند
سؤال نمود ای جوان چه شنیده ای در فضیلت این ایام که روزه میداری عرض کرد
ای رسول خدا چیزی شنیده ام جز آنکه خواستم من هم بعبادتت مانند حاجیان
مشغول باشم فرمود بشارت باد ترا که هر کس یکروز از این ایام را روزه بدارد مثل
آنست که صد روز روزه داشته است و اگر قربانی کند مانند آنست که صد قربانی
کرده و چون روز ترویه (روز هشتم) و روز عرفه روزه بدارد مثل آنست که
هزار روز روزه داشته و ثواب و پاداش عبادت مد این دوزخ هزار برابر باشد.

و قسم بجفت و فرد و سوگند بشب تا چون متغی شود و بروز روشن مبدل
گردد آیا در این امور که قسم بآنها یاد شد نزد اهل خرد لیاقت سوگند نیست
شرف الدین ذیل آیات فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود فجر
وجود مقدس حضرت قائم علیه السلام و لیال عشر فرزندان امام حسین علیه السلام و شمع امیر
المؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و تر پروردگار یکتا است ، و لیل دولت اولی
و دومی است که جاریست تا دولت قائم علیه السلام : محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام

الَّذِينَ ظَنُّوا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲) فَصَبَّ عَلَيْهِمْ
رَبُّكَ سَوَاطِعَ عَذَابٍ (۱۳) إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱۴) فَأَمَّا الْإِنْسَانُ
إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵) وَأَمَّا إِذَا
مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَّرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶) كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ
الْيَتِيمَ (۱۷) وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْيَسْكِينِ (۱۸) وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ
أَكَلًا لَّمًّا (۱۹) وَتُحِبُّونَ لِلْأُنْثَىٰ حُبًّا جَمًّا (۲۰)

روایت کرده فرموده شفیع پیغمبر اکرم ﷺ و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و وثر پروردگار
جهانیان است .

علی بن ابراهیم از آن حضرت روایت کرده فرموده شفیع حضرت امام حسن
و امام حسین علیهما السلام است و وثر وجود مقدس امیر المؤمنین علی بن ابی طالب مهیاشد .

(الم تر كيف فعل ربك بعاد ارم ذات العماد التي لم يخلق مثلها في البلاد) اير رسول
ما آيا نديدى كه خداى تو چه كرد بقوم عاد و اهل شهر ارم كه صاحب قدرت و
عظمت بودند چگونه بكيفر رسانيد آنها را .

داستان قوم عاد بدینقرار است: طبرسى از وهب بن منبه روایت کرده گفت در
عصر معویه بن ابی سفیان علیه اللعنة و العذاب عبدالله بن قلابه در صحراى عدن شتر
خود را گم كرد در طلب آن جستجو ميكرد رسيد بشهرى كه اطراف آن قلمه‌هاى
محكمى داشت نزديك رفت بگمان آنكه از اهل آن خبر شتر خود را بگيرد دو
در بزرگ ديد كه مرصع بجواهرات و باقوت سرخ و سفيد است متوحش شده قبت
در را گشود قصور و كاخهائى را مشاهده كره كه نظير آنرا نديده بود هريك از قصرها
از زر سرخ مرصع بانواع جواهرات ساخته شده بود عبدالله ميگويد مدهوش بماندم
در ميان آن قصرها مشك و زعفران ريخته شده بود و بجاي سنگ انواع جواهر از

آنها را بیکه در روی زمین و شهرها طغیان و سرکشی کردند (۱۱) پس بسیار فتنه و فساد کردند در شهرها (۱۲) تا آنکه پروردگار تو بر آنها تازیانه عذاب فرود آورد (۱۳) همانا پروردگار تو در کمینگاه مستمکران است (۱۴) اما آدمی را چون خداوند بخواهد آزمایش کند گرامی بنماید او را و از کرم خود نعمتی بآو عطا کند پس میگوید خدا مرا عزیز و گرامی داشت (۱۵) و چون باز برای آزمودن او را اندک روزی دهد و فقیر گرداند گوید خدا مرا بخوار گردانیده (۱۶) چنین نیست بلکه یتیم نوازی نمیکند (۱۷) و فقیر را بر سفره طعام تحریر و ترغیب نمیکند (۱۸) و میراث را بشمام میخورند و مراعات یتیمیان نمیکند (۱۹) و مال دنیا را بسیار دوست میدارند (۲۰)

در و یاقوت و زهرجد بکار رفته بود و نهرهای آب از طلا و نقره ساخته بودند و به جای ریگ مروارید و یاقوت در قعر آنها ریخته شده بود و هر چه گردش کردم کسی را ندیدم باخوه گفتم ظنم بر این شهر در دنیا نیست این همان بهشت معروف است که خداوند وعده فرموده مقداری از مشاک و عنبر و جواهرات که ریخته شده بود برداشتم و بیرون آمدم ماستان خود را به بعضی از مردم حکایت کردم و آن جواهرات را که همراه خود آورده بودم بایشان نشان دادم و بعضی را فروختم خبر بمعویه رسید مرا احضار کرد و در خلوت از من سؤال نمود چنانکه دیده بودم برای او شرح دادم باور نکرد شخصی را فرستاد کعب الاحبار را حاضر کرد از او پرسید ای کعب در دنیا شهری هست که از ذر و سیم و انواع جواهرات بر این هیئت ساخته شده باشد گفت بلی چنین شهری را شداد بن عاد بنا کرد و ذکر آنرا خداوند در قرآن بیان فرموده میفرماید ارم ذات العماد التي لم يخلق مثلها في البلاد معویه از کعب سؤال کرد مگر عاه اولی قوم هود نبودند گفت خیر قوم هود از فرزندان عاد اولی بود او دو پسر داشت یکی شدید و دیگری شداد چون عاد وفات کرد هر دو به جای پدر بر تخت پادشاهی نشستند شدید هم پس از چندی وفات کرد و شداد پادشاه روی زمین شد تمام پادشاهان جهان مطیع و فرمانبردار او بودند شداد حریص بود

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًا (۲۱) وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا
 (۲۲) وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى
 (۲۳) يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِعِبَادِيَ (۲۴) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا
 (۲۵) وَلَا يُؤْتِي وَفَاءَهُ أَحَدًا (۲۶) يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) اِرْجِي
 إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مُّرْضِيَةً (۲۸) فَأَدْخِلْنِي عِبَادِي (۲۹)
 وَأَدْخِلْنِي جَنَّتِي (۳۰)

پخواندن کتابها هر کجا نام بهشت و اوصاف آن بود شداه مسرور و خوشحال میشد تا آنکه آرزو کرد بهشتی دد دنیا بنا کند. یکصد مرد فهران تهیه نمود و در تحت فرمان هر فهرمانی هزار نفر استاد و کارگر قرار داد و با قسای جهان نامها نوشت و هبر داد من میخواهم شهری باین کیفیت بنا کنم هر کس هرچه طلا و جواهرات دارد بیاورد از اطراف و جوانب هرچه بود آوردند و در بهترین نقاط خوش آب و هوا شهری از طلا و نقره و انواع جواهرات در نهایت زیبایی ساختند و بستانهایی احداث کردند سیصد سال در بناء آن مشغول بودند در آن وقت از عمر شداه نهمصد سال میگذشت چون تمام شد روزی باتمام لشکر و اعیان مملکت حرکت کرد تا بآن بهشت برود و سکونت کند یکروز باقی ماند که بآنجا برسد خدایتعالی بصیحه آسمانی تمام آنها را هلاک نمود و کسی از ایشان بآنجا نرسید در این عصر مردی از مسلمانان که قدی کوتاه و موی سرخ و خالی برابرو و در گریه کردن دارد بطلب شترش در بیابان میرود و بآنجا میرسد. آنگاه متوجه عقب سر خودش عبد الله را میداند آنجا حاضر است گفت بخدا قسم همین شخص است .

(و نمود الذین جابوا الصخر بالواه) آیا ندیدی قوم ثمود را آنهاییکه سنگ را بریدند و کاخهایی برای خود از سنگ میساختند چگونه کیفر داد مورخین گفته اند

نه چنین است و روزی که از لرزه پی در پی زمین متلاطم شود (۲۱) و هر که پروردگار تو فرشتگان صف در صف بمحشر آیند (۲۲) و آنروز جهنم را بیاورند و آنروز آدمی گناه خود را بیاد آورد و آن یاد آوری بجمال او چه سودی بخشد (۲۳) و با حسرت میگوید ای کاش دزد دنیا برای زندگانی همیشگی امروز خود کار خیری پیش میفرستادم (۲۴) آنروز کسی را مانند آن عذاب نکند (۲۵) و کسی را مانند آن بند نکند (۲۶) در آن هنگام عذاب رسد بمؤمنین ای نفس مطمئن و دل آرام (۲۷) بسوی پروردگارت باز آی که تو خوشنود و او لذتوراضی و خوشنود می باشد (۲۸) باز آی و در صف بندگان خاص من در آی (۲۹) و در بهشت من داخل بشو (۳۰)

پایان ترجمه سوره فجر

اول کسیکه سنگ تراشید و از آن خانه ها و متاع ساختنم نمود بود .
(و فرعون ذی الاوتاد الذین ظفوا فی البلاد فاکثروا فیها الفساد فصب علیهم ربک سوط العذاب) و نیز فرعون صاحب قدرت و شوکت را چگونه فرق و هلاک نموده چه ایشان در روی زمین ظلم و طغیان کردند و بسیار فتنه و فساد برانگیختند تا آنکه خدای تو بر آنها عذابی پی در پی فرستاد .

ابن بابویه ذیل آیه فرعون ذی الاوتاد از حمران روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم برای چه فرعون ذی الاوتاد نامیدند فرمود چون میخواست کسی را عذاب نماید دستور میداد او را بصورت روی زمین بخوابانند و دست و پای او را میکشیدند و میخ میکردند و رها مینمودند تا هلاک گردد لذا خداوند او را ذی الاوتاد نامید .

طبرسی از ابن عباس و ابن مسعود روایت کرده گفتند زنی مؤمنه که ما شطه دختر فرعون بود روزی سر آن دختر را شانه میکرد شانه از دستش افتاد گفت کور باد آنکه بخدای کافر است دختر فرعون گفت مگر از برای تو خدائی جز پدرم هست ؟ گفت آری پروردگار خدای من و پدرت و خدای آسمان و زمین و آفریدگار

جهانيان است از همگی است و بی شریعت خود این موضوع را پندر خود
فرعون گفت امر کرده او را حاضر کنند پسر گفت از این اعتقاد و گفتار بر کرده و
کافر شو بآن خدایی که میگوئی و گرنه ترا عتابی کنم تا مردم از آن عبرت بگیرند
جواب داد من بخدای خود هرگز کافر نمیگم تو هر چه میخواهی انجام ده امر کرد
او را چهار میخ زدند باز نگفت کودکان او را آوردند و پلو گفتند اگر بر نگردی
این کودکان را در برابر بتل میرسانیم جواب داد هر چه میخواهید بکنید من از
خدای خود بر نمیگردم طفل شیرخوار را روی سینه مادرش سر بریدند و مادرش را
نیز کشتند آسیه عیال فرعون مؤمنه بود و ایمان خود را پنهان میداشت چون آن
حالی را دید فرعون را ملامت کرد و گفت زن بی گناه را که مدتها خدمت ما بینمود
بقتل رسانیدی ! فرعون گفت تو دیوانه شده ای آسیه جواب داد من دیوانه نیستم خدای
او و تمام جهانیان همان کسی است که آسمان و زمین و کوه و دریا ها را آفریده
است فرعون بر او خشم گرفت و از نزد خودش بیرون کرد و دستور داد پدر و مادر
آسیه را حاضر کردند بآنها گفت همان نوح میوانگی که زن ماشطه را گرفته بود
آسیه را نیز گرفته است پدر و مادر او را نسیم کردند و گفتند شوهر تو خدای
آسمان و زمین است پدر و مادر گفت اگر چنین است که شما میگوئید باو بگوئید
آفتاب از مقدم او و ماه از عقب او طلوع و سیر نمایند و ستارگان بر گرد او بچرخند
گفتند نمیتواند این کار را انجام دهد آفریدگار اینها قادر است آنها را برگردش
داد آورد و تمام آنها مسخر او هستند فرعون چون این سخنان را از آسیه شنید امر
کرد او را نیز مانند زن ماشطه بروی زمین بخواهاند و دست و پاهایش را چهار
سیخ بکوبند در آن حال آسیه متوجه پروردگار خود شد و گفت پروردگارا خانه ای
برای من در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردار زشت او نجات بده فرشتگان
جایگاهش را در بهشت پلو نشان دادند و عذاب بر او آسان شد و جان دادو برای این
نوع عذاب را که بدعت گذاشت نامیده شد فرعون ذی الاوتاد .

(ان ربك لبالمرصاد) این آیه جواب قسم است یعنی ای خداوند پروردگار

تو در کمینگاه ستمگران است میبیند و عیش نمود کردار و گفتار آنها را .

(فاما الانسان اذا ما ابتليه ربه فاکرمه و نعمة فيقول ربی اکرم من واما اذا ما ابتليه فقدر عليه رزقه فيقول ربی اهانت کلابل تکرمون الیتیم ولا تعاضون علی طعام المسکین و تأکلون التراب اکلا لما و تحبون المال حبا جما) داین آیات بیان میکند احوال بشر را . میفرماید اما انسان چون خدایتعالی او را آزمایش و امتحان کند بنعمتی و تندوست گرداند و مال و ثروت و انواع نعمتهای دیگر را عطا کند در آن حال مغرور شود بآن ناز و نعمت و گوید خدا مرا عزیز و گرامی داشته است و گمان کند که این حق و نعمت بر خدا واجب بوده که باو عطا فرموده و چون او را بفقر و بیماری امتحان کند مغموم شود و گوید خدا مرا خوار گردانید پس انسان نه شکر نعمت کند و نه در محنت و ابتلا برد بار و صابر باشد . چنین نیست که او گمان کرده ثروت و توانگری بهاطر عزت و اکرام او نیست و فقر و احتیاج او برای خواری و اهانت باو نیست بلکه برای صلاح و مصلحتی است که پروردگار او را میداند و گاهی فقر و پریشانی برای آنست که یشم نوازی نمیکند و پینوائی را بهین و رغبت بر سفره طعام خود نمی نشانند و میراث را بنام میخورند و مراعات صغیر و سایر ورثه را نمی نمایند و سخت فریفته ماله دنیا هستند و آن را ذخیره میکنند و در راه خدا انفاق نمیکند .

(کلا اذا هکت الارض دکا دکا و جاء ربک و الملك صفا صفا و جی یومئذ یجهم یومئذ یتذکر الانسان وانی له الذکری) چنین نیست که دنیا طلبان گمان کرده اند چون زمین از اثر زلزله پی در پی بکلی متلاشی شود ، در آن هنگام امر کند پروردگار که فرشتگان صف در صف بمرصه محشر آیند و آن دوزخ را بیاورند و همانروز انسان متذکر کار خود گردد و از خواب غفلت بیدار شود و آن تذکر چه سود بحال او بخشد چه وقت تذکر و تفکر نیست زیرا در آخرت تکلیف نمی باشد .

طبرسی از ابو سعید خدی روایت کرده گفت چون آیات فوق نازل شدند که مبارک پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تغییر نمود و کسی جرئت نداشت از سبب آن سؤال کند اسحاب نزد امیر المؤمنین علیه السلام رفتند عرض کردند یا ابوالحسن شما پروردگرم

پیغمبر اکرم ﷺ عرض کرد ای رسول خدا جانم بیدایت چرا متغیر شده ای چه اتفاقی رخ داده که از آن دلنگه و ملول هستید فرموده جبرئیل آیاتی آورد که بر من سخت آمد و آیات را قرائت نمود امیر المؤمنین علیه السلام پرسید ای رسول خدا چگونه دوزخ را بیاورند فرموده هفتاد هزار فرشته با هفتاد هزار زمام آنرا بهر سه قیامت آورند آنگاه يك شراره از آن پدید آید که اگر فرشتگان آنرا دفع نکنند تمام اهل محشر را بسوزاند آنگاه فرشتگان بمن گویند ای رسول خدا بشارت باده ترا که هدایت عالی گوشت و پوست ترا بر آتش حرام کرده است در آن حال هیچ بنده ای از بندگان خدا نیست و نه فرشته و پیغمبری مگر آنکه فریاد میکند و میگوید پروردگار! نفس مرا نجات بده جز من که میگویم پروردگار! امت مرا نجات ده پس از آن پل صراط که برنده تر از شمشیر است بروی دوزخ کشیده شود سه موقف مردم را نگاهدارند موقف اول از امانت و رحم پریش کنند دوم از نماز سوم از عدل پروردگار اگر از موقف اول خلاص شد در موقف دوم او را نگاه میدارند و اگر از آنجا نجات نیافت موقف سوم نگاهدارند اینست معنای آیه ان ربك لبالمرصاد و بعضی از مردم قدسیهایشان بر صراط بلرزد و با دست بروند بعضی دیگر یکقدم بر دارند قدم دیگر نتوانند بگذارند فرشتگان در اطراف صراط ایستاده اند فریاد میزنند پروردگار! غو کن و در گنر از بندگانت و با فضل خود با ما رفتار بنما طایفه ای از مردم بآتش انداخته شوند و اگر بنده ای عبور کند از صراط بسبب رحمت پروردگار عبور کرده و نجات یافته است در آن حال آن بنده گوید ستایش خدایم که بنعمت او تمام کرده ایم کارهای نیکو را و پاکیزه شدیم باعمال حسنات سپاس خدایم که بملطف خود نجات داد مرا همانا پروردگار من آمرزنده و مهربانست .

(يقول يا ليتني قدمت لحيوتي فيومئذ لا يعذب عذابه احد ولا يوثق و ثاقه احد) انسان در آن روز با حسرت و توبه میگوید ایکاش در دنیا برای زندگانی همیشگی امروز کار خیر انجام میدادم و عذاب و شکنجه ای که خدا کند کسی نکند و آن بند که خدا نهد کسی نهد .

شرف الدین ذیل آیه فوق از معروف بن خربوذ روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام تاویل آیه را سؤال نمود فرمود همراه باحد دومی است و از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند جسم نیست تا حرکت بر او روا باشد و از جایی به جایی و از مکانی به مکان دیگر انتقال کرده و ذات مقدسش منزّه و مبرا است از توصیف و ممکن بمقصود از آیه وجاء ربك والملك صفا صفا امر و حکم پرورده کار است که با فرشتگان آید.

(یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی) در آن روز خطاب رسد بکسیکه نفس او ساکن و دلش آرام است بوعده پروردگار و تصدیق نموده او را باز گرد بسوی خدای خود که راضی و خوشنودی از پروردگار و پروردگار نیز از تو راضی و خوشنود میباشد و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت من داخل شو.

حضرت باقر علیه السلام فرمود هر نفسی که مطمئن شد بولایت امیر المؤمنین علیه السلام است خوشنود کرده به پاداش و ثواب پرورده کار و فرمود در حال احتضار فرشتگان او را صدا میکنند ای کسیکه مطمئن شدی بولایت علی امیر المؤمنین علیه السلام باز گرد بسوی پروردگار خود خوشنود و پسندیده پس نیست برای او هم و غمی مگر آنکه مصلحت شود بآنحضرت.

شرف الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که باصحاب خود فرمود قرائت کنید سوره فجر را در نمازهای خود چه این سوره اختصاص دارد بحضرت امام حسین علیه السلام ابو اسامة عرض کرد چگونه این سوره بآنحضرت اختصاص دارد فرمود مقصود از نفس مطمئنة آن حضرت و شیعیان او است.

ابن بابویه از صدیر صیرفی روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود آیا مومن کراحت داند از قبض روح فرمود خیر وقتی فرشته موکل بر قبض ارواح وارد شد بر او جزع و فریاد میکند در آنحال آنفرشته باو میگوید بی تابی مکن ایدوست خدا بحق کسیکه علیه السلام را بحق فرستاده من در حق تو نیکویی مینمایم و مهربان تر از پدر و مادر هستم باز کن دیده های خود را و مشاهده کن

جمال و نور پیغمبر اکرم ﷺ و امیر المؤمنین علیؑ و امام حسن و امام حسین و ائمه علیهم السلام را اینها رقای تو میباشند ای کسیکه نفس خود را عطفن کرده ای بمعتمد و علی و اهل بیت او ﷺ، برگرد بسوی پروردگار با ولایت و ثواب الهی و داخل بهشت شو در زمره پندگسان خاص یعنی عقد ﷺ و علی و اهل بیت آن بزرگواران فراز گیر در آن وقت چیزی بهتر از قبض روح برای اون نیست تا بزودی ملحق گردی بائمه خود •

پایان سوره فجر

سورة بلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱) وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲) وَوَالِدُ مَا وَلَدَ
(۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴) أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يُفْعِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ
(۵) يَقُولُ أَهْلَكَتُمْ مَالًا لَبَدًا (۶) أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَوْهُ أَحَدٌ (۷) أَلَمْ
نَبْلُ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸) وَلِسَانًا وَشَفَقَيْنِ (۹) وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰)

سوره بلد در مکه نازل شده و بیست آیه و هشتاد و دو کلمه است .
خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
فرمود هر کس سوره بلد را قرائت کند از نیکو کاران دنیا محسوب شود و در آخرت
نزد پروردگار قرب و منزلتی پیدا کند و از هم نهینان شهدا باشد .
و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این
سوره را قرائت کند روز قیامت ایمن باشد از غضب پروردگار و نجات یابد از عقبه
های صراط و اگر این سوره را بنویسد و هر طفل نوزاد به بند محفوظ بماند از
هر آفتی و از ضرر اصبیان سوره بلد مشتمل است بر حرمت مکه در جاهلیت و اسلام
و راه اطمینان و نظر در طرق توحید و خدا شناسی .

قوله تعالی (لا أقسم بهذا البلد و أنت حل بهذا البلد و والد ما ولد لک)
خلاقنا الانسان فی کبد ایعسیب ان لن یفعر علیه احد) سو گند یداه نمیکنم بشهر
مکه و حال آنکه تو ای پیغمبر فرود آمده ای باین شهر مکه و سو گند به پدر و
آنچه زاده از فرزندان همانا ما آفریده ایم انسان را در سختی و رنج و مشقت آیا
با این ناتوانی گمان میکند که هیچکس بر او قدرت و توانائی ندارد .
این آیه توییح و سرزنشی است برای کفار مکه چه آنها حلال نمیدانستند

ترجمه سوره بلد

بنام خداوند بخشنده مهربان .

سو کند باین شهر مکه (۱) و حال آنکه تو فرود آمده ای باین شهر (۲)
و قسم به پدر و فرزندان او (۳) ما انسان را در سختی ورنج آفریدیم (۴) آیا میپندارد
که کسی بر او توانائی ندارد (۵) و میگوید من مال بسیار تلف کردم (۶) آیا گمان
میکند که کسی او را نمیپند (۷) آیا مادو چشم باو عطا نکردیم (۸) و زبان و دو
لب باو ندادیم (۹) و راه خیر و شر باو ننمودیم (۱۰)

که ظلم و ستم کنند بر کسی در شهر مکه با این وصف بر پیغمبر اکرم ظلم و ستم
کردند مفسرین گفتند آیه در روز فتح مکه نازل شد و خداوند حلال نمود بر
پیغمبرش قتل کفار را در شهر مکه یکساعت و مؤید آن فرموده رسول خدا است
که فرمود از آنروز که پروردگار آسمان و زمین و خورشید و ماه را آفرید حرام
نموده جنگ و قتال را در شهر مکه تا روز قیامت و پیش از من برای کسی حلال
نبوده و بعد از من هم حلال نخواهد بود و برای من نیز جز یکساعت از روز حلال
نیست و در آن ساعت این اخطال که هست در پره کعبه زده بود و مقبس بن صبابه
و جماعت دیگری از کفار را بقتل رسانیدند و معنای و انت حل بهذا البلد اشاره
بهمن است یعنی ای پیغمبر بر تو حلال است کشتن هر کافر یکبار مشاهده کردی در
این شهر مکه، در اختصاص ذیل آیه (ووالد وما ولد) از سلیمان بن قیس شامی
روایت کرده که، امیر المؤمنین فرمود من و اوصیاء بعد از من هدایت کنندگان و
محدث هستیم گفتیم کدام يك از فرزندان وصی شما می باشد فرمود حسن و حسین
پس از آن فرزندان علی بن الحسین و در آنروز آن حضرت طفل شیر خواری بود
پس از آن هشت نفر از فرزندان علی بن الحسین یکی را بعد از دیگری نام برد و
آنها هستند که خداوند در قرآن بایشان سو کند یاد نموده و می فرماید ووالد وما
ولد، والد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ولد ائمه هستند سلیمان میگوید عرض کردم یا امیر-
المؤمنین علیه السلام دو اسامی در يك عسر و ثمان جمع می شود فرمود بلی لکن یکی از

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲) فَكُ رَقَبَةً (۱۳) أَوْ
إِطْلَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْجَةٍ (۱۴) يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵) أَوْ مِنْسَكِبًا ذَا
مُتْرَبَةٍ (۱۶) ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالرِّحْمَةِ
(۱۷) أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸) وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ
الْمَشْأَمَةِ (۱۹) عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ (۲۰)

آنها ساکت است تا دیگری وفات کند سلیمان میگوید از محمد بن ابی بکر سؤال کردم
آیا امیرالمؤمنین علیه السلام محدث است گفت بلی فرشتگان با او حدیث میگویند
و میشوند مگر قرائت نکردی این آیه را که می فرماید وما ارسلنا من قبلك من
رسول ولانبي ولا محدث . امیرالمؤمنین علیه السلام محدث و حضرت فاطمه علیها السلام محدثه
است ولی نبی و نبیه نیستند .

این بابویه ذیل آیه (لقد خلقنا الانسان فی کبد) از حماد روایت کرده که حضور
حضرت صادق علیه السلام عرض کردم چهار پایان را مشاهده میکنم که در باطن دستهای
آنها دو علامت است مانند داغ کردن چرا این طور است فرمود آن محل منبر آنها
است که در شکم مادر قرار گرفته بودند و فرزندان آدم در شکم مادر مستوی هستند
چنانکه خداوند می فرماید لقد خلقنا الانسان فی کبد و جز انسان تمام حیوانات
سرهايشان در پشت مادر و دستهای آنها میان دستهای مادرشان قرار گرفته است.
علی بن ابراهیم ذیل آیه (ایحیی ان لن یقدر علیه احد) از حضرت باقر
علیه السلام روایت کرده فرمود آیه در باره عثمان وارد شده چه او گمان میکرد که کسی
نمی بیند او را و نمیداند که او دختر پیغمبر اکرم را با چوب جهاز شتر کشته و
بقتل رسانیده .

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود علت تزویج کردن پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله دختر خود رقیه را به عثمان آن بود آن حضرت امر کرده منادی میان مسلمانان
ندا کند هر کس چاه رومه را حفر کند و بر جیش عسره اتفاق نماید از مال خود

باز هم اطاعت نکرد و بعقبه تکلیف تن در نداد (۱۱) و تو چه میدانی عقبه چیست (۱۲) آن رها کردن کردن است از عذاب (۱۳) و طعام دادن در روز فحطی و گرسنگی است (۱۴) و به یتیم خویشاوند خود احسان کردن است (۱۵) یا بفقر خاک نشین دستگیری نمودن است (۱۶) سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و دیگری را بصبر و بردباری و به بخشایشش سفارش بکند (۱۷) اینان هستند اصحاب دست راست (۱۸) و آنهاست که بآیات ما کافر شدند اصحاب دست چپ و اهل شقاوتند (۱۹) برای ایشان آتش شریویده خواهد بود (۲۰)

پایان ترجمه سوره بلد

من از طرف خداوند ضمانت میکنم خانه ای برای او در بهشت. عثمان آن دو عمل را انجام داد و چون بخواستگاری رقیه آمد رسول خدا بعثمان فرمود رقیه را نمیخواهی مگر آنکه صدق او را خانه ای قرار بدهی که من ضمانت کردم برای تو در بهشت. عثمان قبول کرد و رقیه را بهمان صدق تزویج نمود پیغمبر شاهد گرفت و فرمود ای عثمان دمه من بری شد از خانه بهشتی برای تو و آن خانه صدق رقیه است و باو تعلق دارد رجوعی برای تو نیست. عثمان پس از چندی رقیه را با چوب جهاز شتر آنقدر زد که شهید شد و آن حضرت وفات کرد پیش از هم بستر شدن عثمان با او

(اَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ وَ هَدَيْنَا مَالَ بَيْتَيْنِ) آیا ما او را دو چشم ندادیم برای دیدن و زبان و دو لب برای سخن گفتن و آیا راه خیر و شر را باو ننمودیم پیغمبر اکرم ﷺ فرمود در کتب پیغمبران سلف چنین نوشته شده ای فرزندان آدم اگر چشم با تو نزاع کند در آنچه بر تو حرام کردیم پیش آن دو پلک قرار دادیم تا پیوشانی آن را و اگر زبان با تو مجادله کند دو لب قرار دادیم تا بآن خاموش نمائی زبان را و اگر فرج در محرمات با تو نزاع کند پیش او پاهارا نهادیم تا حفظ نمائی آنرا.

دیلمی از حضرت باقر علیهما السلام روایت کرده فرمود مراد از عینین رسول اکرم و مقصود از لسان امیر المؤمنین علیهما السلام و شفقتین حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام

است و راه خیر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام میباشد .

(فلا اقتحم العقبة وما ادريك ما العقبة فك رقبة او اطعام في يوم ذي مسغبة يتيما ذاعقربة او مسكينا ذامترية) این آیه اشاره است بآیه يقول اهلك مالابدا حضرت باقر علیه السلام فرمود مراد عمرو بن عبود است لو گفت من مال بسیاری در راه دشمنی عنه و علیه السلام و علی علیه السلام و اطغای نور آنها صرف کردم تا آنکه راه خدا را بر مردم مسدود کنم . پروردگار میفرماید چرا این مالها را باز نگذاشت برای عقبه و آن رها کردن نفس خود است از عذاب دوزخ چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه میفرماید : الا ان امامکم عقبه کتود آگاه باشد ای مردم پیش روی شما عقبه سخت و دشوار است رسول خدا فرمود لایجوزها المثلون و انی اريد ان اخفف عنکم لتلك العقبة عبور نمیکند از آن عقبه کسیکه بارش سنگین است و من می خواهم بامر طاعت و عبادت شما را سبک گردانم برای آن عقبه .

در کافی از یونس روایت کرده که سؤال نمودم معنای آیه را از حضرت صادق علیه السلام فرمود ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام آزاد میکند گردها را از آتش جهنم و نیز فرمود هر کس را خدا احسان و اکرام بفرماید بولایت ما ائمه ، عبود کند او از عقبه قیامت و ما عقبه هستیم هر که ولایت ما را قبول کرد نجات یابد از آن عقبه .

و گذر میکند از عقبه باطعام کردن در روز فطلی به فقیران و یتوایان یا احسان کردن به یتیمی که از خویشاوند خود باشد یا دستگیری کردن بفقیر خاله . نشین و نهی دست . این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس احسان کند به فقیری از شیعیان ما خداوند آن قدر اجر و پاداش باو عطا کند که جز پروردگار کسی نداند و نیز فرمود بواسطه معرفت و ولایت ما آل محمد علیه السلام مردم از عذاب جهنم رهائی یابند و ما هستیم که در روز گرسنگی بمردم اطعام میکنیم (ثم کان من الذین آمنوا و تواصوا بالمرحمة اولئک اصحاب الیمینة) و از گذر کنندگان باشند آنها یکدیگر بخدا ایمان آورده و دیگران را بصبر و واجبات و مهربانی باخلق سفارش میکنند و ایشان از اصحاب یمین و دست راست هستند یعنی از طرف راست به بهشت میروند و آنها دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام باشند .

(والذین کفروا بآیاتنا هم اصحاب المشرقة علیهم نار مؤصده) و آنانکه
 بآیات ما کافر شدند اصحاب هست چپ هستند و برای ایشان آتشی خواهد بود سر
 پوشیده که از هر طرف احاطه کند آنان را •

حضرت باقر علیه السلام فرمود اصحاب مشرقة دشمنان آل محمد علیهم السلام هستند .

پایان سوره بلكه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱) وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲) وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا (۳)
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴) وَالسَّمَاءَ وَمَا بَنَاهَا (۵) وَالْأَرْضَ وَمَا طَعْنَاهَا
(۶) وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷) فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)
قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹)

سوره الشمس درمکه نازل شده و شانزده آیه و پنجاه و چهار کلمه و دویست و چهل و هفت حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره والشمس و سوره واللیل و الضحی و الم نشرح را قرائت کند در روز و یا شب نیست چیزی مگر آنکه شهادت بدهد برای او روز قیامت حتی مو و پشم و گوشت و خون او شهادت بدهند برای او، و پرورده گار یا آنها میفرماید من شهادت شما را قبول کردم بپسند این بنده را بسوی بهشت.

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند آنست که صدقه داده بر کسی که آفتاب و ماه بر او می تابد و هر کس توفیقش کم شده باشد این سوره را قرائت کند خداوند باو توفیق عطا فرماید و قرائت این سوره حافظه را زیاد میکند و نزد مردم مقبول القول و با عظمت گردد و این سوره منفعتهای بسیاری دارد و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس روزی او کم شده یا کم توفیق است و یا خسران و زیان می بیند و حسرت و اندوه می خورد مداومت کند بر قرائت این سوره خداوند روزی و توفیق زیادی باو مرحمت فرماید و رفع زیان و حسرت او را بنماید و اگر آنرا بنویسد و بآب بشوید و آن آب را بپاشد اضطراب او زایل گردد.

ترجمه سوره والشمس

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بآفتاب و تابش آن در وسط روز (۱) و بماه چون پیروی کند آفتاب را
 (۲) و سوگند بروز هنگامیکه جهان را روشن کند (۳) و بشب چون بیوشاند روز
 را (۴) و سوگند بآسمان و کسیکه بنا کرد آنرا (۵) و بزمین و آنکه آنرا بگسترده
 (۶) و بنفس ناطقه و آنکه او را بعد کمال بیافرید (۷) و باو شر و خیر الهام کرد
 (۸) هر که پاک کرد نفس خود را همانا دستگارش پاک شد (۹)

سوره والشمس مشتمل است بر آنکه هر کس تزکیه نفس کرده و تقوی و
 پرهیزکاری را پیشه خود ساخت از عذاب دوزخ نجات یابد و دستگارش شود و آنکه
 فسق و فجور را پیشه خود قرار داد و از عاقبت خود غافل بود و از کفر پیرو گار
 نترسید مانند طایفه ثمود بمذاب خداوند گرفتار خواهد شد.

قوله تعالی (و الشمس وضحیها والقمر اذا تلیها والنهار اذا جلیها واللیل اذا
 یغشیها والسماء وما بینها والارض وما طعنها ونفس وما سویها فالهمها فجورها وتقویها
 قد افلح من زکیها) سوگند بآفتاب و تابش آن در نصف النهار و قسم بماه هنگام
 کمال و تمام نور آن و بزه که آفتاب را روشن کند یعنی پدید آید چه آفتاب در
 روز هویدا شود و بعق شب چون پوشد آفتاب را چه خورشید در شب ناپیدا بود و
 قسم بآسمان و آنکه آنرا بنا کرد و بزمین و آنکه آنرا بگسترانید و سوگند
 بنفس انسانی و آنکه او را بعد نیکو و کمال آفرید و باو راه خیر و شر را الهام
 نمود دستگارش و ظفر یافت هر کسیکه نفس خود را از گناه و کفر و پلیدی پاک و
 منزّه ساخت .

در کافی از سلیمان دیلمی روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود
 تاویل آیات فوق را فرمود شمس رسول خدا است پیرونده کار واضح و روشن نمود
 بآن حضرت دین حق را برای مردم و حشرتش فرمود مثل من میان شما مردم مثل
 خورشید است در وسط النهار و علی علیه السلام مانند ماه است هر گاه آفتاب غروب کند

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيَا (۱۰) كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوِيهَا (۱۱) إِذِ انبَعَثَ أَشْقِيهَا (۱۲) فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳) فَكَذَّبُوهُ فَهَقَرُوا مَا قَدَّمَدُمْ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنبِهِمْ فَسَوَّيَا (۱۴) وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

بنود ماه راهنمایی یابید و نهار امامان از ذریه فاطمه علیها السلام است سؤال می کنند مردم دین خدا و رسول را از ایشان آنها آشکار میکنند دین را برای مردم و مراد از شب بنی امیه و پیشوایان جور هستند که امر رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تغییر ماهند و بمسند آل محمد علیهم السلام جلوس کردند و پوشانیدند دین خدا را بجور و ستم و تاریکی آنها روشنائی آل محمد علیهم السلام را فرا گرفت و سماء پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ارض شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام است و مد روایت دیگر آن حضرت فرمود شمس علی علیه السلام و وضعی قیام قائم علیه السلام ما است و شاهد این معنا آیه و ان یعشر الناس ضعیفی است و مراد از لیل اولی و دومی است دولت آنها پوشانیده حق را و سماء علیه السلام است چه مردم بعلم و دانش بسوی حضرتش بالامیروند و بمقام او نزدیک میشوند و ارض شیعیان است و فجور و تقوی راه حق و باطل میباشد خداوند هر یک را نشان داده و همراهی را مردم خواهند باختیار خوره سیر میکنند .

(وقد خاب من دسیها) محروم و ناامید شد کسیکه نفس خود را بکفر و گناه پلید گردانید و زیانکار خواهد بود .

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنین علیه السلام نفس مقدس خود را تزکیه نمود و اولی و دومی تباه کردند نفس خویش را در اثر دسیسه و تزویر کردن در بیعت با آن حضرت و از ثواب و پاداش آخرت بی بهره و نصیب شدند .

(كذبت ثمود بطغویها) اذنیعت اشقیها فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقيا

و آنکس که و پلید کرد نفس خود لژیانکار و بی بهره ماند (۱۰) طایفه ثمود
بسبب سرکشی پیغمبر خود را تکذیب کردند (۱۱) هنگامیکه شقی ترین آنها بر
خواست (۱۲) و رسول خدا با آنها گفت و اگذارید این شتر خدا را و آنرا سیراب کنید
(۱۳) تکذیب کردند پیغمبر خدا را و شتر او را پی کردند خدا هم بسبب گناهشان
پوشانید آنها را بذاب و با خاک یکسان نمود (۱۴) و از عاقبت کار و هلاکت نرسید (۱۵)
پایان ترجمه سوره والشمس

فکذبوه فمفروها فمقدم علیهم و بهم بدنبهم فسویها و لا یخاف عقیبها (طایفه ثمود از
روی غرور و طغیان و سرکشی پیغمبر خود صالح را تکذیب کردند هنگامیکه شقی
ترین آنها که قدار بن سالف بود بر خواست ناقه صالح را پی کند رسول خدا صالح
پیامبر با آنها گفت این شتر آیت پروردگار است از خدا بترسید و آنرا سیراب کنید
تا از شیرش بر خوردار شوید ایشان صالح را تکذیب کردند و ناقه او را پی نمودند
خداوند هم آنها را بکیفر گناهشان هلاک ساخت و شهر ایشان را با خاک یکسان
نمود و هیچ باک از هلاک آنان نداشت آنها هم از عاقبت گناه خود نرسیدند که
عاقبت بکیفر خواهند رسید.

ما شرح و داستان ناقه صالح و پی کردن آنرا در بخش دوم تفسیر سوره اعراف
ذیل آیه ۷۳ بیان نمودیم با آنجا مراجعه شود.

علی بن ابراهیم ذیل آیه (کذبت ثمود بطغویها) از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده فرمود طایفه ای از مسلمین مانند ثمود شکذیب کردند پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله را خداوند در باره آنها می فرماید (قلما ثمود فهدیتناهم فاستحبوا لعمی علی
الهدی فاحذتهم الصاعقة العذاب الھون) و عذاب خواری آنها شمشیر حضرت قائم
علیه السلام است هنگامیکه ظهور بفرماید، و ناقه الله امام است مردم استسقا مینمایند
بعلم او ثعلبی و واحدی که هر دو از علماء عامه هستند از ابن عباس و عمار روایت
کرده اند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ای علی شقی ترین
مردمان اول و پیشینیان کسانی بودند که پی کردند ناقه صالح و بچه آنرا و شقی
ترین مردم این امت آنهایی هستند که باتو جنگ میکنند و محاسنت را از خون

سرت خضاب میکند این عباس گفت این ملجم یکی از فرزندان قدار بود همان کسی که
 پی کرد نافه صالح را و سرگشت این ملجم یا قدار هم یکی است چه قدار عاشق
 زنی بود بنام رباب و این ملجم نیز عاشق قطامه بود بخاطر او امیرالمؤمنین علیه السلام
 را شهید کرد و گفت شنیدم از امیرالمؤمنین علیه السلام که با این ملجم فرمود خیر بدهم
 ترا که مادرت در حالت حیض بتو حامله شد گفت بلی چنین است راست گفتی ای
 امیرالمؤمنین علیه السلام و آن حضرت شنید از آن ملعون که گفت من با این شمشیر
 کردن علی علیه السلام را هزیم با این وصف رها کرد او را و فرمود قصاص پیش از چنایت
 جایز نیست.

در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس فرائت کرد
 سوره و الشمس را و در خاتمه آن بگوید صدق الله و رسوله خداوند اجر جمیل باو
 عطا فرماید.

پایان سوره و الشمس

سورة والليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (۱) وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲) وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى
 (۳) إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى (۴) فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (۵) وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى
 (۶) فَسَنبَرُهُ لِلْيُسْرَى (۷) وَأَمَّا مَنْ بَغِلَ وَأَسْتَفَى (۸)
 وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى (۹)

سورة واللیل مد مکہ نازل شدہ و بیست و یک آیه و هفتاد و یک کلمہ و سیصد و دو حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن : بعضی در سورة و الشمس بیان شد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم روایت کرده فرمود هر کس سورة و اللیل را تلاوت کند خداوند باو عطا کند چیزی که راضی و خوشحال گردد، و عسرت ازاو برطرف شود و غنی گرداند او را پروردگار بفضل و کرم خود، و هر کس این سورة را پیش از خواب پانزده مرتبه قرائت نماید نبیند در خواب مگر خیر را و اگر در نماز عشاء قرائت کنند مانند کسی است که در نمازش یکربع قرآن تلاوت نموده و نماز او قبول شود و اگر در گوش شخص بیہوش یا مصروع بخوانند آنرا در همان ساعت بہبودی حاصل کند .

سورة واللیل مشتمل است بر بیان حال کافر و مؤمن .

قوله تعالی (واللیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی وما خلق الذکر و الانثی ان سعیکم لشتی) پروردگار در این آیات سوگند یاد کرد ہشب تار چون روز را فرا گیرد و جہانرا در پردہ سیاه بیوشاند و بروز چون روشن شود و نیز قسم یاد کرد بذات مقدس خود کہ مخلوقات عالم را نر و مادہ آفرید برای تناسل و توالد و سعی و کوشش مکلفین و مردم مختلف است بعضی سعی میکنند کہ خود را از آتش دوزخ

ترجمه سوره اللیل

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو کند بشب تاری چون پوشانید آفتاب را (۱) و قسم برود چون روشن شود (۲) و سو کند بآنکه آفرید نر و ماده را (۳) هماناسی و کوشش شما مردم پراکنده و مختلف است (۴) اما هر کس حقوق را داد و پرهیز کار شد (۵) و بگفتار نیکو تصدیق کرده (۶) نزودی کار او را سهل و آسان میگردانیم (۷) و کسیکه بخل و رزید و بینیازی جست (۸) و گفتار نیکو را تکذیب کرد (۹)

آزاد کنند و بعضی دیگر سعی میکنند گردن عود را به بندند طایفه ای کوشش میکنند در نجات خود و طایفه دیگر در هلاک خویش .

پیغمبر اکرم ﷺ فرموده مردم دو طایفه هستند یکی آنکه سعی مینمایند خود را بخرند و آزاد نمایند دیگر آنکه خود را بفروشند و هلاک کنند علی بن ابراهیم از عهد بن مسلم روایت کرده که از حضرت باقر ﷺ تاویل آیات فوق را سؤال نمود فرموده مراد از لیل اولی دومی است که پوشید تاریکی چهل و ستم آنها روشنائی امیرالمؤمنین ﷺ را در خلافتیکه برای خودشان تشکیل دادند و حق آن بزد گوار را غصب نمودند و آن حضرت صبر کرد تا دولت آنها پایان رسید و مقصود از نهار وجود مقدس حضرت قائم آل محمد ﷺ است چون ظاهر شود باطل را محو نماید و از بین ببرد و در قرآن خداوند مثلثائی زده برای مردم و مخاطب قرآن پیغمبر اکرم و ما ائمه هستیم و مثلثای قرآن را جز ما ائمه کسی نمیداند و نصیقه و مراد آن حضرت آنست که خداوند لیل را مثل زده بمنافقین و دشمنان آل محمد ﷺ و نهار را مثل زده با امیرالمؤمنین ﷺ و اولاد گرام آن حضرت .

(فاما من اعطی و اتقى و صدق بالحقنى فمنیرہ للیسری) در این آیه بیان میکند حال مؤمنین را اما هر کس عطا کند و احسان نماید و پرهیز کار و خداترس باشد و یقین داند بشواب و پاداش ، ما کار او را سهل و آسان کنیم تا بشواب رسد و توفیق دهیم او را و راه تکلیف را بر او آسان کنیم .

طبرسی از ابن عباس روایت کرده که آیه فوق در شأن ابو دحداح مازل شده

فَسَيَسِّرُهُ لِّلْكَاسِرِی (۱۰) وَمَا يَنْفِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱۱) إِنَّ عَلَیْهَا
 لَلْهُدٰی (۱۲) وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولٰی (۱۳) فَأَنْذَرْتُمْ نَارًا تَلْقٰی
 (۱۴) لَا یَصْلٰیٰهَا إِلَّا الْآسِفٰی (۱۵) الَّذِی كَذَبَ وَتَوٰی (۱۶)
 وَسُجِّنَبَهَا الْآفٰی (۱۷) الَّذِی یُؤْتِی مَالَهُ یَتْرَكُنِی (۱۸) وَمَا
 لِأَخِیْرِهِ عَنْدَهُ مِن رِّمَّةٍ یُّجْزٰی (۱۹) إِلَّا ابْتِغَاءً وَجْهَ رَبِّهِ
 الْأَعْلٰی (۲۰) وَلَسَوْفَ یَرْضٰی (۲۱)

سبب نزول: آن بود که مردی در خانه یکی از انصار درخت خرمائی داشت بدون اجازه وارد خانه او میشد چون خرما از درخت می افتاد کود کان انصاری از آن میخوردند صاحب درخت با انگشت خرما را از دهان کودکان بیرون می آورد انصاری شکایت صاحب درخت را به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نموده آنحضرت دستور داد او را حاضر کردند فرمود آن درخت را بمن بفروش بدرختی در بهشت گفت نمی فروشم فرمود بهای در بهشت بفروش عرض کرد نمی فروشم ابو دحداح آن درخت را بچهل درخت خرما خریدارید حضور پیغمبر آمد عرض کرد ای رسول خدا درخت را از آن مرد خریداری کردم تقدیم حضورت مینمایم در عوض درختی در بهشت بمن مرحمت فرمائید فرمود ای ابو دحداح برای تو در بهشت باغبانی است یکی بعد از دیگری خداوند آیات فوق را نازل نموده و فرمود سعی و کوشش مردم مختلف است سعی ابو دحداح برای آخرت و سعی صاحب درخت برای دنیا است

(و اما من بخل و استغنی و کذب بالحقنی فسیسره للمصری و ما یعنی عنه ماله اذا تردى) و آنکه بخل ورزید و از لطف خدا بینیازی جست و تکذیب کرد احسان و نیکوئی را پس بزودی کار او را دشوار کنیم و ثروت و دارائی نجات نتواند داد او را هنگام مرگ این آیه در باره صاحب درخت نازل شده و از آیه معلوم

بزودی کار او را سخت و دشوار کنیم (۱۰) و دارائی او بی نیاز نکند او را چون هلاک شود (۱۱) همانا بر ما است که خلق را هدایت و رهنمائی کنیم (۱۲) و ملک دنیا و آخرت مخصوص ما است (۱۳) و من شما را از آتشی که زبانه کشد می‌رسانم (۱۴) و در آن آتش نیفتد جز شقی ترین خلق (۱۵) همان کسانی که حق را تکذیب کرده و روی از خدا برگردانیدند (۱۶) و اهل تقوی و پرهیز کار بزودی از آن آتش دور شود (۱۷) همان کسانی که مال خود را انفاق میکنند و پاکی می‌جویند (۱۸) و نیست از برای کسی بر او حق نعمتی تا پاداش داده شود (۱۹) مگر آنکه برای خوشنودی خدای خود که برتر و بزرگتر است (۲۰) و زود باشد که خوشنود شود (۲۱)

پایان ترجمه سورة اللیل

میشود که آن شخص منافق بوده .

(ان علینا للهدی و ان لنا للآخره و الاولى فانذرتکم نارا تلظی لا یسلیها الا الاشی) همانا بر ما است نمودن راه هدایت خلق و ملک دنیا و آخرت بهما تعلق دارد بهر که بخواهیم می‌دهیم و شما را از آتشی که زبانه میکشد در دوزخ ترسانیده و آگاه می‌سازیم در آن آتش نیفتد جز شقی ترین مردم ، همان کسی که تکذیب نمود آیات حق را و رو برگردانید و او صاحب درخت بود .

(و سیجبنها الاتقی الذی یؤتی ماله یتزکی و ما لاحد عنده من نعمة تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی و لسوف یرضی) و بزودی پرهیز کار از آن آتش دوری بجوید همان کسی که مال خود را داد و پاکی جست و نیست از برای کسی نزد او نعمتی تا پاداش داده باشد مگر برای خوشنودی پرورده کار خود که برتر و بزرگتر است از هر چیزی و البته بزودی در بهشت پهنمائی همیشه خوشنود خواهد شد .

شرف الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از لیل دولت شیطان است که باقی و برقرار است تا زمان ظهور قائم ما آل محمد علیهم السلام و نهار دولت حق آن حضرت است در عصر ظهور و اتقی کسی است که تقشش را بحق عطا کند و از باطل پرهیز نماید و معنای فسیسره الیسری آنست که بهشت را برای او آسان

گرداند و معنای بخل و استغنی یعنی بخل میورزد از حق برای نفس خوه و بسبب باطل از حق بینیا میگرد و حسنی ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است و هر کس تکذیب کرد ولایت آن حضرت را آتش جهنم برای او آسان گرداند و معنای وان علینا للهدی یعنی علی علیه السلام هدایت کننده مردم و راهنمای ایشان است .

(در محاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آیه را آن حضرت بطریق ذیل قرائت نمودند (ان علیا للهدی و لن له الاخرة والاولی) و هنگامیکه قائم ما علیه السلام ظهور نمود غضب میکند بر منافقین و از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را بقتل میرساند و اشقی دشمنان آل محمد هستند و اتقی امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان آن حضرت باشند و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت کرده فرمود هر کس خمس آل محمد علیهم السلام را بآنها عطا کند و پرهیز نماید از ولایت خافای ثلاثه و تصدیق کند ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را اراده نکند خیری را مگر آنکه خداوند برای او مهیا سازد و فراهم آورد و اما کسیکه بخل ورزد در دادن خمس آل محمد علیهم السلام خود را بواسطه عمل نمودن برای بینیا داند از ائمه و اولیاء خدا و تکذیب کند ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را اراده نکند چیزی از شر را مگر آنکه برای او فراهم و آماده گردد و فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام و اصحاب و تابعین آنها زکوة مال میدادند و امیر المؤمنین علیه السلام در حالت رکوع انگشتری بسائل داد و آیه ویؤتون الزکوة و هم را کمون در شأن حضرتش نازل شد و مراد از (وما لاحد من نعمة تجزی) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که نعمت او پیوسته جاریست بر تمام خلایق .

پایان سوره واللیل

سورة والضحي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَى (۱) وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى (۲) مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (۳)
 وَكَذَلِكَ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى (۴) وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵)
 أَلَمْ يَجْعَلْكَ يَتِيمًا فَآوَى (۶) وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (۷) وَوَجَدَكَ
 عَائِلًا فَأَغْنَى (۸) فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹) وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰)
 وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

سوره والضحی در مکه نازل شده و یازده آیه و چهل کلمه و صد و نود و دو

حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: بعضی مد سوره و الشمس گذشت و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره الضحی را قرائت کند واجب شود بر او شفاعت من و بعد هر سائل و یتیمی حسنت برای او نوشته شود و اگر این سوره را بقصد باز یافتن غایب و مفقود شده بنویسند آن غایب و کم شده سالم به صاحبش بر گردد .

سوره والضحی مشتمل است بر شرافت و عظمت و قرب و منزلت پیغمبر اکرم

صلی الله علیه و آله نزد پروردگار .

قوله تعالى (والضحی واللیل اذا سجدی ما ودعک ربک وما قلی و للآخرة خیر لک من الاولی و لسوف یعطیک ربک فترضی) .

طبری از ابن عباس روایت کرده سبب نزول این سوره آن بود که پانزده روز وحی بر رسید بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرکین بآن حضرت طعنه زدند و گفتند خدای تعالی او را رها کرده و پروردگارش بر او غضب نموده و وحی بسوی او نمیفرستد

ترجمه سوره الضحی

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو کند بپاشتو هنگام ظهر (۱) و شب چون تاریکی آرد (۲) پروردگار
هیچوقت ترا وامگذارد و بر تو غضب نکند (۳) همانا آخرت برای تو بهتر است
از دنیا (۴) نزدی پرورده گارت بتو چندان عطا کند که راضی و خوشنود شوی (۵)
آیا خدا تو را یتیم نیافت پس در پناه خود جا داد (۶) و تو را گم کرده و سیران
یافت پس راهنمایی نمود (۷) و تو را فقیر یافت پس بی نیاز کرد (۸) پس تو هم یتیمان
را مران (۹) و فقیر و صائل را زجر مکن و میازار (۱۰) و حدیث کن نعمت پرورده گارت
را بر مردم (۱۱)

پایان ترجمه سوره الضحی

پیغمبر از این سخنان دلنگ شد بکوه حرا تشریف برد و اندیشه میکرد و میگفت
خدا یا تو میدانی این دشمنان چه میکنند فوراً جبرئیل نازل شد و این سوره را
آورد پیغمبر باو فرمود ای جبرئیل بسیار شوق لقای ترا داشتم عرض کرد ای رسول
خدا منهم مشتاق جمل شما بودم ولی چه کنم بنده مأمور هستم تا پروردگار امر
نکند نمیتوانم بیایم و آیهای آورم آن حضرت چون جبرئیل را دید تکبیر گفت
و از این جهت سنت شد که چون کسی مدتی دورت خود رانده بیند وقتی او را مشاهده
نموده تکبیر بگوید پروردگار سو کند یاد کرد بروز روشن و هنگام ظهر و شب
تار و هنگام آرامش آن که خدای تو ای محمد ﷺ هیچوقت ترا رها و ترك نکرده
و بر حضرت خشم ننموده آنکاء تسلیم میدهد خاطر مبارک پیغمبر را و میفرماید
آخرت برای تو بهتر است از این دنیای فانی و خدای تعالی ترا چندان عطا کند
که تو راضی باشی محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روزی
پیغمبر اکرم ﷺ وارد شد بخانه دخترش حضرت فاطمه علیها السلام دید آن بانوی
محترمه لباسی از پشم شتر پوشیده و با یکدست جو آسیا میکند و با دست دیگرش
پستان بدهان فرزندش میگذارد پیغمبر بحال دخترش رفت کرد و گریان شد و فرمود

ای، نور دیده تلخی دنیا بشیرینی آخرت تلافی خواهد شد حضرت فاطمه گفت الحمد لله علی نعمائه و الشکر علی آلائه جبرئیل نازل شد و آیه و لسوف یعطیک ربک فترضی را آورد حضرت صادق علیه السلام فرمود سو کند بخدا آن شفاعت است که پیغمبر و دخترش راضی شدند بآن .

(الم یجعدک یتیماً قاضی و وجدک ضالاً فهدی و وجدک عاثلاً فاعفی فام الیتیم فلا تقهر و اما السائل فلا تنهر و اما بمنعمت ربک فحدث) پروردگار در این آیه نعمتهائی که به پیغمبرش عطا فرموده تذکر میدهد و میفرماید آیا خدا تو را یتیم نیافت و در پناه خود جای داد چه پدر آن حضرت وفات کرد هنگامیکه مادرش باوحامله بود و در مدت دو سالگی مادرش نیز وفات نمود حضرت ابوطالب عم بزرگوارش او را در تحت تکفل و تربیت خود قرار داد و از فرزندان خودش محبوب تر بود نزد آن جناب و از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند چرا خداوند پیغمبر را یتیم نمود فرمود تا آنکه خدا تربیت او کند و هیچ مخلوقی بر او منت نداشته باشد .

ابن بابویه از زرارہ روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه را سؤال نمودم فرمود یعنی مردم بسوی تو پناه میآورند در صورتیکه یتیم مردم پناه میبرد و یتیم کسی را گویند که مانند او در فضیلت و شرافت نمی باشد و از اینجمله حضرتش را درة الیتیمه می نامند زیرا آن بزرگوار فرداست و مثل و مانندی برای او نیست و تو را در بیابان مکه گم شده و حیران یافت در طفولیت و بتو رهنمائی کرد خلائق را و استان گم شدن آن حضرت بدین قرار است: مدت شیرخوارگی رسول خدا که تمام شد حلیمه سعدیه او را بمکه آورد تا بعد المطلب برساند وقتی بدروازہ مکه رسید هاتقی صدازد ای بطحای مکه مبارک باد تو را که امروز نور و بهار جمال و زینت عالم بسوی تو آمد حلیمه آن حضرت را رها کرد و دنبال قضای حاجت رفت چون باز گشت او را نیافت فریادی کرد و جامه چاک زده و هر کس را میدید سؤال میکرد کودکی را باین شکل و شمائل ندیده اید، وقتی مأیوس شد با خود گفت من چه عذری آورم حضور عبد المطلب آنگاه با خود گفت اگر باز نیابم او را خود را از این کوه بزیر افکنم تا از این غم رها شوم مردی دست حلیمه را گرفت نزد

بی بزرگ هبل برد و گفت ای دستگیر ما در نوائب و شدائد تو منت های بسیاری بر قریش داری این سعدیه کودکی بنام **عَدَّ** **عَدَّ** گم کرده پرمایشتنه و مارا باو راهنمایی کن حلیمه میگوید چون آن مرد نام **عَدَّ** را نزد هبل برد هبل و تمام پنها بروی در افتادند هاتمی صدا زد ای مرد به خرد دور باش این چه سخنی است میگوئی نمیدانی که نابودی این پنها بدست **عَدَّ** خواهد بسود آن مرد از شدت ترس لرزید و روی بمن کرد و گفت ای حلیمه دل مشغول مدار این **عَدَّ** که تو میگوئی خدائی دارد که او را حفظ مینماید حلیمه گفت عبد المطلب با خبر شد گمان کرد قریش باو صدمه ای وارد کردند شمشیر کشید و فریاد کرد ای آل غالب تمام قریش جمع شدند گفتند ای سید ما ترا چه میشود فرمود فرزندانم **عَدَّ** گم شده تمام قریش در صدد جستجو بر آمدند او را نیافتند چون مأیوس شد داخل خانه کعبه شد طواف کرد آنگاه سر بآسمان بلند نمود عرض کرد ای پروردگار! **عَدَّ** افسوس ما هر گردان منادی صدا زد جزع نکن خدای **عَدَّ** او را نگاه میداره او در وادی تهامه نزد فلان درخت است عبد المطلب با ورقه بن نوفل بجانب آن درخت رفتند کوه کی رسیدند پاشاخ درخت بازی میکند سؤال کرد ای کودک تو کیستی چه عبد المطلب مدتی بود آن حضرت را زیارت نکرده بود جواب داد من **عَدَّ** بن عبدالله بن عبد المطلب هستم گفت جانم فدای تو باد او را بغل گرفت و با خود بزمه برد.

و بعضی گفتند معنای ضال مغرط در محبت است چنانچه خداوند حکایت میکند گفتار برادران یوسف را نسبت پیدر خود و میفرماید ان ابانا لقی ضال مبین و دیگر میفرماید تالله انك لقی ضالک القديم یعنی ما تو را در دوستی یوسف مغرط یافتیم.

و تو محتاج بودی توانگر نمود بمال خدیجه و اموال فنائیم و معنای دیگر آیه و وجدك عائلا فاغنی آنست خلائق عیال تو بودند در علم و دانش و احتیاج بتو داشتند، یافتند ترا در حالتیکه بی نیاز شدی بسبب وحی پرورده کار و سؤال نکردند از تو چیز را مگر آنکه جواب آنها را دادی و آنان بی نیاز شدند بدانش تو و

یافتند ترا گمنام در قومیکه نمیشناختند پیغمبر را سپس خداوند هدایت و راهنمایی نمود آنها را بوجود مقدس ابرسول گرامی بامت بگو یتیمان را میازارند و سائل را زجر میکنند یا چیزش بدهند و یا بخوبی جواب دهند

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره نمود بآن گشت سیاه و وسطی و فرمود من و آن کسیکه کفالت یتیم کند در بهشت مانند این دو انگشت هستیم و فرمود چون یتیم گریه کند عرش از گریه او بلرزد و فرمود هر کس دست محبت بر سر یتیمی فرود آورد بهر موئی که از دست او رود خداوند حسته ای در نامه عمل او بنویسد و فرمود اگر سؤال کنندگان دروغ نمیگفتند همانا اغنیاء و ثروتمندان هلاک میشدند آنگاه فرمود ای رسول ما نعمت پروردگارت را بازگو کن و آنچه خدا بر تو نازل کرده و امر فرموده از واجبات و محرمات و ولایت و فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام بمردم برسان.

پایان سورة الضحی

سورة انشراح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱) وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۲) الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۳) وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴) فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶) فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷) وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۸)

سوره انشراح در مکه نازل شده و هشت آیه و هجست و نه کلمه و صد و سه حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن بعضی در سوره والشمس بیان شد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر کس سوره انشراح را تلاوت کند یقین و عافیت باو عطا فرماید و اگر این سوره را بنویسد و با آب بشوید و شمعیکه سینه دره دارد یا بول او بند آمده آن آب را بیاشامد خداوند او را شفا مرحمت فرماید سوره انشراح مشتمل است بر ذکر نعمتیهائیکه پروردگار به پیغمبرش عطا فرموده

فوله تعالی (الم نشرح لك صدرك و وضعنا عنك ويزرك الذي انقض ظهرك ورفعنا لك ذكرك) ای رسول گرامی آیا ما تورا شرح صدر و همت بلند عطا نکردیم - رسول اکرم (ص) در اثر عداوت جن و انس با حضرتش دامنش وعلول بود، پروردگار با نزول آیات و وعده فتح و فیروزی دل مبارک او را خوش و روشن گردانید - در بعضاثر الدجیات از حضرت صاق (ع) روایت کرده فرمود خداوند بولایت امیر المؤمنین (ع) دل مبارک پیغمبر اکرم را روشن نمود و در اثر فتح مکه و اسلام آوردن قریش سینه حضرتش را باز و باوتوانائی داد -

آیا بار گرانست را فرو تنهادیم یعنی تکلیف بر تو آسان کردیم یا بار گران از دل تو برداشتیم بسبب آمرزیدن گناه امت چه گناه امت بار گرانی بود بر دل

ترجمه سوره انشراح

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول گرامی آیا ماسینه تورا گشاده نکردیم (۱) و بار سنگین را از پشت تو برداشتیم (۲) باریکه ممکن بود پشت تورا گران دارد (۳) و نام تورا در جهان بلند کردیم (۴) پس بدان بابر دشواری آسانی است (۵) و بابر سختی راحتی و آسانی است (۶) پس چون قارغ شدی از تبلیغ رسالت علی را منصوب بدار و بسوی پروردگار خود همیشه مشتاق باش و عبادت کن (۸)

پایان ترجمه

پیغمبر اکرم (ص) خداوند آن را برداشت و بعضی گفتند وضع بمعنای عصمت است و وزیر بمعنای گناه یعنی تورا معصوم قرار دادیم و گناه از تو سر نخواهد زد و بار سنگین جنگها را که پشت را میشکست بواسطه یاری علی (ع) برداشتیم و نام نیکوی تورا در عالم بلند کردیم طبری از ابی سعید خدری روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود جبرئیل از پروردگار سؤال نمود چگونه نام محمد (ص) را بلند نمودی پروردگار فرمود نام محمد (ص) را بنام خود پیوستم و هر که گوید اشهدان لا اله الا الله نپذیرم و قبول نکنم از او تا آنکه بگوید و اشهدان محمد رسول الله و حسان در شعر خود اشاره باین حدیث کرده میگوید:

من الله مشهود بلوح و یشهد	اعز علیه بالنبوة خاتم
اذا قال فی الخمس المؤمن اشهد	و ضم الاله النبی الی اسمه
فذل العرش محمود هذا محمد	و شق له من اسمه لیحله

(فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا فاذا فرغت قانصب والی ربك فارغب) بدانکه بابر دشواری و سختی آسانی هست و یا هر رنجی راحتی است یعنی این رنج و سختی که از مشرکین و منافقین بتو میرسد از پس آن ظفر و آسایش خواهد بود و چون از حجة الوداع و تبلیغ رسالت قارغ شدی منصوب کن علی (ع) را بولایت و امامت و وصایت و پیوسته مشتاق لقای حق باش و از خلائق

بگسل و دل بسوی خدا بزند که کافی است تورا -

در کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود یعنی وقتی فارغ شدی از تبلیغ رسالت و واجبات و محرمات و احکام منسوب کن علی (ع) را بخلاف و ولایت و وصایت و اعلان نما فضیلت او را آشکارا تا مردم هدایت بشوند بوجود مقدس ملی امیر المؤمنین (ع) و بسوی پروردگار در امر نصب کردن علی (ع) راغب شو و میل نما و مشتاق باش و بتگرانی و کسراحت منافقین متوجه مباش. و این حدیث را ابن شهر آشوب و صاحب بئائر الدرجات و محمد بن عباس و جمع بسیاری از اصحاب حدیث بطرق عدیده از ائمه معصومین علیهم السلام روایت کرده اند

پایان سوره انشراح

سورة التين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (۱) وَطُورِ سِينِينَ (۲) وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴) ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ قَبِيرٌ مَمْنُونٍ (۶) فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّكْرِ (۷) أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ لِمَا كَيْمِينَ (۸)

سوره التین در مکه نازل شده و هشت آیه و سی و چهار کلمه و صد و پنجاه حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرموده هر کس سوره التین را در نمازهای واجب و یا مستحب قرائت کند خداوند در بهشت عطا کند باو چیزی که راضی باشد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند نوشته شود برای او اجر و پاداش بی شمار و اگر مسمومی قرائت کند آن را عیش بر طرف گردد و چنانکه بر طعام خوانده شود و آن طعام را بخوره هیچ ضرری نبیند هر چند در آن زهر ریخته باشند سوره التین مشتمل است بر عظمت آفریدگار که مستحق پرستش است و خلقت انسان و تطور احوال او و توییح و سرزنش کسانی که تدبر و تفکر نمیکنند و تکذیب مینمایند روز حشر و قیامت را

قوله تعالی . (والتین والزیتون وطور سینین وهذا البلد الامین لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم ردناه اسفل سافلین) سوگند بانجیر و زیتون و بطور سینا و بشهر مکه که ما انسان را در مقام خلقت بیشکوترین صورت بیافریدیم سپس بواسطه کفران نعمت به پست ترین رتبه پیگردانیم -

ترجمه سوره التین

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو کند بانجیر و زیتون (۱) و قسم بطور سینا (۲) و سو کند باین شهریکه
ایمان است (۳) همانا ما آدمی را به نیکوترین صورت بیافریدیم (۴) سپس به
پائین ترین مرتبه برگردانیم (۵) مگر آنهاییکه بخدا ایمان آورده و عمل شایسته
بجا آورند پس برای ایشان پاداش بدون منت خواهد بود (۶) پس ای انسان چه
تورا واداشت که تکذیب کنی روز جزا را پس از ظاهر و هویدا بودن آن (۷) آیا
خدا عادل و حاکم ترین حکم کننده گان (۸)

خجست

پایان ترجمه

ابن بابویه ذیل آیات فوقی از حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت کرده
فرمود خداوند از میان شهرها چهار شهر را برگزیده یکی تبین که مدینه منوره
است دوم زیتون که بیت المقدس است سوم طور سینین که کوفه است چهارم بلد امین
که مکه میباشد.

و از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود تاویل تبین و زیتون حضرت امام
حسن (ع) و امام حسین (ع) و طور سینین علی بن ابیطالب (ع) و ولایت آنحضرت
میباشد که منافقین تکذیب کرده اند آن را و بلد امین پیغمبر اکرم (ص) است.
و در مناقب از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ذیل آیه ثم ودرناه اسفل سافلین
روایت کرده فرمود آیه درباره تبیین و عدی نازل شد چه در اثر بغض و عداوتیکه آنها
با امیر المؤمنین علیه السلام داشتند خداوند ایشان را در پستترین مکان دوزخ
جای دهد.

(الذین آمنوا و عملوا الصالحات قلهم اجر غیر ممنون فما یکذبک بعد
بالدین ایس الله باحکم العاکمین) مگر آنانکه بخدا ایمان آورده و نیکو کار
شدند بآنها پاداش دائمی بهشت عطا کنیم پس ای انسان ناسپاس مشرک چه واداشت
تورا که تکذیب روز جزا بنمائی و منکر قیامت شوی آیا خدای مقتدر حکم فرمای

عالم نیست و استفهام در آیه استفهام تقریری است یعنی البته هست -

احمد بن عبدالله مؤدب و ابن جریر که هر دو از علماء عامه هستند از ابی هریره و ابن عباس روایت کردند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه ام هانی خواب رفته بود چون بیدار شد محزون بود ام هانی سبب حزن حضرتش را سؤال نمود فرمود در خواب قیامت و احوال آن بهشت و نعمتها و جهنم و انواع عذاب را مشاهده کردم ممویه و عمرو بن عاص را در وسط دوزخ دیدم فریاد میزدند و هر سر آنها سنگهایی از زبانه آتش فروه میآوردند و بایشان میگفتند چرا ایمان بولایت امیر المؤمنین علیه السلام نیاوردید رسول اکرم (ص) فرمود در آنحال از پشت پرده عظمت پرورده گار علیه السلام را مشاهده کردم خوشحال و خندان است و میگوید پروردگار من و خدای کعبه حکم فرمود عیان من و دشمنانم سپس پیغمبر فرمود خداوند دشمنان علی را به جهنم میفرستد آنگاه علی در موقف توقف مینماید و شفاعت میکند برای اهل بیت و ذریه و شیعیان خود -

و از محمد بن فضیل روایت کرده گفت تفسیر سوره التین را از حضرت رضا علیه السلام سؤال نمودم فرموده تین و زیتون حضرت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و طور سینا امیر المؤمنین علیه السلام و البلد الامین رسول اکرم (ص) است هر کس اطاعت و فرمان برداری نماید از آنحضرت ایمن باشد از عذاب جهنم و اسفل سافلین و کسانی هستند که نقض کردند عهد و پیمانی که پیغمبر از آنها گرفت در باره ولایت امیر المؤمنین علیه السلام الاالدین آمنوا امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان آنحضرت هستند و دین ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام میباشد

پایان سوره التین

سوره علق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اِقْرَأْ
 وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ
 كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاجٍ (۵) أَنْ رَأَاهُ اسْتَفْتَى (۶) إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ
 (۸) أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ (۹) عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ (۱۰) أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَتْ
 عَلَى الْهُدَىٰ (۱۱) أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ (۱۲) أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۳)
 أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ (۱۴) كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)
 نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶) فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷) سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸)
 كَلَّا لَا تَبْلُغْ وَأَنْتَ بَالِغٌ (۱۹)

سوره علق در مکه نازل شده و نوزده آیه و هفتاد و دو کلمه و دویست و هشتاد

حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
 فرمود هر کس سوره علق را تلاوت کند در شب و یا روز اگر در آن روز بمیرد
 شهید از دنیا رفته است و مانند کسی است که با شمشیر در راه خدا جهاد نموده و
 کشته شده و در آخرت مبعوث میشود با شهداء.

و در خواص قرآن: از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر کس این
 سوره را قرائت کند خداوند پادشاه عطا کند اجر کسیکه سوره های مفصل قرآن را
 قرائت نموده و اگر آن را در کشتی قرائت کند از غرق شدن ایمن باشد و چنانکه
 بر مخزنی خوانده شود از دزد و هر آفتی سالم بماند.

ترجمه سورة علق

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول بنام پروردگار که آفریننده مخلوقات است بخوان (۱) آن خدائیکه آمدی را از خون بسته آفرید (۲) بخوان بنام پروردگار که گرامی تر است (۳) آن خدائیکه آمدی را با خط و قلم آموخت (۴) و آنچه نمیدانست بساو تعلیم نمود (۵) چرا انسان این قدر غفیان و سرکشی میکند (۶) چون خود را غنی و بی نیاز می بیند (۷) همانا بسوی پروردگار خود باز خواهد گشت (۸) آیا می بینی آنکس را که باز میدارد (۹) آن بنده را که نماز میگذارد (۱۰) آیا چه می بینی اگر آن بنده نماز گذار براه هدایت و راست باشد (۱۱) و مردم را به پرهیزگاری امر میکند (۱۲) آیا چه می بینی کسیکه حق را تکذیب کند و روی برگرداند (۱۳) آیا ندانست که خدا می بیند او را (۱۴) نه چنین است اگر بساو نایستد موی پیشانی او را بگیریم (۱۵) و آن پیشانی دروغ زن خطا پیشه را (۱۶) آنگاه هر کس را از عشیّه خود میخواهد بخواند تا از هلاکت برهاند (۱۷) و ما هم فرشتگان عذاب را بخوانیم که زیانه دوزخ را بگیرند و او را بسوی آتش بکشند (۱۸) چنین نیست که کافران گمان کرده اند تو فرمان آنها میر و به سجده خدا پرداز و بحق نزدیک شو (۱۹)

پایان ترجمه سورة علق

سورة علق مشتمل است بر امر بقرائت کرم اسم پروردگار و در طغیان و سرکشی کردن اغنیاء و ثروتمندان و توییح مشرکین قریش و ابوجهل و تهدید ایشان بآتش دوزخ .

قوله تعالى (اقرأ باسم ربك الذی خلق الانسان من علق اقرأ وربك الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم) علی بن ابراهیم از ابن عباس روایت کرده که پیش از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خوابهای راست و نیکو می دید و تاویل آنها مطابق آنچه دیده بود واقع میشد و تنها بطرف کوه حرا تشریف میبرد روزی بر

کوه حرا نشسته بود جبرئیل او را صدا زد ولی ظاهر نشد بر او آنحضرت مدهوش شد مشرکین او را بخانه خدیجه بردند خدیجه حضرتش را در بغل گرفت و سر مبارکش را میان دامن خود گذاشت و بوسید عرض کرد تو را چه میشود پسر و مادرم فدایت کرده پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و استان خود را برای خدیجه بیان نمود خدیجه بسیار مسرور و خرم شد و گفت سنایش میکنم پروردگاری را که توفیق بمن عطا فرمود و شوهرم را پیغمبر مرسل قرار داد آنگاه گفت فردا هم بکوه حرا تشریف ببرید فرمود میروم سحرگاه نیز بکوه حرا تشریف برد طولی نکشید جبرئیل امین به نیکوترین صورت و خوشبو ترین رایحه بر حضرتش ظاهر شد سلام کرد و گفت ای محمد (ص) پروردگانت سلام میرساند و تو را بتحیت و اکرام مخصوص گردانیده و میفرماید تو رسول و پیغمبر من هستی بر تمام مخلوقاتم از جن و انس و سایر موجودات دیگر بخوان آنها را بسوی من و بگویند و اعتقاد پیدا کنند به لا اله الا الله محمد رسول الله ملی ولی الله آنگاه بزمین زد چشمه آبی نمایان شد پیغمبر از آن آب آشامید و وضو گرفت سپس پنج آیه از سوره علق را بر حضرتش خواند و با آسمان بالا رفت آن حضرت از کوه حرا بزیب آمد و عبور نمیکرد بدو دعای و گیاه و دیواری مگر آنکه آنها با صدای رسا سلام میکردند و میگفتند السلام عليك یا رسول الله خدیجه در انتظار آن بزرگوار نشسته بود ناگاه مشاهده کرد پیغمبر وارد شد ولی چنان جلوهای نمود که خدیجه معوج جمال و نور حضرتش شد و خرم و شادان گشت که فوق آن تصور نمی شود و نزد ورقه نوفل هموی خود رفت و داستان آنحضرت برای او بیان کرد نوفل این اشعار را در جواب خدیجه انشا کرد -

حديثك ايانا و احمد مرسل

من الله وحي يشرح الصدر منزل

و يشقى به الفاوى الشقى المذل

و اخرى باغلال الجحيم مذل

فان يك حقا يا خديجة فاعلمى

وجبرئيل ياتيه و ميكال معها

ينوز به من فاز عزا لدينه

فريقان منهم فرقة فى چنانه

ای خدیجه گراین داستانی که برای من بیان نمودی راست باشد البته احمد (ص) پیغمبر مرسل و خاتم پیغمبران است جبرئیل و میکائیل بر او فرود می آیند و وحی از طرف پروردگار یسوی او میرساند آنوحی سینه ها را گشاده گرداند و شرح صدر بمردم عطا کند دستگار میشود بآن کمیکه بخواهد عزیز و دستگار شود در دین حق و افزوده گردد طفیان و سرکشی مستگران. مردم در اثر فرمان برداری و نافرمانی از او دو فرقه باشند طایفه ای در بهشت منتعم و جمعی در دوزخ بفل و زنجیر بسته شوند

پروردگار در ابتداء وحی خطاب نموده به پیغمبرش فرموده ای رسول گرامی بخوان این قرآن را بنام پروردگارت یعنی در ابتداء قرائت. نام او بر همان پروردگازیکه آفریننده موجودات است و اشیاء را از کتم عدم بمرسه وجود آورد به مقتضای حکمت و مصلحت پس از آن تخصیص میدهد انسان را بذکر از میان تمام مخلوقات برای شرافت و تمیز داشتن او از سایر حیوانات و میفرماید همان خدائیکه انسان را بیافرید از خون بسته بعد از آن برای تاکید باریکرمیفرماید بخوان این قرآن را بنام پروردگار خود که کریمترین کریمان عالم است آن خدائیکه مردم را علم نوشتن بقلم آموخت.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود قلم یکی از نعمتهای خداوند است و اگر قلم نبود من و ملک استقامت و پایداری نپوه و عیش صالح و جود نداشت

و بآدمی پیاموخت آنچه را نمیدانست مراد بانسان آدم ابوالبشر است چه میفرماید و علم آدم الاسماء کلها و ممکن است انسان در اینجا جود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد چنانکه میفرماید و علمك عالم تكن تعلم (کلان الانسان لطفی ان راه استغنی ان الی ربك الرجعی) بحقیقت آدمی طافی و گردنکش است چون توانگر و بینیاز گردد و از حد خود بیرون رود -

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در دعا میفرمود خدایا من پناه بتو میبرم از فقر و مستمندی که مرا از نظر و یاد مردم میبرد و پناه میبرم بتو از توانگری و غنائیکه مرا بفکر

و طغیان و سرکشی و فرور و امیدارد و یا غی میکند آنگاه فرمود بدانید که باز گشت همه خلائق بسوی پروردگار است تا جزا و کیفر دهد آنها را که طغیان و سرکشی کردند (ارایت الذی ینهی عبدا اذا علی ارایت ان کان علی الهدی او امر بالتقوی) این آیه در باره ابوجهل وارد شده و داستان آن بدین قرار است: روزی ابوجهل بقریش گفت آیاه محمد را دریدم اید که نماز میخواند و سورت *بناک میمالد* و شمارا رها میکند گفتند بلی گفت سو کند به لات و عزری اگر به بینم او نماز میخواند پای در گردش میگذارم و او را *هلاک* میکنم آنها گفتند در این ساعت مشغول بنماز است رفت تا رسول خدا را اذیت و آزار نماید دیدند باز گشت باو گفتند چرا باز گشتی جواب داد چون خواستم حضرتش را اذیت کنم خندقی پراز آتش میان خود و او مشاهده کردم و شخصی را دیدم خواست آتش بروی من بریزد فرار کردم در این وقت جبرئیل فرود آمد و آیات را آورد فرمود ای رسول ما آیا دیدی آنکس را کسه مسخره میکرد و میخواست تورا بازماند از نماز آنها چه حکم میکنی در باره محمد *صلی الله علیه و آله* که تو میخواستی از نماز و معروف باز داری اگر او را براه راست باشد و خلق را بتقوی و پرهیز کاری امر کند شما مردم بر چنین کسی که حق را تکذیب میکند و از رسول او روی بر میگرداند چه رأی میدهید و مستحق چه عذابش میدانید آیا آنکس نمیدانست که خدا اعمال زشت و کردار او را می بیند و از او انتقام میکشد نه چنین است اگر او از کفر و ستم و تکذیب دست نکشد البته خداوند موی جبین او را بقر و انتقام بگیرد و پیشانی آن دروغ زن و خطا پیشه را *بناک هلاک* در کشد آنگاه هر کرا خواهد از عشیره خود بخواند تا از هلاکش برهاند.

چه ابوجهل به پیغمبر گفت البته این وادی را پر از اسبان ابلق و مردان شجاع کنم که با تو قتال کنند خدای تعالی آیات کلاثن لم ینته لنسفا بالناسیه تا آخر سند (الزبانیة) را نازل نمود و فرمود در جواب ابوجهل ما هم فرشتگان قهر و عذاب را بخواهیم تا زبانیه دوزخ را بر گیرند و او و کسانی را که بیاری خود خوانده بسوی جهنم بکشند چنین نیست که ابوجهل خیال کرده که تورا بزجر مطیع خود

گردد اند) کلا لا تعلع واسجد واقتررب سجده کردن و قرائت این آیه و یا شنیدن آن واجب است. فرمود ابرسول ما تو هیچ از ابوجهل اطاعت نکن و بنماز و سجده خدا به پردازد و بحق نزدیک شود چه نماز و سجده موجب قرب به پروردگار است. در کانی ذیل آیه فوق از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود بهترین حالات مردم نزد خداوند سجده آنها میباشد و خواندن این سوره در نماز واجب جایز نیست چه حین قرائت واجب میشود به سجده و از این جهت ماحی نماز است.

پایان سوره علق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) وَمَا أَزْيَبَكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲) لَيْلَةُ الْقَدْرِ
خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳) تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ
كُلِّ أَمْرٍ (۴) سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

سوره قدر در مکه نازل شد و پنج آیه و سی و سه کلمه و صد و دوازده
حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود
هر کس سوره قدر را صدای بلند قرائت کند مانند کسی است که شمشیر کشیده
در راه خدا جهاد مینماید و هر که آهسته آنرا قرائت کند مثل آنستکه در راه
خداوند بخون خود غوطه‌ور است و هر کس ده مرتبه آن را قرائت نماید خداوند
هزار گناه او را بپارزد.

این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره قدر را
تلاوت کند در نمازهای واجب منادی ندا کند ای بنده خدا آمرزیده شده‌ای
اعمال خود را از نو بگیر .

در خواص قرآن از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر کس این
سوره را قرائت کند مثل آنستکه یکماه روزه گرفته است و اگر در شب قدر آن
را قرائت کند ثواب جهاد کند گان در نامه عمل او نوشته شود و اگر بر مخزنی
بخواند از هر آفتی سالم بماند و اگر آن را بر طرف جدیدی بنویسد و صاحب
لغوه بر آن نظر کند خداوند او را شفا دهد و اگر بر طلا و نقره و یا اثاث خانه
بخواند و آنها را ذخیره کند مبارک شود برای او آن اشیاء .

سوره قدر مشتمل است بر بیان فضیلت شب قدر و آنکه عبادت و تقرب

ترجمه سوره قدر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ما این قرآن را در شب قدر فرستادیم (۱) تو را چه چیز دانا کره که شب قدر چیست (۲) شب قدر بهتر است از هزار ماه (۳) در آن شب فرشتگان و روح برخواست پرورده گارشان از هر فرمان فرود آوردند (۴) در آن شب رحمت و سلامتی و تنهیبی است تا دمیدن صبح (۵)

پایان ترجمه سوره قدر

در آن شب بیش از سایر شبهای ایام سال است و قرآن در شب قدر نازل شده است.

قوله تعالى (انا انزلناه في ليلة القدر وما امرک ما ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من کل امر سلام هي حتی مطلع الفجر .

سبب نزول این سوره بدین قرار است: در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود:

رسول خدا در خواب دید بنی امیه بالای منبر حضرتش رفتند و مردم را بسوی گمراهی و زمان جاهلیت سوق میدهند و از دین اسلام برمیگردانند حضرتش از خواب برخاست در حالتیکه معزونی و دلشنگ بود جبرائیل نازل شد پیغمبر اکرم را بخواب خود را برای او بیان کرد گفت یا خدائیکه تو را بر مسالت فرستاده عن ~~قرآن~~ عیضوع اطلاعی ندارم آنکس که بآسمان صعود کرده طولی نکشید فرود آمد و سوره قدر را آورد پرورده گار فرمود ما شب قدر را بتو عطا کردیم و آن بهتر است از هزار ماه که بنی امیه سلطنت میکنند.

طبرسی از ابن عباس روایت کرده که حضور پیغمبر اکرم (ص) عرض کردند از بنی اسرائیل مردی بود که هزار ماه اسلحه بکمر خود بسته و در راه خدا جهاد میکرد.

پیغمبر اکرم (ص) فرمود اینکاش در میان امت من هم چنین مردی وجود داشت ولی خداوند عمر های امت مرا کوتاه و کمترین عمر های امتها قرار داده جبرئیل نازل شد و سوره قدر را آورد پروردگار فرمود ما شب قدر را بتو عطا کردیم و آن بهتر است از هزار ماه که شخص بنی اسرائیلی در راه ما جهاد نموده.

و فرمود یکی از بزرگی و منزلت شب قدر آنست که ما قرآن را در آن شب نازل کردیم ، و ما در بخش اول تفسیر بیان نموده ایم که پروردگار تمام قرآن را یکدفعه در شب قدر پائین دنیا و قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل فرمود سپس در مدت بیست و سه سال بتدریج از باطن و آسمان دنیا بتوسط جبرئیل بمناسبت بروز حوادث بمرحله ظاهر نازل فرمود اما شب قدر نامیده شد چه در آن شب جمیع مقدرات بشر تا سال آینده معین میشود از قبیل اجلها و ارزاق و موت و حیات و غنا و ثروت و فقر و احتیاج و غیر و شر و هر امری که باید تحقیق پیدا کند.

و دیگر قدرش میگویند برای منزلت و شرف آن و تنگ شدن زمین در اثر فرود آمدن فرشتگان بسیاری بر زمین و بعضی از عابه گمان کرده اند که شب قدر اختصاص دارد به عصر پیغمبر اکرم (ص) و گمان آنها باطل است ، طبری از ابوذر غفاری روایت کرده که از رسول خدا سؤال نمود شب قدر اختصاص دارد بزمان پیغمبران یا بعد از ایشان هم شب قدر میباشد فرمود شب قدر تا قیامت هست و وجود دارد عرض کردم چه وقت است فرمود در ماه رمضان است .

و در حدیث دیگر فرمود طلب کنید شب قدر را در عشر آخر ماه رمضان و احادیث بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که شب قدر از این سه شب بیرون نیست: نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم.

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مردی از طایفه جهنیه حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شد عرض کرد ای رسول خدا منزل من تا مدینه دور

است تقاضا دارم راهنمایی فرمائید مرا شب قدر تا حد آنشب مدینه آیم و مشغول عبادت شوم در حضور شما پیغمبر اکرم بیست و سوم ماه رمضان را برای او تعیین فرمود و از این جهت آنشب معروف شد شب جهنیه . کیفیت . احکام شب قدر در کتب ادعیه بیان شده است

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام مکرر باصحاب خود میفرمود هیچ وقت اولی و دومی حضور پیغمبر نرسیدند مگر آنکه آنحضرت با گریه و خشوع سوره قدر را برای آنها قرائت میفرمود عاقبت روزی ایشان گفتند ای رسول خدا جهت چیست این قدر سوره قدر را برای ما قرائت میفرمائید فرمود بخاطر کسیکه مشاهده میکنم او را چشم و حفظ کردم و جای دادم او را در قلب خود و اشاره فرمود بمن .

و دیگر فرمود برای چیزی که علی علیه السلام آن را بعد از من مشاهده مینماید سؤال نموده ای رسول خدا شما و علی چه چیز مشاهده مینمائید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آید تنزل الملائكة والروح فیها باذن ربهم من کل امرئ بها انگشت مبارک روی زمین نوشت سپس فرمود بها آنها آید بعد از قول خداوند که میفرماید من کل امرئ چیزی دانی مینماید که نازل نکند مرض کردند خیر ای رسول خدا فرمود آیا میدانید بچه شخصی نازل میکنند در شب قدر هر چیزی را گفتند پر شما نازل میکنند ای رسول گرامی فرمود آیا بعد از من شب قدر وجوه وارد عرض کردند بلی فرمود فرشتگان بعد از من در شب قدر بچه شخصی نازل میشوند وامورات هر چیز را فرود میآورند گفتند نمیدانیم در آنوقت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سر مرا در بغل گرفت و فرمود بدایید بر این علی فرشتگان و روح نازل میکنند هر چیز را بعد از من در شب قدر و چون شب قدر فرا میرسد بعد از پیغمبر اکرم (ص) چنان خوف و ترسی بر آنها غالب میشد که تصور آن نمیتوان کرد بخاطر آنکه میاد امر و دستوری از پروردگار برای کیمر و نابودی ایشان برسد و آنها بخوابی شب قدر را میشناختند و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که بشیعیان میفرمود شما با مخالفین بوسیله سوره قدر حجت آورید تا غالب و رستگار شوید سوگند بخدا سوره قدر حجت خدا

است از برای خلاق بعد از پیغمبر اکرم و آن سوره بزرگه دین شما شیعیان و نهایت علم ما ائمه است حجت پیاوردی برای مخالفین بهم و الكتاب المبین انا انزلناه فی لیلۃ مبارکۃ انا کنما نذیرین. و منقرضین بعد از پیغمبر اکرم (ص) صاحبان امر بتنهائی هستند ای طایفه شیعه خداوند در قرآن کریم میفرماید و ان من امة الا خلا فیها نذیر شخصی حضورش عرض کرد ای فرزند رسول خدا نذیر این امت پیغمبر اکرم (ص) بود و فرمود بلی راست میگوئی آیا زمانی که پیغمبری مبعوث نشود روی زمین و در افطار عالم نذیری هست یا خیر سائل عرض کرد نذیری نیست آنحضرت فرمود آیا از برای خداوند نذیر نیست چنانکه رسول خدا که فرستاده او بود نذیر هم بود سائل گفت بلی برای خداوند نذیر میباشد فرمود پس بدان پیغمبر اکرم (ص) نرات از دنیا مگر آنکه نذیری از برای او بود و اگر بگوئی نذیری نبود لازمه این سخن آنست که پیغمبر اکرم (ص) ضایع و باطل و عاطل گناشته کسانی را که مداخله مردان امت او بودند و بعد از آنحضرت بدینا آمدند سائل عرض کرد مگر قرآن کافی نیست از برای مردم فرموده بلی کافی است در صورتیکه بیایند تفسیری برای آن عرض کرد مگر پیغمبر اکرم (ص) تفسیر تفرموده آنرا فرمود تفسیر فرموده پیغمبر اکرم (ص) قرآن را برای یکنفر و بیان نموده قد و منزلت و شأن او را برای امت و آن شخصی علی بن ابیطالب علیه السلام است. سائل عرض کرد. پس این امر اختصاص دارد بزمان امیر المؤمنین علیه السلام و عمومیت ندارد برای ازمنه بعد فرموده خداوند امتناع دارد از آنکه او را پرستش کنند و نبوده باشد مذهب عصر و زمانی کسی که او را بشناساند بمردم و این امر نذیری و امانت امری بود که اظهار تفرمود آن را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مگر در وقت و اولن خود. خداوند امور را موقوف بوقت معین قرار داده است چنانکه رسول اکرم (ص) رسالت خود را از خدیجه عیال خود هم پنهان میداشت تا آنکه خداوند امر و دستور داد آشکارا رسالت و نبوت خود را اعلام نماید سائل گفت پس صاحب دین باید امر خود را پنهان بدارد فرمود مگر امیر المؤمنین علیه السلام امر خود را پنهان نداشت از آن زمان که به پیغمبر ایمان آورد تا وقتیکه امر شد باو اظهار بدارد سائل عرض کرد بلی چنین است آنحضرت فرمود:

ما ائمه هريك امر خود را پنهان ميداريم تا وقتيكه مأمور شويم بر اظهار آن
و بسند ديگر از آنحضرت روايت كرد:

فرمود ابتداء خلقت چون خداوند منيا را آفريد خلق نمود شب قدر را و پيغمبر
و اوصياء او را و در قضاء الهی گذشته بود كه بايد در هر سال يك شب از جانب خداوند
تفسير و امور آن سال تا سال ديگر فرود آيد بر پيغمبر و اوصيا او و هر كس آن
شب را انكار نمايد علم خدا را رد و انكار نموده و قيام نميكنند پيغمبران و اوصياء
آنها و محدثين مگر آنكه براي ايشان از طرف پروردگار حجتی باشد و در شب قدر
آن را جبرئيل و فرشته روح بياورند شععی عرض كړ آيا بر اوصياء و محدثين
جبرئيل و فرشتگان نيز نازل ميشوند فرمود شكی نيست كه خداوند از ابتداء دنيا
تا انتهای آن در روی زمین حجتی براي خود قرار داده و معين فرموده روح و ساير
فرشتگان با او امر پرورده گار در شب قدر بر آن حجت نازل ميشوند. سو گند بخدا آدم
از دنيا نرفت مگر از براي او وصی بود و همچنين پيغمبران بعد از آدم و بر تمام اوصياء
در شب قدر امر خداوند را فرشتگان و روح نازل مينمودند و خداوند آيه ذيل را
اختصاص داده با اوصياء و صاحبان امر بعد از محمد صلی الله علیه و آله و درباره آنها فرموده:

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما
استخلف الذين من قبلهم تا آخر آيه ۵۵ سوره نور فاولئك هم الفاسقون،

خدا بكمانيكه از شما بنندگان ايمان آورده و نيكوكار گرده وعده فرموده
در زمين خلافت دهد چنانكه امام صالح پيغمبران گذشته چنانچه پيشينيان خود شدند
و علاوه بر خلافت دين پسنديده آنان را كه دين اسلام است بر همه اديان ممكن
و تسلط عطا كند و بهمة مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ايماني كامل
بخشد تا مرا به يگانگي بدون شائبه شرك و ريا پرستش كنند و بعد از آن هر كه
كافر شود بحقيقت همان فاسقان تيه كارند آنحضرت فرمود ما ائمه همان خليفههاي
خدا ميباشيم كه توانائي داده ما را بعلم و دانش اي مردم سؤال نماييد از ما اگر
تصديق كرديم شما را پس ثابت و برقرار باشيد و از جانب خود كاري انجام ندهيد و

برای و عقیده خود عمل نمائید همانا امر ائمه بسیار ظاهر و آشکار است سو گند
 بخدا حکم نموده پروردگار که نبوده باشد اختلافی بین مؤمنین و از اینجهت امامان
 را شاهد و گواه بر مردم قرار داده است و شیعیان ما باید گواه باشند بر مردم و
 خداوند منع فرموده از اختلاف در حکم یا آنکه بین اهل دانش تمایزی بوده باشد
 پس از آن حضرت باقر علیه السلام فرمود فضل و برتری ایمان مؤمن بجمعه انا انزلناه
 و تفسیر آن نسبت به کسیکه چنین ایمانی ندارد مانند فضل و برتری انسان است
 بر بهائم و خدای عز و جل دفع میکند بمؤمنین که بسوره قدر ایمان دارند عذاب
 را از منکرین آن در دنیا و بعد کمال میرساند عذاب را برای کسانی که میدانند
 که توبه نمیکنند از انکار نمودن سوره قدر (مقصود از شیعیان کسانی هستند که اعتقاد
 دارند به امامت دوازده امام زیر ابوجوه آن شخصیت های مقدس شب قدر باقی و برقرار است و
 در هر سال در شب قدر او امر پروردگار و مقدرات بشر بر آن بزرگواران نازل
 میشود

و در مقدمات بیان نمودیم که پیرکت آنها از مخالفین و عامه در دنیا عذاب
 بر داشته شده است

حضرت باقر علیه السلام فرمود در این زمان از برای مؤمنین جهادی بجز حج
 و عمره و ولایت ائمه نمی بینم شخصی عرض کرد حضورش ایفرزند رسول خدا مسئله ای
 دارم بر من غضب نکنید از جهت پرسش آن فرمود سؤال کن عرض کرد آیا اموری را
 که در شب قدر فرشتگان و روح بر شما ائمه نازل میکنند

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را میدانست و من یقین دارم که رسول خدا از دنیا
 درنگشت مگر آنکه تمام علومیکه دارا بود بامیرالمؤمنین تعلیم نمود و آن
 حضرت تمام آنها را حفظ نمود آنحضرت در پاسخ سؤال آنمرد فرمود چه تو را
 داخل این خانه نمود گفت قضا و قدر الهی مرا بحضور شما رسانید تا مسائل دین
 خود را از شما سؤال کنم و از روی فهم عمل نمایم فرمود پس بدان و حفظ کن آنچه را
 میگویم: شبیکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را بمعراج بردند از آنجا نزول اجلال نمود مگر

آنکه خداوند تمام علوم گذشته و آینده و حرات را باو تعلیم نموده و تفسیر بسیاری از آنها در شب قدر نازل میشود و تمام آن علوم را که پیغمبر در شب معراج فرا گرفت از پروردگار بامیر المؤمنین علیه السلام تعلیم فرمود و در شب قدر تفسیر آنها بر آنحضرت نازل میشد و ما آنکه عموماً همین طور هستیم آن شخص عرض کرد مگر تفسیر آن علوم را پروردگار نفرموده فرمود بلی و لکن باید تفسیر آنها آنچه مربوط بآینال است از جانب پروردگار مدشبهای قدسیست بهمان سال بر پیغمبر و اوصیاء بعد از آنحضرت نازل شود و دستور بگیرند از خداوند که این سال برای اموری که میدانستند چگونه رفتار و عمل نمایند

آن شخص عرض کرد ایفرزند رسول خدا تقاضا دارم واضح و روشن تریبان بفرمائید تا بفهمم فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفت مگر آنکه حافظ تمام علوم و تفسیر آنها بود سائل گفت پس چه چیز در شب قدر نازل میشود و چه دانشی افزوده میگردد در شب قدر برای پیغمبر و اوصیاء او فرمود امر بانجام دادن یا ندادن بعضی از چیزها در شب قدر نازل میشود و این علم را سابق پیغمبر و امام نمیدانست آن مرد گفت پس چه حادث می شود و زیاده می گردد در شب قدر از علم و دانش غیر آنچه میدانستند پیش از شب قدر آنحضرت فرمود دیگری پیش از این مأمور نیستم بشکاف اسرار و مصلحت امور و حکمت این کتمان را نمیدانند جز خداوند باز آن مرد زبان درازی کرد و گفت آیا علومشان زیاده تر است از علم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جهت گذشتن شبهای بسیاری از شبهای قدر فرمود غیر عرض کرده پس چگونه میداند وصی و امام علوم را غیر از آنچه از پیغمبر باو تعلیم نموده و وصیت کرده آیا ممکن است بگوئیم یکی از اوصیاء میداند علوم را که اوصیاء دیگر نمیدانند آنها را فرمود هیچ پیغمبری از دنیا نمیرود مگر آنکه تمام علوم او در سینه و پیش می باشد و در شب قدر روح و فرشتگان نازل می کنند حکم هر چیز را که باید پیغمبر و یا امام در میان بندگان حکم بفرمایند آن مرد گفت امام و پیغمبر پیش از شب قدر نمیدانستند حکم آن چیز را فرمود میدانستند حکم آن را و لکن مأموریت نداشتند بر امضاء آن حکم و عدم امضاء آن تا امر شود بآنها در شب قدر که چگونه باید در این سال

حکم کنند و رفتار نمایند آنمرد گفت ای فرزند رسول خدا من قدرت و توانائی ندارم که شب قدر را انکار کنم و اقرار و اعتراف دارم بتمام فرموده های شما حضرت باقر علیه السلام فرمود هر کس شب قدر را انکار کند از مانیست مجدداً آنمرد سؤال نمود آیا زیاد میدهد در شب قدر علم و دانش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و میداند چیزهایی را که پیش از شب قدر نمیدانست فرمود آنحضرت مدیاسخ آنمرد اینگونه سؤال برای شما جایز نیست. مگر نگفتم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تمام علوم گذشته و آینده را میدانست و از دنیا رفت مگر آنکه جمیع آنها را بوسی خود یاد داد و اوصیاء بعد از پیغمبر دارای تمام علوم میباشد و سؤالی که نمودی خداوند نهی فرمود پیغمبران و اوصیاء آنها را از آنکه آگاه گردانند کسی را از بندگان

آنمرد گفت چگونه بنمایم شب قدر را در هر سال فرمود ماه رمضان که داخل شد در هر شب یکصد مرتبه سوره حم دخان را قرائت کن چون شب بیست و سوم فرارسید مشاهده خواهی نمود آنچه را که سؤال نمودی و تصدیق خواهی کرد و می بینی که جنود شیطانی وارد میشوند بر اهل ضلالت و ارواح آنها و غیرهای دروغ بآنها میگویند و چون چنین شود ایشان میگویند در خواب چنین و چنان دیدم ایم و هر کس اعتقاد و ایمان بشب قدر داشته باشد میداند که آنشب اختصاص دارد بما ائمه چه پیغمبر هنگام وفات فرمود ای مردم علی علیه السلام بعد از من ولی و امام شماست اگر از او اطاعت و پیروی نمائید هدایت و رستگار خواهید شد و هر کس ایمان ندارد بعلی علیه السلام بشب قدر معتقد نیست و کسیکه اعتقاد دارد بشب قدر بجز آنچه ما میگوئیم او دروغ گو و کاذب است چه ذات مقدس پروردگار پاک و منزله از آنست که او امر خود را با روح و فرشتگان بسوی کافر و فاسق و تبکاری نازل نماید و چنین اشخاصی در گمراهی و ضلالت حیران و سرگردانند

و فرمود از علامت شت قدر آنستکه بوی خوشی میوزد و اگر زمستان است قدری از شهبای دیگر ملایم تر و چنانچه در تابستان است اندکی سرد و پاکیزه تر

در کافی از ابی یحیی صنعانی روایت کرده حضرت صادق علیه السلام میفرمود روزی جدم امیر المؤمنین علیه السلام قرائت نمود سوره انا انزلناه و احسنین حضور آن بزرگوار نشسته بودند حضرت امام حسین رو کرد پیدر خود گفت یا امیر المؤمنین علیه السلام می بینم هر وقت تلاوت می نمائید این سوره را حطی و لذتی از قرائت آن می برید فرمود چنین است ای فرزندان آن سوره چون بر جنت خاتم پیغمبران نازل شد بر من قرائت نمود و دست مبارکش را بر کتف من گذاشت و فرمود ایعلی و ایوصی من بر امت وای جهاد کننده با دشمنان من تا روز قیامت ، این سوره مخصوص تو میباشد بعد از وفات من و اختصاص فرزندان تو دارد بعد از تو بر ایدم جبرئیل مقتدرات و حوادث و پیش آمد های امت را در هر سال فرود آورد و نازل کند بر تو و فرزندان و شب قدر چنانکه بر من نازل می کند و خداوند در آن شب نور ساطعی در قلب تو و فرزندان اوسپائت وارد کند تا طلوع فجر

و شیخ طوسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده خانه امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام ، هجره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سقف آن عرش پروره گار بوه و زمین آن خانه منفذی داشت که کشیده شده عرش پرورد گار و محل نزول وحی و فرود آمدن فرشتگان بود هر صبح و شام و هر ساعت از شبانه روز و آن خانه مملو بوه از فرشتگان فوجی صعود مینمودند و فوج دیگر فروه می آمدند و هیچوقت فارغ نبود از تردد و رفت و آمد فرشتگان خدا بتمالی حجاب را برداشت از آسمانها برای حضرت ابراهیم تا مشاهده نموه عرش پرورد گار را و زیاده نموه قوای دیدگان او را تا عرش را دید و پرورد گار چنان زیاده کرده قوای دیدگان علیه السلام و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را بطوریکه نمی یافتند سقفی برای خانه خود جز عرش پرورد گار پس خانه آنها سقف بود عرش رحمن و فرشتگان نازل می شدند بر ایشان باذن پرورد گار و فرود می آوردند بر آنها هر امر و سلامی را شخصی سؤال نمود آیا باهرامری سلام هم بوه فرمود بلی گفت آن شخص این بیانات تنزیل آیه است فرمود بلی -

در صحیح ترمذی روایت کرده پس از آنکه مجبور شد حضرت امام حسن

ﷺ با معویه صلح کند شخصی ازجا بلند شد و با کمال جسارت بآنحضرت گفت
مؤمنین را روسیاه کردی ای حسن بن علی آن حضرت در پاسخ آنمرد فرمود اذیت
نکن مأمور بودم براین امر چنان پیغمبر اکرم ﷺ در خواب دید بنی امیه بر
منبرش بالارفتند محزون شد جبرئیل فرود آمد و سوره انا انزلناه را آورد پروردگار
فرمود ای محمد ﷺ محزون مباش شب قدر بهتر است برای تو از هزار ماه که بنی
امیه سلطنت می کنند ترمذی که یکی از علماء مخالفین است میگوید راوی گفت
ما شماره کردیم سلطنت بنی امیه را بدون روزی کم و زیاد هزار ماه بود.

حضرت باقر عجلیه فرموده فرشتگان و روح القدس در هر عصری بر امام زمان
در شب قدر نازل میشوند و حضور آنحضرت تقدیم میدارند آنچه نوشته شده و مقدر
گردیده در لوح محفوظ و مدود میفرستند و تحیات میآورند بر امام زمان تا طلوع
فجر مردی عرض کرد اینفرزند رسول خدا شامی شناسید شب قدر را فرمود چگونه
مانی شناسیم آن شب را و حال آنکه در آنشب فرشتگان از آسمان فرود می آیند
و بدور ما طواف میکنند و تحیت بر ما میفرستند و مقدرات تمام خلایق را بها
تسلیم میدارند.

در کافی از حضرت صادق ع روایت کرده فرمود در شب معراج پیغمبر
نماز بجا آورده چون فارغ شد از قرائت سوره الحمد در رکعت اول خطاب شد باو
قرائت کن ای محمد نسبت پروردگار را یعنی سوره قل هو الله احد را و در رکعت
دوم خطاب شد بآنحضرت تلاوت کن سوره انا انزلناه را چه آن سوره نسبت خود
و اهل بیت می باشد تا روز قیامت.

و از ابن عباس روایت کرده که پیغمبر اکرم (ص) فرمود در شب قدر فرشتگان
سدره المنتهی و جبرئیل بر زمین فرود می آیند با آنها پرچمهایی است یکی از پرچمها
را بروی قبر من نصب میکنند و یکی دیگر را در مسجد الحرام و بیت المقدس و طور
سینا نصب خواهند نمود و نمیگذارند از کنار هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنه ای مگر
آنکه برایشان سلام میکنند جز کسانی که شراب خورده اند و یا گوشت خنزی
و آنشب شب بسیار مبارکی است مقدرات و سر نوشت تمام بشر در آنشب نازل می شود
بر امام زمان ع و شب قدر تا روز قیامت باقی خواهد بود. پایان سوره قدر

سورة بينه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالشِّرْكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى
تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۱) رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُطَهَّرَةً (۲) فِيهَا كُتِبَ
قِيَمَةٌ (۳) وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ
(۴) وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (۵)

سوره بینه در مدینه نازل شده و هشت آیه نود و چهار کلمه و سیصد و نود و نه حرف است. خواص و ثواب تلاوت آن : این بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره بینه را قرائت کند از کسانی است که بیزاری هسته از مشرکین و داخل گردیده و دین محمد صلی الله علیه و آله و با ایمان محشور خواهد شد و حساب او آسان شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را تلاوت کند در قیامت رفیق بهترین مردمان خواهد بود و اگر آن را بر طرف جدیدی بنویسند و نظر کند در آن صاحب لقوه دیدگان او شفا یابد و اگر بر نان بنویسند و آن را بدوزه بخوراند در همان ساعت مفتوح گردد و چنانچه آن را بر انگشتری بخواند باسم دزدی انگشتر بحرکت آید و اگر بنویسند و شخصی یرقانی همراه خود بدارد شفا یابد و اگر این سوره را بنویسند و آب محو کنند و کسیکه مبتلا به مرض برص است یا چشم او سفیدی بهم رسیده از آن آب بپاشد بر طرف گردد و چنانچه بنویسند این سوره را بر روی که بپندند باذن خدا بر طرف گردد

سوره بینه مشتمل است بر آنکه حجت و برهان پیش از قرآن هم بر کفار و مشرکین تمام بود باینوصف آنها از کفر و عصیان جدا نبودند
فوله تعالی (لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالشِّرْكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى

ترجمه سوره یس

بنام خداوند بخشنده مهربان

آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکین از کفر و عصیان جدا نبودند تا آنکه برهان روشن بر آنها آمد (۱) از جانب خدا رسولی فرستاده شد تا کتابهای پاک و منزله را بر آنها تلاوت کند (۲) و در آن کتابها نامهای حقیقت و راستی مسطور و نوشته شده است (۳) و اهل کتاب در حق این رسول راه تفرقه و خلاف نه پیمودند مگر پس از آمدن حجت روشن بر آنها (۴) و امر نشدند مگر آنکه خدا را از روی اخلاص و بندگی پرستش کنند و از برای لولست دین اسلام و نمازها دارند و زکوة بدهند این است دین درست و راه راست و سعادت (۵)

تأییدهم البینه رسول من الله يتلو صحفا مطهرة فيها كتب قيمة و ما تفرق الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم البینه کافران اهل کتاب و مشرکین از کفر و عصیان جدا نبودند تا آنکه برهان و حجت حق بر آنها آمد و رسولی از جانب خدا چون محمد ﷺ فرستاده شد تا کتابهای پاک و منزله آسمانی را بر آنها قرائت کند و در آن کتابها نامهای حقیقت و راستی مسطور و نوشته شده است و اهل کتاب پراکنده نشدند در حق این رسول و نبوت او و راه تفرقه و خلاف نه پیمودند مگر پس از آنکه حجت و بیان کامل بر حقایق و صحت نبوت رسول بر آنها در کتابهای ایشان آمد و آنها بر انکار آن رسول لجاجت نمودند در محاسن ذیل آیه فوق از حضرت باقر ع روایت کرده فرموده همراه از کافرین کسانی هستند که شیعیان را تکذیب نمودند زیرا کتاب آیات خدا است و اهل آن شیعیان باشند و مشرکین منعمین مرجیه هستند و بینه واضح شدن حق است برای آنها و رسول از جانب خدا ﷺ است و معنی يتلو صحفا مطهرة یعنی پیغمبر را تمییز میکند مردم را بسوی اولی الامر و ائمه معصومین بعد از خود و آیه: و ما تفرق الذين اوتوا الكتاب، دلیل است بر بطلان قول جبری مسلکان که میگویند کفار را خداوند در اصل کافر آفریده، چه خدا ایتمالی میفرماید پس از آنکه حجت بر ایشان تمام شد کافر شدند (و ما امروا الا لیعبدوا الله

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (٦) إِنَّ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (٧) جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (٨)

مخلصین له الدین حنفا و یقیموا الصلوة و یؤتوا الزکوة و ذلك دین القیمة و در کتابهای آسمانی امر نشدند مگر بآنکه با اخلاص کامل و بدون ریا پرستش کنند خدا را و از دین غیر حق روی بگردانند و نماز بپا دارند و زکوة بدهند و دین راست و درست و راه سعادت همین است

(ان الذین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم خالدین فیها اولئک هم شر البریة) کسانی که از اهل کتاب کافر شدند و مشرکین همه در آتش دوزخ باشند و آنجا همیشه معذبند و ایشان بدترین خلایق هستند -

حضرت باقر علیه السلام فرمود پروردگار قرآن را نازل نموده بر اهل کتاب و مشرکین و آنها کافر و مرتد شدند و معصیت و نافرمانی کردند با امیر المؤمنین علیه السلام و در اثر نافرمانی ایشان بدترین خلق خدا هستند (ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات، اولئک هم خیر البریة جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدارضی الله عنهم و رضوا عنه ذلك لمن خشی ربه) آنانکه بخدا ایمان آورده و عمل نیکو بجا میآورند به حقیقت بهترین خلق خدایند و پاداش آنها نزد خدا بهشت عدن است که نهرها زیر درختانش جاریست و در آنجا همیشه متنعمنند خدا از آنها حشنورده و آنها نیز از خدا راضی هستند و این بهشت مخصوص کسانی است که از خدا بترسند و بطاعت او مشغول باشند -

در امالی از جابر انصاری روایت کرده که حضور پیغمبر بودم امیر المؤمنین

آنانکه از اهل کتاب کافر شدند و مشرکین همیشه در آتش دوزخ معذبند و آنها بدترین مردم اند (۶) و کسانی که ایمان آورده و نیکو کار شدند بهترین آفریدگانه (۷) پاداش آنها نزد خداوند بهشتی های جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاریست و همیشه در آنجا بمانند و خدا از آنها عشنود و آنها نیز از خدا راضی هستند و این پاداش مخصوص کسی است که از خدا بترسد (۸)

پایان ترجمه سوره بینه

ﷺ وارد شد پیغمبر فرمود برادر من علی آمد آنگاه توجیهی بخانه کعبه نمود و بدست مبارک اشاره کرد و فرمود بآنخدائیکه جانم ددستی قدرت او است روز قیامت علی و شیعیان او رستگاران عالمند و فرمود علی از حیث ایمان اول شما است و او با وفاترین اشخاص است بعهده خدا و عادل ترین شما است بر رعیت و قسمت میکند میان شما بمدل و مساوات و بزرگترین خلائق است نزد پروردگار و هر وقت علی را پیغمبر اکرم ﷺ میدید میفرمود خیر البریه آمد و چون آیه فوق نازل شد توجیهی بامیر المؤمنین ﷺ نمود و فرمود بخدا قسم مراد از آیه تو هستی ای علی و شهادت وعده گاه تو و آنها فردای قیامت کنسار حوض کوثر است تو پیشوای آنان باشی و آنها هموماً توجیهشان بسوی تو میباشد.

در محاسن از حضرت باقر ﷺ روایت کرده فرمود مراد الذین آمنوا شیعیان ما اهل بیت میباشد و مقصود از آیه وان الذین کمروا دشمنان ما خاندان نبوت است و فرمود احلاس ایمان بعد از رسول اکرم ﷺ است و مراد از نماز در این آیه امیر المؤمنین ﷺ و دین قیمه حضرت فاطمه ﷺ است و خداوند راضی است از مؤمنین در دنیا و آخرت و مؤمنین اگر چه راضی هستند در دنیا از خدا ولی دد دل آنها چیزهایی است از مصائب دنیا ولی چون مشاهده کردند روز قیامت و ثواب و پاداش خداوند را که بآنها عطا فرموده بطور دلخواه از خداوند راضی و خشنود شوند و رضا و خشنودی برای کسانی است که اطاعت پروردگار را نموده اند.

ابوبکر شیرازی که یکی از مخالفین است در کتاب نزول آیات قرآنی در

شأن امیر المؤمنین علیه السلام از انس بن مالک روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده آیه فوق در شأن علی نازل شد و علی اول کسی است که ایمان بمن آورده و عمل نیکی و از قبیل نماز و روز و زکوة و سایر واجبات بجا آورده و علی خیر البریه و افضل مخلوقات است و این حدیث را جمعی از مخالفین مانند خطیب خوارزمی و موفق بن احمد و اعمش و دیگران از ابن عباس روایت کرده اند.

محمد بن عباس از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام وفات بدخترش فاطمه علیها السلام فرمود علی علیه السلام را بمن برسان چون آنحضرت وارد شد پیغمبر باو فرمود ای علی نزدیک من بیا چون نزدیک رفت رسول خدا باو فرمود تو خیر البریه هستی و خداوند آیه ان الذین آمنوا وادارشان تو و شیعیانت نال فرموده و آیه ان الذین کفروا را در حق دشمنان تو و پیروان آنها فرو فرستاده ، روز قیامت وارد محشر می شوند در حالتی که صورت های شان سیاه و لب تشنه و محزونند آنها اشیاء و منافقین امت و دشمنان تو و شیعیانت هستند و بدترین خلق عالمند و احادیث در این باب از خاصه و عامه بسیار است و همه متفقند که امیر المؤمنین علیه السلام خیر البریه است

پایان سوره یس

سورة زلزلة

ترجمه سوره زلزله

بنام خداوند بخشنده مهربان

چون زمین بسخت‌ترین زلزله خود جنبانده شود (۱) و بارهای سنگین خود را از دل خاک بیرون افکند (۲) در آنروز انسان گوید چیست خبرهای زمین (۳) در آن هنگام زمین خبرهای خود را از آنچه مردم روی آن انجام داده‌اند بگوید و آگاه سازد (۴) در آنروز مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا کردارشان را به بینند (۵) پس هر کس بقدر ندهای کار نیکی کرده پاداش آنرا خواهد دید (۶) و آنکه بقدر ندهای کار زشتی مرتکب شده کیفر آنرا خواهد دید (۷)

پایان ترجمه سوره زلزله

قوله تعالى (اذا زلزالا الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها يومئذ تعدث اخبارها) بیاورد ای محمد ﷺ هنگامیکه زمین بسخت بجنبید و بلرزه درآید و بارهای گران درون خود را از معادن و گنجها و مریگان از دل خاک بیرون افکند در آنروز انسان (که وجوه مقدس امیر المؤمنین علیه السلام است) گوید چیست این اضطراب و جنبیدن و خبرهای تو ای زمین؟ زمین آنحضرت را به حوادث و اخبار گذشته و آنچه مردم بروی آن انجام داده‌اند خبر دهد و آگاه گرداند این بابویه از حضرت فاطمه علیها السلام روایت کرده فرمود در زمان ابوبکر زلزله شدیدی در مدینه رخ داد بطوریکه عموم مردم ترسیدند و نزد ابوبکر و عمر رفتند مشاهده کردند آبدوتر از شبت ترس بشتاب حضور امیر المؤمنین علیه السلام میروند مردم هم به تبعیت آنها حضور آنحضرت رسیدند امیر المؤمنین علیه السلام از منزل خارج شدند ابوبکر و عمر و عموم مردم در عقب آن بزرگوار رفتند تا رسیدند بیابان شهر آنحضرت بروی زمین نشست مردم هم اطراف او نشستند دیوارهای مدینه مانند گهواره حرکت میکرد اهل مدینه از شدت ترس صداهای خود را بگریه و زاری بلند کرده و فریاد میزدند یا علی بغریب ما برس هرگز چنین زمین لرزه ای ندیدیم، لبهای آنحضرت به حرکت آمد و بادیست مبارک بزمین زد و فرمود ای زمین آرام و قرار بگیر

زمین باذن خدا ساکت شد و قرار گرفت مردم از اطاعت و فرمان برداری زمین از امیر المؤمنین علیه السلام تعجب کردند فرمود شما تعجب کردید که زمین اطاعت امر من نمود وقتی باو گفتم قرار بگیر؟ مرض کردند بلی یا امیر المؤمنین علیه السلام فرمود من همان انسانی هستم که خداوند در قرآن میفرماید: وقال الانسان مالها من بزمین میگویم بیان کن برای من حوادث و اخبار یکه بر روی تو واقع شده و انجام گرفته است و بمن بگو عملهایی که مردم در روی تو بجا آورده اند پس از آن فرمود اگر این همان زمین لرزه هائی بود که خداوند در سور مذلزله میفرماید خبر میداد زمین بمن اخبار خود را ولی آن نیست.

در مجمع از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود ای مردم آیا میدانید خبرهای زمین چیست که برای امیر المؤمنین علیه السلام بیان میکند عرض کردند خدا و رسولش و اناتر است و بهتر میداند فرمود گواهی میدهد بر مرد وزن آنچه بر پشت آن عمل کردند و میگوید این شخص کار نیکو بجا آورده و آن دیگری مرتکب عمل زشت شده اینست خبرهای زمین، و پروردگار بزمین الهام میکند که اخبار و حوادث خود را بامیر المؤمنین علیه السلام بگوید و آنحضرت را آگاه سازد

(یومئذ یصد الناس اثنائا لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شریرا یره) در آنروز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند طایفه ای مؤمن و بعضی منافق و جمعی کافر تا پاداش و کیفر اعمال خود را در حساب حق به بینند و آن روز هر کس بقدر ذره ای کار نیک کرده پاداش آنرا خواهد دید و هر کس بقدر ذره ای کار زشتی انجام داده بکیفر آن خواهد رسید.

این آیه می کند عقاید جبری مسلکان را که میگویند بنده از خود اختیاری ندارد و عمل از خود او نمی باشد علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود اگر شخصی از اهل جهنم باشد چنانچه در دنیا بقدر ذره ای عمل نیک بجا آورده خداوند آن عمل را باو نشان میدهد و میفرماید این عمل را برای غیر من بجا آورده ای و بمن ربطی ندارد پاداش آنرا از غیر من بطلب و اگر از اهل بهشت باشد و ذره ای عمل زشت بجا آورده آنرا باو نشان دهند و خداوند او را بیامرزد

وازاودرگذرد .

طبرسی از این عیبیه روایت کرده گفت معصمه عموی فرزندق شاعر حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید آنحضرت آیه فوق را تلاوت مینمود معصمه شنید گفت برای من از قرآن همین آیه بس است و کفایت میکند اگر آیات دیگری نشنوم عرب دیگری شنید عرض کرد ای رسول خدا آیا حساب خدیه را از ما میکشند فرمود بلی آنعرب فریاد زد واسوتاه و گریه بسیاری کرد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود این عرب دلش از ایمان باخبر است .

پایان سوره زلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۱) فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲) فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (۳)
 فَأَثَرُنَّ بِهِ قَبْصًا (۴) فَوسَطْنَ بِهِ جَبًّا (۵) إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)
 وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (۷) وَإِنَّهُ لَشَبَّ الْغَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸) أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا
 بُعِثَ رَمَلًا فِي الْقُبُورِ (۹) وَحُمِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)
 إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

سوره عادیات درمکه نازلشده و یازده آیه و جهل کلمه و صد و شصت و سه حرف
 است عوام و ثواب تلاوت آن این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
 فرمود هر کس سوره عادیات را فرائت کند ثواب یکمستم قرآن دارد و اگر مداومت
 کند بر فرائت آن و مدیون باشد خداوند دین او را بزودی ادا کند و هر خائفی
 آن را فرائت کند ایمن باشد و اگر گرسنه و عطشانی بخواند آن را سیر
 و سیراب گردد

سوره عادیات مشتمل است بر داستان جنگه ذات سلاسل و احوال قیامت
 قوله تعالی (وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا فَأَثَرُنَّ بِهِ
 قَبْصًا فَوسَطْنَ بِهِ جَبًّا) إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ و إِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ و
 الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

سوگند با سبانی که سواران اسلام در جهاد کفار تاختند تا جائیکه نفسهایشان
 بشماره افتاد و در تاختن از سم ستوران بر سنگ آتش افروختند و بر دشمن شیخون
 زدند تا صبحگاه آنها را بقتل گرفتند و گرد و قبار از دیار کفار برانگیختند و سپاه
 دشمن را همه در میان گرفتند سوگند باین مجاهدان دین که انسان نسبت به

ترجمه سوره هادیات

بسم الله الرحمن الرحيم

قسم باسیانی که تاختند تا جائیکه نفسشان بهماره افتاد (۱) و در تاختن از سم ستودان برسنگ آتش فروختند (۲) و بر دشمن شیخون زدند تا سبب گاه آنها را بفارت گرفتند (۳) و گره و غبار از میان کفار برانگیختند (۴) و سپاه دشمن راهمه در میان گرفتند (۵) سو گند باین جهاد کنندگان که انسان نسبت به پرورد گارش کفران نعمت و ناسپاسی کند (۶) و خود او بر این ناسپاسی گواهی دهد (۷) و او بر دوستی مال سخت فریفته است (۸) آیا نمیداند چون از قبرها برانگیخته شوند (۹) و آنچه در سینه ها پنهان است پدیدار میشود (۱۰) همانا پرورد گارشان در آن روز بحال آنها آگاه است (۱۱)

پایان ترجمه سوره هادیات

پرورد گارش کفران نعمت و ناسپاسی میکند و او بر این ناسپاسی خود گواهی خواهد داد و بر دوستی مال سخت فریفته و پخیل است .

علی بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود سوره هادیات نازل شده درباره اهالی وادی یابس و داستان آنها بدینقرار است: دوازده هزار نفر مرد جنگجو از اهالی یابس اجتماع نموده و باهم سو گند یاه نمودند که تخلف نکنند از یکدیگر و خواری و ذلیل نکنند یکی از آنها دیگر را و فرار نکنند تا آنکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام را بقتل برسانند و یا تمام آنها کشته شوند. جبرئیل نازل شد رسول خدا را از تصمیم و عهد آنها باخبر نمود و دستور داد ابوبکر را با چهار هزار نفر از مهاجر و انصار بجانب آنها روانه کند پیغمبر بمنبر تشریف برد بعد از حمد و ثنای پرورد گار فرمود ایطایفه مهاجر و انصار الحال جبرئیل بر من نازل شد و خبر داد که اهل وادی یابس اجتماع کردند و باهم عهد بستند که هیچیک از آنها بدیگری مکر و حيله نکنند و فرار ننمایند تا آنکه من و علی را بقتل برسانند و دستور داد بمن ابوبکر را با چهار هزار نفر بسوی آنها بفرستم میا شوید و حرکت نمائید

باسم خداوند انشاء الله. مسلمانان مجبور شدند برای حرکت پیغمبر با ابوبکر فرمود چون مکان یابی رسیدید تخت اسلام را بر آنها عرضه بدارید اگر پذیرفتند جنگ نکنید و چنانچه امتناع کردند یا ایشان جهاد کنید و اموالشان را بتصرف در آورید و اسنحکامات آنها را خراب کنید ابوبکر بالشگری آراسته با تانی و آرام بسوی ایشان حرکت نمود چون بآنوادی رسیدند دوست نفر سوار مسلح از اهل وادی جلوی مسلمین را گرفتند سؤال کردند بچه خیال و قصدی باینجا آمده اید بر رئیس و سر کرده خود بگوئید نزد ما بیاید تا با او گفتگو کنیم ابوبکر با جمعی از مسلمین نزد آنها رفت گفت من فرستاده پیغمبر خدا هستم بمن امر فرموده تا شما را با اسلام دعوت کنم تا همان مرتبتی که برای مسلمانان هست برای شما نیز باشد و چنانچه اسلام قبول نکنید با شما جنگ خواهیم کرد گفتند ای ابوبکر اگر نبود قرابتی میان ما و شما البته خود و اصحاب را بقتل میساییدیم بطوریکه یادگار و مثل شود برای کسانی که بعد از شما دنیا میآیند بر گرد با اصحاب و رحم کن بنخود و ایشان ما جز پیغمبر و علی قصد کشتن دیگری را نداریم، ابوبکر بمسلمانان گفت ایشان چندین برابر شما هستند کمکی دیگر شما ندارید خانهایشان خالی است بر گردید تا صورت حال را بعرض پیغمبر برسانیم مسلمین عموماً گفتند ای ابوبکر مخالفت فرمان خدا و رسولش ممکن آنچه امر شده بنوا انجام ده و از خدا ترس و یا اینقوم جهاد کن و خلاف دستور رسول خدا تنها هر اندازه اصرار کردند ابوبکر قبول نکرد و نپذیرفت و گفت من چیز را میدانم که شما نمیدانید و شخص حاضر مشاهده میکند چیزی را که غایب آن را نمی بیند عاقبت از جهاد با آنها منصرف شد و بازگشت. مسلمانان به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر دادند آنچه را که ابوبکر گفتند رسول خدا فرمود ای ابوبکر مخالفت امر من کردی سوگند بخدا تو مصیبت کاری پس از آن پیغمبر بمنبر تشریف برد بعد از حمد و ثنای پروردگار فرمود ابوبکر مخالفت امر من نمود و از سخنان اهالی یابی میتهاش ببتك آمد و ترس آنها دلدش جای گرفت و اطاعت از خدا و رسولش نکرده اینك چیرئیل آمد و امر نمود که بجای ابوبکر عمر را بفرستم آنگاه متوجه عسر شد و با او فرمود برو وادی یابی با تو کل بخدا مبادا

مانند ابوبکر معصیت خدا و رسولش را بجا آوردی عمر با همان لشکر روانه شد بسوی کفار چون بوادی یابی رسید و عسرف بآنها شد باز دوستان نفر سوار مسلح جلوی آنها را گرفتند نزدیک بود روح از تن عمر پرواز کند از شدت ترس بخود می‌لرزید و فرادرا برقرار و جهاد اختیار کرد و باز گفت جبرئیل خبر برگشت عمر را به پیغمبر صلی الله علیه و آله رسانید چون عمر باز گشت پیغمبر باو فرمود تو هم مانند ابوبکر معصیت خدا و رسولش را بجا آوردی فرشتگان عرش از ناظرمانی تو باخبر شدند چرا خلاف امر مرا نمودی و عمل برآی خودت کردی قبیح باد رأی تو. بعد از آن فرمود جبرئیل دستور داد علی رضی الله عنه را بفرستم امیر المؤمنین رضی الله عنه را خواست باو فرمود خداوند خواسته این فتح و فیروزی نصیب تو شود بزودی بخواست خدا فتح میکنی و باز میگرددی آنگاه با ابوبکر و عمر فرمود شما هم جزء لشکریان اسلام بروید مبادا در هیچ موردی با علی مخالفت نمائید قشون اسلام بسوی وادی یابی حرکت کردند

امیر المؤمنین آنها را از راهی غیر راه ابوبکر و عمر سپرداد چنان سرعت و شتاب سپرداد که مسلمانان خسته شدند و از تلف شدن حیوانات سواری خود بترسیدند امیر المؤمنین رضی الله عنه بآنها فرمود تترسید رسول خدا این طریق امر و دستور فرموده و خبر داد که خداوند فتح و فیروزی را نصیب ما خواهد نمود بشارت باد شما را بخیر و خوشی و پاکیزه باد نفس و دلهای شما. بشتاب سیر کردند تا رسیدند نزدیک وادی یابی اهالی از آمدن امیر المؤمنین و اصحابش باخبر شدند دوستان نفر مرد جنگجو جلوی مسلمین را گرفتند گفتند شما چه اشخاصی هستید و بچه مقصد در اینجا آمده‌اید امیر المؤمنین رضی الله عنه فرمود من علی بن ابیطالب پسر عموی رسول خدا هستم آمده‌ام تا شما را دعوت کنم بکلمه توحید و گفتن لا اله الا الله محمد ا رسول الله تا آنچه را که برای مسلمین هست شما هم از آن برخوردار باشید بآنحضرت گفتند ما قصد کشتن تو را داریم هر گز اسلام قبول نکنیم و بآنچه تو و پیغمبر عمل می‌نمائید مخالف هستیم آماده جنگ باش و اصحاب خود را مهیا کن برای مبارزه. کشنده تو ما هستیم و عده ما و شما سپح فردا امیر المؤمنین رضی الله عنه بآنها فرمود

وای بر شما مرا بزیادتی جمعیت خود میترسانید؟ یاری میجویم از خدا و فرشتگان و مؤمنین بر جنگه باشا و لاجول و لا قوة الا بالله العلی العظیم آنها برگشتند و مرکز خود امیر المؤمنین و اصحابش نیز بفرودگاه خود مراجعت نمودند چون تاریکی شب فرا گرفت امیر المؤمنین علیه السلام با اصحاب خود امر فرمود حیوانات و اسبهای خود را زین کنند و آماده سازند صبح که خواست آشکار شود نماز را با اصحاب بهجا آورده و در تاریکی صبح دستور داد یکدفعه حمله کنند و آنها را بقتل برسانند در میان اصحاب کسی نبوده مگر آنکه هر يك از آنها چند نفر از کفار را بقتل رسانیدند و جمعی را اسیر کرده و در خانه ها و استحکامات ایشان دلویرانه و غراب نمودند و اموالشان را باخود حرکت داده و روانه مدینه شدند جبرئیل نازل شد و خبر فتح و فیروزی را که خداوند نصیب امیر المؤمنین علیه السلام فرموده بود به پیغمبر داد و گفت از اصحاب علی علیه السلام بجز دو نفر کشته نشدند پیغمبر اکرم مسجد شریف برد و بالای منبر رفت پس از حمد و ثنای پروردگار فرمود خداوند بدست علی فتح و فیروزی بمسلمانان عطا فرموده و جز دو نفر از مسلمین بیشتر کشته نشدند و از منبر بزیار آمد با تمام اهالی مدینه تا چند میلی شهر باستقبال امیر المؤمنین (ع) تشریف بردند آنحضرت چون نظرش به پیغمبر افتاد از اسب پائین آمد با احترام رسول خدا پیغمبر او را گرفت و مهمان دید گانش را بوسید و غنیمتهائی که خداوند نصیب و روزی مسلمانان نموده بود از اهل یابس حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تقدیم داشت حضرتش آنها را قسمت نمود میان جهاد کنندگان و جنگجویان وادی یابس حضرت صادق علیه السلام فرمود غنیمتهائی که از وادی یابس نصیب مسلمین شد بجز در جنگه خیبر از هیچ جنگی آن مقدار نصیب ایشان نشده خداوند سوره عادیات را در آنروز نازل کرد (ان الانسان لربه لکنود) این آیات درباره ابوبکر و عمرو بن عاص نازل شده چه آنها اصرار داشتند و میخواستند بازدارند امیر المؤمنین علیه السلام را از آنراهی که سیر می نمود از بنخل و حمد و کینه ای که نسبت به حضرتش داشتند، چه یقین پیدا کردند راهی که امیر المؤمنین علیه السلام سیر مینماید عاقبت فتح و فیروز خواهد بود عمرو بن

عاس بابوبکر میگفت علی جوان است و کم تجربه و راه را نمیداند این راهیکه
 میرود خوفناک است و دزدان بسیار دارند. مردم را وسوسه کردند مسلمین نزد
 امیر المؤمنین علیه السلام رفتند عرض کردند یا ابوالحسن این راهیکه اختیار فرمودید
 درندگان بسیاری دارد اگر برگردید برای دیگری بهتر است. بآنها فرمود بروید
 دنبال کار خود و مهار اسبهارا نگاهدارید کافی است لذت برای شما پس از آن
 متوجه ابوبکر و عمرو بن عاص شد فرمود در این عقیده و گفتار کسی باشما دوتر
 موافق نیست اطاعت من کنید و سخنان مرا بشنوید من دانایترم بآنچه انجام میدهم
 آنها ناچار سکوت اختیار کردند و خودشان نسبت بمداوت و دشمنیکه با امیر المؤمنین
 دارند گواهی میدهند و پیوسته بر متاع و زندگانی دنیا حریصند

(افلا یعلم اذا یشر ما فی القبور و حصل ما فی الصدور ان ربهم بهم یومئذ لخبیر)
 حضرت صادق علیه السلام فرمود این آیات بخصوص درباره اولی و دومی و عمرو بن
 عاص نازل شده و شامل مردان دیگر است چه آنها در باطن قصد سوء داشتند نسبت
 با امیر المؤمنین (ع) خداوند خبر داد اراعمال آنها فرمود آیا نمیدانند که روزی
 برای جزا و کیفر نیک و بد اعمال خود از قبر برانگیخته میشوند و آنچه در آنها
 از نیک و زشت دارند و پنهان میکنند همه را خداوند پدیدار و آشکار میسازد، محققاً
 آنروز پروردگار هر نیک و بد کردارشان آگاهست و پاداش و کیفر آنها بایشان
 خواهد رسید. این حدیث را در امالی نیز روایت کرده است

پایان سوره عادیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

القارعة (۱) ما القارعة (۲) وما أذكرك ما القارعة (۳) يوم يكون الناس
كالفراش المبثوث (۴) و تكون الجبال كالعين المنفوش (۵) فأما من
تقلت موازينه (۶) فهو في عيشة راضية (۷) وأما من خفت موازينه
(۸) فأما هارئة (۹) وما أذكرك ما هية (۱۰) نار حامية (۱۱)

سوره القارعه درمكه نازل شده ويازده آيه وسى وشش كلمه وسد وپنجاه و دو
حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابويه از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده
فرمود هر كس سوره قارعه را مكرر تلاوت كند خداوند او را از فتنه دجال ايمن
بدارد و آراه گرداند از آتش جهنم و در خواص قرآن از پيغمبر اكرم صلوات الله عليه روايت
كرده فرمود هر كس القارعة را قرائت كند ميزان اعمال او سنگين گرده و اگر
بنويسد اين سوره را و شخصى كه مصروتهى دست است همراه خود بدارد خداوند
درهاى روزى را براى او بگشايد . از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده فرمود هر كس
اين سوره را بنويسد و در ميان متاعيكه كساه شده بگذارد خداوند آن را رونق دهد
و دوزيش را برساند

سوره القارعه مشتمل است بره كرفيانت واحوال مردم در آنروز

قوله تعالى (القارعة ما القارعة وما أذكرك ما القارعة يوم يكون الناس كالفراش
المبثوث و تكون الجبال كالعين المنفوش) قارعه يكي از اسامي قياامت است و صفت
است از براى موصوف محذوفى كه عبارت از ساعت يا خصلت و يا داهيه باشد .
يعنى چيست روز قياامت همان روز وحشت و اضطراب . پس از آن براى بزرگى آنروز
فرمود اى محمد صلوات الله عليه توجه داني قياامت چه روزى ميباشد آنگاه بيان ميكند اوصاف

ترجمه سوره قارعه

بنام خداوند بخشنده مهربان

قارعه چیست روز سخت قیامت (۱) همان روز وحشت و اضطراب (۲) توجّه دانی که آنروز سخت چیست (۳) روزیست که مردم مانند پروانه و ملخ پراکنده شوند (۴) و کوهها مانند پشم زده شده متلاشی گردد (۵) پس آنروز عمل هر کس گران و سنگین باشد هنگام سنجیدنش (۶) او در زندگانی پسندیده و خوشی خواهد بود (۷) و اما آنکه عملش سبک و زن است (۸) پس جایگاهش در هاویه دوزخ است (۹) و چه دانی که هاویه چیست (۱۰) هاویه همان آتش سوزنده و گدازنده است (۱۱)

پایان ترجمه سوره قارعه

قیامت را : در آنروز سخت مردم مانند ملخ و پروانه چراغ پراکنده باشند و تشبیه نمود مردم را به پروانه چه پروانه خود را بر آتش چراغ زند آنروز بیشتر مردم در آتش دوزخ افتند و کوهها از هیبت آن چون پشم زده متلاشی گردد (فاما من ثقلت موازینه فهو من عیشه راضیه و اما من خفت موازینه فامه هاویه و ما ادريک ماهیه نار حامية) پس آنروز عمل هر کس در میزان حق سنگین و گران باشد او در بهشت باسایش و زندگانی پسندیده خواهد بود و اما آنکه سبک و بیفقد باشد عملش در میزان حق پس جایگاهش در قصر هاویه دوزخ خواهد بود، توجّه چگونه میدانست سخی هاویه را و تصور آن توانی کرد هاویه همان آتش سوزنده و گدازنده است که از کفر و گناه خلق برافروخته شده است .

در کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود چیزی میزان عمل را سنگین نمیکند مگر صلوات بر محمد و آل او چون میزان اعمال مردم را می سنجند سبک باشد وقتی صلوات را بر آن افزودند سنگین گردد و در حدیث دیگر فرمود تسبیح نصف میزان را پر کند و الحمد لله تمام آن را و الله اکبر فرا گیره فضای بین آسمان و زمین را .

و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود آیه و اما من ثقلت موازینہ در حق امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده و آیه و من خفت موازینہ در باره آن سه نفر فرود آمده -

ابن شهر آشوب از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس انکار کند ولایت امیر المؤمنین (ع) را میزان اعمال او سبک باشد و جایگاهش در هاویه جهنم است -

در کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود عبور کرد حضرت عیسی علیه السلام از کنار شهری، دید تمام اهل آن مردماند و بدنهایشان بر روی زمین افتاده است حیوانات آنها هم مرده اند فرمود اهل این شهر قطعاً بسط و غضب پروردگار گرفتار شده اند و هتاهلاک گردیدند اگر بطریق متعارف وفات کرده بودند بعضی بعض دیگر را دفن مینمودند حواریون عرض کردند ای رسول خدا بعنوان پروردگار را تا اینان پاسخ تو را بدهند و آگاه کنند ما را با اعمال و کردارشان که بچه سبب خداوند آنها را هلاک نموده حضرت عیسی دعا کرد و صدا زد ایشان را یکی جواب داد لبیک ای روح الله فرمود چگونه بود اعمال شما عرض کرد مردم این شهر بت پرست بودند و دل بدینا و منافع آن بسته بودند آرزوهای دور و دراز داشتند و پیوسته بلبو و لعب مشغول و از خداوند غافل بودند و ترسی نداشتند فرمود چگونه دنیا را دوست میداشتند عرض کرد مانند دوست داشتن طفل پستان مادر را هر گاه دنیا اقبال مینمود مسرور و خوشحال میشدند و چنانچه ادبلا میکرد محزون و دلتنک بودند سؤال فرمود پرستش ایشان بتهارا بچه نحو بود عرض کرد از اهل معاصی اطاعت و پیروی میکردند فرمود عاقبت شما بکجا کشید گفت شب را در خوشی و خرمی بودیم صبح کردیم در حالتیکه در هاویه جهنم قرار گرفتیم فرمود هاویه چیست ؟ عرض کرد سحجین است سؤال کرد سحجین چه میباشد جواب داد کوههایی است از سنک که مبدل بآتش میشود و افروخته میگردد بر ما تا روز قیامت فرمود چه گفتید و چه جواب شنیدید از فرشتگان غضب خداوند عرض کرد ما گفتیم برگردانید ما

را بسوی دنیا تا خدا را پرستش کنیم و زاهد گریم جواب دادند دروغ میگوئید فرمود
چرا از میان این همه مردم تو تنها جواب مرا میدی و با من سخن میگوئی عرض
کرد ابرسول خدا تمام آنها بلجانی از آتش بسته شده اند بدست فرشتگان غلاظ
و شداہ خدا و من در میان ایشان بودم ولی از آنها نبودم چون عذاب نازل شد مرا ہم
گرفت و من بموئی بسته شدم در کنار دوزخ نمیدانم مرا داخل جہنم میکنند
و یا نجات میدهند حضرت عیسیٰ علیہ السلام رو بہ حواریون نمود و فرمود ایدوستان خدا خوردن
تان جو خشک بانمک خیر بسیار است بادداشتن عاقبت دنیا و آخرت و سلامتی در دین
پایان سورة القارعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهَيْكُمُ التَّكْوِيْنُ (۱) حَتّٰی زُزِمُ الْمَقَابِرَ (۲) کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ (۳) ثُمَّ
کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ (۴) کَلَّا لَوْ تَعْلَمُوْنَ عِلْمَ الْیَقِیْنِ (۵) لَتَرَوُنَّ الْجَحِیْمَ
(۶) ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَیْنِ الْیَقِیْنِ (۷) ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیْمِ (۸)

سوره تکوین در مکه نازل شده ، هشت آیه و بیست و هشت کلمه و صد و بیست حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره تکوین را قرائت کند در وقت خواب از فتنه و عذاب قبر خلاص شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود هر کس این سوره را تلاوت کند خداوند حسابهای نعمت دنیا را از او بشکشد و اگر در وقت عصر قرائت کند آن را تا غروب روز دوم در امان باشد

سوره تکوین مشتمل است بر توبیخ و سرزنش خلائق از جهت اشتغال آنها بجمع آوردن اموال و تفاخر به ثروت و بفرزدان و بقبور مردگان و غافل بودن از خدا تا هنگام مرگ و روبروشدن با عذاب

قوله تعالی (الهیکم التکوین حتی ززیم المقابر کلا سوف تعلمون ثم کلا سوف تعلمون کلا لو تعلمون علم الیقین لترون الجحیم ثم لترونها عین الیقین ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم) مضمون کرد شمار بسیاری اموال و فرزندان و قبیله و از یاد خدا و مرگ غافل داشته است تا اینکه بزیارت اهل قبور رفتید و بجای آنکه عبرت بگیرید بقبرهای مردگان خود با هم قهقهه میگردید -

این آیات نازل شده در باره دو قبیله از قریش بنی عبد مناف و بنی سهل بن عمرو بن

ترجمه سوره تکویر

بنام خداوند بخشنده مهربان

شما مردم را بسیاری اموال و فرزند و قبیله مشغول کرده و از یاد خدا و مرگ غافل داشته است (۱) تا آنکه زیارت و ملاقات کنید قبرها را (۲) نه چنین است بزودی خواهید دانست چه سختیها در پیش دارید (۳) پس چنین نیست بزودی خواهید دانست باچه عذابی رو برو میشوید (۴) نه چنین است اگر بطور یقین میدانستید (۵) همانا دوزخ را مشاهده خواهید کرد (۶) سپس بچشم یقین آن را می بینید (۷) آنگاه از نعمتهای بزرگ در آن روز شما را باز می پرسند (۸)

پایان ترجمه سوره تکویر

مصیبتی بزرگ آنجا بایکدیگر فخر و مباهات میکردند هر یکی از اینان میگفت اشراف و بزرگان ما بیشترند بنی عبد مناف اشراف خود را شماره کرده اند و غالب شدند بنی سہیل بآنها گفتند بیایید تا بگورستان برویم و گورها را بشماریم تا بدانید گور اشراف ما بیشتر است یا گورهای اشراف شما

نه چنین است شما از یاد خدا و مرگ غافل هستید بزودی خواهید دانست در گور پس از مرگ چه سختیها در پیش دارید باز هم در قیامت خواهید دانست باچه عذابی رو برو میشوید تکرار آیه برای تأکید است و دیگر اشاره به عذاب دوزخ است

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود پیش از نزول آیه جماعتی شك داشتند در عذاب قبر چون آیه نازل شد یقین پیدا کردند که در قبر هم انسان را عذاب خواهند کرد آنگاه فرمود اگر بطور یقین میدانستید چه حادثه بزرگی در پیش دارید هر کز در اثر بازیچه دنیا از عالم آخرت غافل نمیشدید البته پس از مرگ دوزخ را مشاهده خواهید کرد آنگاه آنرا بعین یقین یعنی برأی العین خواهید دید -

لطیفه از برای یقین سه مرتبه است علم الیقین و عین الیقین و حق الیقین در این سوره دو مرتبه را بیان فرموده یکی علم الیقین چنانکه فرمود لو تعلمون علم الیقین لترون

الجهنم و فرمود ثم لترونها عن اليقين و مرتبه سوم را در سوره واقعه بیان نموده در آیه ۹۴ و ۹۵ میفرماید و تسلیة جحیم ان هذا لهو حق اليقين برای توضیح و فرق مراتب سه گانه مثل زدند آنها را با آتش، گفته اند هر چه بتوسط نور آتش دیده میشود بمنزله علم اليقين است و معاینه و دیدن جرم آتش که نور دهنده است بمشابهت علم اليقين باشد و تأثیر آتش در آنچه میرسد و میسوزاند و معو میکند و آتش سرف می ماند بمثل حق اليقين است و عذاب دوزخ چون آذر دیده شود بعلم اليقين آنرا دیده و چنانکه از نزدیک ببیند آنرا بعین اليقين دیده و چون داخل دوزخ شود سوخته گردد بمرتبه حق اليقين دوزخ را مشاهده نموده .

و روز قیامت باز می پرسند از نعمتهای خداوند که باو عطا فرموده .

این بابویه از ابراهیم بن عباس روایت کرده که روزی حضور حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شده بودم میفرمود نعمت حقیقی در دنیا وجود ندارد، بعضی از فقها حضورش عرض کردند پس معنای آیه ثم لتسئلن يومئذ عن النعم چیست؛ مگر مراد از این نعمت اطعمه و آب سره گوارا نیست حضرت رضا علیه السلام حالش تغییر پیدا کرد و فرمود شما مردم از نزد خود چنین تفسیر میکنید در محضر پدرم مذاکره تفسیر آیه شد بعضی از مردم گفتند همراه آب سره است و بعضی دیگر گفتند خواب گوارا است و طایفه ای عقیده داشتند خیال نیکو و صاحب جمال است پدرم در غضب شد و فرمود هرگز خداوند سؤال نمیکند از بندگان خود آنچه را بآنها عطا نموده و منت بر ایشان نمیکند، منت گذاشتن از مطلق قبیح است چه رسد به خالق و پروردگار دانا و توانا. نعم در این آیه دوستی و ولایت ما اهل بیت پیغمبر است خداوند پرسش میکند از آن پس از سؤال کردن از تو حید و نبوت و هر بنده ای وفات کرد مراعات نمود موالات و دوستی ما آل محمد و پیغمبر را میکشاند این ولایت و دوستی او را بسوی نعمتهای بهشتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یا امیر المؤمنین صلی الله علیه و آله فرمود یا علی صلی الله علیه و آله نخست چیزی که سؤال میکنند از انسان پس از مردنش شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی المؤمنین میباشد هر کس اعتقاد باینها داشته و اقرار باین سه شهادت کرد اقرار و اعتقاد اومی کشاند او را بسوی نعمتهای بهشتی که هرگز نابودی و زوال پذیر برای

آنها نیست و از مخالفین ابو نعیم حافظ از صحابه روایت کرده که ما از پیغمبر اکرم ﷺ معنای نعیم را سؤال نمودیم فرمود ولایت علی بن ابیطالب است و حضرت رضا علیه السلام فرمود شاهد بر اینکه مراد از نعیم ولایت و محبت ما اهل بیت است آیه: وقفوه هم اہم مسئولون میباشد.

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ابوحنیفه از حضرتش سؤال کرد معنای آیه را باو فرمود نزد توجه مراد است عرض کرد قوت طعام و آب فرمود اگر خداوند موفق کند تورا تا توقف نمائی در قیامت حضور لو آیا از تو سؤال میکند هر نعمه ای که خورده ای و چنانچه بنواهد این سوالات را بنماید بطول انجامد ابوحنیفه گفت پس چیست معنای نعیم فرمود ما اهل بیت همان نعیمی هستیم که خداوند عطا کرده به بندگانش و بسبب مخالفت می گیرند بایکدیگر بعد از اختلافشان و بوسیله ما مهربان کرده مردم را بعد از آنکه باهم دشمن بودند و هدایت کرد آنها را بسوی اسلام و مانع می هستیم که خداوند پریش میکند از او.

و در حدیث دیگر آنحضرت فرمود با ابوحنیفه شنیده ام که تفسیر کریمای نعیم را طعام و شراب عرض کرد بلی فرمود اگر کسی تورا دعوت کند بمهمانی و طعام و شراب نیکو و گوارا بتو بدهد آیا خداوند بخل میکند و از این نعمت سؤال میکند از تو عرض کرد پس نعیم چیست؟ فرمود دوستی و ولایت ما اهل بیت پیغمبر است و احادیث در خصوص آنکه نعیم ولایت و محبت ائمه معصومین است از خاصه و عامه بسیار است ما بهمین چند حدیث اکتفا نمودیم

پایان سوره تکوین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

سوره عصر درمکه نازل شده، سه آیه و چهارده کلمه و شصت و هشت حرف است. خواص و ثواب تلاوت آن. ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره عصر را در نمازهای نافله قرائت کند روز قیامت معشور شود با صورت نورانی تا داخل بهشت گردد و مد خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند خداوند در نامه اعمال او ده حسنه بنویسد و عاقبت بخیر باشد و اگر این سوره را قرائت کند بر مغزن یا چیزیکه در زمین پنهان نموده است خداوند حفظ کند آن را برای صاحبش

سوره عصر مشتمل است بر وعید و توبیخ کفار و منافقین

قوله تعالی (وَالْعَصْرِ) (وَالْعَصْرِ) ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تَوَّصُوا بِالحَقِّ و تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ) سو گند بزمان نورانی رسول یا دوران ظهور امام زمان علیه السلام همانا انسان در نقصان و زیانکار است مگر آنانکه بخدا ایمان آورده و نیکو کار شدند و وصیت کردند فرزندان خود و مردم را با مرق و سفارش کردند یکدیگر را به صبر و بردباری. ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از عصر زمان خروج قائم آل محمد علیه السلام است و مقصود از انسان که زیانکار است دشمنان ما ائمه میباشد و مراد از ایمان اعتقاد داشتن بائمه و آیات خدا است و عمل نیکو عواصات کردن بابر اعدان مؤمن و سفارش نمودن در باره عترت پیغمبر و ائمه معصومین علیهم السلام است.

و در حدیث دیگر فرمود آنحضرت: خداوند خارج کرده بر گزیدگان از

ترجمه سوره عصر

بنام خداوند بخشنده مهربان

سوگند بزمان نورانی رسول (۱) که انسان در زیانکار است (۲) مگر آنانی که
ایمان آورده و نیکو کار شدند و سفارشی کردند بامر حق و وصیت کردند یکدیگر
را بصبر و بردباری و شکیبایی (۳)

پایان ترجمه سوره عصر

مخلوقاتش را از انسان زیانکار و فرموده مگر آنهایی که بولایت امیر المؤمنین علیه السلام
ایمان داشته و فرزندان ایشان آن ولایت را سفارش کنند و دستور به صبر و بردباری دهند
نسبت با ذیبت و آزاری که از طرف متخالفین مشاهده نمایند و البته خداوند ایشان را
بکفر و عذاب خود گرفتار خواهد نمود

پایان سوره عصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳) كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵) نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ (۶) الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷) إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّؤَصَّدَةٌ (۸) فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ (۹)

سوره همزه درمکه نازل شده، نه آیه و سی و سه کلمه و صد و سی حرف است
خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود
هر کس سوره همزه را در نمازهای واجب قرائت کند فقر و احتیاج از او دور گردد
و روزی او زیاد شود و ایمن باشد از مردن بد.

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره
را قرائت کند بتعداد کسانی که به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش سخریه کردند
خداوند باو اجر عطا کند و اگر آن را بنویسند و کسی که چشم او درد میکند همراه
خود بر دانه مرئی او بر طرفی گردد باذن خداوند

سوره همزه مشتمل است بر وعید و توبیخ هر عیب جوی هرزه زبان که طعنه
بر مردم میزند و تهدید کفار و منافقین و متکبرین و گردنکشان

قوله تعالی (وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ
كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ
إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّؤَصَّدَةٌ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ) وای بر هر عیب جوی هرزه زبان که بر مردم طعنه
میزند و جدائی می افکند میان دوستان و خویشان و بر بی گناهان دروغ می بندد
همزه کسیرا می گویند که حضور شخصی عیب جویی کند از اول مره غیبت کنند گان

ترجمه سورة همزة

بنام خداوند بخشنده مهربان

وای بر هر عیب جوی هرزه زبان که طعنه بمردم میزند (۱) همان کسیکه مال و دارائی جمع کرده و بحساب و شماره اش سرگرم است (۲) گمان میکند که مال و دارائی دنیا عمر جاوید باو خواهد بخشید (۳) چنین است بلکه با آتش سوزان دوزخ درافتد (۴) چه میدانی تو که آتش سوزان چیست (۵) آن آتش را خشم خدا افروخته است (۶) شراره آن برهلهای ناپاک کافران شعله ور است (۷) آتشیکه بر آنها از هر طرف احاطه کرده است (۸) و مانند ستونهای بلند زبانه کشیده است (۹)

پایان ترجمه سورة همزة

را گویند که در غیبت مردم عیب جوئی از آنها بنماید و بعضی گفتند همزه ه جوی بزبان و لمزه عیب جوئی بچشم و ابرو و اشاره است و سبك و كوچك شمردن بی نوایان و تهی دستان و غضب كردن بر آنهاست و آیه نازل شده درباره امیه بن خلف جهمی و ولید بن مغیره که عیب جوئی می کردند از رسول اکرم ﷺ و چون میگذشتند از نزد يك حضرتش با چشم و ابرو و اشاره نمودن بدست طعنه میزدند و سمریه میگردند بآنحضرت .

محمد بن عباس از سلیمان روایت کرده که معنای آیه را از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود فرمود مراد از آن کسانی هستند که بآل محمد علیهم السلام نخریه و هرزه زبانی نمودند و بجای اهل بیت نشستند در آن مکانیکه حق آنها نبود و اموال هتوت رسول را غصب کردند همان کسانی که مالی جمع کرده و دایم بحساب و شماره اش سرگرم بودند و آن را روی هم گذاشته در راه خدا انفاق نمیگردند ، و گمان میکنند که مال و دارائی دنیا عمر همیشه بآنها خواهد بخشید چنین نیست که گمان کرده اند بلکه به آتش سوزان دوزخ انداخته شوند .

و حطه در کهای است از در کات دوزخ و آتشی است که شکسته هر چیز است آتشیکه چگونه سختی آن را می توان تصور نمود آن آتش را خشم خدا افروخته .

ونسبت داده آن را بخدا چه پروردگار خلق فرموده آن آتش را، شراره آن آتش بر دلها رسد یعنی با آنکه مکان دل در چند پوشش است باینوصف از همه بگذرد و باو رسد.

ابونذر غفاری میگفت ای مردمان متکبر و گردنکشان بشارت باد شمارا بسپه های سوزان و بدنهای لرزان -

آن آتش از هر جانب بر آنها احاطه کرده و ایشان را فرا گرفته و مانند عمود ها و ستونهای بلند زبانه کشیده -

انس بن مالک از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود مؤمن زیرک است و حذر میکند از بدیها و شتاب زدگی نمیکند و دانا و پارسا باشد ولی منافق عمار و عیب جو است و با کسی ندارد از جمع کردن مال از طریق حلال و حرام و اینکه از کجا آید کند و در چه جا مصرف نماید -

عیاشی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود کفار و مشرکین اهل توحید را در آتش سخریه و استهزاء میکنند و میگویند بایشان توحید و خداشناسی بحال شما سودی نبخشید ما و شما یکسان هستیم در آنوقت پروردگار بفرشتگان و پیغمبران و مؤمنین خطاب کند از ایشان شفاعت کنند و آنها را مانند ملخ از جهنم بیرون آورند

پایان سوره همزه

سورة فيل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۲) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳) تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (۴) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (۵)

سوره فیل درمکه نازل شده و پنج آیه و بیست کلمه و نود و شش حرفی است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره فیل را قرائت کند در نمازهای واجب کوهها و بیابانها و اشجار گواهی دهند که او از نماز گذاران است و منادی از جانب پروردگار صدا زند او را ای بنده من گواهی اینهارا دحق تو قبول نمودم ای فرشتگان داخل کنید او را به بهشت -

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند خداوند او را از عذاب و مسخ دوزخیا ایمن بداند و اگر این سوره را بر نیزه ای بخواند آن نیزه با هر چه تصادم کند بشکند آن را و قرائت این سوره قلب را تقویت دهد

سوره فیل مشتمل است بر داستان اصحاب فیل

قوله تعالی (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ) ایرسول ما آیا ندیدی که خدای تو با اصحاب و لشکر فیل سوار چه کرد آیا کید و حيله آنها را تباه نکرد و بر هلاک ایشان مرغان ابابیل را فرستاد تا آن سپاه را بمنگمائی از گل سنگباران کردند و جسد آنها را مانند علف زیر دندان حیوان خورد گردانیدند و داستان اصحاب فیل بدین مقرر است پادشاهی بود از اهل حمیر بنام ذراعہ ذونواس

ترجمه سوره فیل

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما آیا ندیدی پروردگار تو یا اصحاب فیل چه کرد (۱) آیا حیل و تدبیر آنها را تباه نکرد (۲) ویرانگارش ایشان مرغان ابابیل فرستاد (۳) تا آن سپاه را بسنگهای سجیل سنگباران کردند (۴) و اجساد آنها را مانند گیاه زیر دندان حیوان خورده گردانیدند (۵)

پایان ترجمه سوره فیل

جهود بود جماعتی از طایفه حمیر هم کیش او بودند جزاندگی از اهل نجران که نصاری بودند امیر آن پادشاه موسوم بعبده الله نام آنها را بدین یهود دعوت کسره و گفت اگر نپذیرید بقتل میرسانم شما را اختیار نکردند مذهب یهود را عاقبت ایشان را بقتل رسانید جز یک نفر از اهل سبا که او را اوس بن ثعلبان میگفتند براسبی سوار شد و خود را بقیمر روم رسانید داستان طایفه خود را بقیمر گفت و از او درخواست یاری کرد قیمر جواب داد شهر شما از ولایت مادور است لکن نامه ای به پادشاه حبشه مینویسم او نیز بر دین ما است تا تورا یاری کند نامه ای بنجاشی نوشت و گفت چون این نامه بتو رسد باید این قوم را یاری کنی چون نامه پوی رسید مردی موسوم باریابط از اهل حبشه را مأمور کرده برود یمن و مستوداد باو شهرهای آنها را غراب کند و بعضی را بقتل برساند بعضی دیگر را باسیری گرفته نزد او بفرستد ارباط بدستور او عمل کرد اهل یمن چون شنیدند لشکر حبشه بسوی آنها میرود متفرق شدند و گریختند لشکر بدنبال آنها تا سخت جمعی را هلاک نمود و جمع دیگر را اسیر کرد حضور پادشاه فرستاد ارباط نامه به پادشاه نوشت پادشاه در جواب نامه باو دستور داد در یمن توقف کن بالشکر بیکه همراه تو میباشد پس از مدتی ابرهه که یکی از سر کرده های لشکر ارباط بود با او در مقام مخالفت بیرون آمد لشکر دو فرقه شدند و در مقام جنگ با یکدیگر بیرون آمدند ابرهه شخصی فرستاد نزد ارباط باو گفت ما دو نفر باهم خصومتی داریم گناه لشکر چیست بیرون آی تا باهم مبارزه

کنیم اگر من تو را بکشم لشکر و ولایت بمن تعلق میگیرد و اگر تو مرا بکشی
آسوده وفادار می شوی ارباط قبول کرد با هم مبارزه کردند ارباط حمله کرد بر
ابرهه دهن و بینی او را مجروح کرد و از اسب بر زمین افتاد غلام ابرهه بر ارباط حمله
کرد و او را کشت و لشکر جمع شدند بر ابرهه این خبر پادشاه رسید خشم گرفت نامه ای
با برهه نوشت بامر و دستور؛ که با ارباط جنگه کردی و او را کشتی من لشکری
میفرستم تا تو را بگیرند و موی جبینت را ببرند و خاک ولایت را باینجا آورند ابرهه
سر خود را تراشید و قدی از خاک در ظرفی ریخت پیش پادشاه فرستاد و گفت آنچه
شما سوگند یاد نموده ای درباره من خودم بجا آوردم و من بده شما هستم اگر امر
فرمائی از قبل شما در این ولایت میمانم و اینجا را نگاهداری میکنم و چنانچه رأی
شما غیر از این است دستور فرمائید عمل کنم پادشاه از سخن او خوشنود شد و امر
کرد با توقف کند درین پس از آن برای خوشنودی شاه معبدی در هر صفا بنا کرد
و او را قلیس نام نهاد بنائی کره که نظیر آن در آن عصر نبود نامه ای بشاه نوشت من
بنام شما کنوسه ای بنا کردم که در گوی زمین چنین عمارتی وجود ندارد و چندان
حرمت نهادم بر آن که خلایق از راه دور می آیند و او را می بینند بزودی چنان سازم
آن را تا مردمیکه بجانب مکه میروند و زیارت میکنند اینجا نیز بیایند پادشاه از
این عمل بسیار خرم و خوشحال شد داستان کنیسه میان عرب پراکنده و مشهور شد
مردی از طایفه بنی مالک آنجا رفت و در زاویه آن پنهان شد و بخاطر گفتار ابرهه
که گفت حج عرب را باین مکان برگردانم استعفاف کره بآن کنیسه و شب از
آنجا گریخت خدام با برهه خبر دادند دلتنگ شد سؤال نمود کسی از اعراب باینجا
آمده است گفتند مردی از اعراب چند روز در اینجا سکونت کرد اکنون پیدا
نیست گریخته ابرهه گفت کار آن عرب است سوگند یاد نمود که قرار نگیرد تا
کعبه را عراب کند در عوض بی احترامی و استخفافیکه آن عرب بجا آورده باین
کنیسه آنگاه لشکر بسیاری از حبشه جمع کرد و بجانب بلاد اعراب حرکت نمود
خبر با عراب رسید اول پادشاه حمیر بالشکری راه را بر او گرفت جنگ و کارزار

کردند ابرهه غالب شد و نوfer پادشاه حمیرا گرفت خواست او را بکشد گفت من بکار تو آیم در این هزه یکه کرده ای دستور داد او را بستند و همراه خود بردند از آنجا رفت باطایفه خشمم درویشد آنها بسر کره گی ثقیل بن حبیب با ابرهه جنگ کردند و مغلوب شدند لشکر ابرهه ثقیل را گرفتند نزه ابرهه بردند گفت مرا نکش تا دلیل تو باشم در زمین اعراب چه تو احوال این ولایت هارا نمیدانی او را نیز بستند و با خون بردند بطایفه رسیدند مسعود بن عتب پیش ابرهه آمد گفت ای پادشاه ما باتو جنگ نداریم و تو هم بقصد مانیامده ای عارایت خانه ای هست بنام بیت اللات آن خانه هم مغلوب تو نیست مغلوبت خانه مکه است اگر میخواهید کسیرا برای راهنمایی باشما بفرستم ابرهه گفت روا باشد او مردی دابنام ابو رغال فرستاد چون بمنزلی رسیدند که نامش مغمس بود ابو رغال مرد آنجا بنخاکش سپردند اکنون رسم شده هر کس از آن مکان عبور میکند سنگی بر آنجا می افکند ابرهه از آن منزل لشکر خود را با مردی بنام اسود بن مقصود از پیش خود فرستاد او دوپست شتر از مال عبدالطلب که مشغول چرا بودند غارت کرد و بلشگر ابرهه آورد ابرهه آنگاه رسولی به نزد رئیس مکه که عبدالطلب بود فرستاد گفت با و بگو من برای قتال باشما اینجا نیامده ام مقصودم خراب کردن کعبه است اگر منعم نکنی باتو کاری ندارم و چنانچه ممانعت نمائی باتو جنگ خواهم کرد عبدالطلب در جواب فرستاده ابرهه گفت من خودم نزد ابرهه میایم آن بزرگوار با جماعتی از فرزندان و بنی هاشم به نزد ابرهه رفتند نوfer پادشاه حمیرا چون شنید عبدالطلب می آید با ابرهه گفت ای پادشاه بدانکه عبدالطلب سید قریش است و در میان تمام اعراب بزرگوارتر از او نیست و او کسی است که مردمان را طعام میدهد و بزرگواری او در تمام عرب مشهور است حرمت او را نیکو بدار و سخنش را نیکو بشنو و تا ممکن است رضای او را بجو که سرفراز عرب است عبدالطلب وارد شد بر ابرهه مردی بود قامتش بلند و نیکو صورت و فصیح زبان و با هیبت ابرهه چون آن بزرگوار را دید در نظرش بسیار بزرگ جاوه کرد فوراً از سریر خود پزمین فرود آمد او را گرامی داشت و گفت برای چه کارت شریف آورد میاید اینجا فرمود بستگان شما شتران مرا

ر بوده اند بگوئید تا آنها را پس دهند ابریه گفت و اعجبا من چون این مرد را دیدم گمان کردم شخص عاقلی است من با این همه لشکر عظیم آمده ام تا خانه ایشان که شرف و مفتخر عرب مد است ویران کنم لوهیچ همتی ندارد مگر برای شتران خود اواز چشم من بیفتاد مترجم سخنان ابریه را بمبدالطلب گفت جواب داد این شتران بمن تعلق دارد و از برای خانه کعبه خدائی است اگر بخواهد نگاهداری می کند از آن ابریه گفت چنین است دستور داد شتران را با او باز دهد

عبدالطلب شتران را گرفت و در کوه حرا بچرا فرستاد و بمکه باز گشت و عمر بن نعایه بزرگ قبیله کنانه و خویلد بن وائله سید بزرگ هذیل و جمعی از رؤسای اعراب نزد ابریه رفتند و گفتند تلك اموال اهل حجاز و تهامه را از ما بگیر و از خراب کردن خانه کعبه منصرف شو و باز گرد ابریه قبول نکرد عبدالطلب بقریش گفت شما در اطراف این کوهها پراکنده شوید تا از لشکر ابریه محفوظ بمانید و خود آن بزرگوار وارد خانه کعبه شد و حلقه در را بدست گرفت و با تضرع و زاری عرض کرد پروردگارا تو خود دفع کن شر ابریه را از خانه خود آنگاه بمکانی پنهان شد با قوم خود ابریه با لشکرش وارد مکه شد مقدم لشکر دوازده فیل بود و در میان آنها فیلی بسیار عظیم و با هیبت که پادشاه حبشه آن را فرستاده بود نامش محمود بود و پیش رو فیلان حرکت میکرد هر کجا آن میرفت فیلان پا او میرفتند نفیل بزرگ قبیله خثعم در گوش آن آهسته گفت ای محمود میدانسی این چه سرزمینی است اینجا حرم خدا است مبادا گرد آن بروی که هلاک خواهی شد و چون فیلها را بیاراستند و آماده نمودند برای حراب کردن خانه فیل بزرگ خوابید و پیش رفت چندانکه آن را زدند قدم پیش نگذاشت تعجب کرده بدر آجال خدای تعالی از طرف دریا پرندگانی بشکل خطای فرستاد هر یکی از آنها سه سنگ کوچک داشتند یکی در منقار و دو در چنگال یا اندازه نخودی در بالای سر هر مردی یکی از آن پرندگان ایستاد و سنگی بر سر او افکند آنرا هلاک شدند لشکر فرار میکردند و پرندگان دنبال ایشان میرفتند و سنگ بآنها میزدند و میکشستند آنها را نفیل چون مشاهده کرد این حالت را گفت از کیفر خدا کجا فرار می کنید و در همان حال خداوند بر ابریه در

و مرضی گماشت که تمام سرانگشتان او افتاد و خون و کثافت از آن بیرون آمد
خود را بصنعا رسانید شکمش آماس کرده و ترکید و اعضاء بدنش بیرون ریخت
و هلاک شد

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود ابرهه با فیلها و لشکر
انبوهی وارد شهر مکه شد برای خراب کردن خانه کعبه حراتی و بود بر خود کرده
به شتران عبدالمطلب و آنها را بغایت بردند عبدالمطلب نزد ابرهه رفت اجازه ورود
خواست اذن دادند و ابرهه شد برابر ه و او در چاه دی از حریر روی تختی نهشته بود
سلام کرد ابرهه جواب داد چون نظرش بجمال عبدالمطلب افتاد معجزه او شد چه
صورت آن بزرگوار مانند قرص ماه میدرخشید ابرهه گفت آیا پندرانی هم چنین
نورانی بودند فرمود بلی ابرهه گفت الحق با این فخر و شرفیکه داری برای ریاست
قوم سزاواری، آن بزرگوار را کنار خود روی تخت نشاند دستور داد فیل بزرگ را
که سفید رنگ و دارای دوش بود و زینت شده بانواع جواهرات و سبب فخر
و مباحات پادشاه بود بر پادشاهان دیگر حاضر کنند

و فنی فیل را حضور ابرهه آوردند چون عبدالمطلب را دید مقابل او سجده
نمود و خداوند زیبایش را گشود و بمریی سلام کرده بر عبدالمطلب ابرهه چون این
حالت را از فیل مشاهده کرده دستور داد برگرداند آن را سپس متوجه عبدالمطلب
شد و گفت من بزرگی و سخاوت شما را شنیده بودم حاجتی دارید بفرمائید و ابرهه
گمان میکرد آنحضرت آمده از او تقاضا کند که از خراب کردن کعبه منصرف
شود عبدالمطلب گفت اصحاب تو شتران مرا بردند دستور ده آنها را بمن باز گردانند
ابرهه تعجب کرد و گفت شما از آن بزرگی که داشتید از نظر من افتادید من برای
خراب کردن کعبه که مرکز فخر و شرف شما و قوت میباشد آمده ام و بزرگی
شما بخاطر آن خانه است تو را کردی خانه را و از من تقاضا نمودی که منصرف
باشم از خرابی آن، شتران خود را طلب نمودی عبدالمطلب فرمود من صاحب خانه
نیستم خداوند خودش بخانه خود سزاوارتر است ابرهه دستور داد شتران او را دادند
آنگاه آنحضرت دوبار فیل کرده و گفت ای محمود میدانم تو را برای چه کار آوردند

باسر اشاره کرد نمیدانم فرمود میخواهند بتوسط تو خانه کعبه را خراب کنند
فیله را وارد خانه کردند آنها خوایدند هرچه زدند فیله را از جای خود حرکت
نکردند.

خداوند پرندگان ابابیل را فرستاد و بر مقدار هر يك سنگی بود محاذی سر
آنها سنگ را می افکندند از سرقرو میرفت و از غلب آنها خارج میشد و آناً مانند
کیاهی که زیر دندان حیوانات خورد میشود متلاشی میشدند عبدالمطلب فرزند خود
عبدالله را فرستاده بود تا خبر آورد آن بزرگوار بر کوه ابوقبیس بالا رفت مشاهده
کرد پرندگان بسیاری آمدند بود خانه کعبه طواف کردند آنگاه هر يك محاذی
یکی از لشکریان ابرهه قرار گرفتند و سنگهایی که در منقار داشتند فرو ریختند
و آنها را هلاک کردند

عبدالله پیدایش خبر رسانید عبدالمطلب باو گفت اهل مکه را ندا کن بپایند
هنگام جمع کننده فرمود حضرت صادق (ع) باقی نماند از آن لشکر مگر یک نفر
که فرار کرده بود داستان اصحاب خود را برای مردم مکه بیان می نمود یکی از
پرندگان آمد بادیست اشاره کرد این پرند از جنس آنها است هنوز سانس تمام
نشده بود مردم مشاهده کردند پرند محاذی سراو قرار گرفت و سنگ خود را بر سر
آمره فرو افکند از عقبش خارج شد و او نیز بهلاکت رسید و بعد از آن پرندگان
دیدند نشدند خداوند سوره فوق را نازل نمود بر پیغمبرش تا قرائت کند بر کفار که
او را تکذیب میکردند و کسی از کفار قریش این داستان را تکذیب و انکار نکرده
چه تمام آنها بچشم خود مشاهده کرده بودند آن حادثه را و اشعارهای بسیاری در
خصوص آن داستان سروده بودند

پایان سوره فیل

سورة قريش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا قُرَيْشُ (۱) إِبْلَاقِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

سوره قریش درمکه نازل شده، چهار آیه و هفده کلمه و نود حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده هر کس سوره قریش را قرائت کند خداوند در قیامت سوار کند او را بر کبی از مر کبهای بهشتی و سواره محصور شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرموده هر کس این سوره را تلاوت کند مانند کسی است که اطراف خانه کعبه طواف نموده و در مسجد الحرام اعتکاف کرده و چنانکه کسی از خوردن طعامی میترسد این سوره را بر آن بخواند آن طعام شفا شود و اذیت نکند او را و اگر قرائت شود بر آبی و آن آب را بپاشند بر قلب بیماری که نمیدانند مرض او چیست باذن خداوند شفا یابد

سوره قریش اشاره است بنعمتهایی که خداوند بآهل مکه و قریش عطا فرموده تا آنها سپاس گذار باشند و خدای یگانه صاحب کعبه را پرستش کنند

قوله تعالی (لَا إِلَهَ إِلَّا قُرَيْشُ إِبْلَاقِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ)

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود الم تر کیف فعل ربك ولا یلا ف قریش یکسوره میباشد و در یکر کمت از نماز میتوان آنها را بدون فصل بسم الله خواند و طبری روایت کرده که در قرآن ایی بن کعب میان آن دو بسم الله نیست -

و معنای آنست: خداوند هلاک نموده اصحاب قیل را تا آنکه قریش در مکه برقرار بمانند و با هم الفت و انس بگیرند و قریش فرزندان نضر بن کنانه را میگویند هر يك از اعراب که نسب او به نضر برسد قریشی میباشد و او را، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خدای تعالی از فرزندان اسماعیل بنی کنانه را بر گزید و از بنی کنانه قریش را و از قریش بنی هاشم را

ترجمه سوره قریش

بنام خداوند بخشنده مهربان

خدا یا اصحاب فیل چنان کرد تا آنکه قریش با هم الفت و انس گیرند (۱)
 الفتیکه در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و برقرار بماند (۲) پس بشکرانه
 این نعمت باید پروردگار این خانه کعبه را ستایش و پرستش کنید (۳) آنخدائیکه
 هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطرات ایشانرا ایمن ساخت (۴)

پایان ترجمه سوره قریش

واذین هاشم را بر گزیدد من بهتر عرب هستم از حیث پدر و مادر و زتنس. و اشتقاق قریش
 از قریش است بمعنای کسب و جمع و طلب چه آنها بازرگان و تاجر و کاسب بودند
 ایالاهم بدل کلمه لایلاف است یعنی تا الفت بگیرند الفتیکه در سفرهای زمستان و
 تابستان ثابت و برقرار بمانند.

طبری از ابن عباس روایت کرده که اینسوره نازل شده در باره قریش چه
 ایشان امور معاش و زندگی خود را در تمام دوره سال بوسیله دو سفر اداره میکردند
 فصل زمستان بسوی یمن مسافرت مینمودند و در فصل تابستان به شام میرفتند از مکه
 و طایف خمکبار و قافل و ادویه جات که از ناحیه دریا می آوردند به شام میبردند و
 از آنجا البسه و حبوبات و گنجه و جو میخریدند و در این سفر با هم الفت میگرفتند
 و هر سفری یکی از رؤسای آنها همراهشان بود چون پینمبر اکرم علیه السلام میفرمودند
 خداوند آنها را از این مسافرتها بی نیاز فرمود تا از حرم مفارقت نکنند و اطراف
 رسول خدا جمع شوند و کسی بخاطر حرم متعرض قافله قریش نمی شد چه مردم
 میگفتند ایشان اهل حرم خدا هستند و همایگان خانه پرورده کار می باشند و اگر
 آنها مسافرت نمی کردند کسی نمیتوانست در مکه بماند و اگر حرمت حرم نبود
 ایشان نمیتوانستند مسافرت کنند چه راهزنان را در آنجا می بستند.

پس بشکرانه این نعمتها باید خدای کعبه را به پرستید چه او شمارا طعام
 داد و از ترس و خطرات سفر شمارا ایمن ساخت.

پایان سوره قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ (١) قَدْ لَكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (٢) وَلَا
يُعِصُ عَلَىٰ ظُلَامِ الْمَسْكِينِ (٣) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (٤) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ
سَاهُونَ (٥) الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ (٦) وَيَسْتَعُونَ الْمَاعُونَ (٧)

ترجمه سوره ماعون

بِناَمِ عِلّادِ وَندِ بَخْشِندِه مِهْرَبان

ای رسول ما آیا دیدی آنکس که روز جزا را انکار و تکذیب میکرد (۱)
پس آنکس یتیم را از در خود میراند (۲) و ترغیب و تحریم نمیکند مردم
را بر طعام دادن به فقیر (۳) پس وای بر آن نماز گزاران ریاکار (۴) همان کسانی که
از نماز سهو کنند و دل از یاد خدا غافل دارند (۵) آنانیکه ریا می‌کنند (۶) و زکوة
یا هرا حسانی را منع میکنند (۷).

پایان ترجمه سوره ماعون

ما آیا دیدی که نماز قریش را که روز جزا را انکار میکردند و یتیم را از در خود می-
راندند و از حقشان منع میکردند و راغب نبودند بر طعام دادن مسکینان و مستمندان
وای بر آن نماز گزاران که غافل هستند از یاد خدا و توجه بمخلوق دارند همانانیکه
اگر طاعتی کنند بر یا و خود نمائی کنند و هرا حسانی را (اهم از حق واجب مانند
همس و زکوة یا مستحب مثل عاریه دادن اثاث خانه) از بی محتاجان منع کنند این
آیات در باره منافقین نازل شده است چون مردم را می‌دیدند نماز و سایر واجبات
دیگر بجای می‌آوردند و چون نمیدیدند بجای نمی‌آوردند و اگر نماز میخواندند
امیدی بخیر آن نداشتند و چنانچه رها میکردند از شرش نمیرسیدند و با کی نداشتند
از بجای آوردن نماز و ترک آن.

و حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس تأخیر اندازد نماز را از اول وقت تا آخر
وقت بدون عذر وجهی اوساهی در نماز است و مصدق آیه شریفه میباشد
عنه بن عباس ذیل آیه ارایت الذی یکذب بالدين از حضرت صادق علیه السلام و
حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمودند هر که از دین در این آیه ولایة امیر المؤمنین
علیه السلام است.

ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمودند: خداوند عملی محبوب
 تراز نماز نیست. ای مردم مشغول نکند امور دنیای شمار از اوقات نماز، پروردگار
 نم نموده کسانی را که نماز را سبک می شمارند و در اوقات آن مستی میکنند، آنگاه
 قرائت فرموده آیه الذین هم عن صلواتهم ساهون .

پایان سوره ماعون

سورہ گوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْعَمْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْعِرْ (۲)

إِنَّ شَأْنَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

سوره کوثر در مکه نازل شده ، سه آیه و ده کلمه و چهل و دو حرف است .
 خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
 فرمود هر کس سوره کوثر را قرائت کند در نمازهای واجب و مستحب خداوند
 سوراخ گرداند او را از نهر کوثر در روز قیامت و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره کوثر را تلاوت کند خداوند او را سوراخ
 گرداند از حوض کوثر و از هر نهر بهشتی و بنویسد در نامه اعمال او ده حسنه
 و هر که در شب جمعه این سوره را صد مرتبه قرائت کند در خواب پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله مشاهده کند .

سوره کوثر مشتمل است بر نعمتی که خداوند به پیغمبر عطا فرموده و امر
 آنحضرت بنماز .

فوله تعالی (انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر ان شأناک هو الابتر)
 طبری از ابن عباس روایت کرده سبب نزول اینسوره آن بود روزی پیغمبر
 اکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد عمر بن عاص بن وائل سہمی و حکیم بن عاص را
 دید در مسجد نشسته اند متوجه آنحضرت شدند ای ابتر و در عصر جاهلیت رسم
 بود اگر مردهی فرزندی نداشت باو ابتر میگفتند و عمرو بن عاص گفت من بغض
صلی الله علیه و آله را در دل دارم در آن حال جبرئیل نازل شد و سوره کوثر را آورد و گفت
 دلنگه مشو از آنکه تورا ابتر خواند ما فرزندان بسیاری به تو عطا کنیم که در
 اقطار عالم مکانی نباشد مگر آنکه جماعتی از فرزندان و نسل تو آنجا باشند روز

ترجمه سوره کوثر

بسم الله الرحمن الرحيم

ای رسول، ما تو را عطای بسیار بخشیدیم (۱) پس نماز گزار و قربانی کن (۲)
همانا دشمن بدگوی تو نسل بریده است (۳)

پایان ترجمه سوره کوثر

خف معاندین در کربلا اهل بی خدا شهید کردند و کسی را جز حضرت امام زین العابدین
علیه السلام باقی نگذاشتند خداوند تعالی از نسل آن بزرگوار تنها عالم را پر کرد اکنون
ای رسول ما، بشکرانه این نعمت برای خدا بنماز و طاعت و قربانی و اعمال حج
بپرداز که دشمنان بدگو و عیب جوین تو نسل بریده خواهند بود و در جهان از
ایشان و اعقابشان اثری باقی نخواهد ماند

در اهالی از ابن عباس روایت کرده که پیغمبر اکرم ﷺ میفرمود خداوند
بمن پنج چیز عطا فرموده و بعلی نیز پنج چیز مرحمت نموده یکی جوامع کلم
است که بمن و علی داده شده دیگر مرا نبی و علی را وصی قرار داد سوم بمن نهر
کوثر و بعلی نهر سلسبیل مرحمت نموده چهارم بمن وحی و بعلی الهام میفرماید
پنجم مرا به معراج برد، و درهای آسمان و حجب را برای علی ﷺ گشود
تا آنکه نظر کرد بسوی من در معراج و نظر کردم بسوی علی پس از آن پیغمبر
اکرم گریه کرد عرض کردم فدایت گردم ای رسول خدا چرا گریه میکنید فرموده ای
ابن عباس اول خطایی که بمن شد در معراج گفتند ای محمد ﷺ بزیر پشای خوه
نظر کن چون نظر کردم دیدم پرده حجب پاره شده علی را مشاهده کردم سرش
را بجانب آسمان کرده بسوی من نظر میکند و با من سخن میگوید پروردگار هم
با من تکلم میفرماید عرض کردم ای رسول خدا پروردگار چه میفرمود فرمود
خطاب نمود ای محمد ﷺ من قرار دادم علی ﷺ را وصی و وزیر و خلیفه تو بدان
ای محمد ﷺ علی ﷺ میشوند کلام من و تو را من در حضور پروردگار اطاعت و
قبول نمودم فرمان او را در باره علی ﷺ آنکه خداوند تعالی امر فرمود بفرشتگان

بعلى عليه السلام کنند ایشان عموماً سلام کردند على عليه السلام جواب سلام فرشتگان را داد در آن وقت دیدم فرشتگان یکدیگر را بشارت میدهند و عبور نکردم از هیچ آسمان و نقطه‌ای مگر آنکه فرشتگان بمن تهنیت و مبارك باد میگفتند و سوگند یاد مینمودند و میگفتند ای محمد صلی الله علیه و آله بآن خدائیکه تورا بحق و راستی مبعوث نموده سرور و خوشحالی و خرمی بر تمام فرشتگان رخ داده در اثر منسوب کردن پروردگار على عليه السلام را بر خلافت و وصایت و وزارت و جانشینی تو، آنگاه مشاهده کردم فرشتگان حمله عرش پروردگار سر برانوی عم نهاده اند گفتم ای جبرئیل چرا این فرشتگان مغموم هستند جواب داده هم و غم اینها بخاطر آنستکه جمال على عليه السلام را مشاهده نکردند چه نبوده فرشته ای مگر آنکه نظر کرده به جمال على و او را تهنیت و مباركباد گفته جز فرشتگان عرش پروردگار ای محمد از حضور پرورده کار اجازه بگیر برای آنها در این ساعت تا ایشان نیز نظر به جمال على کنند و مباركباد باو گویند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود من اجازه گرفتم برای آنها ایشان زیارت کردند جمال على عليه السلام را و تهنیت گفتند باو جبرئیل گفت وقتی من بر زمین فروه آمدم و على عليه السلام را زیارت کردم آخرین فرد فرشتگان بودم على عليه السلام هم بمن خبر داد ای جبرئیل تو آخرین فرشتگانی هستی که مرا زیارت کرده ای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود من از سخنان على عليه السلام فهمیدم که قدم نکذاشتم در آسمانها و عرش مگر آنکه تمام آنها برای على عليه السلام کشف و باز شده بود و نظر به تمام آنها کرده بود این عباس میگوید عرض کردم ای رسول خدا مرا وصیتی بفرمائید فرمود بر تو باد بدوستی على عليه السلام بآن خدائیکه مرا به پیغمبری فرستاده خداوند هیچ حسنه ای را از بندگان خود قبول نکند و نپذیرد تا آنکه از آن بنده از دوستی و ولایت على عليه السلام پرسش نماید و خدایتعالی دانا تر است از خود آن بنده اگر دارای ولایت على عليه السلام بوده اعمالش را بپذیرد و قبول فرماید و چنانچه دارای ولایت على عليه السلام نبوده از اعمالش سؤال نکند و بدون سؤال او را به جهنم ببرند ای ابن عباس سوگند بخدا آتش جهنم بغض و عداوتش زیاد و سخت تر است بر دشمنان على عليه السلام از آنکسانیکه شرك بخدا آورده و برای او فرزندی قائل شده اند بعد از قسم فرضا اگر تمام پیغمبران

و فرشتگان متفق بشوند بر عداوت و بغض علی هرگز اینکار را نکنند و خداوند تمام آنها را نآتش جهنم بسوزاند این عباس میگوید عرض کردم ای رسول خدا آیا کسی هست که علی علیه السلام را دشمن و میفوض بدارد فرمود بلی طایفه ای هستند که میگویند ما ارامت عهد و عهد و اهل اسلام هستیم و اینوصف دشمن علی علیه السلام هستند ایشان از اسلام نصیبی ندارند علامت بغض و عداوت آنها آنستکه دیگری را بر علی ترجیح و تفضیل میدهند بخدا قسم نفرستاده خداوند پیغمبری را گرامی تر از من و نه وصی را افضل تر از علی علیه السلام ابن عباس میگوید من پیوسته بوصیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل مینمودم تا هنگام رحلت آن حضرت حضورش شرفیاب شدم عرض کردم ای رسول خدا بچه امر میفرمائی مرا بعد از خود فرمود مخالفت کن با مخالفین علی علیه السلام و یار و یاور آنها مباش عرض کردم ای رسول خدا برای چه امر مؤکد نمیزماید مردم را بترك نمودن مخالفت با علی علیه السلام دیدم گریه بسیاری نمود تاغش کرد پس از بهوش آمدن فرمود در علم خداوند گذشته است که این مردم با علی علیه السلام مخالفت میکنند سوگند بخدا منکرین و مخالفین علی علیه السلام از دنیا نهیروند مگر آنکه نعمتی که خداوند بآنها مرحمت فرموده تغییر دهند ای ابن عباس اگر میخواهی خداوند را ملاقات کنی در حالتیکه از تو راضی باشد از علی علیه السلام و مسلك او جدا مباش و پیروی کن از او امر او و با دوستان علی دوست باش و با دشمنان او دشمن باش ای ابن عباس شکی از علی در دل خود جای مده شك کردن در باره علی علیه السلام کافر شدن بعداوند است سید رضی در مناقب از انس بن مالک روایت کرده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی با یوبکر و عمر فرمود بروید منزل علی علیه السلام تا حدیث کند شما را با آنچه در شب گذشته اتفاق افتاده منم در عقب شما خواهم آمد انس میگوید من نیز با آنها بخانه علی رفتم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم تشریف آورد فرمود یا علی علیه السلام حدیث کن برای ما آنچه اتفاق افتاده در شب گذشته گفت ای رسول خدا حیا میکنم فرمود خداوند از بیان حق حیا نمیکند حدیث کن علی گفت دیشب آب خواستم برای طهارت نیافتم صبح شد ترسیدم نمازم فوت شود حسن را بطرفی و حسین را بطرف دیگر فرستادم برای آب طول کشید

آمدن آن‌ها در این اثنا سقف اطاق شکافته شد سطلی با روپوش سبز بزمین فرود آمد روپوش را برداشتم دیدم آب است تطهیر و غسل نمودم و نماز را بجا آوردم سطل از سقف اطاق بالا رفت و شکاف آن بهم آمد مانند لول پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده آن سطل از بهشت بود و آب آن از نهر کوثر و روپوش آن از استبرق بهشتی کیست مانند تو ایعلی ، جبرئیل خادم تو می باشد در شب ، و این حدیث را محمد بن عباس نیز روایت کرده است .

طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود وقتی این سوره نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل سؤال نمود نهری که خداوند امر نموده مرا بآن چه نهریست گمت ای رسول خدا مقصود از نهر در اینجا قربانی کردن نیست مراد آنست چون خواستید تکبیرة الاحرام برای نماز بگوئید باید دستها را محاذی صورت بلند کنید و همچنین در هر تکبیر چه پیش از رکوع یا سجود و یا سر بر داشتن از رکوع و سجود در حال گفتن تکبیر دستها را مقابل صورت بلند کنید آنوقت تکبیر بگوئید .

ما فرشتگان هفت آسمان همین طور نماز بجا می آوریم و برای هر چیزی زیشتی است و زیشت نماز بلند کردن دستها است محاذی صورت در حال گفتن تکبیر در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مقصود از نهر اعتدال در ایستادن است بعد از سر بر داشتن از رکوع و استقامت نمودن پشت است بعد اعتدال و در امالی از ابن عباس روایت کرده گفت چون سوره کوثر بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد ای رسول خدا کوثر چیست ، فرمود نهریست که خداوند گرامی داشته مرا بآن نهر گفت آن نهر شریف را برای ما وصف فرمائید پیغمبر اکرم فرمود یا علی کوثر نهریست که از زیر عرش پروره گار جاری میشود آب آن از شیر سفید تر و از عمل شیرین تر است حصار آن زبرجد و یاقوت و مرجان است و گیاه آن زعفران و خاکش از مشک و عنبر است آن نهر بمن و تو و شیعیان است اختصاص دارد من و تو و عترت و اهل بیت ما کنار کوثر ایستاده ایم هر کس می خواهد ما را ملاقات کند باید کنار کوثر ملاقات نماید و

کسانی ما را میتوانند ملاقات کنند که از سخنان ما تجاوز نکنند پس شما مردم
 کوشش کنید تا ما را کنار کوثر ملاقات مائید سیراب میکنیم دوستان خود را از نهر
 کوثر و صبح میشوند از و رو دشمنان بر آن و هر کس شرفی از کوثر نباشد بعد
 از آن شده جود دهد بود.

نهمین عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روزی پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله را صبح را دعا آورد پس از آن متوجه امیر المؤمنین علیه السلام شد فرمود ما
 دعا می آوریم چه نور است که روزا احاطه نموده عرض کرد ای رسول خدا محتاج
 غسل کردن و دم زدن حاجت شدم و راه بیابان گرفتم و رفتم در طلب آب یافتم
 در گشتم هنگامی که در محراب صدای صدای امیر المؤمنین متوجه صدا شدم کسی را
 ندیدم بدم طشتی را بالا نهاد و آب است کنار آن ابریقی گذاشته اند از آن آب
 غسل کرده من نورانی شدم آن آب است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هنگامی که برئیل
 بر در آن آب را از پس کوثر برای تو آورده کنار کوثر دوازده هزار درخت است هر
 وقت من بهشت میں پیدا کنند بطور صدای بر آن درختان میورد صدای فرحنا کی
 بگوش آید می رسد که اگر به آن بود که خدا تعالی مرگ را از اهل بهشت بر
 طرف دریده بود هم با شدت حالات و خوشی و فرحنا کی آن صدا میبردند و آن
 صدا در دست عدل است و مخصوص من و تو و عالمه و حسن و حسین میباشد.

پایان سوره کوثر

(سوره کافرون)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱) لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ
 مَا أَعْبُدُ (۳) وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)
 لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

سوره کافرون در مکه نازل شده ، شش آیه و بیست و شش کلمه و هشتاد و هشت حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن : در کافری از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده سوره توحید ثلث قرآن و سوره کافرون ربع آن میباشد هر کس این دو سوره را در وقت خواب قرائت کند از شرک بخدا بری شود و چنانکه در نمازهای واجب قرائت کند این سوره را خداوند او و پدر و مادرش را پیامرزه و اگر از جمله اشقیاء باشد محو کند او را و داخل در سعادت گرداند و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود بجبیر اگر میخواهی در سفر حال تو بهتر و راحت از همراهان خود بیشتر شود سوره کافرون و نصر و توحید و مودتین را قرائت کن .

جبیر میگوید سفری رفتم که در آن مال کمتر و زادم از همه همراهان اند کمتر بود چون بدستور رسول خدا آن پنج سوره را قرائت کردم مالم بسیار شد و نیز فرمود هر کس این سوره را بخواند شیاطین از او دور گردد و در قرآن هیچ سوره ای نیست که شیطان دشمن تر ندارد از این سوره چه این سوره برائت از شرک است .

سوره کافرون مشتمل است بر برائت از کفار .

قوله تعالی (قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا

ترجمه سوره کافرون

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما یکفران بگو (۱) من آن بتان را که شما بخدائی می‌پرستید هرگز ندی پرستم (۲) و شما هم آنخدای یکتاالهکا من پرستش میکنم پرستش نمی‌کنید (۳) نه من خدایان باطل شما را ستایش میکنم (۴) و نه شما یکتاخدای معبود مرا پرستش خواهید کرد (۵) پس مین شرک شما برای خودتان و دین توحید و خدا پرستی من هم برای خودم باشد (۶)

پایان ترجمه سوره کافرون

اَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ

علی بن ابراهیم از ابا جعفر احول روایت کرده که ابوشاکر از من سؤال نمود آبا شخص سزاوار است اینگونه تکلم کند و سخن خود را مرتبه ای بعد از مرتبه دیگر تکرار نماید من جواب او را شنواستم بگویم بعدینه طيبة معرفشتم از حضرت صادق علیه السلام اینسوره و جهت تکرار آنرا سؤال نمودم فرمود سبب نزول سوره آن بود که جماعتی از قریش از آن جمله حارث قیس سهمی و هاشم بن وائل و ولید بن مغیره و اسود بن عبد یفوث و اسود بن مطلب و امیه بن خلف بودند حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند گفتند ای محمد صلی الله علیه و آله ما موافقت کن تا ما نیز با تو موافقت کنیم یکسال خدایان ما را عبادت کن تا ما یکسال خدای تو را عبادت کنیم اگر دین ما بهتر باشد تو از آن بینصیب نخواهی بود و چنانچه دین تو بهتر باشد ما از آن خیر بی نصیب نخواهیم بود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود یکساعت دین شما را اختیار نخواهم کرد گفتند پس یکمرتبه براین بتهای ما سلام کن تا ما بدوایمان آوریم و خدای تو را عبادت کنیم فرمود اینکار هم نخواهم کرد و مقصود آنها این بود که پیغمبر را مدس کنند و هرگز ایشان ایمان نمیآوردند بلکه بر کفر خود اصرار میورزیدند جبرئیل نازلشد و اینسوره را آورد و تکرار آن برای آن است که جواب آنها را مانند خود ایشان بدهد پس در جواب آنها که گفتند عبادت کن

خدایان ما را یکسال فرمود، قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ای رسول ما در جواب کافران مشرک بگو من آن بتها و خدایان شما را هرگز نمیپرستم و در پاسخ ایشان که گفتند ما نیز یکسال خدای ترا میپرستیم فرمود ولا اتم عابدون ما اعمد و شما هم آن خدای یکتائی که من پرستش میکنم پرستش نمیکنید و در جواب مرتبه دیگر آنها که گفتند تو عبادت کن خدایان ما را یکسال فرمود ولا ابا عابد ما عبدتم من نیز خدایان باطل شما را عبادت نمیکنم و در پاسخ که نارشان که گفتند ما پرستش میکنیم خدای تو را یکسال فرمود ولا اتم عابدون ما اعبد و نه شما یکتا خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد پس دین شرک شما برای خودتان باشد و دین توحید و خدا پرستی منهم برای من تا روزیکه با من خدا شما را از شرک بر گردانم، ابو جعفر احول میگوید بر گشتم بجانب عراق و این فرمایشات را در جواب سخنان ابوشاکر گفتم ابوشاکر جواب داد این کلمات را از حجاز بار شتر کرده ای سخنان خودت نمیباشد ابو جعفر میگوید حضرت صادق علیه السلام بعد از فراغت این سوره سه مرتبه فرمود دین من اسلام است - طبری از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر گاه فارغ شدید از قرائت سوره کافرون دو مرتبه بگوئید اعبد الله وحده و چون تلاوت نمودید آیه لا اعبد ما تعبدون را بگوئید و لکن اعبد الله محمدا له دینی و فرمود هر کس این سوره را در وقت طلوع آفتاب ده مرتبه قرائت کند هر حاجتی که از خداوند بطلبد حاجت رسد.

پایان سوره کافرون

سورة النصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ
أَفْوَاجًا (۲) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

سوره نصر در مکه نازل شده ، سه آیه و شانزده کلمه و هفتاد و هفت حرفی است .
خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
فرمود هر کس سوره نصر را در نمازهای واجب و مستحب قرائت کند خداوند او
را بر تمام دشمنان نصرت دهد و با او کتابی باشد که نوشته شده ایمن است از آتش
جهنم و هنگامیکه از قبر بیرون آید عبور نکند چیزی مگر آنکه بشارت دهند
او را به خیر تا داخل بهشت گردد و در دنیا درهای خیر بروی او گشاده شود و در
خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره نصر را قرائت
کند مانند کسی است که در روز فتح مکه در رکاب من بوده و اگر آنرا در نماز
قرائت کند نمازش قبول گردد و چنانچه در اوقات نماز این سوره را هفت مرتبه بخواند
نمازش به بهترین وجهی پذیرفته شود .

سوره نصر مشتعل است بر فتح و فیروزی اسلام و ظهور دین .

قوله تعالی (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا)
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا) این سوره سال حجة الوداع در منی نازل
شد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یگر است و فرمود خبر مرگ مرا بمن دادند چه پیش از
این جرئیل خبر داده بود گشودن مکه آخر عهد شما خواهد بود و دیگر آنکه
هر کار بنهایت برسد وقت زوال آن میباشد و داستان فتح مکه بدین قرار است: چون
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال حدیبیه یا قریش صلح کرد و از جمله شروط صلح آن
بود که هر که می خواهد در عهد رسول خدا باشد بر او اعتراض نیست و هر کس

ترجمه سوره نصر

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامیکه یاری خدا و فتح و قیرونی مکه فرا رسد (۱) بد آن روز خرم
 را بنگری که فوج فوج بدین خدا داخل میشوند (۲) پس سنایش کن و پاک و منزّه
 دان برورده کار خود را و از او مغفرت و آمرزش طلب که او توبه پذیر است (۳)
 پایان ترجمه سوره نصر

بخواد در عهد قریش بر آید، چنانکه شرح آن در سوره فتح بیان شد بنو خزاعه
 در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آمدند و بنو بکر در عهد قریش رفتند و میان این
 دو طایفه مخالفت و کینه و نزاع بود از عسر قدیم و زمان جاهلیت و پیوسته در
 صدد بهانه جوئی بودند که جنگ و جدال کنند عاقبت بنو بکر به بنو خزاعه کید
 و مکر کردند و به پستی بلندی و یاری قریش بر آنها شبیخون زدند و کارزار کردند
 و چند نفر را از خزاعه بقتل رسانیدند و از جمله کسانی که یاری کردند بنو بکر
 را عکرمه بن ابی جهل و سمیل بن عمرو بن سالم خزاعی از مکه بیرون
 آمد حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه شرفیاب شد و عهد شکنی قریش را بسمع
 مبارک آنحضرت رسانید پس از آن بدیل بن ورقاء خزاعی حضورش رسید و خبر
 داد از عهد شکنی قریش، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خداوند یاری نکند مرا اگر
 یاری نکنم طایفه بنو خزاعه را سپس فرمود دل خوش دارید که من انتقام از قریش
 خواهم کشید قریش هم از کردار خود پشیمان شدند و ترسیدند لذا ابو سفیان را
 روانه مدینه کردند و باو گفتند برو با محمد صلی الله علیه و آله تجدید عهد کن و ده مدت صلح
 بفرای چون ابو سفیان از مکه خارج شد رسول اکرم صلی الله علیه و آله باصحاب فرمود بهمین
 زودی ابو سفیان وارد مدینه خواهد شد تا عهد را تازه کند ابو سفیان در بین راه بدیل
 را ملاقات کرد جماعتی از خزاعه از آنها سؤال کرد از کجا می آئید گفتند برای
 سیر و گردش رفته بودیم ابو سفیان بر ققائ خود گفت گمان میکنم بدیل و طایفه اش
 بمدینه حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتند و شکایت کردند از ما قریش و از ما پنهان

و پوشیده داشتند این موضوع را به پیشداگر در فضله شتران آنها که افکنده اند استخوان خرما هست از مدینه آمده اند چون رفتند مشاهده کردند در فضله های شتران ایشان استخوان خرما وجود داشت گفت اینان از نزد پیغمبر اکرم آمده اند ابو سفیان وارد مدینه شد در مسجد رفت عرض کرد ای پیغمبر اکرم عون قوم خود را حفظ کن و با آنها مهلت بده و در مدنتان پیغزای فرمود مگر شما قریش عهدیکه با من بستید شکستید عرض کرد خیر فرمود بر طبق عهد خود ما هستیم و دیگر سخنی با ابوسفیان نگفت ابوسفیان نزد ابوبکر رفت باو گفت برای من بها پیغمبر اکرم سخن گوی جوابداد نمیتوانم سخنی بگویم نزه عمر رفت همان جوابداشتید پس از آن رفت نزد دخترش ام حبیبه که عیال پیغمبر اکرم بود خواست پای خود را برهنه کند و روی فرش بنشیند ام حبیبه فرش را جمع کرد گفت ای دخترم بخل کردی که روی فرش بنشینم ام حبیبه جوابداد این جای رسول خدا است و تو مفرك و پلید هستی من روا نمی دلم بجای پیغمبر بنشین از آنجا هم بیرون رفت نزد حضرت فاطمه رفت باو گفت ای سیده زنان دو جهان پناه ده قریش را و در مدت صلح آنها پیغزای فرمود پناه من رسول خدا است عرض کرد آها امر نمیکنی فرزندان حسن و حسین علیه السلام ما را نزه جدشان حمایت کنند و این فخر تا قیامت بر آنها باقی بماند فرمود فرزندان من کودک هستند و در جهان چه کسی حمایت میکند از دشمن پیغمبر خدا پس از آن حضور امیر المؤمنین عرض کرد یا ابوالحسن کبر بر من سخت شده چه دستوری می دهی فرمود تو بزرگ قوم هستی برو در مسجد و بگو من حمایت میکنم قریش را اگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جوابدهد تو را مقصودت حاصل میشود و اگر جواب ندهد جز این چاره ای نیست بهمین دستور عمل کرد و بطرف مکه روانه شد قریش باو گفتند چه کردی ما ستان خود را بیان کرد گفتند علی تو را مسخره کرده است جواب داد چاره ای جز این نداشتم آنگاه رسول خدا امر فرمود باصحاب مهیا شوند برای جهاد با اهل مکه و فرمود احوال ما را پوشیده دارید تا ناگهان بمکه فروه آئیم من از خداوند درخواست کرده ام که خیر ما را بر اهل مکه پنهان بدارد در آنوقت مخاطب بن امی بلنحه نامه ای نوشت برای اهل

مکه و آنها را خبر داد از حرکت پیغمبر اکرم ﷺ و نامه را بوسیله زن سیاهی فرستاد جبرئیل نازل شد و پیغمبر را خبر داد از نامه آنحضرت امیر المؤمنین علی (ع) را با زبیر فرستاد تا نامه را از آن زن بگیرند و شرح نامه و گرفتن آنرا در سوره منتهی ذیل آیه .

۱ - بیان نمودیم بآنجا مراجعه شود پیغمبر اکرم ﷺ روز دهم ماه رمضان سال هشتم هجری با ده هزار نفر از مهاجر و انصار از مدینه بیرون آمد و بجانب مکه رهسپار شد و شخصی از طایفه بنی غفار را در مدینه جای خود گذاشت بدین راه ابوسفیان بن حرث بن عبد المطلب و عبدالله بن امیه بن حفیره را ملاقات نمود چون پیغمبر و اصحاب او را دیدند ترسیدند و دانستند که اهل مکه نمیتوانند با اینهمه لشکر مقاومت نمایند خواستند حضور پیغمبر برسند و امان بطلبند آنحضرت اجازه نداد ام سلمه عرض کرد ای رسول خدا یکی پسر همو و دیگری پسر همه شما است از شما امان میطلبند فرمود اینها چنان کردند در حق من نمیخواهم آنها را به بنم ابوسفیان پسر خرمسالی همراه داشت گفت بخدا قسم اگر خدا بخواهد مرا بهود راه ندهد دست این پسر را میگیرم و مد این بیابان میروم تا از گرسنگی و تشنگی بمیرم رسول خدا چون این سخن را بشنید بحالت او ترحم نموده اجازه داد وارد شدند و اسلام آوردند پیغمبر اکرم ﷺ نزول اجلال فرمود بمنزل ظهوان و خبر آنحضرت بر قریش پوشیده بود و از آمدن آن بزرگوار اطلاعی نداشتند ابوسفیان بن حرب و حکیم بن حزام و بدیل بن وقار از مکه بیرون آمدند در تجسس بودند عباس عموی پیغمبر اکرم ﷺ گفت اگر رسول خدا باین هیئت و کیفیت وارد مکه بشود اثری از قریش باقی نخواهد ماند بر شتر پیغمبر سوار شد گفت میروم شاید هیزم کنی یا ساربانان را به بنم و بوسیله آنها بقریش خبر دهم تا بیایند و از رسول خدا امان بگیرند آن سه نفر که از مکه بیرون آمده بودند بر بلندی کوه رفتند آتش بسیاری را مشاهده نمودند با خود گفتند آتش چیست بدلیل میدانست که لشکر پیغمبر است ولی پنهان کرد و گفت آتش بنی خزاعه است عباس در شب تاریکی بآنها رسید گفت ای ابوسفیان توئی شناخت عباس را گفت ای ابا الفضل آری

من هستم چه خبر داری عباس گفت رسول خدا با ده هزار نفر بسوی مکه و شمشا می آید البته طاقت مقاومت با او را ندارید ابوسفیان گفت پس چاره چیست عباس گفت بر این شتر سوار شو تا بروم حضور رسول خدا امان از برایه بگیرم او را سوار شتر کردم و آوردم در محیمة رسول خدا بنشاندم داخل خیمه شدم عرض کردم ای رسول خدا ابوسفیان روی بشما آورده من شفاعت میکنم از او فرمود فردا او را پیش من بیاور عباس میگوید فردای امروز او را حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بروم فرمود ای ابوسفیان وقت آن نرسیده که ایمان آوری و بگوئی لا اله الا الله ابوسفیان گفت پدر و مادرم فدای تو باد من دانستم که جز خدا خدای دیگری نیست اگر می بود روز پدر و احد و امروز بفریاد من میرسد فرمود وقت آن نیست گواهی بدهی که من رسول خدا هستم ابوسفیان گفت تن و جانم فدای تو باد مراد از نفس چیز است مهلت دهید مرا عباس میگوید من گفتم وای بر تو ای ابوسفیان اسلام آور پیش از آنکه گردنت را بزنند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امر فرمود او را در گنبد گناه لشکر بدارند تا مردم او را مشاهده کنند ابوسفیان را در جای تنگی واکذاشتند گروه لشکر که میگذشت سؤال میکرد اینان کیستند جواب می دادند بنه فلان و بنو فلان تا آنکه موکب رسول خدا رسید با جلالت و بزرگواری ابوسفیان رو کرد به عباس و گفت پسر برادرت ملکی عظیم یافت عباس میگوید باو گفتم وای بر تو این منصب نبوت و پیغمبریست نه پادشاهی آنگاه بدیل بن ورقا و حکیم بن حزام آمدند اسلام اختیار نمودند و بیعت کردند پیغمبر اکرم آنها را فرستاد تا مردم را با اسلام دعوت کنند و هر کس رسول خدا بر عنی صورت گرفت که تاهنگام ورود وی بدر و اژه های مکه قریش فکر نزدیک شدن او را نمی کردند برای رعایت احتیاط شهر مکه محاصره شد و حضرتش جامه خنجر فی پوشیده و بر شتری بنام القموی سوار بود با پیروزی وارد شهر مکه شد پرچم بدست سعد بن عبادہ انصاری بود رجز میخواند و میگفت اليوم یوم الملحمة اليوم تصبی الحرمه عباس حضور پیغمبر آمد عرض کرد ای رسول خدا می ترسم امروز سعد را بر قریش صوات و اثری باشد که عار آن بر ما بماند رسول اکرم امیر المؤمنین علیه السلام را خواست پرچم را از سعد گرفت بدست آن یزد گوار داد و فرمود کسی را نکشید مگر آنکه با شما قتال کند

چون پیغمبر وارد شد تمام بزرگان قریش از ترس کشته شدن وارد خانه کعبه شدند رسول خدا داخل خانه کعبه شد ایستاد مقابل در و با صدای بلند فریاد زد **لا اله الا الله وحده انجز وعده نصر عبده** هزم الاحزاب و حده ای مردم بدانید و آگاه باشید هر مال و خونیکه ادعا می کنند در زیر قدم من است مگر سداقت کعبه و سقايت حاج که بر میگردد باهش و هر کس عدا کسی را بکشد باید ديه منظره بدهد ای طایفه قریش خداوند نفوت جاهلیت را از میان شما برد بداند همه مردم از آدم و حوا هستند و خدای تعالی آدم را از خاک آفرید و آیه (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی) را تلاوت نمود و جمعیت از هر طرف وجود مقدس را محاصره کرده بودند متوجه مردم شد و فرموده ای اهل مکه از من چه انتظار دارید؟ من با شما چه کنم هزاران صدا مزوج با تضرع و استرحام از میان جمعیت بلند شد و همه گفتند از تو انتظار داریم همان معامله ای را بکنی که یوسف با برادران خودش نمود و آنچه لایق کرم تو است باما رفتار نمائی پیغمبر اکرم **ﷺ** فرمود امروز همه شما را آزاد کردم (انهبوا انکم الطلقاء) بروید همه شما آزادید از امروز اهل مکه را طلقا خوانند این جمله کوتاه را بعنوان اولین منشور آزادی بشر تلقی کرده اند سپس رسول خدا برای آنکه بادست خودش بت های داخل کعبه را نابود کند هفت مرتبه دور کعبه طواف نمود بشهرا نابود می کرد و میفرموده :

(جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً) آنگاه اهل مکه با حضرتش بیعت کردند و باین کیفیت فتح مکه پایان رسید و مردم فوج فوج داخل اسلام میشدند و پس از آنکه سوره نصر نازل شد پیغمبر اکرم بسوی مسجد خیف ددمنی تشریف بردند متوجه مردم شده و فرمودند خداوندیاری کند هر کسی را که سخنان مرا بشنود و حفظ کند و برساند یا نهائیکه نشنیده اند چه بسا حامل علمیکه نیست او عالم و چه بسیار حامل علمیکه میگوید و میرساند آنرا بشخصیکه او دانا تر از خود او است. سه طایفه هستند که خیانت کرده نشوند یکی مرد مسلمانی که عمل خود را خالص گرداند از برای خداوند دیگری و امام مسلمین است که نصیحت میکند مردم را، سوم کسانی هستند که ملازم جماعت مسلمانی اند دعای این سه طایفه از عجب

سر احاطه نموده مردم را ای مردم بدانید و آنگاه باشید میان شما بجای خود دو چیز پربها و بزرگه را میگذارم اگر شما بآن دو چیز تمسک بجوئید هرگز گمراه نخواهید شد: یکی قرآن است و دیگری عترت و اهل بیت من می باشد هر گز این دو چیز از هم جدا نشوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند و فرمود آنها مانند دو انگشت سیاقین هستند نه مثل سیاه و وسطی که فاصله هست میان آنها و دیگری برتری دارد بر آن یکی.

و در امالی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود وقتی سوره نصر نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمن فرمود علی واجب کرده خداوند بر مؤمنین جهاد را در زمان فتنه بعد از من چنانکه واجب نموده جهاد با مشرکین را با من عرض کردم ای رسول خدا فتنه چیست که در آن زمان جهاد واجب شده فرمود بزودی طایفه ای ظاهر شوند که شهادت می دهند بلا اله الا الله و بائسکه من رسول خدا هستم ولی آنها مخالفت میکنند با طریقه من و طمعه می زنند در دین اسلام گفتم ای رسول خدا آیا با چنین اشخاصی که شهادت بخدا و رسول می دهند جهاد کنم فرمود بلی چه ایشان در دین من بدعت می گذارند و از امر و نهی خدا دوری می جویند و خون عترت و ذریه مرا حلال می دانند عرض کردم ای رسول خدا شما وعده شهادت بمن داده اید از خداوند بخواهید تعجیل او را فرمود چگونه است صبر تو یا علی هر گاه خضاب شود محاسن از خون سرت گفتم ای رسول خدا صبر منماید فرمود بلی چنین است آماده شو از برای خصومت چه مخاصم امت من تو هستی گفتم ای رسول خدا راهنمایی بفرما مرا برستگاری فرمود هر وقت قومت عدول کردند از هدایت بسوی گمراهی مخاصمه نما با آنها چه هدایت از طرف خداوند است و گمراهی از جانب شیطان ای علی تو بر هدایت هستی و هدایت متابعت و پیروی کردن از او امر خداست نه پیروی نمودن از هوای نفس و رأی خود گویا مشاهده می کنم که این مردم تأویل میکنند قرآن را و میگیرند متشابهات آنها و حلال می دانند شراب را و منع میکنند کوه را عرض کردم ایشان چه اشخاصی هستند فرمود اهل فتنه می باشند با آنها جهاد

کنید تا برگردند بجهانب عدل گفتیم ای رسول خدا آیا عدل از طرف ما است فرمود
 بلی عدل از ما است بوسیله ما فتح میشود و بما ختم میکند پروردگار عدل خواه
 را و بسبب ما الفت اندازه میان دلهای مردم بعد از مشرک بودن آنها و فتنه کردن
 ایشان گفتیم الحمد لله حمد برای خدائی که بخشید بما از فضل و موهبت خود .

طبرسی از ابن مسعود روایت کرده که زمانیکه سوره نصر نازل شد پیغمبر
 اکرم صلی الله علیه و آله میفرموده سبحانک اللهم اغفر لی انک انت التواب الرحیم .

پایان سوره نصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يُدَا أَيْ لَهَبٌ وَتَبَّ (۱) مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲) سَيَصْلَىٰ
نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳) وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)
فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

سورة الالب

سوره ایی لهب در مکه نازل شد ، پنج آیه و بیست کلمه و هفتاد و نه حرف است .

خواص و ثواب قرائت آن : بن مابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر گاه قرائت کند سوره ایی لهب را لعنت فرستید بر ایی لهب زیرا او از تکذیب کنندگان رسول خدا بود و خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند خداوند جمع نکند میان او و ابولهب در دوزخ و هر کس فرقه شکم داشته باشد بر او خوانده شود ساکن گردد و اگر در وقت خواب این سوره تلاوت کند در حفظ خدا باشد .

سوره تبت مشتمل است بر توبیخ و وعید ابولهب و عیالش و حفظ نمودن پیغمبر اکرم از اذیت و آزاد ابو لهب و ام جمیل همسر او .

قوله تعالی (تبت یدای لهب و تب ما اغنی عنه ماله و ما کسب سیصلی نارا ذات لهب و امرأته حمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد) سبب نزول این سوره آن بود : چون آیو اندر عشیرتک الاقرین بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد آن حضرت بنی عبد المطلب و بنی عبد مناف و بنی هاشم را جمع کرد و بآنها فرمود اگر من بگویم در زیر این کوه لشگری فرود آید و قصد دارد شمارا غارت کند باور میکنید؟

ترجمه سوره لہب

بنام خداوند بخشنده مهربان

بریده باد دوستانی لہب و قطع گردد (۱) مال و ثروتیکہ اندوخت بینیازش
نگرداند و از مالاکش نرہاند (۲) زود باشد کہ بدوزخ در آتشی شعلہ وردہ افتند (۳)
و ہمسرش ہیژم آتش افروز دوزخ است (۴) در گردن او ریسمانی است از لیف
خرما (۵)

پایان ترجمه سوره لہب

گفتند ہلٰی فرمود من شمارا می ترسانم بعذاب سخت دوزخ ابولہب گفت تبارک ما
را برای این موسوع دعوت نمودی خداوند در پاسخ گفتار ابولہب سوره تبت را
نازل فرمود .

در بصائر الدرجات از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود شبی پیغمبر اکرم
صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در نماز سوره تبت را قرائت نمود بام جمیل گفتند ع صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در نمازش ہنک
حرمت تو و شوہرت را نمود بیرون آمد در طلب آنحضرت و می گفت اگر ع را
بہ بینہ ہالامی کنم او را رسید بہ نزدیک پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم ابوبکر حضور رسول
خدا نشستہ بود عرض کرد ای رسول خدا من از ام جمیل می ترسم فرمود ہرگز
نخواہد دیدہم اسؤال کرد ای ابوبکر ع صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم اندیدی خداوند میان او و پیغمبرش
پردہ ای پوشید کہ ام جمیل رسول خدا را ندید .

ابولہب و رد عبد المطلب و عموی پیغمبر بود عیالش دختر سخر و خواہر
ابوسفیان سخر چینی می کرد از برای پیغمبر و خیر آنحضرت را بکفار می رسانید
و شوہرش را وادار می کرد بر اذیت و آزار پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و قلابہ و گردن بند
گرانہائی داشت در گردن گفت این قلابہ را مد عداوت ع صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم مصرف خواہم
کرد و مسد عبارت از گردن بند است و ابن عباس گفت مراد از مسد زنجیر آہنیں
است کہ طولش ہفتاد ذراع میباشد در دہنش کنند و از زیرش بیرون آرند روز قیامت
و بعض دیگر گفتند مقصود از مسد سنی بود کہ بآن ہیژم می آورد چہ او از خست

طمع خودش می رفت هیزم می آورد و خانہائی سرد را پیغمبر اکرم میانداخت برای اذیت و آزار آنحضرت و چون رسول خدا ابولہب را از عذاب دوزخ می ترسانید میگفت اگر قیامت راست باشد من خود را از دوزخ بمان میخرم چه او موالی و مال بسیاری داشت پروردگار فرمود دفع نکند او را از دوزخ مالش و بینیار نگرداند در کافی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود چون قریش قصد کشتن پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم را نمودند گفتند با ابولہب چه کنیم؟ ام جمیل عیال او گفت من او را باز میدارم و میگویم دوست دارم امروز در خانہ ایمانی ابولہب و عیالش در خانہ نشسته مشغول خوردن و آشامیدن بودند و کفار کہیلای قتل پیغمبر شدند حضرت ابوطالب امیر المؤمنین علیہ السلام را طلبید باو گفت ای فرزندم برو نزد عمویت ابولہب، اجازه مرور بخواه اگر در را باز نمودند داخل بشو و گرنہ در را بشک و وارد خانہ شو، بگو ہندم میگوید امراء قوم عاجز و ذلیل و خوار نشدند امیر المؤمنین رفت پیغمبر ہند را رسانید ابولہب گفت ای فرزندم برادرم بدت راست میگوید چه میخواهی فرمود پسر برادرت ~~تجدرا~~ میخواهند بقتل برسانند و تودہ خانہ آسودہ و فارغ بال مشغول خوردن و آشامیدن ہستی چون این سخن را شنید از جا بلند شد، شمشیرش را بدست گرفت عیالش میخواست ممانعت کند از او، چنان سیلی بصورتش زد کہ دید گانش بر کشت، بیرون آمد از خانہ و متوجہ کفار قریش شد، با آنها گفت من با شما بیعت کردم تا پسر برادرم را بقتل برسانید؟ قسم بدو بت بزرگی لات و عزری همانا اسلام اختیار میکنم آنگاہ مشاہدہ میکنید یا شما چگونه معاملہ خواہم نمود کفار عذر خواہی کردند و برگشتند و اینسورہ یکی از دلایل صدق نبوت پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم است چہ خبر داد بوسیله این سورہ کہ ابولہب و عیالش ام جمیل بر حالت کفر ہمیرند و داخل دوزخ شوند و آنها بحالت کفر مرنند.

پایان سورہ این لہب

سورة اخلاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كُلُّهُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

سوره اخلاص در مکه نازل شده ، پنج آیه و پانزده کلمه و چهل حرف است
خوام و توابع تلاوت آن : در کافی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده
فرمود هر کس در رختخواب خود یکمرتبه سوره اخلاص را قرائت کند خداوند
گناهان پندجاه او را بیامرزد و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود کسیکه
پنج روز بر او بگذرد و در نمازش سوره اخلاص بخواند باو گویند ای بنده خدا
تو از نماز گذاران نیستی و فرمود هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد سوره
اخلاص را رها نکند عقب هر نمازی و چون قرائت کند آن سوره را خداوند جمع
بماید خیر دنیا و آخرت را برای او ، و پدر و مادرش را بیامرزد و بمفضل فرمود
خود را حفظ کن از شر مردم بخواندن سوره اخلاص ، آنرا از طرف راست و چپ و
از پیش و عقب و بالای و پائین خود قرائت کن ، و چون بر پادشاهی وارد شوی در
وقت نظر کردن بر اوسته مرتبه این سوره را قرائت کن و انگشتان دست چپ خود را هم
بگذار و باز نکن تا از نزد او خارج شوی و فرمود در نماز پس از قرائت بسم الله
از هر سوره ای بسوره دیگر میتوان برگشت مگر از سوره اخلاص و قل یا ایها
الکافرون .

و فرمود نماز ازین تمام سورها با سوره قل هو الله است و فرمود هر کس ده
مرتبه قرائت کند سوره اخلاص را هنگامیکه از منزل خود خارج میشود در حفظ
خداوند است تا برگردد بمنزل ، در تهذیب از ابن عباس روایت کرده گفت پیغمبر
اکرم صلی الله علیه و آله با امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ای علی تو مانند سوره اخلاص هستی هر کس

ترجمه سوره اخلاص

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو او خدای یکتا است (۱) خدائی است که از همه بی نیاز و همه مخلوقات باو نیازمندند (۲) زائیده نشد و کسی فرزند او نیست (۳) و نمیباشد کسی مثل و همتای او (۴)

پایان ترجمه سوره اخلاص

یک مرتبه این سوره را قرائت کند ثلثی از قرآن را تلاوت نموده و چنانچه دو مرتبه بخواند دو ثلث قرآن را قرائت کرده و اگر سه مرتبه بخواند سه ثلث قرآن را قرائت نموده. همچنین هر کسی تورا بدلدوست داشته باشد اجر و ثواب ثلث عبادت را باو بدهند و چنانچه بزبان و دل دوست بدارد تورا دو ثلث اجر و ثواب باو بدهند و اگر بزبان و دست و دل تورا دوست میدارد اجر و ثواب تمام عبادت باو گرامت کنند این با بویه از ابی بصیر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود کدام يك از شما تمام مدت عمر خود را روزه میدارید و کدام يك تمام شبها را زنده داری مینماید سلمان فارسی عرض کرد ای رسول خدا من پیوسته روزها را روزه میدارم و شبها را عبادت و زنده داری مشغول هستم و هر روز يك قرآن ختم میکنم بعضی از اصحاب از سخنان سلمان در غضب شدند و گفتند ای رسول خدا این مرد فارسی می خواهد بر ما عربها فخر و مباهات کند دروغ میگوید ما بسیاری از روزها را دیدیم روزه دار نیست و شبها میخوابد پیغمبر اکرم در پاسخ آن فرمود چه میگوئید شما سلمان مانند لقمان حکیم است سؤال کنید از او تا جواب بدهد آنوقت سلمان گفت من در هر ماه سه روز روزه میدارم و خداوند میفرماید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها.

(هر کس عمل نیکی بجا آورد ده برابر خداوند پاداش باو مرحمت می کند) و متصل میکنم ماه شعبان را بماء رمضان باین کیفیت تمام روزها را روزه میدارم و پیغمبر اکرم فرمود هر کس با طهارت بخوابد مانند آنست که شب زنده

داری نموده من شبها با وضو می‌خوابم و هر روز سه مرتبه سوره اخلاص می‌خوانم آن اصحابه چون این سخنان را از سلمان شنید گویا سنگی بدداشتند و داخل شکم کردند و شربت شد دیگر سخنی نگفت و خطیب خوارزمی که از علماء مخالفین است از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود علی مانند سوره اخلاص است چنانچه شرحش گفته شد

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند یا گوش بدهد بقرائت آن خداوند دوست بدارد او را و هر کرا خدا دوست داشت از آتش دوزخ نجات یابد و اگر این سوره را بر قبرهای مردگان بخواند ثواب بسیاری دارد و این سوره حرز هر آفتی است و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند و ثوابش را هدیه نماید برای مردگان برای او ثواب تمام قرائت قرآن باشد و چنانچه بخواند این سوره را بر کسی که چشم او درد میکند بقدرت خداوند در چشمش ساکن گردد و از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود هر وقت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از قبرستان عبود می‌نمود پاره مرتبه سوره اخلاص را تلاوت می‌فرمود و ثواب آن را بروح مردگان هدیه می‌کرد و می‌فرمود هر کس باین دستور رفتار کند خداوند بتعداد مرده گان آن قبرستان اجر و پاداش باو عطا کند .

این سوره مشتمل است بر بیان توحید .

(قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد)

طبرسی از حضرت عسکری روایت کرده فرمود سبب نزول این سوره آن بود دشمنان خدا یهودیان و علماء آنها از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردند که تو صمد کنی و خیر بدهد آنها را از خداوند، سوره اخلاص در پاسخ سؤال ایشان نازل شد، در مجمع از ابی بن کعب روایت کرده که سبب نزول سوره آن بود مشرکین از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردند نسبت خدای خود را برای ما بیان کن و بگوی خدای تو چیست از زر است یا از سیم یا از روی و یا از آهن خدای تعالی در پاسخ سؤال آنها این سوره را فرستاد و آتشی فرود آمد بعضی از آنها را بسوخت و بعضی

دیگر فرار کرده‌اند و در واقعه‌ای هلاک شدند .

در احتجاج از داود بن قاسم روایت کرده که از حضرت جواد عنای قل هو الله احد را سؤال نمود فرمود احد کسی است که همه مردم متفقاً اقرار دارند به یگانگی او مگر نمیشنوی قول پروردگار را که میفرماید و لئن مثلهم من خلق السموات و الارض و سخر الشمس و القمر ليقولن الله .

(اگر این مردم مشرک سؤال کنی چه کسی آسمان و زمین را آفرید و خورشید و ماه را مسخر نموده میگویند خدای تعالی) با این وصف پس از گفتار نخست برای او مصاحب و شريك فائل میشوند این بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود صمد چیز است که خوف ندارد نمی‌خورد و نمی‌آشامد و نمی‌خواهد و دائم است و هرگز برای او زوالی نیست و تغییر نکند و هر وقت اراده فرماید فوراً ایجاد شود و کسی است که ایجاد نموده و آفریده تمام اشیاء را از اعداد و اشکال و ازواج و خود متفرد است به یگانگی ، ضد و شکل و مثل و مانند و شریکی ندارد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود احد نور است که در آن ظلمت و تاریکی نمیباشد و عالمی است که چهل و نادانی در آن نیست و صمد چیز است که خوف ندارد و جزء و اجزاء در آن نیست لم یلد یعنی حادث نیست ولم یولد یعنی در اصلا ب و ارحام نبوده ولم یکن له کفو یعنی شبیه و شريك ندارد و از برای او یار و معینی نیست واحد یعنی جزء و اجزاء ندارد و دارای کم و کیف نیست و واقع نمیشود بر او اسم عدد و نه زیاده و نقصان و در حدیث دیگر فرمود صمد یعنی منتهی میشود بسوی او اشیاء و اهل آسمان و زمین در حوائجشان بر میگردند بسوی او لم یلد یعنی فرزندی از برای او نیست چنانچه یهود و نصاری میگویند عزیر و مسیح فرزندان خدا هستند و قریش میگویند فرشتگان دختران خداوند و مجوس میگویند خورشید و ماه و ستارگان فرزندان خدا هستند خداوند لعنت کند تمام آنها را ولم یولد یعنی در صلب و رحم نبوده و از شیئی خلق نشده لم یکن له کفو احد یعنی نیست ربرای او شبیه و مثل و نظیر و مانند در آن چیزیکه عطا و تحویل و رحمت میفرماید بر

باشد گانش، واحد و واحد یکی است و توحید اقرار بیگانگی او است و مراد از واحد واحد عددی نیست چنانچه امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید واحد لا بالعدد .

طبری از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هو اشاره بغایب است ها، آن تنبیه است از معنای ثابت و واو اشاره است بر اینکه خدا غایب است از حواس ظاهره بشر چنانچه خدا اشاره است بحاضر و مشاهده بحواس چه کفار بحرف اشاره و خدا اشاره میگردند بخدایان خود و میگویند هذه آلهتنا المحسوسة بالابصار این خدایان ما است که بچشم مشاهده میکنیم او را ای محمد صلی الله علیه و آله تو هم اشاره کن بآن خدائیک پرستش میکنی او را تا ما به بینیم و درک کنیم خدایت را سوره نازل شد و امر فرمود به پیغمبرش بگو ای محمد صلی الله علیه و آله هو الله احد پس ها اثبات میکند وجود ثابت پروردگار را و او را اشاره است بر آنکه آن وجود ثابت مدرك به بصرو بحواس ظاهره نیست و او مدرك ابصار و مدع حواس است چنانچه فرمود لا تدركه الابصار و هو يدرك الابدان و فرمود حضرت باقر علیه السلام امیر المؤمنین علیه السلام فرمود پیش از جنگ بدر شبی در خواب خضر پیغمبر را ملاقات نمودم باو گفتم تعلیم ده مرا چیزیکه بوسیله آن بر دشمنان غالب شوم گفت بگو یا هو یا من لا هو الا هو چون صبح شد خواب خود را برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان نمودم فرمود یا علی خضر اسم اعظم خدا را بتو تعلیم نموده و فرمود قرائت کن قل هو الله احد را پس از آن بگو یا هو یا من لا هو الا هو اغفر لی و انصرنی علی القوم الکافرین امیر المؤمنین فرمود مکرر در روز بدو صفین این کلمات را میگویند عمار یاسر از حضرتش سؤال کرد این کنایات و کلمات چیست یا امیر المؤمنین ؟ فرمود اینها اسم اعظم پروردگار است و عمار و ستون توحید لا اله الا هو است و فرمود الله همان معبودیست که: خلاق و اله و حیران هستند از درک حقیقت او، و احاطه پیدا کردن بکم و کیفیت او .

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده جمعی از اهل فلسطین حضور پدرم حضرت باقر علیه السلام شرفیاب شدند و سؤال نمودند معنای صمد را آنحضرت فرمود الصمد پنج حرف است الف دلیل است بر انحصار حقیقت ذات خدای تعالی و

این است معنای آیه شهادت انه لا اله الا هو و اشاره و تنبیه است بآنکه غایب است از حواس و لام دلیل است بر الهیت او بآنکه هو الله است و الف و لام ادغام میشوند در تلفظ و ظاهر نمیشوند بر زبان و شنیده نمیشوند بگوش ولی در نوشتن ظاهر هستند و ادغام در لفظ و اظهار در کتابت دلیل است بر لطیف بودن او و آنکه حواس ظاهره درك نمیکند او را و هیچ لسانی نمی تواند وصف کند او را و هیچ گوشی تاب شنیدن او را ندارد چه معنای الله چنانچه گفته شد چیزی است که خلاق در او حیرانند و ماهیت او را درك نکنند نه بحواس و نه موهم بلکه او مبدع اوهام و خالق حواس است و ظاهر شدن الف و لام در کتابت دلیل است بر آنکه خدای تعالی ظاهر گردانیده روییت خود را در اثر ایجاد خلاق و ترکیب ارواح لطیفه ایشان در اجساد کثیفه آنها و هر گاه بنده ای نظر کند بسوی نفس خود روح خویش را نمی بیند و درك نمیکند او را پس یکی از حواس ظاهره پنجگانه همچنانچه لام الصمد ظاهر و هویدا نیست در مقام تلفظ ولی هر گاه بکتابت آن نظر کرد ظاهر میشود برای او آنچه لطیف و دقیق و پنهان بود پس هر وقت بنده اندیشه و فکر کند بر ماهیت باری و کیهیت او و اله و جبران بماند و فکر او بجائی نرسد و تصور او را نتواند نمونه چه پروردگار خالق صور است نه خود صور و چنانچه نظر کند بسوی مخلوقاتش ثابت شود از برای آن بنده و یقین پیدا کند که پروردگار خالق موجودات و بشر است و او ارواح را در اجساد وارد و داخل فرموده و ترکیب کرده آنها را بالاجساد و صاد دلیل است بر اینکه خدای تعالی راستگو است و کلام و گفتار او صادق است و مردم را دعوت بحق و صدق میفرماید و وعده او صادق است در دار صدق *

و میم دلیل است بر ملك او چه خدای تعالی ملك الحق المبین است ملك و سلطنت او پیوسته بوده و خواهد بود هرگز زوال پذیر نیست -

و دال دلیل است بر دوام ملك او و معتز است از کون و فساد و هرگز نابود و زایل نشود بلکه پروردگار مکنون کائنات و بوجد او موجودات قائم و بر پا است پس از آن فرمود حضرت باقر علیه السلام اگر می یافتی کسی را که توانائی بار علم

را داشته باشد همانا تمام توحید و احکام اسلام و دین و شرایع را از کلمه الصمد برای او تفسیر و شرح میدادم چگونه عاقلانه می یابیم کسی را که تاب و تحمل برداشتن عذاب بیکه خداوند بجا عطا فرموده داشته باشد چنانچه جدم امیر المؤمنین فرمود کسی را می یافتم که تاب تحمل برداشتن علوم را داشته باشد همانا شرح و تفسیر میکردم از برای او بیا بسم الله الرحمن الرحیم را و میکرد میفرمود بر منبر سلونی قبل ان تفقدونی فان بین النجوانح منی علما جما هاهنا الا لا اجد من یعمله الا و ان علیکم من الله الحجة البالغة فلا تتولوا قوما غضب الله علیهم قد یئسوا من الآخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور .

پایان سوره اخلاص

سورة الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا
وَقَبَ (۳) وَمِنْ شَرِّ الْفَأْتَاتِ فِي الْعَمَدِ (۴) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

سوره فلق در مدینه نازل شده ، پنج آیه و بیست و سه کلمه و هفتاد و چهار حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن بطبری از عقبه بن عامر روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خبر مهم تورا بدو سوره نذر آن که افضل سوره ها هستند؛ عرض کردم بلی فرمود آنها معوذتین است ، این دو سوره بهترین چیز است که پناه دهندگان بآن پناه میجویند در کافی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود هر جوانی در ابتدای جوانی خود تعهد کند که در هر شب معوذتین را سه مرتبه قرائت کند و سوره اخلاص را صد مرتبه و اگر طاقت ندارد پنجاه مرتبه قرائت کند خداوند بر طرف نماید از او هر علت و مرض و عطش و فساد معده و فشارخون را و محفوظ بماند از این امراض تا وقت مردن و فرمود در نماز وتر قرائت کنید سوره معوذتین را ، هر کس در نماز وتر معوذتین و توحید را قرائت کند گفته شود باو ای بنده خدا بشارت باد ترا که خداوند نماز و تررت را قبول فرموده و فرمود این دو سوره را در وقت خوابیدن و بیدار شدن قرائت کن تا محفوظ بمانی از هر آفتی معوذتین مشتمل است بر استعاذه از اعداء و دشمنان .

قوله تعالی (قل أعوذ برب الفلق من شر ما خلق و من شر غاسق اذا وقب و من شر الفأثات فی العمدة و من شر حاسد اذا حسد) در این سوره امر میکند خداوند پیغمبرش را که بگوید پناه ببرید بعد از شر این چیزها مفسرین در معنای خلق اختلاف کرده اند ابن عباس گفت فلق صبح است چه آن شکافته میشود

ترجمه سوره فلق

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو پناه میبرم به پروردگار فروزنده صبح روشن (۱) از شر مخلوقات شریر و مردم بد اندیش (۲) و از شر شب تاریک چون تاریکی آن در آید (۳) و از شر زنان افسونگر چون بجادو در گرهها بپنند (۴) و از شر حسود بدخواه چون آتش رشک و حسد بر فروزد (۵)

پایان ترجمه سوره فلق

از شب و بعضی دیگر گفتند بمعنای خلق است چه پنداری موجودات از عدم شکفته میشوند و از آن بیرون می آیند و جمله من شر ما خلق عام بعد از خاص است و مراد جمع مخلوقات است از آدمی و سباع و درندگان و حیوانات. این پارهویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود فلق چاهی است در جهنم که پناه میبرند اهل جهنم از آتش آن و سؤال میکنند از خداوند که اجازه بفرماید تنفس کند آن باذن خداوند تنفس میکند از شدت حرارت آن جهنم میسوزد و در آن چاه صندوقی است از آتش که اهل آن چاه پناه میبرند بخدا از شدت حرارت صندوق و در آنجا شش نفر از مردم اولین و شش نفر از آخرین است اولین یکی قایل پسر آدم که بر او شری را کشت، دوم نمرود است که حضرت ابراهیم را در آتش افکند، سوم فرعون است، چهارم سامری است که گوساله را ساخت، پنجم کسی است که بنی اسرائیل را از دین موسی برگردانید ششم همان شخص است که نصاری را از دین و طریقه حضرت عیسی بازداشت. و شش نفر آخرین اولی و دومی و سومی و معویه و ذو الندین رئیس خوارج نهر دوان و ابن ملجم قاتل امیر المؤمنین علیه السلام.

و اختصاص داد عالم خلق را باستعاذه چه شر منحصر است بعالم خلق و عالم امر خیر محض است (ومن شر غاسق اذا وقب) و پناه میجویم از شر شب تاریک تاریکی آن عالم را فرا گیرد و تخصیص داده استعاذه را بشب چه مضرات در شب بسیار است زیرا گزندگان و دندندگان و جنایتکاران و فتنه انگیزان در تاریکی شب قیام کنند و دفع شر و مضرات آنها در شب دشوار و مشکل است (ومن

شر الغافات فی القفد) و پناه میجویم از شر زنان افسونگر چون جادو در کرهها بدینند و امر فرمود استعانه از شر ساحران را برای آنکه اگر کسی اعتقاد کند که سحر اثر میبخشد ورنجی از اینجهت در دل او پدید آید پناه بخوند بخدا.

طبرسی از مفضل بن عمر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود
امیر المؤمنین علیه السلام فرموده جبرئیل نازل شد بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت ای رسول خدا دختران لبید بن اعصم یهودی برای وجود مقدس سحر و جادو کردند و رشته ای گرفتند و یازده گره بر آن زدند و در حقه گذاشتند و در چاه بنی زریق افکندند کسی را بغرسی آنرا بیرون آورد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام و زبیر بن عوام را فرستاد آن را بیرون آورد. حضورش تقدیم داشتند پیغمبر امر فرمود آن حضرت سوره معوذتین را بر آن رشته خواندند هر آیه ای که قرائت مینمود یک گره از آن رشته باز میشد و چون از قرائت معوذتین فارغ شد تمام گره ها باز شد و این خود نوعی از اخبار یغیب است و معجزه ایست از آنحضرت و اگر سحر تأثیری بوجود مقدس داشت و یهودیان هم قدرت بر اینگونه اعمال داشتند همانا حضرتش را و بسیاری از مؤمنین را بقتل می رساندند با آن شدت عداوت و دشمنی که با پیغمبر و مسلمین داشتند (ومن شر حاسدا اذا حسد) و پناه می جویم از شر حسود بد خواه چون آتش رشك و حسد بر فروزه. پروردگار جمع فرموده شرور را در این سوره و ختم نمود آنها را بحسد تا بدانند مردم حسد پست ترین طبیعت بشر است.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده فقر و مستمندی نزدیک است که انسان را بکفر بکشاند و حسد در دیک است که غالب گرداند حاسد را بر مقدرات الهی و فرمود آفتدین حسد و عجب و تکبر است و فرمود خداوند بموسی فرمود ای موسی حسد میر بر مردم بواسطه چیزهاییکه خداوند بآنها عطا نموده و نظر و چشم داشت بنعمتهای ایشان نداشته باش چه حاسد غضب کننده است بر نعمی من و مخالف است با قسمت من که تقسیم نمودم میان بندگان خود و شخص حاسد از من نیست و من از او نمیباشم. مؤمن غبطه میخورد

ولی حسد، نمیورزد منافق حسد میبرد و غبطه نمیخورد.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده حسد محو می کند ایمان را چنانکه آتش، محو می نماید هیثم را و فرمود پیر هیزد از حسد، بعضی از شما بر بعضی دیگر حسد سرد، عیسی بن مریم با یکی از اصحاب خود مسافرت مینمود رسیدند دریا عیسی گفت باسم الله صحة و یقین منه و از روی آب مدیسا عبور کرد آن مرد صاحب عیسی پیر علیه السلام کلمات را که عیسی گفت بزبان آورد و از روی آب دریا عبور نمود و در وسط راه با خود گفت این عیسی روح الله از روی آب دریا عبور نمود منم عبور کردم بمحض این که این معنا غلطور کرد در دل او آب او را فرا گرفت نزدیک شد غرق شود استغاثه کرد بعیسی آنحضرت او را نجات داد فرمود ای بده خدا چه گفتی باخود که در اثر آن می خواستی غرق شوی مرضکرمه عجیبی در من داخل شد گفتم عیسی از روی آب عبور میکند منم عبور میکنم فرمود چون نفس خود را در غیر موضعیکه خداوند نهاده نهادی و فرار دادی، لذا پروردگار بر تو غضب نمود، توبه کن از گفتاریکه بزبان جاری کردی و پیر هیز از خدا و حسد هر یکس، آن مرد توبه کرد و برگشت بحالت اولی خود و از روی آب دریا عبور نمود و بساحل رسید

پایان سوره فلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳) مِنْ شَرِّ
الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)

سوره ناس در مدینه نازل شده ، شش آیه و هفده کلمه و هشتاد و یک حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن بعضی در سوره فلق بیان شد حضرت صادق (ع) فرمود هر کس سوره ناس را قرائت کند (هر) شب در منزل خود ایمن باشد از شر جن و وسواس و اگر این سوره را بخورد و همراه طفل کند محفوظ بماند از آزار و اذیت اجنه و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود هر کس این سوره را بر دلدی بخواند آن درد ساکن شود بداند خداوند و شفاه است از برای قاری .

قوله تعالی (قل اعوذ برب الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس) پروردگار امر میفرماید به پیغمبرش که بامت مگوید که پناه بجویند بآفریدگار آدمیان و پادشاه و یکتا معبود و پرستش آنها از شر شیطان و وسوسه کننده که خناس است یعنی پوشیده و پنهان است آن شیطان که وسوسه و اندیشه بد او کند در دل مردمان چه از جنس جن باشد و یا از نوع انسان

طبری از حضرت صادق روایت کرده فرمود نیست دلی مگر از برای اودو گوش است بر یکی فرشته است که هدایت میکند او را و بر دیگری شیطان است

ترجمه سوره ناس

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو پناه میبرم به پروردگار مردم (۱) پادشاه آدمیان (۲) یکتا
معبود آدمیان (۳) از شر ديو و سوسه کننده که خناس است (۴) آن شیطانیکه وسوسه
و اندیشه بد افکند در دل مردمان (۵) چه آن شیطان از جنس جنیان باشد و یا از
نوع آدمیان (۶)

پایان ترجمه سوره ناس

که گمراه می نماید او را فرشته امر میکند و او میدارد او را به بادت و طاعت و
عمل نیکو و شیطان نهی و زجر میکند او را و همین طور است شیطان انسی که او را
میدارد شخص را بر معصیت و نافرمانی چنانچه شیطان جنی وادار میکند او را و
خداوند آنگاه می دارد مؤمنین را از وسوسه شیطانی چنانچه میفرماید و ایدهم
بروح منه .

حضرت عیسی از پروردگار در خواست نمود که موضع شیطان را باو نشان
دهد عیسی دید شیطان سرش مانند سر مار است سر بر دل فرزند آدم نهاده هر گاه
بند ای مشغول ذکر خدا میشود شیطان میگریزد و چون از یاد خدا غافل میشود
می آید و با او حدیث میگوید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شیطان دهن و بینی خود
را بر دل فرزند آدم نهاده است چون متذکر خدا شود از او دور گردد و هر گاه خدا
را فراموش کند دل او را مانند لقمه در دهن گیرد و سوسه آدمی قوی تر از سوسه
شیطانی باشد چه آنکه سوسه شیطان خفی و پنهان است ولی سوسه آدم صریح
و آشکار و علانیه است .

لطیفه: سوسه آدمی بدو طریق تصور میشود یکی آنکه نفس اماره انسانی او
را و میدارد بارتکاب مناهی و اعمال زشت دیگر شخصی از جنس آدمی اغوا میکند
او را و در ظاهر می نماید باو که من چند و نصیحت و اندرز میکنم تو را و حال
آنکه قصدش اغوا کردن و رساندن شر است یاو چنانچه بسیاری از دوستان و رفقای

انسان از این قبیل اشخاص میباشد لذا پروردگار در آیه دیگر میفرماید شیاطین الانس و الجن پس شیطان جنی و سوسه میکند او را و شیطان انسی آشکارا و پلانیه باو میگوید این کار را بکن و این عمل را انجام مده و در ظاهر باو میگوید من خیر خواهم تو هستم پس زیان و ضرر از ناحیه این دو طایفه عاید انسان میشود از اینجهت پروردگار امر فرموده استعافه بچوئیم از آنها و هرگاه شخص پناه جست از شر آنها بخدایتعالی پروردگار او را نگاه میدارد و حفظ میفرماید و نمیگذارد شرور اینان باو برسد .

پایان سوره ناس

چهارم کتاب

سیاس بی منتها پروردگاری را سزااست که دلهای ما را بنور ایمان منور ساخت و اسرار قرآن مجید و احادیث را بما آموخت از آنروزی که قلم ددست گرفته و خواستم این تفسیر شریف را که از تفاسیر عصر گذشته و حاضر است از حیث مطالب تألیف نمایم. داندیشه فرو رستم که خدمت بزرگی بعهده گرفتم و چگونه میتوانم بتمنای با نبودن وسائل کافی در پیرامون آیات مقدسه الهی که چهارده قرن است جهان بشریت را بخود متوجه و معطوف داشته قلم فرسایی کنم تا عاقبت بذیل عنایت ولی عصر روحی فداء متوصل شده و از آن بزرگوار استمداد و یاری جستم. شکر خدای را که توفیق عطا فرمود تا این درد گرانبها را که از سنت نبوی و احادیث آل عمت و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین گره آوری شده در هفت بخش و مجلد به پایان رساندم. از خصوصیات این تفسیر آنستکه بشر را باسول آدمیت و مدنیت میخواند و او را از حسیض جهالت باوج عرفان و حقیقت میرساند و خفتگان راه حقیقت را بیدار و متذکر میسازد و غوی نیکو را معرفی می نماید و بحقیقت دایرة المعارف اسلام و مذهب جعفری است، دلیل و راهنمایی است برای دانشمندان، چه طرق و استنباطات احکام شرعی را بطور سهل و آسان رهبری کرده و معارف را از سر چشمه صافی که بیان و گفتار ائمه معصومین است بمردم جهان گوشزد میکند و توحید و نبوت و خدا شناسی و امامت را با دلیل و برهان علم و خرد می شناساند، سخنان باطل گمراه کنندگان را محو و نابود میکند، مسائل حرام و حلال و احبات و محرمات، احکام تکلیفی و اجتماعی، قصص و داستان را بیان می نماید این تفسیر بنام نامی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز و انجام پذیرفت. پروردگار را چون توانائی بدارم که کوچکترین نعمتهای بی شمار ترا سپاس گزارم پس سر نیاز و ناتوانی بدرگاه تو فرود آورده ام تو بکرم غیر عمتهای خود مرا بپذیر و بقصور و تقصیرم مگیر. پروردگار را در قرآن مجید چنین فرموده ای که چون برادران یوسف عزیز مصر در حال پریشانی و قحطی و سختی با اندک هدایائی یاستان برادر خود رفتند و گفتند:

(یا ایها العزیز منا و اهلنا العز و جثنا بهضاعة مزجاة فاوف لنا الکیل و تصدق علينا ان الله یجزی المتصدقین) .

یوسف عزیز که یرتوی از مهر جهان تاب و لطف و کرم تو بر داش تاییده بود آنانرا با همه گناهانی که کرده بودند پذیرفت و بر خشم خود چیره شد و از ایشان در گذشت ، پرورد گارا منهم رو بتو آورده ام ، مجموعه این تفسیر شریف را حضور خلیفه و حجت مولای خود امام زمان اهدا مینمایم و با کمال عجز و انکسار عرضه میدارم ، ای عزیز عالم ای حجت پرورد گار ای امام غایب ، من گرفتار سختی زندگانی و ذات روزگار شده ام با این هدیه بيمقدار بهاحتی قدست متوسل شده ام چه شود از کرم خود اندکی بر من ترحم فرموده منی گذارید و صدقه روا دارید خداوند جزای خیر و پاداش نیک بر صدقه دهندگان میدهد .

ای حجت خدا از روی احسان بر ما تفضل فرما و شفاعت را در روز محشر از ما و پدر و مادر دریغ مفرما پرورد گارا جامه مسلمان را از گزند دشمنان محفوظ بدار و آتش حسد و کینه و نفاق و مصیبت و بدبختی و جنگ و خونریزی را از میان آنها خاموش ساز .

در ظهور حجت ولی عصر روحی و روح العالمین له الفداء تعجیل بفرما .
در خاتمه از خوانندگان گرامی تقاضا دارم چنانچه روایت و یا مطلبی از این تفسیر نقل مینمایند از نام بردن اسم مؤلف و تفسیر مضایقه نکنند و در حیات و ممات از دعای خیر و طلب مغفرت برای اینجانب و پدر و مادرم دریغ نفرمایند ، چه بسیار رنج کشیدم تا این تفسیر را در دست عموم قرار داده ام و از خداوند توفیق همراستانت می نمایم .

والسلام علی من اتبع الهدی

تهران مورعه ۱۷ شهر رجب یک هزار و سیصد و هشتاد و یک هجری ، مطابق

۱۳۴۰/۱۰ شمسی .

حاج سید ابراهیم بروجردی

پایان کتاب

فصلنامه

متمنی است اول اغلاط را تصحیح فرمائید سپس بقرائت به پردازید.

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳	۲۲	وبفضل بن عمر	وبفضل بن عمر
۱۷	۴	رسید در تقریظ	رسید و صروف اسد در تقریظ
۱۷	۶	بابویه	ابن بابویه
۱۷	۸	از صاحبان سایر کتب	از صاحبان کتب
۱۷	۱۸	چهارتها کردم	چهارتها کرده
۱۸	۲	کتب و رساله صلب	اغلب کتب
۲۲	۱۹	و حوادث	و حوادث
۳۱	۳	در آن بهشت	در آن دو بهشت
۳۲	۲۴	عرض کرد	عرض کردم
۳۷	۷	دست راست (۸) چپ	دست راست چپ
۳۷	۷	(۹)	(۸)
۳۷	۸	(۱۰)	(۹)
۳۷	۸	بیشی گرفتند آنها	بیشی گرفتند (۱۰) آنها
۴۴	۳	افرا بتم مالا تحرونون	افرا بتم ما تحرونون
۴۴	۲۱	باید خطاب بخورش بلفظ	باید خطاب بلفظ
۶۳	۶	ای بندگان بگیرید	ای بندگان سبقت بگیرید
۶۵	۳	و بآنچه بشا دلشاد	و بآنچه بشا داده شده دلشاد
۶۵	۱۸	ز کوه خود	ز کوه دادن
۶۷	۱۳	بیوسد ضکرد	بیوسد عرض کرد
۷۴	۱۷	حضرت رسول اکرم آنحضرت میباشد حضرت رسول اکرم آل آنحضرت میباشد	
۹۵	۱۶	و فرمان برداری امر	و فرمان برداری مرا
۹۹	۱۵	اموال و آنها و فی	اموال آنها
۱۰۶	۱۰	را پس	را نازل نمود پس
۱۰۸	۱۷	فرمود (۷) آیه	فرمود آیه
۱۱۱	۱۰	بشیطان بقول الله تعالی	بشیطان بقولش
۱۱۳	۲۱	بقول الله تعالی	بقولش
۱۱۵	۲۲	بدون وجه	بدون توجه
۱۲۵	۲۴	و مراوده کنیم	و مراوده کنید
۱۲۸	۱۲	مصافحه خواهیم کرد	مصافحه نخواهم کرد

جمله هفتم	غلطنامه	۵۴۸
وامی بفرمان برداری	وامی بفرمان برداری	۱۳۰
از جمله پس از آن میفرماید تا کلمه بقولش در سطر ۱۹ مؤخر است	از جمله پس از آن میفرماید تا کلمه بقولش در سطر ۱۹ مؤخر است	۱۳۱
از سطر ۶ تا بیست دو مقدم است	از سطر ۶ تا بیست دو مقدم است	۱۳۱
حضورش عرض کرد	حضورش عرض کرد	۱۳۴
احکام شروع	احکام شروع	۱۴۹
واصحاب از آن مکان	واصحاب از آن مکان	۱۶۱
مسمود از یغبر اکرم	مسمود از یغبر اکرم	۱۷۳
مرتبه سوم او را طلاق بدهد	مرتبه او را	۱۷۸
وسع خویش	وسع و طمع	۱۸۱
شدند یا مدخوله	شدند مدخوله	۱۸۳
یا غیر مدخوله هستند یعنی نزدیکی	یا نزدیکی	۱۸۳
زمین را	کف زمین را	۱۸۶
بجوئی	باین میجوئی	۱۸۹
واو دیگر برا خدا	واو خیانت کرد و دیگر برا آگاه ساخت	۱۸۹
هنگامیکه	هنگامیکه	۱۹۵
فاطمه زهرا یغبر اکرم	فاطمه زهرا یغبر اکرم	۱۹۶
راوندگان قرآن دادیم	راوندگان شیاطین قرآن دادیم	۲۰۱
منزل خود نمیبرد	منزل خود را	۲۲۱
باو امر و نواهی	باو امر و نواهی	۲۲۴
واو را نکوهش	ونکوهش	۲۲۵
یونس که تعجیل کرد	یونس که تعجیل کرد	۲۲۵
آن مردم مانند ساقه خشک	آن مردم ساقه خشک	۲۲۹
ان کان هذا هو الحق	ان کان هذا هو الحق	۲۴۰
آنها با انسانی	آنها با انسانی	۲۴۱
غیر مأمون این آیه	غیر ای	۲۴۴
یعنی مگر مأمون	یعنی مگر مأمون	۲۴۴
به پرستید	پرستیدند	۲۴۹
و دوری نیفزود	و دوری آنها نیفزود	۲۵۱
پس از مکر ما	پس مکر از ما	۳۵۱
آیه و بانهن	آیه و به انهن	۳۵۴
مانند انسان بعضی	مانند بعضی	۳۶۲
مذکور در خلقت بلکه در عالم خداوند مذکور در علم خداوند در خلقت و تکون	مذکور در خلقت بلکه در عالم خداوند مذکور در علم خداوند در خلقت و تکون	۳۰۱
بد کردار و مجرم	بد کاری هستید	۳۱۸
و سه کلمه	و سه که	۳۲۰
قراعت کند خداوند زیارت	قراعت کند زیارت	۳۲۰

اعلام آنروز	۱۲	۳۲۵
آنروز		
و مردود هزاران هزار سال	۲۱	۳۲۶
و مردود هزار سال		
قرائت کند مگر	۱۰	۳۳۰
قرائت کند نپرد مگر		
بر تو آن نرو تندی	۱۳	۳۴۱
بر تو تکلیفی نیست اگر آن نرو تندی		
از فرزند آن حضرت فاطمه	۲۳	۳۶۳
از فرزند آن حضرت فاطمه نیستی		
لایسجرون	۶	۳۷۲
لایسجرون		
اتفاق افتاد از ایام	۲	۳۸۰
در آن ایام		
که در آنروا اجرای دین و احکام آن	۱۷	۳۸۲
که در آنروا اجرای دین و احکام آن		
با آنها مخالفت و پایداری		
با آنها مخالفت میورزیدند		
لحظه ای خود	۲۲	۳۸۸
لحظه ای بخود		
آنگاه ملامت	۱۵	۳۹۳
آنگاه ملامت کند		
وجود یومت	۱۶	۳۹۶
وجود یومت		
تاموین را بمؤمنین	۲۵	۳۹۹
تاموین را بمؤمنین		
و آیه پروردگار تو فرشتگان	۱	۴۰۷
و امر کند پروردگار تو فرشتگان		
خدا نیست عادل و سزاگرم ترین	۸	۴۴۳
خدا عادل و سزاگرم ترین حکم کننده گان		
حکم کنندگان		
فرمود آیه در باره تیم	۱۸	۴۴۳
فرمود آیه در باره تیم		
خداوند دشمنان	۱۰	۴۴۴
خداوند دشمنان		
نور ساطعی در قلب	۱۰	۴۶۱
نور ساطعی در قلب		
بهترین مردمان	۱۲	۴۶۴
بهترین مردمان		
طیرا اباطیل	۳	۴۹۴
طیرا اباطیل		
و بوجود او موجودی	۲۴	۵۳۵
و بوجود او موجودات		
از غلطهای جزئی صرف نظر شد		